جلد سوم

هیات وزیران ایران در عصر مشروطیت

نخبگان سیاسی ایران

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

تالیف : زهرا شجیعی



نخبگان سیاسی ایران

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

وزارت و وزیران در ایران

هیأت وزیران ایران درعصر مشروطیت

مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی

جلد سوم

تهران - ۱۳۸۳

شجیعی، زهرا
نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی: مطالعه از نظر جامعه‌شناسی سیاسی/ تالیف زهرا شجیعی.- [ویرایش ۲]- [تهران]: سخن، ۱۳۷۲.
۴ ج.: جدول، نمونه، نمودار.
ISBN 964 - 372 - 087 - x (ج.۲)- ISBN 964 - 372 - 086 - 1 (ج.۱)- ISBN 964 - 372 - 090 - x (دوره)-
ISBN 964 - 372 - 089 - 6 (ج.۴)- ISBN 964 - 372 - 088 - 8 (ج.۳)-
فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه.
مندرجات: ج. ۱. وزارت و وزیران در ایران: وزارت و تطور آن در ایران. --ج. ۲. وزارت و وزیران در ایران: نخست‌وزیران و وزیران در ایران: ترکیب گروهها و منشاه اجتماعی نخست‌وزیران و وزیران. --ج. ۳. وزارت و وزیران در ایران: هیأت وزیران ایران در عصر مشروطیت. --ج. ۴. نمایندگان مجلس شواری ملی: ویژگیهای گروهی و منشاه اجتماعی نمایندگان. --
ج. ۱ - ۴ (چاپ دوم: ۱۳۸۳).
۱. سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۳ق. ۲. سیاستمداران ایرانی -- قرن ۱۴. ۳. ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۴ق. - ۱۳۲۷ق. ۴. ایران -- تاریخ -- پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷. ۵. ایران -- سیاست و حکومت -- تاریخ. الف. عنوان.
DSR ۱۴۴۰/ ۳ن۳ش
۱۳۷۲
۹۵۵/۰۷۵۰۹۲۲
کتابخانه ملی ایران
۴۸۵۱ - ۷۵م

انتشارات سخن

نخبگان سیاسی ایران (جلد سوم)

از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی

تألیف: زهرا شجیعی

چاپ دوم: ۱۳۸۳

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

لیتوگرافی: صدف

چاپ: حیدری

خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران، شمارهٔ ۱۳۹۲ تلفن: ۶۴۶۵۹۷۰

شابک ۸ - ۰۸۸ - ۳۷۲ - ۹۶۴ ISBN 964 - 372 - 088 - 8

شابک دورهٔ ۴ جلدی x - ۰۹۰ - ۳۷۲ - ۹۶۴
ISBN 964 - 372 - 090 - x (4 Vol. Set)

به پدرم

شادروان جواد شجیعی

فهرست مندرجات

پیشگفتار

کتاب حاضر، چهارمین مجموعه از بررسی دربارهٔ برگزیدگان سیاسی ایران و سومین جلد از سلسله پژوهشهای طرح تحقیق درباب وزارت و وزیران در ایران عصر مشروطیت می‌باشد.

همچنانکه در مقدمهٔ جلد نخست تحت عنوان وزارت و تطور آن اشاره شده است اطلاعات گردآوری و مندرج در این جلد، حاصل سالها پژوهش و مطالعه در مدارک و اسناد موجود در مراکز مختلف ازجمله: نخست‌وزیری، بایگانی وزارت امور خارجه، اداره بایگانی و اداره قوانین مجلس شورای ملی، وزارت دارایی، سازمان برنامه و بودجه می‌باشد که در مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران و در بخش جامعه‌شناسی ایران در پانزده سال پیش از تاریخ انتشار انجام یافته است.

کلیهٔ مراحل پژوهش: تهیه طرح و تصویب آن در شورای تحقیقات علمی دانشگاه تهران. گردآوری مدارک، تجزیه و تحلیل مدارک، تنظیم و تدوین گزارش نهایی حاصل از تجزیه و تحلیل آماری، نگارش مختصر تاریخ هر هیأت دولت عصر مشروطیت. در مؤسسهٔ دانشگاهی مذکور در فوق در سال ۱۳۵۶ شمسی پایان یافت و آماده انتشار گردید.

متأسفانه نظر به عواملی چند، توفیق انتشار حاصل نشد. اینک پس از گذشت سالها پروردگار را سپاس می‌گذارم که توفیق عرضه در بیش از پانزده سال حاصل آمد. آرزومندم که این اثر و اطلاعات گردآمده، بی‌آنکه نگارنده مدعی باشد، نمایانگر کلیه جوانب مربوط به قوه مجریه و دولتها بوده و کامل و بی‌نقص است ولی اطمینان دارد که مجموعه این پژوهش‌ها، یک تصویر کلی از وزارت و وزیران را به‌دست داده، و راه را

برای بررسی‌های مشابه در آینده هموار خواهد ساخت و مفید برای کسانی خواهد بود که در این راه قدم برداشته و برخواهند داشت. بویژه امید چنان دارم، که شوق‌انگیز و مفید برای دانشجویان و پژوهشگران دانشکده علوم اجتماعی که نگارنده از اولین گروه پرورش‌یافتگان آن مکتب بوده‌ام باشد. و در تکمیل این مهم بکوشند.

کتاب حاضر، دو جلد دیگر تحت عنوان فهرست اعلام رجال ضمیمه خواهد داشت که بدنبال چهار مجموعه مربوط به برگزیدگان سیاست ایران عصر مشروطیت به یاری ایزد یکتا ارایه خواهد شد.

یادآوری می‌شود، در بخش سوم این مجموعه و فصل هفتم مربوط به برنامه‌های مالی دولتها، از نظر فنی ارایه جداول آماری ارقام ریز بودجه کل کشور و بخشهای مختلف آن ارایه نشد. نگارنده از خوانندگان محترم در مورد این نقص، طلب پوزش می‌نماید.

بر خود فرض میداند از همهٔ بزرگواران و مقاماتی که به نگارنده در انجام این مهم توفیق عنایت فرمودند سپاسگزار باشم. اشاره می‌شود خط خوش آقای فرح‌نیا مربوط به صفحهٔ «۳» بر زیبایی کتاب حاضر افزوده امید است مراتب تشکرم را بپذیرند.

آبان‌ماه ۱۳۷۱

زهرا شجیعی

بخش اول

مشخصات کلی هیأت وزیران

مقدمه

پژوهش دربارهٔ دولتهای مشروطه، با وجود مدارک و اسناد کافی، امکانات وسیعتری را نسبت به دولتهای قبل از مشروطیت برای پژوهندگان میسر می‌سازد. و با بهره‌مندی از منابع متعدد موجود می‌توان با دیده‌های مختلف گامی برای حصول منظور برداشت.

تحقیق حاضر در این زمینه، در سه بخش زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش نخست ـ مشخصات کلی هیأت وزیران عصر مشروطیت

بخش دوم ـ مختصر تاریخ هیأت وزیران عصر مشروطیت

بخش سوم ـ نقش دولتها و تصمیم‌گیرندگان سیاسی کشور، در تحولات اجتماعی ایران عصر مشروطیت

لازم به یادآوری است که در این قسمت از پژوهش نیز همچون بررسی‌های گذشته ما، در زمینهٔ برگزیدگان و سرآمدان سیاسی ایران، کوشش شده است تا با کاربرد روشهای تجربی و آزمونهای آماری، به نتایج به‌دست آمده و بررسیهای خود بر صحت و کیفیت مسایل و موضوعهای مورد بحث بیفزائیم.

توجه به عناوین بخشهای این مجموعه، به‌ویژه بخش دوم و سوم، در بدو امر شاید تصور شود که بحث ما جنبه تاریخ‌نگاری و ناظر بر کلیه فعالیتها و اقداماتی خواهد بود که در دوران زمامداری هر دولتی انجام یافته است، و یا به ارزشیابی کمی و کیفی تدابیر و اقدامات دولتها، موفقیت و عدم توفیق آن‌ها در راه پیشبرد کشور به‌سوی حکومت ملی خواهیم پرداخت. حال آن که این مهم، برعهده مورخان و اندیشمندان صاحب‌نظر سیاسی

می‌باشد، نه در توان نگارنده این مجموعه.

در بحث از تاریخ هیأت وزیران، هدف ما ذکر تاریخ تشکیل هر هیأت دولت، و بیان فشرده وقایع و حوادث سیاسی که احتمالاً در ثبات و عدم ثبات و تزلزل دولتها مؤثر بوده است می‌باشد نه تاریخ تفصیلی دوران حکومت مشروطه.

و اما در بخش تبیین نقش دولتها، صرفاً تلاش بر آن مقصور شد، تا همانند هر تحقیق تجربی جامعه‌شناسی، برداشتها از طریق تجزیه و تحلیل مدارک و اسناد موجود، در ادوار تاریخی عصر مورد مطالعه و ارایه جداول آماری حاصل از برداشتهای مدارک و اسناد باشد. با توجه به این نکته که استفاده از پاره‌ای مدارک و اسناد محرمانه که مبین و روشن‌کننده بسیاری از مسایل پیچیده سیاست دولتها می‌باشد، به‌موجب مقررات و قوانین معمول، در عمل غیرممکن بوده است.

مراتب مذکور در فوق ما را بر آن داشت تا برای ارایه نقش دولتهای عصر مشروطیت، از یک طرف به مطالعه هدفها و برنامه‌های اجرایی و مالی هر یک از آنها بپردازیم و از طرف دیگر با مداقه در بودجه کل کشور پیشنهاد شده از جانب هر دولت در طول سالهای حکومت مشروطه، راهی را که دولت مزبور در تحقق هدفها و برنامه‌ها در پیش گرفته مشخص و معلوم سازیم. و ارزیابی از اقدامات و فعالیت هیأتهای وزیران و اثری که آنها در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور داشته‌اند به‌عهده مورخان واگذار نماییم.

مشخصات دولتهای مشروطه

از آثار و قرائن موجود، در تاریخ سیاسی دولتهای مشروطه به‌تفصیلی که خواهد آمد چنانچه انحراف فکری ما را فراهم نساخته باشد چنین برمی‌آید که کابینه‌های ایران از آنجا که قانون اساسی روش اعمال قدرت دولتها را به‌طور وسیعی مشخص و تعیین نکرده است، در همه ادوار تاریخ سیاسی، قدرت ایجاد هماهنگی و نظارت لازم بر جمیع امور قانونی خود را که لازمه یک حکومت قوی ملی است نداشته‌اند.

و به بیانی روشنتر، قدرتهای تصمیم‌گیرندگان سیاسی مملکت را نمی‌توان در درون قوه اجرائیه یا هیأت وزیران یافت. در دوره‌های مختلف عصر مشروطیت، نیروهای اجرایی خارج از هیأت دولت، و تصمیم‌گیرندگان سیاسی واقعی را، گاه دربار و به دورانی بسیار معدود و محدود رؤسای دولت (نخست‌وزیران) و به عصری نیز قوه قانونگذاری و به زمانی دیگر با اعمال قدرت دولتهای خارجی تشکیل می‌داده است و این ویژگی را در هر یک از ادوار سه‌گانه مشروطیت با اختلاف کم و بیش می‌توان یافت.

چنانچه عصر اول مشروطیت را ملحوظ بداریم، در درون این دوره تاریخ سیاسی نیز، دوره‌های فرعی متمایزی خواهیم دید که به‌ویژه از جنبه قدرت تصمیم‌گیرندگان و نیروهای اعمال قدرت بر قوه اجرایی مملکت قابل ملاحظه و بحث‌انگیز می‌باشد.

در سالهای اول مشروطیت، یعنی دوران عمر مجلس اول تا استبداد صغیر (۱۲۸۵ شمسی تا خردادماه ۱۲۸۷) هرچند سلطنت مشروط به‌طور کلی در روش

حکومت دولتها اثر قابل توجهی نسبت به گذشته باقی گذاشت و مجلس اول هم تمایل شدید داشت تا قدرت قوه قانونگذاری را بر قوه مجریه تحمیل نماید، ولی از آنجا که اصل تفکیک قوا منشاء طرزتفکر و تعصب خاص در کابینه‌ها شده بود، وزیران در برابر وضع سیاسی جدید مجلس، کوشش در افزایش قدرت و بالاتر قرار دادن قوه مجریه مبذول می‌داشتند.

این چنین سیاستی چنانچه به‌جای خود خواهد آمد عدم ثباتی که خاص حکومتهای ملی نوبنیاد می‌باشد به‌وجود آورد.

لازم به توضیح نیست که دوران استبداد صغیر، نیروی تصمیم‌گیرنده سیاسی دربار بود و وزیران فاقد قدرت کافی بودند.

و اما دورانی که از ۱۲۸۸ شمسی شروع و تا کودتای ۱۲۹۹ به‌طول انجامید، این دوره مقارن عمر مجلس دوم و سوم و فترتهای طولانی از سویی و دگرگونی سیاست جهانی با شروع جنگ بین‌الملل اول و نفوذ عوامل خارجی در ایران از سوی دیگر می‌باشد.

در دوران مجلس دوم و سوم با تشکیل دو جناح اقلیت و اکثریت که بدعت ناصرالملک بود و تأثیر این نظام حزبی پارلمانی بر کابینه‌ها، ثبات و عدم ثبات و اعمال قدرت قوه قانونگذاری بر هیأت اجرایی وضعی متمایز از دولتهای گذشته داشته است.

نفوذ و قدرت دربار با شروع سلطنت احمدشاه، به‌سبب عوامل متعدد سیاسی به‌ویژه اعمال نفوذ نیروهای خارجی تضعیف گردید. به‌عبارتی دیگر احمدشاه هرگز قدرت پدران خود را با طرز تفکر خاصی که در شیوه سلطنت بر کشور مشروطه داشت حفظ نکرد و دربار به‌عنوان یک مرکز تصمیم‌گیرنده و نیروی حفظ تعادل و توازن قوا بین دو قدرت قانونگذاری و مجریه به‌حساب نیامد.

در این دوره از تاریخ هرچند قدرت وزیران به‌ویژه از جنبه اجتماعی و اقتصادی افزایش یافت ولی باید افزود که مرکز قدرت تصمیم‌گیرنده دگرگونی یافت.

در کودتای ۱۲۹۹ شمسی، دربار بیش از پیش قدرت رهبری و اتخاذ تصمیم را از دست داد و سیاست خارجی با شروع جنگ بین‌الملل اول بیش از پیش در کلیه شئون ایران رخنه کرده بود بی‌شبهه این سیاست در تشکل هیأت دولت و انتصاب وزیران نیز تأثیر قابل توجهی گذاشت.

افزایش قدرت پاره‌ای از رؤسای دولت (رضاخان سردار سپه) در این زمان، نیروی عوامل خارجی و عوامل متعدد داخلی دیگر در عین اینکه قدرت اجرایی هیأت وزیران را تضعیف می‌کرد به‌تدریج موجبات انقراض سلسله قاجاریه و روی کار آمدن سلسله پهلوی را فراهم ساخت.

دوره دوم مشروطیت ایران که با شروع سلطنت سرسلسله دودمان پهلوی شروع گردید، هرچند دوران بس کوتاهی (۱۳۰٤ تا ۱۳۰٦) از آن را می‌توان دوره اعمال قدرت و نفوذ مجلس را به‌عنوان مرکز قوی تصمیم‌گیرنده سیاسی و حاکمیت نسبی قوه قانونگذاری دانست ولی به‌طور کلی از این زمان به‌بعد دربار به‌عنوان یکی از مراکز مهم قدرت محسوب می‌گردید و وزنه تعادلی میان هیأت وزیران و مجلس مقنن گردید، مقتضیات سیاسی و اجتماعی چند ضمن اینکه ثبات کابینه را دربر داشت، آنها را به‌صورت یک واحد متعادل درآورد و وزیران درواقع تصمیمات و سیاستهای مهمی که برای پیشبرد هدفهای اصلاحی مملکت و توسعه اقتصادی کشور گرفته می‌شد به مورد اجرا می‌گذاشتند.

با شروع جنگ بین‌الملل دوم و اثرات شوم اشغال نیروهای خارجی در ایران و پیدایش محیط پرآشوب ناشی از عوامل داخلی و خارجی، نظارت کاملی که بر اوضاع کشور مسلط بود درهم شکسته شد و به علت فقدان یک تشکیلات سیاسی ثابت، نیرویی که بتواند گروههای مختلف مرکب از: روحانیان، بازاریان، اصناف و گروه‌های اداری (کارمندان دولت) و روشنفکران را به هم بستگی داده و در یک مسیر سوق دهد وجود نداشت.

تأثیر این چنین محیط سیاسی بر کابینه‌ها، عدم ثبات و تزلزل را از سویی و عدم قدرت اجرایی هیأت وزیران را از سوی دیگر دربر داشت و آن بهره‌مندی که از همکاری و تعادل بین مجلس و هیأت دولتها می‌شد،موجودیت خود را از دست داد.

معدودی از رؤسای دولت از اعتماد و همکاری مجلس برخوردار بودند و عده‌ای توانایی و شرایط جلب اعتماد مجلس را نداشتند و از همکاری قوه قانونگذاری بهره‌مند نگردیدند.

در این دوران از تاریخ سیاسی مشروطیت تا قبل از شروع انقلاب سپید (شاه) و روی کار آمدن دولتهای حزبی، قدرت اجرایی را در خارج از چهارچوب هیأت وزیران

همچون دوران اول مشروطیت می‌توان جست، به‌این معنی گاه مجلس، زمانی نیروهای خارجی، و به دورانی رؤسای باقدرت دولت،هم تصمیم گیرنده و هم صاحب قدرت اجرایی بوده‌اند.

با روی کار آمدن دولت حزبی حسنعلی منصور و شروع دورانی که شاه وقت و مورخان زمان از آن با عنوان انقلاب شاه یاد می‌کنند، قدرتها همچنان نامتعادل بود تا در این دوران ثبات سیاسی و تمرکز قدرت به‌صورت حکومت مطلق که دربار طراح و عامل آن بود تعادل بین نیروهای مختلف ازجمله دو قوه قانونگذاری و مجریه را برقرار ساخت.

بیان داشتیم که یکی از اثرات و نتایج عدم تعادل و همکاری بین نیروهای تصمیم گیرنده سیاسی در ایران تزلزل و عدم ثبات دولتها بوده است، این پدیده را از بررسی تعداد هیأت دولتهایی که در طول تاریخ سه‌گانه مشروطیت بر سر کار آمده‌اند به شرح زیر می‌توان یافت.

در دوران حکومت قاجاریان که ما از آن به عصر اول مشروطیت نام می‌بریم و از سال ۱۲۸۵ شمسی تا ۱۳۰٤ طول کشید، تعداد دولتهایی که متصدی رهبری سیاست کلی کشور بوده‌اند بالغ بر ٦۱ هیأت دولت می‌شوند و چنانچه عمر این مشروطیت را ملحوظ بداریم به‌طور متوسط در هر سال سه هیأت دولت بر سر کار آمده است.

اما به دوران سلطنت پهلوی و آغاز عصر دوم مشروطیت که ثبات سیاسی و تعادل قدرت و همکاری بین نیروها برقرار بود، هیأت وزیران دوام بیشتری می‌یافت. به‌طوری که در طی حدود ۱٦ سال عمر این حکومت بیش از ۱۵ کابینه بر سر کار نیامده‌اند و این تعداد روشنگر این نکته است که به‌طور متوسط هر دولت بیش از یک سال زمان برای اداره امور کشور داشته است.

چنانچه عصر سوم مشروطیت را که از سال ۱۳۲۰ شمسی و با شروع جنگ بین‌الملل دوم آغاز و تا زمان انقلاب اسلامی (بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی) منظور بداریم، خود به دو دوره متمایز قبل از انقلاب سپید و بعد از انقلاب ششم بهمن می‌توان تقسیم کرد.

در این عصر مجموعاً ۵۰ هیأت دولت مصدر امور جاریه کشور بوده‌اند که از این رقم تعداد ٤۰ هیأت دولت مربوط به سالهای بین ۱۳۲۰ تا ۱۳٤۲ شمسی است و ۱۰

هیأت دولت از شروع حکومت حزبی حسنعلی منصور به‌سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ شمسی بر سر کار آمده‌اند.

این رقم روشنگر بی‌ثباتی دولتها و کوتاهی عمر آنان به دوران قبل از انقلاب ششم بهمن‌ماه است، به‌طوری که می‌توان گفت هر سال بیش از دو دولت عهده‌دار امور عمومی جامعه بوده‌اند.

بی‌مناسبت نمی‌داند ضمن ارائه جداولی چند درباب مدت زمامداری هر هیأت وزیران با تفصیل بیشتری در این‌باب سخن گفته شود.

فصل اول

مدت زمامداری هیأت وزیران

سیری در گذرگاه تاریخ سیاسی ایران، از زمانی که فرمان مشروطیت در تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ هجری قمری برابر ۱۳ امردادماه ۱۲۸۵ شمسی، از طرف پادشاه وقت مظفرالدینشاه قاجار صادر شد، و به موجب قانون اساسی، اداره امور کشور بر مسئولیت مشترک و مشورت فیمابین دولت و مجلس بنیان گذاری شد. پژوهش در مراحل مختلف پرفراز و نشیب این نظام سیاسی هفتاد و دو ساله ایران ما را به این نتیجه می‌رساند که عوامل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی چند حاکم بر ایران سبب گردیده است که هیأت دولتهای متعدد و بی‌دوام با سرعت عجیب و تأسف‌باری یکی پس از دیگری تغییر کند و هر دولتی بدون اینکه زمان لازم برای اجرای برنامه و هدفهای مطروحه خود داشته باشد، زمام امور مملکت را در دست گیرد.

بررسی تاریخ یکصد و بیست و سه هیأت وزیران عصر مشروطیت وتوجهی به آمار مربوط به مدت زمامداری هر هیأت دولت، به‌روشنی این پدیده را معلوم می‌دارد که رؤسای دولتها با عده‌ای نسبتاً اندک از وزیران به‌دفعات متعدد بر سر کار آمده‌اند و موفق به تشکیل دولتهایی چند گردیده‌اند.

به‌طوری که جدول شماره ۱ـ نشان می‌دهد در طی سالهای ۱۲۸۵ شمسی تا ۱۳۵۷ تنها ۴۲ معتمد سیاستمدار از طرف ۵ سلطان وقت مأمور تشکیل هیأت وزیران شده‌اند درحالی که اگر قرار بود با هر بار تجدید دولت، نخست‌وزیر جدیدی بر سر کار

می‌آمد لازم بود که سه‌برابر بیش از عده مذکور از جانب سلاطین مأمور تشکیل دولتها می‌شدند.

و ما در جدول مذکور در فوق می‌بینیم که ۲۴ تن از جمع ۴۲ تن نخست‌وزیران عصر مشروطیت برای یک نوبت زمامداری برگزیده شده‌اند (۴۷/۳۷ درصد)، درحالی‌که ٦ تن از گروه مورد پژوهش ما، بین ۳ تا ۷ نوبت، تصدی مقام نخست‌وزیری به آنها پیشنهاد شده و پذیرفته‌اند.[۱] (۱۴/۲۸ درصد) و نزدیک به ۲۹ درصد آنها در دو نوبت موفق به تشکیل هیأت دولتها شده‌اند.

جدول شماره ۱ـ تعداد دفعاتی که نخست‌وزیران مأمور تشکیل دولت شده‌اند

تعداد دفعات مأموریت	فراوانی	درصد	
تعداد کل نخست‌وزیران	۴۲		
یک دفعه مأموریت	۲۴	۵۷/۳	
دو دفعه «	۱۲	۲۸/۵	
سه دفعه «	۲	۴/۷	
چهار دفعه «	۲	۴/۷	
پنج دفعه «	۱	۲/۴	
هفت دفعه «	۱	۲/۴	
جمع کل	۴۲	۱۰۰	

هرآینه کیفیت توزیع این عده از برگزیدگان پست نخست‌وزیری را با توجه به دوران سلطنت سلاطین ملحوظ بداریم، ناگزیر سه دورهٔ متمایز سیاسی خواهیم داشت که

۱ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک ٦ نوبت دعوت رسمی برای تشکیل دولت در سلطنت قاجاریان، و یک مرتبه در دورهٔ رضاشاه ـ قوام‌السلطنه(عصر اول)، مشیرالدوله (عصر اول)، و محمدعلی فروغی (۲ و ۳) نیز هر یک چهار نوبت برای تشکیل هیأت دولت از آنها دعوت به‌عمل آمده است.

از آن به اعصار زیر نام می‌بریم.

۱ـ عصر سلطنت قاجاریان

۲ـ دوران حکومت رضاشاه پهلوی

۳ـ زمان زمامداری محمدرضاشاه پهلوی

از مجموع ٤۲ تن نخست‌وزیران: ۱۸ تن در دوران حکومت قاجاریان[۲] ۵ تن در طی حدود ۱٦ سال سلطنت پهلوی اول، و ۱۹ تن نیز در دوران ۳۷ سال حکومت پهلوی دوم ریاست هیأت وزیران را عهده‌دار بوده‌اند.

از جدول شماره ۲ـ پراکندگی تعداد هیأت وزیرانی که هر نخست‌وزیردر هر عصر مشروطیت تشکیل داده است چنین برمی‌آید: در دوران پرتلاطم عصر تاریخی حکومت قاجاریان و مشروطه جوان ایران، از میان ۱۸ رجال معتمد که به ریاست دولت منصوب شده‌اند، نزدیک به نیمی از آنان توفیق تشکیل یک تا دو هیأت وزیران را داشته‌اند (با نسبت ٤٤/٤٤ درصد).

درحالی‌که ده تن از مجموع ۱۸ تن نخست‌وزیر این عصر، در خلال سالهای ۱۲۸۵ تا ۱۳۰٤ شمسی بر ۳ تا ۸ هیأت دولت ریاست داشته‌اند. رقم بحث‌انگیز از آن نخست‌وزیرانی است که به‌طور متناوب در دورانی بس کوتاه موفق به تشکیل ۸ هیأت وزیران شده‌اند.

به دوران کوتاه سلطنت رضاشاه (حدود شانزده سال) که مورخین از آن به عصر سکون و ثبات سیاسی ایران نام برده‌اند، نیز اکثریت نخست‌وزیران بر ۱ تا ۲ هیأت دولت ریاست کرده‌اند. (۳ تن از جمع ۵ تن نخست‌وزیر این عصر) و تنها ۲ نخست‌وزیر این دوران چهار نوبت به سمت ریاست دولت منتصب و مسئولیت هماهنگی هیأت وزیران را عهده‌دار شده‌اند.

اکثریت ۱۹ تن نخست‌وزیران دوران سلطنت پهلوی دوم نیز افرادی بوده‌اند که بین ۱ تا ۲ هیأت دولت را رهبری کرده‌اند (با نسبت ۵۷/۹۰ درصد).

نتیجه‌ای که از داده‌های جدول شماره ۲ می‌توان گرفت این مطلب است که

۲ـ از این عده یک تن در دوران پهلوی اول و یک تن دیگر در دوران پهلوی دوم همچنان مأمور تشکیل دولت گردیده است.

عصر حکومت خاندان پهلوی، نخست‌وزیران نتوانسته‌اند بیش از ۵ هیأت دولت را تشکیل بدهند و رقم چشمگیر ۷ و ۸ هیأت دولت از ویژگیهای حکومت جوان و نوپای مشروطیت عصر اول می‌باشد.

بیان داشتیم، که در طول تاریخ مشروطیت، نخست‌وزیران یکصد و بیست و سه هیأت دولت را تشکیل داده‌اند. و نیز اشاره کردیم که مدت حکومت هیأت دولتها نظر به عواملی چند جز در مواردی نادر بسیار کوتاه بوده است.

توضیح این پدیده را با بررسی داده‌های جدول شماره ۳، مربوط به مدت زمامداری دولتهای مشروطه آغاز می کنیم.

به دوران اولیه سلطنت مشروطه، بحرانهای ناشی از اختلافات داخلی بر سر حکومت جدید و دورانهای طولانی فترت مجالس، و حکومتهای خودمختاری در نواحی مختلف کشور از سویی، و بروز جنگ بین‌الملل اول، و تأثیر عوامل مداخله سیاست خارجی در کلیه شئون کشور از سوی دیگر، به شرحی که در تاریخ اجمالی هیأت وزیران در فصول آینده خواهد آمد، موجب تضعیف حکومت مرکزی و بی‌دوامی دولتها را فراهم ساخت. و آمار مربوط به عمر حکومت دولتهای عصر اول گویای روشنی بر این مطلب می‌باشد.

جدول شمارهٔ ۲ـ تعداد هیأت دولتهایی که هر نخست‌وزیر تشکیل داده است در هر عصر مشروطیت

اعصار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		جمع سه عصر	
تعداد نخست‌وزیران	۱۸		۵		۱۹		۴۲	
تعداد هیأت دولتها	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
یک هیأت دولت	۴	۲۲/۲	۲	۴۰	۹	۴۷/۳	۱۵	۳۵/۷
دو هیأت دولت	۴	۲۲/۲	۱	۲۰	۲	۱۰/۵	۷	۱۶/۷
سه هیأت دولت	۲	۱۱/۱	–	–	۶	۳۱/۶	۸	۱۹/
چهار هیأت دولت	۵	۲۷/۸	۲	۴۰	۱	۵/۳	۸	۱۹/
پنج هیأت دولت	–	–	–		۱	۵/۳	۱	۲/۴
شش هیأت دولت	–	–	–					
هفت هیأت دولت	۱	۵/۶	–				۱	۲/۴
هشت هیأت دولت	۲	۱۱/۱	–				۲	۴/۸
جمع نخست‌وزیران	۱۸	۱۰۰	۵	۱۰۰	۱۹	۱۰۰	۴۲	۱۰۰

آثار و قراین موجود در تاریخ هیأت دولتهای مشروطه ما را بر آن می‌دارد که دوران سلطنت قاجاریان را از جهات سیاسی و عوامل مؤثر در ثبات و عدم ثبات دولتها به چند مرحله با توجه به ویژگیهایی که از پیش بیان داشتیم تقسیم کرد.

۱ـ از سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۷ شمسی ـ دوران اول مشروطه و آغاز اولین تجربه آزادی در ایران

۲ـ از خردادماه ۱۲۸۷ شمسی تا تیرماه ۱۲۸۸ شمسی ـ دوران استبداد صغیر حکومت محمدعلیشاه

۳ـ از ۱۲۸۸ تا آذرماه ۱۳۰۴ شمسی ـ مشروطیت دوم که خود به دو دورهٔ قبل از کودتا ۱۲۹۹ و از کودتا تا انتقال سلطنت از خاندان قاجار به خاندان پهلوی.

یافته‌های جدول شماره ۳ـ نشانگر پدیده جالب توجه و درخور تأملی است. در دورهٔ اول مشروطیت، هیأت دولتها با نسبت ۹۶/۵۶ درصد کمتر از یک‌سال سکان کشتی طوفان‌زده ادارهٔ امور ایران را توانسته‌اند عهده‌دار باشند.

علل این پدیده را از بررسی تاریخ هیأت وزیران چنین می‌توان برشمرد. بحران کابینه‌ها بر اثر مشکلات مالی، مخالفت روزافزون احزاب و نمایندگان مجلس شورای ملی با هیأت دولتها از سویی، و اختلاف نظر مقامات با شخص اول مملکت بر سر انتخاب اعضاء دولت از سوی دیگر و مهمتر از آن اعمال نفوذ دولتهای خارجی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ازجمله مسایل پیچیده‌ای است که بی‌شبهه عمر کابینه‌ها را در این عصر بس کوتاه ساخته است.

جدول شمارهٔ ۳ـ نمودار مدت زمامداری هیأت دولت‌ها در هر عصرمشروطیت

اعصار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		جمع سه عصر	
تعداد هیأت دولتها	۶۱		۱۵		۵۰		۱۲۶	
مدت زمامداری	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کمتر از یک ماه زمامداری	۱۲	۲۰/۷	۱	۶/۷	۵	۱۰/	۱۸	۱۴/۶
از ۳ ⟵ ۱ ماه	۱۷	۲۹/۳	–	–	۱۴	۲۸/۰	۳۱	۲۵/۲
از ۶ ⟵ ۳ ماه	۲۰	۳۴/۵	۶	۴۰/	۱۱	۲۲/۰	۳۷	۳۰/۱
از ۹ ⟵ ۶ ماه	۵	۸/۶	۱	۶/۷	۸	۱۶/۰	۱۴	۱۱/۴
از ۱۲ ⟵ ۹ ماه	۲	۳/۵	–	–	۳	۶/۰	۵	۴/۱
از ۱½ ⟵ ۱ سال	۱	۱/۷	۲	۱۳/	۴	۸/۰	۷	۵/۷
از ۲ ⟵ ۱½ سال	۱	۱/۷	۲	۱۳/	۱	۲/	۴	۳/۳
از ۲½ ⟵ ۲ سال	–	–	۲	۱۳/	–	–	۲	۱/۶
از ۳ ⟵ ۲½ سال	–	–	۱	۶/۶	۱	۲	۲	۱/۶
از ۳½ ⟵ ۳ سال	–	–	–	–	۱	۲/	۱	۰/۸
از ۴ ⟵ ۳½ سال	–	–	–	–	۱	۲/-	۱	۰/۸
از چهار سال به بالا	–	–	–	–	۱	۲/-	۱	۰/۸
جمع نخست‌وزیران	۵۸ *	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۵۰	۱۰۰	۱۲۳	۱۰۰

* ـ سه هیأت دولت وثوق‌الدوله در دوران فترت آمارگیری در عصر اول نشده است و جنبه ترمیم داشته است مجموع مدت زمامداری سه دولت نامبرده منظور شده است.

چنانچه این نظریه را بپذیریم که استقرار هر نظام جدید سیاسی در جامعه‌ها، علاوه بر آنکه با بحرانهای ناشی از برخورد عقاید و تضاد منافع دسته‌های موافق و مخالف همراه است، غالباً زمان لازم دارد تا اثر مطلوب خود را ببخشد. با این‌همه نمی‌توان ۱۲ دولت از مجموع ۵۸ دولتی که در عصر پرتلاطم اول مشروطیت عمری کمتر از یک ماه داشته‌اند رقم اندکی بشمار آورد. (۲۰/۶۹ درصد)

حکومت دولتهایی با زمان کوتاه بین ۱ تا ٦ ماه با نسبت حدود ٦٤ درصد درخور توجه است و نمودار روشنی از انعکاس نابسامانی و عدم ثبات دولتهای عصر می‌باشد.

شمار هیأت وزیرانی که از ٦ تا ۱۲ ماه مسئول اداره امور مملکت بوده‌اند (با نسبت ۱۲/۱ درصد) بسیار اندک است.

در میان ۵۸ هیأت دولتی که در دورهٔ اول مشروطیت عهده‌دار مسئولیت امور اجرایی کشور گردیده‌اند تنها از ۲ دولت با عمری بالاتر از یک سال می‌توان نام برد. (با نسبت ۳/٤٤ درصد).اشاره شد که در پژوهش حاضر عصر حکومت مشروط قاجاریان، از نظر سیاسی به چهار دوره تقسیم کردیم. بجا است توزیع مدت زمامداری دولتها را در هر یک از ادوار چهارگانه ملحوظ بداریم.

هشت کابینه‌ای که زمام امور دولت را در سطح وزارت دوران مشروطه صغیر برعهده داشته‌اند از عمری بس کوتاه بدین‌شرح می‌توان نام برد.

یک هیأت دولت کمتر از یک ماه مسئول تمشیت امور بوده است
سه هیأت دولت بین یک ماه تا ۲ ماه مسئول تمشیت امور بوده است
سه هیأت دولت بین ۲ ماه تا ۳ ماه مسئول تمشیت امور بوده است
یک هیأت دولت بین ۳ ماه تا ٤ ماه مسئول تمشیت امور بوده است

در طی یک سال سلطنت استبدادی محمدعلیشاه، از مجموع ٤ هیأت وزیران که تشکیل شده است، یک هیأت دولت کمتر از یک ماه و یک کابینه بیش از دو ماه و دو هیأت دولت دیگر بین ۲ تا ٦ ماه زمامداری کرده‌اند.

هرآینه دوران مشروطیت دوم تا قبل از کودتای ۱۲۹۹ شمسی را ملحوظ بداریم، در آن تعداد هیأت دولتهای کوتاه‌مدت رقم شایان بحث را دارند به‌طوری که از مجموع ۱۵ هیأت وزیران دوره تاریخی مورد نظر، یک ثلث کمتر از یک ماه مسئولیت اداره امور

سیاسی دستگاه‌های مختلف کشور را داشته‌اند و ده دولت دیگر از عمری بدین‌شرح برخوردار بوده‌اند.

٤ هیأت دولت کمتر از ۳ ماه مسئول تمشیت امور بوده است.

٤ هیأت دولت بین ۳ ماه تا ٦ ماه مسئول تمشیت امور بوده است.

۱ هیأت دولت بیش از یک سال مسئول تمشیت امور بوده است.

۱ هیأت دولت بیش از دو سال مسئول تمشیت امور بوده است.

به دوران جنگ بین‌الملل اول، عصری که بیش از هر زمان سیاست خارجی در ادارهٔ امور داخلی کشور مؤثر و نافذ بوده است، تعداد ۱۹ هیأت دولت رسماً ادارهٔ امور عمومی را در دست داشته‌اند و به‌طوری که جداول آماری ما نشان می‌دهد، اکثر هیأت وزیران این دوره عمری بس کوتاه داشته‌اند ازجمله:

۲ هیأت دولت از مجموع ۱۹ هیأت دولت دوره مورد نظر کمتر از یک ماه،و ۸ هیأت دولت کمتر از ۳ ماه،بر سر کار وزارت بوده‌اند. و از ۹ دولت دیگر ٦ هیأت دولت کمتر از ٦ ماه و ۲ کابینه بیش از ٦ ماه و تنها یک کابینه بیش از یک سال زمامداری کرده‌اند.

از کودتای اسفندماه ۱۲۹۹ که سرآغاز فصل نوینی در تاریخ سیاست کشور ایران بوده است تا تفویض مقام سلطنت به خاندان پهلوی در آذرماه ۱۳۰٤ شمسی با توجه به مدت زمانی حدود پنج سال، ۱۳ هیأت دولت در این دوران بر سر کار آمده‌اند. و دولتهای کوتاه‌مدت و بی‌دوامی بدین‌شرح داشته‌ایم:

۲ هیأت دولت کمتر از یک ماه مسئول تمشیت امور بوده است.

۲ هیأت دولت کمتر از ۳ ماه مسئول تمشیت امور بوده است

۷ هیأت دولت بین ۳ ماه تا ٦ ماه مسئول تمشیت امور بوده است

۱ هیأت دولت بیش از ٦ ماه مسئول تمشیت امور بوده است

۱ هیأت دولت بیش از یک سال مسئول تمشیت امور بوده است

دوران دوم مشروطیت و عصر حاکمیت رضاشاه را نیز ناگزیر از تقسیم آن به دو مرحله متمایز زیر خواهیم بود.

۱ـ از آذرماه ۱۳۰٤ تا خردادماه ۱۳۰٦ شمسی که آن را مقارن با عمر مجلس ششم و دوران نفوذ و نظارت نسبی مجلس بر هیأت وزیران باید دانست.

۲ـ از نیمه دوم سال ۱۳۰۶ تا شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی، که در این دوره از تاریخ سیاسی ایران، استعفا و برکناری دولت‌ها را نمی‌توان مخالفت احزاب و گروه‌های سیاسی در مجلس، اعمال نفوذ و عدم تمایل عمال ذینفوذ خارجی و یا افکار عمومی دانست.

توضیح این که هرچند مشروطیت و قانون اساسی مورد احترام است ولی در باطن امر استعفای هیأت وزیران به میل و خواست خود وزیران یا مخالفت هیأت قانونگذاری صورت نگرفته است و معنی کناره‌گیری هیأت دولت در این دورهٔ از تاریخ که نمایندگان ملت هیچگاه با برنامه‌های رئیس قوه مجریه مخالفت نمی‌ورزند اینست که رهبر وقت کشور خواهان تغییراتی در گروهی که زیر نظرش امور عمومی و سیاسی مملکت را اداره می‌کنند بوده است.

نتیجه این چنین نظام حکومت، چنان که آمار جداول ما نشان می‌دهد ثبات و دوام زمامداری بیشتر دولتها بوده است، و برحسب انتظار از ۱۵ هیأت وزیرانی که در این دورهٔ خاص سیاسی بر سر کار آمده‌اند، تنها یک هیأت دولت عمری کمتر از ۱ ماه داشته است. و در برابر آن نزدیک به نیمی از هیأت وزیران عمری بین یک سال تا ۳ سال داشته‌اند و نیم دیگر دولتهایی بوده‌اند که هر یک بین ۶ تا ۹ ماه مسئولیت انتظام امور کشور را عهده‌دار بوده‌اند.

ارقام مدت زمامداری دولتهای مربوط به این دوره از تاریخ در برابر عصر اول و سوم مشروطیت وضعی کاملاً متمایز و استثنایی دارد و درخور توجه خاص می‌باشد.

اشاره کردیم که عصر دوم مشروطیت را نیز به‌نوبهٔ خود می‌توان به دو دوره تقسیم کرد. چنانچه مدت زمامداری هیأت وزیران این دو دوره را ملحوظ بداریم، آمار ما حکایت از این دارد که از آذرماه ۱۳۰۴ تا بهمن‌ماه ۱۳۰۶ شمسی، ٤ هیأت دولت بر سر کار آمده‌اند که بین ۳ تا کمتر از ٦ ماه توانسته‌اند تصدی امور وزارتخانه‌ها را عهده‌دار باشند.

و عمر ۱۱ کابینه دیگر که از اواخر سال ۱۳۰٦ تا شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی مسئولیت تمشیت امور کشور را داشته‌اند با مدت زمانی به شرح زیر وزارت داشته‌اند.

۱ هیأت دولت کمتر از یک ماه

۲ هیأت دولت کمتر از ٦ ماه

۱ هیأت دولت بیش از ٦ ماه
۲ هیأت دولت بین یک سال تا $\frac{۱}{۲}$ ۱ سال
۲ هیأت دولت بین $\frac{۱}{۲}$ ۱ تا ۲ سال
۳ هیأت دولت بیش از ۲ سال

دوران سوم مشروطیت، که از آن به عصر سلطنت پهلوی دوم نام برده می‌شود، از شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی همزمان با شروع جنگ بین‌الملل دوم تا بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی و پیروزی انقلاب اسلامی را دربر می‌گیرد در آن از سه مرحله تاریخی متمایز به شرح زیر که ویژگیهای هر یک از مراحل، تأثیر و نقش مهمی در ثبات و عدم ثبات دولتها داشته است یاد می‌کنیم.

۱- از ۳۰ شهریورماه ۱۳۲۰ تا ۱۳۲٦ شمسی که با تخلیه ایران از قشون دول متفق خاتمه می‌یابد. از این دوران به‌عنوان عصر فضای باز سیاسی نسبی بعد از ۱۲ سال حکومت مطلق پهلوی اول می‌شود نام برد با توجه به بحرانهای شدید ناشی از ورود قوای متفقین به ایران و اعمال سیاست مستقیم و غیرمستقیم دول خارجی در سیاست داخلی کشور همزمان است.

۲- از سال ۱۳۲٦ شمسی تا کودتای ۲۸ امردادماه ۱۳۳۲ شمسی، دورهٔ تسلط سیاست اقتصادی نفت.

۳- از کودتا تا انقلاب اسلامی (از ۲۸ امردادماه ۱۳۳۲ تا بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی) عصر بیست و پنج ساله تسلط شاه بر قوه قانونگذاری و مجریه و قضاییه.

اضافه می‌کنیم، دوره اخیر از سلطنت محمدرضاشاه را نیز به دو دوره ده ساله قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی که دوران تعادل نسبی بین قوه قانونگذاری و قوه مجریه است و عصر بعد از ۱۳٤۲ شمسی که پادشاه وقت آن را عصر انقلاب سپید شاه و ملت نامیده است، و درواقع از آن به عصر تمرکز قوای سه‌گانه در شخص پادشاه و عصر اختناق باید یاد کرد.

با بررسی اوضاع و احوال کشور در طی دوران متمایز سیاسی مشروح در فوق، در عصر حکومت محمدرضاشاه، هیأت وزیران تحت‌تأثیر عوامل سیاسی و قدرتهای مشابه دوران اول مشروطیت به‌دنبال بحرانهای چند، بدون اینکه بتوانند پاره‌ای از مسئولیتهای حکومت را به انجام رسانند و موفق به اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی

گردند، مجبور به کناره گیری شده‌اند.

به‌طوری که آثار و قراین موجود تاریخی و اسناد و مدارک نشان می‌دهد: مشکلات مالی و اقتصادی کشور نقش احزاب و گروه‌های سیاسی در داخل مجلس، مخالفت افکار عمومی، و مهمتر از آن سیاست اعمال قدرت دولتهای خارجی، و در مواردی چند اصطکاک رؤسای دولت با مقامات عالی کشور را ازجمله علل عدم ثبات و دوام هیأت وزیران دوران قبل از انقلاب سفید و شروع برنامه‌های جدید دولت می‌توان دانست.

نگاه گذرانی بر جدول شماره ۳- مربوط به مدت زمامداری هر یک از هیأت وزیران مشروطه و ستون مربوط به دولتهای عصر سوم مشروطیت، سخن قبلی ما را تایید می‌کند و نمودار بارزی از کوتاهی مدت حکومت دولتها می‌باشد.

نسبت ۸۵/۳۶ درصد هیأت وزیرانی که از شهریورماه ۱۳۲۱ شمسی، کمتر از یک سال ادارهٔ امور و تمشیت سیاست کلی دولت را برعهده داشته‌اند رقم بسیار بالا و چشمگیری است درحالی‌که تنها ۹ هیأت دولت از مجموع ۵۰ دولت عصر سوم مشروطیت بین ۱ تا ٤ سال بر سر کار بوده‌اند (با نسبت ۱۲/۸۱ درصد) و ما در شرح دوره‌های مربوط به عصر سوم به شرح آن خواهیم پرداخت.

بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول شماره ۳- پراکندگی مدت زمامداری هیأت وزیرانی که در مراحل مختلف تاریخ سیاسی عصر سوم مشروطیت مسئولیت تمشیت امور سیاسی وزارتخانه‌های مختلف بوده‌اند بدین ترتیب می‌توان یادآور شد.

از ۲۱ هیأت دولت که در دورهٔ اول عصر سوم مشروطیت و زمان جنگ بین‌الملل دوم (۱۳۲۰ تا ۱۳۲٦) بر سر کار آمده‌اند: ٤ هیأت وزیران کمتر از یک ماه، و ۹ هیأت دولت بین ۳ تا ٦ ماه و تنها ۳ دولت بیش از ٦ ماه دوام آورده است. بدین‌ترتیب دیده می‌شود که درمجموع ۲۱ هیأت وزیران این دورهٔ تاریخی بیش از ٦ ماه برای اجرای نقش و ایفای وظیفه دوام نداشته‌اند.

از ویژگی دوران سیاست نفت، روی کار آمدن دولتهایی با مدت زمان حکومت بیشتر دولتها از دوره قبل از آن می‌باشد. به‌طوری که از ۹ هیأت وزیران این دوره، ۲ هیأت دولت کمتر از ۳ ماه و ۲ کابینه دیگر بین ۳ تا ٦ ماه و ۱ هیأت وزیران بین ٦ ماه تا یک سال و تنها ۲ دولت (به‌ریاست وزرایی دکتر محمد مصدق) بیش از یک سال

زمان نسبی لازم را برای اجرای برنامه‌های خود در اختیار داشته‌اند. ناگفته نماند یک هیأت دولت در این دوران کمتر از یک ماه بر سر کار بوده است.

از مجموع ۲۱ هیأت وزیرانی که بعد از انقلاب نفت و کودتای ۲۸ امردادماه ۱۳۳۲ تا انقلاب اسلامی متصدی وظایف قوه مجریه بوده‌اند، از نظر مدت زمامداری آماری بدین شرح می‌توان ارائه کرد:

۶ هیأت دولت بین ۱ تا ۳ ماه مسئول تمشیت امور بوده است
۱ هیأت دولت بین ۳ ماه تا ۶ ماه مسئول تمشیت امور بوده است
۵ هیأت دولت بین ۶ ماه تا ۹ سال مسئول تمشیت امور بوده است
۲ هیأت دولت بین ۹ ماه تا یک سال مسئول تمشیت امور بوده است
۲ هیأت دولت بین ۱ سال تا ½ ۱ مسئول تمشیت امور بوده است
۱ هیأت دولت بین ½ ۱ تا ۲ سال مسئول تمشیت امور بوده است
۱ هیأت دولت بین ۲ سال تا ۳ سال مسئول تمشیت امور بوده است
۲ هیأت دولت بین ۳ سال تا ٤ سال مسئول تمشیت امور بوده است
۱ هیأت دولت ٤ سال و چند روز مسئول تمشیت امور بوده است

فصل دوم

متوسط سن هیأت وزیران

گروه‌های سنی اعضاء هیأت دولت‌ها

آگاهی بر ترکیب گروه‌های سنی هیأت دولتها، ازجمله پدیده دیگری است که در پژوهش مربوط به هیأت وزیران مورد بحث ما قرار می‌گیرد. قانون اساسی و متمم آن و نیز قوانین استخدامی کشور، در بیان شرایط وزارت، مسأله سن وزیران را مسکوت گذاشته است و در این باب همچون وکالت دو مجلس، حدودی را مقرر نداشته است.

با اینهمه، هر آینه رؤسای هیأت وزیران، در انتخاب همکاران خود یعنی وزیران مسأله کارآیی و تجربه و ورزیدگی در امور سیاسی و همچنین فن مدیریت و رهبری را محلوظ بدارند، بی‌گمان عواملی چند مانع از آن خواهد بود که رجال کم‌سن و جوانان نورسیده مصدر امر وزارت قرار گیرند.

تحولات اجتماعی که به دوران مشروطیت در کشور ایران روی داد، بی‌تأثیر در نظام بوروکراسی نبود، ازجمله تصدی و مدیریت سازمانهای اداری را از صورت ارثی خارج ساخته و قوانین موضوعه استخدامی کم و بیش ضرورت کسب تخصص و حصول تعلیمات دانشگاهی را برای احراز پاره‌ای از مناصب و مقامات عالی کشوری مقرر داشته است.

این عامل به‌نوبه خود، سن شروع به فعالیت اجتماعی را تغییر داد. تایید این حکم را بررسی سن اعضاء هیأت وزیران و جداول آماری ما به‌خوبی بیان می‌کند و در

عین‌حال روشن می‌سازد که در هر دوره از تاریخ سیاسی سه عصر مشروطیت، نظر رؤسای دولت در انتخاب اعضاء و هیأت وزیران بیشتر به رجالی که سال و ماه فراوان بر آنها گذشته و طی سالها زندگی در عرصهٔ سیاست کشور آگاهی و تدبیر اندوخته‌اند معطوف بوده است، تا بر نیروهای جوان تازه‌نفس در میدان فعالیت سیاسی. مطالعات آماری نشان می‌دهد، کابینه‌های مرکب از گروه‌های سنی بین ٤٥ تا ٥٥ سالگی حایزین اکثریت را در مجموع ادوار سه‌گانه تاریخ سیاسی مشروطه ایران تشکیل می‌دهد.

به‌طوری که از مجموع ۱۲۱ هیأت دولت که اطلاعات ما دربارهٔ آنها کامل و دقیق است ترکیب متوسط بین اعضاء ٩٤ کابینه بین ٤٥ تا ٥٥ سالگی است و درواقع حدود ۷۷ درصد هیأت دولتها را (بیش از $\frac{۹}{۱۰}$ مجموع کابینه‌ها) دربر می‌گیرد. و کمتر از $\frac{۱}{۱۰}$ بقیه در دو سوی سالخوردگی و جوانی به ترتیب زیر قرار گرفته‌اند.

۹ هیأت دولت در گروه سنی بین ٥٥ تا ٦٠ سالگی واقع بوده‌اند.

متوسط سن ۲ هیأت دولت از مجموع ۱۲۱ دولت در گروه سنی بالاتر از ٦٠ سالگی

از سوی دیگر جوانی کابینه‌ها را در ارقام ۱۳ کابینه (یعنی نزدیک به ۱۱ درصد) با اعضای متوسط سنی بین ٤٠ تا ٤٥ سالگی و ۳ کابینه با اعضای (یعنی ۲/٥۲ درصد) کمتر از متوسط ٤٠ سال را می‌توان دید.

در داخل سه عصر، این کیفیت توزیع را چنین می‌توان تشریح کرد.

دوره اول مشروطیت را با میانگین سنی ٤٧/٨۳ سال باید عصر جوانی کابینه‌ها دانست به‌نحوی که بیش از ۲۰ درصد کابینه‌های این دوره تاریخی را گروه‌های کمتر از متوسط سنی ٤٥ سال تشکیل می‌دهند.

درحالی که به دوران سلطنت رضاشاه کابینه‌های با عمر متوسط کمتر از ٤٥ سال دیده نمی‌شوند و به‌طور کلی متوسط سن اعضاء کابینه‌های این عصر نزدیک به ٥۱ سال می‌باشد. و در عصر سوم مشروطیت نیز سهم کابینه‌های جوان بسیار پائین و درواقع کمتر از $\frac{۱}{۱۰}$ مجموع هیأت دولتهای عصر می‌باشد و متوسط سن اعضاء بیش از ٥۱ سال است.

جدول شمارهٔ ۱ـ ترکیب توزیع متوسط سن اعضاء هیأت دولتها در هر عصر مشروطیت

اعصار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		جمع سه عصر	
تعداد کابینه‌ها	۶۱		۱۵		۵۰		۱۲۶	
گروه‌های سنی	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
گروه‌های سنی کمتر از ۴۰ سال	۲	۳/۴	–	–	۱	۲/۱	۳	۲/۵
« « بین ۴۰ - ۴۵	۱۰	۱۶/۹	–	–	۳	۶/۴	۱۳	۱۰/۷
« « بین ۴۵ - ۵۰	۲۳	۳۹/۰	۵	۳۳/۴	۸	۱۷/۰	۳۶	۲۹/۸
« « بین ۵۰ - ۵۵	۲۱	۳۵/۶	۹	۶/۰	۲۸	۵۹/۶	۵۸	۴۷/۹
« « بین ۵۵ - ۶۰	۲	۳/۴	۱	۶/۶	۶	۱۲/۸	۹	۷/۴
« « از ۶۰ سال به بالا	۱	۱/۷	–	–	۱	۲/۱	۲	۱/۷
جمع نخست‌وزیران	۵۹ *	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۴۷ *	۱۰۰	۱۲۱	۱۰۰

* ـ تعداد هیأت وزیران دورهٔ سوم مشروطیت ۵۰ هیأت بوده است و سه هیأت دولت: مهندس جعفر شریف امامی، ارتشبد غلامرضا ازهاری ـ دکتر شاهپور بختیار آمارگیری نشده است.

از سوی دیگر می‌بینیم به زمان حکومت قاجاریان حایزین درجه اول اکثریت دولتهای بین سنین ۴۵ تا ۵۰ سالگی هستند (با نسبتی نزدیک به ۳۹ درصد). درصورتی‌که به دوران دوم و سوم تاریخی مورد بحث ما اکثریت در درجه اول از آن گروه‌های سنی بین ۵۰ تا ۵۵ سالگی است با نسبت قابل توجه ۶۰ درصد. دوره دوم و حدود ۵۹/۷۵ درصد دوره سوم.

چنانچه مرحله دوم از اکثریت مورد نظر باشد، دوران اول مشروطیت کابینه‌های با متوسط سن بین ۵۰ تا ۵۵ سالگی (با نسبت بیش از ۳۵ درصد) قرار دارند و عصر حکومت خاندان پهلوی با دو دوره متمایز سیاسی‌اش حایزین اکثریت مرتبه دوم را دولتهایی با متوسط سن بین ۴۵ تا ۵۰ سالگی باید دانست (با نسبت ۳۳/۳۳ درصد به دوران دوم و ۱۷/۷۸ درصد به عصر سوم).

به‌طوری که جدول پراکندگی مربوط به متوسط سن اعضاء کابینه‌های هر عصر مشروطیت نشان می‌دهد در میان ۱۲۰ هیأت دولت عصر مشروطیت، مسن‌ترین کابینه‌ها، دولت محمدعلیخان علاءالسلطنه مازندرانی بوده است که متوسط سن اعضای آن نزدیک به ٦۱ سال بوده است (خردادماه ۱۲۹٦ شمسی) و نیز از دولت ابراهیم حکیمی به عصر سوم مشروطیت با متوسط سن ٦۰ سال می‌توان نام برد.

در دوران دوم مسن‌ترین کابینه‌ها از آن میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک (شهریورماه ۱۳۰۵، با بیش از متوسط ۵۸ سال) می‌باشد.

بیان داشتیم، به دوران مشروطیت سهم کابینه‌های جوان بسیار اندک و پایین می‌باشد. این پدیده به عصری که در آن انتصاب رجال و سیاستمداران عالی‌رتبه مسأله توارث مطرح نیست و بی‌شبهه احراز عالیترین و حساسترین مقامات سیاسی و اداری مملکت از سویی نیاز به دانش‌اندوزی و تخصص و از سوی دیگر تجربه‌اندوزی در امور اداری و سیاسی دارد، قابل بحث است.

و چون نظر به جداول متوسط سن کابینه‌ها در هر یک از سه عصر مشروطیت بیندازیم و متوسط سن جوانترین کابینه‌ها را ملحوظ بداریم، متوجه خواهیم شد که پایین‌ترین متوسط سن کمتر از حدود ۳۷ سال نیست. (جدول شماره ۲ـ مربوط به وضع متوسط سن اعضاء هیأت وزرای عصر اول مشروطیت)

جالب آن که پدیده جوانی دولتها را در دوران انقلابها و تغییر برنامه‌های سیاسی رهبران وقت می‌بینیم. مثلاً به دوران اول مشروطیت، با کودتای ۱۲۹۹ شمسی و روی کار آمدن رجال بدون سابقه سیاسی با نخست‌وزیری سید ضیاءالدین طباطبائی (با متوسط سن ۳٦/۵۷ سال) و چون نظر را به جدول مربوط به متوسط سن کابینه‌های عصر سوم معطوف بداریم متوجه خواهیم شد، که سهم اندک جوانی جمعیت وزیران ما را در این عصر باید از دوره تاریخی بعد از اجرای اصلاحات ارضی و کابینه حسنعلی منصور دانست (با متوسط سن ۹۵/٤۳ و ٦۸/٤۵ سال)

به‌طوری که جدول مورد بحث ما حکایت می‌کند سیر جوانی کابینه‌ها از این تاریخ همچنان به چشم می‌خورد و جز آخرین کابینه امیرعباس هویدا و جمشید آموزگار که به‌ترتیب متوسط سن اعضایش ۵۲ و ۵۱ سال را نشان می‌دهد و از سه کابینهٔ اول هویدا باید با متوسط سن بین ٤۱ تا ٤۵ سال نام برد.

همچنانکه اشاره کردیم، عصر دوم مشروطیت در برابر دو عصر دیگر غالباً کابینه‌های کهنسال بر سر کار آمده‌اند به‌طوری‌که جوانترین کابینه‌ها با متوسط سن حدود ٤۷ سال از آن دکتر احمد متین‌دفتری بوده است.

بخش دوم

مختصر تاریخ هیأت وزیران

فصل سوم

تاریخ مختصر هیأت دولتهای عصر اول مشروطیت

۱- میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله

انعکاس نهضت سیاسی اصلاح‌طلبی و جنبش تاریخی و ملی ایرانیان به‌منظور تغییر نظام حکومت را برای نخستین بار در انتخاب زمامداران می‌توان مشاهده کرد.

توضیح آن که مظفرالدینشاه سرانجام در برابر فشار آزادیخواهان مبنی بر عزل صدراعظم تسلیم شد و عبدالمجید میرزا عین‌الدوله را به تاریخ یکشنبه ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲٤ قمری از صدارت برکنار کرد و میرزا نصرالله‌خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه کابینه قبلی را به ریاست وزرا و سپس به مقام صدراعظمی برگزید.

مشیرالدوله که در دوران انقلاب نقش میانجی بین دولت و آزادیخواهان را برعهده داشت و مورد اعتماد ملیون نیز بود، در بدو زمامداری با حسن‌نیت به جلب نظر بیشتر ملیون پرداخت و عضدالملک بزرگ خاندان ایل قاجار را مأمور ساخت تا به قم مسافرت کند وبرای‌جلب‌توجه‌روحانیون، وعده موافقت دولت را نسبت به همه‌گونه تقاضاهای آنها اعلام دارد. ضمناً جهت تعیین خط مشی سیاسی روشن دولت و تبادل نظر در اساس خواست آزادیخواهان، مجلسی مرکب از رجال دولت و پیشوایان مشروطه‌خواه منعقد ساخت. نتیجه مذاکرات جلسه مشورتی، تصویب تغییر نظام حکومت ایران و تأسیس مجلس شورای ملی مرکب از نمایندگان طبقات مختلف جامعه به اتفاق آراء بوده است. اعضاءجلسهٔ مذکور برای اجرای هدف سیاسی خود، به دولت اعلام داشتند که جریانات اخیر و خواست بست‌نشینان سفارت و قم تنها برکناری اتابک اعظم نبوده و هدف از اعتصاب گروه‌های مختلف اجتماع انقلاب است و انقلاب کنندگان خواستار صدور فرمان مظفرالدینشاه مبنی بر اعطای حکومت مشروطه می‌باشد.

سرانجام یک هفته پس از انتصاب مشیرالدوله به ریاست وزرایی، فرمان حکومت مشروطه از طرف مظفرالدینشاه به تاریخ ١٤ جمادی‌الثانی ١٣٢٤ برابر ١٣ امرداد ماه

۱۲۸۵ شمسی (۱۵ اوت ۱۹۰۶ میلادی) صادر شد.

متن دستخط شاه توسط پسر صدراعظم[۱] برای بست‌نشینان سفارت انگلیس قرائت گردید. عده‌ای از متحصنین روز بعد به تحصن خود خاتمه دادند و تنها نزدیک به ۳۰۰ تن از رؤسای اصناف و بازاریان تا بازگشت روحانیان از قم در سفارت باقی ماندند.

نظامنامه انتخابات مجلس با کوشش تنی چند از آزادیخواهان تنظیم شد و به تاریخ ۲۲ رجب ۱۳۲۴ قمری به توشیح مظفرالدینشاه رسید.

بدین‌ترتیب، نهال انقلاب و مبارزه‌ای که بیش از دو سال با خون ملت ایران آبیاری شده و ریشه گرفته بود با تنظیم معاهده اساسی بین ملت و پادشاه وقت، مبنی بر اعطای حقوق ملی و سهیم ساختن مردم در وضع و تدوین قوانین و مقررات حاکم بر امور عمومی جامعه بارور شد و با افتتاح نخستین جلسهٔ مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ قمری برابر ۱۳ مهر ماه ۱۲۸۵ شمسی و ۱۷ اکتبر ۱۹۰۶ میلادی توسط مظفرالدینشاه در تالار قصر گلستان، رهبران انقلاب، اولین ثمره سیاست هشیارانه و خود آگاه خود را برداشت کردند.

مشیرالدوله قانون اساسی را که به تاریخ ۱۳ذیعقده ۱۳۲۴ ق. برابر ۸ دی‌ماه ۱۲۸۵ شمسی به توشیح شاه و ولیعهد رسانیده بود روز ۱۰ دی‌ماه ۱۲۸۵ شمسی برابر ۱۷ ذیقعده ۱۳۲۴ هجری قمری (اول ژانویه ۱۹۰۷ میلادی) به مجلس برد.

اولین نغمه مخالفت نمایندگان ملت با هیأت دولت در جلسه ۲۴ رمضان ۱۳۲۴ قمری به‌گوش رسید. موضوع مخالفت، پیشنهاد دولت مبنی بر دریافت چهارصد هزار لیره قرض از دو دولت روس و انگلیس در مقابل گرو گذاشتن گمرکات شمال نزد روسها و تلگرافخانه و پست‌خانه نزد انگلیسها بود که مورد موافقت مجلس قرار نگرفت.

اندکی بعد مظفرالدینشاه در دنباله یک کسالت ممتد به تاریخ ۱۸ دی‌ماه ۱۲۸۵ شمسی برابر ۲۴ ذیقعده ۱۳۲۴ به رحمت ایزدی پیوست و محمدعلی میرزا ولیعهد به تاریخ ۲۹ دی ماه ۱۲۸۵ شمسی برابر ٦ ذیحجه ۱۳۲۴ رسماً تاجگذاری کرد. (۲۱ ژانویه ۱۹۰۷ میلادی.)

هیأت دولت میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله به شیوه پارلمانی ممالک غرب از آنجا

۱ـ میرزا حسین خان مؤتمن‌الملک.

که در تنظیم قانون اساسی حدود و وظایف و مسئولیت وزیران قوه مجریه مشخص نگردیده بود به مجلس شورای ملی معرفی نگردید. تا اینکه مجلس به دنبال مخالفت با لایحه استقراض از دول خارجی، به منظور محدود ساختن مخارج دربار و جلوگیری از کیفیت غیرقانونی صرف مالیات و محدود ساختن اختیارات مسیو نوز بلژیکی، و کیفیت جمع و خرج دولت،در جلسهٔ مورخ پنجشنبه ۲ ذیحجه ۱۳۲۴ مورخ (۱۷ ژانویه ۱۹۰۷ میلادی) درباره پیشرفت کلیه امور جاری دولت به‌ویژه مسأله بودجه و امور گمرکات از هیأت وزیران توضیح خواست.ناصرالملک وزیر مالیه در جواب نمایندگان، در ضمن بیان کلی مسائل مالی و مفهوم و تشریح درآمد و هزینه کشور و توضیحاتی در مورد حل مسأله گمرک، به علت خودمختاری مسیو نوز بلژیکی، از خود سلب مسئولیت کرد.

این امر و به‌طور کلی رفتار منفی دولت در برابر مجلس، نمایندگان را برآن داشت تا در تاریخ ۷ بهمن‌ماه ۱۲۸۵ برابر ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۴ با ارسال نامه زیر صورت اسامی وزیران مسئول هر وزارتخانه را از دولت بخواهند.

به موجب مواد قانون اساسی مجلس شورای ملی موظف است در مورد کلیه امور مملکتی با وزیران مسئول شور و مذاکره به عمل آورد. پیشرفت مصالح و منافع دولت و ملت فقط با همکاری وزیران میسر است و تا موقعی که صدراعظم شخصاً هیأت وزیران را رسماً به مجلس معرفی ننموده است مجلس در وضعی نخواهد بود که بتواند در امور مملکتی اقدامی به عمل آورد. به این جهت مجلس شورای ملی به اتفاق از جناب اشرف تقاضا می‌نماید که وزیران خود را تعیین سازد و تا روز یکشنبه آینده ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۴ شخصاً آنها را به مجلس معرفی بکند و مسئولیت‌ها و حدود وظایف آنها را تشریح نماید تا مجلس بتواند با کمک و همراهی آنها برای اصلاحات لازم اقدام کند و بدین‌ترتیب وظایف خویش را انجام دهد و هم حسن‌نیت وزیران نسبت به مجلس به منصه ظهور برسد در صورتی که این تقاضا انجام نگردد واضح خواهد بود که وزیران کنونی با مقررات قانون اساسی و پیشرفت کار مجلس شورای ملی موافق نیستند. تقاضا می‌نماید جواب صریح و قطعی مرقوم دارند تا مجلس شورای ملی تکلیف آتیه خود را بداند.[۲]

۲ـ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران ـ ص ۱۸۴.

مشیرالدوله در پاسخ نامه فوق، ضمن ارسال نامه‌ای، هیأت وزیران را به شرح زیر به مجلس معرفی کرد. (از مندرجات نامه مجلس شورای ملی در مورد معرفی وزیران مسئول مطلع شدم. گرچه مساله وظایف کابینه برای مردم روشن است و محتاج به تشریح نیست مع‌الوصف به منظور تاکید بیشتر اینطور قرار داده شده است که وزیران مسئول در جلسه مجلس شورای ملی حضور به هم رساند تا عموم نمایندگان مجلس از توضیحاتی که نسبت به معرفی آنان داده می‌شود مستحضر گردند. ضمناً هشت وزیر نامبرده در زیر معرفی شدند.)

۱- میرزا احمدخان مشیرالسلطنه	وزیر عدلیه
۲- میرزا سلطانعلی خان وزیر افخم	وزیر داخله
۳- محمد علیخان علاءالسلطنه	وزیر امور خارجه
۴- میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک	وزیر مالیه
۵- میرزا محمود خان علاالملک	وزیر علوم و اوقاف
۶- تقی دبیرالدوله وزیر لشگر	به نمایندگی وزیر جنگ
۷- میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک	وزیر معادن و طرق و شوارع
۸- محمد قلیخان مخبرالملک	وزیر تجارت

رئیس مجلس به عدم حضور رئیس دولت و وزیر جنگ در جلسه مجلس شورای ملی در مراسم معرفی هیأت دولت، و همچنین مشخص نساختن مسئولیت وزیران در برابر مجلس، اعتراض کرد. تا اینکه در جلسه یکشنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۴، برابر ۱۳ بهمن ماه ۱۲۸۵ شمسی(۳ فوریه ۱۹۰۷)، مشیرالدوله بدون اینکه خود در مجلس حضور یابد اعضاء هیأت دولت را به شرح مندرج در نامه قبلی مجدداً توسط حاج محتشم‌السلطنه معاون صدراعظم به مجلس معرفی کرد.

در معرفی‌نامه هیأت وزراء عبارات زیر از آنجا که نموداری از گرایش به طرز حکومت خودمختار و مستبد می‌باشد شایان توجه و در خور نقل است.

(آنها مسئول ذات اقدس همایونی هستند و هر وقت وجود آنها لازم باشد خودشان یا معاون ایشان حاضر خواهد شد.)[۳]

۳- مذاکرات مجلس دوره اول ـ صفحه ۷۴.

در مراسم معرفی هیأت وزیران چون نام مسیو نوز به عنوان وزیر مسئول وزارت گمرکات به مجلس داده نشده بود نمایندگان از دولت خواستند تا لقب وزارت و شغل نوز که به موجب قانون اساسی مسئولیتی ندارد از نامبرده گرفته شود.

محمد علیشاه و صدراعظم پس از چند روز تعلل، مجبور شدند (به تاریخ ۲٦ ذیحجه ١٣٢٤ قمری) مسیو نوز و پیریم را از مقام وزارت و ریاست گمرکات و پست ایران معزول سازند.

محمد علیشاه که دوران سلطنت وی را باید عصر مبارزه واقعی مشروطه‌خواهان و مستبدان دانست، نسبت به رئیس دولت وقت مشیرالدوله خوشبین نبود. برای انجام نیات بزرگ خود که تسلط بر مجلس و برقراری حکومت خودمختاری اجدادی بود درصدد انتخاب رئیس دولت مقتدری برآمد که تسلیم نیات مجلس نباشد و به دست وی بتواند مقدمات برچیدن مجلس را فراهم سازد برای این منظور میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم «امین‌السلطان» صدراعظم دوران استبداد را که در طی سه سال اقامت در ممالک اروپایی تعلیمات غربی را نیز اخذ کرده بود برای زمامداری دولت مشروطه احضار کرد.

مشیرالدوله قبل از ورود اتابک به ایران به تاریخ ۲٦ اسفند ماه ١٢٨٥ شمسی برابر ۲ صفر ١٣٢٥قمری برابر ١٧ مارس ١٩٠٧ میلادی استعفا کرد.

۲ـ سلطانعلی خان وزیر افخم

پس از استعفای میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله دولت جدید مرکب از هشت وزیر به شرح ذیل در ٦ صفر ١٣٢٥ برابر با۲۹اسفند ماه ١٢٨٥ شمسی (۲١ مارس ١٩٠٧ میلادی) تشکیل شد و در همین تاریخ به مجلس معرفی گردید.[٤]

١ـ سلطانعلی‌خان وزیر افخم	وزیر داخله
۲ـ عبدالحسین میرزا فرمانفرما	وزیر عدلیه
٣ـ محمد علیخان علاءالسلطنه	وزیر امور خارجه
٤ـ میرزا ابوالقاسم‌خان ناصرالملک	وزیر مالیه
٥ـ کامران میرزا نایب‌السلطنه	وزیر جنگ

٤ـ مذاکرات مجلس دوره اول ـ صفحه ١١٣.

٦ـ مهدیقلی‌خان مخبرالسلطنه — وزیر علوم و اوقاف
٧ـ مهندس‌الممالک غفاری — وزیر فواید عامه
٨ـ میرزا مهدیخان وزیر همایون — وزیر تجارت

وزیر داخله دولت جدید سلطانعلی خان وزیر افخم، بدون عنوان ریاست وزرایی، عملاً وظایف مربوط به رئیس دولت را انجام می‌داد تا اینکه در جلسه ١٦ ربیع‌الاول ١٣٢٥ هجری قمری، مجلس شورای ملی، رأی عدم موافقت و اعتماد خود را با ٧٩ ورقه سفید ـ یک ورقه آبی ـ ١٠ ورقه ممتنع[٥] با زمامداری وزیر افخم وزیر داخله اعلام داشت و دولت وی معزول گردید.

* * *

٣ـ میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم امین‌السلطان

اشاره شد که پس از برکناری مشیرالدوله از ریاست وزرایی درحالی‌که شاه و درباریان وی مقدمات بازگشت میرزا علی‌اصغر خان اتابک به ایران و زمامداری نامبرده را به عنوان ریاست وزراء فراهم می‌ساختند. ـ دولتی موقت به سرپرستی وزیر افخم وزیر داخله بدون عنوان صدارت عهده‌دار امور وزارتخانه‌ها گردید.

سرانجام اتابک روز ٧ اردیبهشت ماه ١٢٨٦ شمسی ١٣ ربیع‌الاول ١٣٢٥ (٢٧ آوریل ١٩٠٧ میلادی) به تهران وارد شد، و به تاریخ ١٨ ربیع‌الاول برابر ١١ اردیبهشت ماه ١٢٨٦ شمسی (ماه مه ١٩٠٧ میلادی) رسماً به ریاست وزرایی دولت مشروطه منتخب گشت و اداره امور وزارت داخله را نیز شخصاً برعهده گرفت.

اتابک هیأت دولت را به شرح زیر در جلسه شنبه ٢٠ ربیع‌الاول ١٣٢٥ برابر ١٣ اردیبهشت ماه ١٢٨٦ (٤ ماه مه ١٩٠٧ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[٦]

١ـ محمد علیخان علاءالسلطنه — وزیر امور خارجه

٥ـ مذاکرات مجلس دوره اول ـ صفحه ١٥٥.
٦ـ مذاکرات مجلس دوره اول ـ صفحه ١٥٨.

٢- کامران میرزا نایب‌السلطنه وزیر جنگ[٧]
٣- میرزا علی‌اصغر خان اتابک اعظم وزیر داخله
٤- میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک وزیر مالیه
٥- سید محمود خان علاءالملک وزیر عدلیه
٦- میرزا مهدیقلیخان مخبرالسلطنه وزیر معارف
٧- میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک غفاری وزیر فواید عامه
٨- میرزا مهدی‌خان وزیر همایون قائم مقام وزیر تجارت

اتابک، در جلسه معرفی هیأت دولت در ضمن تشریح سیاست دولت، با بیانات زیر همکاری با مجلس و قانون اساسی را تعهد کرد:

امروز روز بزرگی است و عصر نوینی را آغاز می‌نمائیم، از این پس ملت و دولت در راه منافع مشترک این کشور همکاری خواهند کرد. به شما اطمینان می‌دهم که اظهار اینجانب در این زمینه صادقانه است دلیل مثبت این مدعا همین بس که اصرار نمودم همه وزیران کابینه سوگندنامه‌ای در زمینه همکاری با مجلس شورای ملی امضا کنند و همه آنها سوگندنامه را درحضور اعلیحضرت امضا کردند و خودم هم آنرا مهر نمودم شما به هیچ‌وجه نباید نسبت به صداقت و صمیمیت اینجانب نگرانی داشته باشید.[٨]

امین‌السلطان در بدو زمامداری با مسائل پیچیده ناشی از تغییر رژیم حکومت مواجه گردید از طرفی انقلابات داخلی و ناامنی به‌ویژه در صفحات آذربایجان و فارس، از سوی دیگر اغتشاشات سیاسی از جمله تظاهرات شدید انجمنها که در واقع مرکز ستاد آزادیخواهان آن عصر بود و مخالفت تدریجی نمایندگان تندرو مجلس، کینه‌توزی جراید و مطبوعات، مهمتر از آن شور و هیجان افکار عمومی به ضد پادشاه، به دنبال انتشار خبر سیاست نهانی محمد علیشاه مبنی بر تعطیل حکومت ملی و تعطیل مجلس از اهم مسائل ودشواریهایی‌بود که اتابک با آن روبرو شد، و سرانجام به قتل وی و سقوط

٧- در جلسه مورخ ٥ تیرماه ١٢٨٦ مجلس با اکثریت ٨٧ رأی از ٨٩ رأی حاضر به برکناری وزیر جنگ رأی داد و میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک به‌عنوان وزیر جنگ وارد کابینه شد.
٨- تاریخ استقرار مشروطیت در ایران - صفحه ٣٤٤.

کابینه‌اش منجر گردید.

سالارالدوله برادر شاه در صفحات غرب، برای تصاحب تاج و تخت به ضد دولت قیام کرد و به تجهیز نیروی بزرگی از افراد لر پرداخت. اتابک با اعزام نیرو و توپخانه به آن صفحات به رفع این غائله اقدام کرد.

سالارالدوله پس از سه روز جنگ در نزدیکی نهاوند از نیروی نظامی مرکز شکست خورد و به تهران اعزام گردید.

در تاریخ ۹ مرداد ماه ۱۲۸۶ شمسی برابر ۲۱ جمادی‌الاخر ۱۳۲۵، سپاهیان عثمانی بار دیگر به خاک ایران حمله کرده و با تحریک کردها آشوب و ناامنی را در صفحات غرب آذربایجان بر پا ساختند.

اتابک اعظم به خلاف تمایل نمایندگان تندرو مجلس برای مساله پیچیده و مبهم کسر بودجه ایران و تهی بودن خزانه دولت، اخذ وام از دولت روسیه را جزء برنامه خود قرار داد و برای این منظور از راه‌های مختلف سعی و تلاش کرد تا بتواند نمایندگان اعتدالی مجلس را با خود موافق و همراه سازد.

روز ۲۱ رجب ۱۳۲۵ برابر ۸ شهریور ماه ۱۲۸۶ (۳۱ اگوست ۱۹۰۷) اتابک به اتفاق هیات وزیران به حضور شاه شرفیاب شد و مستدعیات دولت را در ضمن عریضه ذیل به عرض رساند:

«قربان خاک پای جواهرآسای اقدس همایونت شوم. خانه‌زادان به موجب تعهدی که در خاک پای مبارکت کرده‌ایم و کلام خدا را به شهادت گرفته‌ایم، ناگزیریم در هر موقع آنچه را صلاح دولت خواهی نسبت به ذات اقدس ملوکانه می‌دانیم و در مصلحت ملک و دولت و ملت که عین مصلحت پادشاه است می‌بینیم به عرض برسانیم.

پریشانی خلق، آشفتگی عموم، اختلال اوضاع مملکت از این بیشتر نمی‌شود مردم تسویه امور را از مجلس می‌خواهند مجلس موافق حقی که در قوانین اساسی به او داده شده است به وزرای مسئول رجوع می‌کند و جداً اجرای قوانین اساسی را می‌خواهد، امیدواری وزیران در اجرای آن قوانین به تقویت نمایندگان اعلیحضرت اقدس شهریاری است و البته این نکته در خاک پای مبارک مبرهن است که تا صدور احکام بر وفق قوانین اساسی مقرر نگردد شکایت مجلس، توحش مردم، اختلال امور رفع نخواهد شد و

در سوء عاقبت این وضع هیچ شبهه نیست و یقین داریم که نیات مقدسه ملوکانه با عرایض دولت خواهانه این غلامان تباین ندارد، استدعای عاجزانه غلامان این است که از برای رفع تزلزل ارکان ملک و آسایش خاطر مبارک مؤکداً دست خط ملوکانه صادر شود که قوانین اساسی باید جداً به موقع اجرا گذارده شود تا رفع محظور از این غلامان شده بدون ملاحظه مشغول خدمتگذاری باشیم. زیاده قدرت جسارت ندارد.»[۹]

محمد علیشاه، در پاسخ پیشنهاد و تقاضای دولت، تعهد کتبی مبنی بر تقویت دولت و همکاری با مجلس را به شرح زیر به اتابک داد:

«جناب اشرف اتابک اعظم، اجرای قوانین به تقویت مجلس چیزی است که همیشه مقصود و منظور ما است. تکلیف دولت و وزراء همین است و همیشه همین طور به وزراء فرموده‌ایم و بعدها هم خواهیم فرمود، وزراء بدون دغدغه خاطر مشغول خدمات مرجوعه به خود باشند و لازمه تقویت هم از طرف ما نسبت به احاد وزراء خواهد شد و مخصوصاً می‌نویسم که وزراء قانون اساسی را از طرف ما از مجلس بخواهند که زودتر نوشته و تمام شود.»[۱۰]

رئیس دولت به اتفاق وزیران پس از دریافت این تعهد به مجلس شورای ملی حضور یافت و دست خط فوق را در جلسه علنی مجلس قرائت کرد و از نمایندگان خواست تا مواد الحاقی به قانون اساسی را هرچه زودتر تکمیل کنند و نیز در همین جلسه ترمیم کابینه با انتصاب مستوفی‌الممالک به وزارت جنگ و علاءالملک به وزارت عدلیه اعلام گردید. (روز شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هجری قمری.)

اتابک اعظم بدین‌طریق توافق و اعتماد اکثریت مجلس را نسبت به دولت جلب کرد و پس از این جریان موفقیت آمیز درحالی‌که به اتفاق سید عبدالله بهبهانی از عمارت بهارستان خارج می‌شد، به دست یک تن از اعضای انجمن‌های سری به نام عباس آقای تبریزی مورد سوءقصد قرار گرفت و کشته شد.

ناگفته نماند مقارن این ایام قرارداد معروف ۱۹۰۷ میلادی بین انگلیس و روس به تاریخ ۲۱ رجب ۱۳۲۵ برابر ۸ شهریور ۱۳۲۸ (۳۱ اگوست ۱۹۰۷) در سنت

۹ـ مذاکرات مجلس دوره اول ـ صفحه ۲۵۶ ـ جلسه شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵.

۱۰ـ مذاکرات مجلس دورهٔ اول ـ صفحه ۲۶۷ ـ جلسهٔ شنبه ۲۱ رجب ۱۳۲۵ قمری.

پطرزبورگ امضاء گردید. به موجب این قرارداد دولتین مذکور به منظور تأمین و حفظ منافع خود در ایران و جلوگیری از وقوع هرگونه تصادم منافع بین خود، ایران را تقسیم به سه منطقه شمال تحت نفوذ دولت روسیه و جنوب تحت نفوذ و سلطه انگلیس و مرکز را منطقه آزاد اعلام کردند. و این موافقتنامه در تاریخ ٢٤ سپتامبر ١٩٠٧ به دولت ایران تسلیم شد.

یادآور می‌شویم این عهدنامه بدون دخالت دولت ایران تنظیم گردید و مجلس شورای ملی نیز تحقیقاً از تکمیل آن تا تاریخ ٢٥ رجب ١٣٢٥ که مفاد آن در تهران انتشار یافت اطلاع نداشت.

محمدعلیشاه برای انتخاب صدراعظم آینده، جلسه‌ای با حضور ٢٠ تن از نمایندگان مجلس به تاریخ ٢٤ رجب تشکیل داد. در این جلسه تصمیم نهایی در مورد انتخاب رئیس‌الوزراء به علت عدم توافق اتخاذ نگردید محمدعلیشاه وزیران کابینه اتابک اعظم را که همچنان بر سر کار بودند مأموریت داد تا انتظام امور مملکت را با مشورت نمایندگان تا انتخاب صدراعظم آینده انجام دهند.

٤- میرزا احمدخان مشیرالسلطنه

پس از قتل اتابک اعظم، دولت جدید به ریاست میرزا احمدخان مشیرالسلطنه طرفدار عقاید و سیاست موافق شاه مبنی بر تضعیف مجلس و تعطیل حکومت مشروطه به تاریخ ٢٩ رجب ١٣٢٥ هجری قمری تشکیل شد و هیات وزیران روز ٧ شعبان ١٣٢٥ برابر ٢٣ شهریور ماه ١٢٨٦ شمسی به ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی شدند.

١- میرزا احمدخان مشیرالسلطنه	رئیس‌الوزراء وزیر داخله
٢- میرزا جوادخان سعدالدوله	وزیر امور خارجه
٣- میرزا محمد علیخان قوام‌الدوله	وزیر مالیه
٤- محمد تقی‌خان مجدالملک سینکی	وزیر تجارت
٥- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	وزیر جنگ
٦- میرزا ناظم‌الدین مهندس‌الممالک غفاری	وزیر فواید عامه
٧- میرزا حسنخان مشیرالملک	وزیر عدلیه
٨- میرزا جعفر قلیخان نیرالملک	وزیر علوم

مشیرالسلطنه و هیأت دولت وی مورد اعتماد و موافقت اکثریت نمایندگان مجلس نبود، مجلس مخالفت خود را بدواً توسط یک هیأت ۶ نفری به عرض شاه رسانید و از شاه تقاضا کردند دولت از اشخاص واقف به اصول حکومت مشروطه و مدیر و لایق تشکیل یابد و نیز به عرض شاه رساندند که چنانچه دولت جدید نتواند رضایت مجلس را جلب کند نمایندگان بر کناری آن را خواستار خواهند شد.

محمدعلیشاه در برابر مخالفت مجلس، رفتار مسالمت‌آمیز پیش گرفت و از آنها خواستار شد تا اعضاء دولت را به طور آزمایشی بپذیرند.

بیان شد که در دورهٔ زمامداری اتابک اعظم، دولت عثمانی به مرزهای ایران تجاوز و نیروی نظامی خود را در ایران پیاده کرده بود، برای حل این مسأله با مداخله دو دولت روس و انگلیس ترتیبی مقرر شد که دولت عثمانی قوای خود را از مرز ایران عقب بکشد و مسائل مرزی در کمیسیونی مرکب از نمایندگان ایران و عثمانی و با حضور و نظارت نمایندگان دولت روسیه و انگلیس مورد رسیدگی قرار گیرد و اختلافات موجود حل شود.

متن قرارداد موافقتنامه مورخ ۳۱ اگوست ۱۹۰۷ منعقده بین دولت روسیه و انگلیس به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷ به دولت ایران تسلیم شد و روز ۲۶ شعبان (۲۰ شهریور ماه ۱۲۸۶) از طرف هیأت دولت برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم گردید قرارداد مذکور از آنجا که با تمامیت استقلال ایران مغایرت داشت با مخالفت نمایندگان مواجه شد و مواد آن به تصویب نرسید.

جمعی از اشراف و شاهزادگان و رؤسای لشگری و کشوری، برای رفع بحرانهای ناشی از مخالفت و ضدیت محمدعلیشاه با مجلس و آزادیخواهان جلسه‌ای ترتیب دادند و پس از تبادل افکار، نظریات کمیته در ضمن پیشنهادی به حضور شاه تقدیم شد. هیأت مذکور در تقاضانامه خود به‌طور صریح از محمدعلیشاه خواستند تا از اصرار و پافشاری در ضدیت و مخالفت با مجلس دست بردارد و نیز متذکر شدند چنانچه اعلیحضرت تقاضای آنها را نپذیرد به اتفاق ترک خدمتگذاری وی را خواهند کرد. ضمناً اعضای کمیته مذکور پس از شرفیابی به حضور شاه به‌طور دسته‌جمعی به مجلس شورای ملی رفت و سوگند یاد کردند که حافظ مشروطیت و مطیع قانون اساسی خواهند بود.

مخالفت تندروان مجلس و کارشکنی نمایندگان با دولت مشیرالسلطنه که از بدو زمامداری مورد تمایل مجلس شورای ملی نبود به تدریج موجبات سقوط و تزلزل کابینه را فراهم ساخت و سرانجام پس از اخذ رأی نسبت به ابقاء دولت به تاریخ ۱۰ رمضان ۱۳۲۵، (۲۳ مهر ماه ۱۲۸۶) ۸٤ تن از نمایندگان حاضر در جلسه با ورقه کبود عدم تمایل خود را به زمامداری مشیرالسلطنه و دولت وی ابراز داشتند و در نتیجه دولت پس از ۳٤ روز زمامداری سقوط کرد.

۵- میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک

پس از برکناری دولت مشیرالسلطنه، مدت یک هفته درباریان و نمایندگان درباره زمامدار آینده به تبادل نظر مشغول بودند تا اینکه روز ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ هجری قمری برابر ۳ آبان ماه ۱۲۸٦ شمسی، میرزا ابوالقاسم‌خان ناصرالملک قره‌گزلو از طرف مجلس و با تایید محمدعلیشاه به ریاست وزراء انتخاب شد.

رئیس‌الوزراء اعضای هیأت دولت جدید را به قرار ذیل به تاریخ شنبه ۱۸ رمضان ۱۳۲۵ به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱- میرزا ابوالقاسم‌خان ناصرالملک	رئیس‌الوزراء وزیر مالیه
۲- غلامرضاخان آصف‌الدوله	وزیر داخله
۳- میرزا حسن‌خان مشیرالدوله	وزیر امور خارجه
٤- میرزا مهدیقلی‌خان مخبرالسلطنه	وزیر عدلیه
۵- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	وزیر جنگ
٦- مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر معارف
۷- میرزا حسین‌خان موتمن‌الملک	وزیر تجارت و گمرکات

دولت ناصرالملک، همچون دولتهای پیشین با مسائل دشواری مواجه بود که اهم آنها تحریکات علنی و مخالفت محمدعلیشاه به ضد مجلس و حکومت ملی، تهی بودن خزانه دولت و فقدان وسائل تأمین کسر بودجه مملکت، و از سوی دیگر مهمتر از آن اختلافات مرزی بین ایران و دولت عثمانی، مداخله دولت روسیه تزاری در اداره امور داخلی کشور و تقویت و پشتیبانی دولت مذکور از اعمال مستبدانه شاه را می‌توان نام برد.

مخالفت آزادیخواهان و حملات تند جراید ارگان آزادیخواهان به ضد شاه و

درباریان،محمدعلیشاه را بر آن داشت تا برای تسکین افکار عامه ملت، به‌اتفاق هیأت دولت و گروهی از شاهزادگان، روز سه‌شنبه ۵ شوال ۱۳۲۵ قمری برابر ۱۹ آبان ماه ۱۲۸۵ به مجلس شورای ملی حضور یافته و برای چهارمین مرتبه بر طبق ماده ۳۹ متمم قانون اساسی سوگند یاد کرد که حافظ مشروطیت و قانون اساسی باشد.

سیاست ریاکارانه شاه و تظاهر به آشتی با مجلس، هرچند توانست آرامش نسبی و ظاهری را تا حدی بوجود آورد ولی در فاصله زمان بسیار نزدیک، وقایع و حوادث بعدی و فعالیت آشکار و دسیسه‌بازی عمال دربار، به خوبی نشان داد که شاه در زمان ادای سوگند بدون شک بیش از هر موقعی به فکر تهیه مقدمات اجرای طرح برانداختن حکومت ملی بوده است.

اقدام دولت درباره تقلیل بودجه دربار و قطع مستمری زنان درباری پس از تصویب قانون بودجه مملکتی به تاریخ سوم شوال ۱۳۲۵ و تایید اقدام دولت، زنان درباری را بر آن داشت تا به عنوان اعتراض به قطع مستمری خود در مجلس متحصن شوند.

همزمان با این جریان مخالفت‌آمیز درباریان به ضد اقدامات اصلاحی دولت، کارمندان دربار نیز همراه گروهی از توده مردم سودجو و اوباش در میدان توپخانه اجتماع بزرگی تشکیل دادند و بدین کیفیت مقدمات تظاهرات دامنه‌داری را به ضد مشروطه و حکومت ملی فراهم آوردند.

روز اول آذر ماه ۱۲۸۶، ۱۷ شوال ۱۳۲۵ (۲۷ نوامبر ۱۹۰۷) بنابه تمایل پادشاه،هیأتی مرکب از ده تن از نمایندگان منتخب مجلس شورای ملی به حضور محمدعلیشاه رسیدند در این جلسه، محمدعلیشاه پیشنهادهای خود را مبنی بر تفکیک وظایف اجرایی دولت از قوه قانونگذاری و انحلال انجمنهای محلی به جهت مداخله آنها در اداره امور دولت به اطلاع مجلس رسانید.

این پیشنهاد را درواقع نخستین حمله آشکار محمدعلی شاه به مجلس و رژیم مشروطه باید دانست.

تظاهرات و به دنبال آن اغتشاشات ناشی از مخالفت علنی پادشاه با مجلس از ناحیه دو نیروی مجهز ملی و دربار همچنان ادامه یافت. اصلاح‌طلبان و عامهٔ مردم در میتینگ‌های عمومی خود در ضمن نطقهای شدیداللحنی به ضد پادشاه رسماً خلع

نامبرده را از سلطنت خواستار شدند.

سرانجام ناصرالملک از آنجا که ادامه کار هیأت دولت را با مخالفت شدید و دسته‌بندیهای شاه به ضد حکومت مشروطه، غیرممکن تشخیص داد روز ۸ ذیقعده ۱۳۲۵ هجری قمری (۲۲ آذر ماه ۱۲۸٦) استعفانامه خود را تقدیم داشت ولی استعفای دولت از طرف محمدعلیشاه پذیرفته نشد.

روز ۹ ذیقعده، (۲۳ آذرماه ۱۲۸٦ شمسی) تظاهرات هیجان‌آمیزی به ضد آزادیخواهان و مجلس از طرف عده‌ای از مزدوران شاه به رهبری مقتدر نظام و صنیع حضرت در اطراف مسجد سپهسالار و مجلس شورای ملی شروع شد. مجلس به منظور حفظ انتظام و احتیاط دستور بسته‌شدن درهای مجلس را داد. تظاهرکنندگان چون نتوانستند به مجلس وارد شوند، با شلیک چند تیر به طرف مجلس رهسپار میدان توپخانه شدند. به دنبال این تظاهرات ضد ملی، روز بعد از طرف اصلاح‌طلبان و اعضای انجمنهای محلی برای دفاع از مجلس تدابیر تدافعی لازم در برابر تجاوز اشرار و مزدوران مسلح پادشاه به‌عمل آمد، رهبران جمعیتهای سیاسی آزادیخواه اجتماع بزرگی در مدرسه سپهسالار تشکیل دادند و مستدعیات خود را توسط هیأتی به شرح زیر به عرض محمدعلیشاه رساندند.

۱ـ تبعید سعدالدوله

۲ـ قرار دادن امیر بهادر جنگ تحت اوامر و فرمان وزیر جنگ

۳ـ قرار گرفتن بریگاد قزاق جزو تشکیلات وزارت جنگ

٤ـ ادای سوگند از طرف شاه در جلسه علنی مجلس شورای ملی برای رعایت مشروطیت و قانون اساسی.

۵ـ تنبیه کسانی که به طرف مجلس شلیک کرده‌اند.

٦ـ تشکیل یک گارد ملی مرکب از دویست نفر برای حراست مجلس[۱۱]

احتشام‌السلطنه رئیس مجلس، به عنوان اعتراض و شکایت از رویهٔ نامعقول اجتماع کنندگان روز ۹ ذیقعده که به تحریک دربار صورت گرفته بود و نیز به منظور جلوگیری از حوادث خونین بعدی، دو تن نماینده (علاءالدوله ـ معین‌الدوله) را به حضور

۱۱ـ کتاب آبی ـ ج اول ـ صفحه ۲۸٤.

پادشاه فرستاد محمدعلیشاه، نمایندگان منتخب مجلس را با توهین به حضور پذیرفت و بدون توجه به خواست و گزارش مجلسیان، دستور توقیف آنها را صادر کرد و آنان را تحت‌الحفظ به خارج از کشور تبعید نمود. (به تاریخ ۲۳ آذر ماه ۱۲۸۶ شمسی و ۹ ذیقعده ۱۳۲۵ قمری.)

در تاریخ ۱٤ ذیقعده ۱۳۲۵، تظاهرات و جنبشهای دامنه‌داری از طرف ملیون و انجمنهای محلی علی‌رغم اجتماع مورخ ۹ ذیقعده، به ضد پادشاه و درباریان وی شروع شد و در این ماجرا زد و خورد شدیدی بین ملیون و سربازان قراولخانه در گرفت.

ناصرالملک در این تاریخ استعفا داد، ولی شاه هیأت دولت و ناصرالملک را روز بعد از استعفا به دربار احضار کرد رئیس دولت و هیأت وزیران پس از ورود به دربار، مورد عقاب و سرزنش شاه قرار گرفتند و زیر نظر امیر بهادر جنگ در دربار زندانی شدند.

رفتار توهین‌آمیز و خصمانه شاه نسبت به نمایندگان منتخب مجلس و هیأت دولت هیجان شدیدی در مجلس ایجاد کرد و نمایندگان دربارهٔ عزل ناصرالملک که استعفای او مورد قبول مجلس واقع نشده و رسماً رئیس دولت بود از شاه توضیح خواستند. ناصرالملک با وساطت سفارت انگلیس از زندان دربار آزاد شد و به اروپا رهسپار گشت. (٢٤ آذرماه ۱۲۸٦ شمسی).

واکنش این اختلاف شدید بین شاه و مجلس، در میان طبقات مختلف اجتماع به ویژه در جمع آزادیخواهان، به صورت شورش و جنبشهای عمیق و شدید بروز کرد.

روز ۱۵ ذیقعده (۲۹ آذر ماه ۱۲۸٦) کلیه بازارها تعطیل گردید و ملیون و اعضای انجمنهای محلی برای دفاع از مجلس پیرامون باغ بهارستان و مسجد سپهسالار گرد آمدند.

طرفداران رژیم استبداد و مزدوران دربار نیز، میدان توپخانه را مرکز تجمع خود قرار دادند و دسته‌های مختلف اوباش مسلح را تحت نظر سربازان و قزاقان مجهز با توپ در این میدان مستقر ساختند. روحانیان طراز اول نجف، در دی ماه ۱۲۸٦، حاج شیخ فضل‌الله نوری را که از مخالفین مشروطه و طرفدار استبداد محمدعلیشاه بود ضمن ارسال تلگرافی به آیات عظام، بهبهانی و طباطبایی تکفیر کردند و تبعید او را خواستار شدند. مقاومت و پایداری انجمنها و عوامل سیاسی دیگر موجب شد تا محمدعلیشاه مجدداً به

فکر سیاست مسالمت‌آمیز با مجلس بیفتد. روز دوشنبه ۱۵ آذر ماه ۱۲۸۶ برابر با ذیحجه ۱۳۲۵ هجری قمری (۱۶ دسامبر ۱۹۰۷) عضدالملک رئیس ایل قاجار به نماینده‌گی از طرف پادشاه به مجلس حاضر شد و از نماینده‌گان در خواست نمود که مجلس به طور موقت تشکیل نشود و برقراری نظم را به شاه واگذار کنند. نماینده‌گان به‌اتفاق به پیشنهاد نامبرده اعتراض کردند. احتشام‌السلطنه در پاسخ پیام محمدعلیشاه بیان داشت، بنا نبود چنین سخنی را به زبان رانید. ما در اینجا برای بررسی اینگونه جریانات ننشسته‌ایم: آنچه ما می‌پرسیم این است: تکلیف ما نسبت به کسی که با بهترین اصول به کلام‌الله مجید سوگند یاد کرده و پیمان خود را شکسته چیست.[۱۲]

محمدعلیشاه ناگزیر از در سازش موقت در آمد و با تقاضای ملت مبنی بر تبعید سعدالدوله. عزل امیربهادر جنگ، و کیفر متجاسرین میدان توپخانه، آزادی کامل ناصرالملک و همچنین احضار علاءالدوله و معین‌الدوله نماینده‌گان تبعید شده موافقت کرد.

۶ـ حسین‌قلی خان نظام‌السلطنه

پس از عزل ناصرالملک، محمدعلیشاه نظام‌السلطنه مافی را که مورد تمایل اکثریت مجلس نیز بود مامور تشکیل کابینه ساخت. ۱۶ ذیقعده ۱۳۲۵ ۳۰ آذرماه ۱۲۸۶

نامبرده به تاریخ ۱۷ ذیقعده ۱۳۲۵ قمری برابر ۱۰ دی ماه ۱۲۸۶ شمسی) هیات وزیران را به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱ـ حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی	رئیس‌الوزراء و وزیر مالیه
۲ـ غلامرضاخان آصف‌الدوله	وزیر داخله
۳ـ شاهزاده عزیزالله ظفرالسلطنه	وزیر جنگ
٤ـ مهدیخان وزیر همایون قایم مقام	وزیر تجارت
۵ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر امور خارجه
٦ـ مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر علوم و فواید عامه

۱۲ـ تاریخ انقلاب ایران، تألیف ادوارد براون ـ صفحه ۱٦۱.

۷- مهدیقلی‌خان مخبرالسلطنه وزیر عدلیه

رئیس‌الوزراء به منظور رفع اختلاف شاه و مجلس، به دنبال معرفی هیأت دولت سوگندنامه شاه را که در پشت قرآن نوشته شده بود به قرار زیر قرائت کرد:

(چون به واسطه انقلابی که این چند روزه در تهران و سایر ولایات واقع شده برای ملت سوءظنی حاصل شده بود که خدای نخواسته ما در مقام نقض عهد و مخالفت از قانون اساسی هستیم، لهذا برای رفع این سوءظن و اطمینان خاطر عموم ملت به این کلام‌الله مجید قسم یاد می‌کنیم که اساس مشروطیت و قوانین اساسی کلیه را در کمال مواظبت حمایت و رعایت کرده و اجرای آن را به هیچ‌وجه غفلت نکنیم، و هرکسی برخلاف مشروطیت رفتار کرد مجازات سخت بدهیم و هرگاه نقض عهد و مخالفت از ما بروز کند در نزد صاحب قرآن مجید مطابق عهد و شروط و قسمی که از وکلای ملت گرفته‌ایم مسئول خواهیم بود (لیله ۱۷ ذیقعده ۱۳۲۵)[۱۳]

به دنبال قرائت سوگندنامه شاه، متن سوگند وکلای ملت که برای اطمینان خاطر شاه تهیه و در پشت قرآن ممهور شده بود قرائت گردید.

در این موقع که بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی محمدعلیشاه قاجار خلدالله ملکه به واسطه بروز انقلابات برای رفع سوءظن عموم ملت به کلام‌الله مجید قسم یاد فرموده‌اند که حافظ و حامی قوانین اساسی باشند ما وکلای ملت امضاءکنندگان ذیل نیز به این کلام‌الله مجید قسم یاد می‌کنیم مادامی که قوانین اساسی و حدود مشروطیت را اعلیحضرت اقدس همایونی حامی و مجری و نگهبان باشند به هیچ‌وجه من‌الوجوه خیانت به اساس سلطنت ایشان نکنیم و حدود و حقوق پادشاه متبوع عادل خودمان را موافق قانون اساسی محفوظ و محترم بداریم و هرگاه مخالف این عهد و قسم را بکنیم نزد خدا و رسول مسئول باشیم[۱۴] و نیز با پراکنده ساختن اجتماعی که در میدان توپخانه به طرفداری از دربار و مخالفت مجلس تشکیل داده بودند، کودتایی را که به ضد مشروطیت پی‌ریزی شده بود به طور موقت بی‌نتیجه ماند و به ظاهر امر سازشی که در زیر آن نقشه برهم زدن اساس حکومت ملی از طرف محمدعلی‌شاه و درباریان پنهان گردیده بود، بین شاه و مجلسیان بوجود آمد.

۱۳ـ مذاکرات مجلس دوره اول ـ صفحه ۴۱۳.

۱۴ـ مذاکرات مجلس دوره اول ـ صفحه ۴۱۳.

باید دانست که تحریکات خاتمه‌پذیر نبود و نماند چنانکه به تاریخ سوم ذیحجه ۱۳۲۵، چند تن از اوباشان به دستور یکی از درباریان به نام مجلل‌السلطان به منزل ارباب فریدون زردشتی ریختند و نامبرده را مقتول ساختند. (۱٦ دی ماه ۱۲۸٦ شمسی) مجلس در مقابل این امر ساکت نماند و پس از مذاکرات پرشوری که بین نمایندگان صورت گرفت مجلس مجلل‌السلطان و همدستانش را تحت تعقیب و مجازات قرار داد و او را تبعید ساخت.

در جلسهٔ یکشنبه ۱۳ محرم ۱۳۲٦ قمری، (۲۷ بهمن ماه ۱۲۸٦) تقی‌زاده، آصف‌الدوله وزیر داخله کابینه را به علت اتهامات متعدد مورد اعتراض قرار داد و از نمایندگان تقاضای سلب اعتماد از وزیر داخله کرد. مجلس پس از اخذ رای، عدم اعتماد خود را نسبت به وزیر داخله ابراز داشت، در نتیجه نظام‌السلطنه در تاریخ ۱۵ محرم مسئولیت وزارت داخله را تا انتخاب وزیر جدید شخصاً به‌عهده گرفت.

روز ۸ اسفند ۱۲۸٦ برابر ۲۵ محرم ۱۳۲٦، موقعی که شاه عازم دوشان‌تپه بود در خیابان الماسیه بمبی به طرف اتومبیل پادشاه انداخته شد، در این جریان یک تن کشته گردید ولی به شاه که در کالسکه دیگر بود گزندی نرسید. این واقعه که از دید رهبران انقلاب از ناحیه مرتجعین و به دستور شاپشال خان معروف صورت گرفت، امید هرگونه سازشی را بین پادشاه و مجلس از بین برد و عده‌ای به اتهام دست داشتن در سوءقصد بازداشت شدند،دامنهٔ اختلافات روزبروز وسیعتر و شدیدتر گردید، از طرف مجلس به نظام‌السلطنه رئیس‌الوزراء تکلیف استعفا شد.

نظام‌السلطنه به اجبار استعفا داد، ولی مجدداً مأمور تشکیل هیأت دولت گردید و دولت جدید را به تاریخ ۲٦ محرم ۱۳۲٦ برابر ۹ اسفند ماه ۱۲۸٦ شمسی (مارس ۱۹۰۸ میلادی) به ترتیب ذیل به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱ـ حسنقلی خان نظام‌السلطنه مافی	رئیس‌الوزراء وزیر داخله
۲ـ میرزا رضاخان مؤیدالسلطنه گرانمایه	وزیر عدلیه
۳ـ مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر مالیه
٤ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر امور خارجه
۵ـ شاهزاده عزیزالله ظفرالسلطنه	وزیر جنگ
٦ـ میرزا حسینخان مؤتمن‌الملک	وزیر تجارت و گمرک

۷ـ مهدیقلیخان مخبرالسلطنه وزیر معارف

دولت روسیه تزاری با تمهید مقدمه و خلق حادثه تعمدی، بهانه‌ای به منظور وارد کردن سپاه به ایران به‌دست آورد. توضیح آن‌که روز یکشنبه ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۶، چند تن از اتباع روسی ظاهراً به‌عنوان گرفتن اسب فراری خود وارد مرز ایران شدند و دو تن از ایل قوچه بیگلو را بدون دلیل به قتل رساندند. افراد ایل به خونخواهی مقتولان چند تن از اتباع روسی را مقتول می‌سازند.

این جریان منجر به زدوخورد و مبارزه شدیدی بین نیروهای روسی و اتباع ایرانی در پیله سوار می‌گردد و تعداد زیادی مقتول می‌شوند و متخاصمین چندین ده را ویران می‌سازند و به دنبال آن دولت روسیه سپاهی در اطراف سرحد ایران مستقر ساخت و از دولت بابت خون بهای کاپیتان روسی مطالبه ۲۰ هزار منات کرد.

نظام‌السلطنه مجدداً در تاریخ ۳۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۶ استعفا داد ولی مجلس استعفای وی را نپذیرفت، رئیس‌الوزراء سومین هیأت دولت خود را با جزیی تغییر از جمله انتخاب میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک به تصدی وزارت جنگ به جای شاهزاده ظفرالسلطنه به تاریخ ٤ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ برابر ۵ اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ شمسی (مه ۱۹۰۸) معرفی کرد.

سرانجام، نظام‌السلطنه چون از اصلاح امور مأیوس و مورد بی‌میلی عموم نیز واقع شده بود به دنبال تکلیف نمایندگان مجلس به استعفا، با اینکه بیش از ده روز از ترمیم و معرفی کابینه جدید او به مجلس نمی‌گذشت استعفای خود را به تاریخ ١٤ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ (۱۵ اردیبهشت ماه ۱۲۸۷ شمسی) تقدیم داشت.

۷ـ میرزا احمدخان مشیرالسلطنه

پس از استعفای نظام‌السلطنه، محمدعلیشاه بدون توجه به تمایل نمایندگان میرزا احمدخان مشیرالسلطنه را به زمامداری انتخاب کرد. ١٤ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ برابر ۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۷ شمسی (ژوئن ۱۹۰۸).

رئیس‌الوزراء کابینه خود را به تاریخ یکشنبه ۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد:

۱ـ میرزا احمدخان مشیرالسلطنه رئیس‌الوزراء و وزیر داخله

۲- مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر مالیه
۳- محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر امور خارجه
٤- میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک	وزیر جنگ
۵- میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه	وزیر عدلیه
٦- میرزاحسین‌خان مؤتمن‌الملک	وزیر تجارت و فواید عامه
۷- میرزا حسن‌خان مشیرالدوله	وزیر علوم
۸- حسینقلیخان مخبرالدوله	وزیر پست و تلگراف

ایام زمامداری این کابینه مصادف با بحرانی‌ترین دوران تاریخ دولتهای مشروطه است،اختلاف شاه و دربار،مجلس و ملیون به اوج شدت خود می‌رسد تا به جایی که منجربه تعطیل مجلس و برقراری رژیم استبدادی یک ساله محمدعلیشاه می‌گردد.

بحرانهای ناشی از اوضاع سیاسی روز و اختلاف میان دو قدرت دولت و ملت ازجمله اهم مسایلی بود که در طول زمامداری دولت مشیرالسلطنه، موجبات تغییرات متعدد هیأت وزیران و بی‌ثباتی تشکیلات دولت را فراهم ساخت.

در اواخر ربیع‌الثانی ۱۳۲٦ هجری قمری عضدالملک رئیس ایل قاجار، به‌منظور برقراری سازش و آشتی میان دربار و مجلسیان، جلسات متعددی با حضور سران ایل قاجار و شاهزادگان و نمایندگان انجمنها و سران آزادیخواهان ترتیب داد و پس از تبادل نظر بسیار، مستدعیات مجلسیان مبنی به برکناری شش تن از درباریان مستبد که پادشاه را به دشمنی با مشروطه‌خواهان تشویق و تحریک می‌نمایند ازجمله امیربهادر جنگ، شاپشال خان، مفاخرالملک و مجلل‌السلطان را به‌عرض محمدعلی شاه رسانید.

مشیرالسلطنه به فرمان پادشاه اعلامیه زیر را مبنی بر قبول خواست مجلسیان به‌تاریخ اول جمادی‌الاول ۱۳۲٦ قمری صادر کرد.

(این بنده مشیرالسلطنه که رئیس‌الوزرا هستم در خدمت حضرت اشرف آقای عضدالملک مدظله الهی و سرکار والا نیرالدوله شرفیاب خاکپای جواهرآسای مبارک همایونی ارواحنا فدا شده مطالب دولت‌خواهانه امرا و وزرا و اعیان و عموم ملت را معروض داشته، مستدعیات راجع به تصفیه دربار در حضور همایونی مقبول افتاد و اشخاص زیر را:

امیربهادر، شاپشال خان، علی بیگ، موقرالسلطنه، امین‌الملک، مفاخرالملک از

دربار معدلت‌مدار و از نوکری معزول فرموده و امیدواریم بعد از رفع این موانع کلیه امور مملکتی اصلاح شود.)[۱۵] (۱۲ خردادماه ۱۲۸۷ شمسی برابر ۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶)

روز بعد (۳ جمادی‌الاول سال ۱۳۲۶ برابر ۱۳ خردادماه ۱۲۸۷) سفیر روس و شارژدافر دولت انگلستان، وزیر امورخارجه ایران را ملاقات کردند و به دولت پیشنهاد تشکیل جلسه‌ای را با حضور رئیس مجلس و عضدالملک به‌منظور تبادل نظر در وضع و موقعیت کشور دادند، نمایندگان دو کشور خارجی پس از حضور در جلسه فوق و ملاقات با دولت به حمایت و جانبداری از پادشاه وقت برآمدند، سفیر روس مسیو دهارت ویک ضمن بیان عبارات زیر دولت را رسماً تهدید کرد،چنانچه مجلس به مخالفت اصولی خود با برنامه محمدعلیشاه ادامه دهد دولت روسیه مداخله مستقیم خواهد کرد.

(جان شاه در خطر است. این ملیون چکار به‌کار نوکران شخص اعلیحضرت بویژه امیر بهادر جنگ که مانند سگی وفادار پاسبان تندرستی اربابش می‌باشد دارند؟ کار انجمن‌ها و ملیون بدینجا کشیده که همه آرزوشان برکناری شاه از جایگاه پادشاهی گردیده است. ما نمی‌توانیم این را به خود هموار نماییم، اگر چنین واقعه‌ای رخ نماید، روسیه ناگزیر به پای درمیانی بوده و انگلستان نیز آن را پشتیبانی خواهد نمود.[۱۶]

نماینده دولت انگلیس مستر مارلینگ نیز شرط همراهی و پشتیبانی دولت متبوعه خود را از ایران موکول به پذیرش پیشنهاد وزیر مختار روس اعلام داشت.

روز پنجشنبه ۱٤ خردادماه ۱۲۸۷ شمسی (٤ جمادی‌الاول ۱۳۲٦) و ۳ ژوین ۱۹۰۸ میلادی به‌دنبال صدور اعلامیه فوق، محمدعلشاه که از اقامت در شهر بیمناک بود به‌طرف باغشاه عزیمت کرد. اجرای تصمیم پادشاه مبنی بر ترک تهران با وضع غیرعادی همراه بود. کتاب انقلاب ایران جریان مذکور را این‌چنین توصیف می‌کند:

(این فرار با استادی برگزار گردید، بیش از همه دو هنگ درحدود دوهزار نفر سیلاخوری ناگهان در خیابانها سرداده شد که با آستین‌های بالازده و ساقهای عریان عربده‌کنان و فریادزنان در کوی و برزن‌ها پراکنده گردیدند و در همه شهر غوغایی برپا

۱۵ـ تاریخ انقلاب ایران ـ صفحه ۱۹٤.

۱٦ـ انقلاب ایران ـ تألیف ادوارد براون ـ صفحه ۱۹۲.

ساختند، در این موقع یکعده ۳۰۰ نفری قزاق با دو توپ به‌سوی بهارستان، درحالی‌که مجلس به شور نشسته و موقعیت را بررسی می‌نمود شتافتند. در آنجا گروهی از مردم گرد آمده که از اوضاع و جریان کار باخبر و احیاناً در صورت نیاز به دفاع مجلس بپردازند، در این گیرودار بناگاه شاه در میان قزاقان شمشیر به‌دست درحالی‌که شاپشال خان درکنارش میراند از در قصر بیرون آمد و از آنجا با پیش‌قراولی کلنل لیاخوف و دسته دیگر قزاق به‌سوی باغشاه رهسپار گردید.)[۱۷]

این جریان غیرعادی بیم و نگرانی بسیاری در میان طبقات مختلف به‌ویژه توده عوام به‌وجود آورد و روز ۱۵ خردادماه ۱۲۸۷ شمسی جمع کثیری درحدود دوهزار نفر از آزادیخواهان مسلح در اطراف بهارستان مجتمع شدند و درضمن تظاهراتی از مجلس خواستند تا به‌منظور حفظ نمایندگان و خانه ملت درهای مجلس بسته گردد، و مستدعیات خود را که برکناری پادشاه از تخت سلطنت و تصرف قورخانه باشد اعلام داشتند.

روز ۸ جمادی‌الاول برابر ۱۷ خردادماه ۱۲۸۷ شمسی، محمدعلیشان به‌منظور اجرای طرح تعطیل مجلس که از مدتها قبل تنظیم کرده بود، به گردآوری سپاه پرداخت، نیروی قزاق در شهر به گردش درآمدند.

اداره تلگرافخانه که به‌عهدهٔ مخبرالدوله بود به تصرف درباریان درآمد و بدین‌ترتیب ارتباط مجلس و آزادیخواهان با شهرستانها قطع گردید.

محمدعلیشاه به‌تاریخ ۲۱ خردادماه درضمن دستخطی که توسط یک گروه ۲۵ نفری قزاق به مجلس فرستاد رسماً اعلان جنگ با ملیون را صادر کرد و در اولتیماتوم چنین پیام داد چنانچه در ظرف مدت دو ساعت کلیه افراد و گروه‌هایی که در مسجد سپهسالار مجتمع هستند متفرق نشوند به قوه قهریه آنها را متفرق خواهند ساخت.

نمایندگان به‌منظور جلوگیری از تشدید مخالفت محمدعلیشاه و ایجاد محیط تفاهم و نیز برای آرام ساختن مردم، کمیته‌ای مرکب از ۱۲ تن نمایندگان تشکیل دادند تا مجری هدف‌های فوق باشند. کمیته مذکور از ملیون خواستار شد که به اجتماع خاتمه دهند و به منازل خود برگردند.

۱۷ـ تاریخ انقلاب ایران ـ صفحه ۱۹٤.

محمدعلیشاه پس از پراکنده شدن ملیون، تبعید هشت تن از آزادیخواهان، محدودیت و جلوگیری از انتقادات مطبوعات و نیز خلع سلاح همگانی را از مجلس خواستار شد.

بازرگانان و پیشه‌وران روز ۲۷ خردادماه ۱۲۸۷ به‌ضد دربار بازار را تعطیل کردند و از مجلس خواستار شدند مرکز تجمعی به‌منظور پشتیبانی و حمایت از آزادیخواهان اختصاص دهد. به‌دستور مجلس،مسجد سپهسالار مرکز تجمع آنان قرار گرفت.

مجلس آخرین تلاش خود را برای رفع بحران اختلاف دربار و مجلس به‌کار برد. سعی آنان ظاهراً به ایجاد کمیته مختلط دولتی و ملی منتهی شد و توافق به‌وجود آمد که بامداد فردا تنی چند از نمایندگان پادشاه برای پایان دادن به مطالب لازمه به مجلس شورای ملی حضور یابند.

ولی این نقشه نیز قبل از اجرا با تلگراف شاه به تاریخ ۱ تیرماه ۱۲۸۷ برابر ۲۲ جمادی‌الاول (۲۳ ژوین ۱۹۰۸ میلادی) به کلیهٔ حکمرانان شهرستانها مبنی بر شرح زیر بی‌نتیجه ماند.

(این مجلس برخلاف مشروطیت است هرکس منبعد از فرمایشات ما تجاوز کند مورد تنبیه و سیاست خواهد بود.)

و نیز در همین تاریخ فرمان حکومت نظامی به ریاست کلنل لیاخوف به امضای محمدعلیشاه در سراسر کشور اعلام شد و به دستور شاه هیأت دولت مستعفی و مشیرالسلطنه مأمور تشکیل هیأت دولت جدیدی (تاریخ ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ قمری برابر ۲ تیرماه ۱۲۸۷) بدین ترتیب گردید.

۱ـ میرزا احمدخان مشیرالسلطنه	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲ـ محمدعلیخان علاالسلطنه	وزیر امور خارجه
۳ـ امیر بهادر جنگ (محمدپاشاخان کشیکچی‌باشی قراچه‌داغی)	وزیر جنگ
۴ـ محمدعلیخان قوام‌الدوله	وزیر مالیه
۵ـ میرزاحسینخان مؤتمن‌الملک	وزیر فواید عامه و تجارت
۶ـ میرزاحسنخان محتشم‌السلطنه	وزیر عدلیه

۷- حسینقلیخان مخبرالدوله وزیر پست و تلگراف
۸- میرزاحسنخان مشیرالدوله وزیر علوم و اوقاف

این کابینه قبل از این که به مجلس شورای ملی معرفی شود، در نخستین روز زمامداری خود با تعطیل مجلس و به توپ بستن آن روبرو شد، توضیح آن که:

روز ۲ تیرماه ۱۲۸۷ شمسی (برابر ۲۳ جمادی‌الاولی ۱۳۲۶ قمری)، به‌دستور محمدعلیشاه یک دسته قزاق وارد مسجد سپهسالار شد، تفنگداران ملیون با روش مسالمت‌آمیز آنان را به برگشت وادار کردند و درهای مسجد را بستند.

در این موقع کلنل لیاخوف همراه با شش افسر روسی و یک گروه قزاق و چند توپ به‌طرف بهارستان حرکت کردند و پیرامون بهارستان و مدرسه سپهسالار را گرفتند و با آزادیخواهان به مبارزه پرداختند.

پایداری و مقاومت خستگی‌ناپذیر ملیون مؤثر واقع نگشت و به دستور لیاخوف، عمارت بهارستان و مسجد سپهسالار را به توپ بستند و مجلس و اسناد بایگانی آن کاملاً از میان رفت. رهبران و پیشوایان آزادیخواهان جمعی به سفارت انگلیس پناهنده شدند و دسته دیگر که در مسجد تحصن اختیار کرده بودند اسیر دولتیان و در باغشاه زندانی گردیدند و عده‌ای از آنان نیز مقتول شدند.

محمدعلیشاه به‌تاریخ ۲۴ جمادی‌الاولی (۳ تیرماه ۱۲۸۷) دستخطی بدین شرح به مشیرالسلطنه صدراعظم فرستاد (امروز تا سه ماه دیگر مجلس را منفصل نموده و پس از این مدت وکلای متدین ملت و دولت‌دوست منتخب شده با مجلس سنا موافق قانون اساسی پارلمان مفتوح شده مشغول انتظام گردد.)

بعد از به توپ بستن مجلس و تعطیل آن در چند شهر ایران ازجمله: تبریز، رشت و به‌دنبال آن اصفهان و بندرعباس و بوشهر تظاهراتی صورت گرفت و آزادیخواهان دربرابر نیروی استبداد مقاومت به خرج دادند.

آغاز مبارزه در تبریز از همان روز بمباران مجلس شروع شد و مردم مدت یازده ماه متوالی مبارزات سرسختانه را ادامه دادند.

دو دولت روس و انگلیس نسبت به مبارزه ملیون تبریز بی‌اعتنا نبودند، عوامل سیاسی چند آنان را برآن داشت که نسبت به اعاده حکومت مشروطه و افتتاح مجلس شورای ملی اظهار علاقه بیشتری ابراز کنند. از شاه خواستند تا اعلانی منتشر کند مبنی

بر این که انتخابات را شروع کرده و قوانین اساسی را محترم خواهد شمرد و مجلس را باز خواهد کرد.

محمدعلیشاه در پاسخ یادداشت دو دولت مزبور دایر به تأکید در باز کردن مجلس شرحی بدین مضمون ارسال داشت.

«من اقداماتی برای تشکیل مجلس موافق مقتضیات کشور و دیانت اسلام به‌طوری که کشور را سوق به بی‌نظمی نکند می‌کنم و بدینطریق مواعید خود را انجام می‌دهم. امیدوارم بتوانم ابلاغیه تجدید پارلمان را در تاریخی که آن دو دولت انتظار دارند صادر کرده ولی تا انتظامات در تبریز اعاده نشود و دولت فرصت تدارک لازمه را نداشته باشد پارلمان گشوده نخواهد شد.»

سرانجام محمدعلیشاه که در برابر فشار دو دولت مزبور و مقاومت ملیون تبریز برای اعاده حکومت ملی و صدور فرمان انتخابات قرار گرفته بود چاره‌ای جز تسلیم ندید و در ۲۷ شعبان ۱۳۲۷ قمری برابر اول مهرماه ۱۲۸۷ شمسی (۲٤ سپتامبر ۱۹۰۸ میلادی) فرمان بازگشت حکومت مشروطه را بدین‌شرح به‌عنوان مشیرالسلطنه صدراعظم صادر کرد.

«جناب صدراعظم پس از اینکه دولت محض استقرار نظم در مملکت و جلوگیری از مفسدین و انجمنها و اشخاص لامذهب که اسباب اذیت مردم بودند مجلس را منحل نمود ما قول دادیم پس از اعاده نظم و قلع و قمع مفسدین و رولوسیونرها و انجمن‌ها و امنیت و خاموشی اهالی مجلسی منعقد نمائیم که قوانین آن موافق مقتضیات مملتکی و قوانین مقدس اسلام بوده و حامی و مروج عدالت گردد تا ما بتوانیم تمام اهالی و تمام طبقات رعایای خود را که نگاهداری آنها از طرف خدای متعال به ما واگذار شده در صلح و آسایش نگاهداشته و مفسدین را قلع و قمع نموده و آئین اسلام را که اول وظیفه ما است حفظ و حراست نمائیم. حتی به تمام نمایندگان دول متحاربه هم اینطور اعلام نمودیم. اکنون که موقع انعقاد مجلس نزدیک شده ما به جناب شما اخطار می‌نمائیم که مجلسی با شروط معینی و محدود و موافق مقتضیات مملکتی که قوانین آن برطبق شرع انور بوده و از بروز اغتشاشات جلوگیری نماید در ۱۹ شهر شوال منعقد خواهیم نمود.

لهذا به تمام اهالی مملکت و تمام طبقات رعایای ما اعلان نمایند که چون خدا

شخص مقدس ما را حافظ مملکت و مردم و دارنده تاج و تخت و حامی مذهب مقدس فرموده و چون ما مقصودی جز صلح و آسایش مردم و اجرای قوانین عدالت نداریم و چون وظیفه ما است که طریقه و عادات پیغمبر را سرمشق خود کنیم به این‌جهت ما به صدور این دستخط اهالی مملکت را مسرور و امیدوار می‌نمائیم و ما نیز حکم می‌نمائیم که مجلس مرکب از اشخاص متدین و عاقل به توفیق خدا و توجه امام دوازدهم در ۱۹ ماه شوال منعقد خواهیم نمود.

به‌وسیلهٔ این مجلس که موافق شرع و عدالت خواهد بود مردم در آسایش خواهند بود و قوانین اسلام محفوظ و به‌موقع اجرا گذارده خواهد شد و تمام آثار اغتشاش، ناامنی و انجمنها محو خواهند شد، نیت مقدس ما به‌موقع اجرا گذارده خواهد شد، راه‌ها باز و مردم در ظل عنایت و مرحمت ما آسوده خواهند گردید. اقدامات برای آسایش آنها به‌عمل خواهد آمد و لوازم ترقی و ثروت مملکت زیاد خواهد گردید و به خواست خدای متعال ابواب سعادت برای مردم باز خواهد گردید.

والحال ما حکم می‌کنیم که شما قانون انتخابی و قانون مملکتی موافق شرع ترتیب داده برای غره شوال حاضر نمایند تااینکه هر دو مجلس منعقد گردد. تمام مردم تکلیف خود را شناخته از حدود خود تجاوز ننمایند تااینکه تمام مردم به‌راحتی زندگی نمایند.

لیکن یاغیان تبریز طوری از فساد و خونریزی مقصرند که دولت نمی‌تواند از تقصیر آن اراذل بگذرد به همه اعلان می‌شود که تا مدتی که نظم در تبریز برقرار نگردیده یاغیان قلع و قمع نشوند و اهالی بدبخت آن شهر از شر این اشخاص خلاص نگردند تبریز از حکم این دستخط خارج خواهد بود. ۲۷ شعبان ۱۳۲٦ محمدعلیشاه قاجار.»[۱۸]

روز ۱۲ شوال ۱۳۲٦ (١٤ آبان‌ماه ۱۲۸۷)، تظاهراتی به ضد مشروطیت از طرف سران مرتجع با توافق قبلی پادشاه ترتیب داده شد. هیأتی مرکب از طبقات مختلف به رهبری شیخ فضل‌الله نوری به باغشاه رفتند و درضمن ارائه و قرائت تلگرافهای رسیده از شهرستانها مبنی بر الغای رژیم مشروطیت، عریضه‌ای به‌مضمون

۱۸ـ کتاب آبی جلد اول ـ صفحه ٥٦۰ تا ٥٦۲.

اینکه، مشروطه با شریعت سازگار نیست، شاه از مشروطه چشم بپوشد، تهیه کردند و به امضای هیأت حاضر در جلسه ازجمله وزیران و کلیه درباریان رسانیدند و به شاه تقدیم داشتند.

محمدعلیشاه با صدور دستخطی به تاریخ ۲٤ شوال (۲۸ آبان‌ماه ۱۲۸۷) به‌شرح زیر فرمان مورخ ۲۷ شعبان را منسوخ ساخت:

«حجج اسلام سلمهم‌الله تعالی ـ عزم ما همه‌وقت به تقویت اسلام و حمایت شریعت بوده و هست حال که مکشوف داشتید: تأسیس مجلس منافی قواعد اسلام، و حکم حرمت دادید، و علمای ممالک محروسه هم کتبی و تلگرافی تائید نموده‌اند ما هم از این خیال به‌کلی صرف‌نظر کرده و دیگر عنوان چنین مجلسی نخواهد شد ولی به توجهات امام عصر، در نشر عدالت دستور لازم می‌دهیم. شما هم از این عزم خسروانه، به رعایت حقوق رعیت و اصلاح مفاسد به قانون دین اسلام، تمام طبقات را آگاه سازید.»[۱۹]

واکنش این فرمان، در محافل آزادیخواهان و اصلاح‌طلبان کلیه نقاط کشور و نیز دولتهای خارجی نامطلوب و به‌صورت تظاهرات بسیار تند و شدید در اکثر شهرستانها بروز کرد.

روحانیان نجف و کربلا، تلگرافات شدیداللحنی به‌عنوان محمدعلیشاه مخابره کردند و مخالفت خود را با سیاست پادشاه بدین مضمون آشکار ساختند.

«رفتار شاه قلوب مؤمنین را جریحه‌دار ساخته و این عمل تعرض نسبت به امام غایب است و آنها تا روی کار آوردن یک دولتی که منتخب مردم باشد از پای نخواهند نشست...» تلگراف مذکور با جمله زیر ختم می‌شود.

«خداوند ظالمان را لعن کرده است ـ شما عجالتاً فاتح هستید لیکن چنین باقی نخواهید ماند.»[۲۰]

پس از انتشار فرمان مورخ ۲٤ شوال شاه، دو سفارت دولت انگلستان و روسیه

۱۹ـ انقلاب ایران، تألیف براون ـ صفحه ۲۷۳.

۲۰ـ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران ـ تألیف حسن معاصر ـ صفحه ۸۷۵ و انقلاب ایران ـ صفحه ۲۷۳.

نیز یادداشت مشترکی به‌عنوان وزیر امور خارجه ایران مبنی بر اعتراض به تعطیل مشروطیت به‌شرح زیر به تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ ارسال داشتند. (۳۰ آبان‌ماه ۱۲۸۷ شمسی)

«عالیجنابا، نماینده‌گان بریتانیای کبیر و روسیه با تعجب و تأسف اطلاع پیدا کرده‌اند که اعلیحضرت شاهنشاه مطابق نظر بدخواهان، مشاورین و اطرافیان خود، به بهانه عریضه‌هایی که ابداً حاکی از احساسات واقعی ملتشان نمی‌باشد تصمیم دارند که از انعقاد مجلسی که متشکل از نماینده‌گان مردم باشد خودداری نمایند. نماینده‌گان این دو کشور این تصمیم قابل تأسف شاه را مبنی بر اینکه قصد شاه این است که مواعید خود را که چندین مرتبه به ملت خود و به نماینده‌گان این دو دولت اظهار داشته و قول داده‌اند انجام ندهند تلگرافاً به استحضار دولتهای متبوعه خود رسانیده‌اند. اینک وظیفه خود می‌دانند که اعلیحضرت را متوجه سازند که به‌اقتضای مصالح واقعی کشورشان ضرورت دارد که از این تصمیم خود منصرف گردند.

نماینده‌گان این دو دولت باوجود اینکه مایل هستند که از مداخله در امور داخلی ایران کاملاً احتراز نمایند وظیفه خود می‌دانند که این اعتقاد و ایمان خود را بار دیگر اظهار دارند که تنها وسیلهٔ آرام ساختن مردم که به علت رویه شاه بر ضد مشروطیت در ایالت آذربایجان شورش نموده و در پایتخت،هم‌چنین در سایر ولایات درحال اضطراب می‌باشند این است که اندرزهای اشخاصی را که منافعشان در ادامه رژیم قابل تأسف فعلی می‌باشد کنار گذارده و رژیم مشروطیت را بار دیگر برقرار سازند.»[۲۱]

روز اول ذیقعده ۱۳۲۶ هجری قمری برابر ٤ آذرماه ۱۲۸۷ شمسی، محمدعلیشاه، شورای دولتی مرکب از چهل تن در دربار تشکیل داد. افتتاح این شورا و انتشار آئین‌نامه مربوط به آن نشان داد که اعلیحضرت فکر انتخابات ملی و افتتاح مجلس شورای ملی را ندارد. تشکیل این شورا که کلیه اعضای آن از طرف شاه تعیین شده بود، نه‌تنها اعتراض و عدم رضایت بیشتر را نسبت به مقام سلطنت و هیأت دولت در میان آزادیخواهان و اصلاح‌طلبان به‌وجود آورد بلکه نماینده‌گان سیاسی دو دولت روس و انگلیس نیز با ارسال یادداشت زیر عدم اجرای مواعید محمدعلیشاه را دربارهٔ

۲۱ــ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران ــ تألیف حسن معاصر ــ صفحه ۹۳۱.

فرمان انتخابات و افتتاح مجلس شورای ملی مورد اعتراض شدید قرار دادند.

«نمایندگان بریتانیای کبیر و روسیه بارها به اعلیحضرت همایونی اندرز داده‌اند که مصالح اعلیحضرت و کشورشان در این است که تعهدات خود را نسبت به انعقاد مجلس منتخبی از نمایندگان مردم که کراراً به این دو نماینده و نیز به ملت خود قول داده‌اند انجام داده و اتباع خود را هم که در تبریز مسلحانه قیام کرده‌اند مورد عفو عمومی قرار دهند. اینک این دو نماینده فوق‌الذکر محترماً به‌عرض اعلیحضرت می‌رسانند که تشکیل شورایی از رجال سرشناس را به‌هیچ‌وجه نمی‌توان به‌عنوان انجام مواعید اعلیحضرت تلقی نمود زیرا اعضای آن توسط مردم انتخاب نشده‌اند و از این‌رو از پیشگاه اعلیحضرت تقاضا دارند آنها را مستحضر فرمایند که چه زمانی درنظر دارند مجلس موعود را منعقد فرمایند. این دو نماینده ضمن استفسار خود، از اعلیحضرت همایونی اجازه می‌خواهند این عقیده راسخ خود را تکرار نمایند که انعقاد یک مجلس متشکل از نمایندگان منتخب مردم و اعلام عفو عمومی تنها راه امید به پایان دادن این وضع تأسف‌آور کنونی کشور می‌باشد.»[22] (١٤ دسامبر ١٩٠٨ برابر ٢٢ آذرماه ١٢٨٧)

هیأت دولت با استعفای مؤتمن‌الملک و مشیرالدوله و انتصاب سعدالدوله به‌جای علاءالدوله در تاریخ ١٢ ذیحجه ١٣٢٦ قمری برابر با ١٥ دی‌ماه ١٢٨٧ شمسی (٥ ژانویه ١٩٠٩ میلادی) ترمیم یافت و وزیران به‌ترتیب زیر عهده‌دار امور وزارتخانه‌ها گردیدند.

١ـ میرزا احمدخان مشیرالسلطنه مازندرانی	رئیس‌الوزراء و وزیر داخله
٢ـ میرزا جوادخان سعدالدوله	وزیر امور خارجه
٣ـ محمدپاشاخان سپهسالار امیربهادر جنگ	وزیر جنگ
٤ـ میرزا عبدالوهاب خان نظام‌الملک	وزیر عدلیه
٥ـ میرزا نظام‌الدین کاشی مهندس‌الممالک «غفاری»	وزیر معارف و فواید عامه
٦ـ حسینقلی خان مخبرالدوله	وزیر پست و تلگراف و تلفن
٧ـ محمدعلیخان قوام‌الدوله	وزیر مالیه
٨ـ علینقی خان مفاخرالملک	وزیر تجارت

سرانجام مبارزه دلیرانه آزادیخواهان تبریز و تأکید دو دولت روس و انگلیس به

٢٢ـ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران ـ صفحه ١٠٠٢.

صدور فرمان انتخابات به دولت ایران، محمدعلیشاه را برآن داشت که برای دلجویی آنان و تهیه مقدمات انتخابات مجلس شورای ملی، مشیرالسلطنه را که مورد اعتماد و توجه اصلاح‌طلبان و ملیون نبود معزول کند و دستخطی صادر کرد و به‌موجب آن وعده انجام انتخابات مجلس شورای ملی را به آزادیخواهان به‌شرح زیر داد:

«به‌موجب قانون اساسی (مشروطه) بدون هیچ تغییر و تبدیلی یک عده اشخاص عالم مشروطه‌خواه که محل وثوق دولت و ملت باشد به مجلس شورای مملکتی ملحق بشوند و فوراً قانون انتخاباتی طرح و مسوده بنمایند. انتخابات بلافاصله بعد از خاتمه پذیرفتن این قانون که بدون تأخیر طرح و وضع خواهد شد شروع می‌شود. وقتیکه دوثلث از مبعوثین برای انعقاد حاضر بشوند مجلس شورای ملی در همان محل سابقه افتتاح خواهد شد.»[۲۳]

پادشاه میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک را کاندید ریاست وزرایی کرد، ناصرالملک که در این وقت در اروپا به‌سر می‌برد از مراجعت به ایران نظر به عدم اعتمادی که به قول شاه داشت خودداری کرد. هیأت دولت به کفالت میرزا جوادخان سعدالدوله در تاریخ ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷ قمری برابر با ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۲۸۸ به‌شرح زیر تعیین شدند.

۱ـ عبدالحسین میرزا فرمانفرما	وزیر داخله
۲ـ حاجی عبدالله امیرنظام	وزیر مالیه
۳ـ میرزا جوادخان سعدالدوله	وزیر امور خارجه
٤ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	وزیر جنگ
۵ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر عدلیه
٦ـ حسینقلی‌خان مخبرالدوله	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۷ـ نظام‌الدین مهندس‌الممالک غفاری	وزیر فواید عامه
۸ـ میرزا حسینخان مؤتمن‌الملک	وزیر علوم و اوقاف

سرانجام مبارزه دلیرانه آزادیخواهان، که دربرخی ایالات بصورت قیام و اجرای دقیق طرح تنظیم نقشه براندازی حکومت استبدادی دولت مرکزی صورت می‌گرفت، بتدریج زمینهٔ ادارهٔ امور بدست مجاهدین و مشروطه‌طلبان را فراهم ساخت از جمله:

۲۳ـ کتاب آبی جلد اول ـ صفحه ٤٦۳.

قیام مشروطه‌طلبان اصفهان، بتاریخ ۱۱ دیماه ۱۲۸۷ شمسی برابر ۱۷ ذیعقده ۱۳۲٦ (دوم ژانویه ۱۹۰۹ میلادی) بدست بختیاریان، رشت بتاریخ ۱۹ بهمن‌ماه ۱۲۸۷ شمسی برابر ۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ هجری قمری (برابر ۲۵ مارس ۱۹۰۹ میلادی) و بنادر جنوبی کشور در ٦ فروردین‌ماه ۱۲۸۸ شمسی برابر با ٤ ربیع‌الاول ۱۲۸۸ (۲۷ مارس ۱۹۰۹ میلادی)، مشهد و کرمانشاه به ترتیب در تاریخ‌های ۱٦ و ۱۷ فروردین‌ماه ۱۲۸۸ شمسی برابر ۱۵ و ۱٦ ربیع‌الاول ۱۳۲۷ (٦ و ۷ آوریل ۱۹۰۹ میلادی) *

ناگفته نماند، در دوران قیام و جنبش ملی و تشکیل انجمن مجاهدین، جمعی از فرصت‌طلبان در لباس مجاهد، برضد شخصیتهای برجسته و معاریف صاحب نفوذ در هر ایالت و ولایت، شورش کردند تنی چند از آنها را روی اغراض شخصی، با عنوان مبارزه با حکومت استبداد و طرفداری از حکومت مشروطه به‌قتل رساندند.**

ازجمله درایالت خراسان، شورش در ولایت تربت حیدریه، در سحرگاه روز ۲۵ بهمن‌ماه ۱۲۸۷ شمسی. برابر ۲۲ محرم ۱۳۲۷ قمری (برابر ۱٤ فوریه ۱۹۰۹ میلادی)، چندتن از اشرار بلوچ بسرکردگی سالار خان و اسدالله خان، به منزل بدون مستحفظ حاکم آن ولایت علینقی‌خان شجیع‌الملک میرپنج ریختند و نامبرده را نه درمیدان مبارزه و نبرد مشروطه با استبداد، بلکه روی مصلای نماز به طمع دفاین و ذخایرش هدف تیر قرار داده و اموالش را به‌غارت بردند و به مشروطه شخصی رسیدند.

جنبش آزادیخواهان رشت به سرکردگی محمدولیخان سپهدار اعظم (حاکمی که در تاریخ ۳۰ اوت ۱۹۰۸ به سرکردگی سپاه پادشاه همراه عین‌الدوله به ضد مبارزان راه آزادی در تبریز مأمور و تعیین شده بود) همراه با قیام بختیاریها به رهبری سردار اسعد بختیاری به‌منظور تصرف پایتخت آغاز گردید.

نیروی ملیون در تاریخ سه‌شنبه ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ برابر ۲۵ تیرماه ۱۲۸۸ به تهران وارد شدند.

شاه که از پیش رضایت و تصویب سفارت روس را به حمایت جلب کرده بود با عده زیادی از همراهان خود روز بعد از ورود ملیون به پایتخت، در سفارت روس در زرگنده متحصن شد. درطول مدت اقامت محمدعلیشاه در سفارت بیرقهای دو دولت

* ـ تاریخ انقلاب ایران ـ تألیف ادوارد بریون ـ ص ۳۱۰

** ـ تاریخ پیدایش مشروطیت ایران ـ تألیف محمدحسن ادیب هروی ص ۲۲۰

روس و انگلیس به‌عنوان حمایت از پادشاه مخلوع بر سردر عمارت سفارت نصب بود.

بدین‌طریق، جنبش ملی برای دومین‌بار بر استبداد پیروز شد و پیشوایان انقلاب پس از خاتمه دادن به عمر حکومت سیزده ماهه محمدعلیشاه مقدمات اعاده حکومت ملی را با تشکیل اجتماع بزرگی از آزادیخواهان در محوطه بهارستان پی‌ریزی کردند.

دولت بدون رئیس‌الوزرا

به‌دنبال فتح تهران به دست مبارزان راه آزادی و سقوط دولت روز جمعه ۲۷ جمادی‌الاخر ۱۳۲۷ برابر با ۲۵ تیرماه ۱۲۸۸ شمسی، مجلسی مرکب از روحانیان، وزیران، اعیان، نمایندگان مجلس و بازرگانان در عمارت بهارستان تشکیل شد. و برای اداره امور کشور ۲۲ تن برگزیده شدند تا بر هیأت دولت نظارت و ریاست داشته باشند.

کمیته عالی با اراده به خلع محمدعلیشاه از سلطنت، به‌موجب اعلامیه زیر، احمد میرزا فرزند خردسال او را به سلطنت و علیرضا خان عضدالملک را به نیابت برگزید:

«چون احوال و اوضاع حاضره مملکت ایران معین و مسلم نمود که اعاده نظم و امنیت و استقرار حقوق و اطمینان قلوب ملت بدون تغییر سلطنت مقدور نخواهد بود و پادشاه سابق انزجار طبایع را در حق خود به درجه کمال یافته و در سفارت محترم دولت بهیه روس به حمایت دولتین فخیمتین انگلیس و روس پناهنده شده بالطبع شخص خود را از تخت و تاج ایران بی‌نصیب و مستعفی نموده علیهذا در غیاب مجلسین سنا و شورای ملی مجلس عالی فوق‌العاده برحسب ضرورت فوری روز جمعه ۲۷ جمادی‌الاخر ۱۳۲۷ در تهران در عمارت بهارستان تشکیل یافت و اعلیحضرت قوی‌شوکت اقدس سلطان احمدمیرزا ولیعهد دولت علیه را به‌سمت شاهنشاهی ایران منصوب و نیابت سلطنت را عجالتاً به حضرت مستطاب اشرف عضدالملک تفویض نمود که بعد از تشکیل پارلمان بنا به ماده ۳۸ قانون اساسی درباب نیابت سلطنت موافق مقتضیات وقت قرار قطعی داده شود»[۲۴] (امضاء سپهدار اعظم وزیر جنگ، علیقلی خان سردار اسعد، وزیر داخله)

از طرف کمیته عالی دولت جدیدی به‌شرح زیر به حضور نایب‌السلطنه

۲۴ـ تاریخ استقرار مشروطیت ـ حسن معاصر ـ صفحه ۱۱۹۰.

عضدالملک به تاریخ ۲٦ تیرماه ۱۲۸۸ شمسی معرفی شد. (برابر ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ هجری قمری و ژوئیه ۱۹۰۹ میلادی)

۱ـ محمدولیخان سپهدار اعظم (نصرالسلطنه)	وزیر جنگ
۲ـ حاج علیقلی خان سردار اسعد	وزیر داخله
۳ـ میرزا ابوالقاسم خان ناصرالملک	وزیر خارجه
٤ـ شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما	وزیر عدلیه
۵ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	وزیر مالیه
٦ـ فتح‌الله میرزا سردار منصور	وزیر پست و تلگراف
۷ـ مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر علوم و اوقاف

کمیته موقتی با دو سفارت روس و انگلیس برای تعیین تکلیف محمدعلیشاه وارد مذاکره شد و درباب استرداد جواهرات سلطنتی، مسأله املاک شاه مخلوع، مقرری و حقوقی که برای وی تعیین شده است مذاکره و تبادل نظر به‌عمل آورد: روز ۲۱ شعبان ۱۳۲۷ (۱٤ شهریورماه ۱۲۸۸) مذاکرات خاتمه یافت و صورت جلسه به امضاء نمایندگان کمیته موقت و دو سفارت رسید.

محمدعلیشاه به همراهی دوتن نماینده روس و انگلیس از تهران خارج شد و به قزوین رفت و از آنجا در حمایت قشون روس خاک ایران را به‌تاریخ ۱۵ رمضان ۱۳۲۷ هجری قمری ترک گفت. (۸ مهرماه ۱۲۸۸ شمسی)

کمیته عالی همچنین چندتن از مستبدان بنام و طرفدار محمدعلیشاه را به جرم خیانت به ملت محاکمه و محکوم به اعدام نمودند ازجمله: شیخ فضل‌الله نوری، مفاخرالملک و صنیع حضرت. چندی بعد رژیم جدید و سلطنت احمدشاه مورد موافقت دو دولت روس و انگلیس قرار گرفت. دولت موقت بدون رئیس‌الوزرا در اواخر رمضان ۱۳۲۷ تغییر یافت و دولت رسمی به ریاست وزرایی سپهدار اعظم تشکیل شد.

* * *

۹ـ محمدولیخان سپهدار اعظم

سپهدار اعظم، وزیر جنگ کابینه بدون رئیس‌الوزرا پس از قبول ریاست وزرایی

تغییر فاحشی در کابینه‌ای که خود عضو آن بودند داد، و درواقع رئیس هیأت دولت بدون رئیس‌الوزرا به‌تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۲۸۸ گردید و تنها عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر عدلیه جای خود را به وثوق‌الدوله داد.

سعی سپهدار در درجه اول معطوف به مسأله انتخابات و افتتاح مجلس شورای ملی بود، فرمان انتخابات روز ۱۳ شوال ۱۳۲۷ صادر و انتخابات در اکثر شهرستانها به صورت مستقیم در دو درجه آغاز گردید و دومین دوره قانونگذاری روز اول ذیقعده ۱۳۲۷ برابر ۲٤ آبان‌ماه ۱۲۸۸ در میان موجی از سرور و شادمانی ملت افتتاح شد.

با افتتاح مجلس شورای ملی، بنا به سنن پارلمانی سپهدار اعظم استعفای دولت را تقدیم نایب‌السلطنه کرد و خود به‌طور موقت امور جاری کشور را همچنان اداره کرد.

جلسه ۱۱ ذیقعده ۱۳۲۷ ۳ آذرماه ۱۲۸۸ شمسی، مجلس شورای ملی نایب‌السلطنه عضدالملک مجدداً با اکثریت ۵۱ رأی از ۵٤ تن عده حاضر به نیابت سلطنت انتخاب گردید و در جلسهٔ ۱۱ ذیقعده به مجلس حضور یافته در برابر روحانیان و مجتهدان طراز اول سوگند اطاعت از قانون اساسی را یاد کرد.

در همین جلسه استعفای سپهدار اعظم از طرف نایب‌السلطنه به عرض مجلس رسید و ضمناً نایب‌السلطنه تمایل خود را به زمامداری مجدد سپهدار اعظم اعلام داشت، نمایندگان مجلس نیز متفقاً اعتماد خود را نسبت به نامبرده اظهار داشتند.

سپهدار در جلسه سه‌شنبه ۱۷ ذیقعده ۱۳۲۷، برابر ۹ آذرماه ۱۲۸۸ (دسامبر ۱۹۰۹ میلادی) دولت خود را به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۲۵]

۱ـ محمدولیخان سپهدار اعظم	رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ
۲ـ حاج علیقلی سردار اسعد بختیاری	وزیر داخله
۳ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر امور خارجه
٤ـ میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر مالیه
۵ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر عدلیه
٦ـ میرزا فتح‌الله خان سردار منصور	وزیر پست و تلگراف
۷ـ میرزا مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر علوم و اوقاف

۲۵ـ مذاکرات مجلس دوره دوم، قسمت اول.

متن برنامه هیأت دولت توسط وثوق‌الدوله قرائت و سپس به مجلس تسلیم گردید. برنامه دولت در جلسات ۲۰ و ۲۳ ذیقعده ۱۳۲۷ مورد شور و مذاکره قرار گرفت و در روز ۲۳ به تصویب اکثریت رسید:

این کابینه با مسایل پیچیده و مشکل داخلی و خارجی ناشی از تحول حکومت استبداد به مشروطه روبرو شد.

از آن‌جمله در نواحی آذربایجان، رحیم خان چلبیانلو از سران عشایر قراچه‌داغ، پس از فتح تهران و برچیده شدن حکومت استبداد محمدعلیشاه به‌عنوان پشتیبانی از شاه مخلوع تلگرافی به‌عنوان سفارت روس به نامبرده مخابره کرد و آمادگی خود را در جهت کمک به اعاده حکومت محمدعلیشاه و برچیدن بساط مشروطه اعلام داشت. این امر به اغتشاش و بی‌نظمی آذربایجان کمک کرد و روسها به‌استناد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی و به‌عنوان حفظ مال و جان اتباع روس قوایی در اردبیل اعزام داشتند.

ستارخان برای فرونشاندن شورش اردبیل با مجاهدین خود به آن شهر رفت ولی از رحیم خان شکست خورد تااینکه قوایی به سرکردگی جعفرقلیخان سردار اسعد و مسیو یپرم خان ارمنی برای درهم شکستن قوای رحیم خان از تهران عازم آذربایجان شدند و پس از یک سلسله مبارزات، نیروی متجاسرین را در محرم ۱۳۲۸ قمری درهم شکستند و رحیم خان برای حصول تأمین، از دو دولت روس و عثمانی حمایت خواست و دولت روسیه به مخالفت صریح با ماده چهاردهم عهدنامه ترکمانچای نامبرده را حمایت و اجازه ورود به کشور روسیه را به وی عطا کرد و چنانکه اشاره خواهد شد تا محرم ۱۳۱۹ در آن کشور به‌سر برد تااینکه مجدداً به ایران بازگشت و موجبات ناامنی را فراهم ساخت.

در جلسه شنبه ۲٤ محرم ۱۳۲۸ قمری (۱٦ بهمن‌ماه ۱۲۸۸ شمسی)، وزیر امور خارجه درباب توقف قشون روس در ایران مورد استیضاح قرار گرفت، چون گزارش اقدامات دولت و توضیحات وزیر مزبور در مورد موضوع مربوط به استیضاح از نظر مجلس قانع‌کننده نبود، نمایندگان پیشنهاد رأی اعتماد کردند. پس از اخذ رأی اکثریت ورقه کبود دادند و بدین ترتیب علاءالسلطنه از وزارت امور خارجه مستعفی و میرزا اسمعیل‌خان ثقةالملک کفالت وزارتخانه مذکور را عهده‌دار شد.

سپهدار اعظم درطول یک سال مدت زمامداری خود، هیأت وزیران را در

تاریخهای متعدد ترمیم کرد ازجمله: در تاریخ ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸ (برابر ۸ اردیبهشت‌ماه ۱۲۸۹) پس از حضور در جلسه علنی مجلس شورای ملی، درضمن بیان علت ترمیم کابینه مبنی بر استعفای سه تن از وزیران به عذر خستگی و کسالت، هیأت دولت را به‌شرح زیر معرفی کرد.[۲۶]

۱- محمدولیخان سپهدار اعظم	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- علیقلی خان سردار اسعد	وزیر جنگ
۳- میرزا ابراهیم خان معاون‌الدوله	وزیر امور خارجه
٤- میرزا حسن‌خان مشیرالدوله	وزیر عدلیه
۵- میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله	وزیر مالیه
٦- مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر فواید عامه و معارف و اوقاف
۷- شکرالله معتمد خاقان صدر	وزیر تجارت و پست و تلگراف

این کابینه نیز دوامی نیافت و پس از ۲۰ روز زمامداری، سپهدار در تاریخ ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۲۸ (برابر ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۲۸۹ شمسی) به مجلس حاضر شد و تغییرات تازه هیأت وزیران را به شرح زیر به عرض مجلس شورای ملی رسانید.[۲۷]

مشیرالدوله به وزارت تجارت، سردار منصور به وزارت عدلیه، شکرالله معتمد خاقان به وزارت پست و تلگراف.

تغییرات پی‌درپی و بی‌ثباتی هیأت دولت، مورد تفسیر و انتقاد شدید و زننده تند مطبوعات قرار گرفت. دولت در برابر انتقادات مطبوعات ساکت نماند، پاره‌ای از جراید را توقیف نمود و حکمی مبنی بر محاکمه و بازخواست از مدیران جراید صادر کرد که مورد موافقت مقامات قضایی قرار نگرفت.

سپهدار اعظم از مجلس تقاضای اختیارات و اقتداراتی کرد که مورد موافقت مجلس قرار نگرفت، درنتیجه نامبرده ازکار کناره‌گیری کرد و به منزل ییلاقی خود رفت (۱٦ خردادماه ۱۲۸۹ برابر ۷ ژوئن ۱۹۱۰ میلادی) ولی مجدداً به تاریخ (۲۱ خردادماه ۱۲۸۹ شمسی برابر ۱۲ ژوئن ۱۹۱۰ میلادی) به امور جاری ریاست وزرایی اشتغال

۲٦- مذاکرات مجلس دوره دوم، جلسه ۸٦ ـ صفحه ۲۱۱.

۲۷- مذاکرات مجلس دوره دوم، قسمت اول ـ صفحه ۲۵۲.

ورزید.

کابینه جدید ترمیم‌یافته هم ثباتی نداشت و پس از ۵۰ روز زمامداری به تاریخ ۳ رجب ۱۳۲۸ قمری استعفا داد ، سپهدار و سرداراسعد پس از سقوط کابینه از طرف مجلس با اکثریت ۵۱ رأی (سپهدار اعظم) و ۵۸ رأی (سردار اسعد) از ٦۳ رأی حاضر به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شدند (به‌تاریخ ٤ رجب ۱۳۲۸).

* * *

۱۰ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک

پس از سقوط کابینه اعتدالی سپهدار اعظم، مستوفی‌الممالک به‌تاریخ دوشنبه ٤ رجب ۱۳۲۸ قمری، اعلام ریاست وزرایی خود را از طرف نایب‌السلطنه به مجلس شورای ملی اعلام داشت. مستوفی‌الممالک هیأت دولت را که از سران دو حزب بزرگ اعتدالی و دموکرات و افراد بیطرف تشکیل شده بود به‌تاریخ ۱۷ رجب ۱۳۲۸ قمری (برابر ۲ مردادماه ۱۲۸۹ شمسی و ۲۵ ژوئیه ۱۹۱۰ میلادی) بدین شرح به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۲۸]

۱ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزرا
۲ـ عبدالحسین میرزا فرمانفرما	وزیر داخله
۳ـ حسینقلی خان نواب	وزیر خارجه
٤ـ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر مالیه
۵ـ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	وزیر جنگ
٦ـ میرزا حسینخان دبیرالملک	وزیر عدلیه
۷ـ شاهزاده اسدالله میرزا شهاب‌الدوله	وزیر پست و تلگراف

برنامه دولت در جلسه روز شنبه ۲۳ رجب قرائت و در همین جلسه مذاکره دربارهٔ آن آغاز و در جلسه ۱۷ شعبان ۱۳۲۸ هجری قمری با اکثریت ٤۵ رأی موافق از ٦٦ نفر عده حاضر به تصویب رسید.

در نخستین روزهای زمامداری مستوفی‌الممالک (۸ رجب ۱۳۲۸ قمری) آقای

۲۸ـ مذاکرات مجلس دوره دوم، قسمت اول ـ صفحه ۳۵۲.

سیدعبدالله بهبهانی مجتهد معروف که در جنبشهای مشروطه‌خواهی نقش مهمی را برعهده داشت ترور شد.[۲۹]

این قتل اضطراب و وحشت بسیاری در میان مردم به‌وجود آورد، عده زیادی از بازرگانان و توده عوام در یکی از مساجد بزرگ تهران اجتماع نمودند و از دولت و اولیاء امور تعقیب مقصرین را خواستار شدند.

پس از افتتاح مجلس دوم و پیدایش دو جناح متشکل حزبی از نمایندگان (اعتدالی و دموکرات) با عقاید سیاسی مخالف، در داخل مجلس مبارزات پارلمانی آغاز گردید، این مبارزات سیاسی در دو جبهه مخالف نمایندگان در ثبات و تزلزل کابینه‌ها و اجرای برنامه‌های دولت نقش عمده را بازی کرد. غالب هیأت دولتها براساس مرام و سیاست اداره امور، مورد انتقاد یا حمایت یکی از دو حزب مزبور قرار گرفتند.

در این دوره نیز مبارزه دو حزب اعتدالی و دموکرات چه در داخل و چه در خارج از مجلس بر سر مسائل مختلف مملکت همچنان ادامه داشت و به‌دنبال قتل سید عبدالله بهبهانی که وقوع آن را منتسب به دموکراتها می‌دانستند علیمحمد خان تربیت و سید عبدالرزاق از اعضای حزب دموکرات از طرف اعتدالیون ترور شدند و بار دیگر کشمکش و مبارزات حزبی شدت یافت و تقی‌زاده لیدر جمعیت دموکرات و نماینده مجلس شورای ملی پس از این کشتار سیاسی به‌علت مخالفت روحانیان و بازاریان نتوانست در ایران بماند و از ایران خارج و تا زمان حکومت خاندان پهلوی در خارج از کشور به‌سر برد.[۳۰]

این جریان کابینه جدید را برآن داشت که به خلع سلاح مجاهدین اقدام کند. نمایندگان سیاسی دو دولت روسیه و انگلیس نیز تصمیم دولت را تائید نمودند و خلع سلاح مجاهدین را به‌منظور آرامش و حفظ انتظام به دولت توصیه کردند.

مستوفی‌الممالک قبل از اقدام و اجرای امر خلع سلاح، برای جلوگیری از قتل و خونریزی و نیز به‌منظور جلب نظر رهبران ملیون و سران مجاهدین به‌تاریخ ۲۶ رجب

۲۹- به‌نقل از مورخین این قتل توسط دو تن از مجاهدین دموکرات به نام حیدر عمواوغلی و رجب سرابی صورت گرفت.

۳۰- تاریخ احزاب سیاسی - صفحه ۱۱.

۱۳۲۸ قمری دعوتی از آنان در مجلس شورای ملی به‌عمل آورد و با توافق آنان قانون منع اسلحه را بدین‌شرح اعلام کرد.

«تمام اشخاصی که بی‌اجازه اسلحه حمل می‌کنند باید اسلحه خود را درظرف مدت ٤۸ ساعت تسلیم کنند و در مقابل وجهی دریافت دارند و چنانچه پس از انقضای این مدت اسلحه را تسلیم نکردند با قوه قهریه از آنها گرفته خواهد شد.»

بااینکه مهلتی را که دولت در اولتیماتوم معین کرده بود تمدید شد ولی مجاهدین حاضر به قبول اجرای دستور دولت نگردیدند. خودداری مجاهدین از تحویل اسلحه و پایداری آنان در مخالفت با تصمیم دولت به‌صورت اجتماع در پارک اتابک که محل سکونت ستارخان و پیروانش بود، تجلی کرد و این اجتماع منشاء زدوخورد بین قوای ژاندارمری و مجاهدین گردید. در این کشمکش نیروی دولتی پیروز شد و ستارخان سردار دلیر مجاهدین گلوله خورد.

هرچند افکار عامه و اکثریت مجلس با تصمیم دولت دایر بر خلع سلاح عمومی، و نیز با سیاست کلی دولت مستوفی موافق بودند و در جلسه ۲٦ رجب برای خلع اسلحه و امنیت شهر به‌اتفاق آراء به دولت اختیارات تامه داده شد، ولی این جریان منجر به تزلزل و سقوط کابینه گردید.

دولت مستوفی‌الممالک با اشکال سیاسی دیگری نیز مواجه گردید، توضیح آن‌که دولت انگلیس در برابر دولت روسیه که هنوز قوای خود را در ایران نگهداشته بود، ناامنی صفحات جنوب را بهانه قرار داد و به‌منظور تشکیل نیروی نظامی در ایران با توافق دولت روسیه به صدور یادداشتی از طرف دو سفارت مزبور در ۱۰ شوال ۱۳۲۸ برابر ۲۱ مهرماه ۱۲۸۹ (١٤ اکتبر ۱۹۱۰) بدین شرح پرداخت:

«جناب وزیر مکرر نظر دولت ایران را به عدم امنیت ناگوار طرق جنوب مملکت معطوف ساختم‌ام بدبختانه اظهارات من نتیجه نبخشیده هیچ بهبودی که حاصل نشده سهل است وضع این طرق امروز بدتر از هر موقعی است که از ابتدای مأموریت خود به ایران مشاهده کرده‌ام. سرقتها و شرارتها بیش از پیش واقع می‌شوند و طرق عمده که مجری مسیر و تجارت انگلیس به داخل مملکت بودند در این ایام به‌واسطهٔ تهاجمات و تاخت و تاز طوایفی که ظاهراً به‌کلی از دایره اقتدار و اختیار دولت مرکزی بیرون‌اند کاملاً مسدود شده‌اند. فعلاً مذاکره و دعاوی عدیده راجع به حملات به اتباع

انگلیس و سرقتهای امتعه متعلق به آنها را که به‌توسط این سفارتخانه و قونسول‌خانه‌های دولت اعلیحضرت انگلیس به دولت علیه ایران و مأمورین محلی ولایات اظهار شده به‌عهدهٔ تعویق می‌اندازم و تسویه و تأدیه آنها در موقع خود مطالبه خواهد گردید ولی اکنون اظهار من اصلاً و اساساً مربوط به اقداماتی است که باید برای علاج اوضاع ناگواری که بالاخره درنظر دولت اعلیحضرتی انگلستان تحمل‌ناپذیر شده کرده شود. از طرف وزیر امور خارجه دولت اعلحضرتی به من چنین تعلیمات رسیده که به جنابعالی اطلاع دهم که اگر تا انقضاء سه ماه از این تاریخ در راه‌های بین بوشهر و شیراز و بین شیراز و اصفهان که مخصوصاً محل وقوع تهاجمات و تطاولات عظیمه وخیمه بوده‌اند اعاده امنیت و انتظام نشود دولت اعلیحضرتی خود کرهاً و عنفاً اقدام به عملیاتی که برای تأمین صحیح و حراست این طرق لازم است خواهد نمود.

خاطر محترم را نیز استحضار دهم که درصورت عدم موفقیت دولت ایران بر اعاده نظم در مدت و مهلت معهود اقداماتی که اجرای آن را دولت اعلیحضرتی در اولین وهله درنظر دارد اینست که قوه امنیه مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر در تحت فرمان یک عده از صاحب‌منصبان انگلیس از قشون هند برای حفظ راه‌های منظوره در محل تشکیل و تنظیم شوند. یک قسمت از وجه مخارج این قوه به این طریق حاصل خواهد شد که به حقوق گمرکی کلیه واردات بنادر جنوبی صددهی افزوده شده و جمع‌آوری شود. یک قسمت دیگر آن از مالیات فارس داده خواهد شد. به‌این معنی که قسمت کافی از آن مالیات را به‌علاوه عایدات صد ده اضافی گمرک فوق‌الذکر باید به فرمانده کل این قوه امنیه بپردازند. امید و اعتماد دارم که این مسأله مورد جدی‌ترین توجه کابینه ایران خواهد بود.

در همین موقع که به دولت ایران نتیجه مداومت این وضع الم‌انگیز کنونی طرق جنوبی را اخطار می‌نمایم وقت را مغتنم شمرده و احترامات فائقه خود را تقدیم می‌دارم.»[۳۱]

مستوفی‌الممالک، به‌تاریخ ۱۷ شوال ۱۳۲۸ برابر ۲۱ اکتبر ۱۹۱۰ پاسخ مشروحی به اولتیماتوم مذکور در فوق داد و درضمن آن بیان داشت که چون پیشنهادات مندرجه در یادداشت آن دولت مخالف استقلال محقق مملکت و منافی با روابط دوستانه

۳۱- کتاب آبی، ضمیمه ج/ دوم - صفحه ۴۰۲.

دولتین می‌باشد دولت ایران به هیچ صورتی نمی‌تواند به آن پیشنهاد رضایت و موافقت دهد.[۳۲]

پاسخ دولت ایران به اولتیماتوم مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ دولت انگلستان، از آنجاکه موافق میل و صلاح هر دو سفارتخانه نبود رسماً پس فرستاده شد.

عضدالملک نایب‌السلطنه در تاریخ ۳۰ شهریورماه ۱۲۸۹ شمسی برابر ۱۷ رمضان ۱۳۲۸ فوت کرد و ناصرالملک قره‌گزلو که در اروپا به‌سر می‌برد در جلسه روز جمعه ۳۱ شهریورماه ۱۲۸۹ برابر ۱۸ رمضان ۱۳۲۸ هجری قمری با ۴۰ رأی موافق از ۷۱ رأی عده حاضر از طرف اعتدالیون مجلس به نیابت سلطنت انتخاب شد.

نماینده‌گان مجلس شورای ملی، برای بهبود وضع مالی کشور که منشأ بسیاری از نابسامانیهای سیاسی دولتها بود، مصمم شد از یک کشور بیطرف مستشار مالی بخواهد، پس از بحث و مذاکرات بسیار اکثریت آراء نماینده‌گان بر این تعلق گرفت که دولت به جلب متخصص امور مالی از کشور آمریکا که در آن عصر در ایران منافع سیاسی خاصی نداشت همت گمارد.

هیأت وزیران به‌دنبال موافقت مجلس شورای ملی، با دولت متحده آمریکای شمالی قراردادی مبنی بر اعزام یک هیأت مستشاری مالی به ایران تنظیم کرد و به‌موجب قرارداد مذکور، مستر مورگان شوستر همراه هیأتی به‌تاریخ ۱۲ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ قمری به ایران آمد.

دولت به‌تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۲۸ برابر ۶ آبان ۱۲۸۹ شمسی پس از ترمیم، هیأت وزیران بدین‌شرح معرفی شدند.[۳۳]

۳۲ـ کتاب آبی، ضمیمه ج/ دوم ـ صفحه ۴۰۴.

۳۳ـ تغییرات کابینه به شرح زیر بود:

۱ـ شاهزاده عین‌الدوله در تاریخ ۲۲ ژانویه ۱۹۱۱ استعفا داد.

۲ـ محتشم‌السلطنه در تاریخ ۴ صفر ۱۳۲۹ پس از مقتول شدن صنیع‌الدوله به‌جای حسینقلی نواب به وزارت خارجه رسید.

۳ـ صنیع‌الدوله وزیر مالیه در تاریخ ۴ صفر ۱۳۲۹ به‌دست یک تن از اتباع روسی به‌قتل رسید.

۴ـ پس از استعفای حسینقلی خان نواب از وزارت امور خارجه... و منصورالسلطنه عدل به معاونت وزارت عدلیه منصوب گردید.

۱- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزرا
۲- شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله	وزیر داخله
۳- شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما	وزیر جنگ
٤- مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله	وزیر مالیه
۵- میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه	وزیر عدلیه
٦- حسینقلی خان نواب	وزیر امور خارجه
۷- شاهزاده اسدالله میرزا شهاب‌الدوله	وزیر پست و تلگراف

مستوفی، پس از ورود ناصرالملک نایب‌السلطنه به ایران در تاریخ ۲۸ بهمن‌ماه ۱۲۸۹ برابر ۹ صفر ۱۳۲۹، استعفای خود را تقدیم داشت. استعفای نامبرده مورد قبول نایب‌السلطنه واقع شد و هیأت دولت مأمور شدند موقتاً تا جلب نظر اکثریت مجلس نسبت به زمامدار آینده، امور جاری کشور را عهده‌دار گردند.

* * *

۱۱- محمدولیخان سپهدار اعظم

ناصرالملک نایب‌السلطنه، روز شنبه ۱۳ اسفندماه ۱۲۸۹ (دوم ربیع‌الاول ۱۳۲۹) به‌منظور اجرای ماده ۳۹ متمم قانون اساسی به‌مجلس شورای ملی حضور یافت. ضمن ادای سوگند، نطق مشروحی در باب اصول حکومت ملی، وظایف سلطنت و دولت و قوهٔ قانون‌گذاری و تأکید بر لزوم سیستم حکومت حزبی ایراد و در خاتمه بیانات خود، سپهدار اعظم کاندیدای نمایندگان اعتدالی مجلس را به سمت ریاست وزیران معرفی کرد.

محمدولیخان سپهدار اعظم که برای دومین مرتبه به‌ریاست وزرایی انتخاب شده بود، هیأت دولت را که بیشتر آنان از میان طرفداران اعتدالیون برگزیده شده بودند به‌تاریخ شنبه ۹ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ قمری برابر ۲۰ اسفند ۱۲۸۹ شمسی (مارس ۱۹۱۱ میلادی) به‌شرح زیر به‌مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱- محمدولیخان سپهداراعظم	رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ
۲- میرزا صادق‌خان مستشارالدوله صادق	وزیر داخله
۳- میرزا حسن خان مشیرالدوله	وزیر عدلیه

٤ـ میرزا ابراهیم‌خان معاون‌الدوله	وزیر تجارت به‌انضمام پست و تلگراف
۵ـ میرزا اسماعیل‌خان ممتازالدوله	وزیر مالیه
٦ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر علوم و فواید عامه
۷ـ میرزاحسن‌خان محتشم‌السلطنه	وزیر امور خارجه

سپهدار در ضمن تقدیم برنامه دولت به مجلس، برای برقراری نظم و ریشه‌کن ساختن ناامنی و آشوب داخلی کشور تقاضای اختیارات کرد.

متن برنامه دولت در همین جلسه قرائت شد و روز پنجشنبه ۲۵ اسفند ماه ۱۲۸۹ شمسی برابر با ١٤ ربیع‌الاول ۱۳۲۹ با اکثریت ٤۷ رأی موافق از ۷۳ نفر عدهٔ حاضر و ۱۷ رأی مخالف و ۹ رأی ممتنع به‌تصویب مجلس رسید.[۳٤]

هیأت وزیران به‌تاریخ ۲٦ جمادی‌الاولی ۱۳۲۹ برابر ۲ خرداد ماه ۱۲۹۰ ترمیم شد و ممتازالدوله به‌مقام وزارت تجارت و پست و تلگراف، ابراهیم معاون‌الدوله غفاری به‌وزارت مالیه به‌مجلس معرفی شدند.

مستر شوستر مستشار مالی آمریکا، که در دولت گذشته قرارداد استخدامش به‌مدت ۳ سال تنظیم شده بود، در این کابینه همراه با هیأت مستشاران مالی به‌ایران آمد. نامبرده برای استقرار به‌کار و اصلاح امور مالی ایران لایحهٔ اختیارات را که در ۱۲ ماده تنظیم شده بود به هیأت دولت داد. این لایحه در جلسهٔ سه‌شنبه ۱۵ جمادی‌الاخر سال ۱۳۲۹ برابر ۲۳ خرداد ماه ۱۲۹۰ به‌اتفاق آراء به‌تصویب نمایندگان رسید (با اکثریت ٦۳ رأی موافق). به‌موجب این لایحه شوستر عهده‌دار کلیهٔ امور مالی کشور ایران گردید.

آغاز اجرای قانون مذکور توسط مستشاران مالی، با مخالفت و ضدیت مقامات ذینفوذ خارجی و مقامات حساس دولتی واقع شد. توضیح آنکه، وزیر مختار روسیه، نظارت و اعمال نفوذ خزانه‌داری کل را در امور گمرکات جایز ندانست و رسماً اظهار داشت که به‌هیچوجه مستخدمان بلژیکی گمرک نباید تحت نظارت خزانه‌داری کل

۳٤ـ مذاکرات مجلس دوره دوم ـ قسمت دوم ـ صفحه ۱۰٤۲.

انجام وظیفه کنند، و در عدم موافقت خود با اقدامات اصلاحی مستشاران مذکور به‌این حد نیز اکتفا نکرده دولت ایران را تهدید به‌تصرف تمام گمرکات شمال ایران نمود.[۳۵]

ناگفته نماند نخست‌وزیر نیز به‌علت مقاومت خزانه‌دارکل در عدم پرداخت اعتبارات اضافی وجوهاتی که به‌اسم لشگر به‌مصرف می‌رسید، از اختیارات نامحدود شوستر ناراضی بود. با چنین سابقه نارضایی پس از حضور در جلسه ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ قمری (برابر ۲۵ خرداد ماه ۱۲۹۰) مجلس شورای ملی لایحه‌ای جهت افزایش بودجه دربار تقدیم داشت و در ضمن آن، تقاضا کرد که کمیسیونی از طرف مجلس تشکیل شود تا با نظر و موافقت هیأت دولت درباره بودجه که به‌تصویب نهایی مجلس رسیده است تبادل نظر کند و ترتیبی مقرر دارد تا مقصود دولت برآورده شود. مجلس که از نیات سپهدار «مبنی بر افزایش اعتبارات جنگ» با اطلاع بود پیشنهاد دولت را تصویب نکرد.[۳۶]

رئیس‌الوزرا از عکس‌العمل مخالفت‌آمیز مجلس عصبانی و با حال برآشفته از مجلس خارج شد و به‌عنوان اعتراض عازم رشت گردید. نماینده‌گان اعتدالی هواخواه دولت، از ناصرالملک نایب‌السلطنه خواستار شدند تا سپهدار را به‌تهران برگرداند. نایب‌السلطنه، از اکثریت نماینده‌گان مجلس موافقت و تمایل کتبی مبنی بر زمامداری سپهدار اعظم گرفت و مضمون آن را برای نامبرده به‌رشت مخابره کرد.[۳۷]

سپهدار به‌تاریخ یکشنبه ۱۲ رجب ۱۳۲۹ (۱۷ تیرماه ۱۲۹۰ شمسی) به‌تهران مراجعت کرد (برابر ٤ ژوئن ۱۹۱۱).

محمدعلی‌میرزا، شاه مخلوع که با پشتیبانی دولت روسیه، از اواخر سال ۱۳۲۸، تدارک بازگشت به ایران و تصاحب تاج و تخت را می‌دید، در تاریخ ۱۲ جمادی‌الثانی

۳۵ـ اختناق ایران ـ ص ۱۱٤.

۳٦ـ مذاکرات مجلس دوره دوم ـ قسمت دوم ـ صفحه ۱۰٤۲ (جلسه ۲٦۰ مورخ ۱۷ جمادی‌الاخر ۱۲۹۰).

۳۷ـ کتاب آبی جلد ۳ ـ صفحه ۲۱٦.

۱۳۲۹ قمری ۱۸ خردادماه ۱۲۹۰ شمسی (۹ ژوئن ۱۹۱۱) از ادسا به‌قصد ایران حرکت کرد و به‌تاریخ ۲۱ رجب ۱۳۲۹ (۲۵ تیرماه ۱۲۹۰ شمسی) به گمش‌تپه استراباد وارد شد.

از طرف دیگر سالارالدوله برادر شاه مخلوع نیز از مغرب ایران وارد کشور گردید و نیروی داوطلبی از طوایف کرد و لر و غیره در صفحات غرب ایران تشکیل داد و به‌ضد دولت مرکزی قیام کرد. خبر ورود محمدعلیمرزا و طغیان برادرش سالارالدوله هیجان عمومی را برانگیخت.

سپهدار هیأت وزیران جدید مؤتلف از اقلیت و اکثریت را به تاریخ ۲۲ رجب ۱۳۲۹ برابر ۲۷ تیرماه ۱۲۹۰ (ژوئیه ۱۹۱۱) تشکیل داد و بدین‌ترتیب به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱ـ محمدولیخان سپهدار اعظم	رئیس‌الوزرا
۲ـ میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر داخله
۳ـ میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه	وزیر خارجه
٤ـ نجفقلیخان صمصام‌السلطنه بختیاری	وزیر جنگ
۵ـ میرزا ابراهیم خان معاون‌الدوله	وزیر مالیه
٦ـ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	وزیر عدلیه
۷ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۸ـ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر علوم و اوقاف و فواید عامه

مجلس شورای ملی در جلسهٔ فوق‌العادهٔ روز چهارشنبه ۲۲ رجب لایحه حکومت نظامی را که از طرف دولت با قید دوفوریت به‌منظور حفظ انتظامات و جلوگیری از اقدامات مرتجعانه طرفداران شاه مخلوع تقدیم شده بود تصویب کرد.

حرکت سپهدار به رشت، امتناع دولت از توقیف عناصر معلوم‌الحال که بر ضد حکومت مشروطه و به همراهی با محمدعلیمیرزا فعالیت می‌کردند، این حقیقت را بر اعضاء هیأت دولت روشن ساخت که سپهدار و چندتن از وزیران در نهان به جانبداری محمدعلیمیرزا برخاسته‌اند. این امر منشاء اختلاف و نزاعی در جلسات هیأت دولت

گردید. و شایعه این امر در مجلس و توده مردم سبب شد که نمایندگان مجلس به اکثریت تام رأی عدم اعتماد به کابینه سپهدار اعظم دادند (به‌تاریخ ۲۸ رجب ۱۳۲۹) کابینه ائتلافی که بیش از چند روز از عمر آن نمی‌گذشت در ۲۹ رجب ۱۳۲۹ سقوط کرد. (۳ مردادماه ۱۲۹۰ شمسی)

* * *

۱۲ آ- نجفقلیخان صمصام‌السلطنه

حاج نجفقلیخان صمصام‌السلطنه بختیاری وزیر جنگ کابینه سپهدار اعظم از طرف نایب‌السلطنه به ریاست دولت منصوب شد و هیأت وزیران ابتدا به حضور شاه و به تاریخ ۲۹ رجب ۱۳۲۹ برابر با ۳ مردادماه ۱۲۹۰ شمسی به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۳۸]

۱ ـ صمصام‌السلطنه بختیاری	رئیس‌الوزرا، وزیر جنگ
۲ـ میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
۳ـ میرزا احمدخان قوام‌السطنه	وزیر داخله
٤ـ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر مالیه
۵ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر عدلیه
٦ـ میرزا حسین‌خان دبیرالملک	وزیر پست و تلگراف و تلفن[۳۹]
۷ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر معارف و فواید عامه

دولت جدید به‌منظور جلوگیری از اقدامات و پیشروی محمدعلیمیرزا، پس از تصویب قانون حکومت نظامی عده‌ای از هواداران به‌نام شاه مخلوع ازجمله: حاجی مجدالدوله و امین‌الدوله و ظهیرالاسلام را دستگیر و زندانی کرد.

۳۸ـ مذاکرات مجلس دوره دوم ـ قسمت سوم ـ صفحه ۱۵۲۳.

۳۹ـ دبیرالملک به‌تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۱۱ استعفا و معاضدالسلطنه پیرنیا برای وزارت پست و تلگراف تعیین شد و به تاریخ ۱۷ رمضان ۱۳۲۹ به مجلس شورای ملی معرفی گردید.

دولت صمصام‌السلطنه قوایی مرکب از بختیاری و مجاهدان قدیم برای مقابله و جنگ با محمدعلیمیرزا، تحت فرماندهی جعفر قلیخان سردار بهادر بختیاری تشکیل داد و مأمور دفع فتنه ساخت.

مجلس شورای ملی، در جلسه شنبه ۳ شعبان ۱۳۲۹ هجری قمری، به‌اتفاق آرا برای قاتلین و دستگیرکنندگان محمدعلیمیرزا و همدستانش پاداش نقدی تعیین کرد و به‌دنبال آن اعلامیه‌ای بدین شرح صادر کرد:

«برحسب رأی مجلس مقدس اعلان می‌شود.

کسانی که محمدعلیمیرزا را اعدام یا دستگیر نمایند یکصدهزار تومان به آنها داده می‌شود کسانی که شعاع‌السلطنه را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنجهزار تومان به آنها داده می‌شود و کسانی که سالارالدوله را اعدام یا دستگیر نمایند بیست و پنج هزار تومان به آنها داده می‌شود و نیز اخطار می‌شود که اگر داوطلبان خدمات مزبوره بعد از انجام خدمت کشته شوند مبلغهای فوق‌الذکر به همان نسبت به ورثه آنان داده خواهد شد و این مبلغ در خزانهٔ دولت موجود است و بعد از انجام خدمت نقداً به آنها پرداخته می‌شود.»

و نیز دولت ایران به‌تاریخ اول مردادماه ۱۲۹۱ برابر ٢٤ ژوئیه ۱۹۱۱، یادداشتی مبنی بر توجه دولت انگلستان به ماده ۱۱ پروتکل ۲۵ اوت ۱۹۰۹ دو دولت روس و انگلیس، و تعهدی که دو دولت مذکور نموده‌اند تا محمد علیمیرزا را برای همیشه از هرگونه تحریکات سیاسی بر ضد ایران بازدارند، توسط سفیر ایران در انگلستان به آن دولت ارسال داشت و در این یادداشت متذکر شد درقبال تحریکات شاه مخلوع، مسئولیت هرگونه پیش‌آمد و خسارات وارد آمده بر دولت مزبور خواهد بود و نیز اعلام داشت که از تاریخ شروع تحریکات و ورود محمدعلیمیرزا به ایران حقوق نامبرده بر وفق پروتکل مذکور قابل پرداخت نخواهد بود.

تلاش محمد علیمیرزا و برادرانش برای تصاحب تاج و تخت و برقراری رژیم استبداد به‌جایی نرسید، شکست کامل ارشدالدوله و سالارالدوله از قوای دولتی و افراد ایل بختیاری که داوطلبانه جنگ با دشمنان آزادی را شروع کرده بودند سرانجام به انقلاب

شاه مخلوع، خاتمه داد.

محمد علیمیرزا پس از شنیدن خبر اعلامیه دولت مبنی بر قیمت‌گذاری برای سر او از طرف مجلس به‌طور مخفی و با کشتی روسی به طرف روسیه فرار کرد.

مستر شوستر با حمایت نمایندگان دموکرات به‌موجب رأی تمایل مجلس شورای ملی مبنی بر مصادره اموال برادران یاغی محمد علیمیرزا و حکم مورخ ۱۰ شوال ۱۳۲۹ هیأت وزیران به تصاحب اموال شعاع‌السلطنه مبادرت ورزید. اجرای این امر خالی از اشکال نبود و با مخالفت دولت روسیه مواجه گشت. قزاقان روسی مأموران دولت را هنگام اجرای وظیفه تهدید کردند و از منزل شعاع‌السلطنه خارج ساختند. شوستر پس از تمهید مقدمات و مذاکراه با مقامات دولت روسیه، مجدداً عده‌ای ژاندارم را برای ضبط اموال شعاع‌السلطنه به پارک مشارالیه فرستاد. اعزام ژاندارم و نحوه اقدام دولت در ضبط اموال یاغیان بیش از پیش موجبات نارضایتی دولت روسیه را فراهم ساخت. وزیر مختار آن دولت به‌تاریخ ۱۰ ذیقعده ۱۳۲۹ برابر ۲ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی (۹ آبان‌ماه ۱۲۹۰ شمسی) درضمن تقاضاهای زیر به دولت ایران اخطار کرد چنانچه ظرف مدت ۴۸ ساعت دولت ایران نسبت به پیشنهادات روسیه ترتیب اثر ندهد تمام روابط خود را با دولت ایران قطع خواهد کرد و هر نوع اقدامی که برای حفظ منافع خود لازم بداند خواهد کرد.

تقاضاهای دولت مزبور بدین‌شرح به وزیر مختار ایران اعلام شد:

«دولت ایران در اعاده مراسله خودشان که درباب تقاضای انفصال جنرال قونسول روس نوشته بودند رضایت داشته باشند و وزیر امورخارجه ایران باید از توهینی که ژاندارمهای ایرانی به صاحب منصب قونسولگری روس وارد نموده بودند اظهار تأسف بنماید و اخیراً ژاندارمها از منزل شعاع‌السلطنه برداشته بشوند و قزاق ایرانی به‌جای آنها گماشته بشود.»[۴۰]

دولت ایران مورد اول از سه تقاضای فوق را پذیرفت ولی با دو فقره دیگر به‌ویژه

۴۰ـ کتاب آبی (ج ٤)

درباب رفتار صاحب‌منصبان قونسولگری لازم دانست که تحقیقات مشترکی از طرف هر دو دولت صورت گیرد.

وزیر داخله کابینه به‌تاریخ ۲۰ ذیقعده ۱۳۲۹ مستعفی شد و در همین روز نایب‌السلطنه از مجلس تقاضای دو ماه مرخصی کرد.

صمصام‌السلطنه در تاریخ ۲۲ ذیقعده ۱۳۲۹ برابر ۱٤ نوامبر ۱۹۱۱ استعفا داد ولی همچنان به اداره امور مشغول بود. رئیس‌الوزرا قبل از استعفا به شوستر دستور می‌دهد که ژاندارمهای خزانه را از باغ شعاع‌السلطنه بردارند ولی شوستر به رئیس‌الوزرا پیام می‌دهد، چون حکم تصرف اموال شعاع‌السلطنه به‌موجب امضاء هیأت وزیران می‌باشد، تا حکم عدم اجرا آن به همان طریق و به امضاء تمام وزیران به او نرسد از اجرای حکم نامبرده امتناع خواهد داشت.

در جلسه‌های ۱۹ و ۲۰ آبان‌ما ۱۲۹۰ برابر ۲۰ و ۲۱ ذیقعده ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی، به‌دنبال قرائت تلگرافات متعدد مبنی بر تقاضای تمدید دوره دوم مجلس شورای ملی، نمایندگان به اکثریت ٤٦ رأی از ٦۹ رأی حاضر تمدید دوره دوم مجلس که به‌موجب قانون به تاریخ ۲۲ ذیقعده پایان می‌یافت به تصویب رسید.

در تاریخ ۲٤ آبان‌ماه ۱۲۹۰ شمسی برابر ۲۵ ذیقعده ۱۳۲۹ برابر ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی، چون مهلت ٤۸ ساعته دولت روسیه منقضی شد، آن دولت به وزارت امورخارجه ایران اطلاع داد که روابط سیاسی دو دولت قطع می‌شود ولی روابط تجارتی همچنان برقرار خواهد بود و نیز اعزام چهارهزار نفر قشون روس را به ایران از طرف قفقاز به اطلاع مقامات ایرانی رسانید.

دولت ایران، اولتیماتوم روسیه را در مورد برداشتن قوای ژاندارم با مداخله دولت انگلیس پذیرفت. ولی غائله به همین‌جا خاتمه نیافت و دولت روسیه مجدداً به‌تاریخ ۷ ذیحجه ۱۳۲۹ برابر ٦ آذرماه ۱۲۹۰ شمسی برابر ۲٤ نوامبر ۱۹۱۱ اولتیماتوم دیگری بدین‌شرح به دولت ایران داد.

«۱ـ عزل مستر شوستر و مستر لکفر. دخالت اشخاص دیگر که مستر شوستر آنها را به خدمت دعوت نموده باید موافق فقره دوم این تقاضاها رعایت شود.

۲ـ ثانیاً متعهد شدن دولت علیهٔ ایران که اشخاص خارجه را تا اینکه قبلاً رضایت سفارتین روس و انگلیس را تحصیل بکنند به خدمت ایران دعوت ننماید.

۳ـ ثالثاً پرداختن دولت علیه ایران مخارج لشکرکشی که حالیه به ایران شده است، مقدار مبلغی که به دولت امپراتوری باید برسد و ترتیب پرداختن آن بعد از وصول جواب دولت علیه بعد معین خواهد شد...»

علاوه بر مطالب فوق دوستدار لزوماً اخطار می‌کند که دولت امپراتوری بیش از ٤٨ ساعت برای اجرای تقاضاهای مزبوره منتظر نخواهد بود و در ظرف این مدت عساکر روس در رشت توقف خواهند کرد اگر تا انقضای این مدت جوابی نرسد یا جواب غیرمساعدی برسد عساکر مزبوره پیش خواهند آمد.[٤١]

با وصول اولتیماتوم ثانی، کابینه سقوط کرد و صمصام‌السلطنه هیأت وزیران جدید را به‌تاریخ ۷ ذیحجه ۱۳۲۹ (برابر ٦ آذرماه ۱۲۹۰) بدین‌شرح به مجلس شورای ملی معرفی کرد و از ٦٠ نفر عده حاضر در جلسه، مجلس به اکثریت ٤١ رأی، به دولت اظهار اعتماد کرد.[٤٢]

۱ـ نجفقلیخان صمصام‌السلطنه	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله[٤٣]
۲ـ میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
۳ـ غلامحسین خان ایلخانی ـ سردار محتشم بختیاری	وزیر جنگ
٤ـ محمدعلیخان ذکاءالملک	وزیر مالیه
۵ـ میرزا حسن‌خان مشیرالدوله	وزیر معارف و فواید عامه
٦ـ میرزا ابوالحسن‌خان معاضدالسلطنه	وزیر پست و تلگراف
۷ـ میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه	وزیر عدلیه

٤۱ـ مذاکرات مجلس دوره دوم ـ قسمت سوم ـ جلسه ۳۲۹ ـ صفحه ۱۹۱۷.

٤۲ـ مذاکرات مجلس دوره دوم ـ قسمت سوم ـ جلسه ۳۲۷ ـ صفحه ۱۹۱۵.

٤۳ـ در جلسه ۹ ذیحجه احمد قوام‌السلطنه به سمت وزیر داخله به مجلس معرفی شد.

به‌دنبال انتشار اولتیماتوم ثانی، هیجانات عمومی بسیار تند و شدیدی به‌ضد دولت روسیه شروع شد و تظاهرات متعدد از طرف دسته‌های مختلف اجتماع و دانش‌آموزان مدارس با پرچمها و شعارهای یا مرگ یا استقلال در خیابانها راه افتاد و تلگرافهای متعددی مبنی بر جلب همدردی و تقویت ایران در برابر دولت روس به مجلس انگلستان و کمیته آزادی‌طلب لندن و سایر مجامع اروپایی مخابره شد. روحانیان حوزه علمیه نجف و کربلا، به‌دنبال اولتیماتوم دولت روسیه به منظور مبارزه بر ضد تجاوز بیگانگان به ایران در آذرماه ۱۲۹۰ به ایران وارد شدند.

برای پذیرش پیشنهادهای دولت روسیه در مجلس شورای ملی، از طرف هیأت وزیران کوشش بسیار شد ولی تدابیر لازم و تلاش دولت مؤثر واقع نشد و مجلس شورای ملی در مقابل هیجان توده ملت با رهبری افراد حزب دموکرات و همچنین احساسات مخالفت‌آمیز روحانیان تسلیم شد و در جلسات ۹ ذیحجه ۱۳۲۹ کلیه تقاضاهای دولت روسیه را رد کرد و به هیأت دولت تکلیف کرد که برای تغییر تکالیف مذکور داخل مذاکره شود.

دولت استعفای خود را به نایب‌السلطنه تقدیم کرد ولی پذیرفته نشد.

رئیس‌الوزراء برای جلب نظر رهبران دموکرات و تحکیم موقعیت دولت کابینه را ترمیم کرد و به‌تاریخ ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۹ قمری برابر ۱۹ آذرماه ۱۲۹۰ شمسی (۱۲ دسامبر ۱۹۱۱ میلادی)، هیأت وزیران را بدین شرح تشکیل داد.

۱ـ نجفقلیخان صمصام‌السلطنه	صدر اعظم
۲ـ میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
۳ـ سردار محتشم بختیاری	وزیر جنگ
٤ـ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	وزیر داخله
۵ـ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر مالیه
٦ـ میرزا ابوالحسنخان معاضدالسلطنه	وزیر پست و تلگراف
۷ـ محمدعلیخان ذکاءالملک	وزیر عدلیه

هیأت دولت به‌تاریخ ۲٦ ذیحجه ۱۳۲۹، به‌منظور حل اختلافات موجود بین

ایران با دولت روسیه دو ماده پیشنهادی ذیل را به مجلس شورای ملی تقدیم کرد:[۴۴]

۱ـ مجلس شورای ملی به هیأت وزیران حالیه اختیار بدهد که مسأله اختلافات با دولت روس را به هرنحو که برای آنها پیشرفت می‌کند و مقتضای مصلحت مملکت می‌دانند تمام نمایند.

۲ـ مجلس شورای ملی کمیسیونی تعیین نمایند که آن کمیسیون با هیأت وزیران دارای اختیارات لازمه بوده مسأله اختلافات با روسها را به هرنحو که برای آنها پیشرفت کند و مقتضای مصلحت مملکت باشد تمام نمایند.

این پیشنهاد بدواً مورد موافقت اکثریت نمایندگان قرار نگرفت ولی در جلسه پنجشنبه ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۹ برابر ۲۰ دسامبر ۱۹۱۱، به اکثریت ۳۹ رأی موافق در برابر ۱۹ رأی مخالف تصویب کردند که یک کمیته پنج نفری تعیین شود تا دربارهٔ رابطه ایران با دولت روسیه تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

کمیته پس از آن‌که خبر شروع جنگ در تبریز و رشت و ورود عده‌ای از قشون روس را به خراسان شنید جلسه‌ای با حضور هیأت وزیران و به ریاست نایب‌السلطنه تشکیل داد و در این جلسه تصویب شد که دولت ایران اولتیماتوم دولت روسیه را بپذیرد.

هیأت دولت در تاریخ ۲ محرم ۱۳۳۰ قمری یادداشتی به وزیر مختار روس مبنی بر قبول تقاضاهای سه‌گانه آن دولت ارسال داشت.

و نیز در همین تاریخ جلسه‌ای مرکب از تمام طبقات مختلف در دربار منعقد شد و وزیر امور خارجه ایران وثوق‌الدوله از طرف نایب‌السلطنه لزوم انحلال مجلس را با چنین عباراتی بیان داشت «چون هیأت دولت تصور می‌کنند که مجلس اسباب تخریب روابط خارجه دولت و ادارات داخلی است به این‌جهت پیشنهاد می‌نماید که مجلس دوم باید منفصل شود.»

چون هیچیک از حاضران مجلس دربارهٔ پیشنهاد دولت مخالفتی بیان نداشتند، از طرف دولت دستخطی مبنی بر پایان یافتن دوره دوم مجلس صادر شد و مجلس دوم به تاریخ سوم محرم ۱۳۳۰ هجری قمری برابر ۳ دیماه ۱۲۹۰ شمسی منحل گردید.

با قبول اولتیماتوم دولت روسیه، دولت برخلاف قانون، قرارداد استخدام

۴۴ـ مذاکرات مجلس، دوره دوم ـ قسمت سوم ـ صفحه ۱۹۲۹.

مستشاران آمریکایی را لغو کرد و به مستر شوستر اطلاع داد که از سمت خزانه‌داری کل برکنار شده است. نامبرده نیز در تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۱۲ از تهران حرکت کرد.

صمصام‌السلطنه پنجمین کابینه خود را با تغییراتی به‌تاریخ ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۰ هجری قمری برابر با ۱۵ خردادماه ۱۲۹۱ شمسی به‌شرح زیر تشکیل داد:

۱ـ نجفقلیخان صمصام‌السلطنه بختیاری	رئیس‌الوزرا
۲ـ میرزا محمد ابراهیم خان معاون‌الدوله	وزیر عدلیه
۳ـ میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
۴ـ میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه اسفندیاری	وزیر داخله
۵ـ میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله	وزیر مالیه
۶ـ غلامحسین خان ایلخانی بختیاری سردار محتشم	وزیر جنگ
۷ـ میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر علوم
۸ـ میرزا صادق خان مستشارالدوله	وزیر پست و تلگراف

سرانجام صمصام‌السلطنه در برابر بحرانهای ناشی از تجاوزهای قشون روس به تبریز و رشت و رضائیه و به توپ بستن ضریح مطهر حضرت رضا، پس از یک سال و شش ماه زمامداری استعفای خود را تلگرافی به نایب‌السلطنه که در اروپا به‌سر می‌برد تقدیم داشت.[۴۵] (۲۸ دی‌ماه ۱۲۹۱ شمسی).

۱۳- محمدعلیخان علاءالسلطنه

پس از استعفای صمصام‌السلطنه، تلاش دو دولت روس و انگلیس برآن بود که سعدالدوله را به ریاست وزراء انتخاب کنند، ولی مساعی سعدالدوله و همچنین دو دولت مذکور به سبب مخالفت پاره‌ای از رجال ایران بی‌نتیجه ماند و علاءالسلطنه به‌تاریخ ۲۸ صفر ۱۳۳۱ برابر اول بهمن‌ماه ۱۲۹۱ شمسی به ریاست وزرایی انتخاب شد و هیأت وزیران را به تاریخ ۵ ربیع‌الاول برابر ۸ بهمن‌ماه ۱۲۹۱ (۱۸ ژانویه ۱۹۱۳) بدین شرح

۴۵ـ ۲۸ دی‌ماه ۱۲۹۱ شمسی برابر ۱۰ صفر ۱۳۳۱ هجری قمری.

به حضور پادشاه معرفی کرد.

۱- پرنس محمدعلیخان علاءالسلطنه	رئیس‌الوزراء
۲- عبدالمجید میرزا عین‌الدوله	وزیر داخله
۳- میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه
٤- میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک	وزیر جنگ
۵- میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	وزیر مالیه
٦- میرزا حسینخان مؤتمن‌الملک	وزیر تجارت
۷- میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر معارف
۸- میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله	وزیر عدلیه
۹- میرزا صادق خان مستشارالدوله	وزیر پست و تلگراف

پس از آن‌که مدت پنجسال حکومت ایران به علت نابالغ بودن شاه به نیابت سلطنت عضدالملک قاجار و ناصرالملک قره‌گزلو اداره می‌شد، ناصرالملک دستور تاجگذاری احمدشاه را به تاریخ ۲۷ شعبان ۱۳۳۲ (برابر ۲۹ مردادماه ۱۲۹۳ شمسی) صادر کرد.

پس از انجام تاجگذاری، نیابت سلطنت والاحضرت ناصرالملک خاتمه یافت، ولی هیأت دولت علاءالسلطنه که اغلب وزیران آن از تاریخ ۲۸ صفر ۱۳۳۱ قمری عهده‌دار وزارتخانه‌های زیر بودند به ریاست وزرایی علاءالسلطنه تثبیت شدند.

۱- میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر امور خارجه[٤٦]
۳- میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	وزیر مالیه
٤- میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک	وزیر جنگ
۵- میرزا صادق خان مستشارالدوله	وزیر پست و تلگراف و فواید عامه
٦- پرنس میرزا رضاخان ارفع‌الدوله[٤۷]	وزیر عدلیه
۷- میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک[٤۸]	وزیر معارف و اوقاف

٤٦- میرزا حسنخان وثوق پس از چند روز استعفا داد.

٤۷- ارفع‌الدوله به‌جای ممتازالدوله مدت چند روز وزیر عدلیه بود.

٤۸- حکیم‌الملک پس از استعفای مشیرالدوله وزیر معارف شد.

۸- میرزا اسماعیل‌خان ممتازالدوله[۴۹] وزیر تجارت

کابینه علاءالسلطنه تا ۲۸ روز پس از برقراری مراسم تاجگذاری همچنان زمام امور دولت را در دست داشت تا در رمضان ۱۳۳۲ بنا به مقتضیات سیاسی وقت هیأت دولت معزول و از طرف احمدشاه مستوفی‌الممالک به ریاست وزرایی برگزیده شد.

* * *

۱۴- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک

مستوفی‌الممالک در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۳۲ هجری قمری برابر ۲۶ مردادماه ۱۲۹۳ قمری (برابر ۱۸ اوت ۱۹۱۴ میلادی) هیأت دولت را به شرح زیر حضور احمدشاه معرفی کرد.

۱- میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- میرزا محمدعلیخان علاءالسلطنه وزیر امور خارجه
۳- غلامحسین خان صاحب اختیار غفاری وزیر جنگ
۴- میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه اسفندیاری وزیر مالیه
۵- میرزا نظام‌الدین غفاری - مهندس‌الممالک وزیر معارف و اوقاف - فواید عامه و تجارت
۶- شاهزاده اسدالله میرزا «شهاب‌الدوله» وزیر پست و تلگراف و تلفن
۷- میرزا محمدعلیخان ذکاءالملک فروغی وزیر عدلیه

این کابینه مدت سه ماه و نیم در غیاب مجلس شورای ملی زمام امور مملکتی را در بحرانی‌ترین اوقات در دست داشت.

شروع جنگ بین‌الملل اول و تأثیر آن در اوضاع بی‌ثبات ایران مستوفی‌الممالک را در بدو زمامداری با مشکلات گوناگون روبرو ساخت.

بحران ناشی از اشغال ایران به دست نیروهای نظامی دو دسته متخاصمین جنگ بین‌الملل اول، رئیس‌الوزرا را برآن داشت تا به تاریخ ۱۱ ذیقعده ۱۳۳۲ به‌منظور حفظ

۴۹- میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله پس از استعفای مؤتمن‌الملک به وزارت تجارت منصوب شد.

بیطرفی ایران در جنگ جهانسوز جلسه‌ای با حضور وزیر مختار دولت روسیه و انگلیس تشکیل دهد. این جلسه از نمایندگان دولت مزبور خواستار شد تا با تخلیه ایران از قشون روس، استقلال و بیطرفی کشور ایران را محترم شمارند. وزرای مختار پیشنهاد کردند، تقاضای دولت ایران کتباً و به‌طور رسمی به‌نظر مقامات دولت روسیه اعلام شود.

پس از اعلام تقاضای ایران به سفارت روس، آن دولت پاسخ زیر را به تاریخ ۱۶ ذیقعده ۱۳۳۲ قمری به وزارت امور خارجه ایران ارسال داشت:

«دوستدار با نهایت توقیر و احترام در جواب مراسله محترمه جناب مستطاب اشرف عالی مورخ ۱۲ ذیقعده نمره ۳۱۶۷، زحمت‌افزا شده به‌موجب دستورالعمل اولیاء دولت اعلیحضرت امپراتوری خاطر مودت مظاهر را قرین استحضار می‌دارد که احضار قشون روس از آذربایجان فعلاً غیرممکنست زیرا فقط وجود قشون مزبور می‌تواند موجبات امنیت اتباع روس و خارجه را فراهم آورد. به‌واسطهٔ عدم وجود قوای دولت علیه ایران این امنیت ممکن‌الحصول نمی‌باشد و البته اولیاء دولت ایران مسبوق و مستحضرند که در این اواخر چند فقره اتفاقات ناگوار از طرف اکراد رخ داده است.»[۵۰]

مستوفی‌الممالک پس از مشورت با رجال سیاسی کشور، فرمان بیطرفی ایران را در جنگ بین‌الملل از طرف سلطان احمدشاه به تاریخ ۱۲ ذیحجه ۱۳۳۲ (برابر ۱ نوامبر ۱۹۱٤) بدین‌شرح صادر کرد:

«نظر به اینکه در این اوقات متأسفانه در دولت اروپ نائره جنگ مشتعل است و ممکنست این محاربه به حدود ممالک ما نزدیک شود و نظر به اینکه روابط ودادیه ما بحمدالله با دول متخاصمه برقرار است برای این‌که عموم اهالی از نیات مقدسه ما در حفظ و صیانت این روابط حسنه نسبت به دول متحاربه مطلع باشند امر و مقرر می‌فرمائیم که جناب مستطاب اجل اشرف افخم اکرم مهین دستور معظم مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزرا و وزیر داخله فرمان ملوکانه را به فرمانفرمایان و حکام و مأمورین دولت ابلاغ دارند که دولت ما در این موقع مسلک بیطرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را با دول متخاصمه کماکان حفظ و صیانت می‌نماید و بدین لحاظ مأمورین دولت را باید متوجه نمایند که نباید وجهاً من‌الوجوه براً و بحراً کمک به همراهی و یا ضدیت هریک از دول

۵۰- ایران در جنگ بین‌الملل - صفحه ۹۱.

متخاصمه نموده یا اسلحه و ادوات حربیه برای یکی از طرفین تدارک یا حمل کنند و باید از طرفداری با هر کدام از دول متحاربه پرهیز و احتراز نموده مسلک بیطرفی دولت متبوعه خود را کاملاً رعایت نماید و در تکمیل حفظ بیطرفی و صیانت روابط حسنه باز آنچه هیأت دولت ما مصلحت داند و به‌عرض برسد در اجرای مقررات آن امر ملوکانه شرف صدور خواهد یافت.»[۵۱]

در همین تاریخ عین فرمان به سفارتخانه‌های خارجی مقیم ایران نیز ارسال شد.

باید دانست که باوجود اعلان بیطرفی دولت ایران، دول متخاصم نیروی خود را در نقاط مختلف کشور پیاده کردند و به پاره‌ای اقدامات نظامی مبادرت ورزیدند ازجمله به‌تاریخ ۲۶ ذیحجه ۱۳۳۲ بیش از ده‌هزار نفر از قشون عثمانی و کردها وارد خوی شدند. دول متفق در برابر این اقدام عکس‌العمل بدین‌شرح نشان دادند:

از طرف دولت انگلیس اوایل ژانویه ۱۹۱۵ به رئیس‌الوزراء اعلام شد که دولت روسیه تزاری قصد تخلیه نیروهای نظامی خود را از آذربایجان دارد و ضمناً از دولت ایران خواسته شد تا متقابلاً از دولت عثمانی بخواهد که به زدوخورد خود خاتمه داده، عقب‌نشینی کند.

سومین دورهٔ قانونگذاری به‌تاریخ ۱۷ محرم ۱۳۳۳ برابر ۱٤ آذر ۱۲۹۳ شمسی توسط سلطان احمدشاه افتتاح شد. پس از رسمیت مجلس و شروع کار، مستوفی‌الممالک دولت جدید را به‌تاریخ شنبه ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ برابر اول اسفندماه ۱۲۹۳ (فوریه ۱۹۱۵ میلادی) بدین‌ترتیب به مجلس شورای ملی معرفی کرد:

۱ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزرا
۲ـ شاهزاده عبدالمجید عین‌الدوله	وزیر داخله
۳ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
٤ـ میرزا ابراهیم خان معاون‌الدوله	وزیر امور خارجه
۵ـ میرزا اسدالله شهاب‌الدوله	وزیر پست و تلگراف
٦ـ میرزا نظام‌الدین مهندس‌الممالک	وزیر تجارت و فواید عامه

۵۱ـ ایران در جنگ بین‌الملل اول تألیف مورخ‌الدوله سپهر ـ صفحه ۸۹.

۷ـ مهدیقلی خان مخبرالسلطنه وزیر عدلیه
۸ـ میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه وزیر مالیه
۹ـ غلامحسین خان صاحب اختیار وزیر جنگ

مستوفی‌الممالک به‌دنبال طرح برنامه دولت به مجلس و عدم تصمیم مجلس بر تصویب آن به تاریخ چهارشنبه ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ قمری برابر (۱۰ مارس ۱۹۱۵) استعفای خود را به حضور احمدشاه تقدیم داشت، شاه پس از قبول استعفای دولت، مؤتمن‌الملک رئیس مجلس را احضار کرد و از نامبرده خواست تا مجلس را در جریان انتخاب زمامدار آینده قرار داده، نظر و تمایل مجلس را نسبت به انتخاب رئیس دولت اعلام دارد.

مجلس در جلسه پنجشنبه ۲٤ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳، پس از اخذ آراء فراکسیونهای مختلف نسبت به رئیس‌الوزرای آینده، به اکثریت آرا (۷۵ رأی از ۷۵ تن عده حاضر نمایندگان) میرزا حسنخان مشیرالدوله را به ریاست وزرا انتخاب کرد، احمدشاه نامبرده را احضار کرد و مأمور تشکیل کابینه ساخت.

* * *

۱۵ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله

میرزا حسن‌خان مشیرالدوله، هیأت وزیران را روز یکشنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ برابر ۲۵ اسفندماه ۱۲۹۳ شمسی بدین شرح به مجلس شورای ملی معرفی کرد. برنامه دولت در جلسه دوشنبه ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ مطرح و مورد مذاکره و شور قرار گرفت و رأی در کلیات برنامه با قیام و قعود صورت گرفت و اغلب نمایندگان به‌عنوان موافق قیام کردند.

۱ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ
۲ـ میرزا صادق‌خان مستشارالدوله وزیر داخله
۳ـ میرزا ابراهیم خان معاون‌الدوله وزیر امور خارجه
٤ـ اسدالله مشارالسلطنه وزیر مالیه
۵ـ محمدعلیخان ذکاءالملک وزیر عدلیه
٦ـ حسنعلی نصرالملک کمال هدایت وزیر پست و تلگراف و فواید عامه

۷- میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک وزیر علوم و اوقاف

دولت مشیرالدوله نیز همانند دولت‌های گذشته مواجه با مشکلات سیاسی ناشی از مداخله دو دولت روس و انگلیس در امور داخلی ایران از طرفی و توقعات دولت آلمان از جانب دیگر شد.

دولت روسیه در برابر تجاوز دولت عثمانی از ناحیه مغرب به ایران، عده‌ای قشون به قصرشیرین اعزام داشت و نیز قشون جدیدی به نواحی و سرحدات انزلی وارد کرد.

کوشش و تلاش مشیرالدوله رئیس‌الوزرا بر این بود تا به‌منظور جلوگیری از تجاوزات دولت روسیه عثمانیها را مجبور سازد تا نیروی خود را از ایران خارج سازند، ولی دولت عثمانی که به جهت کمک به دولت متحد خود آلمان، به‌ترتیب نیرویی پرداخته بود، بازگشت خود را موکول به تخلیه ایران از قشون روس و انگلیس کرد.

مشیرالدوله قانون ۲۳ خرداد ۱۲۹۰ را که به‌موجب آن بلژیکیها در امور مالی کشور فعال مایشاء بودند به‌تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۱۵ لغو کرد.

کابینه مشیرالدوله به‌دنبال سیاست اعمال نفوذ سیاست خارجی در امور داخلی ایران و تحت تهدیدات جبر و فشار دو دولت روس و انگلیس قرار گرفت و سرانجام پس از آن‌که نمایندگان دو دولت مذکور به‌تاریخ ۲٤ آوریل ۱۹۱۵ به حضور شاه شرفیاب شدند و رسماً عزل نامبرده را خواستار گشتند سقوط کرد (اردیبهشت‌ماه ۱۲۹٤ برابر جمادی‌الثانی ۱۳۳۳).

* * *

۱٦- عبدالمجید میرزا عین‌الدوله

دستخط ریاست وزرایی شاهزاده عین‌الدوله در تاریخ یکشنبه ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ پس از کسب تمایل مجلس شورای ملی از طرف احمدشاه صادر شد. رئیس‌الوزرا به‌تاریخ دوشنبه ۱۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ به مجلس حضور یافت و درضمن تقدیم لایحهٔ دولت راجع به اسکناس، تشکیل کابینه را به هفته آینده موکول ساخت.

هیأت وزیران به‌تاریخ شنبه ۱٦ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ هجری قمری برابر با ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۲۹٤ شمسی به‌شرح زیر به حضور شاه و سپس به مجلس شورای ملی معرفی گردید.

۱ـ شاهزاده عبدالمجید میرزا عین‌الدوله رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ
۲ـ شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما وزیر داخله
۳ـ حاج میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه اسفندیاری وزیر امور خارجه
٤ـ فتح‌الله خان سردار منصور وزیر عدلیه
۵ـ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
٦ـ دکتر اسماعیل خان مرزبان «مؤدب‌السلطنه» وزیر پست و تلگراف و فواید عامه
۷ـ عبدالله خان امیرنظام قره‌گزلو وزیر مالیه

رئیس‌الوزرا از مجلس تقاضای اختیارات تام کرد، این امر با مخالفت دموکراتهای مجلس روبرو شد و عین‌الدوله روز چهارشنبه ۱۹ مه ۱۹۱۵ استعفای خود را به حضور شاه تقدیم داشت ولی پس از مذاکراتی که رئیس مجلس و چندتن از نمایندگان با نامبرده به‌عمل آوردند، او را قانع ساختند که به‌جای اختیارات تام که از مجلس خواسته، لفظ اقتدار نوشته شود. عین‌الدوله استعفای خود را پس گرفت و مجدداً به کار پرداخت.

کابینه عین‌الدوله در جلسه ۱۳ شعبان ۱۳۳۳ مورد استیضاح نمایندگان دموکرات قرار گرفت. نمایندگان وزیر داخله کابینه را که مسئول جریان زدوخورد بین ژاندارم‌ها و قشون عثمانی می‌دانستند[۵۲] مورد تعرض قرار دادند. شاهزاده عین‌الدوله باحال تعرض از مجلس خارج شد. چون نمایندگان مجلس با ابقاء وزیر داخله توافق حاصل نکردند، هیأت دولت استعفای دسته‌جمعی خود را روز جمعه ۷ خردادماه ۱۲۹٤ شمسی و ۲ روئیه ۱۹۱۵ به حضور شاه تقدیم داشت. بحران کابینه تا روز ۲۹ شعبان ۱۳۳۳ قمری و برابر با ۲۰ تیرماه ۱۲۹٤ همچنان ادامه داشت. در این روز استعفای عین‌الدوله از

۵۲ـ توضیح آن‌که به دستور فرمانفرما قوای ژاندارم ایران به مبارزه با قشون عثمانی پرداخت و از آنجا که این عمل برخلاف فرمان بیطرفی ایران در جنگ تلقی شد از طرف نمایندگان مجلس مورد استیضاح قرار گرفت.

طرف شاه پذیرفته شد و مؤتمن‌الملک حسب‌الامر ملوکانه تمایل نماینده‌گان را نسبت به رئیس‌الوزرای جدید خواستار شد.

پس از تبادل افکار بین دسته‌های مختلف سیاسی مجلس، مجدداً عین‌الدوله مورد تمایل مجلس قرار گرفت و روز ۲ رمضان ۱۳۳۳ قمری برابر ۲۰ تیرماه ۱۲۹۴ شمسی شاه، عین‌الدوله را مأمور تشکیل کابینه جدید ساخت. عین‌الدوله با قبول شرایط زیر از طرف نماینده‌گان مجلس، مسئولیت ریاست وزرایی را پذیرفت:

۱ـ کابینه او مرکب از همان وزیران سابق خواهد بود بدون استثنا و مجلس همانطور که به شخص او رأی اعتماد خود را اظهار می‌دارد در مورد سایر اعضای کابینه هم ابراز نماید.

۲ـ اگر اکثریت مجلس میل به ترمیم کابینه دارد، استیضاح کننده‌گان، استیضاح خود را پس بگیرند تا رئیس دولت در ترمیم کابینه مصادف با محظورات سیاسی که از استیضاح مزبور تولید گشته نشود و در آتیه هم استیضاحی از کابینه به‌عمل نیاید.

این شرایط مورد قبول نماینده‌گان مجلس به‌ویژه جناح دموکرات مجلس واقع نگشت و سخت با شرایط و پیشنهاد عین‌الدوله مخالفت کردند و نامبرده به‌ناچار استعفای خود را تقدیم داشت. استعفای عین‌الدوله از طرف شاه پذیرفته شد (به‌تاریخ چهارشنبه ۲۹ تیرماه ۱۲۹۴ شمسی برابر ۲۱ ژوئیه ۱۹۱۵)، تمایل فراکسیونهای مختلف مجلس به ریاست وزرایی مشیرالدوله تعلق گرفت ولی نامبرده این مسئولیت را نپذیرفت و تمایل خود را به شرکت در کابینه‌ای که مستوفی‌الممالک ریاست وزرایی آن را داشته باشد ابراز داشت.

* * *

۱۷ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک

پس از پذیرش استعفای عین‌الدوله و شرفیابی رئیس مجلس به حضور شاه و اعلام رأی تمایل مجلس به ریاست وزرایی مستوفی‌الممالک، نامبرده احضار و از طرف احمدشاه مأمور تشکیل دولت گردید.

رئیس‌الوزراء در جلسه چهارشنبه ۲۲ رمضان ۱۳۳۳ برابر ۱۲ مردادماه ۱۲۹۴ شمسی مجلس شورای ملی حضور یافت و آماده‌گی خود را به قبول مسئولیت ریاست وزرا

به عرض مجلس رسانید و تشکیل کابینه را به چند روز آینده موکول ساخت.

هیأت وزیران روز سه‌شنبه ٦ شوال ۱۳۳۳ برابر با ٢٦ مردادماه ۱۲۹٤ (۱۷ اوت ۱۹۱۵) به حضور شاه به‌ترتیب زیر معرفی شدند:

۱- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- محمدولیخان سپهدار اعظم	وزیر جنگ
۳- پرنس محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر عدلیه
٤- میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر مالیه
۵- میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه	وزیر امور خارجه
٦- محمدصادق خان مستشارالدوله	وزیر پست و تلگراف
۷- میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۸- شاهزاده اسدالله میرزا شهاب‌الدوله	وزیر فواید عامه و تجارت

تأثیر جنگ بین‌الملل در ایران، اشغال کامل ایران از طرف نیروهای خارجی ازجمله مسائل مهمی بود که اوقات غالب دولتهای معاصر را به‌خود مشغول می‌داشت. دوران زمامداری مستوفی‌الممالک مصادف با بحرانی‌ترین اوقات جنگ بود. چه با اینکه در دولت گذشته خود، بیطرفی ایران را به همه جهانیان اعلام داشت، نیروهای عثمانی کاملاً از مرزهای غربی ایران گذشته و در داخل کشور مستقر شده بودند، از طرف دیگر جاسوسان و مأموران آلمانی صفحات غرب و جنوب غرب و شمال غرب ایران را مرکز فعالیت سیاسی خود قرار دادند.

دولت روسیه نیز متقابلاً بر تعداد نیروهای خود روزبه‌روز می‌افزود، از طرف دیگر دولت انگلستان با اعزام سربازان هندی و مستعمراتی خود صفحات جنوب را مرکز تجمع و فعالیت نظامی ساخته و در میان عشایر عرب به تبلیغ و تجهیز نیرو می‌پرداخت.

دولت انگلستان به‌تاریخ پنجشنبه ۲۷ مردادماه ۱۲۹٤ شمسی برابر ۸ شوال ۱۳۳۳ (۱۹ اوت ۱۹۱۵) هرج و مرج بوشهر را بهانه قرار داده اعلانی مبنی بر اعزام نیرویی در آن حدود به‌منظور برقراری نظم منتشر کرد، و از شوال ۱۳۳۳ بندر بوشهر چندین مرتبه، مرتباً مورد هجوم نیروهای اعزامی دولت متجاوز انگلستان قرار گرفت و درمقابل، نیروی ایلات تنگستانی و همچنین اردوی شیخ حسین چاکوتاهی و دیگران به

مقاومت برخاستند.

در شیراز هیجان عمومی ضد این رفتار تجاوزکارانه دول خارجی شروع شد و اردویی مرکب از روحانیان و بازرگانان در خارج شهر شیراز به قصد عزیمت به طرف بوشهر اجتماع کردند.

پس از اشغال و تصرف قزوین توسط نیروهای دولت روسیه تزاری در اواخر ذیحجه سال ۱۳۳۳ قمری برابر آبان‌ماه ۱۲۹٤ و تدارک مقدمات تصرف پایتخت از طرف آنها، مستوفی‌الممالک بر آن شد تا در تاریخ ۷ محرم ۱۳۳٤ تصمیم بگیرد پایتخت از تهران به اصفهان انتقال دهد و از طرف شاه نیز در همین تاریخ به دربارهای انگلستان و روسیه تلگرافی به‌شرح زیر مخابره شد.

«چون بدون ملاحظه و بدون جهت قشون روس به‌طرف پایتخت من می‌آید لازم دانستم پایتخت خود را تغییر دهم، منبعد هر اتفاقی بیفتد دولت ایران مسئول نخواهد بود.»

اعلام این تصمیم، سفرای دولت روس و انگلیس را بر آن داشت که به حضور شاه شرفیاب و از وی خواستار شدند تا از تصمیم خود مبنی بر عزیمت به اصفهان خودداری کند، احمدشاه اخذ تصمیم قطعی را چنانکه عادت همیشگی او بود موکول به نظر هیأت وزیران کرد. مستوفی‌الممالک از آنجا که نمایندگان دو دولت مزبور صریحاً به شاه یادآوری کرده بودند: چنانچه به رفتن اصفهان مصر باشد او را از سلطنت خلع و دیگری را به‌جای وی انتخاب خواهند کرد. از اجرای فکر انتقال دستگاه مرکزی حکومت به اصفهان منصرف شد.

دولت روسیه تزاری نیز متقابلاً نیروی اعزامی خود را که از قزوین حرکت کرده و تا حدود کرج پیش آمده بودند به‌طرف قزوین برگرداند.

ولی در همان تاریخ ۷ محرم ۱۳۳٤ که قرار انتقال گذاشته شده بود عده‌ای از نمایندگان و رجال به‌طرف قم مهاجرت کردند و در آنجا کمیته دفاع ملی را تشکیل دادند.

اعضاء کمیته ملی به‌تاریخ پنجشنبه اول دی‌ماه ۱۲۹٤ برابر با ۱۵ صفر ۱۳۳٤ قمری پس از آن‌که مورد حمله و هجوم قوای روسیه قرار گرفتند از قم به کاشان و سپس به اصفهان گریختند. مهاجران در اصفهان مورد استقبال عده زیادی از احرار و مجاهدان

دوره انقلاب بزرگ قرار گرفتند و از هر طبقه و گروهی عده‌ای بیشمار با آنان همراه شدند، سران احزاب اعتدالی و سیدحسن مدرس نیز در اصفهان به جمع آنان پیوستند.

مستوفی‌الممالک به‌تاریخ ۱۶ صفر ۱۳۳٤ برابر ۲ دی‌ماه ۱۲۹٤ هجری شمسی (۲۵ دسامبر ۱۹۱۵) در قصر فرح‌آباد به حضور احمدشاه شرفیاب شد و استعفای خود را تقدیم داشت.

۱۸ـ عبدالحسین میرزا فرمانفرما

پس از آن‌که مستوفی‌الممالک به علت عدم اعتماد متفقین مجبور به استعفا گردید، شاهزاده عبدالحسین میرزا فرمانفرما از طرف احمدشاه مأمور تشکیل کابینه گردید و هیأت وزیران را روز شنبه ۱۷ صفر ۱۳۳٤ برابر ۳ دی‌ماه ۱۲۹٤ قمری بدین‌ترتیب به حضور شاه معرفی کرد.

۱ـ عبدالحسین میرزا فرمانفرما	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲ـ محمدولیخان سپهدار اعظم	وزیر جنگ
۳ـ شاهزاده اسدالله میرزا شهاب‌الدوله	وزیر علوم معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
٤ـ فتح‌الله خان سردار منصور	وزیر پست و تلگراف
۵ـ شاهزاده اکبرمیرزا صارم‌الدوله	وزیر فواید عامه و تجارت
٦ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر عدلیه
۷ـ علیقلی خان مشاورالممالک انصاری	وزیر امور خارجه

در بیان تاریخچه کابینه گذشته اشاره به تشکیل کمیته دفاع ملی و مهاجرت نمایندگان و احرار از تهران به قم و تجمع آنان در اصفهان کردیم. مهاجران و همراهان که مورد حمایت دولت عثمانی و آلمان بودند به‌تاریخ ۱۵ دیماه ۱۲۹٤ شمسی برابر ۲۹ صفر ۱۳۳٤ به‌طرف کرمانشاهان که در تصرف نیروی عثمانی بود عزیمت کردند و در آنجا به تشکیل حکومت ملی به ریاست وزرایی نظام‌السلطنه مافی پرداختند و دولتی بدین شرح تشکیل دادند:

۱ـ میرزا حسینخان ادیب‌السلطنه	وزیر داخله
۲ـ محمدعلیخان فرزین	وزیر مالیه

۳- سیدحسن مدرس — وزیر عدلیه
٤- محمدعلیخان مافی — وزیر خارجه
۵- میرزا قاسم خان صور — وزیر پست و تلگراف
٦- امان‌الله (عزالممالک) اردلان — وزیر فواید عامه و تجارت

پیشروی نیروی نظامی دو دولت روس و انگلیس همچنان ادامه داشت، چنانکه به‌تاریخ ۲۷ صفر ۱۳۳٤ نیروی نظامی و توپخانه انگلیس وارد سیستان شد، از طرف دیگر نیروی دولت روسیه نیز که درنتیجه جنگ با عثمانی از میاندوآب و مراغه عقب‌نشینی کرده بودند، مجدداً از طرف شمال و مشرق حملات سختی به ساوجبلاغ کرده و آنجا را به تصرف خود درآوردند. و در تمام طول بهمن‌ماه ۱۲۹٤ (ربیع‌الاول ۱۳۳٤) قوای نظامی روسیه همچنان به نبرد با مجاهدان نواحی طالش، قم، عراق و ملایر پرداختند و آنها را مجبور به عقب‌نشینی و حرکت به طرف کرمانشاهان ساختند.

دولت ملی درحالی‌که تقویت و پشتیبانی دو دولت عثمانی و آلمانی را همچنان پشت سر داشت هسته نیرومندی در غرب ایران تشکیل داد. در نواحی اصفهان نیز هیجان عمومی همچون دوران زمامداری دولت گذشته باقی بود و همه‌روزه گروه‌ها و طبقات مختلف مردم در مساجد اجتماعاتی ترتیب می‌دادند و به تظاهرات مشغول بودند.

هسته مرکزی متشکل در کرمانشاه بنا به خصیصه معمول در هر جمعیت متشکل سیاسی ایران، در گیرودار مبارزه سیاسی رهبران و سران احزاب دموکرات و اعتدالی و همچنین اختلاف نظر دولت عثمانی و آلمان از هم پاشیده شد و درنتیجه از نیروهای روسیه تزاری شکست خورده و مجبور به عقب‌نشینی گردید و اعضای هیأت دولت حکومت ملی و نمایندگان مهاجر و رؤسای ملیون عازم بغداد شدند. (اسفندماه ۱۲۹٤ شمسی)

مقامات دولت روسیه نسبت به عبدالحسین میرزا فرمانفرما خوشبین نبودند، و بر ضد دولت او تحریکاتی می‌کردند، ازجمله عده‌ای به‌عنوان مطالبه حقوق به تحصن در زرگنده محل ییلاقی سفارت روس پرداختند. (اول اسفندماه ۱۲۹٤ شمسی)

دولت در مقابل محظورات مالی و تظاهرات و هیاهوی ناشی از جریان تحصن در سفارت و مداخله دولت روسیه در امور داخلی ایران مجبور به استعفا گردید و به‌تاریخ سه‌شنبه ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳٤ برابر ۱۰ اسفندماه ۱۲۹٤ عبدالحسین میرزا فرمانفرما به

حضور شاه شرفیاب شد و استعفای خود را از ریاست وزرایی تقدیم داشت.

* * *

۱۹- محمدولیخان سپهسالار اعظم

بعد از سقوط کابینه فرمانفرما، سپهسالار اعظم از طرف احمدشاه احضار و مأمور تشکیل کابینه گردید (۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳٤ قمری برابر ۱۳ اسفندماه ۱۲۹٤ شمسی) و هیأت دولت را روز یکشنبه ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳٤ برابر با ۱٤ اسفندماه ۱۲۹٤ به‌ترتیب زیر در قصر فرح‌آباد به حضور پادشاه معرفی کرد.

۱- محمدولیخان سپهسالار اعظم	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- شاهزاده اکبرمیرزا صارم‌الدوله	وزیر امور خارجه
۳- جمشیدخان سردار کبیر	وزیر جنگ
٤- فتح‌الله خان سپهدار اعظم «سردارمنصور»	وزیر پست و تلگراف
۵- میرزا محمودخان علاءالملک	وزیر عدلیه
٦- مرتضی خان ممتازالملک	وزیر علوم و اوقاف و صنایع مستظرفه
۷- میرزا احمدخان مشیراعظم	وزیر فواید عامه و تجارت

سپهسالار برای جلب نظر متحصنین سفارت روس و خاتمه امر مقدمات برای سقوط کابینه فرمانفرما، وزیر امور خارجه را برای مذاکره و جلب نظر بست‌نشینان به سفارت روس فرستاد. متحصنین، شرط خروج از سفارت را اطمینان به اجرای کامل مقاصد خود که پرداخت حقوق عقب‌افتاده بود اعلام داشتند، ۱۵ اسفندماه ۱۲۹٤ شمسی (دوشنبه اول جمادی‌الاولی ۱۳۳٤ قمری)

روز ۱٦ اسفندماه (دوم جمادی‌الاولی)، نمایندگان متحصنین با رئیس‌الوزرا ملاقات کردند و مستدعیات خود را مبنی بر پرداخت حقوق عقب‌افتاده درضمن عریضه‌ای معروض داشتند، دولت با قبول تقاضای آنان از قرار تومانی ۵ قران موافقت کرد و ماجرا پایان یافت.

در دوران حکومت این دولت، دامنه مداخله دول خارجی در اداره امور داخلی

کشور و اعمال نفوذ در ریشه‌های حیاتی کشور با پیشنهاد نظارت در امور مالی بیش از پیش توسعه یافت. هرچند این پیشنهاد با حیثیت و استقلال کامل ایران مغایرت داشت، سپهسالار در مقابل فشار دو سفارت روس و انگلیس تسلیم شد و به‌تاریخ ۲۹ جمادی‌الاخر ۱۳۳٤ (۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۵) موافقت کرد تا دو دولت مزبور نظارت خود را صرفاً در مورد وجوهی که به‌عنوان موراتوریوم به دولت ایران مساعده داده می‌شود اعمال کنند. و نظارت مالی دو دولت متجاوز در کمیسیون مختلط مالی مرکب از: دو نماینده ایران، و یک نماینده از طرف هریک از دو دولت با حضور خزانه‌دار بلژیکی کار خود را در ایران آغاز کرد. (۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۵).

اعمال نظارت و مداخله دو دولت مذکور به این حد باقی نماند و مداخلات بیشتری را خواستار شدند، به‌طوری‌که در شوال ۱۳۳٤ طرحی از طرف هر دو سفارت مبنی بر نظارت در کلیهٔ عایدات و مخارج دولت، اعم از مالیه و نظام و اوقاف تنظیم شد و از دولت ایران خواستار شدند تا با پیشنهاد طرح مزبور موافقت کند و نیز ضمن پیشنهاد مذکور خواستند، با اطلاع و نظارت کمیسیون مختلف بر عده تجهیزات نظامی ایران با فرماندهی صاحب‌منصبان روسی و انگلیسی افزوده شود.

این پیشنهاد بدون اطلاع اعلیحضرت قبل از این‌که در هیأت دولت مطرح و تصویب گردد مورد موافقت شخص رئیس‌الوزراء قرار گرفت و جواب موافق را شخصاً امضا کرد و به دو سفارت ارسال داشت.

سفارت انگلیس، به‌استناد موافقتنامه مورخ ١٤ مردادماه ۱۲۹۵ برابر ٤ شوال سپهسالار، با انتخاب جنرال سرپرسی سایکس به ریاست قوای جنوب عملیات خود را آغاز کرد و درضمن مراسله مورخ ۷ شوال ۱۳۳٤، از دولت ایران همکاری مأموران محلی نواحی مورد نظر را خواستار شد.[۵۳]

تسلیم سپهسالار در مقابل تقاضاهای دول متجاوز و امضای آن هرچند به‌واسطهٔ فرس‌ماژور صورت گرفت، ولی با این‌همه از نظرگاه ملیون و آزادیخواهان این تسلیم عملاً قبول قرارداد ۱۹۰۷ میلادی و تصویب تقسیم ایران به دو منطقهٔ نفوذ همسایه شمالی و جنوبی تلقی شد. احمدشاه نیز با خودداری از امضاء پیشنهاد مزبور عملاً از قبول آن

۵۳ـ روزنامه کاوه، ۲۲ جمادی‌الاخر ۱۳۳٤.

امتناع ورزید.

دولت سپهسالار درمقابل وضع بحرانی دیگری که ناشی از تجاوزات مجدد قشون روس و عثمانی باشد نیز قرار گرفت ازجمله:

در تاریخ چهارشنبه ۱۹ مردادماه ۱۲۹۵ برابر ۹ شوال ۱۳۳٤ نزدیک به ۸۰۰ سرباز روسی از کرج به‌طرف تهران حرکت کردند و در همین تاریخ نیز عساکر عثمانی به اطراف کوه الوند که منطقهٔ نفوذ و انتقال قوای نظامی روسیه بود نزدیک شدند و عده‌ای دیگر نیز از نیروی عثمانی (با استقبال مردم شهر) به‌تاریخ ۱۱ شوال ۱۳۳٤ به همدان وارد گردیدند. (۲۱ مردادماه ۱۲۹۵)

تجاوزات دولت عثمانی در صفحات غرب برای مقابله با روسها و اقدام اخیر سپهسالار در قبول پیشنهاد دو دولت روس و انگلیس، کابینه را متزلزل ساخت و روز ۱۲ شوال ۱۳۳٤ وثوق‌الدوله از طرف احمدشاه احضار و مأمور تشکیل دولت گردید.

* * *

۲۰ـ میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله

وثوق‌الدوله پس از دریافت دستخط ریاست وزرایی به‌تاریخ ۱۳ شوال (برابر ۲۳ مردادماه ۱۲۹۵)، نظر به مشکلات سیاسی چند، نتوانست تا بیش از دو هفته هیأت وزیران را انتخاب کند.

انتشار پیروزی عثمانیها و حرکت آنها به‌طرف تهران، در میان اتباع خارجی مقیم تهران هیجانی ایجاد کرد. نمایندگان دولتهای متفق برآن شدند تا از تهران خارج شوند.

همزمان با اخذ تصمیم فوق عده‌ای از سربازان روسی مقیم کاشان به‌سمت قزوین و قم عقب‌نشینی کردند.

وزرای مختار روس و انگلیس، درضمن یادداشتی به‌تاریخ ۱۸ شوال ۱۳۳٤ از دولت ایران خواستار شدند تا به‌دنبال حرکت نمایندگان سیاسی دو دولت از تهران، احمدشاه و دستگاه دولتی نیز از پایتخت عزیمت کنند. (۲۷ مردادماه ۱۲۹۵)

در تاریخ ۱۹ شوال ۱۳۳٤ برابر ۲۸ شهریورماه ۱۲۹۵ جلسه‌ای با حضور عده کثیری مرکب از روحانیان و شاهزادگان و اعیان در دربار تشکیل شد تا دربارهٔ یادداشت

دو سفارت روس و انگلیس و لزوم حرکت پادشاه اخذ تصمیم به‌عمل آید. در جلسهٔ مزبور به اکثریت ۳۳ رأی از ۳۵ تن عده حاضر، مقرر شد برای حفظ بیطرفی ایران در جنگ، نه‌تنها از عزیمت پادشاه جلوگیری شود بلکه از وزرای مختار دو دولت روس و انگلیس نیز خواستار شوند تا از تصمیم خود منصرف گردند.

مقارن این احوال با شایعهٔ عزیمت احمدشاه از پایتخت، جمع کثیری از بازرگانان و اصناف بازارها را تعطیل کردند و در مسجد سپهسالار اجتماع بزرگی تشکیل دادند، توسط نماینده‌ای از حضور پادشاه تقاضای فسخ عزیمت را نمودند. این اجتماع روز بعد به‌تاریخ ۲۰ شوال پس از حصول اطمینان از طرف دربار و قبول مستدعیاتشان متفرق شد و بازارها مجدد باز شدند و به‌کار خود مشغول گشتند.

روز ۳۱ مردادماه ۱۲۹۵ شمسی برابر ۲۲ شوال از آنجا که وثوق‌الدوله به‌علل و جهات سیاسی و عدم توافق دولتهای خارجی با کاندیداهای وزراتی نتوانست هیأت دولت را تشکیل بدهد مستعفی شد و علاءالسلطنه از طرف شاه مأمور تشکیل کابینه گردید.

علاءالسلطنه از قبول ریاست وزرایی به‌علت عجز از تشکیل دولتی موافق با سیاست خارجی به‌تاریخ ۲۳ شوال استعفا داد، درنتیجه وثوق‌الدوله مجدداً به‌تاریخ ۲٤ شوال مکلف به تشکیل دولت گردید.

وثوق‌الدوله در تعیین وزیران خود همچنان با اعمال نفوذ دولتهای خارجی مواجه بود به‌ویژه پافشاری و سرسختی ژرژ چرچیل نایب شرقی سفارت انگلیس به عدم شرکت وزیران مورد تمایل ملیون، سبب شد تا اکثریت هیأت دولت را موافقان دولت انگلیس تشکیل دهد. وثوق‌الدوله پس از ۱٦ روز به‌تاریخ ۲۹ شوال ۱۳۳٤ برابر ۷ شهریورماه ۱۲۹۵ شمسی هیأت دولت را به شرح زیر به حضور پادشاه معرفی کرد.

۱ـ میرزا حسن خان وثوق‌الدوله	رئیس‌الوزرا و وزیر امور خارجه
۲ـ فتح‌الله خان سپهدار اعظم	وزیر داخله
۳ـ ابوالفتح خان حشمت‌الدوله	وزیر جنگ
٤ـ مرتضی خان ممتازالملک	وزیر معارف و اوقاف
۵ـ دکتر اسماعیل‌خان امین‌الملک «مؤدب‌السلطنه»	وزیر پست و تلگراف

۶ـ میرزا حسنخان مشارالملک | وزیر مالیه و سرپرست وزارت تجارت
۷ـ شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله | وزیر عدلیه
۸ـ میرزا شکرالله خان قوام‌الدوله «معتمدخاقان» | وزیر تجارت و فواید عامه

هیأت دولت جدید، پیشنهاد دو دولت روس و انگلیس دایر بر نظارت در امور مالی و نظام کشور را که به امضای سپهسالار رسیده بود نپذیرفت و از تصویب آن خودداری کرد. (۱۶ شهریورماه ۱۲۹۵ شمسی)

انقلاب روسیه تزاری و تأثیر آن در افکار آزادیخواهان منشأ اقدامات نهانی و جنبشهای آشکاری در میان مجاهدین و آزادیخواهان گردید.

کمیته مجازات با عضویت چندتن از مجاهدان تشکیل شد و دست به ترور اشخاص متنفذ زده و بدینوسیله رعب و وحشت را در میان دسته‌های خاصی فراهم آوردند. (شهریورماه ۱۲۹۵)

دولت وثوق‌الدوله به سبب امضای امتیاز خوشتاریا به‌طور سری و نهانی مورد مخالفت ملیون قرار گرفت، عوامل فوق وثوق‌الدوله را برآن داشت تا در جلسهٔ فوق‌العاده هیأت وزیران مورخ ۵ شعبان ۱۳۳۵، تصمیم خود را دایر بر استعفای از ریاست وزرا، اعلام دارد. ولی قبل از برکناری، فرمان انتخابات مجلس سوم را منتشر کرد و کمیسیون تهیهٔ مقدمات انتخابات را تشکیل داد.

استعفای رئیس‌الوزرا به‌تاریخ سه‌شنبه ۸ خردادماه ۱۲۹۶ برابر ۷ شعبان ۱۳۳۵ از طرف احمدشاه مورد موافقت قرار گرفت.

* * *

۲۱ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه

پس از سقوط کابینه وثوق‌الدوله، محمدعلیخان علاءالسلطنه مأمور تشکیل دولت گردید و هیأت وزیران را به‌تاریخ ۱۴ شعبان ۱۳۳۵ قمری برابر ۱۵ خرداد ۱۲۹۶ شمسی (و ژوین ۱۹۱۷ میلادی)، به شرح زیر به حضور پادشاه معرفی کرد.

۱ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه | رئیس‌الوزرا و وزیر امور خارجه

۲ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	وزیر مشاور
۳ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر جنگ
٤ـ میرزا حسینخان مؤتمن‌الملک	وزیر فواید عامه و تجارت
۵ـ میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه	وزیر مالیه
٦ـ میرزا صادقخان مستشارالدوله	وزیر داخله
۷ـ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۸ـ میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله	وزیر عدلیه
۹ـ حسنعلی‌خان نصرالملک کمال هدایت	وزیر پست و تلگراف و تلفن

از طرف هیأت وزیران، روز یک‌شنبه ۲٦ شعبان ۱۳۳۵ متن قرارداد خوشتاریا که در کابینهٔ وثوق‌الدوله به امضا رسیده بود در جراید تهران انتشار یافت.

کابینهٔ علاءالسلطنه به‌تاریخ ۲۳ محرم ۱۳۳٦ برابر ۱۸ آبان ۱۲۹٦ بدین‌شرح ترمیم یافت.

قوام‌السلطنه به‌سمت وزیر داخله، مستشارالدوله وزیر پست و تلگراف، ممتازالدوله وزیر مالیه، نصرالملک وزیر عدلیه.

در تاریخ ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۳٦ از طرف صدراعظم آلمان اعلامیه‌ای به‌شرح ذیل به دولت ایران مخابره شد.

«نظر به اصل آزادی و استقلال و مصونیت خاک ایران بیطرف، فرماندهان کل قشون عثمانی و روس حاضرند که قوای خود را از ایران مراجعت دهند و برای تصفیه جزئیات راجع به تخلیه ایران و سایر اقداماتی که برای تأمین اصل فوق‌الذکر ممکن است ضرورت پیدا کند، بلافاصله با دولت ایران داخل مذاکره خواهند شد.»[۵٤]

علاءالسلطنه در ماه صفر ۱۳۳٦ قمری از مقام ریاست وزرایی استعفا داد.

* * *

۵٤ـ کتاب ایران در جنگ بین‌الملل اول ـ صفحه ٤۸۹.

۲۲ـ عبدالمجید میرزا عین‌الدوله

عین‌الدوله در تاریخ ٦ صفر ۱۳۳٦ برابر ۳۰ آبان‌ماه ۱۲۹٦ شمسی (و نوامبر ۱۹۱۷ میلادی)، کابینه خود را به شرح زیر حضور پادشاه معرفی کرد.

۱ـ عبدالمجید میرزا عین‌الدوله	رئیس‌الوزرا
۲ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	وزیر مشاور
۳ـ میرزا حسنخان مشیرالدوله	وزیر جنگ
٤ـ میرزا حسینخان مؤتمن‌الملک	وزیر فواید عامه و تجارت
۵ـ محمدعلیخان علاءالسلطنه	وزیر امور خارجه
٦ـ میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله	وزیر علوم و اوقاف
۷ـ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	وزیر داخله
۸ـ مهدیقلیخان مخبرالسلطنه	وزیر عدلیه
۹ـ دکتر اسمعیل خان امین‌الملک	وزیر پست و تلگراف
۱۰ـ مشاورالملک	وزیر مالیه

دولت عین‌الدوله علاوه بر مشکلات سیاسی ناشی از مخالفت و کارشکنی‌های دولت انگلستان و نیز مخالفت آزادیخواهان دموکرات و نمایندگان آنها در مجلس، گرفتار مشکل قحطی و کمی نان کشور نیز گردید.

آزادیخواهان تبریز نسبت به چند تن از وزیران کابینه اعتراض کردند و برکناری آنها را خواستار بودند، خیابانی و نوبری به نمایندگی از آزادیخواهان تبریز، عین‌الدوله را به مخابره حضوری دعوت کردند.

عین‌الدوله که در دولت گذشته روی تعصب نسبت به هیأت وزیران خود و اعتراض و استیضاحی که از طرف نمایندگان مجلس به یک تن از وزرای کابینه‌اش شده بود از کار کناره‌گیری کرده بود در این جریان نیز در برابر مخالفت و کارشکنی دموکراتها به‌تاریخ ۲٦ ربیع‌الاول ۱۳۳٦ قمری برابر ۱۷ دی‌ماه ۱۲۹٦ شمسی پایداری نکرد و استعفا داد.

* * *

۲۳ـ میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک

پس از برکناری عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک وزیر مشاور از طرف پادشاه مأمور تشکیل کابینه گردید (۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۳٦ برابر ۱۷ دی‌ماه ۱۲۹٦) رئیس‌الوزرا، هیأت دولت را به‌ترتیب زیر به تاریخ ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳٦ برابر ۲۷ دی‌ماه ۱۲۹٦ به حضور پادشاه معرفی کرد.

۱ـ میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲ـ میرزا حسن‌خان مشیرالدوله	وزیر جنگ
۳ـ میرزا حسین‌خان مؤتمن‌الملک	وزیر علوم و اوقاف و صنایع مستظرفه
٤ـ مهدیقلیخان مخبرالسلطنه	وزیر عدلیه
۵ـ محمدقلی خان مخبرالملک	وزیر مالیه
٦ـ علیقلی خان مشاورالممالک انصاری	وزیر امور خارجه
۷ـ جعفرقلیخان سردار اسعد	وزیر پست و تلگراف
۸ـ حسین معین‌الوزرا	وزیر فواید عامه[۵۵]

مستوفی‌الممالک بخشنامهٔ تهیه مقدمات انتخابات چهارمین دوره قانونگذاری را برای کلیه حکام شهرستانها صادر کرد.

دولت بلشویکی لنین در تاریخ ۲٦ دی‌ماه ۱۲۹٦ شمسی برابر ۱٦ ژانویه ۱۹۱۸ میلادی ضمن ارسال نامه‌ای، بیانیه لنین را مبنی بر ملغی ساختن معاهدات و قراردادهای سری راجع به تقسیم ایران را به شارژدافر ایران تسلیم کرد و ضمن آن خاطرنشان ساخت که قشون روس از ایران خارج خواهند شد.

در تاریخ ۱٤ ربیع‌الثانی برابر ۹ بهمن‌ماه ۱۲۹٦ شمسی، اعلامیه زیر مبنی بر تخلیه ایران از قشون روس از طرف دولت صادر شد:

«به‌طوری که رسماً به وزارت امورخارجه اطلاع رسیده کلیهٔ قشون روس خاک

۵۵ـ کابینه مستوفی‌الممالک به‌تاریخ ۲۲ فروردین‌ماه ۱۲۹٦ بدین‌شرح ترمیم یافت: نصرالملک کمال هدایت به وزارت عدلیه و میرزا مرتضی خان ممتازالملک به وزارت معارف منصوب شدند.

ایران را ترک نموده و به روسیه مراجعت خواهند کرد و از طرف مقامات مربوطه برای جلوگیری از پاره‌ای اتفاقات ناگوار که ممکنست به‌واسطهٔ حرکت عده زیادی قشون روی داده حتی‌المقدور اقدامات کافیه به‌عمل خواهد آمد که این مراجعت با بهترین شکلی صورت گیرد.»[56]

دولت انگلیس در اواخر دی‌ماه ۱۲۹۶، قراردادی در ۵ ماده زیر به دولت ایران پیشنهاد کرد.

۱ـ مساعدت در تخلیه ایران از قوای بیگانه

۲ـ الغاء عهدنامه مورخ ۱۹۰۷ میلادی

۳ـ قبول شرکت نمایندگان ایران در کنفرانس صلح و پشتیبانی از پیشنهادهای ایران

٤ـ تجدید نظر در تعرفه گمرکی به سود ایران

۵ـ تحویل باقی‌مانده اقساط و عایدات گمرک ایران.

رئیس‌الوزرا قبول پیشنهاد دولت مذکور را با قید شرط انحلال پلیس جنوب و تحویل آن به دولت ایران و نیز حق انتخاب افسران فرمانده قشون متحدالشکل برای ایران پذیرفت، ولی دولت انگلیس شرایط دولت ایران را قبول نکرد.

دولت برای روشن شدن افکار عمومی اعلامیه‌ای به‌شرح ذیل به تاریخ ٦ جمادی‌الاولی ۱۳۳٦ قمری برابر ۲۹ بهمن‌ماه ۱۲۹٦ شمسی صادر کرد.

«پس از تشکیل کابینه حاضر دایر بر اظهاراتی که از سفارت دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مشعر به موافقت و مساعدت اولیای امور آن دولت نسبت به ایران می‌شد وزارت امور خارجه داخل در مذاکرات گردیده و درخلال مذاکرات، مراسله‌ای از سفارت معزی‌الیها به وزارت امور خارجه واصل گردید که اولیای دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان موافق اصول بیطرفی خالص حاضر هستند که از حال در باب ایجاد قوای متحدالشکل بعد از اختتام جنگ در تحت تعلیمات صاحب‌منصبان اروپایی که با موافقت اولیای دولت انگلیس انتخاب شوند داخل در مذاکرات گردند. چون مدلول مراسله مزبور منظور اولیای دولت ایران نبود، چه از یکطرف تفویض قوای مسمی به پلیس

۵٦ـ ایران در جنگ بین‌الملل اول ـ صفحه ٤۹۰.

جنوب را به‌بعد از جنگ تعلیق و از طرف دیگر انتخاب صاحب‌منصبان را منوط به رضای اولیای دولت انگلیس نموده بود و اولیای دولت ایران نظر به وظیفه که در حفظ تمامیت ارضی و استقلال مملکت ایران و رعایت بیطرفی کامل دارند ناچار به ایراد جواب گردیده نظریه خود را درخصوص تشکیل قوای متحدالشکل در تمام مملکت به سفارت فخیمه انگلیس اشعار و درضمن مواد پنجگانه ذیل انجام منظورات و مقاصد حقه خود را تقاضا نمودند.

۱ـ مساعدت در تخلیه ایران از قوای خارجه و تفویض قشون مسمی به پلیس جنوب به این دولت

۲ـ الغاء عهدنامه ۱۹۰۷ میلادی و رفع اثرات اولتیماتوم ۱۹۱۱ کلیهً

۳ـ قبول مشارکت نماینده دولت ایران در کنفرانس صلح

٤ـ تجدیدنظر در تعرفه گمرکی

۵ـ پرداخت کلیه فاضل عایدات گمرکات و اقساط گذشته و آینده مراتوریم بدون هیچ شرط»[57]

به‌دنبال دستگیری لیدر و رهبر کمیمته دموکرات ایران از طرف دولت انگلیس، میتینگ عظیمی مرکب از طبقات مختلف اجتماع به رهبری نمایندگان احزاب سیاسی به‌عنوان اعتراض به اقدامات تجاوزکارانه دولت انگلستان به‌تاریخ ۱۹ اسفندماه ۱۲۹٦ شمسی برابر ۱٦ جمادی‌الاول ۱۳۳٦ در میدان توپخانه تشکیل شد.

دولت جهت خاتمه دادن به تظاهرات شدید و تند به‌ضد دولت انگلیس، مراسله سفارت انگلیس را بدین‌شرح به اداره‌کنندگان متینگ ابلاغ کرد:

«چون به‌اطلاع سفارت انگیس رسیده که به‌واسطهٔ سوءتفاهم معلوم می‌شود سیاست دولت انگلیس نسبت به ایران مورد سوءظن بعضی احزاب ایران شده است ـ لهذا سفارت اعلیحضرت پادشاه انگلستان مایل است دولت علیه ایران را مستحضر سازد که سیاست دولت انگلیس نسبت به دولت ایران کاملاً از روی دوستی است و سفارت انگلیس حاضر است فوراً با دولت علیه ایران برای ترتیب دوستانه در مسأله قشون جنوب و احضار قشون انگلیس از ایران به‌طوری که مستلزم مصالح دولتین بوده باشد داخل

۵۷ـ ایران در جنگ بین‌الملل اول ـ صفحه ٤۹۱.

مذاکره گردد. سایر مسائل معوقه فیمابین دولتین نیز دوستانه در تحت مداقه خواهد آمد.»[۵۸]

به‌دنبال تنظیم قرارداد متارکه جنگ بین روس و آلمان به‌تاریخ ۳ مارس ۱۹۱۷ میلادی، سفارت آلمان نیز اعلامیه‌ای مبنی بر لغو قرارداد جابرانه ۱۹۰۷ میلادی و تضمین استقلال ایران به تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۲۹۶ صادر کرد. مستوفی‌الممالک در اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۷ شمسی به علل سیاسی چند از کار کناره گرفت.

* * *

۲٤- نجفقلیخان صمصام‌السلطنه

صمصام‌السلطنه پس از انتصاب به مقام ریاست وزرایی از طرف احمدشاه در تاریخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۷، هیأت دولت را به تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۲۹۷ شمسی برابر ۱۹ رجب ۱۳۳٦ قمری به شرح زیر تشکیل داد و به حضور احمدشاه معرفی کرد.

۱- نجفقلیخان صمصام‌السلطنه	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- حسنعلی‌خان نصرالملک کمال هدایت	وزیر عدلیه
۳- میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر علوم و اوقاف
٤- علیقلی خان مشاورالممالک	وزیر امور خارجه
۵- اسدالله خان مشارالسلطنه	وزیر پست و تلگراف
٦- لطفعلیخان امیرمفخم بختیاری	وزیر جنگ
۷- حسین علاء معین‌الوزاره	وزیر تجارت و فواید عامه
۸- میرزا حسن‌خان مشارالملک	وزیر مالیه[۵۹]

۵۸- ایران در جنگ بین‌الملل اول ـ صفحه ٤۹۲.

۵۹- این کابینه در ۸ رمضان ۱۳۳٦ هجری قمری برابر با ۲۸ خردادماه ۱۲۹۷ شمسی به شرح زیر ترمیم یافت:

۱- نجفقلیخان صمصام‌السلطنه بختیاری	رئیس‌الوزرا ـ وزیر داخله
۲- میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله	وزیر عدلیه

←

یکی از اقدامات مهم دولت در این دوره، با استناد به اعلامیه‌های رژیم جدید روسیه شوروی به‌تاریخ ۱۲ بهمن‌ماه ۱۲۹۶، لغو کلیه امتیازات و عهدنامه‌های سابق بود که در جلسه ٤ مردادماه ۱۲۹۷ شمسی برابر ۱۸ شوال ۱۳۳٦ هیأت وزیران به‌شرح زیر به تصویب رسید.

«نظرْ به این که معاهدات و مقاولات و امتیازاتی که از یکصد سال به اینطرف دولت استبدادی روس و اتباع آن از ایران گرفته‌اند تماماً در تحت فشار و جبر و زور و یا به‌وسیلهٔ عوامل غیر مشروعه ازقبیل تهدید و تطمیع برخلاف صلاح و صرفه مملکت و ملت ایران شده است، نظر بر اینکه دول معظمه دنیا از ابتدای جنگ حاضر، حفظ و رعایت مختاریت و استقلال اقتصادی و سیاسی ملل ضعیفه را به وسایل متنوعه گوشزد جهانیان نموده و می‌نمایند، نظر بر اینکه دولت جدید روسیه، آزادی و مختاریت تامه ملل را مقصد و آرزوی خود قرار داده بالخاصه الغای امتیازات و عهودی که از ایران تحصیل کرده‌اند از مجاری رسمی و غیررسمی به‌دفعات اعلام کرده است، نظر بر اینکه امتیازات و عهدنامجات و مقاولات مزبور علاوه بر این که در تحت فشار و زور بر علیه مصالح مملکتی اخذ و آنهایی که بعد از اعلان مشروطیت ایران برخلاف نص صریح قانون اساسی مملکت تحصیل شده است یا به‌موقع اجرا گذارده نشده و یا به‌ترتیب خیلی ناقص اجرا و مخالف مواد مصرحه آنها رفتار شده نه‌تنها حقوق معینه دولت استیفا نگشته، بلکه با نقل و انتقال یا سوءاستعمال مدلول آنها غالباً بهانه‌های مضر سیاسی و اقتصادی بر ضرر استقلال دولت و حوایج ملت اتخاد شده است، و بالجمله نظر بر اینکه دولت و ملت ایران هم حق دارد مثل سایر دول و ملل عالم از منابع ثروت و آزادی

→

۳ـ میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه	وزیر امور خارجه
٤ـ میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر مالیه
۵ـ غلامحسین خان ایلخانی بختیاری «سردار محتشم»	وزیر جنگ
٦ـ میرزا مرتضی خان ممتازالملک	وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۷ـ میرزا حسین خان معین‌الوزرا	وزیر فواید عامه و تجارت
۸ـ حسنعلی خان نصرالملک کمال هدایت	وزیر پست و تلگراف

طبیعی خود استفاده نماید، لهذا هیأت دولت در جلسه شنبه ٤ برج امرداد ۱۲۹۷ برابر ۱۸ شوال‌المکرم ۱۳۳۶ (۲۷ ژوییه ۱۹۱۸ میلادی) الغای کلیه عهدنامجات و مقاولات و امتیازات فوق‌الذکر را قطعاً تصمیم و مقرر می‌دارد که وزارت جلیله امور خارجه مأمورین و نمایندگان دول خارجه مقیمین دربار ایران و سفرای دولت علیه مقیمین خارجه را از مفاد این تصمیم مستحضر داشته و وزارت جلیله فواید عامه و تجارت و فلاحت به وسایل مقتضیه برای استحضار عموم اعلان نماید.»[۶۰]

هیأت دولت در تعقیب تصویبنامهٔ فوق، الغای کاپیتولاسیون را به تاریخ ۹ مردادماه ۱۲۹۷ به‌موجب تصویبنامه مجددی اعلام داشتند.

دوران زمامداری صمصام‌السلطنه مصادف با ایام فترت مجلس شورای ملی بود و بنا به سنن پارلمانی در غیاب مجلس، تصمیمات دولت به‌صورت تصویب‌نامه و بدون نظارت دستگاه قانونگذاری به مرحله اجرا درآمد. ظاهراً از آنجا که پاره‌ای از تصویبنامه‌های دولت وقت به مصلحت مملکت نبودند موجبات عدم رضایت پادشاه را فراهم ساخت و از سوی دیگر جمعی از روحانیان متنفذ، ازجمله سیدحسن مدرس، سیدمحمد امام جمعه، و حاج آقاجمال به‌عنوان اعتراض به رئیس دولت در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند، روز دیگر جمعی از بازاریان و اصناف نیز به پیروی از مقاصد و نیات روحانیان با تعطیل بازار و دکاکین به تظاهرات گسترده پرداختند و از شاه برکناری صمصام‌السلطنه را از ریاست وزرایی خواستار شدند.

روز یکشنبه ۲۶ مردادماه ۱۲۹۷ برابر ۲۶ شوال ۱۳۳۶، صمصام‌السلطنه از طرف پادشاه احضار و تکلیف کناره‌گیری از ریاست وزرایی به نامبرده شد.

رئیس‌الوزرا در مقابل دستور شاه با ادای چنین پاسخی (ما استعفا نمی‌دهیم شما ما را معزول کنید) به تمرد پرداخت و پس از مراجعت از دربار فرمان پادشاه را در هیأت وزیران مطرح کرد.

دولت از آنجاکه عزل خود را غیرقانونی می‌دانست، جهت ایجاد اغتشاش الغای حکومت نظامی اعلام و عبور و مرور را در شبها آزاد اعلام داشت. به‌دنبال اعلامیه دولت مبنی بر لغو حکومت نظامی، احمدشاه مجدداً به صمصام‌السلطنه ابلاغ کرد شما وزیر

۶۰ـ ایران در جنگ بین‌الملل اول ـ صفحه ٤۹۸.

نیستید و استقامت شما در مقابل اراده شاه عواقب وخیم دارد. سپس فرمان ابقای حکومت نظامی تا برقراری دولت جدید از طرف دربار اعلام گردید.[۶۱]

بدین کیفیت کابینه صمصام‌السلطنه به‌تاریخ ۱۵ مردادماه ۱۲۹۷ شمسی برابر ۲۹ شوال ۱۳۳۶ سقوط کرد.

* * *

۲۵- میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله

کابینه وثوق‌الدوله در تاریخ ۲۹ شوال ۱۳۳۶ قمری برابر ۱۵ مردادماه ۱۲۹۷ شمسی به‌ترتیب زیر به حضور احمدشاه معرفی گردید.[۶۲]

۶۱- تاریخ احزاب سیاسی - صفحات ۳۰ و ۳۱.

۶۲- وثوق‌الدوله در طی قریب دو سال زمامداری دو کابینه دیگر به ترتیب زیر تشکیل داد که بیشتر جنبه ترمیم داشت.

الف:

۱- میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	رئیس‌الوزرا، وزیر داخله
۲- سیدمصطفی منصورالسلطنه عدل	کفیل وزارت عدلیه
۳- فیروز میرزا نصرت‌الدوله	وزیر امور خارجه
٤- اکبر میرزا صارم‌الدوله	وزیر مالیه
۵- فتح‌الله خان سپهدار اعظم	وزیر جنگ
٦- میرزا احمدخان نصیرالدوله بدر	وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۷- میرزا حسین خان دبیرالملک	وزیر تجارت و فواید عامه
۸- میرزا حسن خان مشارالملک	وزیر مشاور

ب:

۱- میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- حسنعلی خان نصرالملک کمال هدایت	وزیر عدلیه
۳- فیروز میرزا نصرت‌الدوله	وزیر امور خارجه
٤- میرزا نصرالله خان اعتلاالملک	وزیر مالیه
۵- ابوالفتح خان حشمت‌الدوله	وزیر جنگ

←

۱- میرزا حسن‌خان وثوق‌الدوله	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- مشاورالممالک انصاری	وزیر امور خارجه
۳- شاهزاده فیروز میرزا نصرت‌الدوله	وزیر عدلیه
٤- سردار همایون	کفیل وزارت جنگ
۵- میرزا حسن‌خان مشارالملک	وزیر مالیه
٦- میرزا احمدخان نصیرالدوله بدر	وزیر علوم و اوقاف
۷- میرزا حسین‌خان دبیرالملک	وزیر تجارت و فواید عامه
۸- میرزا محمدخان محاسب‌الممالک غفاری	کفیل وزارت پست و تلگراف

در دوران زمامداری این دولت، صحنه سیاست خارجی ایران را تنها دولت نیرومند بریتانیا با اشغال عمدهٔ خاک این کشور در دست داشت، چه روسها به‌سبب گرفتاریهای ناشی از تغییر حکومت از مداخلات بی‌رویه در امور ایران خود را کنار کشیده بودند. دو دولت عثمانی و آلمان نیز با عقب‌نشینی، دست از تجاوزات و تحریکات خود برداشتند. در چنین شرایطی، طبعاً نیروی دولت متوجه سیاست داخلی و مرعوب کردن و منکوب ساختن عناصر متجاسر داخلی گردید.

وثوق‌الدوله در بدو زمامداری، به دستگیری و مجازات رهبران کمیته مجازات که با ترور شخصیتهای مختلف محیط وحشت و اضطراب را در تهران فراهم کرده بودند پرداخت و نیز با تهیه مقدمات انتخابات دوره چهارم مجلس شورای ملی، توجه ملیون و آزادیخواهان را نسبت به دولت جلب کرد.

نفوذ سیاست انگلیس و اقتدار آن دولت در ایران، دولت وثوق‌الدوله را در دومین سال زمامداری به عقد قراردادی که منجر به سقوط کابینه او گردید مجبور ساخت.

به‌موجب این قرارداد که بعد از چند ماه مذاکره محرمانه سرانجام به تاریخ ۱۷ مردادماه ۱۲۹۸ شمسی برابر ۱۲ ذیقعده ۱۳۳۷ (۹ اوت ۱۹۱۹ میلادی) به امضا رسید،

→

٦- میرزا احمدخان نصیرالدوله بدر	وزیر معارف و علوم و صنایع مستظرفه
۷- دکتر امیرخان امیراعلم	وزیر فواید عامه و تجارت
۸- میرزا محمودخان محاسب‌الممالک	وزیر پست و تلگراف

مالیه و قشون ایران به‌صورت متحدالشکل شده ژاندارم و قزاق زیر نظر مستقیم نمایندگان و فرماندهان انگلیس قرار گرفت.

بااینکه دولت رسمیت و اجرای قرارداد مزبور را موکول به تصویب نمایندگان مجلس چهارم ساخته بود، با اینهمه در فاصله کوتاهی پس از امضای قرارداد، هیأتهای نظامی و مالی انگلیس به ایران وارد شدند.

بعد از انتشار قرارداد مذکور، مخالفت آزادیخواهان و ملیون با دولت وقت آغاز شد و آنان به تظاهرات دامنه‌دار وسیعی پرداختند، جراید و مطبوعات نیز تحریکات شدیدی به‌ضد وثوق‌الدوله و قرارداد شروع کردند و شبنامه‌ها و مقالات تند و شدیداللحنی بر ضد دولت منتشر نمودند.

دولتهای خارجی، همچون آمریکا و فرانسه نیز با انتشار اعلامیه‌ای قرارداد مذکور را مورد انتقاد قرار دادند. دولت با استناد به قانون حکومت نظامی از اجتماعات و تظاهرات جلوگیری و روحانیان را که در مسجد شیخ عبدالحسین اجتماع کرده بودند متفرق ساخت، عده‌ای از سران و رهبران فکری آنها همچون، محتشم‌السلطنه، ممتازالدوله، ممتازالملک و مستشارالدوله به کاشان و میرزا حسین‌خان صبا مدیر روزنامه ستاره ایران به قزوین تبعید شدند و تنی چند از آنان نیز توقیف گردیدند.

بدین‌ترتیب دولت جنبش و شعله‌های مخالفت‌آمیز به‌ضد وثوق‌الدوله، و قرارداد را ظاهراً خاموش ساخت. این حوادث و رویدادها مانع هیجان افکار عمومی بر ضد قرارداد چه در ایران و چه در جمع ایرانیان مقیم خارج نگردید.

مسافرت احمدشاه به اروپا که بیش از ده ماه به‌طول انجامید، چند روز بعد از انتشار قرارداد صورت گرفت، کوشش مقامات خارجی دولت انگلیس در لندن مبنی بر این که مواد قرارداد را به امضای شاه ایران برسانند بی‌نتیجه ماند. نامبرده با این عبارت که (مملکت من کشوری دموکراسی است، باید این قرارداد به مجلس شورای ملی ارجاع شده به نتیجه برسد) از قبول و تصدیق مواد آن خودداری کرد.

ازجمله مسائل دیگری که در تزلزل کابینه وثوق‌الدوله نباید بی‌تأثیر دانست حمله قشون سرخ به ایران به تاریخ ۲۹ شعبان ۱۳۳۷ قمری بود.

توضیح آن که دولت وثوق‌الدوله پس از شکست خوردن روسهای ضد انقلابی ضمن تلگرافی که درواقع مقدمه شناسایی رسمی رژیم جدید آن دولت بود، آمادگی

دولت ایران را برای عقد قراردادهای لازم اعلام داشت. دولت جدید شوروی، در پاسخ تلگراف ایران، یادداشتی تلگرافی به‌شرح زیر ارسال داشت:

«دولت ساویت از دولت تقاضا دارد که قوای انگلیس را از خاک خود خارج والا قوای ساویت ناچار به ایران حمله خواهد کرد.»

به‌دنبال این یادداشت، قشون روسیه شوروی روز ۲۹ شعبان ۱۳۳۷ قمری برابر ۹ خردادماه ۱۲۹۸، بندر غازیان را که مرکز قوای نظامی انگلیس بود بمباران کرد و تلفات و خساراتی بسیار به آنجا وارد ساختند. نیروی نظامی انگلیس و همچنین قوای قزاق ایران نیز گیلان را تخلیه و به منجیل و قزوین عقب‌نشینی کردند.

قرارداد ۱۹۱۹ میلادی و مخالفت همگانی با آن، اختلاف شاه با وثوق‌الدوله و درنتیجه تضعیف دولت، منشاء انقلابات و تحریکاتی بر ضد دولت مرکزی در شهرستانها و ایجاد زمینه حکومتهای خودمختاری در نواحی مختلف کشور گردید. ازجمله:

به‌دنبال پیاده شدن قشون سرخ به ایران، مجاهدان جنگل نیز به رهبری میرزا کوچک خان و احسان‌الله خان بر ضد دولت مرکزی و عقد قرارداد شوم ۱۹۱۹، پیشروی خود را آغاز و به سمت شهر رشت حرکت کردند، در این شهر ادارات دولتی را متصرف شدند و قلمرو حکومت خود را تا مازندران گسترش دادند.

مجاهدان جنگل با کمک بلشویکها، کمیته انقلاب سرخ را تشکیل دادند و به تاریخ ۲۰ رمضان ۱۳۳۸ قمری برابر ۱۸ خردادماه ۱۲۹۹ شمسی، ضمن انتشار بیانیه زیر تشکیل هیأت دولت سوسیالیستی شوروی را اعلام نمودند.

وقایع گیلان و جریانات ناشی از سیاست خارجی، وثوق‌الدوله را برآن داشت تا استعفای خود را تلگرافی به حضور پادشاه معروض دارد، ولی پادشاه استعفای نامبرده را موکول به بازگشت خود به ایران نمود.

در آذربایجان نیز، شیخ محمد خیابانی، مجاهد و آزادیخواه دوره انقلاب مشروطیت با همراهی تنی چند از آزادیخواهان آذربایجانی، به‌تاریخ ۱۶ رجب ۱۳۳۸ قمری قیام به ضد دولت مرکزی را آغاز کرد.

این قیام با تظاهرات دامنه‌دار از طرف مجاهدان و دموکراتها شروع گردید، بازارها تعطیل شد و تظاهرکنندگان شهربانی تبریز را به تصرف خود درآوردند و

درضمن انتشار اعلامیه‌ای خودمختاری خود را به عنوان اجرای کامل و دقیق رژیم قانونی مشروطه به تاریخ ۱۸ رجب ۱۳۳۸ برابر ۱۹ فروردین ۱۲۹۹ شمسی اعلام داشتند.

با ورود پادشاه به ایران، نغمه مخالفت با قرارداد به‌صورت شدیدتر مجدداً آغاز شد. (خردادماه ۱۲۹۹ شمسی)

کابینه وثوق‌الدوله در میان فریادهای «مرده‌باد وثوق‌الدوله» یک هفته پس از ورود شاه به ایران سقوط کرد (به‌تاریخ ٤ تیرماه ۱۲۹۹ برابر ۸ شوال ۱۳۳۸ قمری) و امر قرارداد خنثی ماند.

* * *

۲٦- میرزا حسنخان مشیرالدوله

با سقوط دولت وثوق‌الدوله، احمدشاه مشیرالدوله را که مورد اعتماد ملت بود مأمور تشکیل هیأت دولت ساخت (به‌تاریخ ۷ تیرماه ۱۲۹۹). رئیس‌الوزرا ۱٦ شوال ۱۳۳۸ برابر ۱۲ تیرماه ۱۲۹۹ شمسی، هیأت وزیران را به قرار ذیل به حضور شاه معرفی کرد.

۱- میرزا حسنخان مشیرالدوله	رئیس‌الوزرا
۲- میرزا مهدی‌خان وثوق‌السلطنه دادور	وزیر جنگ
۳- میرزا حسینخان مؤتمن‌الملک	وزیر مشاور
٤- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	وزیر مشاور
۵- حاج مهدیقلیخان مخبرالسلطنه	وزیر دارایی
٦- اسدالله مشارالسلطنه	وزیر امور خارجه
۷- میرزا ابوالفتح‌خان حشمت‌الدوله	وزیر داخله
۸- میرزا ابراهیم‌خان حکیم‌الملک	وزیر معارف
۹- جعفرقلیخان نیرالملک هدایت	وزیر پست و تلگراف
۱۰- میرزا احمدخان اعتلاءالسلطنه	وزیر فواید عامه
۱۱- دکتر محمدخان مصدق‌السلطنه	وزیر عدلیه

مشیرالدوله برای تسکین افکار عمومی راجع به قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را منقلب کرده و هیجان عمومی را برانگیخته بود اعلامیه زیر را مبنی بر موقوف‌الاجرا بودن

قرارداد تا تصویب مجلس شورای ملی انتشار داد.

از پیش اشاره شد که در دولت وثوق‌الدوله مقدمات افتتاح مجلس شورای ملی بعد از یک فترت طولانی آغاز و انتخابات بعضی از نقاط نیز خاتمه یافته بود و انتخابات در پاره‌ای نقاط دیگر در جریان بود. انتخابات وثوق‌الدوله از دید ملیون و مخالفان قرارداد، انتخابات قراردادی و غیرطبیعی شمرده شد و افکار عمومی نسبت به جریان انتخابات و ۳۹ تن نماینده منتخب خوشبین نبود. مشیرالدوله طرح نقشه احتمالی وثوق‌الدوله را که به منظور آماده ساختن زمینهٔ تصویب قرارداد پی‌ریزی شده بود، با طرح نقشه ماهرانه دیگری مبنی بر بطلان انتخابات گذشته و تجدید آن با انتشار بیانیه کنایه‌دار مورخ ٦ مردادماه ۱۲۹۹ خنثی ساخت.

متن بیانیه مذکور به‌ویژه قسمت دوم آن که مربوط به انتخابات انجام شده بود، نمایندگان انتخابی دولت گذشته را متوجه ساخت که برای تثبیت موقعیت سیاسی خود لازمست مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹ را رسماً اعلام دارند.[٦٣]

کابینه مشیرالدوله وارث اوضاع منقلب و مغشوش حاصل از عقد قرارداد بود و از همان روزهای اول زمامداری درمقابل قیام متجاسرین در نواحی مختلف قرار گرفت ازجمله:

همانطورکه در دولت وثوق‌الدوله اشاره شد، شیخ محمد خیابانی به ضد حکومت مرکزی وقت و معاهده‌ای که با دولت انگلیس بسته شده بود قیام و زمام اداره یک قسمت عمده از ایران یعنی نواحی آذربایجان را به صورت خودمختاری به مدت ٦ ماه در دست داشت.

مشیرالدوله به جهت رفع غایله آذربایجان بدواً از در مسالمت درآمد و با ارسال

٦٣ـ متن این قسمت از بیانه به‌مناسبت اهمیت آورده می‌شود.
«ثانیاً در عین این‌که انتخابات بقیه وکلا به‌عمل می‌آید، ضمناً نیز در حوزه‌هایی که تا امروز وکیل معین کرده‌اند مراجعه‌ای به آراء اهالی که حق انتخاب کردن دارند خواهد شد، هرگاه اهالی حوزه‌های مذکوره انتخابات را تقویت نمودند مجلس شورای ملی با همان وکلای منتخبه حالیه و عده دیگری که از امروز به‌بعد انتخاب می‌شوند افتتاح خواهد گردید. ولی درنتیجه آراء عموم چنانچه معلوم گردد که مردم از انتخابات گذشته رضایت ندارند حکم خواهد شد که نسبت به وکلای انتخاب‌شده تجدید انتخابات به‌عمل آید.»

تلگرافی موقوف‌الاجرا ماندن قرارداد، اجرای ماده ۲۰ متمم قانون اساسی مبنی بر آزادی مطبوعات، ادامه انتخابات و افتتاح مجلس شورای ملی را به آنان وعده داد و خواستار شد که هرچه زودتر انتخابات آن نواحی را شروع نمایند و نمایندگان خود را به مرکز اعزام دارند.

خیابانی و پیروانش از آنجا که تصمیمی دایر بر قطع هرگونه روابطی را با دولت مرکزی گرفته بودند دست از مخالفت خود با دولت مرکزی برنداشتند. دولت برای رفع این غایله که ابتدا صورت نهضت برضد قرارداد ۱۹۱۹ و پس از آن صحبت از تجزیه آذربایجان و حکومت خودمختاری را پیدا کرده بود حاجی مخبرالسلطنه را در اواسط ذیحجه ۱۳۳۸ به‌عنوان استاندار برای فرونشاندن قیام به آذربایجان اعزام داشت.

نیروی دولتی به تاریخ ۲۱ شهریورماه ۱۲۹۹ ذیحجه، مرکز حکومت خودمختاری و کمیته حزب دموکرات را بمباران کردند و در ظرف مدت کوتاهی بر پیروان خیابانی غلبه یافتند. خیابانی که به منزل یکی از دوستانش پناهنده شده بود درحال دفاع به ضرب چند گلوله یک تن از قزاقان مقتول گشت و بدین کیفیت غایله آذربایجان خاتمه یافت. اشاره شد، که غایله جنگل به‌کمک بلشویکها ازجمله مسایلی بود که دولت مرکزی با آن مواجه گردید. مشیرالدوله برای اصلاح امر و رفع آن نماینده‌ای (سردار فاخر حکمت) نزد میرزا کوچک خان فرستاد.

میرزا کوچک خان شخصاً اظهار انقیاد و اعتماد به کابینه مشیرالدوله کرد و حتی از ورود دسته‌ای از نیروی بلشویک روسی که از راه بادکوبه به انزلی می‌آمدند جلوگیری کرد. ولی احسان‌الله خان و خالو قربان سردستگان مجاهدین، با میرزا بر سر مسأله توافق با دولت مرکزی اختلاف حاصل کردند. میرزا کوچک خان از آنجا که با تندروی همسایگان جدید خود موافق نبود، به مقر خود جنگل بازگشت.

دولت به‌ناچار در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۲۹۹ استاروسلسکی رئیس قزاقخانه را به‌قصد سرکوب ساختن و تنبیه متجاسرین گیلانی و قفقازی بلشویک به مازندران و گیلان فرستاد. نیروی قزاق بتدریج بندرگز و ساری و مشهدسر و به‌دنبال آن رشت را به تصرف خود درآوردند. و درنهایت نیروی کمونیستها مجبور به عقب‌نشینی از رشت شدند ولی در دوم شهریور سردار استاروسلسکی بر طبق نقشه سیاسی خاص دستور عقب‌نشینی به منجیل را به قزاقان صادر کرد. درنتیجه قوای دولتی و اردوی قزاق به امر

رؤسای خود به رشت و سپس قزوین عقب‌نشینی می‌کنند و ظاهراً از متجاسرین و کمونیستها شکست می‌خورند. مشیرالدوله هیأتی را برای حل و تسویه امر جنگل به رشت فرستاد ولی هیأت مزبور بدون اخذ نتیجه مراجعت کرد.

دولت انگلیس عزل استاروسلسکی را از فرماندهی قوای قزاق ایران از دولت خواستار شد، مشیرالدوله با پیشنهاد مذکور مخالفت کرد، این مخالفت زمینه سقوط کابینه مشیرالدوله را فراهم ساخت.

اولین واکنش مخالفت سیاسی دولت انگلیس در مقابل مخالفت دولت مشیرالدوله درباب عقد قرارداد به‌صورت عقب‌نشینی قوای نظامی آن دولت از منجیل به‌طرف قزوین و عدم همکاری نظامی آنان با نیروی قزاق در برابر انقلابیون جنگل شروع گردید و نیز پس از آن که مشیرالدوله رئیس‌الوزرا، پیشنهاد آن دولت را مبنی بر عزل فرمانده قوای قزاق نپذیرفت و در مقابل درخواست آنان به مقاومت پرداخت، مخالفت آشکار خود را با دولت نامبرده درضمن اعلام قطع پرداخت مساعده بانک شاهنشاهی به دولت ایران به‌عذر نپذیرفتن مواد قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس از طرف مجلس شورای ملی اظهار داشتند.

دولت با مقامات انگلیسی به مذاکره پرداخت و از آنان خواستار شد که پرداخت مساعده تا سه ماه دیگر تمدید شود و ضمناً نیروی نظامی انگلیس که در قیام بلشویکها با قزاقان ایرانی همکاری نکردند مجدداً همکاری خود را با نیروی نظامی ایران ادامه دهند.

مشیرالدوله به جهت برقراری روابط سیاسی با دولت روسیه شوروی، وزیر مختار ایران را در ذیقعده ۱۳۳۸ به مسکو فرستاد، سیاست خارجی دولت ایران مبنی به برقراری روابط دوستانه با دولت شوروی از نظر دولت استثمارگر انگلستان مطلوب و خوش‌آیند نبود و مخالفت دیپلماسی بریتانیا را نسبت به زمامداری مشیرالدوله بیش از پیش فراهم ساخت و احمدشاه را مجبور کردند تا نامبرده را از کار برکنار سازد.

شاه به مشیرالدوله تکلیف استعفا کرد ولی نامبرده اخذ تصمیم را موکول به‌نظر هیأت وزیران ساخت و سرانجام مشیرالدوله مجبور به استعفا گردید و کابینه وی به‌تاریخ ۳ آبان ۱۲۹۹ سقوط کرد.

* * *

۲- فتح‌الله خان سپهدار اعظم

پس از سقوط کابینهٔ مشیرالدوله، ظاهراً تشکیل مجدد هیأت وزیران به شخص نامبرده و چند تن دیگر ازجمله مستوفی‌الممالک و عبدالحسین میرزا فرمانفرما از طرف احمدشاه تکلیف شد، ولی مشیرالدوله و شخصیتهای مذکور، از قبول مسئولیت خطیر زمامداری دولت در شرایط بحرانی ناشی از مداخلهٔ مستقیم سیاست خارجی در امور داخلی ایران سر باز زدند، تا اینکه سپهدار اعظم (فتح‌الله خان سردار منصور) به‌تاریخ ۵ آبان‌ماه ۱۲۹۹ شمسی برابر ۱۴ صفر ۱۳۳۹ قمری مأمور تشکیل دولت شد.

با تغییر دولت، مسأله قرارداد و بیم تسلیم دولت جدید در مقابل فشار تقاضاهای دولت انگلیس، در میان توده ملت منشا و موجد هیجانات تازه‌ای گردید و به مدت سه روز تظاهراتی به ضد قرارداد و ریاست وزرایی سپهدار به‌صورت بسته شدن بازار و تشکیل اجتماعات انجام گرفت. مخالفت صریح اجتماع بزرگ ملت ایران با قرارداد با اینکه نتوانست از تشکیل ریاست وزرایی و دولت سپهدار جلوگیری کند ولی بی‌تأثیر در سیاست دولت نبود و رئیس‌الوزرا را بر آن داشت به‌منظور تسکین افکار عمومی و رفع بحران پدیدآمده، اعلامیه‌ای به‌تاریخ ۸ آبان‌ماه ۱۲۹۹ شمسی صادر کند و در ضمن آن به مردم اطمینان داد که اخذ هرگونه تصمیمی از طرف دولت دربارهٔ قرارداد موکول به افتتاح مجلس و تصویب آن خواهد بود.

سپهدار، استاروسلسکی را قبل از تشکیل دولت و تصویب آن در هیأت وزیران، از فرماندهی دیویزیون قزاق معزول کرد. این اقدام سپهدار در زمینه اجرای منویات دولت انگلیس نه‌تنها نتوانست آن دولت را راضی و قانع سازد، بلکه در ضمن ارسال یادداشتی به‌تاریخ ۱۵ آذرماه ۱۲۹۹ برابر ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۹ از دولت ایران خواستار شدند که دیویزیون قزاق ایران به ریاست فرماندهان انگلیسی قرار گیرد و مأموران انگلیسی در امور مالی نظارت داشته باشند و دولت را در صورت نپذیرفتن تکلیف فوق به مخاطرات ناشی از انقلابات تهدید کردند.

دولت برای حل قضیهٔ فوق، مجلس مشاوره‌ای مرکب از سیصد تن از علما و محترمین و نمایندگان منتخب دوره چهارم در مرکز و بازرگانان و سایر رجال سیاسی به‌تاریخ شنبه ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۳۹ قمری تشکیل داد و یادداشت دولت انگلیس را در این جلسه با حضور احمدشاه که در کاخ سلطنتی منعقد شده بود مطرح ساخت.

اعضای مجلس مذکور، اخذ تصمیم را در رد و قبول تقاضای دولت انگلیس قانوناً از حدود صلاحیت مجلس خارج دانسته و موکول به رأی و تصمیم نهایی مجلس شورای ملی دانستند. هیأت دولت سپهدار به‌تاریخ ۵ آبان ۱۲۹۹ به‌ترتیب زیر به حضور احمدشاه معرفی گردیدند.[۶۴]

۱- فتح‌الله خان سپهدار اعظم «سردارمنصور»	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- جهانگیرخان ناظم‌الملک	کفیل وزارت امور خارجه
۳- عبدالله‌خان امیرنظام قره‌گزلو	وزیر جنگ
٤- میرزا سلیمان خان میکده	وزیر عدلیه
۵- صادقخان سردار معتمد گیلانی	وزیر پست و تلگراف
٦- عباس میرزا سالار لشکر فرمانفرما	وزیر فواید عامه و تجارت
۷- عبدالحسین میرزا وحیدالملک	وزیر علوم و اوقاف
۸- حسنعلی‌خان نصرالملک کمال هدایت	وزیر مشاور[۶۵]
۹- دکتر اسماعیل خان مؤدب‌السلطنه مرزبان	وزیرمالیه

اشاره شد که بنا به تصمیم هیأت دولت گذشته (مشیرالدوله) نماینده ایران به‌منظور برقراری روابط سیاسی با دولت روسیه شوروی عازم آن کشور گردید. نتیجه مذاکره نماینده ایران با مقامات آن دولت به‌صورت تنظیم و طرح عهدنامه‌ای در ۲٦ ماده در بدو زمامداری کابینه سپهدار اعظم به دولت ایران اعلام شد.

دولت تصویب قرارداد را از آنجا که دوران فترت درپیش بود برای مجلسی

٦٤- این دولت پس از مدتی کناره‌گیری کرد ولی به‌موجب فرمان احمدشاه سپهدار با قبول مجدد مسئولیت، دومین کابینه خود را که حکم ترمیم داشت در تاریخ ۲۷ بهمن‌ماه ۱۲۹۹ شمسی تشکیل داد. در این کابینه وزارت خارجه به محتشم‌السلطنه، وزارت مالیه به کفالت میرزا عیسی خان فیض، وزارت علوم و اوقاف به دکتر مؤدب‌السلطنه.

٦۵- نصرالملک در تاریخ ۱۷ دی‌ماه ۱۲۹۹ استعفای خود را تقدیم داشت. و در کابینه دوم به‌عنوان وزیر فواید عامه و تجارت شرکت جست.

مرکب از رجال سیاسی و نمایندگان منتخب موکول ساخت. اعضای مجلس مشاوره عالی مواد قرارداد را در تاریخ ۱۸ دی‌ماه ۱۲۹۹ شمسی پذیرفتند، ولی تصمیم و تصویب نهایی را موکول به افتتاح مجلس چهارم ساختند.

روز ۹ دی‌ماه ۱۲۹۹، دولت روسیه شوروی شرط تخلیه نواحی شمال ایران در گیلان را منوط به تخلیه قوای نظامی انگلیس و عدم تهدید آنان در نواحی مذکور اعلام داشتند.

دولت ایران اقدامات لازم را در این زمینه به‌عمل آورد و درضمن قول و تعهد به اینکه نیروی نظامی انگلیس متقابلاً به ترک مواضع، در صورت اخطار دولت ایران خواهند پرداخت، دولت روسیه را متقاعد ساخت. تا اینکه به‌تاریخ ۲۴ دی‌ماه دستوری از طرف مقامات دولت روسیه مبنی بر فراخواندن کلیه قشون روس از نواحی گیلان و تسلیم دوایر دولتی به مأموران ایرانی صادر شد و این دستور در ظرف ۵ روز به مرحله اجرا درآمد.

احمدشاه، به‌منظور شور دربارهٔ اوضاع ایران و آشفتگی حاصل از موقعیت سیاست خارجی و داخلی کشور دستور تشکیل جلسه مشاوره‌ای مرکب از رئیس‌الوزراهای گذشته و نمایندگان حاضر در مرکز و سایر رجال سیاسی را صادر کرد و در آخرین جلسه مجلس مشاوره به تاریخ ۲۴ دی‌ماه سپهدار رئیس‌الوزرا حضور نیافت و استعفای خود را از مقام ریاست وزرایی تقدیم داشت.

روز ۲۶ دی‌ماه از طرف پادشاه، فرمانی به معاونان وزارتخانه‌ها صادر شد و به‌موجب فرمان مذکور مسئولیت وزارتخانه‌ها تا تعیین هیأت دولت جدید به‌عهده آنها واگذار گردید.

مشیرالدوله و مستوفی‌الممالک از طرف اعلیحضرت نامزد مقام ریاست وزرایی شدند ولی هیچیک از آنها به قبول مسئولیت تن درندادند. به‌ناچار جلسه مشاوره‌ای مرکب از ۶۷ تن نمایندگان حاضر در پایتخت به تاریخ اول بهمن‌ماه ۱۲۹۹ تشکیل و نظر نمایندگان نسبت به زمامداری مجدد سپهدار اعظم خواسته شد. درنتیجه با توافق نمایندگان مزبور نظر به عوامل سیاسی خاص مجدداً سپهدار مأمور تشکیل کابینه گردید. رئیس‌الوزرا برای تشکیل دولت از افرادی که مورد توجه و اعتماد مخالفان قرارداد بودند دعوت کرد و به‌اتفاق آنان به حضور پادشاه شرفیاب شد. هیأت دولت قبل از

معرفی رسمی از اعلیحضرت تقاضا کردند که افتتاح مجلس به تأخیر افتد، ولی پادشاه با تقاضای آنها مخالفت ورزید. بدین‌ترتیب هیأت دولت معرفی نشده سقوط کرد.

سرانجام سپهدار پس از یازده روز بحران مجدداً هیأت دولت جدیدی به شرح زیر در تاریخ ۲۸ بهمن‌ماه ۱۲۹۹ برابر ۸ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ به حضور احمدشاه معرفی کرد.

۱ـ فتح‌الله خان سپهدار اعظم	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲ـ میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه	وزیر امور خارجه
۳ـ نصرالملک کمال هدایت	وزیر فواید عامه و تجارت و فلاحت
٤ـ دکتر اسماعیل‌خان امین‌الملک	وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۵ـ شاهزاده عباس میرزا سالار لشکر	وزیر عدلیه
٦ـ عبدالله امیرنظام قره‌گزلو	وزیر جنگ
۷ـ صادقخان سردار معتمد اکبر	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۸ـ میرزا عیسی خان فیض	کفیل وزارت مالیه

کابینه جدید سپهدار، چند روزی بیش دوام نیافت، عاملین تهیه کودتایی که مسیر تاریخ تحول حکومت را از خاندان قاجار به پهلوی از مدتها پیش پی‌ریزی می‌کردند از روز اول اسفندماه ۱۲۹۹ رسماً وارد عمل شدند. در این روز عده‌ای قزاق به ریاست و رهبری رضاخان سرتیپ از نیگی امام به‌قصد تهران حرکت کردند، نرسیدن حقوق و دیدار بستگان در تهران را بهانه قرار دادند درحالی‌که مخالفت به‌ضد دولت مرکزی نیت حرکت آنان بود.

هیأت دولت، جلسه فوق‌العاده‌ای برای اخذ تصمیمات لازم به‌منظور جلوگیری از ورود قزاقها که بدون اجازه حکومت مرکزی صورت گرفته بود تشکیل داد و به‌موجب تصویب هیأت وزیران سردار همایون رئیس دیویزیون قزاق تهران مأمور جلوگیری از حرکت آنها گردید. نامبرده در بین راه توسط قزاقها توقیف شد، دستور امیرنظام وزیر جنگ و تلفن شاه از قصر سلطنتی مبنی بر بازگشت آنان به نتیجه نرسید و دستورات دولت مرکزی اجرا نگردید.

روز سوم اسفندماه کودتاچیان در نزدیک شهرنو، بیرون دروازه قزوین تهران اردو زدند و درنتیجه نیمه‌شب همین روز با تبانی رؤسای ژاندارمری که از نقشه کودتاچیان اطلاع داشتند به تهران وارد شدند و پس از تصرف شهربانی، کلیه زندانیان سیاسی را آزاد ساختند.

نماینده کودتاچیان روز ٤ اسفندماه به حضور شاه شرفیاب شد و پیشنهادهای گردانندگان کودتا ازجمله ریاست وزرایی سیدضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد را به نظر شاه رسانید.

احمدشاه دستخط ریاست وزرایی نامبرده را به‌شرح زیر صادر کرد.

«نظر به اعتمادی که به حسن کفایت و خدمتگزاری جناب میرزا سید ضیاءالدین طباطبایی داریم معزی‌الیه را به مقام ریاست وزرایی برقرار و منصوب فرموده و اختیارات تامه برای انجام وظایف ریاست وزرایی به معزی‌الله مرحمت فرمودیم» (شهر جمادی‌الاخر ۱۳۳۹).

* * *

۲۸- سید ضیاءالدین طباطبایی

پس از صدور ابلاغ ریاست وزرایی سید ضیاءالدین به‌تاریخ اسفندماه ۱۲۹۹ برابر ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ قمری مدت یک هفته رئیس‌الوزرا بدون تشکیل هیأت دولت زمام امور را به‌اتفاق سردارسپه و سایر عمال کودتا در دست داشت.

اقتضای کودتا، جلوگیری از هرگونه فعالیت و اقدامات مخالفت‌آمیز دسته‌ها و عوامل و عناصر ضد انقلاب می‌باشد، به این منظور گردانندگان کودتا، در اولین هفته انقلاب جمع کثیری از اشراف و متنفذین و روحانیان به‌ویژه مخالفان سیاسی را توقیف کردند. حکومت نظامی که در اواخر زمامداری سپهدار اعظم در تهران اعلام شده بود. در دولت انقلابی کماکان درضمن صدور اعلامیه مجددی در سراسر کشور تثبیت گردید و از طرف رضاخان میرپنج اولین اعلامیه حکومت کودتا به شرح زیر منتشر شد:

«حکم می‌کنم

ماده اول ـ تمام اهالی شهر تهران باید ساکت و مطیع احکام نظامی باشند.

ماده دوم ـ حکومت نظامی در شهر برقرار و از ساعت هشت بعدازظهر غیر از

افراد نظامی و پلیس مأمور انتظامات شهر کسی نباید در معابر عبور نماید.

ماده سوم ـ کسانی که از طرف قوای نظامی و پلیس مظنون به مخل آسایش و انتظامات واقع شوند فوراً جلب و مجازات سخت خواهند شد.

ماده چهارم ـ تمام روزنامه‌جات، اوراق مطبوعه تا موقع تشکیل دولت به‌کلی موقوف و برحسب حکم و اجازه که بعد داده خواهد شد، باید منتشر شوند.

ماده پنجم ـ اجتماعات در منازل و نقاط مختلفه به‌کلی موقوف، در معابر هم اگر بیش از سه نفر گرد هم باشند با قوه قهریه متفرق خواهند شد.

ماده ششم ـ در تمام مغازه‌های شراب فروشی و عرق فروشی، تئاتر و سینما، فتوگرافها و کلوپهای قمار باید بسته شود و هر مست دیده شود به محکمه نظامی جلب خواهد شد.

ماده هفتم ـ تا زمان تشکیل دولت تمام ادارات دوایر دولتی غیر از اداره ارزاق تطعیل خواهد بود. پستخانه، تلفنخانه، تلگرافخانه هم مطیع این حکم خواهند بود.

ماده هشتم ـ کسانی که در اطاعت از مواد فوق خودداری نمایند به محکمه نظامی جلب و به سخت‌ترین مجازاتها خواهند رسید.

ماده نهم ـ کاظم خان[۶۶] به‌سمت کماندانی شهر انتخاب شد و معین می‌شود و مأمور اجرای مواد فوق خواهد بود.»

رئیس دیویزیون قزاق و فرمانده کل قوا

رضا

در نواحی حکومت نظامی، از تشکیل کلیه اجتماعات بشدت جلوگیری به‌عمل آمد، جراید و مطبوعات توقیف گردیدند و نیز چند روزی ادارات تعطیل شد و پاره‌ای از وزارتخانه‌ها ازجمله وزارت مالیه، عدلیه و سپس وزارت جنگ بتدریج منحل گردیدند.

دولت جدید، والی فارس دکتر محمد مصدق را که اولین نغمه مخالفت با کابینه کودتا را آغاز کرد درضمن تلگرافی شدیداللحن با تهدید دعوت به همکاری نمود. ولی مشارالیه استعفای خود را به تاریخ ۱۶ اسفندماه ۱۲۹۹ قدیم احمدشاه کرده و از فارس خارج شد و در میان ایل بختیاری تا پایان حکومت سید ضیاءالدین باقی ماند.

۶۶ـ کاظم سیاح

درباب روابط ایران با دولت روسیه شوروی اشاره شد که دولت سپهدار قرارداد ایران و شوروی را در ۲۶ ماده تدوین کرد و مذاکرات لازم به‌منظور برقراری روابط سیاسی و تجارتی به‌عمل آمد و امضاء پیمان مزبور و رسمیت آن مقارن با کودتا و زمامداری سید ضیاءالدین صورت گرفت (۸ اسفندماه ۱۲۹۹ شمسی برابر ۱۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ قمری) به‌دنبال تصویب این قرارداد وزیر مختار دولت جدید شوروی به دولت سید ضیاءالدین معرفی گردید.

رئیس‌الوزرا کودتا، هیأت دولت را به تاریخ ۱۰ اسفندماه ۱۲۹۹ برابر ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ به شرح زیر به حضور احمدشاه معرفی کرد.

۱- سید ضیاءالدین طباطبائی	رئیس‌الوزرا
۲- میرزا حسین‌خان عدل‌الملک	کفیل وزارت داخله
۳- محمودخان مدیرالملک	وزیر امور خارجه
٤- میرزا عیسی‌خان فیض	وزیر مالیه
۵- مسعودخان کیهان	وزیر جنگ
٦- مصطفی منصورالسلطنه عدل	کفیل وزارت عدلیه
۷- جعفرقلیخان نیرالملک	وزیر معارف و اوقاف
۸- میرزا احمدخان مشیراعظم	وزیر پست و تلگراف
۹- مؤدب‌الدوله نفیسی	وزیر صحیه و امور خیریه

وزیر مختار دولت شوروی قبل از ورود به ایران تلگرافی مبنی بر شرح زیر به تاریخ ۲۶ اسفندماه ۱۲۹۹ به دولت ایران مخابره کرد.

[بااینکه قشون روسیه رشت را تخلیه کرده و رفته‌اند، هنوز قشون انگلیس از خاک ایران مراجعت نکرده و معلوم نیست که کی بازگشت خواهند کرد. با این ترتیب چگونه می‌توان به خاک ایران قدم گذارد.]

به‌دنبال تلگراف مذکور، نیروی نظامی دولت روسیه شوروی نواحی شمال ایران ازجمله رشت را اشغال کردند و وزیر مختار آن دولت روز ٦ فروردین‌ماه ۱۳۰۰ به تهران وارد شد.

دولت انگلیس در مقابل اعتراض روسیه شوروی، از نظر موافقتی که با زمامداری حکومت وقت داشت، تصمیم به تخلیه قشون از نواحی اشغالی گرفت. بنا به تصمیم

مذکور، وزیر جنگ کابینه روز ۹ فروردین‌ماه برای تحویل گرفتن نیروی قزاق که تا آن تاریخ تحت فرماندهی انگلیسها بودند به قزوین حرکت کرد و روز ۲۰ فروردین نیروی نظامی دولت بریتانیا از قزوین و زنجان و نواحی اطراف آن احضار گردیدند و نیز قرار بر آن نهاده شد تا اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۰ نیروهای انگلیس بکلی خاک ایران را تخلیه و پلیس جنوب را منحل و تشکیلات آن را به دولت ایران واگذار کنند.

اعلامیه دولت مبنی بر تخلیه قزوین از نیروهای دولت بریتانیا به‌تاریخ فروردین‌ماه ۱۳۰۰ شمسی برابر ۸ شعبان ۱۳۳۹ صادر شد. پس از حصول اطمینان از عدم پشتیبانی دولت روسیه شوروی از رژیم بلشویکی گیلان از طرف دولت ایران نیرویی به‌منظور جلوگیری از متجاسرین بلشویک و جنگلیها در منجیل متمرکز شدند.

در تاریخ ۲۰ فروردین‌ماه ۱۳۰۰، نیروی دولتی، اتباع اسماعیل آقای سمیتقو که مدتها نظم آذربایجان را مختل و به‌ضد حکومت مرکزی قیام کرده بودند شکست داد و سنگرهای آنها به تصرف قوای دولتی درآمد.

هیأت دولت در ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۰ شمسی، با انتصاب وزیران جدید ترمیم یافت: مدیرالملک وزارت مالیه و معزالدوله نبوی وزارت امور خارجه، مسعود کیهان وزیر مشاور، رضاخان سردارسپه وزارت جنگ.

دومین کابینه سید ضیاءالدین دوام چندانی نیافت و به‌دنبال تظاهراتی که در روزهای ۱۶ و ۱۷ رمضان ۱۳۳۹ در مسجد شاه و صحن بهارستان به ضد کابینه به‌عمل آمد اجتماع‌کنندگان متفقاً برکناری وی را خواستار شدند. فرمان عزل وی به‌تاریخ ٤ خردادماه ۱۳۰۰ شمسی برابر ۱۷ رمضان ۱۳۳۹ قمری از طرف احمدشاه به شرح ذیل صادر شد.

«نظر به مصالح مملکتی، میرزا سید ضیاءالدین را از ریاست وزرا منفصل فرمودیم و مشغول تشکیل هیأت وزرای جدید هستیم. شاه»

در همین روز سید ضیاءالدین به‌اتفاق ماژور مسعود کیهان وزیر مشاور و کلنل کاظم خان حاکم نظامی تهران از پایتخت خارج و از طریق بغداد رهسپار اروپا شدند.

* * *

۲۹ـ احمد قوام‌السلطنه

اشاره شد که دولت سید ضیاءالدین، به فرمان احمدشاه روز ٤ خردادماه ۱۳۰۰ شمسی مستعفی گردید. با سقوط دولت کودتا از طرف پادشاه، مشیرالدوله و سپس مستوفی‌الممالک به‌ترتیب نامزد ریاست وزرایی شدند ولی هر دو مقام از قبول مسئولیت خودداری کردند تا این‌که در ۸ خردادماه ۱۳۰۰ شمسی قوام‌السلطنه که در زندان کودتاچیان بود به دربار احضار و مأمور تشکیل کابینه گردید.

در بدو زمامداری، به فرمان احمدشاه، کلیه زندانیان سیاسی به‌تاریخ ۹ خردادماه ۱۳۰۰ برابر ۲۳ رمضان ۱۳۳۹ آزاد گردیدند، قوام‌السلطنه، هیأت دولت را به‌تاریخ ١٤ خردادماه ۱۳۰۰ شمسی برابر ۲۷ رمضان ۱۳۳۹ قمری در قصر فرح‌آباد به‌ترتیب زیر به حضور پادشاه معرفی کرد.

١ـ میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	رئیس‌الوزرا
۲ـ میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه	وزیر امور خارجه
۳ـ رضاخان سردار سپه	وزیر جنگ
٤ـ میرزا صادق خان مستشارالدوله	وزیر مشاور
۵ـ میرزا اسماعیل خان ممتازالدوله	وزیر معارف و اوقاف
٦ـ دکتر محمد مصدق‌السلطنه	وزیر مالیه[٦٧]
۷ـ میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه	وزیر پست و تلگراف
۸ـ میرزا حسینخان ادیب‌السلطنه	وزیر فواید عامه و فلاحت و تجارت
۹ـ میرزا حسنخان حکیم‌الدوله ادهم	وزیر صحیه و امور خیریه

مجلس چهارم که انتخابات آن از دوران زمامداری وثوق‌الدوله شروع شده و در دوره ریاست وزرایی مشیرالدوله خاتمه پذیرفته بود سرانجام در حکومت قوام‌السلطنه به تاریخ اول تیرماه ۱۳۰۰ شمسی افتتاح گردید.

قوام‌السلطنه پس از معرفی هیأت دولت رأی اعتماد اکثریت مجلس را با پشتیبانی

٦٧ـ چون دکتر محمد مصدق در چهارمحال بختیاری بود، روز معرفی عبدالله خان معتمدالسلطنه وثوق به‌عنوان کفیل معرفی شد.

دموکراتها به‌دست آورد.

عوامل سیاسی چند ازجمله موافقت پادشاه و پشتیبانی مجلس از قوام‌السلطنه موجبات تقویت و تثبیت و قدرت دولت مرکزی را فراهم کرد و زمینه مؤثری برای اقدامات اصلاحی دولت در رفع اغتشاشات داخلی و سرکوب ساختن انقلابیون گیلان و خراسان و آذربایجان مهیا گردید.

بنا به تصویب هیأت وزیران، نیروی نظامی به ریاست شاهزاده امان‌الله میرزا جهانبانی به‌منظور ختم غایله طوایف کرد آذربایجان به‌تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۰۰ به آن نواحی اعزام شد. ازپیش بیان شد که کردها به رهبری و فرماندهی اسماعیل آقای سمیتقو از سالها قبل امنیت و نظم صفحات آذربایجان را مختل ساخته بودند و موجبات زحمت دولتهای وقت را فراهم می‌آوردند. در دولت سید ضیاءالدین اقدامات مقتضی جهت سرکوبی آنها به‌عمل آمد، تا اینکه سرانجام رفع موقت این غائله و شکست اشرار کرد در دولت قوام‌السلطنه به‌تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۰۰ توسط قوای دولتی صورت گرفت و متجاسرین کرد مغلوب و عقب‌نشینی را اختیار کردند.

قیام کلنل محمدتقی خان پسیان، رئیس ژاندارمری خراسان ازجمله مسائل زاییده کودتا بود. توضیح آن‌که کلنل در دولت سید ضیاءالدین، قوام‌السلطنه را که در آن زمان حکومت خراسان را داشت به دستور رئیس‌الوزرای وقت توقیف کرد و تحت‌الحفظ به تهران اعزام نمود. پس از سقوط کابینه کودتا، و زمامداری قوام‌السلطنه، کلنل محمدتقی خان با پشتیبانی فرماندهان ژاندارمری خراسان و جمع کثیری از طبقات مختلف مردم مشهد که با انتصاب صمصام‌السلطنه به سمت والیگری خراسان مخالف بودند به‌ضد دولت مرکزی قیام کرد. دولت با برانگیختن سران ایلات و عشایر خراسان و فئودالهای متنفذ محلی به مبارزه با کلنل پرداخت.[۶۸] کلنل مدتها در برابر نیروی فئودالهای محلی خراسان و قاینات پایداری ورزید، سرانجام در جنگی که بین افراد وی و نیروی کردهای قوچانی در قوچان روی داد مقتول شد (به‌تاریخ ۹ مهرماه ۱۳۰۰ شمسی برابر اول صفر ۱۳٤۰ قمری)، بدین‌ترتیب نهضت کلنلی خراسان خاموش گردید و جنازه نامبرده که

٦٨ـ در دفع قیام کلنل محمدتقی خان، قوام‌السلطنه از امیرشوکت‌الملک علم امیر قاینات و سردار معزز بجنوردی کمک خواست. (شهریورماه ۱۳۰۰)

در میان توده مردم محبوبیت فراوان داشت در بین شوری از هیجانات احترام‌آمیز رسمی و تشریفات نظامی اهالی مشهد به‌تاریخ ۱۵ مهرماه در آرامگاه نادرشاه در مشهد به خاک سپرده شد.

نهضت جنگلیها، که با کمک بلشویکهای روسیه از مدتها پیش مزاحمت دولتهای وقت را فراهم می‌ساختند در دوران این کابینه نیز همچنان به مخالفت با دولت مرکزی باقی بود. میرزا کوچک خان با صدور اعلامیه‌ای به‌تاریخ ۲٤ رمضان ۱۳۳۹ قمری، مجدداً حکومت جمهوری را اعلام داشت.

به دستور قوام‌السلطنه، عملیات نظامی به ضد متجاسرین شمال آغاز گردید و در مهرماه ۱۳۰۰ شمسی نیروی نظامی به فرماندهی سردارسپه وزیر جنگ به‌منظور رفع بحران حکومت انقلابی گیلان رهسپار رشت شد.

سرانجام پس از عقد قرارداد ایران و شوروی و ایجاد حسن تفاهم و روابط دوستانه بین دو دولت که درنتیجه آن شوروی از کمک و تأمین ضروریات جنگی متجاسرین خودداری کرد. در جنگی که بین قوای دولتی و نیروی نظامی انقلابیون رخ داد، پس از شکست احسان‌الله خان و فرار وی به بادکوبه، تسلیم خالوقربان و عقب‌نشینی میرزا کوچک خان و فوت نامبرده در اثر سرما، نهضت جنگل به تاریخ ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۰۰ شمسی برابر ۲ ربیع‌الثانی ۱۳٤۰ قمری خاتمه یافت.

کابینه قوام‌السلطنه به تاریخ ۳۱ شهریورماه ۱۳۰۰ شمسی برابر ۲۰ محرم ۱۳٤۰ قمری از طرف عده‌ای از نمایندگان اقلیت مورد اعتراض قرار گرفت، رئیس‌الوزرا پس از اعتراض نمایندگان و همچنین به علت مسأله نهانی اختلافات داخلی کابینه تصمیم به استعفا گرفت.

احمدشاه استعفای دولت را نپذیرفت و تمایل خود را به ادامه زمامداری قوام‌السلطنه به نظر نمایندگان مجلس رسانید. در جلسه اول مهرماه مجلس شورای ملی، مجلس با اکثریت ۵۵ رأی به دولت قوام رأی اعتماد داد.

قوام‌السلطنه هیأت دولت جدید را به تاریخ ۸ مهرماه ۱۳۰۰ به حضور پادشاه و ۱۶ مهر برابر ۷ صفر ۱۳٤۰ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۶۹] و برنامه

۶۹ـ مذاکرات مجلس دوره چهارم ـ قسمت اول ـ صفحه ۱۳۰ ـ جلسه ۲۷.

دولت را نیز در همین جلسه تسلیم کرد که در جلسه دوم آبان‌ماه به تصویب رسید.

۱- میرزا احمدخان قوام‌السلطنه	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- دکتر محمدخان مصدق‌السلطنه	وزیر مالیه
۳- رضاخان سردار سپه	وزیر جنگ
٤- میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه	وزیر امور خارجه
۵- سید ابراهیم خان عمیدالسلطنه	وزیر عدلیه
٦- شاهزاده اسدالله میرزا شهاب‌الدوله	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۷- مصطفی خان نیرالسلطان	وزیر فواید عامه
۸- دکتر امیرخان امیراعلم	وزیر معارف

دولت قوام در لوای همکاری پادشاه و پشتیبانی مجلس شورای ملی توانست امتیاز کلیه معادن نفت شمال را به کمپانی معروف استاندارد اویل آمریکایی، ابتدا در جلسه خصوصی و سپس در جلسه علنی به‌قید دوفوریت به‌تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۰۰ به تصویب مجلس رساند. دو دولت روسیه و انگلیس یادداشتهای شدیداللحنی مبنی بر اعتراض نسبت به امتیاز فوق به تاریخهای ۱۲ آذرماه ۱۳۰۰ از طرف سفارت روس و ٤ آذرماه از طرف سفارت انگلیس به دولت ایران دادند.

اقدام دولت در مورد قرارداد نفت به کمپانی آمریکایی مورد تایید نمایندگان فرقه دموکرات مجلس و همچنین اکثر مردم قرار گرفت و تظاهرات دامنه‌داری در شهرستانها به نفع قرارداد شروع شد و مجلس درضمن اعلامیه‌ای به تاریخ ۹ آذرماه ۱۳۰۰ پشتیبانی خود را نسبت به دولت و قرارداد مذکور اعلام داشت.

به موجب قرارداد ۲٦ ماده‌ای بین دولت ایران و شوروی مصوب ۲۳ آذرماه ۱۳۰۰ شمسی مجلس شورای ملی، دولت شوروی درقبال پذیرش لغو کاپیتولاسیون و صرف‌نظر کردن از کلیه مطالبات خود از دولت ایران، حق ورود قوای مسلح شوروی را به ایران، در صورت دخالت مسلحانه کشور ثالث به خاک ایران و تهدید مرزهای شوروی برای خود منظور داشت.

دولت قوام‌السلطنه پس از طرح مسأله نفت شمال در مجلس، از یکسو مورد عدم رضایت و بدبینی دو دولت روس و انگلیس گردید و از سوی دیگر اختلاف بین رئیس دولت و وزیر جنگ، بتدریج سبب تزلزل دولت گردید به‌طوری که قوام‌السلطنه در جلسه

مورخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۰۰ برابر ۲۰ جمادی‌الاولی ۱۳٤۰ قمری مجلس شورای ملی به‌دنبال اختلاف و مشاجره سختی که بین دو تن از نماینده گان با وزیر مالیه وقت دکتر محمد مصدق پیش آمد، استعفای خود را به احمدشاه تقدیم کرد.

استعفای دولت از طرف احمدشاه پذیرفته شد و پس از کناره گیری قوام‌السلطنه پادشاه قبل از حرکت خود به اروپا مشیرالدوله را به ریاست وزرایی برگزید.

* * *

۳۰- میرزا حسن‌خان مشیرالدوله

با استعفای قوام‌السلطنه و پذیرش آن از طرف احمدشاه، مشیرالدوله با قید شرط مساعدت و همکاری مجلس با دولت، ریاست وزرایی را که از طرف پادشاه به او تکلیف شده بود قبول کرد. (به‌تاریخ ۳ بهمن‌ماه ۱۳۰۰ برابر ۲۳ جمادی‌الاولی ۲۳٤۰ قمری)

رئیس‌الوزرا، هیأت دولت را به تاریخ بهمن‌ماه ۱۳۰۰ برابر ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳٤۰ هجری قمری بدین شرح به حضور احمدشاه معرفی کرد.[۷۰]

۱- میرزا حسن خان مشیرالدوله	رئیس‌الوزرا
۲- رضاخان سردار سپه	وزیر جنگ
۳- میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک	وزیر امور خارجه
٤- جعفرقلیخان نیرالملک هدایت	وزیر معارف
۵- میرزا محمودخان مدیرالملک جم	کفیل وزارت مالیه
٦- عبدالحسین خان سردار معظم	وزیر عدلیه
۷- میرزا احمدخان اعتلاءالسلطنه پیرنیا	وزیر پست و تلگراف
۸- میرزا حسین‌خان ادیب‌السلطنه	وزیر فواید عامه و تجارت

مشیرالدوله مواد برنامه دولت قوام‌السلطنه را که در طی جلسات متعدد مورد شور و تصویب اکثریت نماینده گان قرار گرفته بود جزء برنامه کار خود قرار داد و در روز معرفی هیأت دولت تعقیب برنامه دولت قبلی را اعلام داشت.

یک روز بعد از معرفی هیأت دولت، احمدشاه پس از صدور دستخط نیابت

۷۰- مذاکرات مجلس دوره چهارم - قسمت اول - صفحه ٤۰۱ - جلسه ٦۰.

سلطنت ولیعهد محمدحسن میرزا و احضار نامبرده به تهران، به‌عنوان استراحت و معالجه از طریق بغداد به‌تاریخ ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳٤۰ عازم اروپا شد. (۵ بهمن‌ماه ۱۳۰۱)

اولین زمزمه اختلاف نظر بین دولت و مجلس بر سر انتخاب وزیران در جلسه ۲۷ جمادی‌الاول آغاز گردید. توضیح آن‌که مشیرالدوله به‌منظور جلب موافقت و تمایل نماینده‌گان در انتخاب اعضای دولت، از رئیس مجلس تقاضای تشکیل جلسه خصوصی کرد. در این جلسه نسبت به انتخاب دو تن از وزیران، نظر به سابقهٔ همکاری که با سید ضیاءالدین داشتند اعتراضاتی شد. رئیس‌الوزرا در جواب اعتراض نماینده‌گان، لزوم شرکت آنها را در هیأت دولت به علل سیاسی به استحضار رسانید و برای پیشبرد مقاصد دولت و ادامه کار خود، توافق و اتخاذ نظر نماینده‌گان اقلیت و اکثریت را به همکاری و صمیمیت با دولت تقاضا کرد.

مسأله امتیاز نفت شمال، هرچند در این دولت نیز به پیروی از سیاست دولت گذشته تعقیب گردید ولی قید تصویبنامه مجلس شورای ملی، مشعر بر عقد قرارداد و مذاکره فقط با کمپانی استاندارد اویل از طرفی و مخالفت مشیرالدوله با پیشنهاد کمپانی استاندارد اویل مبنی بر شرکت دادن کمپانی انگلیسی در قرارداد نفت شمال از سوی دیگر، سبب شد که حل این مسأله اقتصادی به مدت ٦ ماه متوقف گردد.

کابینه مشیرالدوله با بحرانهای سیاسی روز و اوضاع مبهم و پیچیده سیاست داخلی ناشی از تحریکات مسببین کودتا مواجه شد. سردار سپه وزیر جنگ، دستور ضمیمه شدن اداره کل غله و نان و اداره خالصجات را به وزارت جنگ و به سرپرستی خدایار خان صادر کرد.

تشدید حکومت نظامی، توقیف نشریات، بازداشت و آزار بعضی از مدیران جراید منجر به تحصن چند تن از آزادیخواهان و روزنامه‌نویسان به سفارت شوروی گردید. و به‌دنبال آن گروه دیگری از آزادیخواهان در حرم حضرت عبدالعظیم بست نشستند و به‌عنوان اعتراض به رفتار دولت نسبت به صاحبان مطبوعات و همچنین مداخلات وزارت جنگ در امور مالی مملکت و خالصجات و انبار غله کشور، الغای حکومت نظامی، عزل سردار سپه و اجرای قانون اساسی را خواستار گردیدند (به‌تاریخ ۹ رجب ۱۳٤۰ برابر ۱۸ اسفندماه ۱۳۰۰ شمسی).

نماینده سیاسی دولت شوروی در تایید خواست بست‌نشینان سفارت روز ۲۲

رجب با وزیر جنگ وقت ملاقات و در باب الغای حکومت نظامی مذاکراتی به‌عمل آورد. (۳۰ اسفندماه ۱۳۰۰)

از طرف دولت، سردار معظم خراسانی، روز ۲۴ فروردین‌ماه ۱۳۰۱ برابر ۱۶ شعبان ۱۳٤۰ قمری به‌قصد مذاکره با بست‌نشینان و راضی کردن آنها به ترک سفارت و خاتمه تحصن، به سفارت روس رفت ولی مذاکرات نامبرده با بست‌نشینان به نتیجه مطلوب نرسید.

و نیز در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۰۱ شمسی برابر ۱۹ شعبان ۱۳٤۰ سردار سپه وزیر جنگ شخصاً به سفارت روس حاضر شد و پس از مذاکراتی چند با بست‌نشینان و تمهید مقدمات و زمینه‌های خاص با اینکه معترضین به سبب عدم اجرای تعهدات وزیر جنگ حاضر به خروج از سفارت نشدند و این مسأله ظاهراً ادامه یافت ولی پس از چندی رشته اتحاد بست‌نشینان از هم گسیخته شد و تنی چند از آنها به تحصن خود خاتمه دادند.

روز ۲۰ شعبان، عده‌ای از پاسبانها به بهانه حقوق عقب‌افتاده اعتصاب کردند. دولت در برابر اعتصاب مذکور، رؤسای کلانتریهای وقت را احضار کرد و مبلغ ۲۵ هزار تومان بابت حقوق عقب‌افتاده آنان تحویل داد و بدینطریق اعتصاب مذکور عصر روز ۲۲ شعبان خاتمه یافت.

به‌دنبال این وقایع و تحریکات و دسیسه‌هایی که برای ایجاد یک بحران عمیق و طولانی از طرف کودتاچیان به‌موجب طرح‌ریزی قبلی صورت می‌گرفت، جمعی در حدود ٦۰ یا ۷۰ تن از آزادیخواهان به رهبری موسوی‌زاده یزدی، یمین‌السلطنه، یمین‌الملک، سیدمهدی نبوی به‌تاریخ ۲۰ شعبان ۱۳٤۰ هجری قمری به مجلس شورای ملی رفتند و پس از مذاکرات فراوان با نماینده‌گان، به‌عنوان عدم اجرای کامل قانون اساسی و اعتراض به اعمال خلاف قانون وزیر جنگ (سردار سپه) در مجلس تحصن اختیار کردند. تحریکات و صحنه‌سازی به‌ضد کابینه، در مجلس شورای ملی نیز بی‌تأثیر نبود. چنانچه در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی دربارهٔ جواهرات سلطنتی و این که احمدشاه مقداری از آن را با خود به اروپا برده است سئوالی استیضاح مانند مطرح شد. بنا به تقاضای دولت، کمیسیونی مرکب از چندتن نماینده‌گان مجلس برای رسیده‌گی به امر مورد استیضاح تشکیل گردید و نتیجه کار کمیسیون خلاف امر مورد نظر

نماینده‌گان را به ثبوت رساند.

مشیرالدوله در برابر عوامل و موانع سیاسی فوق، به‌منظور رفع تزلزل کابینه و جلوگیری از دسایس عاملین، با استناد به اصل ۳۴ قانون اساسی، همکاری نزدیک و تشریک مساعی نماینده‌گان را در اجرای کلیه امور مملکت با هیأت دولت خواستار شد. به‌موجب این تصویبنامه که در جلسه ۳۰ فروردین ۱۳۰۱ (برابر ۲۲ شعبان ۱۳۴۰) به تصویب مجلس رسید، هیأتی مرکب از ۱۲ تن از نماینده‌گان مجلس انتخاب و به دولت معرفی شدند.

در همین ایام تنی چند از اصناف و بازرگانان با رئیس‌الوزرا ملاقات و ضمن پشتیبانی از نامبرده، اقدام جدی دولت را دربارهٔ بست‌نشینان سفارت روس و متحصنین حضرت عبدالعظیم خواستار شدند. سرانجام مسأله تحصن بر اثر اختلاف و نفاقی که از پیش توسط نیروهای خاص بین آنها ایجاد گردیده بود و همچنین تهدید خدایارخان که پیغام داد (اگر از تحصن خارج نشوید، سر شما را روی سینه‌تان خواهم گذاشت) بدین کیفیت خاتمه یافت که مشیرالدوله رئیس‌الوزرا ضمن پیامی مبنی بر این‌که (من فردا استعفا خواهم داد و وسیله خروج شما را به‌طرز آبرومندی به‌وسیلهٔ کابینه قوام‌السلطنه که نامزد ریاست وزرایی خواهد شد فراهم می‌نمایم) بست‌نشینان را آماده به ترک تحصن ساخت.

مشیرالدوله با همه پایداری و مقاومتی که در برابر کارشکنی و تحریکات عوامل داخلی و خارجی به‌کار برد سرانجام مجبور به استعفا گردید. و استعفانامه خود را به تاریخ ۱۰ رمضان ۱۳۴۰ قمری برابر ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۱ تلگرافی به عرض احمدشاه به اروپا رسانید.

احمدشاه تلگرافی نظر نماینده‌گان را در باب رئیس‌الوزرا و هیأت وزیران خواستار شد.

در جلسه ۱۵ رمضان تمایل مجلس شورای ملی با اکثریت آرا به زمامداری مجدد مشیرالدوله تعلق گرفت و روز ۲۱ رمضان فرمان تلگرافی ریاست وزرایی نامبرده از طرف احمدشاه صادر گردید.

مشیرالدوله به‌ناچار مسئولیت تشکیل دولت را برعهده گرفت، ولی بر سر مسأله انتخاب اعضای دولت با وزیر جنگ کابینه سردار سپه اختلاف پیدا کرد و استعفای خود

را به‌تاریخ ۲۶ رمضان ۱۳۴۰ برابر ۲ خردادماه ۱۳۰۱ به حضور شاه تقدیم داشت.

بحران کار هیأت دولت مدت ۲۸ روز طول کشید. در این مدت سردار سپه وزیر جنگ کابینه مستعفی بدون مسئولیت قانونی، معاونان وزارتخانه‌ها را تا تعیین وزیران جدید مأمور رسیدگی به امور وزارتخانه مربوط به آنان ساخت. تا اینکه در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی مورخ ۱۶ خردادماه ۱۳۰۱ شمسی از ۸۰ نفر عده حاضر در مجلس ۶۵ تن به ریاست وزرایی قوام‌السلطنه ابراز تمایل کردند.

* * *

۳۱ـ احمد قوام‌السلطنه

پس از اخذ رأی تمایل مجلس به ریاست وزرایی قوام‌السلطنه، فرمان انتصاب نامبرده به‌تاریخ ۲۱ خردادماه ۱۳۰۱ شمسی از طرف احمدشاه صادر گردید. قوام‌السلطنه در میان بحران سیاسی شدیدی که پس از برکناری دولت مشیرالدوله، پیش آمده بود هیأت وزیران را به‌تاریخ ۲۶ خردادماه به‌صورت زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد. و تعقیب برنامه پیشنهادی مصوب ۱۶ مهرماه دولت قبلی خود را که در دولت مشیرالدوله نیز دنبال شده بود به مجلس اعلام داشت.[۷۱]

۱ـ احمد قوام‌السلطنه	رئیس‌الوزرا و وزیر امور خارجه
۲ـ رضاخان سردارسپه	وزیر جنگ
۳ـ میرزا حسنخان محتشم‌السلطنه	وزیر معارف
٤ـ میرزا خلیل خان فهیم‌الملک	وزیر مالیه
۵ـ عبدالحسین خان وحیدالملک	وزیر پست و تلگراف
٦ـ اسدالله مشارالسلطنه	وزیر عدلیه
۷ـ میرزا ابراهیم خان عمیدالسلطنه	وزیر فواید عامه
۸ـ علی منصورالملک	کفیل وزارت داخله

در همین ایام، محمدحسن میرزا که پس از کودتای ۱۲۹۹ به اروپا سفر کرده بود به تهران بازگشت. در این کابینه نیز مسأله اختلاف رئیس دولت با وزیر جنگ

۷۱ـ مذاکرات مجلس دورهٔ چهارم ـ قسمت دوم ـ جلسه ۱۰٦ـ صفحه ۳٤۷.

همچون دولت گذشته وجود داشت.

در بدو انتصاب قوام‌السلطنه به ریاست وزرایی، به‌موجب طرحی که از طرف وزارت جنگ به‌منظور کلی از بین بردن ایلات و عشایر تنظیم شده بود، ستونهای اعزامی نیروی دولتی برای سرکوبی ایلات شاهسون، طوایف لر و چادرنشین لرستان، به‌طرف آذربایجان و لرستان اعزام شدند. (تیرماه ۱۳۰۱ شمسی)

قوام‌السلطنه، به‌منظور تجدید آزادی مطبوعات، قانون هیأت منصفه مطبوعاتی را تهیه و به تصویب هیأت وزیران رساند و در اول تیرماه ۱۳۰۱ شمسی مواد قانونی آن را اعلام داشت.

مسأله نفت شمال که در کابینه مشیرالدوله به عللی که در پیش اشاره شد مسکوت مانده بود، در این دولت به سعی و جدیت رئیس دولت به جریان افتاد و مواد امتیازنامه روز یکشنبه ۱۹ آبان ۱۳۰۱ از طرف کمیسیون نفت مجلس شورای ملی تصویب گردید و به‌دنبال انتشار امتیازنامه نفت شمال، مخالفت دولتهای خارجی به‌ویژه دولت روسیه شوروی با دولت وقت آغاز گردید.

مخالفت مجلس با دولت در جلسهٔ ۲۰ آذر ۱۳۰۱ شمسی از طرف سلیمان میرزا لیدر اقلیت مجلس به صورت استیضاح از وزیر پست و تلگراف کابینه شروع گردید. موضوع استیضاح سوءاستفاده دولت در انتشار تمبر پست، حمل آرد گندم به تهران بدون صدور قبض رسمی پستخانه و بدون پرداخت کرایه آن بود.

قوام‌السلطنه دفاع از اتهام به دولت را شخصاً برعهده گرفت و با اینکه این نسبت راست نبود ولی به‌موجب طرحی که برای سقوط کابینه از پیش تنظیم شده بود، پس از اخذ رأی اعتماد از ۸۳ تن عده حاضر، با اکثریت ۴۹ رأی موافق و ۳۱ رأی مخالف و سه رأی ممتنع به ابقای دولت رأی اعتماد داده شد. رأی ضعیف مجلس، کشمکش تدریجی نمایندگان اقلیت و اکثریت بر سر دولت طبعاً موجبات تزلزل آن را فراهم ساخت.

احمدشاه روز ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۴۱ برابر ۸ آذرماه ۱۳۰۱ از سفر طولانی خود به اروپا به ایران وارد شد و مورد استقبال شایان عموم طبقات قرار گرفت. تزلزل کابینه در اثر مخالفت مقامات خارجی به علت عدم حل مسأله نفت، و نیز به‌دنبال اختلاف اکثریت و اقلیت مجلس بر سر کابینه، سرانجام قوام‌السلطنه را وادار ساخت تا در روز ۵

بهمن‌ماه ۱۳۰۱ شمسی برابر ۷ جمادی‌الثانی ۱۳٤۱ استعفای خود را به حضور پادشاه تقدیم دارد.

روز ۷ بهمن‌ماه از طرف احمدشاه، رأی تمایل اکثریت مجلس نسبت به زمامدار آینده خواسته شد. جلسه خصوصی مجلس پس از تبادل نظر در همین تاریخ با اکثریت ۵۵ رأی، تمایل خود را به زمامداری مستوفی‌الممالک ابراز داشت.

* * *

۳۲- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک

پس از اخذ رأی تمایل مجلس به ریاست وزرایی مستوفی‌الممالک و صدور دستخط پادشاه به‌تاریخ ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۰۱ شمسی برابر ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۳٤۱ قمری، مستوفی‌الممالک کاندید سوسیالیستهای مجلس، زمام امور دولت را در دست گرفت.

عوامل سیاسی چند ازجمله، مخالفت نهانی مدرس با مستوفی‌الممالک، تشکیل کابینه را مدتی به تأخیر انداخت. سرانجام پس از بیست روز، دولتی متزلزل با پنج وزیر به شرح ذیل به تاریخ ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۰۱ برابر ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳٤۱ قمری به ریاست وزرایی مستوفی‌الممالک به حضور شاه و ۲٦ بهمن‌ماه به مجلس شورای ملی معرفی گردید.[۷۲] برنامه دولت در جلسهٔ علنی ۱۵ اسفندماه ۱۳۰۱ با ٦٦ رأی موافق و ۲٦ رأی مخالف به تصویب رسید.

۱- میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲- حسنعلی خان نصرالملک	وزیر مالیه
۳- مرتضی خان ممتازالملک	وزیر عدلیه
٤- محمدعلیخان ذکاءالملک	وزیر خارجه
۵- میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه	وزیر معارف
٦- رضاخان سردارسپه	وزیر جنگ

این کابینه پس از استعفای نصرالملک وزیر مالیه و ترمیمی کلی که حاصل کرد به تاریخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۱ شمسی با ترکیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی

۷۲- مذاکرات مجلس دوره چهارم - قسمت سوم جلسه ۲۲٦ - ص ٦-۱٦٤۰.

گردید.

۱- میرزا حسن‌خان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزرا
۲- حسنعلیخان نصرالملک	وزیر پست و تلگراف
۳- حاج مهدیقلیخان مخبرالسلطنه	وزیر فواید عامه و تجارت و فلاحت
٤- بهاءالملک قره‌گزلو	وزیر مالیه
۵- میرزا حسین‌خان ادیب‌السلطنه	کفیل وزارت داخله
٦- مرتضی خان ممتازالملک	وزیر عدلیه
۷- محمدعلیخان ذکاءالملک	وزیر امور خارجه
۸- رضاخان سردارسپه	وزیر جنگ
۹- میرزا حسن خان محتشم‌السلطنه	وزیر معارف

مستوفی‌الممالک در بدو زمامداری اعلان انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی را صادر کرد[۷۳] و مقدمات انتخابات را با تشکیل انجمن نظار به تاریخ ۲٤ فروردین‌ماه ۱۳۰۲ برابر ۲۷ شعبان ۱۳٤۱ فراهم ساخت.

مسأله مورد توجه دیگر این دولت، یافتن راه‌حلی برای آغاز مجدد مذاکرات تجارتی ایران و شوروی بود. اشاره شد که در کابینه گذشته به علت عدم اعتماد و موافقت مقامات دولت روسیه با کابینه قوام‌السلطنه، اقدامات نامبرده بی‌نتیجه مانده و مذاکرات قطع گردیده بود با تلاش پی‌گیری که مستوفی‌الممالک به‌منظور رفع اختلافات بین دو دولت ایران و شوروی بکار برد موفق شد روابط اقتصادی بین دو دولت را مجدداً برقرار سازد.

سیاست روز این دولت را نیز همچون دولتهای دیگر بعد از کودتا با مشکل تحریکات سیاسی و مخالفتها و اعمال نفوذ داخلی و خارجی مواجه ساخت.

تظاهرات ضد دولت، پس از پیاده شدن قوای نظامی انگلیس به بنادر جنوب (در اواخر شعبان ۱۳٤۱ هجری قمری بدون هیچ مجوز و علتی در مجلس شورای ملی به‌صورت اعتراض از طرف یک تن از نمایندگان (سیدحسن مدرس) فروردین‌ماه ۱۳۰۲

۷۳- فرمان انتخابات به تاریخ ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۰۲.

آغاز شد دامنه این مخالفت آشکار نمایندگان معلوم‌الحال مجلس، به‌دنبال تظاهرات عمومی که در مجالس و محافل عمومی بر له و علیه کابینه در سراسر اردیبهشت‌ماه صورت گرفت گسترش یافت و موافقت و مخالفت علنی اقلیت و اکثریت مجلس را به‌صورت حادتری پیش آورد.

سرانجام در میان بحران سیاسی و محیط متشنجی که مخالفان بوجود آوردند، دولت مستوفی‌الممالک با استیضاح نمایندگان روبرو شد و مستوفی پس از ایراد نطق مهم و تاریخی خود که در جلسه علنی ۲۱ خردادماه ۱۳۰۲ ایراد کرد، بدون اینکه جواب نطق خود را از طرف نمایندگان بشنود به‌اتفاق هیأت دولت (به‌غیر از وزیر جنگ) از مجلس خارج شد و استعفای خود را به حضور شاه تقدیم داشت.

استعفای مستوفی‌الممالک، موجد تظاهرات دامنه‌داری از ناحیه طرفداران کابینه و ملیون در میدان بهارستان و صحن مجلس گردید. استیضاح‌کنندگان چه در مطبوعات و چه در مجامع و محافل ملی و عمومی مورد انتقاد شدید قرار گرفتند. عده‌ای از بازرگانان در منزل سید ابوالقاسم کاشانی اجتماع کرده از نامبرده خواستند به نمایندگی توده ملت از پادشاه استدعا شود تا با استعفای کابینه موافقت نگردد. این تظاهرات در ابقای مستوفی و هیأت دولت او مؤثر واقع نگردید به‌دستور شاه دکتر مهدی خان ملکزاده معاون ریاست وزرا از تاریخ ۲۲ خردادماه مأمور شد با کمک معاونان وزارتخانه‌ها تا انتخاب رئیس‌الوزرای جدید و تشکیل دولت به امور مملکت رسیدگی کند.

* * *

۳۳ـ میرزا حسن‌خان مشیرالدوله

پس از سقوط کابینه مستوفی، فرمان ریاست وزرایی مشیرالدوله از طرف احمدشاه به‌تاریخ ۲٤ خردادماه ۱۳۰۲ برابر ۲۸ شوال ۱۳٤۱ قمری صادر گردید.

مشیرالدوله، هیأت وزیران را با شرکت شخصیتهای ذیل در روز ۲٦ خردادماه ۱۳۰۲ به حضور احمدشاه و در همین تاریخ به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱ـ میرزا حسن‌خان مشیرالدوله	رئیس‌الوزرا و وزیر داخله
۲ـ دکتر محمد مصدق‌السلطنه	وزیر امور خارجه

۳- میرزا ابراهیم خان حکیم‌الملک — وزیر عدلیه
٤- محمدعلیخان ذکاءالملک — وزیر مالیه
۵- دکتر میرزا حسن‌خان حکیم‌الدوله — وزیر معارف
٦- رضاخان سردارسپه — وزیر جنگ
۷- احمدخان اعتلاءالسلطنه — کفیل وزارت داخله
۸- میرزا حسین خان عدل‌الملک — کفیل وزارت فواید عامه
۹- مصطفی قلیخان فهیم‌الدوله — وزیر پست و تلگراف

مجلس چهارم، در دورهٔ زمامداری این دولت پایان یافت و مجلس پنجم با زمینه مساعد برای زمامدار آینده ایران افتتاح گردید. به‌تاریخ ۵ رجب ۱۳٤۲ هجری قمری برابر ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۰۲.

دولت مشیرالدوله نیز همانند دولتهای پیشین با این که مورد تمایل و اعتماد اکثریت مجلس و عموم طبقات اجتماع بود نتوانست در برابر مشکلات داخلی و فشار سیاست خارجی که به‌منظور تضعیف دولتها و اضمحلال حکومت وقت اعمال می‌شد پایداری کند. و پس از یک سلسله تحریکات و به‌ویژه تهدیداتی که به رئیس دولت و چندتن از وزیران کابینه از طرف عمال داخلی طرفدار سردار سپه می‌شد، استعفای خود را روز سه‌شنبه ۳۰ مهرماه ۱۳۰۲ شمسی (برابر ۱۱ ربیع‌الاول ۱۳٤۲) به حضور احمدشاه تقدیم داشت.

۳٤- رضاخان سردارسپه

فرمان نخست‌وزیری رضاخان سردارسپه، با همه مخالفت مدرس و سایر نمایندگان اقلیت مجلس و حتی عدم موافقت قبلی شخص احمدشاه، روز ۳ آبان‌ماه ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱٦ ربیع‌الاول ۱۳٤۲ قمری از طرف احمدشاه صادر گردید.

سردار سپه هیأت دولت را روز ۵ آبان‌ماه ۱۳۰۲ به شرح زیر به حضور احمدشاه معرفی کرد.

۱- رضاخان سردار سپه — رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ
۲- محمدعلیخان ذکاءالملک — وزیر امورخارجه
۳- سلیمان میرزا — وزیر معارف

۴ـ محمود مدیرالملک	وزیر مالیه
۵ـ میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه	وزیر عدلیه
۶ـ سرلشکر خدایار خان	وزیر پست و تلگراف
۷ـ حاج امان‌الله عزالممالک	وزیر فواید عامه
۸ـ میرزاقاسم خان صور	کفیل وزارت داخله

یک هفته پس از انتصاب سردار سپه به ریاست وزرایی، احمدشاه با انتخاب محمدحسن میرزا ولیعهد به نیابت سلطنت برای سومین مرتبه به تاریخ ۱۱ آبان‌ماه ۱۳۰۲ شمسی با ملتزمین رکاب عازم اروپا شد و قبل از عزیمت برای خداحافظی با روحانیان قم عازم آن شهر گردید (۸ آبان‌ماه ۱۳۰۲)

مجلس پنجم با برنامه مهم و نقشی که در تغییر حکومت از پیش برعهده‌اش سپرده شده بود روز ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۰۲ شمسی برابر ۵ رجب ۱۳۴۲ قمری با نطق افتتاحیه محمدحسن میرزا ولیعهد گشایش یافت تا با صحنه‌های مبارزه‌آمیز اقلیت و اکثریت نمایندگان، برنامه خلع سلسله قاجاریه را اجرا کند.

مقارن این ایام، زمزمه تمایل تغییر سلطنت و استقرار حکومت جمهوری، به‌وسیلهٔ جراید و مطبوعات طرفدار رئیس دولت وقت سردار سپه، چه در تهران و چه در شهرستانها بلند شد. و بدینطریق ناشران به سهم خود افکار عمومی را برای قبول این نظام سیاسی کشور آماده می‌ساختند. تا این که واکنش این تبلیغات و اقدامات سیاسی دیگر، به‌صورت فعالیتهای نهانی و سپس تظاهرات دامنه‌دار از سوی عده‌ای از رجال طرفدار سردار سپه و اکثریت کارمندان اداری با همراه ساختن دسته‌هایی از طبقات مخصوص توده مردم از روز ۲۸ اسفندماه ۱۳۰۲ شمسی به‌نفع جمهوری شروع شد.

نخستین اقدام مخالفت‌آمیز رسمی جمهوریخواهان با دربار سلطنت، از همین تاریخ (۲۸ اسفندماه) با اعزام چند تن نماینده ازجمله، حاج معین‌الدوله، حاج مخبرالسلطنه و احتشام‌السلطنه از طرف سردار سپه به دربار محمدحسن میرزا آغاز شد. پیامبران مزبور مأموریت داشتند به ولیعهد محمدحسن میرزا پیشنهاد استعفا و خروج از دربار را بنمایند.

ولیعهد پیشنهاد خلاف قانون اساسی آنان را نپذیرفت. ولی رئیس دولت از آنجاکه در اجرای منویات مصر بود روز بعد مجدداً احتشام‌السلطنه را مأمور ساخت تا به

محمدحسن میرزا تکلیف ترک قصر گلستان را بکند. ولیعهد مجلس را در جریان موضوع قرار داد و حل این مسأله را از نماینده‌گان خواستار شد.

مسأله جمهوری و تمایل تغییر سلطنت در مجلس، با توافق نهانی که قبل از انتخابات با نماینده‌گان صورت گرفته بود زمینه موافق را دربر داشت.[۷۴] اکثریت مجلس مرکب از اعضای فراکسیون تجدد به لیدری سیدمحمد تدین با ۴۰ تن عضو، فراکسیون سوسیالیستها به رهبری سلیمان میرزا با ۱۴ تن عضو از موافقین جمهوری و خلع سلسله قاجاریه بودند.

در مقابل اکثریت مجلس، اقلیت به لیدری سیدحسن مدرس، سیدحسن زعیم کاشانی و سید ابوالحسن حایری‌زاده به‌ضد نقشه و طرح اکثریت مجلس تشکیل یافت و مجدانه و سرسختانه با فکر اکثریت مجلس به مبارزه پرداختند. کار این مبارزه در جلسه ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۲ شمسی برابر ۱۱ شعبان ۱۳۴۲ قمری به‌صورت حاد خودنمایی کرد و بین نماینده‌گان فراکسیونهای مختلف، اختلاف نظر عمیق پیدا شد. نتیجه این اختلاف و مبارزه پارلمانی منجر به سیلی خوردن سیدحسن مدرس لیدر اقلیت توسط دکتر حسین بهرامی گردید. این جریان در محیط داخلی مجلس ایجاد غوغایی کرد که به نفع اقلیت مجلس تمام شد.

باتوجه به معتقدات توده ملت و جامعه ایران که بر اصول و پایه مذهب استوار است به‌ویژه با عدم آشنایی آنان به اصول حکومتهای ملی، جلب تمایل توده عوام به حکومت جمهوری نظر به اینکه اساس آن را مغایر با ارکان و بنیان دین اسلام تصور می‌کردند طبعاً دشوار ساخت.

توهین به لیدر اقلیت در محیط مجلس با جنبه روحانیت او، تأثیر بسیار عمیقی در افکار و احساسات جامعه آن روز به‌وجود آورد. چنانکه دو روز پس از این جریان، انقلاب بزرگی به‌صورت تظاهرات مخالفت‌آمیز از طرف کلیه طبقات مردم بر ضد اساس جمهوری شروع شد. و با تشکیل اجتماعاتی به رهبری روحانیان در منازل روحانیان و مسجد شاه و اطراف مجلس مخالفت خود را با جمهوریخواهان آشکار

۷۴ـ انتخابات این دوره از مجلس در شهرستانها تحت نظر فرماندهان نظامی صورت گرفت.

داشتند.

نتیجه این تظاهرات پس از اجتماع کثیری از بازاریان در مجلس به تاریخ ۲۹ اسفندماه و به‌دنبال آن در دوم فروردین‌ماه ۱۳۰۳ و مبارزه سرسختانه اقلیت مجلس به تعطیل اجرای طرح تحویل حکومت سلطنتی به جمهوری منجر شد، و موافقان را برآن داشت تا شکست سیاسی خود را با اجرای نقشه دقیق و حساب‌شده‌ای از طریق دیگر به خلع سلسله قاجار منتهی سازند.

روز سوم فروردین‌ماه، مخالفان جمهوری با بستن بازار و اجتماع در منازل روحانیان و میدان بهارستان مخالفت علنی و جدی خود را با دولت وقت اعلام و عزل سردار سپه رئیس‌الوزرا را خواستار شدند. در جریان تظاهرات و جنبش ضد جمهوری و ضد حکومت سردار سپه، بین توده ملت و نظامیان زدوخورد شدیدی روی داد. و به دستور سردار سپه تیراندازی به‌سوی جمعیت مبارز آغاز شد و در این ماجرا تعداد بیشماری از افراد مجروح و مقتول شدند. رئیس‌الوزرا به‌عنوان تعرض عازم قم شد و پس از ملاقات و مذاکره با روحانیان به تهران مراجعت کرد و ضمن صدور بیانیه‌ای انصراف از برقراری حکومت جمهوری را اعلام داشت. (به‌تاریخ ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۰۳ شمسی)

هیأت دولت، به‌دنبال عزل سردار سپه از طرف احمدشاه، روز ۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۰۳ شمسی سقوط کرد، رئیس‌الوزرا شبانه به‌طرف رودهن حرکت کرد.

ولی به‌دنبال تظاهراتی که از طرف موافقان کابینه و به‌ویژه امرای لشکر صورت گرفت و نیز با زمینه مساعدی که نماینده‌گان اکثریت مجلس تهیه دیده بودند، مجلس شورای ملی با ۹۲ رأی موافق ریاست وزرایی را مجدداً به سردار سپه تفویض کرد و یک هیأت ۱۲ نفری از نماینده‌گان مجلس منتخب و به‌تاریخ ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۰۳ شمسی برای اظهار رأی تمایل مجلس به نامبرده عازم رودهن شدند.

سردار سپه کابینه دوم را روز ۲۵ فروردین‌ماه ۱۳۰۳ شمسی برابر ۹ رمضان ۱۳٤۲ به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۷۵]

۱ـ رضاخان سردارسپه — رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ

۷۵ـ میرزا صادق خان مستشارالدوله وزیر معارف و اوقاف روز ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۳ معرفی گردید. در این کابینه در تاریخ ۲ خردادماه ترمیمی بدین شرح حال حاصل شد. ۱ـ غلامرضا خان مخبرالدوله ـ وزیر پست و تلگراف ۲ـ میرزا محمدعلی خان فرزین وزارت مالیه

۲ـ محمدعلیخان ذکاءالملک	وزیر امور خارجه
۳ـ محمود مدیرالملک	وزیر مالیه
٤ـ میرزا ابوالحسن خان معاضدالسلطنه	وزیر عدلیه
۵ـ محمودخان امیراقتدار	وزیر پست و تلگراف
٦ـ میرزاقاسم خان صور	کفیل وزارت داخله
۷ـ میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه	کفیل فواید عامه

بیان شد که نقشه جمهوریخواهان پس از شکست، بر خلع سلسله قاجار تعلق گرفت و نیز اشاره شد پاره‌ای از جراید و مطبوعات موافق با دولت وقت نغمه مخالفت با خاندان قاجار را برخلاف قانون اساسی به‌صورت حاد و شدید آغاز کردند.

نمایندگان اکثریت مجلس شورای ملی نیز بنا به وظیفه خود، تدریجاً محیط مجلس را برای اجرای فکر انتقال سلطنت آماده می‌ساختند. اولین زمزمه مخالفت آشکار از ناحیه نمایندگان سوسیالیست مجلس، هنگام ادای مراسم تحلیف در مجلس شورای ملی در جلسه ۲۹ خردادماه ۱۳۰۳ شمسی شروع و از ادای سوگند وفاداری نسبت به پادشاه خودداری شد درحالی‌که درحدود ٦۰ تن دیگر از وکلای اکثریت مراسم سوگند را به موجب سنت و آئین و رژیم مشروطه ادا کردند.

دولت وقت علاوه بر تنظیم و اجرای برنامهٔ فوق در زمینه سیاست داخلی و پی‌ریزی اساس حکومت سلطنت آینده، سرکوب ساختن متجاسرین را در نواحی مختلف کشور نیز ازجمله مسائل مورد نظرش قرار داده بود.

چنانکه: سردار سپه به‌دنبال طرح تخت قاپو کردن ایلات و عشایر و درهم ریختن قدرتهای محلی که بعد از کودتای ۱۲۹۹ در کشور آغاز گردیده بود، اقبال‌السلطان ماکوئی را که با عشیره‌اش عهده‌دار نگهداری مرزهای آذربایجان و ترکیه بود، توسط امیرلشکر غرب عبدالله امیرطهماسبی دستگیر کرد و زندانی ساخت و اموال وی نیز ضبط گردید و کلیه اموال و گنجینه او به تصرف رضاخان درآمد.

در صفحات غرب رؤسای طوایف لرستان سر به طغیان برداشتند و از اوائل سال ۱۳۰۳ ضمن زدوخوردهایی خرم‌آباد را از تصرف نیروی دولتی خارج ساختند، از طرف دولت به تاریخ ١٤ خردادماه ۱۳۰۳ نیروی مجهزی مأمور سرکوب ساختن آنان گردید و در مبارزه‌ای که به‌تاریخ ١٦ خردادماه بین قوای دولتی و نیروی مخالف الوار رخ داد

متجاسرین با تلفات زیاد عقب‌نشینی کردند و این غایله موقتاً خاتمه یافت، ولی مجدداً در مردادماه طغیان را شروع کردند تا این که به‌تاریخ ۲۳ مردادماه متجاسرین از نیروی دولتی پس از مبارزاتی چند شکست یافتند و رؤسای آنها عده‌ای مقتول و عده‌ای اسیر شدند.

مقارن این احوال شیخ خزعل که سالهای متمادی بر طوایف و عشایر خوزستان حکومت می‌کرد با کمک سایر عشایر ازقبیل بختیاری و قشقایی و ممسنی و پشتکوه به مخالفت با دولت سردار سپه قیام کرد، از طرف دولت قوای جنوب برای تعقیب و تنبیه شیخ خزعل و امیرمجاهد بختیاری، مأمور دفع این غایله گردید و با مبارزاتی که از مهرماه ۱۳۰۳ تا ۱۰ آبان‌ماه همین سال ادامه داشت تدریجاً قشون متمردین منکوب و پس از عزیمت رئیس‌الوزرا به آن نواحی شیخ خزعل از تمرد دست برداشته و تسلیم گردید. قیام خوزستان نیز بدین کیفیت خاتمه یافت، و قوای نظامی به‌طرف خوزستان حرکت کردند و در خرمشهر پادگان گرفتند و خلع سلاح طوایف آن حدود نیز شروع شد.

قتل ماژور ایمبری کنسول ممالک متحده آمریکای شمالی به‌تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۰۳ شمسی دولت را بر آن داشت تا حکومت نظامی را با شدت تمام در تهران برقرار سازد و در لوای قانون حکومت نظامی عده‌ای از اشخاص مؤثر و متنفذ مخالف دولت و وابسته به اقلیت مجلس را بازداشت و تحت نظر گیرد. جراید وابسته به اقلیت نیز تدریجاً توقیف گردید.

ماجرای قتل سیاسی کنسول آمریکا، موجب شد تا نمایندگان کمپانی نفت سینکلر که پس از عقد قرارداد نفت ایران و آمریکا به‌منظور استخراج به تهران آمده بودند مرعوب گشتند و بدین عنوان که در کشوری که اتباع بیگانه مصونیت و امنیت جانی نداشته باشند چگونه خواهند توانست به اکتشافات و حفر چاه‌های نفت بپردازند، ایران را ترک گفتند و به‌سوی کشور خویش رهسپار گشتند.

دولت سردار سپه در جلسه ۷ مردادماه ۱۳۰۳ از طرف اقلیت مجلس نسبت به موضوعات زیر مورد استیضاح قرار گرفت.

۱ـ سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه

۲ـ قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس

شورای ملی

۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت

نمایندگان اقلیت در روز مقرر برای پاسخ دادن دولت به استیضاح، به علل سیاسی چند (عدم تأمین) از حضور در مجلس خودداری کردند، درنتیجه استیضاح صورت نگرفت و مسکوت ماند. سیدحسن مدرس، عراقی و سید ابوالحسن حایری‌زاده نمایندگان اقلیت مورد ضرب و شتم عده‌ای از طرفداران سردار سپه قرار گرفتند. (۱۷ مردادماه)

رئیس دولت در جلسه ۱۷ مردادماه تقاضای رأی اعتماد کرد و در همین جلسه اخذ آرا با قیام و قعود به‌شرط ترمیم کابینه به‌عمل آمد و سردار سپه با ۹۱ رأی اعتماد، حاکمیت خود را ادامه داد ولی هیأت وزیران روز ۳۰ مردادماه مستعفی شدند و دولت جدید روز ۷ شهریورماه ۱۳۰۳ به حضور ولیعهد و روز ۸ شهریورماه ۱۳۰۳ به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی گردید.

۱- رضاخان سردار سپه	رئیس‌الوزرا، وزیر جنگ
۲- محمودخان امیراقتدار	وزیر داخله[۷۶]
۳- محمدعلیخان ذکاءالملک	وزیر مالیه
٤- میرزا حسن‌خان مشارالملک	وزیر خارجه
۵- میرزا حسین‌خان ادیب‌السلطنه	وزیر عدلیه
٦- عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی	وزیر فواید عامه و تجارت
۷- نظام‌الدین مشارالدوله حکمت	کفیل وزارت معارف
۸- میرزاسیدمهدی خان عمادالسلطه مشیرفاطمی	وزیر معارف
۹- جعفرقلیخان بختیاری سرداراسعد	وزیر پست و تلگراف

سردارسپه به‌منظور کسب اختیارات بیشتر و تهیه مقدمات برکناری و خلع احمدشاه از مقام سلطنت ایران روز یکشنبه ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۰۳ به مجلس حضور یافت و

۷٦- امیر اقتدار روز ۲۸ بهمن‌ماه منفصل و وزارت داخله نیز تحت نظر مستقیم رئیس‌الوزرا اداره می‌شد.

پس از مذاکره با نمایندگان فراکسیونهای مختلف مجلس، اظهار داشت که بر اثر مداخلات احمدشاه و ولیعهد در امور کشور و تحریک و انتریکهایی که بر ضد دولت از ناحیه این دو شخصیت می‌شود، بیش از این نمی‌تواند وظایف خود را انجام دهد از اینجهت یا مجلس فرماندهی کل قوا را با اختیارات تامه به وی تفویض کند و یا او را از ادامه زمامداری معذور دارد. و از نمایندگان خواست تا تاریخ پنجشنبه ۲۳ بهمن‌ماه تصمیم قطعی خود را در این مورد اتخاذ کنند.

اگرچه شاه در مدت دو سال اخیر خارج از ایران به‌سر می‌برد و مداخله‌ای در امور دولت نداشت با اینهمه مجلس در جلسه ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۰۳، قانون مربوط به اختیارات رئیس‌الوزرا را در میان موجی از مخالفت شدید اقلیت مجلس تصویب کرد و به‌موجب آن فرماندهی کل قوای دفاعی و تأمینیه کشور را که به موجب قانون اساسی ویژه مقام سلطنت است به سردار سپه تفویض کرد و درضمن فرمان مذکور قید شد که بدون تصویب مجلس نمی‌توان سردار سپه را از وظایف خود برکنار ساخت.

سردار سپه کابینهٔ خود را به تاریخ ۱۷ مردادماه ۱۳۰٤ برابر ۱۷ محرم ۱۳٤٤ با انتصاب نصرت‌الدوله به وزارت عدلیه و شکرالله خان قوام‌الدوله صدر به وزارت داخله ترمیم و به حضور محمدحسن میرزا ولیعهد معرفی کرد و روز اول شهریورماه هیأت وزیران جدید بدین‌ترتیب به مجلس شورای ملی معرفی شدند.

۱ـ رضاخان سردار سپه	رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ
۲ـ شکرالله خان قوام‌الدوله	وزیر داخله
۳ـ میرزا حسن خان مشارالملک	وزیر خارجه
٤ـ محمدعلیخان ذکاءالملک	وزیر مالیه
۵ـ فیروز میرزا نصرت‌الدوله	وزیر عدلیه
٦ـ جعفرقلیخان سرداراسعد	وزیر پست و تلگراف
۷ـ عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی	وزیر فواید عامه
۸ـ سیدمهدی خان عمادالسلطنه مشیرفاطمی	وزیر علوم و اوقاف

از اوایل مهرماه (۲ تا ۵ مهرماه ۱۳۰٤)، جمعیت کثیری از طبقات مختلف بدی نان و مضیقه غذایی را عنوان تجمع در اطراف مجلس شورای ملی و منازل روحانیان

قرار دادند و به تظاهرات اعتراض‌آمیز پرداختند، عکس‌العمل دولت در مقابله با این تظاهرات، به‌صورت مبارزه نیروی دولتی و معترضان درآمد و در این مبارزه عده‌ای زخمی و تنی چند نیز مقتول گردیدند. و درپی آن تشدید حکومت نظامی و دستگیری جمع کثیری به‌عنوان محرکان این غایله خودنمایی کرد.

از پیش اشاره شد که اکثریت قابل توجهی از نمایندگان مجلس، پس از شکست در نقشه تغییر حکومت از سلطنت به جمهوری، از پای ننشسته و به ضد خاندان قاجار و خلع آن سلسله به مبارزه پنهانی خود همچنان ادامه می‌دادند. در خارج مجلس به‌پیروی از منویات دولت از اواخر مهرماه نهضت عظیمی به‌ضد خاندان سلطنت با ارسال تلگرافهای شدید و نامه‌های تهدیدآمیز از نقاط مختلف کشور به مجلس آغاز گردید و فعالیتهای دامنه‌دار و آشکاری در محافل عمومی و مطبوعاتی پایتخت و شهرستانها شروع شد. در جریان فراهم ساختن زمینه تغییر سلطنت در مجلس، مؤتمن‌الملک رئیس مجلس از ۱٤ مهرماه ۱۳۰٤ به‌طور اجبار استعفا داد، و مستوفی‌الممالک به ریاست مجلس و سیدمحمد تدین به نیابت اول برگزیده شدند.

دنباله این اقدامات در مجلس شورای ملی منتهی به اجرای هدف اساسی و اصلی اکثریت قاطع مجلس گردید. توضیح آن‌که روز پنجم آبان‌ماه ۱۳۰٤ از طرف عده‌ای از نمایندگان اکثریت طرح انقراض سلسله قاجاریه تهیه شد و در جلسه نهم آبان‌ماه ۱۳۰٤ شمسی ماده واحده ذیل با اکثریت ۸۰ رأی موافق در برابر ۵ رأی مخالف انقراض سلطنت قاجار را تصویب و اعلام گردید.

«مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید، تعیین تکلیف حکومت قطعی موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶-۳۷ و ۳۸ و ٤۰ متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود.»

بدین‌ترتیب مجلس برای تعیین تکلیف قطعی، لزوم تأسیس مجلس مؤسسان را با نسبت دوبرابر عده نمایندگان مجلس شورای ملی تصویب کرد و خود تا پایان کار مجلس مؤسسان و سپردن سرنوشت و آینده کشور به سردار سپه، نامبرده را به حکومت موقت برگزید. محمدعلی فروغی به کفالت ریاست وزرا منصوب گردید.

با اعلام خلـع سلسله قاجاریه به‌تاریخ ۹ آبان‌ماه ۱۳۰٤ فرماندار نظامی و رئیس شهربانی به مهروموم کردن درهای عمارات دربار و انبارهای سلطنتی پرداختند و ولیعهد محمدحسن میرزا را مجبور به خروج از ایران کردند.

دولت انگلستان رژیم جدید ایران را مشروط بر آنکه تعهدات پیمان موجود را محترم بشمارد به‌طور موقت به رسمیت شناخت (به‌تاریخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۰٤).

احمدشاه، ضمن صدور اعلامیه‌ای به تاریخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۰٤ شمسی خلع خود را از سلطنت غیرقانونی اعلام کرد و متذکر شد که پادشاه قانونی و مشروطه ایران می‌باشد و تمام حقوق و مزایای سلطنت ایران را به‌موجب قانون اساسی دارا می‌باشد.

انتخابات مجلس مؤسسان به‌سرعت خاتمه پذیرفت و روز یکشنبه ۱۵ آذرماه رئیس حکومت موقتی با حضور پیشوایان روحانی و رؤسای نظامی و هیأت وزرا، رؤسای دولتهای گذشته و همچنین نمایندگان ادارات و اعضای سیاسی، مجلس مؤسسان را افتتاح کرد.

مجلس مؤسسان با تشکیل پنج جلسه و با تغییر چهار اصل از اصول قانون اساسی در آخرین جلسه خود به‌تاریخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰٤ شمسی برابر ۲۵ جمادی‌الاولی ۱۳٤٤ قمری با اکثریت ۲۵۷ رأی در مقابل ۳ رأی مخالف طی ماده واحده ذیل سلطنت را در خاندان پهلوی موروثی قرار داد.

رضاخان پهلوی شاه جدید، روز سه‌شنبه ۲۵ آذرماه به مجلس شورای ملی حضور یافته در مقابل مجلس سوگند یاد کرد که حافظ مشروطیت و مجری قانون اساسی کشور ایران خواهد بود.

* * *

فصل چهارم

دوره دوم مشروطیت

۲۸ آذرماه ۱۳۰٤ تا شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی

۳۵- محمد علیخان فروغی ذکاءالملک

ذکاءالملک وزیر مالیه آخرین کابینه سردار سپه، و اولین رئیس‌الوزراء دوران دوم مشروطیت بود که، فرمان ریاست وزرایی خود را از طرف رضاشاه پهلوی به‌تاریخ ۲۸ آذرماه ۱۳۰٤ شمسی برابر ٤ جمادی‌الثانی ۱۳٤٤ دریافت نمود و هیأت دولت خود را به‌شرح زیر معرفی کرد.

۱- محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)	رئیس‌الوزراء
۲- میرزا حسن‌خان مشارالملک	وزیر امور خارجه
۳- میرزا حسین‌خان عدل‌الملک دادگر	وزیر داخله
٤- سرلشکر عبدالله امیرطهماسبی	وزیر جنگ
۵- عمادالسلطنه مشیرفاطمی	وزیر عدلیه
٦- نجفقلیخان سردار اسعد	وزیر پست و تلگراف
۷- علی‌اکبر داور	وزیر فواید عامه و تجارت
۸- یوسف مشار	کفیل وزارت علوم واوقاف
۹- مرتضی قلیخان بیات	وزیر مالیه

مجلس شورای ملی در جلسه ۹ بهمن‌ماه ۱۳۰٤ شمسی ولایتعهدی والاحضرت محمدرضا پهلوی فرزند ارشد شاه جدید را به‌رسمیت شناخت بدین کیفیت اصل وراثت سلطنت به‌موجب ماده ۳٦ متمم قانون اساسی[۱] در خاندان جدید سلطنت ایران با رعایت اصل ۳۷ متمم قانون اساسی به‌مرحله اجرا درآمد.

پنجمین دوره مجلس شورای ملی با نقش مهمی که در تغییر و انتقال سلطنت برعهده داشت و بدین‌سبب آن را از ادوار تاریخی دوران مشروطیت ایران باید شمرد به‌تاریخ ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۰٤ شمسی برابر ۲۷ رجب ۱۳٤٤ قمری پایان یافت و فرمان انتخابات دوره ششم مجلس روز ۲۷ بهمن‌ماه به امضاء پادشاه رسید و از طرف دولت روز ۱۵ اسفند ماه ۱۳۰٤ انتشار یافت. در جریان انتخابات این دوره بود که انتخاب سیدمحمد تدین به ریاست انجمن انتخابات مورد اعتراض ملیون، و هیجان افکار عمومی بر ضد انتخابات قرار گرفت. سرانجام دولت، میرزا محسنخان مشیرالدوله را به ریاست انجمن نظار برگزید.

روز چهارم اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۵ شمسی مراسم تاجگذاری رضاشاه پهلوی در قصر گلستان به‌عمل آمد. پس از تغییر سلطنت، سفارت شوروی در تهران دولت جدید را به‌استناد قرارداد ۱۹۲۱ دولتین روسیه و ایران[۲] برای اعطای امتیاز صید ماهی شیلات که در دولتهای گذشته با مخالفت مردم روبرو شده بود، تحت فشار سیاسی شدیدی قرار داد.

موضوع از طرف دولت در مجلس شورای ملی مطرح و از نمایندگان خواسته شد تا به‌موجب پیمان ۱۹۲۱ میلادی با درخواست روسیه شوروی موافقت کنند.

لایحهٔ دولت مبنی بر اعطای امتیاز شیلات به شوروی از طرف نمایندگان رد شد.

هیأت دولت پس از مخالفت ملت با لایحه مذکور بنا به سنن پارلمانی استعفاء داد. ولی استعفای دولت از طرف رضاشاه پذیرفته نشد. دولت روسیه شوروی پس از رد شدن امتیاز شیلات از ورود نفت و بنزین معادن باکو به ایران جلوگیری کرد. این

۱ـ اصلاحی مورخ ۲۱ آذرماه ۱۳۰٤ شمسی.

۲ـ به‌موجب این قرارداد، دولت ایران با تشکیل یک شرکت مشترک ایران و شوروی را به مدت ۲۵ سال برای بهره‌برداری شیلات موافقت کرده بود.

واکنش دولت شوروی تأثیر ناگوار و وخیمی در اقتصاد کشور و اوضاع عمومی گذاشت: ازجمله مسأله حمل و نقل سریع گندم، مختل شد و وضع آذوقه را بسیار سخت و نان را نایاب ساخت.

وضع بحران‌آمیز نان تهران، و هجوم مردم گرسنه اطراف به‌طرف پایتخت، از سویی و همچنین عدم رضایت مردم از جریان انتخابات تهران از سوی دیگر، موجب انتشار شبنامه‌های چاپی به‌ضد دولت وقت گردید.

قطع ارتباطات تجارتی بین ایران و روسیه (اسفندماه ۱۳۰۳ شمسی/ فوریه ۱۹۲۵) بازرگانان سراسر کشور بویژه نواحی شمالی کشور را که زیان فوق‌العاده دیده بودند برانگیخت و آنان را برآن داشت تا با ارسال تلگرافات بیشمار از دولت خواستار شوند تا اقدامات لازم جهت برقراری مجدد روابط بازرگانی و باز شدن مرز ایران و روسیه به‌عمل آورند:

چون اقدامات دولت وقت در این زمینه متقاضیان را قانع نساخت، بازرگانان مستدعیات خود را به شرح زیر حضور پادشاه مخابره کردند.

«...یا مال‌التجاره ما را خود اعلیحضرت خریداری کنند، یا مرزهای روسیه را باز کنند، و یا اهالی آذربایجان از ایران جدا شده به آذربایجان تاتار و بادکوبه خواهند پیوست.»[۳]

دولت محمدعلی فروغی ظاهراً به‌دنبال این جریان به تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۳۰۵ شمسی سقوط کرد.

۳۶- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک

پس از استعفای ذکاءالملک فروغی، بنا به فرمان رضاشاه، میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک به ریاست وزرایی برگزیده شد (۱۶ خردادماه ۱۳۰۵) و هیأت دولت خود را به تاریخ ۲۲ خردادماه بدین‌شرح معرفی کرد.

۱- میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزراء و وزیر داخله
۲- سیدحسن تقی‌زاده	وزیر امورخارجه

۳- صفحه ۳۲۰ (رستاخیز ایران)

۳ـ محمدعلیخان ذکاءالملک فروغی	وزیر جنگ
٤ـ میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر مالیه
۵ـ مصطفی منصورالسلطنه عدل	کفیل وزارت عدلیه
٦ـ مهدیقلیخان مخبرالسلطنه هدایت	وزیر فواید عامه و تجارت
۷ـ میرزا احمدخان نصیرالدوله بدر	وزیر علوم و اوقاف
۸ـ میرزا احمدخان مشیراعظم اتابکی	وزیر پست و تلگراف

سیدحسن تقی‌زاده وزیر امور خارجه در اولین جلسه هیأت دولت به تاریخ ۲۳ خردادماه از مقام خود استعفاء داد و مشاورالممالک انصاری سفیر کبیر ایران در مسکو به وزارت امورخارجه منصوب شد و تا آمدن نامبرده به ایران آقای مفتاح کفالت وزارتخانه مزبور را عهده‌دار گردید.

اقدامات اصلاح‌طلبانه دولتهای وقت در امور مالی کشور و به‌ویژه وضع مالیاتهای جدید و سنگین موجبات نارضایی سران نظامی و رؤسای محلی را فراهم و موجد شورشهایی در نواحی آذربایجان و منطقه ترکمن‌نشین خراسان گردید:

شورش نظامیان در خوی و سلماس ظاهراً به‌علت عدم دریافت حقوق (۲ تیرماه ۱۳۰۵) با تدابیر لازمی که از طرف دولت وقت به‌عمل آمد ظرف مدت دو روز با اعدام گروه ۵٦ نفری شورشیان و فرار عده‌ای دیگر به‌طرف مرزهای ترکیه به‌زودی خاموش گردید. و نیز غایله و تظاهرات شورشیان نواحی (مراوتپه از نواحی استان خراسان) که ظاهراً علیه فرمانده لشکر شرق (جان محمدخان امیرعلایی) صورت گرفته بود بتدریج با اقدامات مقتضی که از طرف دولت مرکزی به‌عمل آمد خاتمه یافت (۲۵ تیرماه ۱۳۰۵) و رضاشاه برای رسیدگی به قضیه عصیان نظامیان مراوتپه و همچنین ترکمانان نواحی خراسان روز سوم مرداد ماه ۱۳۰۵ عازم آن نواحی گردید.

ششمین دوره مجلس شورای ملی در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۰۵ برابر با ۳۰ ذی‌الحجه ۱۳٤٤ هجری قمری افتتاح شد، مستوفی‌الممالک پس از رسمیت یافتن مجلس استعفاء هیأت دولت را تقدیم داشت ولی مجلس با اکثریت ۸۵ رأی مجدداً به زمامداری مستوفی‌الممالک ابراز تمایل کرد و مستوفی با جزیی تغییری در کابینه ازجمله انتصاب وثوق‌الدوله به وزارت عدلیه، محتشم‌السلطنه اسفندیاری به وزارت مالیه و میرزا محمودخان احتشام‌السلطنه علامیر به وزارت داخله، مسئولیت هیأت دولت را برعهده گرفت.

به‌دنبال انقلاب داخلی آذربایجان و خراسان و عدم رضایت بازرگانان از قطع رابطه تجارتی ایران و روسیه، دولت وقت نماینده خود سردار معظم خراسانی (عبدالحسین تیمورتاش وزیر دربار) را برای حل مسأله شیلات و برقراری روابط بازرگانی به مسکو فرستاد.

مستوفی‌الممالک به تاریخ ۱۶ شهریورماه به عللی چند از کار کناره گرفت ولی اکثریت مجلس با استعفای نامبرده موافقت نکرد و به قبول زمامداری مجدد وادارش ساخت، تااینکه مستوفی روز ۲۶ شهریور ماه ۱۳۰۵ شمسی هیأت وزیران را به شرح ذیل معرفی کرد.

۱ـ مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزراء
۲ـ میرزا حسنخان وثوق‌الدوله	وزیر عدلیه
۳ـ علیقلی خان مشاورالممالک انصاری	وزیر خارجه
۴ـ میرزا حسن‌خان محتشم‌السلطنه اسفندیاری	وزیر مالیه
۵ـ مهدیقلیخان مخبرالسلطنه هدایت	وزیر فواید عامه و تجارت
۶ـ میرزا احمدخان نصیرالدوله بدر	وزیر معارف
۷ـ محمدعلیخان ذکاءالملک فروغی	وزیر جنگ
۸ـ میرزا احمدخان مشیراعظم اتابکی	وزیر پست و تلگراف
۹ـ میرزامحمودخان احتشام‌السلطنه علامیر	وزیر داخله

دولت مستوفی روز پنجشنبه ۲۹ دی ماه ۱۳۰۵ از طرف اقلیت و فراکسیون مستقل مجلس شورای ملی مورد استیضاح قرار گرفت، به‌دنبال این استیضاح مستوفی‌الممالک روز شنبه ۸ بهمن‌ماه ۱۳۰۵ استعفاء داد و جواب استیضاح را برخلاف رسم و سنت پارلمانی کتباً به مجلس شورای ملی فرستاد. ولی استعفای دولت از طرف شاه و مجلس پذیرفته نشد و مستوفی مجدداً مأمور تشکیل کابینه گردید. رئیس‌الوزراء هیأت‌دولت‌جدید را به تاریخ ۱۸ بهمن‌ماه ۱۳۰۵ به حضور شاه و در تاریخ یکشنبه ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۰۵ برابر ۱۰ شعبان ۱۳۴۵ هجری قمری به مجلس شورای ملی به شرح زیر معرفی کرد.[4]

۴ـ مذاکرات مجلس دوره ششم ـ جلد اول ـ صفحه ۴۵۶.

۱ـ میرزا حسنخان مستوفی‌الممالک	رئیس‌الوزراء و وزیرپست وتلگراف
۲ـ محمدعلیخان ذکاءالملک فروغی	وزیر جنگ
۳ـ مهدیقلیخان مخبرالسلطنه هدایت	وزیر فواید عامه و تجارت
٤ـ میرزا علی‌اکبرخان داور	وزیر عدلیه
۵ـ سیدمهدی مشیرالسلطنه فاطمی	وزیر داخله
٦ـ شاهزاده نصرت‌الدوله فیروز	وزیر مالیه
۷ـ سیدمحمد تدین	وزیر علوم
۸ـ علیقلی‌خان مشاورالممالک انصاری	وزیر خارجه

اخذ رأی نسبت به کابینه روز سه‌شنبه ۲۵ بهمن‌ماه به‌عمل آمد و از ۱۰۳ نفر عده حاضر در جلسه با اکثریت ۷۹ رأی سفید در برابر ۲ رأی کبود به دولت رأی اعتماد داده شد.

روز ۱۹ اردیبهشت‌مه ۱۳۰٦، متجاوز از هزار نفر از کارمندان وزارتخانه‌ها به‌عنوان اعتراض به تصمیم کمسیون بودجه مجلس شورای ملی مبنی بر کسر اشل حقوقی و همچنین تصمیمات دیگری که دولت در مورد لایحهٔ اصلاحی استخدام کشوری منظور کرده بود، به مجلس آمده و تظاهراتی را شروع کردند: به‌دنبال این تظاهرات که از نظر اولیای دولت وقت، با اصول دادخواهی، اطاعت از اوامر دولت و احترام به قانون مباینت داشت ابلاغیه زیر روز ۲۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۰٦ شمسی انتشار یافت:

«راجع به حوادث روز گذشته دستور داده شد تحقیقاتی به‌عمل بیاید تا رهبران کارمندان معترض را که به‌طور دسته‌جمعی در میدان بهارستان جمع شده و نمایندگان را در موقع انعقاد جلسه به باد ناسزا گرفته بودند توقیف نمایند و گویا محرکان از کارمندان عالیمقام باشند.»[۵]

به‌دنبال این جریان عده‌ای از نمایندگان درصدد استیضاح از دولت برآمدند، هرچند پس از چندی از تعقیب استیضاح خودداری کردند ولی مستوفی‌الممالک روز شنبه ٦ خردادماه ۱۳۰٦ استعفاء داد.

* * *

۵ـ (رستاخیز ایران) صفحه ٤۰٦.

۳۷- حاج مهدیقلیخان مخبرالسلطنه هدایت

پس از کناره‌گیری مستوفی‌الممالک، روز سه‌شنبه ۹ خردادماه جلسه خصوصی مجلس شورای ملی با ۹۸ رأی موافق در برابر ۱۰ رأی مخالف نسبت به زمامداری مخبرالسلطنه اظهار تمایل کرد:

رئیس‌الوزراء دولت جدید را با شرکت چهارتن از اعضای دولت سابق در ۱۱ خردادماه ۱۳۰۶ برابر ۲ ذیحجه ۱۳۴۵ به‌طریق ذیل به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۶]

۱- حاج مهدیقلیخان مخبرالسلطنه هدایت	رئیس‌الوزرا، وزیر فواید عامه[۷]
۲- علیقلی‌خان مشاورالممالک انصاری	وزیر امورخارجه
۳- جعفر قلیخان سردار اسعد	وزیر جنگ
۴- میرزا حسین‌خان ادیب‌السلطنه سمیعی	وزیر داخله
۵- شاهزاده نصرت‌الدوله فیروز	وزیر مالیه
۶- سیدمحمد تدین	وزیر معارف[۸]
۷- علی‌اکبر داور	وزیر عدلیه
۸- میرزا قاسم‌خان صور اسرافیل	کفیل وزارت پست و تلگراف[۹]

برنامهٔ هیأت دولت در جلسه مورخ ۱۶ خردادماه باوجود مخالفت شدید سیدحسن مدرس با ۹۳ رأی موافق از ۱۰۲ رأی حاضر در جلسه به تصویب رسید و مجلس بدین کیفیت اعتماد خود را نسبت به زمامداری مخبرالسلطنه ابراز داشت.

مخبرالسلطنه تا ۲۱ شهریورماه ۱۳۱۲ شمسی در پست ریاست وزرایی به زمامداری سیاسی خود مشغول بود و درطی مدت بیش از ۶ سال چهار کابینه تشکیل داد که با تغییر و ترمیمهای کلی در هیأت دولتها همراه بود.

۶- مذاکرات مجلس دوره ششم - جلد دوم - صفحه ۱۵۶۵.

۷- امیر لشکر عبدالله‌خان امیرطهماسبی در تاریخ ۱۵ آبان ۱۳۰۶ به وزارت فواید عامه منصوب شد، ولی نامبرده در تاریخ فروردین‌ماه ۱۳۰۷ به‌قتل رسید.

۸- یحیی خان قراگزلو به‌جای سیدمحمد تدین به وزارت علوم و اوقاف برگزیده شد. (در تاریخ ۱۷ دی‌ماه ۱۳۰۶ شمسی)

۹- میرزاقاسم صور اسرافیل در تاریخ ۲۳ دیماه ۱۳۰۶ به وزارت پست و تلگراف منصوب شد.

۱۵ مردادماه ۱۳۰۶ به‌دنبال اختلاف دکتر میلسپو با وزیر مالیه وقت، از طرف مجلس شورای ملی اختیارات ریاست کل مالیه ایران که تا این تاریخ برعهده دکتر میلسپو بود به مخبرالسلطنه ریاست وزراء تفویض گردید و دکتر میلسپو از ایران خارج شد.

اشاره شد که روابط بازرگانی ایران و شوروی تیره گشت و زیان فراوان از این راه به بازرگانان ایرانی وارد می‌شد. دربرابر تضییقات دولت روسیه شوروی در این‌مورد، اطاق تجارت ایران تصمیم گرفت. متقابلاً مال‌التجاره روسها را در ایران نپذیرد، و نیز دولت وقت به‌منظور رفع بحران اقتصاد بازرگانی، نماینده فوق‌العاده‌ای به مسکو اعزام داشت:

سرانجام پس از یکسال تحمل مشکلات اقتصادی، قرارداد تجارتی و تأمینی بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی روز ۸ مهرماه ۱۳۰۶ شمسی به امضاء رسید.

حکومت مرکزی ایران، درطی زمامداری دولت مخبرالسلطنه با مخالفتهای گسترده به‌ضد اصلاحات مالی و تجددخواهی مواجه شد، به‌ویژه اصلاحات غربی کردن از سویی، و اجرای طرح تمرکز قدرت با محو استقلال شیوخ و عشایر و قبایل از سوی دیگر، منشاء نهضت‌های ضد انقلابی دولت در نقاط مختلف کشور ازجمله خوزستان، لرستان، فارس، آذربایجان و جز اینها گردید:

توضیح آن که اقدام دولت دایر بر امر سربازگیری و نظام اجباری با نارضایی عمومی و ایجاد اعتصاباتی مواجه شد ازجمله: روحانیان اصفهان به پیشوایی حاج آقا نورالله فشارکی و سیدالعراقین به‌عنوان اعتراض به تصمیم اخیر دولت به‌طرف قم مهاجرت کردند و در برخی از شهرستانها اعتصابات و تظاهراتی صورت گرفت.

(روز ۱۸ آذرماه ۱۳۰۸ شمسی) رئیس‌الوزراء و وزیر دربار و تنی چند از روحانیان مرکز به قم مسافرت کرده و پس از یک سلسله مذاکرات با آقایان علماء و اعلام مواعیدی از طرف اعلیحضرت در قبول تمایلات و خواست آنان[۱۰] این غائله ختم

۱۰- خواست روحانیان در جلسهٔ مذاکره به این شرح اعلام گردید:
۱- تجدیدنظر در قانون نظام اجباری ۲- انتخاب پنج تن از علمای طراز اول در مجلس شورای ملی
۳- تعیین نظار شرعیات در ولایات. ٤- جلوگیری از منهیات
۵- اجرای مواد مربوط به محاضر شرع که در تشکیلات سابق عدلیه پیش‌بینی شده بود.

گردید و مهاجرین به اماکن خود مراجعت کردند. در مهرماه ۱۳۰۷ شمسی، رئیس نظمیه وقت تهران، برای دستگیری سیدحسن مدرس به منزل نامبرده وارد می‌شود. چون مدرس در مقابل درگاهی مقاومت می‌کند، امر به زدوخورد بین مدرس و رئیس نظمیه می‌انجامد. و سرانجام مأمورین به دستور درگاهی مدرس را مضروب و مجروح می‌سازند و پس از توقیف نامبرده را به خواف تبعید و زندانی می‌کنند (۱٦ مهرماه ۱۳۰۷ شمسی)

گفته شد که نغمه مخالفت عشایر و ایلات با تصمیمات دولت در گوشه و کنار مملکت به‌طور نهان و آشکار همچنان به قوت خود باقی بود، چنانکه در دی‌ماه ۱۳۰٦ سکنه روستانشین نواحی خوزستان به سبب افزایش مالیاتها، به‌ضد دولت مرکزی قیام کردند و این شورش با بیرون کردن مأموران دولت و اشغال ادارات آغاز گردید:

دولت مرکزی با اعزام قوای نظامی قدرت خود را در صفحات خوزستان مجدداً برقرار ساخت و بدین‌ترتیب قیام ایلات خوزستان به‌ضد حکومت مرکزی درهم شکسته شد.

در صفحات لرستان، اغتشاش عشایر بر ضد رژیم جدید توسط قوای دولتی سرکوب شد و برخی از متمردان به فرمانده نظامی خرم‌آباد تسلیم گردیدند و امنیت نواحی مذکور مجدداً برقرار گردید.

و نیز آتش طغیان و انقلاب و تمرد کلیه افراد ایل قشقایی و عشایر فارس به رهبری علیخان سالارحشمت برادر صولت‌الدوله در فارس بر ضد اقدامات و سیاست کلی دولت و نیز مصوبات مجلس شورای ملی از اواخر سال ۱۳۰۷ شمسی شعله‌ور گردید و به‌دنبال آن ایل بختیاری نیز به عشایر قشقایی ملحق گردیدند. خواست سران عشایر قشقایی و ایلات از دولت بدین‌شرح اعلام شد:

۱ـ آزادی صولت‌الدوله

۲ـ انتصاب صولت‌الدوله یا یکی از فرزندانش به مقام ایلخانی قشقایی

۳ـ عدم خلع سلاح ایل قشقایی

٤ـ عدم اجبار ایلات در اعزام جوانان به خدمت نظام وظیفه

۵ـ عدم اجرای قانون لباس متحدالشکل در مورد قشقایی

٦ـ رفع تضییقات اداره سجل احوال

۷- جمع آوری مالیات توسط ایلخانی
۸- عدم اعمال انحصار دولتی قند و شکر و تنباکو و بویژه تریاک در منطقه قشقایی

از خردادماه ۱۳۰۸ دولت برای سرکوب ساختن آنان نیروی کافی اعزام داشت. مبارزه نیروی دولتی با قوای قشقایی ماه‌ها همچنان ادامه داشت تااینکه بتدریج در مهرماه ۱۳۰۸ اغتشاشات نواحی فارس و بختیاری نیز خاتمه یافت.

دامنه جنبش انقلابی نواحی مذکور در فوق به شهرهای دیگر ایران نیز سرایت کرد ازجمله در میان عشایر مقیم تبریز و برخی از نواحی آذربایجان ایران نهضت دامنه‌داری به‌ضد اصلاحات مترقیانه دولت مرکزی آغاز گردید. ولی این طغیان‌ها نیز مانند سایر شورشهای مخالفت‌آمیز با موفقیت نیروی دولتی درهم شکسته شد، و اسماعیل آقای سمیتقو که در دولتهای گذشته کراراً در صفحات آذربایجان به‌ضد حکومت مرکزی طغیان و موجبات ناامنی آن نواحی را فراهم می‌ساخت، در این دولت نیز مجدداً مخالفت خود را شروع کرد (تیرماه ۱۳۰۹ شمسی) دولت وقت قوای نظامی به‌منظور خلع سلاح و سرکوبی سمیتقو به تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۰۹ اعزام داشت:

نیروی دولتی اطراف اشنویه را محاصره کرد و راه فرار را بر نامبرده مسدود ساخت. سرانجام پس از مبارزه کوتاهی سمیتقو و یارانش مقتول گشتند و با مرگ وی غایله آذربایجان نیز سرکوب شد.

در دولت مخبرالسلطنه قرارداد مودت و تجارت با دولتهای مختلف ازجمله ایران و لهستان، ایران و افغانستان منعقد کرد و نیز معاهدات موقتی بین ایران و اتریش، ایران و چک، ایران و هلند، ایران و سوئد و ایران و دانمارک به‌امضا رسید:

روز ۱۱ اسفندماه ۱۳۰۹، کلیه خطوط تلگرافی دولتی و کمپانی هند و اروپا به مقامات ایران تحویل داده شد.

روز یکشنبه ۶ آذرماه ۱۳۱۱ شمسی دولت ایران امتیازنامه نفت دارسی را که در سال ۱۹۰۱ میلادی به مدت ۶۰ سال بسته شده بود لغو ساخت و مراتب درضمن یادداشتی به‌وسیلهٔ وزارت مالیه به کمپانی نفت ایران و انگلیس ابلاغ شد:

مجلس اقدام دولت را در مورد الغای امتیازنامه دارسی در جلسه ۱۵ آذرماه با عنوان رأی اعتماد به دولت تصویب کرد. شرکت نفت ایران و انگلیس به یادداشت مورخ

۶ آذرماه ایران مبنی بر الغای امتیاز دارسی اعتراض کرد و درضمن یادداشتی به تاریخ ۸ آذرماه از دولت ایران خواستار شد که یادداشت خود را مسترد دارد ولی دولت ایران مجدداً اعلام داشت که در الغای امتیازنامه دارسی خود را ذیحق دانسته و در تصمیم قطعی خود هم‌چنان باقی است.

دولت انگلیس، در قراردادی که بین یک دولت و شرکت خصوصی انگلیس تنظیم شده بود مداخله کرد و به دولت ایران اعلام داشت مسأله امتیاز نفت دارسی را به دیوان داوری بین‌المللی لاهه ارجاع خواهد کرد. دولت شاهنشاهی ایران، نسبت به اظهار و مداخله غیرقانونی دولت انگلیس شدیداً اعتراض کرد. سرانجام پس از ارجاع امر به شورای جامعه ملل (۲۵ آذرماه ۱۳۱۱ / ۱۶ دسامبر ۱۹۳۲) و تصمیم شورای مذکور دایر بر مذاکره مستقیم نماینده کمپانی مزبور با دولت ایران (۱٤ بهمن‌ماه ۱۳۱۱) نمایندگان کمپانی نفت در فروردین ماه ۱۳۱۲ به تهران وارد شدند. و مذاکره درباره عقد قرارداد نفت بین متخصصین و مشاورین حقوقی دو دولت ایران و انگلیس در روز ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱۲ خاتمه یافت، ولی ادامه مذاکره نمایندگان ایران (داور ـ تقی‌زاده، فروغی) با سرجان کدمن رئیس شرکت نفت همچنان ادامه داشت تا سرانجام قرارداد جدیدی مشتمل بر ۲۷ ماده و یک مقدمه به تاریخ (۱٤ بهمن‌ماه ۱۳۱۱) به تاریخ ۷ خردادماه ۱۳۱۲ شمسی بین دولت ایران و شرکت نفت ایران و انگلیس «محدود» تنظیم گردید.

مخبرالسلطنه هدایت درطی دوران بیش از شش سال زمامداری خود انتخابات سه دوره قانونگذاری را انجام داد و در هریک از دوره‌های مذکور بنا به سنن پارلمانی هیأت دولت جدیدی را به شرح ذیل به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

هفتمین دوره قانونگذاری به تاریخ ۱٤ مهرماه ۱۳۰۷ افتتاح شد، و دومین هیأت دولت پس از رسمیت یافتن مجلس در جلسه ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۰۷ شمسی برابر ۷ جمادی‌الاخر ۱۳٤۷ هجری قمری به شرح زیر معرفی گردیدند.[11]

۱ـ علی‌اکبر داور	وزیر عدلیه
۲ـ نصرت‌الدوله فیروز	وزیر مالیه

۱۱ـ مذاکرات مجلس ـ دوره هفتم ـ جلد اول ـ جلسه ششم ـ صفحه ۰٦٦.

۳- یحیی اعتمادالدوله قره گزلو	وزیر معارف
٤- عبدالحسین شیبانی	وزیر فواید عامه
۵- قاسم صوراسرافیل	وزیر پست و تلگراف
٦- فتح‌الله پاکروان	کفیل وزارت امورخارجه
۷- جعفرقلیخان سردار اسعد بختیاری	وزیر جنگ
۸- میرزاحسین‌خان ادیب‌السلطنه سمیعی	وزیر داخله

برنامه عملی دولت به تاریخ ۲۹ آبان‌ماه ۱۳۰۷ به مجلس شورای ملی تسلیم گردید، مجلس پس از شور در مواد آن در جلسه اول آذرماه ۱۳۰۷ با اکثریت ۱۰۰ رأی موافق در برابر ۱۰۲ رأی حاضر در جلسه تصویب نمود.[۱۲]

روز سه‌شنبه ۱۳ خردادماه ۱۳۰۹ شمسی فرمان انتخابات دوره هشتم قانونگذاری از طرف دولت منتشر شد و در سه‌شنبه ۲۵ آذرماه ۱۳۰۹ پس از خاتمه انتخابات مراسم افتتاح آن به‌عمل آمد.

۱۲- این کابینه تغییراتی به‌شرح زیر پیدا کرد:

۱- در ٤ دیماه ۱۳۰۷ شمسی، محمود جم (مدیرالملک) به وزارت فواید عامه برگزیده شد.

۲- در ۱۱ بهمن‌ماه ۱۳۰۷ شمسی، ابوالقاسم عمید به‌سمت کفالت وزارت امورخارجه منصوب شد.

۳- ۱٦ بهمن‌ماه ۱۳۰۷ محمدعلی فرزین کفالت وزارت امورخارجه را به‌عهده گرفت.

٤- ۱۸ خردادماه ۱۳۰۸ شمسی نصرت‌الدوله فیروز وزیر مالیه جلب شد و اداره امور وزارت مالیه زیر نظر رئیس دولت قرار گرفت ولی در تاریخ ۱٦ شهریورماه محمدعلی فرزین عهده‌دار امور مربوط به وزارت مالیه گردید.

۵- روز ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۰۸ میرزا حسن‌خان مشارالملک به سمت وزیر مالیه، محمدعلی فرزین وزیر مالیه سابق به سمت وزیر امور خارجه منصوب شدند.

٦- روز ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۰۹ پس از تبدیل وزارت فواید عامه به وزارت اقتصاد ملی محمدعلی فروغی به وزارت اقتصاد ملی منصوب شد و سیدحسن تقی‌زاده وزیر مختار ایران در لندن به تهران احضار و به تاریخ ۲۸ فروردین‌ماه به سمت وزیر طرق و شوارع تعیین گردید، و روز سه‌شنبه ۱٤ مردادماه ۱۳۰۹ تقی‌زاده علاوه بر وزارت طرق پست وزارت مالیه را نیز عهده‌دار گردید.

مخبرالسلطنه هدایت پس از اعلام آمادگی مجلس، روز یکشنبه ۲۸ دیماه ۱۳۰۹ به‌مناسبت افتتاح دوره جدید مجلس استعفای خود را تقدیم داشت و روز ۲۹ دی‌ماه از طرف پادشاه مجدداً مأمور تشکیل دولت گردید و سومین هیأت دولت خود را روز شنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۰۹ شمسی برابر با ۳۰ شعبان ۱۳۴۹ هجری قمری به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۱۳]

۱ـ حاج مهدیقلیخان مخبرالسلطنه هدایت رئیس‌الوزراء

۲ـ سیدحسن تقی‌زاده وزیر مالیه

۳ـ جعفر قلیخان سردار اسعد بختیاری وزیر جنگ

۴ـ یحیی قره گزلو اعتمادالدوله وزیر معارف

۵ـ قاسم صور اسرافیل وزیر پست و تلگراف

۶ـ علی‌منصور ـ منصورالملک وزیر داخله

۷ـ عنایت‌الله سمیعی ـ مدیرالدوله کفیل وزارت اقتصاد ملی

۸ـ میرزا سیدباقر کاظمی وزارت طرق و شوارع

برنامه دولت در همین جلسه پس از معرفی هیأت وزیران قرائت و تسلیم گردید. مجلس نیز در جلسه روز یکشنبه ۵ بهمن‌ماه ۱۳۰۹ برنامه دولت را طرح و به تصویب رسانید (با اکثریت ۱۰۱ رأی از ۱۰۲ نفر عده حاضر در جلسه).

ترمیمهایی که این کابینه در تاریخهای مختلف حاصل کرده به شرح زیر بوده است:

آخرین جلسه دوره هشتم قانونگذاری روز شنبه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۱۱ خاتمه یافت و روز ۲۴ اسفندماه ۱۳۱۱ شمسی مراسم افتتاح دوره نهم قانونگذاری توسط رضاشاه به‌عمل آمد.

به‌دنبال افتتاح دوره جدید مجلس، مخبرالسلطنه پس از اعلام آمادگی مجلس استعفای هیأت دولت را تقدیم داشت و روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۱۲ برابر ۲۲ ذیحجه ۱۳۵۱ چهارمین و آخرین هیأت وزیران خود را به شرح ذیل به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۱۴]

۱۳ـ مذاکرات مجلس دوره هشتم ـ جلد اول جلسه ۵ ـ صفحه ۴۲.

۱۴ـ مذاکرات مجلس دوره نهم ـ جلد اول جلسه ۵ ـ صفحه ۴۹.

۱- مهدیقلیخان مخبرالسلطنه هدایت	رئیس‌الوزراء
۲- محمدعلیخان ذکاءالملک فروغی	وزیر امورخارجه
۳- سیدحسن تقی‌زاده	وزیر مالیه
٤- علی‌اکبر داور	وزیر عدلیه
۵- جعفرقلیخان سردار اسعد	وزیر جنگ
٦- ناصرالدوله فیروز	وزیر طرق و شوارع
۷- علی‌اصغر زرین‌کفش	کفیل وزارت داخله
۸- فضل‌الله بهرامی	وزیر پست و تلگراف
۹- یحیی اعتمادالدوله قره‌گزلو	وزیر معارف
۱۰- عبدالله یاسائی	رئیس اداره کل تجارت
۱۱- مهدی معتصم‌السلطنه فرخ	رئیس اداره کل صناعت و فلاحت

مخبرالسلطنه برنامه هیأت دولت جدید خود را در همین جلسه قرائت و تسلیم مجلس کرد. مجلس در جلسه سی‌ام فروردین‌ماه ۱۳۱۲ شمسی برنامه دولت هدایت را که متضمن تقاضای رأی اعتماد نیز بود به‌اتفاق آراء عده حاضر تصویب نمود[۱۵] (۱۱٦ رأی)

دولت جدید مخبرالسلطنه دیری نپایید و روز سه‌شنبه ۲۱ شهریورماه، حاج مخبرالسلطنه از طرف پادشاه احضار شد و درضمن اظهار عدم رضایت از کار چندتن از وزیران، دستور استعفای دسته‌جمعی هیأت دولت را صادر کرد. رئیس‌الوزراء به امر شاه استعفای دولت را تقدیم داشت.

* * *

۱۵- تغییراتی چند در کابینه مزبور به‌ترتیب مذکور در زیر روی داد.

در تاریخ ۱۵ شهریورماه ۱۳۱۲ علی منصور «منصورالملک» به‌جای ناصرالدوله فیروز به سمت وزیر طرق تعیین گردید.

و در تاریخ ٤ خردادماه همایون سیاح به‌جای عبدالله یاسائی به ریاست اداره تجارت منصوب شد.

۳۸ـ محمدعلیخان ذکاءالملک فروغی

با برکناری مخبرالسلطنه هدایت از ریاست وزرایی محمدعلی فروغی از طرف پادشاه مأمور تشکیل دولت جدید گردید.

ذکاءالملک هیأت دولت را به‌تاریخ یکشنبه ۲۶ شهریور ماه ۱۳۱۲ برابر ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۵۲ هجری قمری به شرح زیر ابتدا به حضور شاه و سپس به مجلس شورای ملی معرفی کرد. برنامه دولت در همین جلسه و به‌اتفاق آراء به تصویب رسید (با اکثریت ۱۱۳ رأی از ۱۱٤ رأی حاضر در جلسه).

۱ـ محمدعلیخان فروغی	رئیس‌الوزرا
۲ـ جعفرقلیخان سردار اسعد بختیاری	وزیر جنگ[۱۶]
۳ـ علی‌اکبر داور	وزیر مالیه
٤ـ علی‌منصور ـ منصورالملک	وزیر طرق و شوارع
۵ـ سیدباقر کاظمی	وزیر امور خارجه
٦ـ محسن صدرالاشراف	وزیر عدلیه
۷ـ محمود جم ـ مدیرالملک	وزیر داخله
۸ـ محمدعلی دولتشاهی	وزیر پست و تلگراف و تلفن[۱۷]
۹ـ علی‌اصغر حکمت	کفیل وزارت معارف[۱۸]
۱۰ـ علی‌اکبرخان بهمن	رئیس اداره کل تجارت
۱۱ـ مصطفی قلیخان بیات	رئیس اداره صناعت و فلاحت

برنامه دولت در همین جلسه (۲٦ شهریور) طرح و به‌اتفاق آراء به تصویب رسید (اکثریت ۱۱۳ رأی از ۱۱٤ رأی حاضر در جلسه). در این دوره سران عشایر که با سیاست دولت مبنی بر تمرکز قدرت مخالف بودند و موجبات اغتشاش و ناامنی را در

۱٦ـ پس از بازداشت جعفرقلیخان سردار اسعد بختیاری به‌تاریخ آذرماه ۱۳۱۲ شمسی سرلشکر احمد نخجوان به‌جای نامبرده به کفالت وزارت جنگ منصوب شد.

۱۷ـ پس از فوت دولتشاهی در مهرماه ۱۳۱۳ نظام‌الدین حکمت به سمت وزیر پست و تلگراف منصوب شد.

۱۸ـ علی‌اصغر حکمت در تاریخ ٤ اسفندماه ۱۳۱۳ با عنوان وزیر مسئولیت وزارت معارف را عهده‌دار گردید.

دولتهای گذشته فراهم می‌ساختند کاملاً تسلیم شدند و تحت انقیاد و مراقبت شدید دولت مرکزی قرار گرفتند[۱۹] درنتیجه اوضاع داخلی کشور آرام گشت و ثبات سیاسی اجازه داد که بیشتر وقت دولتها صرف اصلاحات داخلی و سازمان دادن به تشکیلات اداری و برقراری روابط اقتصادی با دولتهای خارجی بشود.

عرض حال دولت عراق به جامعه ملل مبنی بر اختلاف سرحدی بین ایران و عراق (به تاریخ ۱۳ دی‌ماه ۱۳۱۳ شمسی)، دولت ایران را برآن داشت تا نماینده‌ای به تاریخ ٤ مردادماه ۱۳۱۳ به جامعه ملل اعزام دارد. به‌دنبال تصمیم شورای جامعه ملل و تمایل طرفین دایر بر اصلاح امر به‌طور مستقیم، نمایندگان دولت عراق به ریاست نوری سعید پاشا وزیر امورخارجه به تاریخ ۱۳ مردادماه ۱۳۱٤ به ایران وارد شدند.

مذاکرات هیأت حل اختلاف مرزی مدت ۲۲ روز ادامه یافت و زمینه رفع اختلافات تاحدی فراهم گردید ولی نظر به لزوم حضور نمایندگان دو دولت برای شرکت در پانزدهمین جلسه شورای جامعه ملل و طرح مواد قرارداد دو طرف در شورای مذکور تصمیمات نهایی اتخاذ نگردید. در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۳ امور گمرک ایران که تا این تاریخ به دست مأمورین بلژیکی اداره می‌شد با خاتمه یافتن کنترات آنها به‌طور کلی به کارمندان ایرانی واگذار گردید:

فرمان انتخابات دهمین دوره مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۳۱۳ صادر شد و مراسم افتتاح آن به تاریخ ۱۵ خردادماه ۱۳۱٤ انجام گرفت. با افتتاح مجلس طبق سنن پارلمانی، فروغی رئیس‌الوزراء استعفاء دولت را تقدیم داشت و هیأت دولت جدید را به‌ترتیب زیر در جلسه سه‌شنبه ۲۷ خردادماه ۱۳۱٤ برابر ۱٦ ربیع‌الاول ۱۳٥٤ هجری قمری به مجلس شورای ملی به شرح زیر معرفی کرد.[۲۰]

۱ـ محمود جم مدیرالملک	وزیر داخله
۲ـ علی‌اکبر داور	وزیر مالیه

۱۹ـ سران ایل بختیاری، قشقایی و بویراحمدی و ممسنی که محکومیت به اعدام آنها از پیش اعلام شده بود در فروردین‌ماه ۱۳۱۳ در محوطه زندان قصر اعدام شدند. سردار اسعد بختیاری وزیر جنگ (جعفرقلیخان) در همین تاریخ پس از چند ماه زندانی بودن توسط پزشک احمدی به حیاتش خاتمه داده شد.

۲۰ـ مذاکرات مجلس دوره دهم جلد اول جلسهٔ ٦ ـ صفحه ۳۷.

۳- علی‌منصور - منصورالملک	وزیر طرق و شوارع
٤- سیدباقر کاظمی	وزیر امور خارجه
۵- محسن صدرالاشراف	وزیر عدلیه
٦- نظام‌الدین حکمت	وزیر پست و تلگراف
۷- علی‌اصغر حکمت	وزیر معارف و اوقاف
۸- مصطفی قلیخان بیات	رئیس اداره کل فلاحت
۹- مظفر اعلم	رئیس اداره تجارت
۱۰- مهندس حسین امین	رئیس اداره صناعت
۱۱- امیرلشگر نخجوان	کفیل وزارت جنگ

مجلس شورای ملی در همین جلسه پس از اخذ رأی نسبت به کابینه فروغی، با اکثریت ۱۲٤ رأی عده حاضر در جلسه ابراز رأی اعتماد کرد.

به‌دنبال اجرای طرح متحدالشکل کردن لباس ایرانیان، شورش و تظاهراتی به تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۱٤ شمسی در مشهد رخ داد و عده‌ای در صحن حضرت رضا تحصن اختیار کردند، اقدامات مسلحانه دولت برای جلوگیری از این بلوا و شورش منجر به قتل و خونریزی بسیار شدید شد و متولی آستان قدس رضوی محمد ولی اسدی توقیف و به دار آویخته شد. جمعی از روحانیان و مدرسین حوزه علمیه مشهد به جرم شرکت در قیام مسجد گوهرشاد بازداشت شدند (۲۲ تیرماه ۱۳٤۱) (آیت‌الله سیدیونس اردبیلی، آیت‌الله شیخ هاشم قزوینی، آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی، آیت‌الله آقازاده، آیت‌الله آقابزرگ شاهرودی و حجه‌الاسلام دستغیب که از علماء طراز اول مشهد بودند ازجمله دستگیرشدگان می‌توان نام برد).

فروغی رئیس‌الوزرا درپی این ماجرا به سبب وساطتی که از اسدی نزد پادشاه کرد معزول و هیأت دولت به تاریخ ۱۰ آذرماه ۱۳۱٤ شمسی مجبور به استعفا گردید.[۲۱]

* * *

۲۱- خاطرات و خطرات تألیف مخبرالسلطنه هدایت - صفحه ٤۰۸.

۳۹ـ محمود جم ـ مدیرالملک

پس از برکناری محمدعلی فروغی، محمود جم «مدیرالملک» از طرف رضاشاه مأمور تشکیل هیأت دولت گردید (به‌تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۱٤ شمسی) جم رئیس‌الوزرای جدید، در جلسه پنجشنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۱٤ برابر با ۱۹ رمضان ۱۳۵٤ هجری قمری مجلس شورای ملی، اولین هیأت دولت خود را به شرح زیر معرفی کرد.[۲۲]

۱ـ محمود ججم «مدیرالملک»	رئیس‌الوزراء وزیر داخله
۲ـ باقر کاظمی	وزیر امور خارجه
۳ـ علی‌اکبر داور	وزیر مالیه
٤ـ علی منصور	وزیر طرق و شوارع
۵ـ محسن صدرالاشراف	وزیر عدلیه
٦ـ نظام‌الدین حکمت	وزیر پست و تلگراف
۷ـ علی‌اصغر حکمت	وزیر معارف و اوقاف
۸ـ سرلشگر احمد نخجوان	کفیل وزارت جنگ
۹ـ مصطفی قلیخان بیات	رئیس اداره کل فلاحت
۱۰ـ مظفر اعلم	رئیس اداره کل تجارت
۱۱ـ محمدحسین امین	رئیس اداره صناعت و معادن

برنامه هیأت دولت در همین جلسه طرح شد و مورد مذاکره قرار گرفت و با اکثریت ۱۱۳ رأی از ۱۱٤ رأی عده حاضر در جلسه به تصویب رسید.

محمود جم در طی دوران چهار سال زمامداری دو کابینه تشکیل داد و در هریک تغییرات بسیار داد.[۲۳]

۲۲ـ مذاکرات مجلس دوره دهم قانونگذاری ـ جلسه ۳۲ ـ صفحه ۳۳۸.

۲۳ـ تغییرات کابینه به شرح زیر بود:

۱ـ پست وزارت امور خارجه بعد از آقای کاظمی، عنایت‌الله سمیعی که به‌تاریخ ۲۵ فروردین‌ماه ۱۳۱۵ به مجلس شورای ملی معرفی گردید عهده‌دار شد.

۲ـ وزارت دارایی پس از فوت داور، محمود بدر با عنوان کفیل و سپس با عنوان وزیر (به‌تاریخ ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۱٦ شمسی) عهده‌دار گردید.

←

ثبات سیاسی این عهد برای دولت جم نیز همچون دولت گذشته امکان اصلاحات داخلی و برقراری روابط مودت و تجارتی بین دولت ایران و دولتهای خارجی را بوجود آورد.

ازپیش اشاره شد که لایحه اعطای امتیاز نفت شمال به کمپانی آمریکایی از طرف دولت قوام‌السلطنه (به‌تاریخ ۱۳۰۰ شمسی) به مجلس داده شد و اجرای آن به علل سیاسی به‌عهدهٔ تأخیر افتاد.

دولت جم در جلسه یکشنبه ۲۷ دی‌ماه ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی، لایحه اعطای امتیاز استخراج نفت نواحی شمال شرق و قسمتی از مشرق ایران را به دو کمپانی آمریکایی تقدیم مجلس داشت.

لایحه مزبور در جلسه ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۱۵ به تصویب مجلس شورای ملی رسید ولی در ۲٤ خردادماه ۱۳۱۷ امتیاز استخراج نفت از مناطق استانهای شرق ایران به کمپانی آمریکایی ملغی گردید.

دوره دهم قانونگذاری روز ۲۲ خردادماه ۱۳۱٦ پایان یافت و یازدهمین دوره قانونگذاری روز شنبه ۲۰ شهریورماه ۱۳۱٦ افتتاح شد و بنا به سنن پارلمانی دولت وقت استعفای خود را تقدیم داشت. جم رئیس‌الوزرا دومین هیأت دولت خود را به‌تاریخ اول مهرماه ۱۳۱٦ شمسی برابر ۱۷ رجب ۱۳۵٦ هجری قمری به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد و در همین جلسه دولت رأی اعتماد با اکثریت ۱۱۵ رأی را به‌دست آورد.[۲٤]

→

۳ـ وزارت راه بعد از انفصال منصور به مجید آهی که والی فارس بود تفویض گردید (به‌تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۱٤)

٤ـ وزارت عدلیه در ٦ مهرماه ۱۳۱۵ به دکتر احمد متین‌دفتری واگذار گردید.

۵ـ وزارت جنگ بعد از سرلشکر نخجوان به سرلشکر امیرفضلی با عنوان کفالت به‌تاریخ ۱۰ فروردین‌ماه محول شد.

٦ـ وزارت پست و تلگراف در بهمن‌ماه ۱۳۱۵ با فوت نظام‌الدین حکمت به مظفر اعلم واگذار شد.

۷ـ در ۱۵ مردادماه مسئولیت اداره کل تجارت به صادق وثیقی تفویض شد.

۸ـ در ۱۵ خردادماه ۱۳۱٦ شمسی حسین علاء به ریاست اداره کل تجارت منصوب شد.

۲٤ـ مذاکرات مجلس ـ دوره ۱۱ قانونگذاری ـ جلسه ۵ ـ صفحه ۳۵.

۱- محمود جم	رئیس‌الوزرا
۲- دکتر احمد متین دفتری	وزیر عدلیه
۳- عنایت‌الله سمیعی	وزیر امور خارجه
٤- ابوالقاسم فروهر	وزیر داخله
۵- محمود بدر	وزیر مالیه
٦- سرلشگر امیرفضلی	کفیل وزارت جنگ
۷- علی‌اصغر حکمت	وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
۸- مجید آهی	وزیر طرق و شوارع
۹- حسین علاء	وزیر تجارت
۱۰- مهدی فرخ «معتصم‌السلطنه»	وزیر صناعت و معادن
۱۱- احمدحسین عدل	کفیل اداره کل فلاحت[۲۵]

۲۵- در این کابینه تغییراتی به‌شرح زیر به‌عمل آمد:

۱- ۱۵ اسفندماه ۱۳۱٦ حسین رخشانی به ریاست اداره کل فلاحت منصوب شد.

۲- ابوالقاسم فروهر به وزارت صناعت به‌تاریخ ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۷ شمسی.

۳- در وزارت امورخارجه با فوت عنایت‌الله سمیعی (در ٦ اسفندماه ۱۳۱٦) مصطفی عدل به کفالت انتخاب شد و علی سهیلی به‌تاریخ ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۷ به وزارت این وزارتخانه منصوب شد و در ۲۷ تیرماه ۱۳۱۷ شمسی مظفر اعلم مسئولیت وزارت امورخارجه را عهده‌دار گردید.

٤- اسماعیل مرآت از تاریخ ۱۳۱۷/۵/۱۲ شمسی با سمت کفالت وزارت فرهنگ، ولی از تاریخ ۲۰ شهریور ۱۳۱۸ با عنوان وزارت به‌جای علی‌اصغر حکمت عهده‌دار امور وزارتخانه مذکور گردید.

۵- مسئولیت وزارت داخله در تاریخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۱۷ شمسی به علی‌اصغر حکمت واگذار گردید.

٦- در تاریخ ۱٦ بهمن‌ماه ۱۳۱۷ به‌موجب دستور شاه آقای ابراهیم امیر شوکت‌الملک علم به وزارت پست و تلگراف منصوب شد.

۷- دکتر محمد سجادی از تاریخ ۸ آذرماه ۱۳۱۷ تا ۲۰ شهریورماه ۱۳۱۸ با عنوان کفیل و از ۲۰ شهریور به سمت وزارت مسئولیت این وزارتخانه را عهده‌دار بود.

به‌دنبال مذاکرات کمسیونهای حل اختلاف بین ایران و عراق در دولت گذشته، عهدنامه مودت بین دولت مزبور در ۱۵ تیرماه ۱۳۱۶ منعقد گردید و نیز روز پنجشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۱۶ پیمان عدم تعرض بین چهار دولت آسیایی افغانستان، ایران، عراق، ترکیه، به‌نام پیمان سعدآباد در تهران به امضاء رسید.

سیدحسن مدرس، در تاریخ ۱۰ آذرماه ۱۳۱۶ شمسی پس از سالها زندانی بودن در خواف به کاشمر منتقل شد و در شهربانی کاشمر مسموم و توسط عمال شهربانی خفه گردید.

* * *

٤٠ـ دکتر احمد متین‌دفتری

پس از برکناری محمود جم از ریاست وزرایی بنا به فرمان رضاشاه، دکتر احمد متین‌دفتری وزیر دادگستری دولت مستعفی به ریاست وزرا (به تاریخ ۳ آبان‌ماه ۱۳۱۸ برابر اول شوال ۱۳۵۸ هجری قمری) انتخاب گردید.

رئیس‌الوزرا روز شنبه ۵ آبان‌ماه ۱۳۱۸ هیأت وزیران را به حضور شاه، و در جلسه ۲۰ آبان‌ماه به مجلس شورای ملی به شرح زیر معرفی کرد، نمایندگان در همین جلسه با اکثریت ۱۰۲ رأی نسبت به هیأت وزرا ابراز تمایل کردند.[۲۶]

۱ـ دکتر احمد متین‌دفتری	رئیس‌الوزرا
۲ـ علی‌منصور «منصورالملک»	وزیر پیشه و هنر
۳ـ علی‌اصغر حکمت	وزیر کشور[۲۷]
٤ـ مظفر اعلم	وزیر امور خارجه
۵ـ اسماعیل مرات	وزیر فرهنگ
٦ـ دکتر محمد سجادی	وزیر راه
۷ـ ابراهیم علم (شوکت‌الملک)	وزیر پست و تلگراف و تلفن

۲٦ـ مذاکرات مجلس دوره دوازده قانونگذاری ـ جلسه ۵ ـ صفحه ۲۸.

۲۷ـ علی‌اصغر حکمت در ۱۷ اسفندماه ۱۳۱۸ استعفا داد ولی مجدداً در ۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۹ به وزارت کشور منصوب شد.

۸- سرتیپ رضاقلی امیرخسروی	وزیر دارایی
۹- سرلشگر احمد نخجوان	کفیل وزارت جنگ
۱۰- صادق وثیقی	کفیل وزارت بازرگانی
۱۱- محمد سروری	کفیل وزارت دادگستری
۱۲- سرتیپ تاجبخش	کفیل اداره کل کشاورزی[۲۸]

دکتر متین‌دفتری در تاریخ ٤ تیرماه ۱۳۱۹ از نخست‌وزیری برکنار شد و زندانی گردید. به‌دنبال بازداشت متین‌دفتری، دکتر محمد مصدق نیز در تاریخ ۵ تیرماه بازداشت گردید. و در تاریخ ۱٦ تیرماه به زندان بیرجند انتقال یافت. دکتر مصدق در تاریخ ۱۳ آذرماه به دستور رضاشاه و وساطت ولیعهد وقت (محمدرضا پهلوی) به تهران منتقل و در ملک شخصی خود احمدآباد تحت نظر قرار گرفت.

* * *

٤۱- علی‌منصور «منصورالملک»

پس از برکناری دولت متین‌دفتری، روز سه‌شنبه ٤ تیرماه ۱۳۱۹ شمسی، فرمان نخست‌وزیری علی‌منصور «منصورالملک» از طرف رضاشاه صادر شد.

نامبرده اولین هیأت وزیران خود را به تاریخ ۵ تیرماه ۱۳۱۹ شمسی به‌شرح زیر در کاخ سعدآباد به حضور پادشاه و روز یکشنبه ۹ تیرماه ۱۳۱۹ برابر با ٢٤ جمادل‌الاول ۱۳۵۹ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی کرد. و برنامه دولت را قرائت و تسلیم مجلس نمود. مجلس در همین جلسه برنامه دولت را با اکثریت ۱۱۲ رأی در برابر ۱۱۳ رأی حاضر در جلسه تصویب کرد.[۲۹]

۱- علی منصور	نخست‌وزیر و وزیر پیشه و هنر
۲- مظفر اعلم	وزیر امور خارجه
۳- سرتیپ رضاقلی‌خان امیر خسروی	وزیر دارایی[۳۰]

۲۸- ۱۸ آذرماه ۱۳۱۸ مصطفی‌قلی رام به‌ریاست کل کشاورزی منصوب و به مجلس معرفی گردید.

۲۹- مذاکرات مجلس، دوره ۱۲ قانونگذاری - جلسه ٤۵- صفحه ۲۵۲.

۳۰- در ٤ خردادماه ۱۳۲۰ عباسقلی گلشائیان به‌سمت کفالت وزارت مالیه منصوب شد.

٤- علی سهیلی	وزیر کشور
۵- ابراهیم علم	وزیر پست و تلگراف و تلفن
٦- سرلشگر احمد نخجوان	کفیل وزارت جنگ
۷- دکتر محمود سجادی	وزیر راه
۸- اسماعیل مرات	وزیر فرهنگ
۹- محمد سروری	کفیل وزارت دادگستری[۳۱]
۱۰- صادق وثیقی	کفیل وزارت بازرگانی
۱۱- مصطفی قلی‌رام	رئیس اداره کل کشاورزی

با بروز جنگ جهانی دوم، بین دول متحد (آلمان و ایتالیا و بعد ژاپن) با دول متفق (لهستان و انگلیس و فرانسه) در سال ۱۹۳۹ میلادی دولت ایران روز سه‌شنبه ۱۳ شهریورماه ۱۳۱۹ شمسی اعلامیه‌ای مبنی بر بیطرفی کشور ایران منتشر کرد.[۳۲]

وضع سیاسی ایران نظر به موقعیت جغرافیایی و سیاسی خود در اثر جنگ جهانی دوم، از بسیاری جهات همانند اوضاع و احوال کشور به‌دوران جنگ چهارساله بین‌الملل اول (۱۹۱۸-۱۹۱٤) گردید. افکار عمومی از آنجا که با سیاست دو دولت روس و انگلیس نظر به مداخله آنان در امور داخلی و اعمال قدرت در ایران و با بیانی روشنتر آشنایی با سیاست استعماری آنان از دوران گذشته، مخالف بود، دولت آلمان را به‌عنوان قدرت و وزنه‌ای در برابر نفوذ و قدرت روسیه شوروی در شمال و انگلستان در جنوب ایران پذیرفت.

ناگفته نماند که در افق فکر سیاسی دولتهای وقت و زمامداران نیز همین کشش و تمایل را با اینکه در سیاست خارجی مستقل و براساس ناسیونالیسم متکی بود می‌توان جست. از ثمره آتش مبارزه عالمگیر بین دولتهای متفق و متحد به‌ویژه با فعالیت روزافزون دیپلماسی دول متحد در خاورمیانه کشور ایران باوجود بیطرفی از آسیب جنگ بی‌نصیب نماند.

توضیح اینکه، دو دولت اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان باوجود اعلام بیطرفی

۳۱- روز ۱۸ تیرماه ۱۳۱۹ مجید آهی به وزارت دادگستری منصوب شد.

۳۲- مذاکرات مجلس، دورهٔ ۱۲ قانونگذاری ـ جلسه ٤۵ ـ صفحه ۲۵۲.

ایران در جنگ بین‌الملل همچنان که بیان شد، وجود یک عده اتباع آلمانی مقیم ایران را بهانه حفظ منافع اقتصادی و پیشبرد نقشه‌های نظامی و سیاسی خود قرار دادند و به‌استناد ماده ٦ پیمان قرارداد ۱۹۲۱ میلادی[۳۳] و ۱۹۳۳ میلادی بین ایران و دو دولت یادداشتهایی در دو نوبت به تاریخهای ۲۱ تیرماه و ۲۵ مردادماه ۱۳۲۰ توسط نمایندگان خود به دولت ایران تسلیم کردند و اخراج اتباع آلمانی مقیم ایران را خواستار شدند.

دولت ایران ضمن مذاکرات شفاهی و یادداشتهای مورخ ۷ و ۳۰ مردادماه ۱۳۲۰ شمسی به دو دولت مزبور اطمینان داد که مراقبت لازم را نسبت به رفتار کلیه اتباع بیگانه و عدم امکان بروز مخاطرات از طرف آلمانیهای مقیم ایران به‌عمل خواهد آورد و نیز به‌منظور تأمین خواست دو دولت مزبور، اقدامات مقتضی برای تقلیل عده اتباع آلمانی مقیم ایران به‌عمل آورد.

با اینهمه دو دولت روسیه و انگلستان جهت تأمین منافع سیاسی خود، صبح روز سه‌شنبه ۳ شهریور ماه ۱۳۲۰ نیروی نظامی خود را از مرزهای شمال و غرب و جنوب غربی کشور گذرانده و وارد خاک ایران شدند و شهرهای شمالی و جنوب کشور ایران مورد حمله هوایی دو دولت متجاوز قرار گرفت، پادگانها متلاشی و نیروی دریایی ایران مضمحل و فرمانده آن با عده‌ای از افسران و درجه‌داران نیروی دریایی مقتول و کشتی‌های ایران غرق و طعمه حریق شد.

در همین روز وزیر مختار دولت پادشاهی انگلستان و سفیر کبیر دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به منزل علی منصور «منصورالملک» نخست‌وزیر رفتند و ورود نیروی نظامی دولت متبوع خود را به کشور ایران به اطلاع نامبرده رساندند.

نخست‌وزیر پس از تبادل نظر با هیأت وزیران از مجلس تقاضای تشکیل جلسه خصوصی را کرد و در جلسه مزبور که در همین تاریخ (۳ شهریورماه ۱۳۲۰) تشکیل گردید، رئیس دولت گزارش هیأت دولت را مبنی بر عبور قشون روس و انگلیس به

۳۳ـ ماده ٦ پیمان ۱۹۲۱ میلادی، دولتین ایران و اتحاد جماهیر شوروی، مشعر بر اینکه چنانچه دولت ثالثی بخواهد کشور ایران را پایگاه عملیات ضد جماهیر شوروی قرار دهد و یا بیم تجاوز به مرزهای آن کشور در میان باشد، دولت روسیه حق خواهد داشت نیروی نظامی خود را به ایران اعزام دارد.

عرض نمایندگان مجلس رسانید.

روز چهارم شهریورماه، اعلامیه ستاد ارتش، دایر بر بمباران شهرهای شمال، و جنوب غرب کشور منتشر گردید و به موجب اعلامیه ستاد جنگ تلفات غیرنظامی و نظامی افزون گزارش شد.

روز ۵ شهریورماه ۱۳۲۰، علی‌منصور نخست‌وزیر در کاخ سعدآباد حضور یافت و استعفای هیأت دولت را تقدیم رضاشاه داشت.

٤۲ـ محمدعلی فروغی «ذکاءالملک»

پس از مستعفی شدن دولت منصور، محمدعلی فروغی به تاریخ ۵ شهریور ماه ۱۳۲۰ شمسی، از طرف رضاشاه مأمور تشکیل دولت جدید گردید.

هیأت وزیران روز ٦ شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی (برابر ٤ شعبان ۱۳٦۰) هجری‌قمری به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی گردید و در همین جلسه به‌اتفاق آراء اعتماد اکثریت مجلس را به‌دست آورد.

۱ـ محمدعلی فروغی (ذکاءالملک)	نخست‌وزیر
۲ـ مجید آهی	وزیر دادگستری
۳ـ علی سهیلی	وزیر امور خارجه
٤ـ ابراهیم علم «امیر شوکت‌الملک»	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۵ـ اسماعیل مرآت	وزیر فرهنگ
٦ـ دکتر محمد سجادی	وزیر راه
۷ـ جواد عامری	وزیر کشور
۸ـ سرلشگر احمد نخجوان	کفیل وزارت جنگ
۹ـ صادق وثیقی	کفیل وزارت بازرگانی
۱۰ـ عباسقلی گلشائیان	کفیل وزارت دارایی[۳٤]
۱۱ـ مصطفی‌قلی رام	رئیس اداره کل کشاورزی

رضاشاه روز ٦ شهریورماه دولت جدید را احضار کرد و لزوم عدم مقاومت قوای

۳٤ـ در جلسه ۲۳ شهریورماه از کفالت به وزارت رسید.

مسلح ایران و خاتمه عملیات جنگی را به‌منظور جلوگیری از خونریزی و اختلال امنیت داخلی با هیأت دولت درمیان گذاشت.

به‌دنبال فرمان رضاشاه، دستور خاتمه عملیات جنگی از طرف دولت جدید صادر گردید و گزارش آن پس از معرفی هیأت وزیران توسط نخست‌وزیر به‌عرض مجلس شورای ملی رسید. نمایندگان مجلس درضمن ابراز رأی اعتماد به دولت، تصمیم مذکور در فوق را تصویب کردند.

یادداشت مبنی بر ترک مقاومت نیروی نظامی ایران درمقابل عملیات جنگی و بمباران شهرهای ایران توسط قوای شوروی، روز ٦ شهریورماه ۱۳۲۰ به دو سفارت شوروی و انگلیس ارسال شد. شورای عالی نظام روز ۸ شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی، طرحی مبنی بر مرخصی سربازان وظیفه را تصویب و به مرحله اجرا درآوردند. به‌دنبال این امر رضاشاه، روز ۹ شهریورماه کلیهٔ امرای ارتش که این طرح را تصویب کرده بودند احضار و پس از خلع درجه و مضروب ساختن آنها، به‌عنوان خیانت، زندانی و دستور محاکمه در دادگاه زمان جنگ را صادر کرد.

نمایندگان دو دولت روسیه شوروی و انگلیس از روز ۸ شهریورماه، باب مذاکره و مبادله یادداشتهای سیاسی را با دولت ایران گشودند و ضمن ارسال یادداشتهایی به تاریخ ۸ و ۱۵ شهریورماه اشغال اکثر نواحی کشور، خارج نمودن اتباع آلمانی، تعهد دولت ایران مبنی بر کمک و تهیه لوازم و وسایل جنگی متفقین، و مداخله در امور داخلی ایران را خواستار شدند.[۳۵]

۳۵ـ یادداشت سفارت انگلیس به دولت ایران به‌تاریخ ۸ شهریورماه ۱۳۲۰

دولتین اعلیحضرت پادشاه انگلستان و شوروی خواستار بعضی ضمانتهایی می‌باشند که فعلاً دولت ایران درحقیقت مایل به انجام تقاضاهای عادلانه آنها هستند، تقاضاهای مزبور به قرار ذیل است:

۱ـ دولت ایران باید امر صادر نماید که قشون ایران بدون مقاومت بیشتری از شمال و مشرق خطی که از خانقین کرمانشاه، خرم‌آباد، مسجدسلیمان، هفت‌گل، گچساران، و از آنجا به بندر دیلم که در خلیج فارس واقع شده است عقب‌نشینی نمایند ـ در شمال قشون ایران باید از نقاط اشنو، حیدرآباد، میاندوآب، زنجان، قزوین، خرم‌آباد، زیرآب، سمنان، شاهرود، علی‌آباد عقب‌نشینی کند. نقاط نامبرده بالا موقتاً بوسیله قشون انگلیس و شوروی اشغال خواهد شد.

←

متن یادداشت دولت روسیه شوروی نیز از آنجا که مواد آن منطبق با مفاد یادداشت پیشنهادی دولت انگلستان می‌باشد از ذکر آن در اینجا خودداری می‌شود.

یادداشت دو دولت در جلسه هیأت وزیران در کاخ سعدآباد و با حضور پادشاه مطرح گردید و پس از شور و مذاکره بسیار، پاسخی مشعر بر قبول ضمنی کلیه پیشنهادات آنها و تغییر پاره‌ای از تقاضاها ازجمله عدم اشغال قسمتی از نواحی پیشنهادشده تهیه گردید و به تاریخ ۱۰ شهریورماه به دو سفارت ارسال شد. درضمن آن از دو دولت مواد زیر را خواستار شد:

عدم ایجاد مزاحمت از طرف قوای دو دولت نسبت به اتباع آلمانی هنگام خروج از ایران، مسترد داشتن اسلحه و مهمات ایران که درضمن عملیات جنگی که از روز ۳ شهریورماه به دست قوای آن دو دولت افتاده است.

نمایندگان دول متجاوز روز ۱٤ شهریورماه ۱۳۲۰ درضمن ارسال یادداشتهای دیگری از دولت ایران خواستند تا سفارتخانه‌های دول متحد (آلمان، ایتالیا، مجار و

←

ب ـ دولت ایران بایستی در ظرف یک هفته کلیه اتباع آلمانی به استثنای اعضای صنعتی سفارت آلمان و چندین نفر اشخاص فنی که در بنگاه‌های مخابرات یا نظامی می‌باشند از ایران خارج نموده و صورت اسامی آلمانی‌های مزبور را برای موافقت به نمایندگان سیاسی انگلیس و شوروی در تهران تسلیم نمایند.

ج ـ دولت ایران بایستی تعهد نماید که مانعی در راه حمل و نقل لوازمی که شامل ادوات جنگی نیز خواهد شد و از وسط خاک ایران بین نیروهای انگلیس و شوروی به‌عمل خواهد آمد قرار نداده بلکه تعهد نماید وسایل تسهیل حمل و نقل این قبیل لوازم را که یا به‌وسیلهٔ راه و خط آهن و یا از طریق هوا حمل می‌شود فراهم سازد.

۲ـ درمقابل دولتین انگلیس و شوروی موافقت می‌نمایند که:

الف ـ حقوق مربوط به نفت و غیره ایران را کمافی‌السابق بپردازند.

ب ـ وسایل تسهیل لوازم مورد احتیاجات اقتصادی ایران را فراهم سازند.

ج ـ پیشروی زیادتر نیروهای خود را متوقف ساخته و به‌محض اینکه وضعیت نظامی اجازه دهد قشون خود را از خاک ایران خارج نمایند.

۳ـ علاوه بر این دولت ایران تعهد می‌نماید که بیطرفی خود را ادامه داده و هیچگونه عملی که برخلاف منافع دولتین انگلیس و یا شوروی باشد در این مبارزه که بر اثر تجاوز آلمان بر آنها تحمیل گردیده است ننمایند، ص ۷۰۲.

رومانی) تعطیل شود و اتباع آنان خاک کشور ایران را ترک کنند.

ورود نیروهای خارجی به خاک کشور به‌ویژه تمرکز نیروی نظامی آنان در پایتخت و عوامل سیاسی دیگر ازجمله پیشنهاد دو دولت متجاوز رضاشاه پهلوی را مجبور ساخت تا روز ۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ استعفا از مقام سلطنت ایران را به نخست‌وزیر وقت ابلاغ نماید و تصمیم خود را دایر بر ترک خاک کشور به اطلاع هیأت دولت و مجلس شورای ملی برساند. نخست‌وزیر و وزیر امورخارجه در سفارت خارجه شوروی حضور یافته و خواست سفیران دو دولت را مبنی بر استعفای رضاشاه به اطلاع رساندند.

فروغی، صبح روز ۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰، در جلسه فوق‌العاده مجلس شورای ملی استعفانامه رضاشاه را از مقام سلطنت ایران قرائت نمود و آغاز پادشاهی محمدرضا شاه پهلوی را اعلام داشت: متن استعفانامه رضاشاه را از نظر اهمیت تاریخی آن نقل می‌نماید:

«نظر به اینکه من همه قوای خود را در این چندساله مصروف امور کشور کرده، و ناتوان شده‌ام حس می‌کنم که اینک وقت آن رسیده است که یک قوه و بنیه جوانتری به کارهای کشور که مراقبت دائم لازم دارد بپردازد و اسباب سعادت و رفاه ملت را فراهم آورد.

بنابراین امور سلطنت را به ولیعهد و جانشین خود تفویض کردم و از کار کناره نمودم، از امروز که ۲۵ شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی است عموم ملت از کشوری و لشکری ولیعهد و جانشین قانونی مرا باید به سلطنت بشناسند و آنچه از پیروی مصالح کشور نسبت به من می‌کردند نسبت به ایشان منظور دارند.» کاخ مرمر شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی امضاء

فصل پنجم

تاریخ هیأت دولتهای عصر سوم مشروطیت

از شهریورماه ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی(انقلاب اسلامی)

پادشاه مستعفی، صبح روز سه‌شنبه ۲۵ شهریورماه با خانواده خود از تهران به اصفهان عزیمت کردند و قبل از عزیمت به‌موجب سندی تمام دارایی خود را به محمدرضا انتقال داد تا به‌مقتضای مصالح کشور به مصارف خیریه و فرهنگی و غیره برساند.[۱]

۱ـ متن صلحنامه رضاشاه

به‌نام خداوند متعال ـ چون از ابتدای تأسیس و تشکیل سلطنت خود پیوسته در فکر عمران آبادی کشور بوده و این مطلب را در مقدمه برنامه اصلاحات کشور خود قرار داده بودم و همواره درنظر داشتم آن رویه عمران سرمشق کلیه صاحبان زمین و املاک گردد تا در موقع خود بتوانم از ثمره این املاک کلیه ساکنین و رعایای کشور خود را بهره‌مند نمایم. این فرصت را در این موقع که فرزند ارجمند عزیزم اعلیحضرت محمدرضاشاه پهلوی زمام امور را به‌دست گرفته‌اند حاصل شده است. بنابراین مصالحه نمودم کلیه اموال و دارایی خود را اعم از منقول و غیرمنقول و کارخانجات و غیره از هرقبیل که باشد به ایشان به مال‌الصلح ده‌گرم نبات موهوب، تا به‌مقتضای مصالح کشور به مصارف خیریه و فرهنگی و غیره به هر طریقی که صلاح بدانند برسانند.

ثبت با سند برابر است

رضا پهلوی

چهارشنبه ۲۶ شهریورماه اعلیحضرت محمدرضا شاه با تشریفات سلطنتی به مجلس شورای‌ملی حضور یافت و سوگند وفاداری نسبت به حفظ استقلال ایران و رعایت قانون اساسی مشروطیت را یاد کرد و درضمن مواعیدی مژده جبران اشتباهات و خبط های گذشته را داد و بدین کیفیت دوران سلطنت خود را در بحرانی‌ترین لحظات تاریخ سیاسی معاصر ایران و درحالی‌که سربازان دولتهای خارجی به اطراف تهران رسیده و متوقع مداخله در کلیه شئون داخلی کشور بودند آغاز نهاد. محمدعلی فروغی، طبق سنن پارلمانی روز ۲۶ شهریورماه استعفا داد، ولی مجلس شورای ملی مجدداً ابراز تمایل به ادامه خدمت وی کرد.

به‌دنبال اعتراض نمایندگان مجلس شورای ملی نسبت به توقیف عده‌ای از زندانیان حکومت سابق، روز پنجشنبه ۲۷ شهریورماه فرمان عفو عمومی مقصرین سیاسی به‌موجب ماده ۵۵ قانون کیفر عمومی از طرف پادشاه صادر گردید.

محمدعلی فروغی از طرف اعلیحضرت جدید مأمور تشکیل هیأت وزیران گردید. هیأت دولت در جلسه یکشنبه ۳۰ شهریورماه (برابر ۲۸ شعبان ۱۳۶۰ هجری قمری) توسط آهی وزیر دادگستری به‌شرح زیر معرفی گردید.

۱- محمدعلی فروغی	نخست‌وزیر
۲- علی‌اصغر حکمت	وزیر پیشه و هنر
۳- علی سهیلی	وزیر امور خارجه
٤- اسماعیل مرآت	وزیر بهداری
۵- دکتر محمد سجادی	وزیر راه
٦- عباسقلی گلشائیان	وزیر بازرگانی و اقتصاد
۷- سرلشکر احمد نخجوان	وزیر جنگ
۸- امان‌الله جهانبانی	وزیر کشور
۹- دکتر مشرف نفیسی	وزیر دارایی
۱۰- حمید سیاح	وزیر پست و تلگراف
۱۱- علی‌اکبر حکیمی	وزیر کشاورزی
۱۲- دکتر عیسی صدیق	وزیر فرهنگ

۱۳- مجید آهی وزیر دادگستری۲

برنامه دولت در جلسه ۳۰ شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی قرایت شد و برای تصویب نمایندگان تقدیم مجلس گردید. مجلس در جلسهٔ سه‌شنبه اول مهرماه برنامه دولت را برای تصویب مطرح ساخت. پس از رأی‌گیری که متضمن ابراز اعتماد به هیأت وزیران نیز بود با اکثریت آراء به‌تصویب رسید. و در همین جلسه دستخط پادشاه به‌عنوان نخست‌وزیر به‌شرح فوق به اطلاع نمایندگان رسید.

«جناب آقای نخست‌وزیر: چون منظور اعلیحضرت پدر بزرگوار ما در واگذاری اموال خودشان به ما این بود که به مصارف خیریه برسد و ما هم همیشه سعی داشته و داریم که وسایل آسایش و رفاه عموم را از هرحیث فراهم آوریم.

بنابراین چنین تصمیم نمودیم اموالی که ازقبیل املاک و مستغلات و کارخانجات به ما واگذار شده است به‌منظور ترقی کشاورزی و بهبودی حال کشاورزان - ترقی اوضاع شهرها - ترقی صنایع کشور و بهبود حال کارگران - ترقی فرهنگ و بهداری به دولت و ملت اعطاء نماییم تا برحسب اقتضاء و برای انجام منظورهای بالا یا املاک را به‌فروش برسانند و یا با حفظ و توسعه آبادی آنها در تملک نگاهدارند و نیز مقرر می‌داریم که اگر کسانی‌باشند که نسبت به املاک ادعای‌غبنی داشته باشند پس از رسیدگی به شکایت آنها از محل همان املاک رفع ادعا بشود.» (۳۰ شهریورماه ۱۳۲۰)

روز یکشنبه ۳۰ شهریورماه، به‌دنبال مذاکرات دولت با نمایندگان دول متفق، متجاوز از یکصدتن از اتباع آلمانی به مقامات نظامی دو دولت روسیه و انگلیس تحویل داده شدند و مسئولیت حفظ منافع دولت آلمان و بلغار برعهده سفارت سوئد در تهران و دولت ایتالیا و رومانی به سفارت ژاپن در تهران واگذار گردید.

به‌دنبال استیضاح یکی از نمایندگان مجلس در جلسهٔ ۲۳ شهریورماه، از طرف دولت هیأتی مأمور رسیدگی به جواهرات سلطنتی به‌تاریخ ٤ مهرماه ۱۳۲۰ شدند.

در تاریخ ۷ مهرماه ۱۳۲۰ شمسی هیأت مؤسس حزب جدیدالتأسیس توده ضمن تشکیل جلسه‌ای اعضای کمیته مرکزی موقت خود را مرکب از اشخاص زیر

۲- مذاکرات مجلس - دوره دوازدهم قانونگذاری - جلد دوم - صفحه ۱۱۷

انتخاب کردند.

۱ـ سلیمان میرزا اسکندری
۲ـ عباس اسکندری
۳ـ شیخ محمد یزدی
٤ـ ایرج اسکندری
۵ـ رضا روستا
٦ـ دکتر مرتضی یزدی
۷ـ دکتر رضا رادمنش
۸ـ عبدالحسین نوشین
۹ـ دکتر محمد بهرامی
۱۰ـ بزرگ علوی
۱۱ـ علی امیرخیزی

در جلسه ۱٦ مهرماه مجلس شورای ملی، لایحه الغای قانون ریاست عالیه کل قوا را که از امتیازات شخص رضاشاه بود از طرف دولت تقدیم مجلس گردید و به تصویب نمایندگان رسید.

نیروی نظامی دو دولت روس و انگلیس و همچنین واحدهای ارتش دولت آمریکا که از اواخر شهریورماه ۱۳۲۰ به تهران وارد شده بودند، پس از تنظیم معاهدات خود با دولت ایران و تحویل گرفتن اتباع آلمانی، بتدریج از روز ۲۷ مهرماه پایتخت را ترک گفتند و تنها عده قلیلی از نیروهای هریک از دولتهای مذکور به بهانه نظارت در اجرای مواد مختلف معاهدات خود با دولت ایران بویژه مسأله حفظ ارتباط و تأمین وسایل حمل و نقل جنگی در پایتخت باقی ماندند.

دوازدهمین دوره قانونگذاری روز ۹ آبان ماه ۱۳۲۰ خاتمه یافت و روز ۲۲ آبان ماه مجلس سیزدهم که انتخابات آن پیش از جریان وقایع شهریورماه انجام گرفته بود توسط محمدرضاشاه پهلوی افتتاح گردید، در جریان مقدمات افتتاح دوره جدید مجلس شورای ملی انتخابات دوره سیزدهم مورد اعتراض عامه مردم و مطبوعات قرار گرفت و از دولت فروغی خواستار شدند تا انتخاباتی که زیر نظر مستقیم مأموران دولت وقت انجام شده و آزادی در آن ملحوظ نگردیده است لغو گردد. دولت وقت به‌علل سیاسی بویژه حضور قشون متفقین در ایران تأمین خواست ملت را عاقلانه و به صلاح کشور ندانست.

پس از افتتاح مجلس، هیأت دولت بنا به سنت پارلمانی مستعفی گردید و روز دوشنبه ۱۰ آذرماه محمدعلی فروغی از طرف شاه مجدداً مأمور تشکیل دولت شد.

فروغی پس از تبادل نظر با نمایندگان فراکسیونهای مختلف مجلس (اتفاق ـ میهن و اتحاد)، هیأت وزیران را با تمایل بلاشرط آنان انتخاب و روز ۱۲ آذرماه به

حضور همایونی و روز پنجشنبه ۱۳ آذرماه برابر با ۱۵ ذیقعده ۱۳۶۰ به شرح زیر به مجلس معرفی کرد و مجلس تمایل خود را به دولت در جلسه ۲۳ آذرماه ۱۳۲۰ با اکثریت آرا ابراز داشت. (اکثریت ۷۷ رأی از ۱۰۳ نفر عده حاضر در جلسه)

۱ـ محمدعلی فروغی	نخست‌وزیر
۲ـ سیدمحمد تدین	وزیر فرهنگ
۳ـ سیدباقر کاظمی	وزیر بهداری
٤ـ مجید آهی	وزیر دادگستری
۵ـ علی سهیلی	وزیر امور خارجه
٦ـ سپهبد امیراحمدی	وزیر کشور
۷ـ عباسقلی گلشائیان	وزیر پیشه و هنر
۸ـ سرلشگر احمد نخجوان	وزیر جنگ
۹ـ سرلشگر امان‌الله جهانبانی	وزیر راه
۱۰ـ علی‌اکبر حکیمی	وزیر کشاورزی
۱۱ـ دکتر مشرف نفیسی	وزیر دارایی
۱۲ـ حمید سیاح	وزیر پست و تلگراف[۳]

دولت فروغی روز ۲٤ آذرماه لایحه پیمان اتحاد بین دولت ایران و دو دولت روسیه شوروی و انگلیس را تقدیم مجلس داشت.

این لایحه در مجلس سیزدهم با مخالفت پاره‌ای از نمایندگان مواجه شد و چندین جلسه وقت مجلس صرف مذاکرات موافق و مخالف دربارهٔ این لایحه گردید و سرانجام با اکثریت ۸۰ رأی از ۹۳ رأی ماده واحده ذیل را تصویب کرد. (٦ بهمن‌ماه ۱۳۲۰)

«ماده واحده ـ مجلس شورای ملی، پیمان اتحاد بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و انگلستان را که مشتمل بر ۹ فصل می‌باشد و در تاریخ ۲٤ آذر ۱۳۲۰ شمسی، از طرف نمایندگان سه دولت پاراف شده تصویب و به دولت اجازه می‌دهد امضا و مبادله شود. این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن پیمان

۳ـ مذاکرات دورهٔ سیزدهم ـ جلسهٔ ششم.

اتحاد پیوست آن می‌باشد در جلسه ششم بهمن‌ماه به تصویب مجلس شورای ملی رسید.»

قبل از تصویب این لایحه روز ۵ بهمن‌ماه درحالی‌که شور دوم لایحه اتحاد سه‌جانبه در مجلس مطرح بود و نخست‌وزیر بیانات مشروحی درباب لزوم عقد این پیمان ایراد می‌کرد، یکنفر از تماشاگران از جایگاه خود بیرون جست و سنگی به‌طرف فروغی پرتاب کرد. بدین‌کیفیت لحظاتی چند نظم جلسه مجلس را مختل ساخت. مجلس پس از نیم ساعت تعطیل مجدداً رسمیت یافت و نخست‌وزیر پشت تریبون رفت و درضمن بیان عبارات ذیل، (جمله معترضه‌ای بود کلام بنده را قطع کرد، البته جای تأسف است ولی جای تعجب نیست. چون مطلب خیلی بزرگ است، شبهاتی القا می‌شود و اشخاصی هم که درست از اوضاع و احوال مسبوق نیستند به اشتباه می‌افتند و بر اثر اشتباهاتی که به ایشان دست می‌دهد عقایدی اتخاذ می‌کنند)به‌نطق خود در مورد پیمان ادامه داد.

با تصویب پیمان مذکور، عده‌ای از نمایندگان مجلس به مخالفت با دولت برخاستند و وزیر دارایی وقت را مورد استیضاح قرار دادند، سرانجام هیأت دولت در ۸ اسفندماه مستعفی شد ولی فروغی مجدداً مأمور تشکیل هیأت وزیران گردید.

نخست‌وزیر، کابینه قبلی را بدین‌شرح ترمیم و روز ۱۱ اسفندماه برابر ۱۵ صفر ۱۳۶۱ به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱ـ مجید آهی	وزیر کشاورزی و اقتصاد
۲ـ علی‌اصغر حکمت	وزیر بهداری
۳ـ باقر کاظمی	وزیر کشور
٤ـ علی سهیلی	وزیر امورخارجه
۵ـ عباسقلی گلشائیان	وزیر دادگستری
٦ـ مصطفی عدل	وزیر فرهنگ
۷ـ حسنعلی کمال هدایت	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۸ـ یدالله عضدی	وزیر دارایی
۹ـ امان‌الله جهانبانی	وزیر راه
۱۰ـ عبدالحسین هژیر	وزیر پیشه و هنر و بازرگانی
۱۱ـ محمدعلی فروغی نخست‌وزیر	وزیر جنگ[٤]

٤ـ مذاکرات مجلس ـ دورهٔ سیزدهم قانونگذاری جلسهٔ ۳۱ ـ صفحهٔ ٤۱۵.

فروغی پس از معرفی اعضای هیأت دولت، تقاضای رای اعتماد از مجلس کرد. پس از اخذ رای مجلس شورای ملی با اکثریت ٦۵ رای از ۱۱۲ رای تمایل خود را نسبت به زمامداری دولت ابراز داشت.

نخست‌وزیر، از آنجا که ادامه زمامداری را با اکثریت ضعیفی که به‌دست آورده بود صلاح نمی‌دانست در همان جلسه (۱۱ اسفند ماه) استعفای کابینه را تقدیم داشت.

٤۳- علی سهیلی

پس از کناره‌گیری فروغی، برحسب تمایل مجلس شورای ملی، علی سهیلی وزیر امور خارجه دولت قبلی مأمور تشکیل هیأت دولت گردید.

سهیلی اولین کابینه خود را به تاریخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۲۱ (برابر ۲۲ صفر ۱۳٦۱ هجری قمری) به‌ترتیب زیر به مجلس معرفی کرد و در تاریخ ۲۱ اسفند ماه با ۱۰۱ رای از ۱۰٤ رای حاضر، اعتماد مجلس را بدست آورد.

۱- علی سهیلی	نخست‌وزیر و وزیر کشور[۵] و کفالت وزارت خارجه[٦]
۲- مجید آهی	وزیر دادگستری[۷]
۳- علی‌اصغر حکمت	وزیر بهداری
٤- محمود بدر	وزیر دارایی
۵- سرلشگر امان‌الله جهانبانی	وزیر راه
٦- عبدالحسین هژیر	وزیر پیشه و هنر و بازرگانی
۷- احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۸- فضل‌الله بهرامی	وزیر پست و تلگراف[۸]

۵- سه‌شنبه ۲ تیرماه محمد ساعد سفیرکبیر ایران در اتحاد جماهیر شوروی به‌سمت وزیر امور خارجه به مجلس شورای ملی معرفی گردید.

٦- مجید آهی در ۲۵ تیرماه مستعفی گردید.

۷- فرخ (معتصم‌السلطنه) به‌تاریخ سه‌شنبه ۱٦ تیرماه به وزارت کشور انتخاب گردید.

۸- مذاکرات مجلس دوره سیزدهم - جلسه ۳۲ - صفحه ٤۲۱.

به‌مناسبت آغاز جنگ بین دول متفق و دولت ژاپن، دولت ایران در اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ روابط سیاسی خود را با امپراتوری ژاپن قطع کرد.

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۱، به تقاضای ایران مبنی بر استفاده از قانون وام و اجاره دولت آمریکا که در کابینه فروغی به‌عمل آمده بود، از طرف دولت آمریکا پاسخ مثبت داده شد و دولت ایران نیز مشمول قانون مزبور گردید و مراتب در جلسه یکشنبه ۱۳ اردیبهشت‌ماه از طرف علی سهیلی نخست‌وزیر وقت به عرض مجلس شورای ملی رسید.

مخالفت عده‌ای از نماینده‌گان مجلس شورای ملی با دولت وقت، به‌صورت بازخواست و سئوال در موارد مختلف ازجمله: تأمین خواروبار و جیره‌بندی نان، توقیف بعضی از روزنامه‌ها (به‌تاریخ ۱٤ تیرماه ۱۳۲۱) و همچنین ارجاع محاکمه متهمان شهربانی به اتهام قتل تنی چند از زندانیان سیاسی در زمان حکومت رضاشاه پهلوی (مدرس، نصره‌الدوله، سردار اسعد و تیمورتاش) به دیوان کیفر کارمندان درحالی‌که در صلاحیت دادگاه جنایی بوده است، موجبات تزلزل کابینه را فراهم ساخت.

زمینه نامساعد مجلس، سهیلی را برآن داشت تا استعفای خود را در جلسه پنجشنبه ۸ مردادماه ۱۳۲۱ به مجلس شورای ملی تقدیم دارد.

٤٤ـ احمد قوام «قوام‌السلطنه»

پس از استعفای سهیلی در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی، نماینده‌گان به نخست‌وزیری مؤتمن‌الملک ابراز تمایل کردند ولی نامبرده از قبول زمامداری خودداری کرد (۷ مردادماه ۱۳۲۱)، سرانجام احمد قوام به‌موجب تمایل مجلس به تاریخ ۱۳ مردادماه مأمور تشکیل دولت گردید و اولین هیأت دولت خود را در دوران سوم مشروطیت روز یکشنبه ۱۸ مردادماه برابر ۲٦ رجب ۱۳٦۱ قمری به‌شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد و در جلسه ۲۲ مردادماه دولت با اکثریت ۱۰۸ رای از ۱۱٦ رای حاضر در جلسه اعتماد مجلس را بدست آورد.

۱ـ احمد قوام‌السلطنه	نخست‌وزیر (برطبق امر پادشاه وزارت جنگ را نیز عهده‌دار بود)
۲ـ صادق صادق مستشارالدوله	وزیر مشاور
۳ـ ابراهیم حکیمی	وزیر مشاور

۴ـ دکتر اسماعیل مرزبان	وزیر بهداری
۵ـ علیرضا قره گزلو	وزیر دادگستری
۶ـ حسن تقی‌زاده	وزیر دارایی[۹]
۷ـ باقر کاظمی	وزیر کشور[۱۰]
۸ـ حمید سیاح	وزیر پست و تلگراف
۹ـ یدالله عضدی	وزیر راه
۱۰ـ عبدالحسین هژیر	وزیر بازرگانی و پیشه و هنر
۱۱ـ احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۱۲ـ محمد ساعد	وزیر امور خارجه
۱۳ـ علی‌اکبر سیاسی	وزیر فرهنگ[۱۱]

با تأسیس وزارت خواربار، نخست‌وزیر، فرخ را به سمت وزیر خواربار معرفی کرد بەتاریخ ۲ مهرماه.روز پنجشنبه ۱۵ مردادماه، عده کثیری از شخصیتهای مختلف به نام مقصرین سیاسی و به جرم شرکت در اقدامات ستون پنجم به ضد متفقین بازداشت و به شهر اراک تبعید شدند. این امر موجب اعتراض شدید جراید و مقامات صلاحیتدار گردید، و از طرف نمایندگان مجلس نیز اقدامات مقتضی جهت رهایی آنها بەعمل آمد ولی مؤثر واقع نگشت.

مخالفت مجلس با دولت قوام از مهرماه با دفاع قوام از لایحه نظام وظیفه که از طرف دولت گذشته به مجلس تقدیم شده بود آغاز گردید و بتدریج فراکسیونهای مختلف مجلس در مقابل اقدامات دولت به صف‌آرایی پرداختند.

روز یکشنبه ۱۷ آبان‌ماه دولت بەمنظور تکمیل اصلاح امور دارایی کشور، لایحه استخدام دکتر میلسپو آمریکایی، مستشار سابق مالی ایران را برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم داشت. ترقی سطح زندگی، افزایش قیمتها، محدود بودن اختیارات

۹ـ در جلسه یکشنبه اول شهریورماه کاظمی به وزارت دارایی و جواد عامری به وزارت کشور منصوب شدند.

۱۰ـ دکتر سیاسی روز اول شهریورماه ۱۳۲۲ از مقام خود مستعفی گردید.

۱۱ـ مذاکرات مجلس دورهٔ سیزدهم ـ جلسه ۷۸ ـ صفحهٔ ۱۱۳۸ ـ در جلسه ۲ دی‌ماه سپهبد امیراحمدی به سمت وزیر جنگ به مجلس شورای ملی معرفی گردید.

قانونی دولت در تعقیب مرتکبین و محتکرین ارزاق، دولت را برآن داشت تا برای حسن جریان امور و جلوگیری از افزایش قیمتها از طرف فروشندگان، اختیارات بیشتری از مجلس تقاضا کند، لایحهٔ اختیارات دولت (که در تاریخ ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۲۱ به مجلس داده شد) از طرف مجلس پذیرفته نشد و موجبات عدم رضایت بیشتر پاره‌ای از نمایندگان مجلس را با سیاست دولت وقت فراهم ساخت. همراه با جریان فوق، انتقاد مطبوعات و جراید از اوضاع روز مسأله تأمین خواربار و قحطی ازسویی عوامل نارضایی مردم از فشار و سختی معیشت و فقر عمومی و موضوع نان از سوی دیگر، زمینه انقلاب هیجان‌آمیز آذرماه را بوجود آورد.

روز ۱۷ آذرماه جمعی از دانش‌آموزان شهرستانها مقیم پایتخت همراه با جمعی از دانش‌آموزان دیگر به‌عنوان شکایت از وضع ارزاق و سختی زندگی با شعارهای «ما نان می‌خواهیم» به مجلس وارد و خواست خود را با تنی چند از نمایندگان درمیان گذاشتند و پس از مذاکرات لازم به‌تدریج متفرق گردیدند ولی این تظاهر آرام منشاء تظاهرات دامنه‌داری همراه با غارت از طرف جمعی توده بیکار و دسته‌های مختلف که از اوضاع روز ناراضی بودند گردید، چنانکه جمعیت کثیری اطراف بهارستان و مجلس را فراگرفت. تظاهرکنندگان با حالت تعرض نسبت به نمایندگان مجلس، وارد محوطه مجلس شدند و به‌طرف تالار جلسه علنی هجوم بردند و ضمن مضروب ساختن تعدادی از نمایندگان با شکستن در و پنجره‌های مجلس خسارت و خرابیهایی در مجلس ایجاد گردید. به‌دنبال این تظاهرات بازار تهران نیز تعطیل گردید.

این جنجال و هیاهو همراه با سخنرانیهایی دربارهٔ مسایل مختلف کشور تا اوایل شب همچنان ادامه داشت. دولت به‌منظور برقراری نظم و آرامش، نیروی نظامی را به مقابله با جمعیت اعزام داشت، نیروی انتظامی توانست بتدریج تا نیمه‌های شب ۱۸ آذرماه جمعیت اطراف بهارستان را متفرق سازد ولی نتوانست آتش بلوا و انقلاب را خاموش کند.

صبح روز ۱۸ آذرماه، جمعیت کثیری مرکب از طبقات مختلف با حرارت بیشتری با وجود استقرار نیروی نظامی و زره‌پوش در اکثر خیابانهای تهران به حرکت درآمدند، گروهی از آنها به‌طرف مجلس شورای ملی و جمعی دیگر با دادن شعارهایی به‌طرف قصر سلطنتی روی آوردند و پاره‌ای نیز به‌قصد غارت عمارت مسکونی

نخست‌وزیر (قوام‌السلطنه) حمله و غارت را شروع کردند. از آنجا که روش مسالمت‌آمیز دولت از جنبش جمعیت نتوانست جلوگیری کند قوای انتظامی به قوه قهریه توسل جست و شروع به شلیک کردند. این ماجرا پس از دو روز با مقتول و مجروح شدن عده بسیاری خاتمه یافت و به دستور دولت عبور و مرور در شب از ساعت هشت به‌بعد قدغن گردید و مجلس نیز تا روز ۲۹ آذرماه برای ترمیم خرابیها تعطیل شد.

به‌دنبال این تظاهرات عده کثیری دستگیر و انتشار کلیه جراید در تهران توقیف گردید و تنها یک روزنامه از طرف اداره تبلیغات و انتشارات کشور منتشر می‌شد.

تعطیل جراید تا روز دوشنبه ۲۱ دی‌ماه همچنان ادامه داشت و در این روز با اصلاح قانون مطبوعات مصوب ۳ دی‌ماه ۱۳۲۱، جراید پس از مدتی تعطیل کار خود را با محدودیت بسیار آغاز کردند.

هیأت دولت ترمیم یافت و وزیران جدید روز ۳۰ دی‌ماه به‌ترتیب زیر نخست به حضور پادشاه و روز پنجشنبه اول بهمن‌ماه به مجلس شورای ملی معرفی گردیدند.

۱ـ محمد ساعد	وزیر امور خارجه
۲ـ فرج‌الله بهرامی	وزیر کشور
۳ـ الهیار صالح	وزیر دارایی
٤ـ جواد عامری	وزیر دادگستری
۵ـ سپهبد امیراحمدی	وزیر جنگ
٦ـ عبدالحسین هژیر	وزیر بازرگانی و پیشه و هنر
۷ـ دکتر علی‌اکبر سیاسی	وزیر فرهنگ
۸ـ دکتر مشرف نفیسی	وزیر کار و اقتصاد ملی
۹ـ مهدی فرخ	وزیر خواربار
۱۰ـ محسن رئیس	وزیر راه
۱۱ـ نصرالله انتظام	وزیر بهداری
۱۲ـ احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۱۳ـ علی معتمدی	وزیر پست و تلگراف
١٤ـ ابراهیم حکیمی	وزیر مشاور
۱۵ـ صادق صادق	وزیر مشاور

۱۶- علیرضا قره گزلو وزیر مشاور

این ترمیم نتوانست در تثبیت کابینه مؤثر افتد، سرانجام به‌دنبال استعفای عده کثیری از وزیران به تاریخ ۱۶ بهمن‌ماه ۱۳۲۱، در جلسه ۱۸ بهمن‌ماه مجلس شورای ملی، تمایل نمایندگان نسبت به ادامه زمامداری احمد قوام‌السلطنه با اکثریت ضعیف ۶۵ رأی اعلام گردید و قوام‌السلطنه در برابر کارشکنی نمایندگان به‌صورت استیضاح و سؤال، و تحریکات خارجی مقاومت در ادامه خدمت را صلاح ندانسته و پیش از آن‌که هیأت دولت را تشکیل دهد روز شنبه ۲۴ بهمن‌ماه استعفای خود را به حضور همایونی تقدیم داشت.

* * *

۴۵- علی سهیلی

با سقوط دولت قوام، تمایل مجلس شورای ملی با اکثریت ۷۲ رأی نسبت به زمامداری علی سهیلی توسط ریاست مجلس به عرض شاه رسید. نامبرده به‌تاریخ ۲۵ بهمن‌ماه مأمور تشکیل دولت گردید و روز ۲۸ بهمن‌ماه ۱۳۲۱ برابر با ۱۲ صفر ۱۳۶۲ هجری قمری هیأت وزیران جدید را به‌ترتیب زیر به حضور پادشاه و مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۱۲]

۱- علی سهیلی نخست‌وزیر و وزیر داخله

۲- سیدمحمد تدین وزیر مشاور

۳- حسین سمیعی ادیب‌السلطنه وزیر مشاور

۴- امان‌الله اردلان وزیر بهداری

۱۲- تغییرات زیر در کابینه مورخ ۲۵ بهمن‌ماه ۱۳۲۱ روی داده است:

۱- در جلسه ۱۳ اسفندماه تدین به وزارت خواربار معرفی گردید.

۲- در تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۲۱ عنایت‌الله سمیعی به وزارت کشور و خلیل فهیمی به سمت وزیر مشاور تعیین شدند.

۳- ۱۲ مردادماه ۱۳۲۲ محسن صدر به سمت وزارت دادگستری منصوب شد.

۴- در جلسه ۲۷ اسفندماه ۱۳۲۱ احمد اعتبار به سمت وزیر کشاورزی معرفی شد.

۵- اللهیار صالح سه‌شنبه ۱۶ فروردین ۲۲ مستعفی و سهام‌السلطان بیات در جلسه ۱۶ اردیبهشت‌ماه به وزارت دارایی منصوب شد.

۵- علی‌اصغر حکمت — وزیر دادگستری
۶- محمود بدر — وزیر بازرگانی و پیشه و هنر
۷- سپهبد احمد امیراحمدی — وزیر جنگ
۸- عبدالحسین هژیر — وزیر راه
۹- محمد ساعد — وزیر امور خارجه
۱۰- دکتر علی‌اکبر سیاسی — وزیر فرهنگ
۱۱- نصرالله انتظام — وزیر پست و تلگراف
۱۲- اللهیار صالح — وزیر دارایی

طرح تصویب برنامهٔ دولت در جلسهٔ مورخ یکشنبه دوم اسفندماه ۱۳۲۱ انجام گرفت و پس از تصویب برنامه با اکثریت ۸۹ رأی از ۹۹ تن عده نمایندگان حاضر در جلسه، نمایندگان مجلس شورای ملی نسبت به دولت سهیلی ابراز اعتماد نمودند.

به‌منظور برقراری ارتباط نزدیک بین مجلس و دولت و حسن جریان امور در جلسه خصوصی ۱۲ اسفندماه ۱۳۲۱ شمسی برطبق تقاضای دولت موافقت شد که ۱۴ تن از نمایندگان مجلس شورای ملی در تمام امور با دولت اشتراک مساعی داشته باشد.

نخست‌وزیر لایحه اختیارات دکتر میلسپو رئیس کل دارایی را روز سه‌شنبه ۲۵ اسفندماه برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم داشت. روز تصویب لایحه مزبور (سه‌شنبه ۳۰ فروردین‌ماه ۱۳۲۲) بازرگانان و اصناف به‌عنوان اعتراض دکانها را تعطیل کردند، دولت قبل از آن که این مخالفت به‌صورت اغتشاش و بلوا درآید اقدامات مقتضی را معمول داشت و درضمن صدور اعلامیه‌ای مبنی بر حدود اختیارات رئیس کل دارایی و روشی که دولت به‌منظور جلوگیری از احتکار و قاچاق و بازار سیاه درپیش گرفته است موجبات تسکین افکار عمومی را تا اندازه‌ای فراهم ساخت. و سرانجام لایحه اختیارات رئیس کل دارایی مشتمل بر ۸ ماده در جلسهٔ ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۲ به تصویب مجلس رسید.

ازپیش اشاره شد که با تغییر مقام سلطنت، به‌دنبال اعتراض نمایندگان دوره سیزدهم مجلس نسبت به بازداشت پاره‌ای از متنفذین و رجال سیاسی در دولتهای گذشته، فرمان عفو عمومی صادر شد (در دولت محمدعلی فروغی)

با صدور فرمان فوق در میان آزادشدگان سیاسی آن عده از رؤسای طوایف و

ایلات و عشایر و صاحبان نفوذ که طبعاً به سبب سلب حق آزادی در گذشته با روحیه ناراضی و عصیان‌آمیز به موطن خود بازگشتند، آرام ننشسته و به‌منظور جبران قدرت از دست رفته به تمرد و سرپیچی از قوانین و مقررات و قیام به‌ضد دولت‌های وقت پرداختند و بتدریج موجبات ناامنی و ناراحتی دولت مرکزی را فراهم ساختند.

اغتشاش صفحات فارس و خراسان و به‌دنبال آن کردستان و لرستان و نیز آذربایجان شرقی و غربی را به‌عنوان نمونه‌های بارز زمزمه‌های مخالفت‌آمیز و عصیان و تمرد می‌توان نام برد. در دولت سهیلی در صفحات فارس ناصر قشقایی که پس از آزاد شدن و مراجعت به میان طایفه و ایل خود به جمع‌آوری نیروی کافی پرداخته و با به‌دست آوردن سلاحهای دولتی قدرتی حاصل کرده بود شهر شیراز را محاصره کرد و با قتل چندتن از افسران ارتش ازجمله فرمانده پادگان سمیرم (حسنعلی شقاقی) امنیت را از آن نواحی سلب ساخت. (۸ تیرماه ۱۳۲۲)

اغتشاش صفحات خراسان از طرف ایل هزاره نیز در زمان تصدی دولت سهیلی آغاز شد و این غایله با کشته شدن یوسف هزاره به‌تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۲۲ خاتمه یافت. دولت مرکزی از تاریخ اول خردادماه ۱۳۲۲ به عملیات نظامی به‌ضد متمردان دست زد و سرانجام با اعزام هیأتهای متوالی به فارس و قبول پاره‌ای از تقاضاهای قشقاییها غایله رفع و آرامش نسبی در نواحی فوق برقرار شد (مردادماه ۱۳۲۲)

روز ۸ شهریورماه ۱۳۲۲ شمسی، از طرف نیروی نظامی دو دولت شوروی و انگلستان، عده بیشماری از رجال سیاسی، افسران ارتش و کارمندان دولت و روزنامه‌نگاران را به اتهام همکاری با آلمان و تشکیل ستون پنجم توقیف و در اراک زندانی کردند. سیدمحمد تدین وزیر کشور وقت نیز طی اعلامیه‌ای در تأیید ادعای دو دولت مذکور، اتهام بازداشت‌شدگان ایرانی را همکاری با نیروی فاشیست اعلام کرد.

روز پنجشنبه ۱۷ شهریورماه ۱۳۲۲، برابر ۹ سپتامبر ۱۹۴۳ میلادی دولت فرمان اعلان جنگ ایران با دولت آلمان را که به صحه همایونی رسیده بود به مجلس اعلام کرد و در همین جلسه به تصویب نمایندگان رسانید. نخستین انجمن عاملین و سررشته‌داران جنگ جهانی دوم از روز ۵ آذرماه ۱۳۲۲ شمسی برابر ۲۷ نوامبر ۱۹۴۳ میلادی در ایران تشکیل شد. توضیح آن‌که پیشوایان و رهبران بزرگ سه دولت آمریکا

و انگلستان و روسیه شوروی[۱۳] به‌منظور حل و عقد مشکلات جنگ و مسایل مهم آن به تهران وارد شدند و به کنفرانسهای سیاسی و مشاوره نظامی پرداختند. کنفرانس سران سه دولت بزرگ مدت ۵ روز طول کشید و در پایان مذاکرات خود، اعلامیه‌ای راجع به ایران به شرح زیر منتشر کردند. (به‌تاریخ ۱۹ آذرماه ۱۳۲۲ شمسی)

«دولتهای کشوری متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ممالک متحده انگلستان در حفظ استقلال و حاکمیت و تمامیت ارضی ایران با دولت اتفاق نظر دارند و به مشارکت ایران با سایر ملل صلح‌دوست در برقراری صلح بین‌المللی و امنیت و سعادت بعد از جنگ برطبق اصول منشور آتلانتیک که مورد قبول هر چهار دولت است استظهار دارند.»

نخست‌وزیر در تاریخ ۲۳ آذرماه ۱۳۲۲ شمسی ضمن ترمیمی ـ هیأت دولت جدید خود را بدین‌شرح تشکیل داد.

۱ـ محمد ساعد	وزیر امور خارجه
۲ـ ابراهیم زند	وزیر جنگ
۳ـ عبدالحسین هژیر	وزیر کشور
٤ـ امان‌الله اردلان	وزیر دارایی
۵ـ محسن صدر «صدرالاشراف»	وزیر دادگستری
٦ـ دکتر عیسی صدیق‌اعلم	وزیر فرهنگ
۷ـ حمید سیاح	وزیر پست و تلگراف
۸ـ نصرالله انتظام	وزیر راه
۹ـ سرلشگر اسماعیل شفایی	وزیر بازرگانی و پیشه و هنر
۱۰ـ موسی نوری اسفندیاری	وزیر کشاورزی
۱۱ـ دکتر قاسم غنی	وزیر بهداری
۱۲ـ مصطفی عدل «منصورالسلطنه»	وزیر مشاور

سیزدهمین دوره قانونگذاری روز اول آذرماه ۱۳۲۲ پایان یافت و انتخابات دوره چهاردهم که در دوران زمامداری سهیلی با الغای مقررات حکومت نظامی (مورخ یکشنبه

۱۳ـ ژوزف استالین پیشوای اتحاد جماهیر شوروی، وینستون چرچیل نخست‌وزیر انگلستان، فرانکلین روزولت رئیس‌جمهور آمریکا.

اول آبان‌ماه ۱۳۲۲) صورت گرفته بود به تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۲۲ افتتاح شد و دولت سهیلی پس از آمادگی مجلس به‌موجب سنت پارلمانی روز پنجشنبه ۲۵ اسفندماه ۱۳۲۲ شمسی مستعفی گردید.

* * *

٤٦- محمد ساعد - ۸ فروردین‌ماه ۱۳۲۳

پس از برکناری سهیلی از نخست‌وزیری، مجلس شورای ملی تمایل خود را با اکثریت آرا به زمامداری محمد ساعد ابراز داشت. پس از عرض گزارش تمایل نمایندگان به حضور پادشاه، نامبرده از طرف محمدرضاشاه مأمور تشکیل دولت گردید. (۲۷ اسفندماه ۱۳۲۲ شمسی)

نخست‌وزیر، دولت جدید را روز ٦ فروردین‌ماه ۱۳۲۳ به حضور پادشاه و روز سه‌شنبه ۸ فروردین‌ماه به‌شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[14]

۱- محمد ساعد	نخست‌وزیر و وزیر اموردا‌خله
۲- مرتضی قلی بیات	وزیر مشاور
۳- مصطفی عدل	وزیر مشاور
٤- عبدالحسین هژیر	وزیر کشور
۵- حمید سیاح	وزیر راه
٦- ابراهیم زند	وزیر جنگ
۷- دکتر قاسم غنی	وزیر بهداری
۸- محمود فاتح	وزیر کشاورزی
۹- اسدالله مامقانی	وزیر دادگستری
۱۰- امان‌الله اردلان	وزیر پیشه و هنر
۱۱- محمود نریمان	وزیر دارایی
۱۲- سرلشگر علی ریاضی	وزیر فرهنگ
۱۳- ابوالقاسم فروهر	وزیر پست و تلگراف

هیأت دولت مذکور بیش از یک‌هفته دوام نیافت، روز چهارشنبه ۱٦ فروردین‌ماه

۱٤- مذاکرات مجلس - دورهٔ چهاردهم قانونگذاری - جلسهٔ ۱۰ - صفحهٔ ۱۳۱.

مستعفی گردید. ساعد مجدداً مأمور تشکیل هیأت وزیران گردید. دولت جدید در جلسه ۱۷ فروردین‌ماه برابر ۱۵ ربیع‌الاخر ۱۳۶۳ هجری قمری به‌ترتیب زیر معرفی شدند.

۱- محمد ساعد	نخست‌وزیر و وزیر امور داخله
۲- امان‌الله اردلان	وزیر پیشه و هنر
۳- مرتضی قلی بیات	وزیر مشاور
٤- ابوالقاسم فروهر	وزیر دارایی
۵- حمید سیاح	وزیر راه
٦- مصطفی عدل	وزیر مشاور
۷- عبدالحسین هژیر	وزیر کشور
۸- ابراهیم زند	وزیر جنگ
۹- دکتر قاسم غنی	وزیر فرهنگ[۱۵]
۱۰- اسدالله مامقانی	وزیر دادگستری
۱۱- ناصر اعتمادی	وزیر کشاورزی
۱۲- دکتر سعید مالک	وزیر بهداری
۱۳- مصطفی عدل	وزیر مشاور

مجلس شورای ملی، پس از طرح و بررسی برنامهٔ دولت در جلسهٔ ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۲۳ شمسی با اکثریت ٦٤ رأی از ۸۵ رأی حاضر در جلسه به دولت ساعد رأی اعتماد داد.

عده‌ای از نمایندگان مجلس چهارده با قانون ۱۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۲ شمسی مبنی بر اختیارات مالی و اقتصادی به دکتر میلسپو از آنجاکه مغایر با اصول قانون اساسی تشخیص داده شد مخالفت ورزیدند. به‌دنبال مخالفت نمایندگان دولت لایحه لغو اختیارات رئیس کل دارایی را تقدیم مجلس داشت. تصمیم لغو اختیارات از طرف مجلس و دولت دکتر میلسپو را برآن داشت تا روز سوم تیرماه ۱۳۲۳ استعفای خود و سایر مستشاران آمریکایی را از تاریخ ۸ تیرماه به اطلاع نخست‌وزیر برساند.

استعفای مستشاران مالی در هیأت دولت مطرح گردید و پس از تبادل نظر و همچنین مذاکره با فراکسیونهای مختلف مجلس شورای ملی، سرانجام در جلسه

۱۵- دکتر غنی روز ۷ اردیبهشت‌ماه کناره‌گیری کرد.

خصوصی ۱۱ تیرماه مجلس اخذ تصمیم نهایی در مورد اختیارات و ابقای مستشاران مالی به‌عهده نخست‌وزیر محول شد، دکتر میلسپو روز سه‌شنبه ۱۳ تیرماه به دستور نخست‌وزیر کار خود را مجدداً آغاز کرد.

اوایل اردیبهشت‌ماه ۲۳، جمع کثیری از کارگران کارخانه‌های اصفهان اعتصاب کردند. دولت برای حفظ نظم و جلوگیری از تظاهرات و اغتشاشات بیشتر اقدامات سریع و جدی به‌عمل آورد.

دولت ساعد، در جلسه ۱۹ اردیبهشت‌ماه مورد استیضاح قرار گرفت، پس از توضیحات و پاسخ مشروح دولت به استیضاح در جلسات ۲۶ و ۲۸ اردیبهشت‌ماه، مجلس در جلسه ۲۸ اردیبهشت‌ماه به دولت رأی اعتماد داد.

روز شنبه چهارم شهریورماه نخست‌وزیر استعفای هیأت دولت را به حضور پادشاه تقدیم داشت. فراکسیونهای آزادی، اتحاد ملی، میهن مجلس شورای ملی برای انتخاب زمامدار آینده با هم متحد شدند و پس از تبادل نظر روز پنجم شهریورماه تمایل خود را به زمامداری مجدد محمد ساعد اظهار داشتند، نامبرده مأمور تشکیل کابینه گردید.

ساعد سومین هیأت وزیران خود را روز پنجشنبه ۹ شهریورماه به حضور پادشاه و ۱۵ شهریور ۱۳۲۳ برابر ۱۸ رمضان ۱۳۶۳ به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد. و در جلسه ۲۶ شهریورماه با اکثریت ۷۲ رأی از صد نفر عده حاضر در جلسه رأی اعتماد مجلس را به‌دست آورد.[۱۶]

۱ـ محمد ساعد مراغه‌ای	نخست‌وزیر و وزیر امور داخله
۲ـ سیدباقر کاظمی	وزیر فرهنگ
۳ـ خلیل فهیمی	وزیر مشاور
٤ـ اللهیار صالح	وزیر دادگستری
۵ـ سرلشگر محمدحسین فیروز	وزیر جنگ[۱۷]
٦ـ علی‌اصغر زرین کفش	وزیر دارایی
۷ـ دکتر محمد نخعی	وزیر پیشه و هنر و بازرگانی

۱۶ـ مجموعه قوانین دورهٔ چهاردهم ـ صفحهٔ ۳۰۲.

۱۷ـ سرتیپ عبدالله هدایت روز یکشنبه ۳۰ مهرماه به سمت کفالت وزارت جنگ انتخاب شد.

۸- محمد سروری وزیر کشور
۹- یوسف مشار وزیر پست و تلگراف
۱۰- محمود نریمان وزیر راه
۱۱- دکتر منوچهر اقبال کفیل وزارت بهداری

پیشنهاد نمایندگان شرکت انگلیسی «شل» در آبان‌ماه ۱۳۲۲ برابر ژانویه ۱۹٤٤ میلادی، شرکت آمریکایی «استاندارد واکیوم» در اسفندماه ۱۳۲۲ و به‌دنبال آن پیشنهاد کمپانی دیگر آمریکایی موسوم به سینگلر، مبنی بر مطالعه در مناطق نفت‌خیز ایران خارج از محدوده امتیاز نفت جنوب و امتیاز استخراج آن به دولت ایران در دوران زمامداری حکومت قبلی (سهیلی)، موجب شد که مسأله نفت مورد توجه محافل سیاسی ایران و نمایندگان مجلس قرار گیرد و بحث جالب روز اغلب جراید و مطبوعات و انتقاد از عملیات دولتهای وقت را تشکیل دهد.

ناگفته نماند که دولت سهیلی به‌منظور مطالعه و تحقیق فنی در پیشنهادهای رسیده مذکور دوتن متخصص آمریکایی استخدام کرد و نتیجه مطالعات ایشان به‌صورت طرحی به دولت تسلیم گردید.

دولت ساعد دنباله مطالعات دولت قبلی را دربارهٔ نفت ادامه داد و از آنجاکه اقدامات هر دو دولت ظاهراً جنبه مطالعاتی داشت درکمال اختفا و استتار انجام می‌گرفت. تااینکه در جلسه ۱۹ مردادماه ۱۳۲۳ به‌دنبال اعتراض دوتن از نمایندگان فراکسیون توده نسبت به سیاست استتار دولت و عدم طرح موضوع مهم و حیاتی در مجلس شورای ملی، مسأله نفت از صورت اختفا خارج و ایجاد هیجان و غوغا در میان ملت و موضوع بحث و انتقاد مطبوعات و جراید گردید. دولت شوروی نیز پس از حصول اطمینان از مذاکرات فوق، ساکت ننشست و موقع را برای تقاضای امتیاز نفت شمال ایران مناسب دانست و پس از مذاکره با نماینده و سفیر ایران در مسکو به‌تاریخ شهریورماه ۱۳۲۳، دولت ایران را در جریان تقاضای خود قرار داد و هیأتی را به ریاست کافتارادزه معاون کمیساریای ملی امور خارجه شوروی برای مطالعه و مذاکره دربارهٔ نفت خوریان به تاریخ ۲٤ شهریورماه به تهران اعزام داشت.

پیشنهاد شرکت انگلیسی شل و شرکت آمریکایی، روز شنبه ۱۱ شهریورماه ۱۳۲۳ برابر سپتامبر ۱۹٤٤ میلادی در جلسه هیأت وزیران مطرح شد و پس از تبادل

نظر و مذاکرات بسیار تصمیم برآن گرفته شد تا قبل از روشن شدن اوضاع اقتصادی و مالی دنیا و استقرار صلح عمومی، دولت ایران از اعطای هرگونه امتیاز به دولتها و شرکتهای خارجی خودداری کند. گزارش این تصمیم در جلسه ۲۷ مهرماه ۱۳۲۳ از طرف نخست‌وزیر به عرض مجلس شورای ملی رسید.

به‌دنبال تصمیم اخیر دولت، از طرف روزنامه‌های ارگان حزب توده و نمایندگان فراکسیون توده مجلس شورای ملی حملات شدید به دولت وقت شروع شد و با به‌راه انداختن تظاهرات خیابانی تمایل خود را به طرفداری از اعطای امتیاز نفت شمال به روسها و تغییر تصمیم دولت اظهار داشتند.

این تظاهرات از تاریخ ۵ آبان‌ماه ۱۳۲۳ با شروع متینگ مفصل حزب توده که در شهر تهران داده شد آغاز گردید. در این روز حزب توده متینگ سیاری با شرکت «شورای متحده کارگران» درحال حمایت علنی سربازان شوروی که با کامیونهای حامل سربازان خود متینگ‌دهندگان را همراهی می‌کردند تشکیل داد و شعارهایی به‌ضد دولت ساعد و پشتیبانی از پیشنهاد دولت روسیه شوروی داده می‌شد. این حملات و تظاهرات نفتی به‌مدت چند هفته همچنان ادامه داشت تا سرانجام ساعد روز پنجشنبه ۱۸ آبان‌ماه ۱۳۲۳ به حضور پادشاه رسید و استعفای هیأت وزیران را تقدیم داشت.

با استعفای ساعد، تکلیف نخست‌وزیری از طرف جمعی از نمایندگان، به دکتر محمد مصدق نماینده اول تهران شد. دکتر مصدق شرط قبول زمامداری را گذراندن قانونی از مجلس دانست که به‌موجب آن مشمول ماده ۲ قانون مصوب تیرماه ۱۳۰۶ شمسی نشود و پس از برکناری از مقام نخست‌وزیری کرسی نمایندگی وی همچنان محفوظ باشد.

عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای ملی با طرح ماده واحده ذیل، دکتر محمد مصدق را کاندید مقام نخست‌وزیری آینده کردند (۱۲ آبان ۱۳۲۳)

«ماده واحده ـ ب ـ به شخص آقای دکتر محمد مصدق استثنا اجازه داده می‌شود که بدون رعایت شروط مقرره در ماده ۲ قانون مصوب ۲۳ تیرماه ۱۳۰۶ شمسی، نخست‌وزیری را قبول و پس از پایان تصدی، به کرسی نمایندگی خود در بقیه مدت دوره چهاردهم تقنینیه بازگشت نماید. و درصورتی‌که تصدی ایشان پیش از انقضای دوره چهاردهم خاتمه یابد به کرسی نمایندگی خود در بقیه مدت دورهٔ چهاردهم تقنینیه

بازگشت نماید.»

اکثریت مجلس، با طرح قانونی فوق، به این عنوان که باید اصل ۳۲ متمم قانون اساسی تفسیر شود مخالفت ورزیدند و تمایل خود را به زمامداری بلاشرط دکتر محمد مصدق ابراز داشتند.

روز سه‌شنبه ۲۳ آبان‌ماه، دکتر محمد مصدق از طرف محمدرضاشاه احضار و تشکیل هیأت دولت به ایشان تکلیف شد. ولی نامبرده از قبول پست نخست‌وزیری بدون شرط پیشنهادی خودداری کرد.

* * *

۴۷- مرتضی قلیخان بیات

بحران انتخاب هیأت دولت پس از برکناری محمد ساعد مدت ۱۲ روز طول کشید، سرانجام روز دوشنبه ۲۹ آبان‌ماه اکثریت نمایندگان فراکسیون‌های «میهن»، «اتحاد ملی» مجلس، نسبت به زمامداری مرتضی قلیخان بیات ابراز تمایل کردند، پس از عرض تمایل مجلس، بیات مأمور تشکیل هیأت دولت گردید.

کابینه به‌تاریخ ٤ آذرماه به‌حضور پادشاه و روز یکشنبه ۵ آذرماه ۱۳۲۳ برابر با ۱۰ ذیحجه ۱۳۶۳ قمری به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی شد.[۱۸]

۱- مرتضی‌قلی بیات	نخست‌وزیر، وزیر کشاورزی
۲- مصطفی عدل	وزیر دادگستری
۳- دکتر سعید مالک	وزیر بهداری
٤- امان‌الله اردلان	وزیر دارایی
۵- دکتر عیسی صدیق	وزیر فرهنگ
٦- ابراهیم زند	وزیر جنگ
۷- حسنعلی کمال هدایت	وزیر بازرگانی و پیشه‌وهنر
۸- محسن رئیس	وزیر خارجه[۱۹]
۹- محمد سروری	وزیر کشور

۱۸- مذاکرات مجلس دورهٔ چهاردهم قانونگذاری - جلسهٔ ۷۸ - صفحهٔ ۱۳٦۵.

۱۹- در تاریخ ۱٦ آذرماه ۱۳۲٤ نصرالله انتظام به وزارت امور خارجه منصوب شد.

۱۰- نصرالله انتظام وزیر راه
۱۱- نادر آراسته وزیر پست و تلگراف
۱۲- خلیل فهیمی وزیر مشاور
۱۳- دکتر علی‌اکبر سیاسی وزیر مشاور

ازپیش اشاره شد که از دوره چهاردهم قانونگذاری مسأله نفت ازجمله معضلات پیچیده دولت‌ها و مجلس قرار گرفت، به‌دنبال تظاهرات آرام سیاسی ناشی از مسأله نفت در دو دولت گذشته تنی چند از نمایندگان مجلس هنگام اخذ رأی اعتماد به دولت بیات، دو مسأله مهم و اقتصادی مملکت: استخراج نفت و لغو اختیارات دکتر میلسپو را به دولت پیشنهاد کردند و در تعقیب خواست خود، طرح تاریخی تحریم امتیاز نفت را به‌شرح ذیل و با قید دو فوریت به تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۲۳ شمسی و هنگام شور در برنامه دولت بیات تقدیم داشتند[۲۰] و در همین جلسه طرح مذکور با اکثریت آرا به تصویب رسید.

«از نظر حفظ مصالح مملکت امضاکنندگان، طرح قانونی ذیل را تقدیم و تصویب آنرا با دو فوریت درخواست می‌نمائیم.

ماده اول ـ هیچ نخست‌وزیر و وزیر و اشخاصی که کفالت از مقام آنها و یا معاونت می‌کنند نمی‌توانند راجع به امتیاز نفت با هیچیک از نمایندگان رسمی و غیررسمی دول مجاور و غیرمجاور و یا نمایندگان شرکتهای نفت و هرکس غیر از اینها مذاکراتی که صورت رسمی[۲۱] و اثر قانونی دارد بکند و یا اینکه قراردادی امضا نماید.

ماده دوم ـ نخست‌وزیر، و وزیران می‌توانند برای فروش نفت و طرزی که دولت ایران معادن نفت خود را استخراج و اداره می‌کند مذاکره نمایند و از جریان مذاکرات باید مجلس شورای ملی را مستحضر نمایند.

ماده سوم ـ متخلفین از مواد فوق به حبس مجرد از سه تا هشت سال و انفصال دائمی از خدمات دولتی محکوم خواهند شد.

ماده چهارم ـ تعقیب متخلفین از طرف دادستان دیوان کشور محتاج به این

۲۰ـ مجلس شورای ملی، در جلسهٔ ۱۳ پس از طرح برنامه دولت، با اکثریت ۷۲ رأی از ۹۸ تن عدهٔ حاضر در جلسه به کابینه مرتضی‌قلی بیات رأی اعتماد داد.

۲۱ـ عبارت صورت رسمی هنگام تصویب طرح بر آن افزوده شد.

نیست که مجلس شورای ملی آنها را تعقیب نموده باشد و اجازه بدهد. دادستان مزبور وظیفه‌دار است که متخلفین از این قانون را برطبق قانون محاکمه وزیران مصوب ۱۶ و ۲۰ تیرماه ۱۳۰۷ شمسی تعقیب نماید.»

بعد از تصویب طرح تحریم امتیاز نفت و منع مذاکره دولت درباب نفت، از طرف یک تن از نمایندگان در جلسه ۱۲ آذرماه ۱۳۲۳ شمسی طرحی در مورد لغو امتیازات نفت جنوب به‌شرح ذیل با قید دو فوریت تقدیم شد.

ماده واحده. مجلس شورای ملی ایران امتیاز نفت جنوب را که در دوره استبداد به شرکت دارسی واگذار شده و در موقع دیکتاتوری آنرا نیز تمدید و تجدید نموده‌اند به‌موجب این قانون الغا می‌نماید.

مجلس شورای ملی، در جلسه ۱۳ آذرماه ۱۳۲۳ پس از طرح برنامه دولت و با اکثریت ۷۲ رأی از ۹۸ نفر عده حاضر به کابینه آقای مرتضی‌قلی بیات رأی اعتماد داد.

نخست‌وزیر، در مورد پیشنهاد دوم نمایندگان مجلس مربوط به الغای اختیارات دکتر میلسپو، در جلسه ۲۳ آذرماه ۱۳۲۳، لایحه لغو اختیارات رئیس کل دارایی را تقدیم مجلس داشت، لایحه مذکور به‌تاریخ ۱۸ دی‌ماه ۱۳۲۳ به‌تصویب مجلس رسید و در همین جلسه مجدداً از دولت بیات با اکثریت ۷۲ رأی از ۹۳ نفر عده حاضر نمایندگان، رأی اعتماد را به‌دست آورد.

دکتر میلسپو که دیگر ادامه کار را در ایران صلاح نمی‌دانست استعفای خود را به اطلاع رئیس دولت رسانید. استعفای نامبرده در جلسه ۲۹ بهمن‌ماه مجلس شورای ملی از طرف دولت عنوان و مورد قبول مجلس واقع گردید.

لغو اختیارات دکتر میلسپو و استعفای نامبرده در مجلس با مخالفت نمایندگان فراکسیون میهن و تنی چند از نمایندگان دیگر قرار گرفت و جبهه مخالفی را در مجلس برای دولت بوجود آورد.

به‌دنبال توقیف پاره‌ای از جراید، دولت بیات به‌تاریخ ۲۳ آذرماه ۱۳۲۳ مورد استیضاح قرار گرفت. ولی به‌علل سیاسی استیضاح مزبور پس از مذاکرات بسیار پس گرفته شد و به‌موجب سنت پارلمانی مجلس با اکثریت ۷۲ رأی به دولت بیات رأی اعتماد داد.

نخست‌وزیر، اعلان جنگ ایران و ژاپن را در جلسه ۱۰ اسفندماه ۱۳۲۳ مطرح

کرده و درضمن گزارش مراتب فوق تقاضای رأی اعتماد از مجلس کرد. پس از اخذ آرا ۹۱ تن از ۹٤ تن عده حاضر نمایندگان، مجلس به دولت و اقدامات وی رأی اعتماد داد.[۲۲]

به‌دنبال عدم موافقت اکثریت مجلس با پیشنهاد دکتر محمد مصدق مبنی بر رسیدگی و مطالعه پرونده اعلام جرم سیدمحمد تدین در کمسیون دادگستری مجلس شورای ملی و تعرض دکتر مصدق به‌صورت عدم شرکت در جلسات مجلس شورای ملی، روز ۱۵ اسفندماه ۱۳۲۳، تظاهرات و جنبشهایی از طرف جمعی دانشجویان دانشکده حقوق به‌عمل آمد.

در جریان مقابله نیروی انتظامی با تظاهرکنندگان یک تن از دانشجویان مقتول و چندتن دیگر مجروح شدند. این جریان موجب گردید که جمعیت کثیری از طبقات مختلف مردم در صحن بهارستان اجتماع کنند و به تظاهرات بر له دکتر مصدق بپردازند، بازاریان نیز در این جریان به‌عنوان موافق شرکت و بازار را به‌طور کلی تعطیل کردند. این جنبش تا بعدازظهر روز مذکور همچنان ادامه داشت.

دولت بیات پس از به‌تصویب رساندن لایحه الغای اختیارات رئیس کل دارایی «دکتر میلسپو» طرف مخالف نمایندگان فراکسیون میهن و تنی چند از نمایندگان فراکسیون اتحاد ملی قرار گرفت. نمایندگان مذکور، با مخالفت به لوایح دولت عملاً به کارشکنی پرداختند و تدریجاً مقدمات سقوط و تزلزل کابینه را فراهم ساختند.

سرانجام نخست‌وزیر، در جلسه سه‌شنبه ۲۸ فروردین‌ماه ۱۳۲٤ شمسی حضور یافت و درضمن عباراتی چند از جمله (بعضی آقایان گویی به اصل تفکیک قوا توجهی نداشته و دخالت در کارهای قوه مجریه را مجاز و طبیعی می‌دانند... رعایت نظریات همه آقایان برای کسی که پای‌بند به اصول و قیودی باشد بسیار دشوار است بلکه محال، خاصه اگر خدای نخواسته نظریات خصوصی باشد و همیشه با منافع و مصالح عمومی مطابقت نکند) توضیحات مشروحی دربارهٔ مشکلات موجود ناشی از کارشکنی خصوصی نمایندگان در راه اجرای برنامه دولت را به سمع مجلس رسانید. مخالفان دولت برخلاف ماده ٦٤ نظامنامه مجلس تقاضای رأی اعتماد به دولت کردند. پس از اخذ رأی اعتماد، از مجموع ۹۲ تن نماینده حاضر در جلسه، ٤۳ تن رأی ممتنع و ۳ تن

۲۲ـ مذاکرات مجلس

مخالف و ٤٥ تن رأی موافق به دولت دادند، بدین کیفیت دولت بیات چون نتوانست اکثریت را به‌دست آورد پس از ٤ ماه و چند روز سقوط کرد.

٤٨- ابراهیم حکیمی

پس از سقوط کابینه بیات، و تبادل نظر نمایندگان فراکسیون‌های مختلف مجلس، سرانجام در جلسه خصوصی روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت‌ماه با اکثریت ٦٤ رأی از ۱۰۰ تن عده حاضر نسبت به زمامداری ابراهیم حکیمی ابراز تمایل شد و نامبرده از طرف پادشاه مأمور تشکیل دولت جدید گردید. هیأت دولت روز ۲۰ اردیبهشت به حضور محمدرضاشاه و به‌تاریخ یکشنبه ۲۳ اردیبهشت‌ماه برابر اول جمادی‌الاخر ۱۳٦٤ هجری به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی گردید.

۱- ابراهیم حکیمی	نخست‌وزیر و وزیر کشور
۲- دکتر اسماعیل مرزبان	وزیر بهداری
۳- حسنعلی کمال هدایت	وزیر مشاور
٤- نصرالله خلعتبری	وزیر کشاورزی
۵- عبدالحسین هژیر	وزیر دارایی
٦- مصطفی عدل	وزیر مشاور
۷- ابراهیم زند	وزیر جنگ
۸- نادر آراسته	وزیر راه
۹- انوشیروان سپهبدی	وزیر خارجه
۱۰- ابوالقاسم نجم	وزیر بازرگانی و پیشه و هنر
۱۱- غلامحسین رهنما	وزیر فرهنگ
۱۲- اللهیار صالح	وزیر دادگستری

با اعلان خاتمه جنگ جهانگیر دوم، به‌تاریخ ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲٤ برابر ۸ ماه مه ۱۹٤۵ میلادی، دولت ایران درضمن اعلامیه‌ای توسط سفرای کبار، به دول متفق اعلام داشت که هرچه زودتر قشون خود را از خاک ایران خارج کنند. نخست‌وزیر گزارش اقدام فوق را در جلسه سه‌شنبه ۸ خردادماه به اطلاع مجلس رسانید. حزب توده ایران به‌مناسبت شکست دولت آلمان و متحدین متینگ بزرگی در تهران و شهرستانها

برپا کرد. (۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲٤)

دولت حکیمی از بدو زمامداری بر سر مسأله تعیین وزیران از آنجا که نظر اکثریت نمایندگان فراکسیونهای میهن، اتحاد ملی و دموکرات را تأمین نکرده بود، با مخالفت روبرو شد. نمایندگان مزبور موقع طرح برنامه دولت مخالفت خود را آشکار ساختند و در تصویب آن تعلل ورزیدند، سرانجام پس از دوازده جلسه بحث در برنامه دولت، حکیمی در جلسه ۱۳ خردادماه مجلس شورای ملی از نمایندگان تقاضای رأی اعتماد کرد.

مجلس از ۹۵ تن عده حاضر، ۲۵ تن رأی موافق و ۷ تن رأی مخالف و ۶۳ تن رأی ممتنع به برنامه دولت دادند و بدین ترتیب دولت حکیمی که مورد موافقت اکثریت مجلس نبود سقوط کرد.[۲۳]

٤۹ـ محسن صدر «صدرالاشراف»

محسن صدر، با ٦۰ رأی تمایل از طرف مجلس شورای هلی به‌موجب فرمان پادشاه مأمور تشکیل هیأت دولت گردید (۱۵ خردادماه ۱۳۲٤). روز سه‌شنبه ۲۲ خردادماه هیأت وزیران را به‌شرح زیر به حضور محمدرضاشاه و روز سه‌شنبه ۲۷ تیرماه ۱۳۲٤ برابر با ۱۱ شعبان ۱۳٦٤ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی شدند.[۲٤]

۱ـ محسن صدر «صدرالاشراف»	نخست‌وزیر و وزیر کشور
۲ـ منصورالسلطنه عدل	وزیر مشاور
۳ـ حسنعلی کمال هدایت	وزیر دادگستری
٤ـ محمود بدر	وزیر دارایی
۵ـ عباسقلی گلشائیان	وزیر پیشه و هنر
٦ـ دکتر سعید مالک	وزیر بهداری
۷ـ احمد اعتبار	وزیر پست و تلگراف[۲۵]
۸ـ ابراهیم زند	وزیر جنگ

۲۳ـ مجموعه قوانین

۲٤ـ مذاکرات مجلس دوره چهاردهم قانونگذاری جلسه ۱۳ ـ صفحهٔ ٤٦۰.

۲۵ـ پس از سه روز استعفا داد.

۹- انوشیروان سپهبدی وزیر امور خارجه
۱۰- دکتر محمد نخعی وزیر کشاورزی
۱۱- نادر آراسته وزیر راه
۱۲- غلامحسین رهنما وزیر فرهنگ

در جریان انتخاب و اخذ رأی تمایل نسبت به زمامداری صدرالاشراف، بین نمایندگان مجلس اختلافات عمیق و شدیدی پیش آمد. توضیح آن که اخذ رأی تمایل بدون توجه به اصل هفتم قانون اساسی صورت گرفت و عده‌ای از نمایندگان مخالف دولت در جلسه حضور نداشتند.

نمایندگان غایب در جلسه رأی تمایل به دولت، درضمن تشکیل جلسه خصوصی، تصمیم به همکاری در کلیه امور گرفتند و به تشکیل جبهه واحد اقلیت در مجلس پرداختند، مخالفت خود را به نحوه انتخاب رئیس دولت از طرف اکثریت مجلس، و روش اقلیت را در برابر اکثریت در مجلس شورای ملی درضمن بیانیه‌ای اعلام داشتند.

اقلیت همراه با تنی چند از نمایندگان‌در جلسه معرفی هیأت دولت به تاریخ ۲۹ خردادماه ۱۳۲٤ پس از ورود هیأت وزیران از جلسه خارج و مجلس را از اکثریت انداختند.

ادامه ابستر کسیون، و عدم رأی اعتماد به دولت صدر، موجب شد که در تاریخ ۹ تیرماه دربار دعوتی از نمایندگان اکثریت و اقلیت و فراکسیون توده به‌عمل آورد. در این شرفیابی نماینده فراکسیونهای مختلف توضیحات مشروح خود را در مخالفت و موافقت با رئیس دولت و جریان انتخاب و تمایل به زمامداری به عرض مقام سلطنت رساند. با اینکه به‌منظور حسن جریان امور و رفع بحران ناشی از اختلافها پادشاه اتحاد و توافق دوطرف را توصیه کرد، با اینهمه دامنه اختلافات اقلیت و اکثریت مجلس روزبه‌روز وسیعتر گردید. بااینکه مدت چهل روز از زمامداری صدرالاشراف می‌گذشت، هنوز هیأت دولت به مجلس معرفی نشد و نخست‌وزیر موفق به گرفتن رأی اعتماد از مجلس نگردید.

سرانجام روز یکشنبه ۲٤ تیرماه ۱۳۲٤، نمایندگان اقلیت جلسه‌ای با حضور آقای صدر تشکیل دادند. پس از مذاکراتی چند بر اثر توافقی که بین دو طرف به

شرحی که در ذیل ذکر خواهد شد نخست‌وزیر در جلسه ۲۶ تیرماه، هیأت دولت را به مجلس شورای ملی با حضور نماینده‌گان اقلیت معرفی کرد و برطبق توافق قبلی اخذ رأی تمایل و اعتماد صورت نگرفت.

«هیأت عامله اقلیت مجلس شورای ملی با حضور آقای صدر موافقت نمودند که در ۲۶ تیرماه ۱۳۲٤ اقلیت از ابستروکسیون صرف‌نظر کند و جلسه مجلس شورای ملی تشکیل شود جناب آقای صدر پس از معرفی دولت و رأی به برنامه چنانچه عده مخالفین و متتبعین دولت به چهل نفر بالغ شد فی‌المجلس استعفای خود را به عرض مجلس برساند و به پادشاه تقدیم نماید.»

مسأله اختلاف بر سر زمامداری صدرالاشراف و ابسترکسیون نماینده‌گان اقلیت نسبت به عدم اجرای تعهد صدرالاشراف با اقلیت مجلس به نتیجه نرسید، و این امر منجر به ادامه عدم حضور نماینده‌گان اقلیت در مجلس و بالنتیجه تعطیل جلسات علنی مجلس شورای ملی گردید.

روز ۱۸ مردادماه ۱۳۲٤، دولت در طی بیانیه‌ای اعلام داشت که دو دولت انگلستان و شوروی تصمیم خود را دایر بر خروج نیروی نظامی متفقین از ایران به وزارت امور خارجه ایران ابراز داشته‌اند و با اعلام خاتمه جنگ بین‌الملل و تسلیم بلاشرط دولت ژاپن، بازداشت‌شده‌گان سیاسی ایران توسط مأمورین دول متفق آزاد شدند.

درخلال ابستروکسیون مجلس بر سر دولت وقت، روز پنجشنبه اول شهریورماه ۱۳۲٤ در اثر تحریکاتی، در مازندران بین افراد حزب توده و حزب اراده ملی زد و خوردی روی داد و این امر موجبات اغتشاش و ناامنی را در ساری و سایر نقاط که تظاهراتی بر ضد حزب توده شروع شده بود فراهم ساخت، و تنی چند مجروح شدند.

دولت برای حفظ انتظام و جلوگیری از جریان بلوا، نیروی ژاندارم را بدان نواحی اعزام داشت ولی مأمورین شوروی قوای انتظامی را در فیروزکوه متوقف و از ورود آنان به مازندران جلوگیری کردند. اقدام دولت روسیه شوروی و مداخله آنان در امور داخلی ایران، دولت را برآن داشت تا از طریق وزارت امورخارجه یادداشت اعتراض‌آمیزی به سفارت کبرای شوروی ارسال دارد.

از ثمرات تلخ جنگ جهانگیر دوم و تمرکز قوای خارجی در ایران، علاوه بر جریان مذکور در فوق تظاهرات و جنبشهای نواحی دیگری ازجمله خراسان و آذربایجان

را باید نام برد.

در آذربایجان، جنبشی به‌رهبری سیدجعفر پیشه‌وری مدیر روزنامه آژیر و نماینده دوره چهاردهم مجلس از آذربایجان شروع شد. نامبرده که اعتبارنامه‌اش از طرف اکثریت مجلس رد شد، در مراجعت به آذربایجان به تأسیس حزب دموکرات پرداخت. حزب نامبرده در سراسر آذربایجان مورد تقویت واقع شد، در اواخر مردادماه، افراد حزب توده که برای تظاهرات و ایراد سخنرانی به لیقوان می‌روند (۲۶ امردادماه)، با مخالفت مالکان و خوانین و سایر اهالی شهر نامبرده روبرو می‌شوند و از ورود آنها به شهر جلوگیری می‌شود، این مسأله موجبات نزاع و زدوخورد بین دو طرف و قتل و جرح چند نفر دیگر می‌گردد. دولت در جلسه ۵ مهرماه ۱۳۲۴ مجلس شورای ملی راجع به جریانات اخیر آذربایجان که همراه با زمزمه مخالفت با دولت مرکزی بود توضیحاتی به سمع مجلس رساند و از نمایندگان تقاضای رأی اعتماد کرد. نمایندگان مجلس از ۱۱۴ نفر عده حاضر به اکثریت ۷۰ رأی موافق به دولت صدر رأی اعتماد داد.

و نیز در تاریخ ۲۳ مردادماه ۱۳۲۴، برای اجرای نقشه وسیعی، عده‌ای از افسران و سربازان پادگان خراسان به صورت تمرد، با اسلحه و وسایل دولتی از مشهد به‌طرف ترکمن صحرا فرار و در سر راه خود دو پادگان نظامی را خلع سلاح کردند، این امر ایجاد نگرانی بسیار در بین عامه کرد و سرانجام، در مبارزه‌ای که بین افسران فراری و گروهان ژاندارم در گنبد روی داد تعدادی از افسران فراری کشته و چندتن دیگر مجروح گردیدند، و تعدادی نیز از افسران لشکر خراسان در ارتباط با فرار افسران بازداشت گردیدند. دولت ایران به تاریخ سه‌شنبه ۲۰ شهریورماه در طی دو یادداشت به سفارتهای دولت شوروی و انگلیس و همچنین آمریکا تقاضای خود را مبنی بر تخلیه ایران از قوای متفقین به‌موجب مقررات پیمان سه‌جانبه ارسال داشت. مأمورین حکومت نظامی تهران، روز ۲۳ شهریورماه ۱۳۲۴ محل حزب توده و نیز شورای متحد کارگران را متصرف شدند و از اجتماع و ایراد سخنرانی آنها جلوگیری به‌عمل آمد و ضمن زدوخوردی که بین افراد حزب توده و مأمورین دولتی روی داد فریدون کشاورز یکی از رهبران حزب توده مضروب و مجروح گردید.

صدرالاشراف، سرانجام پس از شش‌ماه زمامداری غیررسمی و مبارزه اقلیت و اکثریت بر سر دولت و مخالفت با زمامداری وی روز یکشنبه ۲۹ مهرماه ۱۳۲۴

استعفای خود را به پادشاه تقدیم داشت و از طرف وی مقرر شد تا تعیین نخست‌وزیر جدید نامبرده در جریان امور مراقبت داشته باشد.

۵۰- ابراهیم حکیمی

در جلسه دوم آبان‌ماه ۱۳۲۴ نمایندگان مجلس شورای ملی برای دومین‌بار تمایل خود را با اکثریت ۷۵ رأی از ۹۴ تن عده حاضر در مجلس به زمامداری حکیم‌الملک اظهار کردند. نخست‌وزیر هیأت دولت را روز ۱۲ آبان به حضور پادشاه و در جلسه یکشنبه ۱۳ آبان ۱۳۲۴ برابر با ۲۹ ذیقعده ۱۳۶۴ هجری قمری به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد. مجلس شورای ملی در جلسه ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۲۴ پس از طرح برنامه دولت با اکثریت ۸۸ رأی از ۹۴ تن عده حاضر نسبت به کابینه ابراهیم حکیمی رأی اعتماد داد.[۲۶]

۱- ابراهیم حکیمی	نخست‌وزیر
۲- حسنعلی کمال هدایت	وزیر مشاور
۳- خلیل فهیمی	وزیر مشاور
۴- امان‌الله اردلان	وزیر دادگستری
۵- عبدالحسین هژیر	وزیر دارایی
۶- اللهیار صالح	وزیر مشاور
۷- سرلشگر علی ریاضی	وزیر جنگ
۸- دکتر سعید مالک	وزیر بهداری
۹- احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۱۰- غلامحسین رهنما	وزیر فرهنگ
۱۱- سرلشکر محمدحسین فیروز	وزیر راه
۱۲- ابوالقاسم نجم	وزیر امور خارجه

۲۶- مجموعه قوانین دورهٔ چهاردهم - صفحه ۳۱۶.
تغییرات زیر در کابینه ابراهیم حکیمی حاصل شد:
۱- هاشم صهبا - به تاریخ ۴ دی‌ماه ۱۳۲۴ به‌سمت وزارت پیشه و هنر تعیین گردید.
۲- جلسه سه‌شنبه در ۴ دی‌ماه ۱۳۲۴، اللهیار صالح به وزارت کشور منصوب شد.

۱۳- محمود نریمان وزیر پست و تلگراف

دولت روز ۲۶ آبان‌ماه یادداشتی از طریق وزارت امورخارجه ایران، مبنی بر مداخله مستقیم دولت روسیه شوروی در امور داخلی ایران و بویژه پشتیبانی و تقویت متجاسرین آذربایجان به سفارت کبرای دولت شوروی ارسال داشت.

در دولت پیشین اشاره شد که در نواحی آذربایجان نهضتی به رهبری سیدجعفر پیشه‌وری و زیر نظر مستقیم همسایه دولت شمالی آغاز گردید، این قیام به‌ضد دولت مرکزی، پس از اندک مدتی آذربایجان غربی و شرقی را به‌صورت حکومت خودمختار و ملی درآورد و دست مأموران دولت مرکزی بتدریج از آن نواحی کوتاه شد و سران حزب دموکرات آذربایجان موفق به تشکیل کنگره و مجلس مؤسسان ملی آذربایجان در اواخر آبان‌ماه ۱۳۲٤ گردیدند. (شنبه ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۲٤)

هیأت رئیسه کنگره مجلس مؤسسان آذربایجان، در اوایل آذرماه ۱۳۲٤، درضمن تلگرافی به پادشاه و مجلس شورای ملی، خودمختاری آذربایجان را به دولت مرکزی ایران اعلام کردند. دولت، دو گردان پیاده و یک گردان موتوریزه و یک گروهان ژاندارم برای سرکوبی آنها اعزام نمود ولی از طرف نیروهای ارتش شوروی در شریف‌آباد، دو فرسخی قزوین از پیشروی آنها جلوگیری شد و مجبور به توقف شدند.

عدم آزادی ارتش، به‌سبب جلوگیری مستقیم نیروی روسیه شوروی از ورود قوای دولتی به آذربایجان موجبات تقویت متجاسرین را فراهم کرد. روز ۲۱ آذرماه ۱۳۲٤ شهر تبریز مورد محاصره نیروی نظامی قرار می‌گیرد، و روز ۲۲ آذرماه ۲٤ در اثر خیانت و تسلیم فرمانده لشکر آذربایجان (سرتیپ درخشانی)، نیروهای نظامی به‌موجب قراردادی که با دولت داخلی متجاسرین آذربایجان بسته بودند، به تصرف نهضت‌کنندگان درمی‌آید و بیات استاندار آذربایجان که مورد موافقت دولت پیشه‌وری نبود روز ۲۲ آذرماه به تهران مراجعت می‌کند.

در دی‌ماه ۱۳۲٤ شمسی به‌دنبال کنفرانس وزرای خارجه سه دولت متفق برای حل مسائل ناشی از جنگ که در مسکو تشکیل گردید دولت حکیمی مکرراً تقاضا کرد تا نماینده ایران نیز در این کنفرانس حضور یابد تا در جریان تصمیماتی که نسبت به ایران اتخاد می‌شود قرار گیرد و نتیجه مذاکرات به تمامیت و استقلال ایران لطمه وارد نیاورد.

تقاضای دولت ایران مورد موافقت واقع نشد، و درمقابل در تاریخ ۱۸ دی‌ماه سفرای دو دولت انگلیس و آمریکا درضمن پیشنهاد در ۱۱ ماده[۲۷] به دولت ایران اطلاع

۲۷- متن کامل پیشنهاد مذکور هرچند به تصویب مقامات ملی نرسید ولی از نظر اهمیت موضوع ذکر آن بیمورد نیست. «دول بریتانیای کبیر و اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا با تشکیل کمیسیون سه‌گانه برای رسیدگی به مسایل ایران موافقت حاصل کرده و این موافقت را به دولت ایران جهت موافقت نظر آن دولت ابلاغ می‌دارد.

مقررات موافقت مزبور به‌قرار ذیل است:

۱- کمیسیون نامبرده برای شروع به امر باید این موضوع را مد نظر قرار دهد که در طی مدت اقامت قشون متفقین در ایران تشکیلات اقتصادی ایران و تشکیلات اداری دولتی دچار اختلال گردیده و اشکالاتی فیمابین دولت مرکزی و اهالی بعضی از ایالات رخ داده است. سه دولت نامبرده تصدیق می‌نماید که ممکنست مسئولیت این وضعیت تاحدی متوجه آنان باشد و بنابراین باید سعی نمایند که با دولت ایران در تجدید استقرار اوضاع عادی به‌نحوی که مورد رضایت کلیهٔ عناصر مختلفه اهالی مملکت باشد و نیز در حفظ روابط دوستانه با سایر ممالک مساعدت کنند.

۲- از لحاظ رفع بیم و نگرانی دولت ایران و موجبات اصطکاک بین‌المللی کمیسیون باید نسبت به این موضوع که در تخلیه قوای متفقین از ایران حتی‌الامکان تسریع شود رسیدگی نماید و توصیه‌های مقتضی به سه دولت بنماید.

۳- کمیسیون باید مراتب ذیل را در مد نظر قرار دهد.

الف ـ تعهدی را که بریتانیای کبیر و روسیه سویت درضمن پیمان مورخه ژانویه ۱۹۴۲ دایر به رعایت استقلال سیاسی و حق حاکمیت و تمامیت ارضی ایران نموده‌اند.

ب ـ اعلامیه صادره درطی کنفرانس تهران راجع به ایران از طرف روزولت رئیس‌جمهور و استالین ژنرالیسم و چرچیل.

۴- از لحاظ حل و فصل اشکالات موجوده بین دولت مرکزی ایران و بعضی از ایالات کشور کمیسیون در تأسیس انجمنهای ایالتی و ولایتی طبق مقررات قانون مشروطیت ایران به آن دولت مشورت داده و کمک خواهد نمود.

۵- توصیه‌های کمیسیون (که قبل از پیشنهاد به دولت ایران باید مورد تصویب سه دولت واقع شود) باید شامل کلیه کشور ایران به‌انضمام آذربایجان بوده باشد.

۶- قوانین موجوده که مقررات مربوط به مشروطیت را (درباب انجمنهای ایالتی و ولایتی) تشریح و تفصیل می‌نماید باید ماخذ و مبداء قرار گیرد لکن کمیسیون اصلاحاتی را که مخصوصاً در قسمت انتخابات انجمنهای محلی و اختیارات و وظایف انجمنهای مزبور و طریقه مربوط به تدارک وجوه جهت آن انجمنها به‌نظر لازم می‌رسد توصیه خواهد نمود.

←

دادند که با تشکیل کمیته‌ای مرکب از نمایندگان سه دولت روسیه شوروی، آمریکا و انگلیس در تهران موافقت کند تا کمیته مزبور اوضاع ایران را بطور کلی و بویژه مسأله خودمختاری آذربایجان را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد.

با انتشار پیشنهاد فوق و اطلاع مجلس شورای ملی نمایندگان مخالفت خود را درضمن مراسله‌ای به‌عنوان نخست‌وزیر ابراز داشتند و قبول چنین پیشنهادی را که درواقع مفهوم مداخله مستقیم سه دولت در امور داخلی ایران تلقی می‌شد از وظایف مجلس و منوط به تصویب قوه قانونگذاری دانستند.

نخست‌وزیر در جلسه ۲۵ دی‌ماه ۱۳۲٤ مجلس شورای ملی، درضمن نطقی مشروح پیشنهاد کمسیون سه‌جانبه را از طرف دولت ایران به اطلاع مجلس رسانید.

دولت ایران به‌موجب یادداشتی به‌تاریخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳۲٤ شمسی شکایت خود را مبنی بر مداخله مستقیم دولت روسیه شوروی در امور داخلی ایران به شورای امنیت سازمان ملل تقدیم داشت. دولت حکیمی در مجلس با مخالفت شدید سیاست شمالی روبرو شد، این امر و نیز عدم موفقیت وی در حل مشکلات روز کشور نتوانست دوام و ثباتی داشته باشد، نخست‌وزیر عصر روز یکشنبه ۳۰ دی‌ماه ۱۳۲٤ استعفای خود را به پادشاه تقدیم داشت.

←

۷ـ کمیسیون نیز توصیه‌هایی درباب استعمال زبانهای اقلیت ازقبیل عربی، ترکی، کردی به‌طور آزاد جهت تعلیم و منظورهای دیگر خواهد نمود.

۸ـ کمیسیون با دولت ایران و نمایندگان کلیه عناصر مختلفه مهم اهالی در طریقه تنظیم توصیه‌های خود با تماس نزدیک مشاوره خواهد نمود.

۹ـ سه دولت نامبرده مساعی کامل خود را به‌کار خواهند برد که دولت ایران را متقاعد سازند که توصیه‌هایی را که از طرف کمیسیون به‌عمل می‌آید به‌صورت قانونی درآورده و آنها را به‌موقع اجرا گذارند.

۱۰ـ کمیسیون هیچ نوع توصیه‌ای نخواهد نمود که باعث تضعیف وحدت اساسی دولت ایران گردد.

۱۱ـ اولین انتخابات ایالتی و ولایتی باید تحت نظر کمیسیون انجام گیرد.

۵۱- احمد قوام

اشاره شد، دولت حکیمی نظر به مشکلات سیاسی در تاریخ ۳۰ دی‌ماه ۱۳۲۴ استعفا داد. فراکسیونهای مختلف مجلس شورای ملی، برای تعیین زمامدار آینده، پس از مذاکرات چندروزه، سرانجام در جلسه خصوصی ۶ بهمن‌ماه مرکب از ۱۰۴ تن نمایندگان مجلس، پس از اتخاذ آراء، مجلس تمایل خود را نسبت به دو تن قوام‌السلطنه با ۵۲ رأی و مؤتمن‌الملک پیرنیا با ۵۱ رأی اظهار داشت. پس از عرض گزارش به حضور محمدرضاشاه، قوام‌السلطنه روز ۷ بهمن‌ماه مأمور تشکیل دولت گردید. معرفی هیأت وزیران به علل سیاسی چند تا روز ۲۵ بهمن‌ماه به‌طول انجامید و در این تاریخ نخست‌وزیر کابینه را به شرح زیر به پادشاه و در تاریخ ۲۸ بهمن‌ماه برابر با ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۶۵ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱- احمد قوام‌السلطنه	نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه، وزیر کشور
۲- مرتضی قلیخان بیات	وزیر دارایی
۳- دکتر احمد متین‌دفتری	وزیر مشاور[۲۸]
٤- سپهبد احمد امیراحمدی	وزیر جنگ
۵- سرلشگر محمدحسین فیروز	وزیر راه
٦- انوشیروان سپهبدی	وزیر دادگستری
۷- احمدعلی سپهر	وزیر پیشه و هنر و بازرگانی
۸- محمدتقی بهار	وزیر فرهنگ
۹- شمس‌الدین امیرعلائی	کفیل وزارت کشاورزی
۱۰- دکتر منوچهر اقبال	وزیر بهداری
۱۱- «سهام‌الدین» ذکاءالدوله غفاری	وزیر پست و تلگراف

قوام‌السلطنه که اعتماد و توجه دولت همسایه شمالی را پشت سر داشت کوشش خود را برای رفع شورش متجاسران آذربایجان و تفاهم با شوروی مصروف داشت.

اشاره شد که پس از رد پیشنهاد کمسیون سه‌جانبه (شوروی، انگلیس و آمریکا) به‌منظور بررسی و نظارت در اوضاع ایران از طرف دولت ایران، حکیمی نخست‌وزیر

۲۸- دکتر متین‌دفتری به علت مخالفت نمایندگان استعفا داد (۲۸ بهمن‌ماه).

وقت به تاریخ ۲۹ دی‌ماه شکایت خود را در شورای امنیت مطرح کرد. قوام‌السلطنه درحالی که شکایت مزبور را در شورای امنیت مسکوت گذارد به نماینده ایران دستور داد تا موافقت رئیس هیأت نمایندگی شوروی را به‌منظور افتتاح باب مذاکره مستقیم بین دو دولت ایران و روسیه شوروی جلب نماید. تقی‌زاده تمایل دولت ایران را مبنی بر شروع مذاکره مستقیم بین ایران و شوروی در جلسه ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۲٤ شورای امنیت به اطلاع شورا رساند.

شورای امنیت پیشنهاد ایران را با اکثریت آرا مورد تصویب قرار داد، بدین‌طریق که اختلاف بین دو دولت ایران و شوروی در سر مسأله آذربایجان از راه مذاکرات مستقیم صورت گیرد ولی دو دولت نامبرده، شورای امنیت را در جریان مذاکرات و تصمیمات متخذه قرار دهند. قوام در آغاز کار، درضمن صدور اعلامیه مورخ ۲۱ بهمن‌ماه، مبنی بر علاقه دولت به حفظ اصول دموکراسی و منشور ملل متحد، مقررات حکومت نظامی را در مورد احزاب و اجتماعات از تاریخ ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۲٤ ملغی ساخت ولی در همین اعلامیه اشعار داشت که مقررات مربوط به مطبوعات تا اطلاع ثانوی همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

قوام‌السلطنه، به‌دنبال تصمیم دولت مبنی بر ایجاد حسن تفاهم در روابط ایران و شوروی به فرمان پادشاه در تاریخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۲٤ عازم مسکو شد و درطی ملاقاتهای مکرر با سران دولت روسیه شوروی و طرح مشکلات موجود در ایران، موارد زیر را از آن دولت درخواست کرد.

۱ـ تخلیه ایران از نیروی نظامی شوروی به‌موجب پیمان سه‌جانبه

۲ـ عدم پشتیبانی و حمایت روسیه شوروی از حکومت خودمختاری متجاسرین آذربایجان.

خبرگزاری دولت شوروی همزمان با مسافرت قوام‌السلطنه به مسکو، در اوایل اسفندماه ۱۳۲٤ اعلامیه زیر را منتشر نمود.

«روز ۲۵ فوریه (برابر ۱۱ اسفندماه ۱۳۲٤)، درضمن مصاحبه با آقای قوام‌السلطنه نخست‌وزیر ایران تصمیم دولت شوروی به ایشان ابلاغ گردید دایر به اینکه از روز دوم مارس تخلیه قسمتی از نیروی شوروی از نواحی ایران چون، مشهد، شاهرود و سمنان، واقع در خاور ایران که در آنجا آرامش نسبی برقرار است آغاز می‌شود اما

نیروی شوروی در سایر نواحی ایران تا روشن شدن اوضاع باقی خواهند بود» و نیز پس از طرح پیشنهاد قوام‌السلطنه در دو مورد مذکور در فوق، مقامات دولتی شوروی علاوه بر این که مستدعیات نامبرده را نپذیرفتند درضمن پیشنهادی[۲۹] برای رفع اختلافهای موجود از دولت ایران مصراً خواستار شدند تا امتیاز استخراج نفت شمال را به آنها اعطا کند و نیز خودمختاری آذربایجان را به‌رسمیت بشناسد.

قوام‌السلطنه با خودمختاری آذربایجان سخت مخالفت ورزید و اعطای امتیاز نفت شمال را نیز موکول به تصویب مجلس شورای ملی و خروج قوای نظامی آن دولت از ایران کرد.

بدین‌ترتیب قوام‌السلطنه بدون اخذ نتیجهٔ نهایی در تاریخ ۱۹ اسفندماه ۱۳۲٤ به ایران مراجعت کرد و تعقیب مذاکرات موکول به آمدن سفیر شوروی به ایران گردید.

مخالفت قوام با پیشنهاد مولوتوف، دولت روسیه را برآن داشت، تا برای قبول تقاضاهای خود دولت ایران را تحت فشار قرار دهد. به‌دنبال چنین سیاستی پس از مراجعت قوام به ایران، بر عده نفرات نظامی خود در ایران افزودند و نیز عده زیادی از نیروهای نظامی خود را از طرف قزوین و سمنان به جانب تهران حرکت دادند و در کرج و گرمسار متوقف ساختند.

۲۹ـ متن پیشنهاد دولت روسیه شوروی را از نظر اهمیت ذکر می‌کنیم.

۱ـ ارتش سرخ در قسمتهایی از ایران برای مدت نامعلومی متوقف خواهند بود.

۲ـ دولت ایران استقلال داخلی آذربایجان را به‌رسمیت خواهد شناخت و نخست‌وزیران آذربایجان در روابط خود با دولت مرکزی ایران سمت استاندار آذربایجان را خواهند داشت.

۳ـ آذربایجان وزارت جنگ، وزارت خارجه نخواهد داشت و فرمانده کل قوای آذربایجان از طرف دولت مرکزی تعیین خواهد شد.

٤ـ سی درصد از مالیاتهای آذربایجان به دولت پرداخته خواهد شد.

۵ـ زبان رسمی در مدارس و محاکم و ادارات محلی ترکی خواهد بود ولی تمام مکاتبات با دولت تهران به فارسی خواهد بود.

٦ـ دولت شوروی از تحصیل امتیاز نفت صرف‌نظر خواهد کرد ولی درعوض شرکت مختلط ایران و شوروی تشکیل خواهد شد که نفت شمال را استخراج کند. در بیست و پنج سال اول ۵۱ درصد سهام متعلق به شوروی و ٤۹ درصد متعلق به ایران خواهد بود و در ۲۵ سال دوم هر یک از طرفین ۵۰ درصد سهم خواهند داشت.

قوام‌السلطنه پس از مراجعت به ایران در تاریخ ۲۵ اسفندماه به سفیر ایران «حسین علاء» دستور داد تا مجدداً شکایت ایران را مبنی بر عدم تخلیه کشور از نیروهای نظامی روسیه شوروی و مداخله مستقیم در امور داخلی ایران، تسلیم شورای امنیت بنماید.

تهدیدهای دولت جماهیر شوروی، دولت آمریکا را برآن داشت تا یادداشت شدیدی به تاریخ اول فروردین‌ماه ۱۳۲۵ برابر ۲۱ مارس ۱۹٤٦ به دولت شوروی ارسال داشت و درضمن آن به‌عنوان عضو ملل متحد و امضاکننده اعلامیه سه‌جانبه تهران، از آن دولت تقاضا کرد تا در ظرف یک هفته پس از ارسال یادداشت مذکور، امر تخلیه ایران از ارتش سرخ عملی شود و چنانچه ظرف شش هفته دولت روسیه شوروی کلیهٔ ارتش خود را از همه نقاط ایران خارج نکند، ارتش آمریکا به ایران مراجعت خواهند کرد.

به‌دنبال اولتیماتوم پنهانی رئیس‌جمهور آمریکا «هاری ترومن» و شکایت ایران به شورای امنیت، پس از ورود سادچیکف سفیر دولت روسیه شوروی به‌تاریخ ۲۹ اسفندماه به تهران، باب مذاکرات بین نمایندگان دو دولت مزبور مجدداً آغاز گردید.

شروع زمامداری دولت قوام مقارن آخرین روزهای عمر مجلس چهاردهم بود، عوامل سیاسی چند، گروه‌های خاصی از طرفداران دولت وقت همراه با افراد حزب توده را برآن داشت تا با تظاهرات دامنه‌دار، مانع تشکیل جلسات مجلس شورای ملی گردند و بدینوسیله موجبات معوق گذاردن برنامه‌هایی را که در دستور مجلس بود فراهم آورند.

این گروه از تاریخ ۱۵ اسفندماه، هر روز در پیرامون مجلس و میدان بهارستان اجتماع می‌کردند و درضمن ایجاد اغتشاش و تظاهرات بسیار که در مواردی چند به جرح افرادی منجر شد، مانع ورود نمایندگان به مجلس و از اکثریت انداختن جلسات مجلس گردیدند. این بلوا تا آخرین روز عمر مجلس چهاردهم همچنان ادامه داشت تااینکه مجلس به تاریخ ۲۱ اسفندماه ۱۳۲٤ شمسی درحالیکه انتخابات و افتتاح مجلس دوره پانزدهم را تا خروج ارتشهای بیگانه از ایران تحریم کرده بود خاتمه یافت و زمامداری دولت قوام‌السلطنه، برطبق نقشه قبلی در دوران فترت طولانی پانزدهمین دوره قانونگذاری قرار گرفت.

از اوایل فروردین‌ماه ۱۳۲۵، دولت اتحاد جماهیر شوروی نیروی نظامی خود را از نواحی کرج و قزوین و شاهرود فراخواند و گرومیکو نماینده دولت مذکور در جلسه مورخ ٦ فروردین‌ماه ۱۳۲۵ شورای امنیت اعلام داشت که در ظرف پنج یا شش هفته

آینده کلیه نیروهای ارتش شوروی مشروط بر این که وضع جدید و اتفاق غیرمترقبی رخ ندهد از ایران خارج خواهند شد و از این نظر تعقیب شکایت ایران و طرح آن در شورای مذکور را بیمورد دانست.

نمایندگان دو دولت آمریکا و انگلیس در شورای امنیت با پیشنهاد گرومیکو مخالفت کردند زیرا وی پایان امر تخلیه کامل ایران را از نیروی نظامی شوروی مشروط به پیش نیامدن وضع جدیدی موکول ساخته بود. شورای امنیت، پس از اخذ رأی نسبت به پیشنهاد نماینده دولت شوروی دایر بر عدم ثبت قضیه ایران در برنامه شورای امنیت، با اکثریت ۹ رأی در مقابل ۲ رأی موافق مخالفت کرد و نیز در همین جلسه حسین علا نماینده ایران درضمن اشاره به مذاکرات قوام‌السلطنه رئیس دولت با زمامداران دولت شوروی در مسکو، با بیانی مؤثر اعلام داشت که دولت ایران هیچگونه قراردادی با شوروی منعقد نساخته و مسافرت هیأت ایران به ریاست نخست‌وزیر صرفاً به‌منظور حل مسأله مداخله دولت شوروی در امور داخلی ایران بوده است.

سرانجام مسأله اختلافات ایران و شوروی، با آمدن سفیرکبیر اتحاد جماهیر شوروی به ایران و تنظیم موافقتنامه‌ای به‌تاریخ فروردین‌ماه ۱۳۲۵ به‌شرح زیر پایان یافت. (٤ آوریل ١٩٤٦)

«مذاکراتی که از طرف نخست‌وزیر ایران در مسکو با سران دولت اتحاد شوروی سوسیالیستی آغاز و پس از ورود سفیرکبیر شوروی به ایران ادامه یافت در تاریخ ۱۵ فروردین‌ماه ۱۳۲۵ برابر با ٤ آوریل ١٩٤٦ به نتیجه رسید و در کلیه مسائل موافقت کامل حاصل گردید. و نتایج ضمن اعلامیهٔ مشترکی به‌شرح زیر صادر شد:

۱ـ قسمتهای ارتش سرخ از تاریخ ٢٤ مارس ١٩٤٦ مطابق یکشنبه ٤ فروردین ۱۳۲۵ در ظرف یک ماه و نیم تمام خاک ایران را تخلیه می‌نمایند.

۲ـ قرارداد ایجاد شرکت مختلط نفت ایران و شوروی و شرایط آن از تاریخ ١٤ مارس تا انقضای هفت ماه برای تصویب به مجلس پانزدهم پیشنهاد خواهد شد.

۳ـ راجع به آذربایجان چون امر داخلی دولت ایران است ترتیب مسالمت‌آمیزی برای اجرای اصلاحات برطبق قوانین موجوده و با روح خیرخواهی نسبت به اهالی آذربایجان داده خواهد شد.»

دو روز بعد از انتشار و اعلام موافقتنامه قوام و سادچیکف، قرارداد تشکیل

شرکت مختلط نفت ایران و شوروی به امضای نمایندگان دو دولت مذکور رسید و روز دوشنبه ۲۶ فروردین‌ماه از طرف دولت به نماینده ایران در شورای امنیت دستور داده شد که از تعقیب شکایت ایران در شورای امنیت خودداری کند و به‌فوریت آنرا مسترد دارد. اما شورای امنیت با استرداد شکایت ایران به عللی چند مخالفت ورزید و در سی و ششمین جلسه شورا پس از مذاکرات بسیار از طرف نمایندگان آمریکا و انگلیس، نسبت به عدم تعقیب قضیه ایران و استرداد شکایت اخذ رأی به‌عمل آمد و با هشت رأی موافق تصویب کرد که موضوع ایران در شورای امنیت مسکوت باقی بماند. (به‌تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه)

دولت پس از تنظیم موافقتنامه فوق و ترک نیروی شوروی از مناطق شمال و شمال غرب ایران در تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه برای حل مسأله آذربایجان، اقدامات سیاسی ماهرانه‌ای به‌عمل آورد بدینطریق که در روز اول اردیبهشت‌ماه تصویبنامه هیأت دولت مبنی بر سازمان حکومت آذربایجان به موجب اصول ۲۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و ۹۳ متمم قانون اساسی مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی را در هفت ماده منتشر ساخت و روز دوم اردیبهشت‌ماه نماینده‌ای برای مذاکره با دولت متجاسرین براساس تصویبنامه دولت به آذربایجان اعزام داشت (فتحعلی ایپکچیان نماینده دوره چهاردهم تبریز) حکومت آذربایجان با مواد هفتگانه تصویبنامه فوق موافقت نکرد و با حکومت یاغی کردستان ائتلاف و اقدام به تحریکات تازه‌ای کرد. روز هشت اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۵ هیأت نمایندگان آذربایجان به ریاست جعفر پیشه‌وری برای مذاکره به تهران وارد شدند، دولت در مذاکره با نمایندگان مزبور طریق مسالمت‌آمیز پیش گرفت و موافقت خود را با خواستهای آنان درحدود تصویبنامه هفت ماده‌ای قبلی به شرح زیر پیشنهاد کرد.

۱ـ رؤسای فرهنگ، بهداری، شهربانی، دادگستری و دارایی از طرف انجمن ایالتی و ولایتی انتخاب و احکام رسمی آن، از طرف دولت صادر شود.

۲ـ تعیین استاندار با جلب نظر انجمن ایالتی و با دولت خواهد بود و فرماندهان نظامی و ژاندارمری از طرف دولت منصوب خواهند شد.

۳ـ زبان رسمی فارسی است، دفاتر کارهای محلی به فارسی و آذربایجانی تنظیم می‌شود. تدریس در پنج کلاس ابتدایی ترکی خواهد بود.

۴ـ نسبت به آبادی شهرها و اصلاح فرهنگ و بهداری و غیره دولت سهم

آذربایجان را از بودجه درنظر خواهد گرفت.

۵- فعالیتهای سازمانهای دموکراسی مانند سایر نقاط کشور آزاد است.

۶- نسبت به کارکنان دموکراسی آذربایجان در گذشته تضییقاتی به‌عمل نخواهد آمد.

۷- با افزایش عده نمایندگان آذربایجان به‌تناسب موافقت حاصل است.

هیأت نمایندگی آذربایجان پیشنهادهای دولت مرکزی را نپذیرفتند و پس از پانزده روز توقف در تهران روز ۲۳ اردیبهشت‌ماه بدون توافق و اخذ نتیجه به آذربایجان مراجعت کردند.

توسعه و نضج تشکیلات حزب توده در ایران و بویژه در صفحات شمال و مرکز، مسأله اختلاف مالک و زارع، کارگر و کارفرما را پیش آورد و این امر خود منشاء بروز جنبشها و اغتشاشهایی در بعضی از نواحی ایران گردید. ازجمله روز ۲۳ تیرماه کارگران ادارات نفت در تمام مراکز نفتی شرکت نفت ایران و انگلیس با تحریکات عوامل حزب توده اعتصاب عمومی را اعلام کردند و نتیجه به زدوخورد خونینی بین اعراب خوزستان و عناصر حزب توده منتهی گردید و مظفر فیروز معاون نخست‌وزیر به خورستان اعزام شد.

پس از مذاکره مظفر فیروز نماینده ایران با اولیای شرکت نفت در آبادان و تلاش در جلب موافقت آنان با خواست کارگران مبتنی بر افزودن دستمزد آنان، و بازداشت تنی چند از محرکان، اعتصاب خاتمه یافت و حکومت نظامی در آن نواحی برقرار گردیده و نیز به‌تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۲۵ در سمنان بین کارگران حزب توده و کارگران مخالف مسلک سیاسی آنها زدوخوردی روی داد و عده‌ای از دو طرف مجروح گشتند. این بلوا نیز با استقرار حکومت نظامی خاموش گردید. در اصفهان اعتصاب کارگران پس از ورود مظفر فیروز به اصفهان و بازداشت چندتن از سران بختیاری و برقراری حکومت نظامی خاتمه یافت.

به‌دنبال جریانات فوق، دولت ایران در مقابل فشار همسایه شمالی به‌تاریخ پنجشنبه ۱۰ مردادماه ۱۳۲۵ استعفا می‌دهد و در همین دوره، قوام کابینه جدید را در تاریخ ۱۰ مردادماه ۱۳۲۵ شمسی برابر با ٤ رمضان ۱۳۶۵ با شرکت سه‌تن از سران حزب توده به‌شرح زیر تشکیل می‌دهد و به حضور پادشاه معرفی می‌کند:

۱- احمد قوام‌السلطنه	نخست‌وزیر، وزیر امورخارجه، وزیر کشور
۲- سپهبد احمد امیراحمدی	وزیر جنگ
۳- عبدالحسین هژیر	وزیر دارایی
٤- اللهیار صالح	وزیر دادگستری
۵- سرلشگر محمدحسین فیروز	وزیر راه
٦- انوشیروان سپهبدی	وزیر مشاور
۷- دکتر منوچهر اقبال	وزیر پست و تلگراف
۸- مظفر فیروز	وزیر کار و تبلیغات
۹- شمس‌الدین امیرعلائی	وزیر کشاورزی
۱۰- دکتر مرتضی یزدی	وزیر بهداری
۱۱- ایرج اسکندری	وزیر پیشه و هنر و بازرگانی
۱۲- دکتر فریدون کشاورز	وزیر فرهنگ

روز دوازدهم مردادماه در متینگ بزرگی که به‌مناسبت چهل و یکمین سال مشروطیت از طرف حزب دموکرات[۳۰] داده شد تصادم و زدوخوردی بین طرفداران حزب مزبور و حزب توده روی داد و در این جریان عده کثیری مجروح شدند.

به‌دنبال خودمختاری آذربایجان، در فارس نیز توطئه‌ای به‌ضد دولت مرکزی توسط قشقایی‌ها آغاز شد و سران ایلات و عشایر فارس در تاریخ ۲۹ شهریورماه ۱۳۲۵ درضمن اعلام خودمختاری تقاضاهای زیر را تلگرافی به اطلاع دولت مرکزی رساندند.

۱- تغییر و ترمیم فوری کابینه و تعیین اشخاصی که معروف به صحت عمل و وطن‌پرستی هستند.

۲- تغییر رؤسا و ادارات حساس ارتش به انتخاب افرادی که معروف به وطن‌پرستی و صحت عمل هستند.

۳- محاکمه و مجازات عمال ناصالح بیست ساله دیکتاتوری که سوءسلوک و بدرفتاری و وضعیت دارایی و زندگانیشان بر همه کس مکشوف است.

۳۰- حزب دمکرات در اوایل تیرماه تاسیس و در تاریخ ۲۹ تیرماه قوام‌السلطنه به رهبری حزب مزبور انتخاب شد.

۴- برگزاری کارهای ادارات فارس از لشکری و کشوری به خود اهالی فارس که تحت‌نظر مردم اداره شود.

۵- تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی در مرکز استان و شهرستانها

۶- تجدید نظر در ازدیاد نمایندگان مجلس به‌تناسب جمعیت هر محل.

۷- اعطای مبلغ کافی برای اصلاح امور فرهنگی و بهداشت عمومی و طرق و شوارع

۸- تجدیدنظر در قوانین مضر و متناقضی که منافی قانون اساسی و رفاه عامه است.

۹- اتصال راه‌آهن مرکزی به شیراز و بوشهر و اسفالت جاده‌ها.

در مبارزه‌ای که بین نیروی دولتی و قوای متجاسران در اواخر شهریورماه در نواحی بوشهر و کازرون روی داد متجاسران بر قوای مدافع غلبه یافتند. در این زدوخورد که تا ۹ و ۱۰ مهرماه ادامه داشت عده کثیری مقتول و مجروح شدند.

روز سوم مهرماه هیأتی از طرف دولت مرکزی برای مذاکره با قشقاییها عازم فارس شدند، سرانجام اغتشاش و شورش فارس با تدابیر دولت و روش مسالمت‌آمیزی که اتخاذ شد خاتمه یافت و محمدناصر قشقایی ضمن تلگرافی، به‌عنوان نخست‌وزیر انقیاد ایلات جنوب را از دولت مرکزی به تاریخ ۲۴ مهرماه ۱۳۲۵ شمسی اعلام داشت و روز ۴ آبان‌ماه نیز نماینده ایلات جنوب و قشقایی (محمدحسین قشقایی) جهت اعلام آمادگی اطاعت از دولت مرکزی، به تهران وارد شد و با رئیس دولت وقت مذاکره کرد. نخست‌وزیر روز پنجشنبه ۲۵ مهرماه ۱۳۲۵ استعفای کابینه را به حضور پادشاه تقدیم داشت و مجدداً مأمور تشکیل هیأت دولت گردید.

قوام‌السلطنه هیأت وزیران را بدون شرکت وزیران توده‌ای روز ۲۷ مهرماه به‌ترتیب زیر به حضور محمدرضاشاه معرفی کرد.

۱- احمد قوام‌السلطنه	نخست‌وزیر، وزیر کشور، وزیر امورخارجه
۲- سپهبد احمد امیراحمدی	وزیر جنگ
۳- عبدالحسین هژیر	وزیر دارایی
۴- حمید سیاح	وزیر بازرگانی و پیشه و هنر

۵- دکتر منوچهر اقبال	وزیر بهداری
٦- شمس‌الدین امیرعلائی	وزیر کشاورزی
۷- دکتر علی شایگان	وزیر فرهنگ
۸- اعراز نیک‌پی	وزیر پست و تلگراف
۹- علی‌اکبر موسوی‌زاده	وزیر دادگستری
۱۰- محمدولی میرزا فرمانفرمائیان	وزیر کار و تبلیغات
۱۱- ابوالحسن صادقی	وزیر راه[۳۱]

به‌دنبال تظاهراتی که از ناحیه طبقات مختلف مردم، در مراسم عزاداری «حاج سید ابوالحسن اصفهانی» پیشوای روحانی به‌ضد عناصر توده‌ای روی داد و مراکز اجتماعات آنان مورد حمله قرار گرفت، دولت در طی اعلامیه‌ای به تاریخ شنبه ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۲۵ تشکیل اجتماعات و کلیه تظاهرات را که در خارج از کانون جمعیت جمعیت و باشگاههای مربوط به آنان و نیز در کارخانه‌ها و بنگاههای کارگری ممنوع اعلام کرد.

هم‌زمان با صدور فرمان انتخابات دوره پانزدهم قانونگذاری به‌تاریخ ١٤ مهرماه ۱۳۲۵ دولت اعلامیه‌ای مبنی بر گسیل کردن نیرو به آذربایجان به‌عنوان نظارت در حسن جریان انتخابات منتشر کرد ولی این امر با مخالفت سران حکومت خودمختاری آذربایجان مواجه شد و پس از مذاکراتی که با دکتر جاوید استاندار آذربایجان در تهران به‌عمل آمد قرار شد تا تاریخ ۲۳ آبانماه ۱۳۲۵ کلیهٔ مناطق زنجان از فدائیان آذربایجان تخلیه گردد، اجرای این مسأله از طرف دموکراتها با مقاومت روبرو گردید و در تاریخ مقرر امر تحویل زنجان صورت نگرفت، تااینکه در اوایل آذرماه ۱۳۲۵ محمدرضاشاه فرمان اعزام نیروی کافی به‌طرف زنجان را صادر کرد و نیروی نظامی بزودی اشرار و متجاسرین زنجان را متواری ساخت و قوای دولتی بدون مقاومت اهالی محل در زنجان استقرار یافتند.

به‌دنبال تصمیم دولت مبنی بر اعزام نیرو به آذربایجان به‌منظور برقراری امنیت در آن نواحی و نظارت در حسن جریان انتخابات، ارتش طبق دستور نخست‌وزیر روز ۱۹ آذرماه از زنجان به جانب میانه متوجه شد و روز ۲۰ آذرماه میانه به تصرف قوای دولتی

۳۱- غلامحسین فروهر در تاریخ ۲۵/۹/۲۸ به‌سمت وزیر راه تعیین گردید.

درآمد و در ۲۱ آذرماه ۱۳۲۵ با ورود ارتش به تبریز و فرار سران حکومت خودمختاری آذربایجان که از حمایت سران شوروی محروم مانده بودند و اعدام چندتن از افسران ارتش به جرم همکاری با اشرار و متجاسرین غائله آذربایجان خاتمه یافت. پس از برقراری نظم و امنیت در صفحات آذربایجان انتخابات دوره پانزدهم در سراسر کشور آغاز گردید.

در جریان انتخابات، اعمال نفوذ حزب دموکرات در این مسأله و عواملی دیگر موجب شد که گروههایی چند به‌عنوان اعتراض بر جریان انتخابات دوره پانزدهم مخالفت خود را بوسیلهٔ تظاهرات گوناگون ابراز دارند. از آنجمله روز دوشنبه ۹ دی‌ماه درحالیکه عده‌ای از نیروهای فکری جوان جامعه، در محوطه دانشگاه دربارهٔ انتخابات تظاهراتی می‌کردند از طرف گروه کثیری افراد متفرقه که از خارج وارد دانشگاه شده بودند مورد تعرض و حمله قرار گرفتند و در این حادثه چندتن مجروح گردیدند. و نیز روز یکشنبه ۱۵ دی‌ماه متینگی از طرف دانشجویان دانشگاه به‌عنوان اعتراض به انجمن نظار انتخابات در تهران شروع شد، متینگ‌دهندگان به‌قصد حرکت به‌طرف دربار از دانشگاه خارج شدند ولی نیروی انتظامی مانع حرکت دسته‌جمعی آنها به‌طرف دربار گردید. بین قوای دولتی و دانشجویان زدوخوردی روی داد که درطی آن عده‌ای از دانشجویان و مأموران انتظامی مجروح شدند. دکتر محمد مصدق روز ۲۰ دی‌ماه ۱۳۲۵ شمسی در اجتماع عده کثیری از گروه‌های مختلف در مسجدشاه به سخنرانی دربارهٔ انتخابات پرداخت و از قوام‌السلطنه خواست از اعمال قدرت و مداخله در امر انتخابات خودداری کند.

هفته‌ای پس از این جریان به تاریخ دوشنبه ۲۲ دی‌ماه ۱۳۲۶ جمعی از رجال و متنفذان به‌عنوان اعتراض از جریان انتخابات مجلس در دربار متحصن شدند. این تحصن تا تاریخ ۲۶ دی‌ماه همچنان ادامه داشت.

بست‌نشینان در این روز به‌دنبال پیام پادشاه مبنی بر اینکه رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات از وظایف دولت است و دربار در جریان این امور هیچگونه مداخله‌ای نخواهد کرد به تحصن خود خاتمه دادند.

قوام استعفای دولت را پنجشنبه ۲۸ خردادماه ۱۳۲۶ برابر با اول شعبان ۱۳۶۶ قمری به حضور پادشاه تقدیم داشت ولی مجدداً مأمور تشکیل کابینه گردید. نخست‌وزیر

هیأت وزیران جدید را روز دوشنبه ۳۰ خردادماه ۱۳۲۶ به‌ترتیب ذیل به حضور پادشاه معرفی کرد:

۱ـ احمد قوام	نخست‌وزیر
۲ـ سپهبد احمد امیراحمدی	وزیر جنگ[۳۲]
۳ـ علی‌اصغر حکمت	وزیر مشاور
٤ـ منصورالسلطنه عدل	وزیر دادگستری
۵ـ عبدالحسین هژیر	وزیر دارایی
٦ـ احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۷ـ انوشیروان سپهبدی	وزیر امورخارجه
۸ـ دکتر منوچهر اقبال	وزیر بهداری
۹ـ دکتر صدیق اعلم	وزیر فرهنگ[۳۳]
۱۰ـ ابوالحسن صادقی	وزیر اقتصاد ملی[۳۴]
۱۱ـ غلامحسین فروهر	وزیر راه
۱۲ـ سرلشگر فرج‌الله آق اولی	وزیر کشور[۳۵]
۱۳ـ سیدعلی نصر	وزیر پست و تلگراف
۱٤ـ محمدعلی همایونجاه	وزیر مشاور
۱۵ـ سلمان اسدی	وزیر کار و تبلیغات
۱٦ـ علی‌اکبر موسوی‌زاده	وزیر مشاور

پس از الغای حکومت نظامی به‌سبب امر انتخابات، در تاریخ ۲۹ خردادماه ۱۳۲٦، هیأت دولت به‌سبب انتشار مقالاتی به‌ضد دولت و انتقاد از اوضاع روز در

۳۲ـ روز سه‌شنبه ۱٦ تیرماه سپهبد احمدی به‌علت مخالفت با حکومت نظامی استعفای خود را تقدیم داشت و روز ۲٤ تیرماه محمود جم به وزارت جنگ انتخاب شد.

۳۳ـ به علت عدم حضور صدیق اعلم، دکتر اقبال سرپرست فرهنگ شد.

۳٤ـ وزارت اقتصاد ملی، شامل وزارت پیشه و هنر و بازرگانی و هیأت عالی برنامه هفت ساله و مؤسسات اقتصادی دولت خواهد بود.

۳۵ـ چهارشنبه ۱۷ تیرماه سرلشکر آق‌اولی وزیر کشور استعفا داد و کفالت آن وزارتخانه به‌عهدهٔ احمد فریدونی محول شد.

مطبوعات، دستور مجدد حکومت نظامی را از تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۲۶ در تهران و حومه صادر کرد و به‌دنبال آن چندتن از مدیران جراید نیز بازداشت شدند.

مجلس پانزدهم به‌تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۲۶ شمسی افتتاح شد درحالیکه ٥٤ درصد از نمایندگان آنرا کاندیدای حزب دموکرات تشکیل می‌دادند.

با رسمیت یافتن مجلس، بنا به سنت پارلمانی دولت قوام مستعفی گردید و روز شنبه ۷ شهریورماه، جلسه خصوصی مجلس تشکیل و نسبت به نخست‌وزیر آینده تبادل نظر به‌عمل آمد. از ۱۱٦ تن عده حاضر ۷۸ تن نسبت به زمامداری احمد قوام ابراز تمایل کردند، گزارش این امر به عرض پادشاه رسید و فرمان نخست‌وزیری نامبرده در همین تاریخ از طرف پادشاه صادر شد.

هیأت دولت روز ۱۹ شهریورماه به شرح زیر به حضور پادشاه و روز ۲۲ شهریورماه ۱۳۲٦ (برابر با ۲۹ شوال ۱۳٦٦ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی شد.

برنامهٔ دولت در تاریخ مذکور قرائت و تسلیم مجلس گردید و پس از طرح و مذاکرات لازم در جلسات متعدد و نمایندگان مجلس در ۱۲ مهرماه ۱۳۲٦ پس از اخذ رأی به دولت از ۱۲۰ تن عده حاضر ۹۳ تن به دولت قوام‌السلطنه و برنامه او رأی اعتماد دادند.

۱ـ احمد قوام	نخست‌وزیر، وزیر کشور
۲ـ محمود جم	وزیر جنگ
۳ـ علی‌اصغر حکمت	وزیر مشاور
٤ـ دکتر محمد سجادی	وزیر اقتصاد
۵ـ دکتر عیسی صدیق	وزیر فرهنگ
٦ـ مصطفی عدل	وزیر مشاور
۷ـ عبدالحسین هژیر	وزیر دارایی
۸ـ موسی نوری اسفندیاری	وزیر امور خارجه
۹ـ احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۱۰ـ دکتر منوچهر اقبال	وزیر بهداری
۱۱ـ غلامحسین فروهر	وزیر راه

۱۲- جواد بوشهری وزیر پست و تلگراف[۳۶]

وزیر عدلیه بعداً معلوم خواهد شد.

قوام روز ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ شمسی بنا به اصرار و پافشاری مقامات شوروی، موافقتنامه نفت (قوام و سادچیکف) را پس از بیان مطالب زیر تقدیم مجلس داشت.

«تصور نمی‌کنم وضع گذشته را آقایان فراموش کرده باشند. هنگامیکه آذربایجان در آتش طغیان و ناامنی می‌سوخت و نقشه قتل عامهای مخوف و وحشتناک برای اهالی آنجا طرح گشته بود و تهران بمانند حلقه انگشتری در محاصره بود و هر ساعت بیم حوادث جدیدی می‌رفت من ناچار بودم برای تخلیه ایران و رهایی آذربایجان و جلوگیری از کشتارها و تسکین قلوب اقداماتی کنم و خود را در آن اقدامات کاملاً مصاب می‌دانم معهذا نسبت به آنچه فعلاً مورد بحث است از حدود اقدامات قبلی قدمی فراتر نگذاشتم در ساعتی که موافقتنامه را امضا می‌کردم معتقد بودم به صلاح مملکت است امروز هم معتقدم اگر مجلس جرح و تعدیلی لازم می‌داند، با دقت کافی در آن مطالعه کند.»

مجلس موافقتنامه فوق را بدون تأمل در همان جلسه با اکثریت ۱۰۲ تن از ۱۰۴ تن عده حاضر به‌موجب ماده واحده‌ای رد کرد و دولت را مکلف ساخت تا در مسأله نفت جنوب نیز حقوق ملت را استیفا نماید.

روز پنجشنبه ۲۸ آبانماه ۱۳۲۶ شمسی، سفیر دولت شوروی، یادداشتی اعتراض‌آمیز نسبت به رد موافقتنامه (قوام. سادچیکف) از طرف مجلس شورای ملی به‌عنوان نخست‌وزیر ارسال داشت و درضمن آن دولت ایران را مسئول عواقب رویه و سیاست خصمانه‌اش نسبت به اتحاد جماهیر شوروی دانست.

عوامل سیاسی چند موجب شد در مجلسی که اکثریت نمایندگان آن با اعمال نفوذ رئیس دولت وقت انتخاب شده بودند، زمزمه عدم رضامندی و مخالفت با دولت قوام شروع شود و محیط سیاسی مجلس را همزمان با تغییر سیاست خارجی نسبت به خط مشی سیاسی دولت وقت دگرگون سازد.

به‌دنبال اعلامیه منتشره از رادیو از طرف نخست‌وزیر به‌تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۲۶ شمسی روز پنجشنبه ۱۲ آذرماه ۱۳۲۶، اعضای فراکسیون اتحاد ملی و تنی چند از

۳۶- مذاکرات مجلس - دورهٔ پانزدهم قانونگذاری - جلسهٔ ۱۶- صفحهٔ ۲۰۲۱.

منفردان با فراکسیون جدید دمکرات که از مخالفان دولت در مجلس بود ائتلاف کردند و به‌تاریخ ۱۵ آذر عدم پشتیبانی خود را از دولت قوام اعلام داشتند و دولت را مورد استیضاح قرار دادند. بدین‌طریق تدریجاً مخالفت با دولت وقت با توطئه‌ها و اعلام جرمها و استیضاح‌های متعدد آغاز شد. استعفای دسته‌جمعی وزیران کابینه به‌تاریخ ۱٤ آذرماه[۳۷] نیز بیش از پیش موجبات تزلزل دولت را فراهم ساخت. قوام‌السلطنه از مجلس تقاضای تعیین جلسه‌ای برای تقدیم گزارش کرد و روز ۱۸ آذرماه به‌موجب تعیین وقت قبلی، قوام به‌اتفاق تنها وزیر کابینه سیدجلال‌الدین تهرانی در جلسه مجلس حاضر شد و پس از پاسخ به استیضاح یکی از نمایندگان و ایراد شرح مبسوطی دربارهٔ اقدامات و خدمات خود از مجلس تقاضای رأی اعتماد کرد.

مجلس پس از اخذ رأی نسبت به تقاضای نخست‌وزیر، از ۱۱۲ تن عده حاضر با ٤٦ ورقه سفید و ۳۸ رأی کبود و ۲۸ رأی ممتنع عدم اعتماد خود را اظهار نمود و دولت احمد قوام سقوط کرد. مجلس روز یکشنبه ۲۲ آذرماه در جلسه خصوصی که برای تعیین زمامدار آینده تشکیل داد اعضای فراکسیون دمکرات و اتحاد ملی و تنی چند از منفردان با ۷۲ رأی به زمامداری سردار فاخر حکمت و فراکسیون دموکرات ایران با ۳٦ رأی نسبت به دکتر محمد مصدق ابراز تمایل کردند. سردار فاخر از قبول زمامداری خودداری کرد. مراتب به عرض پادشاه رسید و از طرف مجلس تمایل شاه نسبت به زمامدار آینده استعلام گردید.

۵۲- ابراهیم حکیم‌الملک

پس از نپذیرفتن زمامداری از طرف سردار فاخرحکمت، مجلس در جلسه خصوصی ۲۹ آذرماه ۱۳۲٦ شمسی، تمایل خود را نسبت به زمامداری ابراهیم حکیمی با

۳۷- ذکر متن استعفانامه هیأت وزیران را از نظر اهمیت نقل می‌نماید: (نظر به اینکه اعلامیه‌ای که جناب اشرف در رادیو منتشر فرموده‌اند غیر از آن است که قبلاً در هیأت وزیران خوانده شده بود، به‌این ترتیب مسئولیت مشترک وزیران که از اصول مهم حکومت قانونی است رعایت نشده امضاکنندگان ذیل استعفای خود را تقدیم پیشگاه اعلیحضرت همایونی نمودیم.

محمود جم ـ عبدالحسین هژیر ـ موسی نوری‌اسفندیاری ـ دکتر سجادی ـ دکتر اقبال ـ علی‌اصغر حکمت ـ جواد بوشهری ـ احمدحسین عدل.

۵۴ رأی از ۱۱۴ رأی حاضر ابراز داشت.

حکیمی، هیأت دولت را در جلسه ٦ دی‌ماه ۱۳۲٦ شمسی برابر با ۱۵ صفر ۱۳٦۷ به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد. و در همین جلسه برنامهٔ دولت قرائت گردید. و پس از اینکه در جلسه‌های متعدد دربارهٔ برنامهٔ دولت مذاکرات لازم به‌عمل آمد سرانجام روز سه‌شنبه ۱۵ دی‌ماه با اکثریت ۷٦ رأی از ۹۰ رأی حاضر در جلسه، برنامه دولت به تصویب نمایندگان رسید.

۱ـ ابراهیم حکیم‌الملک	نخست‌وزیر[۳۸]
۲ـ سپهبد مرتضی یزدان‌پناه	وزیر جنگ[۳۹]
۳ـ سرلشگر فرج‌الله آق‌اولی	وزیر کشور[۴۰]
٤ـ ابوالقاسم نجم	وزیر دارایی
۵ـ محمد سروری	وزیر دادگستری
٦ـ دکتر علی‌اکبر سیاسی	وزیر فرهنگ
۷ـ محمدعلی وارسته	وزیر پست و تلگراف
۸ـ علی معتمدی	وزیر راه[۴۱]
۹ـ دکتر محمد سجادی	وزیر اقتصاد ملی
۱۰ـ باقر شاهرودی	وزیر کشاورزی[۴۲]
۱۱ـ مصطفی عدل	وزیر مشاور

موافقتنامه ایران و آمریکا مورخ ٦ اکتبر ۱۹٤۷ مبنی بر دعوت میسیون‌نظامی آمریکا به‌منظور تقویت نیروی جنگی ایران، مورد اعتراض دولت روسیه شوروی قرار گرفت. (توضیح آنکه دولت شوروی به‌عنوان اینکه ایران تکیه‌گاه سوق‌الجیشی دولت

۳۸ـ مذاکرات مجلس ـ دورهٔ پانزدهم قانونگذاری ـ صفحه ۲۳٦۱.

۳۹ـ در تاریخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۲٦ سپهبد امیراحمدی به وزارت جنگ منصوب شد.

٤۰ـ در جلسه ۲۰ اسفندماه ۱۳۲٦، آقایان علی سهیلی و عبدالحسین هژیر به‌سمت وزیر مشاور، سپهبد امیراحمدی به سمت وزیر کشور و نوری‌اسفندیاری به وزارت امور خارجه به مجلس شورای ملی معرفی شدند.

٤۱ـ ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۲٦، امان‌الله اردلان به سمت وزیر راه انتخاب گردید.

٤۲ـ از ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۲٦ بدین سمت منصوب شدند.

آمریکا گردیده و این مسأله موجبات ایجاد خطر در مرزهای اتحاد جماهیر شوروی خواهد کرد، یادداشتی به‌تاریخ ۱۰ بهمن‌ماه ۱۳۲۶ به دولت ایران ارسال داشت. در این یادداشت دولت ایران را متوجه مواد قرارداد ایران و شوروی مورخ فوریه ۱۹۲۱ میلادی ساخته و خواستار شد اقدامات لازم را به‌منظور برطرف ساختن وضعیت غیرعادی که ناشی از موافقتنامه ایران و آمریکا است به‌عمل آورد.

دولت ایران در پاسخ یادداشت فوق به‌تاریخ ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۲۶، اعتراض دولت روسیه شوروی را وارد ندانست.

دولت حکیمی در اوایل اسفندماه ۱۳۲۶ مورد استیضاح مجلس قرار گرفت. پاسخ استیضاح در جلسات ۴ و ۵ اسفندماه از طرف دولت داده شد. به‌موجب سنت پارلمانی نسبت به دولت اخذ رأی به‌عمل آمد و از ۱۱۰ تن عده حاضر ۵۵ تن در مقابل ۴۷ رأی مخالف به دولت حکیمی رأی اعتماد دادند.

مخالفت نمایندگان نسبت به رویه دولت همچنان ادامه داشت چنانکه در جلسه ۱۹ فروردین‌ماه ۱۳۲۷ مجدداً حکیمی را در موارد زیر: ۱ـ سوء سیاست دولت در امور داخلی ۲ـ عدم رعایت حفظ وحدت ایران ۳ـ سیاست اقتصادی کشور ۴ـ عملیات خلاف قانون و نقض قوانین بویژه از طرف وزارت دارایی مورد استیضاح قرار گرفت.

استیضاح مذکور در چند جلسه مجلس مورد بحث قرار گرفت. سرانجام به تاریخ دوشنبه ۶ اردیبهشت‌ماه، مجلس شورای ملی با ۶۷ رأی موافق درمقابل ۲۱ رأی مخالف و ممتنع رأی اعتماد خود را به دولت حکیمی ابراز داشت و دولت تثبیت گردید.

پس از استعفای قوام‌السلطنه، اعلام جرمهایی درباب تصویب‌نامه‌های دولت قوام در سالهای ۲۵ و ۲۶ و سوءاستفاده‌هایی که از اجازه صدور جو و برنج برده شده است به‌عمل آمد. و دولت حکیمی در جلسه ۲۲ فروردین‌ماه مجلس شورای ملی اجازه رسیدگی و تعقیب مسأله را خواستار شد.

به‌دنبال اعلام جرم به‌ضد قوام و تصمیم دولت وقت، روز یکشنبه ۱۹ اردیبهشت‌ماه تظاهراتی چند به‌طرفداری و مخالفت با قوام‌السلطنه از طرف دسته‌های مختلف درمقابل مجلس شورای ملی به‌عمل آمد. چون تظاهرات مزبور غالباً زمانی صورت می‌گرفت که مجلس تشکیل جلسه داشت و این امر نظم و آرامش داخلی مجلس را مختل می‌ساخت رئیس مجلس از قوای انتظامی درخواست کرد تا از تشکیل اجتماع و

تظاهرات در مقابل مجلس اوقاتی که جلسات مجلس تشکیل می‌شود جلوگیری به‌عمل آورد.

پس از اعلام استقلال اسراییل و عملیات آن دولت در سرزمین فلسطین، گردهم‌آیی و تظاهرات گسترده‌ای به رهبری آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی در مسجدشاه به‌عمل آمد. (۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۷)

مسأله اختلاف دولت و مجلس و استیضاحهای متعدد، دولت حکیمی را متزلزل ساخت. روز یکشنبه ۹ خردادماه تنی چند از نمایندگان فراکسیونهای مختلف (دموکرات ایران، ملی و اتفاق) مجلس، به‌حضور پادشاه رسیدند و این مسأله را که موجبات اختلاف امور کشور را فراهم ساخته بود به‌عرض رساندند.

توسعه اختلاف مجلس و دولت سرانجام حکیمی را مجبور ساخت تا در جلسه ۱۸ خردادماه مجلس به سال ۱۳۲۷ پس از بیان گزارشی از عملیات دولت، از مجلس تقاضای رأی اعتماد کند. پس از اخذ رأی از ۱۰۰ تن عده حاضر ۳۸ تن رأی موافق و ٤ تن رأی مخالف و ۵۸ تن رأی ممتنع دادند. مجلس عدم تمایل خود را به زمامداری دولت اظهار داشت و درنتیجه دولت حکیمی سقوط کرد.

۵۳- عبدالحسین هژیر

پس از سقوط کابینه حکیم‌الملک به‌تاریخ ۱۸ خردادماه ۱۳۲۷ در جلسه یکشنبه ۲۳ خردادماه اخذ رأی تمایل مجلس نسبت به نخست‌وزیر آینده به‌عمل آمد و از ۱۲۰ تن عده حاضر، عبدالحسین هژیر با ٦٦ رأی اکثریت را به‌دست آورد. پس از عرض گزارش تمایل مجلس دربارهٔ زمامدار آینده به حضور پادشاه، عبدالحسین هژیر برای اولین مرتبه مأمور تشکیل دولت گردید.

نخست‌وزیر هیأت وزیران را روز یکشنبه ۳۰ خردادماه به‌حضور پادشاه و روز اول تیرماه ۱۳۲۷ شمسی برابر با ١٤ شعبان ۱۳٦۷ هجری به‌ترتیب زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد. و پس از قرائت و طرح برنامهٔ دولت و مذاکره در جلسه‌های متعدد، سرانجام با اکثریت ۹۲ رأی از ۹۷ تن عده حاضر در جلسه دولت رأی اعتماد مجلس را بدست آورد.[٤٣]

٤٣- مذاکرات مجلس - دورهٔ پانزدهم - جلسهٔ ۷۷ - صفحه ۳۱۵۹.

۱ـ عبدالحسین هژیر	نخست‌وزیر
۲ـ مصطفی عدل	وزیر مشاور
۳ـ خلیل فهیمی	وزیر کشور
٤ـ سپهبد احمد امیراحمدی	وزیر جنگ
۵ـ امان‌الله اردلان	وزیر دارایی[٤٤]
٦ـ موسی نوری اسفندیاری	وزیر امورخارجه
۷ـ نادر آراسته	وزیر پست و تلگراف
۸ـ دکتر منوچهر اقبال	وزیر فرهنگ
۹ـ جواد بوشهری	وزیر کشاورزی
۱۰ـ محمدعلی نظام‌مافی	وزیر دادگستری
۱۱ـ دکتر عباس ادهم	وزیر بهداری
۱۲ـ جمال امامی	وزیر مشاور
۱۳ـ فخرالدین شادمان	وزیر اقتصاد ملی
۱٤ـ مصطفی عدل	وزیر مشاور[٤۵]

در جریان تغییر کابینه و روی کار آمدن هژیر، جنبشهایی از طرف توده ملت به‌طرفداری و مخالفت از تاریخ ۲۳ خردادماه ۱۳۲۷ در میدان بهارستان روی داد. در این روز جمعیت کثیری مرکب از طبقات مختلف ازجمله دانشجویان، کارمندان دولت، طبقات اصناف و پیشه‌وران و بازرگانان پس از دادن شعارهایی، بطور اجتماع به جانب بازار روی آوردند. این امر موجب تعطیل بازار گردید.

تظاهرات فوق که به‌ضد روش مجلس و انتخاب هژیر به ریاست دولت صورت می‌گرفت مدت چند روز همچنان در اکثر نقاط پایتخت ادامه داشت، تا در روز ۲۷ خردادماه، اجتماع عظیمی از طرف خیابان سیروس و بازار برای اجرای متینگ به‌طرف میدان بهارستان روی آوردند. قبل از اینکه تظاهرکنندگان به‌طرف مجلس شورای ملی

٤٤ـ امان‌الله اردلان قبول نکرد

٤۵ـ تغییرات زیر در اول مهرماه ۱۳۲۷ در هیأت دولت به‌عمل آمد.

گلشائیان، وزارت دادگستری. محمدعلی وارسته، وزارت دارایی. غلامحسین آقاخان اشرفی، وزارت اقتصاد ملی. دکتر شادمان، وزارت کشاورزی و وزارت کشور با نخست‌وزیری.

نزدیک شوند، نیروی انتظامی مانع حرکت جمعیت و تشکیل اجتماع آنان در میدان بهارستان گردید. این مخالفت منجر به کشمکش و زدوخورد بین قوای دولتی و تظاهرکنندگان گردید و سرانجام با مجروح شدن چندتن، جمعیت پراکنده گردید.

دولت وقت به‌منظور جلوگیری از این قبیل جریانات، اعلامیه‌ای مبنی بر به‌اجرا گذاردن ماده ۷۹ قانون مجازات عمومی در مورد کسانی که تحریکاتی به‌ضد دولت و برهم زدن امنیت عمومی به‌عمل آورند انتشار داد. در جلسه ۳۰ تیرماه، چندین تن از نمایندگان نسبت به عکس‌العمل دولت در مورد تیرباران کردن افراد مسلح حامل قرآن مجید، در تظاهرات ۲۷ خردادماه، اعلام جرمی کردند و از مجلس خواستار شدند چندتن برای رسیدگی به این امر خلاف مقررات دولت انتخاب شوند و نیز در همین جلسه درحالی‌که نخست‌وزیر برنامه دولت را به اطلاع مجلس می‌رساند، تظاهرات مخالفت‌آمیز شدیدی از طرف تماشاگران مجلس به‌عمل آمد.

تظاهرات مخالفت‌آمیزی که از بدو انتخاب هژیر به زمامداری پیش آمد، دولت را برآن داشت تا در جلسه سه‌شنبه ۸ تیرماه مجلس شورای ملی، تقاضای رأی اعتماد کند. مجلس به اخذ رأی از ۹۶ تن عده حاضر اقدام کرد و درنتیجه ۸۸ تن به دولت هژیر رأی اعتماد دادند. و نیز در تاریخهای ۲۸ و ۳۱ مردادماه، دولت هژیر از طرف دوتن از نمایندگان مجلس نسبت به موضوعات زیر مورد استیضاح واقع شد.

تصویب‌نامه‌های هیأت دولت راجع به ارزی، نقص قوانین مملکتی، مسأله نفت جنوب، زندان.

دولت در جلسه اول شهریورماه به استیضاحهای فوق پاسخ داد. مجلس بااینکه از پاسخ دولت قانع نشد، ولی به پیشنهاد دوتن از نمایندگان، تصمیم به مسکوت ماندن استیضاح به تصویب اکثریت مجلس رسید و بنا به سنن پارلمانی اخذ رأی اعتماد به‌عمل آمد و از ۱۰۲ تن عده حاضر در جلسه،دولت هژیر با اکثریت ۹۳ تن رأی اعتماد مجلس را به‌دست آورد.

به‌دنبال تصویب‌نامه مورخ ۸ شهریورماه ۱۳۲۷ هیات دولت[۴۶] جمع کثیری از

۴۶ـ هیأت وزیران در جلسه مورخ شهریورماه تصویب کردند. (چون در وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی یا بنگاه‌هایی که با سرمایه دولت اداره می‌شوند یا شهرداریها کسانی که به‌نحوی از

←

مدیران جراید و مطبوعات به‌عنوان اعتراض به تصویب‌نامه مذکور در مجلس شورای ملی حضور یافتند و خواستار لغو آن گردیدند. مجلس به حمایت از مطبوعات، دولت هژیر را مورد استیضاح به‌شرح زیر قرار داد.

(اینجانب دولت هژیر را نسبت به توقیف مطبوعات و اختناق آزادی و قیام علیه قانون اساسی و مشروطیت استیضاح می‌کنم.)

دولت در جلسه ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۲۷ به استیضاح فوق پاسخ داد و ضمناً تقاضای رأی اعتماد از مجلس کرد. با اینکه مجلس پس از اخذ رأی با ۶۸ رأی از ۸۷ رأی حاضر به دولت هژیر رأی اعتماد داد، ولی به‌عللی چند (تحت فشار دربار) به‌منظور تهیه طرح تشکیل مجلس مؤسسان و کسب اختیارات بیشتر برای مقام سلطنت به‌دست هژیر، روز ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۲۷ دولت مستفعی شد.

۵۴- محمدساعد مراغه‌ای

با سقوط دولت هژیر، رأی تمایل مجلس در جلسه ۱۷ آبان‌ماه ۱۳۲۷ شمسی نسبت به زمامداری محمد ساعد به‌موجب اوراق امضاشده ابراز تمایل شد. و روز سه‌شنبه ۲۵ آبان‌ماه هیأت وزیران به‌ترتیب زیر به‌حضور پادشاه و در جلسه یکشنبه ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۲۷ برابر با ۱۹ محرم ۱۳۶۸ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی شدند. و برنامهٔ دولت قرائت و تسلیم مجلس گردید.[۴۷] باید افزود برنامه دولت را، مجلس پس از

→

انحاء حقوق می‌گیرند نمی‌توانند با داشتن شغل دیگری ازقبیل ریاست یا عضویت هیأت مدیره شرکتهای خصوصی و یا داشتن هرگونه شغل آزاد دیگری ازقبیل شرکت کردن در اداره روزنامه خواه به‌عنوان صاحب امتیاز یا مدیر یا سردبیر و یا عضویت هیأت تحریریه و امثال آنها به انجام وظایف خود به‌طوری که لازم است اقدام نمایند، لذا باید کلیه این قبیل اشخاص به‌عنوان این اقتضای اداری از خدمت برکنار شوند.)

۴۷- مذاکرات مجلس - دوره پانزدهم - جلسه ۱۲۰ - صفحه ۳۶۹۶.

ترمیمهای زیر در کابینه ساعد حاصل شد:

۲۱ آذرماه ۱۳۲۷ دکتر محمد سجادی به سمت وزیر راه و دکتر منوچهر اقبال به سمت وزیر بهداری و دکتر عبدالحمید زنگنه به وزارت فرهنگ منصوب شدند.

۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۲۷ مصطفی عدل با عنوان وزیر مشاور وارد کابینه شد.

←

هفت جلسه شور و بحث دربارهٔ آن، سرانجام روز چهارشنبه ۱۷ آذرماه با اکثریت ۵۵ رأی از ۹۵ رأی حاضر در جلسه به تصویب رسانید.

۱ـ محمد ساعد مراغه‌ای	نخست‌وزیر، وزیر کشور
۲ـ محسن صدر «صدرالاشراف»	وزیر دادگستری[۴۸]
۳ـ دکتر امیرخان امیراعلم	وزیر بهداری
٤ـ سپهبد احمد امیراحمدی	وزیر جنگ
۵ـ علی‌اصغر حکمت	وزیر امورخارجه
٦ـ دکتر محمد سجادی	وزیر فرهنگ
۷ـ عباسقلی گلشائیان	وزیر دارایی
۸ـ نادر آراسته	وزیر پست و تلگراف
۹ـ دکتر منوچهر اقبال	وزیر راه
۱۰ـ غلامحسین آقاخان اشرفی	وزیر اقتصاد ملی
۱۱ـ دکتر احمد مقبل	وزیر کشاورزی
۱۲ـ جمال امامی	وزیر مشاور
۱۳ـ دکتر هادی طاهری	وزیر مشاور

مسأله نفت ازجمله مسایلی بود که در تمام طول مدت زمامداری دولتهای اخیر منشاء مبارزات نهان و آشکار بین دو رکن حکومت گردید و ثمره انقلاب داخلی

←

۲۱ اسفندماه ۱۳۲۷ خلیل فهیمی به سمت وزیر مشاور ـ دکتر محمد سجادی به سمت وزیر دادگستری ـ نادر آراسته به سمت وزیر راه ـ دکتر عباس ادهم به سمت وزیر بهداری ـ دکتر اقبال به سمت وزیر کشور تعیین شدند.

۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۸ حمید سیاح به‌سمت وزیر راه و در تاریخ ۲۸/۲/۲۰ نادر آراسته به‌سمت وزیر پست و تلگراف.

۳ خردادماه ۱۳۲۸ مصطفی عدل به وزارت کار و تبلیغات منصوب شد.

۲۸/۵/۱۵ جواد گنجه‌ای به‌سمت وزیر پست و تلگراف تعیین گردید.

۲۸/۷/۲ حمید سیاح به سمت وزیر پست و تلگراف و سپهبد مرتضی یزدان‌پناه به‌سمت وزیر راه تعیین شدند.

٤۸ـ صدرالاشراف از قبول پست وزارت خودداری کرد و دکتر محمد سجادی از تاریخ ۲۷/۱۲/۲۱ بدین سمت برگزیده شد.

مجلس و دولت، به‌نوبهٔ خود بحث انتقادی روز مطبوعات و جنجال و تظاهرات دامنه‌دار در میان طبقات مختلف اجتماع قرار گرفت.

ازپیش اشاره شد، پس از تصویب قانون تحریم تفویض امتیاز نفت به تاریخ ۱۱ آذرماه ۱۳۲۳ شمسی، مقدمات قانونی استیفای حقوق ملت ایران از شرکت نفت جنوب فراهم گردید. مأموریت و تکلیفی که به‌موجب قانون مزبور از طرف مجلس به دولتهای وقت داده شد تا اقدامات لازم را برای شروع مذاکرات با شرکت نفت جنوب به‌عمل آورند، مجلس را صحنه مبارزات قانونی برای دریافت حقوق کامل ایران از شرکت نفت جنوب ساخت و دولتهای وقت نیز غالباً همه اوقات خود را مصروف حل مسأله نفت و تسکین افکار عمومی که با تظاهرات و جنبشهای دائمی و مستمر خود چه در تهران و چه در شهرستانها درخواست مطالبه حقوق ملی را می‌نمودند می‌گردید.

این جنبشها و انقلابات نفتی، غالباً با تحریکات و مداخلات نهانی عواملی خاص آغاز می‌گردید و به‌دنبال خود حوادث و وقایع خونینی را همراه داشت که به‌نوبه خود در سقوط و بی‌ثباتی دولتها بی‌تأثیر نبود.

دولت ساعد از بدو زمامداری برکنار از این جریانات نبود. در داخل مجلس کراراً راجع به مسأله نفت مورد استیضاح نماینده‌گان قرار گرفت ازجمله، در بهمن‌ماه ۱۳۲۷، برای الغای قرارداد ۱۹۳۳، دولت از طرف مجلس استیضاح شد و دانشجویان دانشگاه تهران نیز به پشتیبانی از نماینده‌گان مجلس به تاریخ پنجشنبه ۱۴ بهمن‌ماه ۱۳۲۷ شمسی، اجتماعی در میدان بهارستان تشکیل دادند. متینگ عظیم دانشجویان، با انتشار بیانیه‌ها و سخنرانیهایی مبنی بر لزوم الغای قرارداد نفت جنوب و بانک شاهی آغاز گردید و پس از آن‌که نماینده‌گان دانشجویان خواستهای خود را در این مورد با رئیس مجلس شورای ملی درمیان گذاشتند اجتماع آنها خاتمه یافت.

عصر روز جمعه ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۲۷، هنگامی که محمدرضا شاه برای انعقاد جشن دانشگاه به محوطهٔ دانشکده حقوق وارد شد، مورد سوءقصد شخصی که در گروه مخبرین و روزنامه‌نگاران جای داشت قرار گرفت. به‌دنبال این سوءقصد نافرجام که از ناحیه یکی از اعضای حزب توده انجام گرفت (ناصر فخرآرایی در لباس خبرنگار روزنامه پرچم اسلام)، صحنه سیاسی مغشوش شد و مخالفان سیاسی و اعضاء حزب توده سرکوب شدند. کلیه مراکز اجتماعات حزب مزبور از طرف فرمانداری نظامی تهران

اشغال شد و به‌موجب دستور دولت مقرر گردید مراکز سازمانهای حزب توده در شهرستانها نیز منحل گردد. دکتر فقیهی شیرازی مدیر روزنامه پرچم اسلام و دکتر علی‌اکبر سیاسی رئیس دانشگاه بازداشت گردیدند.

در جلسه ۱٦ بهمن‌ماه ۱۳۲۷ مجلس شورای ملی، رئیس دولت پس از گزارش واقعه سوءقصد، تصمیم دولت را مبنی بر انحلال حزب توده به جرم تحریک به ضد امنیت و آرامش مملکت به اطلاع مجلس رسانید و نیز با استناد به مدارک جمع‌آوری شده از مراکز حزب، لزوم بازداشت قانونی اعضای حزب مذکور را اعلام داشت.

در همین جلسه به‌اقتضای وقت، استیضاح حایری‌زاده نماینده مجلس از دولت وقت پس گرفته شد. و نیز در جلسه یکشنبه ۱۷ بهمن‌ماه مجلس نسبت به استیضاح عباس اسکندری[۴۹] دربارهٔ نفت رأی سکوت داد. دولت در جلسه مذکور، تقاضای رأی اعتماد کرد. مجلس پس از اخذ رأی با اکثریت ۸۹ رأی از ۹۳ رأی حاضر به دولت ساعد و اقداماتی که به‌منظور حفظ انتظامات و برقراری امنیت داخلی به‌عمل آورده بود رأی اعتماد داد.

پس از این جریان از طرف حکومت نظامی عده کثیری بازداشت شدند. پادشاه در موقع تشرف نمایندگان فراکسیونهای مختلف مجلس، تصمیم خود را دایر بر تأسیس مجلس مؤسسان برای رفع نقایص قانون اساسی و لزوم تأسیس مجلس سنا اعلام داشتند.

روز سه‌شنبه ۲٦ بهمن‌ماه ۱۳۲۷ ـ آیت‌الله حاج سید ابوالقاسم کاشانی که به‌موجب ماده پنج قانون حکومت نظامی در خرم‌آباد به‌صورت تبعیدی به‌سر می‌برد، از طرف دولت با هواپیما به دمشق و لبنان انتقال یافت.

در جلسهٔ سه‌شنبه سوم اسفندماه ۱۳۲۷ ـ دوتن از نمایندگان (حسین مکی ـ حایری‌زاده) دولت را در مورد بازداشت مدیران جراید و تبعید آیت‌الله کاشانی استیضاح نمودند.

روز شنبه ۷ اسفندماه، فرمان تهیه مقدمات انتخابات شانزدهمین دوره

۴۹ـ استیضاح مذکور در جلسهٔ مورخ پنجشنبه ۲۳ دیماه ۱۳۲۷ شمسی که مواد مهم آن را: ۱ـ سوء سیاست اقتصادی مخصوصاً آن قسمتی که مربوط به نفت انگلیس و ایران است. ۲ـ سکوت و عدم اعتراض دولت نسبت به ساختمانهای تصفیه‌خانه‌ها که در خارج از ایران از طرف شرکت بنا می‌شود. ۳ـ نسبت به سیاست عمومی و اعتراض به افراد دولت از نظر عدم صلاحیت.

قانونگذاری صادر شد. و نیز در جلسه ۱۸ اسفندماه ۱۳۲۷ فکر تأسیس مجلس مؤسسان از طرف نمایندگان فراکسیونهای مختلف مورد تأیید قرار گرفت و اکثریت موافقت خود را درضمن نامه‌ای به مقام ریاست مجلس تقدیم داشتند.

آیین‌نامه انتخابات اعضای مجلس مؤسسان از طرف دولت به‌تاریخ ۱۰ اسفندماه ۱۳۲۷ به مجلس شورای ملی تقدیم شد و روز ۱۴ فروردین‌ماه انتخابات مجلس مؤسسان در سراسر کشور آغاز گردید.

در جلسه سه‌شنبه ۲۳ فروردین، دکتر مظفر بقائی سیاست دولت را در مورد تعطیل مطبوعات، مداخله نیروی نظامی در امور کشوری و همچنین عدم اجرای قوانین، مورد انتقاد قرار داد. جریان مشروح عملیات دولت را در موارد فوق در ضمن عریضه‌ای با اشاره به جریان تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر بعضی از اصول قانون اساسی، توسط رئیس مجلس به حضور پادشاه تقدیم داشت. در همین جلسه حسین مکی دولت را به جهت استقرار حکومت نظامی و تبعید آیت‌الله کاشانی مورد استیضاح قرار داد.

از تاریخ ۲۳ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت‌ماه جلسات مجلس همه روز به‌منظور اخذ تصمیم دربارهٔ استیضاحهای متعدد که از طرف چندتن از نمایندگان ازجمله دکتر مظفر بقائی، حسین مکی، حایری‌زاده نسبت به دولت ساعد طرح شد تشکیل می‌گردید. نمایندگان فوق بطور کلی سیاست دولت ساعد را در زمینه‌های مختلف زیر مورد استیضاح قرار دادند.

۱- سوء استفاده قوای انتظامی به‌دنبال برقراری حکومت نظامی، تعقیب غیرقانونی کارمندان، مسألهٔ دانشجویان دانشگاه و نظریه دولت مبنی بر عدم مداخله آنها در امور سیاسی مملکت، تشکیل مجلس مؤسسان و تغییر و تفسیر قانون اساسی، روش دولت راجع به نفت جنوب، تصمیم دولت دایر بر خرید دو ملیون فشنگ و تعمیر کارخانجات ارتش.

نخست‌وزیر به‌دنبال استیضاح دکتر مظفر بقائی و حایری‌زاده در جلسه ۱۰ اردیبهشت‌ماه پس از بیان توضیحات کافی از مجلس تقاضای رأی اعتماد کرد. پس از اخذ رأی از ۹۶ تن عده حاضر ۹۰ تن رأی موافق و ۵ تن رأی کبود و یک تن رأی ممتنع دادند و بدین کیفیت دولت با رأی اعتماد اکثریت همچنان به زمامداری خود ادامه داد.

مجلس مؤسسان روز پنجشنبه اول اردیبهشت‌ماه با نطق افتتاحیه محمدرضاشاه گشایش یافت و در جلسه ۱۷ اردیبهشت‌ماه اصل الحاقی به قانون اساسی[۵۰] و در جلسه ۱۸ اردیبهشت‌ماه اصل جدید ۴۸ متمم قانون اساسی به تصویب مجلس مؤسسان رسید و مجلس مذکور روز ۲۰ اردیبهشت‌ماه پایان یافت.

دولت ساعد، با سیاست اختفا مذاکره در قرارداد ۱۹۳۳ را با نمایندگان شرکت نفت شروع کرد. تظاهرات دامنه‌دار طبقات مختلف ملت در خارج از مجلس، اقدامات نهانی و آشکار نمایندگان به‌صورت استیضاح و جز اینها دولت را از ادامه این مذاکرات باز نداشت و پس از قریب ۸ ماه مطالعه و بررسی، یک هفته به آخر عمر مجلس پانزدهم، قرارداد جدید نفت را که به قرارداد الحاقی «گس و گلشائیان» معروف گردید، به ضمیمه ماده واحده‌ای با قید یک فوریت به تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۲۸ برای تصویب به مجلس شورای ملی تقدیم داشت.

لایحه مزبور پس از بررسی و تصویب کمیسیونهای مربوط بدان در جلسه اول مردادماه مجلس مطرح گردید، این قرارداد از اولین جلسه طرح با مخالفت نمایندگان بویژه اقلیت مجلس مواجه شد. در طی چهار روز با تشکیل جلسات متعدد علنی صبح و عصر مجلس شورای ملی، با این که در لایحه مزبور سهم ایران از عواید نفت بیش از قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ میلادی بود مخالفان قرارداد از کلیه اطلاعات کاملی که در مورد نفت در دسترس داشتند، به‌ضد آن استفاده کردند و با اقامه انتقادات سرسخت از تصویب آن با همه فشارها جلوگیری نمودند و به دولت پیشنهاد شد تا به‌منظور استیفای کامل و حق بیشتری به موجب قانون مهرماه ۱۳۲۶ به مذاکرات خود با مقامات شرکت نفت همچنان ادامه دهد.

با رد لایحه نفت عمر مجلس پانزدهم نیز به‌تاریخ سه‌شنبه چهارم مردادماه خاتمه یافت. کابینه در مردادماه ۱۳۲۸ با انتصاب جواد گنجه‌ای به‌تاریخ ۱۰ مردادماه به سمت وزیر پست و تلگراف و غلامحسین فروهر به سمت وزیر کار (۱۶ مرداد) ترمیم پیدا کرد.

با شروع انتخابات شانزدهمین دوره قانونگذاری به‌تاریخ مهرماه ۱۳۲۸، اعمال نفوذ و تحریک و دخالت مقامات در امر انتخابات، موجبات عدم رضایت جمع کثیری

۵۰- ر.ک کتاب نمایندگان مجلس شورای ملی، بخش سوم، قانون اساسی و متمم آن.

را فراهم ساخت. دکتر محمد مصدق به‌عنوان اعتراض به این امر روز ۲۲ مهرماه، همراه جمعی از مدیران روزنامه‌ها و نمایندگان اقلیت (۲۰۰ تن) به قصد تحصن به دربار شاهنشاهی حرکت کرد. از پیش اعتراض‌کنندگان موارد اعتراض را درضمن عریضه‌ای همراه با قصد و اجازه تحصن را توسط وزیر دربار به حضور پادشاه تقدیم داشتند.

انجمن نظار، شرح مبسوطی در پاسخ اعتراضات دکتر محمد مصدق و سایر بست‌نشینان از طریق وزارت دربار به ایشان اعلام داشت، متحصنان پس از چهار روز تحصن با دریافت پیامی از جانب محمدرضاشاه به‌شرح زیر روز سه‌شنبه ۲۶ مهرماه ۱۳۲۸ به تحصن خود خاتمه دادند.

«ما شکایت واصله را به دولت مراجعه کردیم و این جواب دولت است برای مزید اطمینان به حسن جریان انتخابات تهران اقداماتی که لازم بود به‌عمل آمد و امیدواریم اکنون که انتخابات تهران شروع شده است دیگر هیچگونه موجبی برای شکایت وجود نداشته باشد. راجع به انتخابات شهرستانها که در جریان است مجدداً دستور مؤکد درباب مراقبت کامل از تأمین آزادی انتخابات دادیم. ضمناً این مطلب مسلم است که به‌موجب قوانین جاریه در امر انتخابات مجلس شورای ملی، مرجع شکایت در یک حدود معینی دولت است و از آن گذشته انجمن نظارت و در مرحله نهایی خود مجلس شورای ملی و بنابر آنچه به‌نظر می‌رسد در این‌باب تنها اختیاری که به مقام سلطنت اختصاص یافته و قانوناً در مورد دوام یا انقطاع دوره وکالت نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا تأثیر دارد، حق انحلال مجلسین است و عجالتاً بر ما معلوم نیست که آیا در مورد نمایندگان به مجلس هم که هنوز تشکیل نیافته است مقام سلطنت می‌تواند این اختیار را اعمال نماید یا خیر، علاوه بالفعل دلایلی هم که ضرورت اعمال این حق را ایجاب کند مشهود نیست. بنا بر آنچه بحق و عیان ثابت شده است بسیاری از این شکایات ناشی از نواقص عدیده قانون انتخابات است و مادامی‌که نواقص مرتفع نشده است در آینده نیز مانند گذشته همواره این قبیل شکایات وجود خواهد داشت و به‌همین جهت امیدواری ما این است که مجلسین آینده این نقایص را برطرف سازند و برطبق اصولی که امروز در دنیا جاری است قانون کلی وضع نمایند. با همه این مراتب لازم می‌دانیم این نکته را هم علاوه کنیم که باوجود نواقص قانون انتخابات هرچند در این دوره تاکنون هیچگونه شکایتی درباب تطمیع به ما نرسیده است معهذا

باز برای این که حد اعلای تحقیق و رسیدگی دقیق ادا شده باشد و شخصاً درخصوص وضع و جریان انتخابات این دوره و مصونیت آن از تطمیع و فساد و همچنین از مداخلات غیرمجاز بیش از پیش اطمینان حاصل کنیم اقدامات مقتضی را به‌عمل خواهیم آورد تا چگونگی آن از هر حیث روشن شود.»

به‌دنبال ترور و فوت عبدالحسین هژیر وزیر دربار در مسجد سپهسالار برای شرکت در مراسم عزاداری و روضه‌خوانی دربار، به‌تاریخ ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۲۸ شمسی، حکومت نظامی به‌موجب تصویبنامه هیأت وزیران در تهران و حومه برقرار گردید و جمعی از معاریف و مدیران جراید طبق ماده پنج حکومت نظامی بازداشت شدند. و دکتر محمد مصدق طبق دستور فرماندار نظامی به احمدآباد تبعید شد.

روز ۱۹ آبان‌ماه قرائت آرا انتخابات تهران تعطیل و بطلان آن از طرف انجمن نظار منتشر شد و انتخابات مجدد به‌تاریخ ۱۹ بهمن‌ماه ۱۳۲۸ شمسی به‌عمل آمد. در تاریخ آبان‌ماه ۱۳۲۸، جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق تشکیل گردید.

نخست‌وزیر استعفای دولت را به‌تاریخ ۲۱ دی‌ماه به پادشاه تقدیم داشت ولی مجدداً مأمور تشکیل هیأت دولت گردید.

دولت جدید به‌تاریخ ۲۴ دی‌ماه ۱۳۲۸ شمسی به‌شرح زیر به حضور پادشاه معرفی شد.

۱ـ محمد ساعد مراغه‌ای	نخست‌وزیر
۲ـ علی‌اصغر حکمت	وزیر مشاور
۳ـ دکتر محمد سجادی	وزیر دادگستری
۴ـ عباسقلی گلشائیان	وزیر دارایی
۵ـ سپهبد مرتضی یزدان‌پناه	وزیر جنگ
۶ـ دکتر علی‌اکبر سیاسی	وزیر امورخارجه
۷ـ دکتر منوچهر اقبال	وزیر راه
۸ـ دکتر عبدالحمید زنگنه	وزیر فرهنگ
۹ـ دکتر تقی نصر	وزیر اقتصاد ملی
۱۰ـ دکتر محمد نخعی	وزیر کشاورزی
۱۱ـ سید جلال‌الدین تهرانی	وزیر پست و تلگراف

۱۲ـ امیر اسدالله اعلم — وزیر کشور
۱۳ـ دکتر شهید نورایی — وزیر کار[۵۱]
۱٤ـ دکتر اعلم‌الملک — وزیر بهداری[۵۲]

روز ۱۸ بهمن‌ماه، متینگ عظیمی مرکب از طبقات مختلف اجتماع در میدان بهارستان تشکیل شد. در این متینگ از طرف دکتر محمد مصدق سخنرانی مبسوطی در مورد مسأله انتخابات ابطال‌شده تهران و انتخابات مجدد به‌عمل آمد و با آرامش کامل خاتمه یافت.

شانزدهمین دوره مجلس شورای ملی و مجلس سنا بدون حضور نمایندگان تهران به تاریخ ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۲۸ افتتاح گردید.

با افتتاح و رسمیت مجلس شورای ملی نسبت به دولت ساعد از طرف عباس اسلامی اعلام جرمی به‌تاریخ ٦ اسفندماه ۱۳۲۸ به‌شرح زیر تقدیم مجلس شد.

«نظر به این که آقای ساعد در چند ماه زمامداری اخیر خود برخلاف اصل هفتم قانون اساسی و سایر اصول قانون مزبور و قوانین دیگر عمداً و با سوءنیت مرتکب جرایمی شده و نظر به اینکه نامبرده به‌موجب مدارک و اسناد و دلایل تردیدناپذیری که ناشی از عدم لیاقت و شایستگی مشارالیه می‌باشد ضررهایی به خزانه عمومی و مردم وارد کرده بدین‌وسیله علیه نامبرده اعلام جرم می‌شود و طبق قانون محاکمه وزرا تقاضای تعقیب و محاکمه نامبرده را دارم، دلایل و مدارک را در کمسیون مربوطه تقدیم خواهم داشت.»

دولت ساعد در ۵ اسفندماه ترمیم شد و روز یکشنبه ۷ اسفندماه ۱۳۲۸، هیأت دولت جدید به‌شرح زیر به حضور پادشاه و روز ۹ اسفندماه به مجلس شورای ملی معرفی گردیدند.

۱ـ علی‌اصغر حکمت — وزیر مشاور
۲ـ دکتر محمد سجادی — وزیر دادگستری
۳ـ عباسقلی گلشائیان — وزیر دارایی
٤ـ سپهبد مرتضی یزدان‌پناه — وزیر جنگ

۵۱ـ دکتر شهید نورایی به‌علت کسالت روز سوم بهمن‌ماه استعفا داد.
۵۲ـ معرفی دکتر اعلم‌الملک روز ۲٦ دی‌ماه صورت گرفت.

۵- ابراهیم زند	وزیر کشور
٦- دکتر عبدالحمید زنگنه	وزیر فرهنگ
۷- دکتر اعلم‌الملک «عباس ادهم»	وزیر بهداری
۸- دکتر محمد نخعی	وزیر کار
۹- سید جلال‌الدین تهرانی	وزیر پست و تلگراف
۱۰- دکتر تقی نصر	وزیر اقتصاد ملی
۱۱- امیراسداله علم	وزیر کشاورزی
۱۲- حسین علاء	وزیر امورخارجه
۱۳- دکتر منوچهر اقبال	وزیر راه[۵۳]

مجلس جدید مخالفت خود را با دولت ساعد هنگام طرح برنامه دولت به‌تاریخ ۱۱ اسفندماه ۱۳۲۸ شمسی ابراز داشت، ساعد که زمامداری خود را متزلزل یافت پس از بازگشت پادشاه از پاکستان به‌تاریخ ۲۵ اسفندماه، استعفای خود را با بیان توضیحاتی در تاریخ ۲۸ اسفندماه به پادشاه تقدیم داشت. استعفای نامبرده پذیرفته شد و به امر محمدرضاشاه مقرر گردید تا تعیین نخست‌وزیر آینده، هیأت دولت همچنان مشغول انجام وظیفه باشند.

* * *

۵۵- علی منصور «منصورالملک»

پس از مستعفی شدن ساعد، علی منصور به فرمان محمدرضاشاه به تاریخ پنجشنبه ۳ فروردین‌ماه ۱۳۲۹ مأمور تشکیل دولت شد. نخست‌وزیر هیأت دولت را روز دوشنبه ۱٤ فروردین‌ماه ۱۳۲۹ بدین‌ترتیب به حضور شاه و روز ۲۰ فروردین‌ماه برابر با ۲۲ جمادی‌الاخر ۱۳٦۹ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی کرد.[۵٤]

۱- علی منصور	نخست‌وزیر و وزیر دارایی[۵۵]

۵۳- دکتر منوچهر اقبال در جلسه ۹ اسفندماه معرفی شد.

۵٤- مذاکرات مجلس - دورهٔ شانزدهم قانونگذاری - جلسهٔ ۱۰ - صفحهٔ ۱٤۹٦.

۵۵- ٤ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۹ محمدعلی وارسته به سمت وزیر دارایی منصوب گردید و تا تاریخ ۲۹/۳/۳۱ بدین‌سمت باقی بود تااینکه دکتر محمد سجادی در جلسه اول تیرماه ۲۹ به سمت وزیر دارایی معرفی شد.

۲- سپهبد مرتضی یزدانپناه	وزیر جنگ
۳- دکتر علی امینی	وزیر اقتصاد[۵۶]
٤- دکتر منوچهر اقبال	وزیر راه
۵- دکتر محمد نخعی	وزیر کار
٦- ابراهیم زند	وزیر کشور
۷- علی هیات	وزیر دادگستری
۸- مسعود کیهان	وزیر فرهنگ
۹- محمدعلی وارسته	وزیر بهداری
۱۰- امیر اسدالله علم	وزیر کشاورزی
۱۱- سید جلال‌الدین تهرانی	وزیر پست و تلگراف
۱۲- حسین علاء	وزیر امور خارجه

منصور، به‌موجب تصویبنامه مورخ ١٦ فروردین‌ماه ۱۳۲۹ شمسی مقررات حکومت نظامی را در تهران و حومه لغو کرد.

اعتراض به انتخابات در دوره زمامداری منصور نیز همچنان ادامه داشت، چنانکه روز پنجشنبه ۱۰ فروردین‌ماه ۱۳۲۹، جمعیت کثیری در مقابل وزارت کشور اجتماع کردند و نسبت به آراء انتخابات لواسانات اعتراضات شدیدی به‌عمل آوردند، در این تظاهرات بین موافقان و مخالفان زدوخوردی روی داد، به‌دنبال این ماجرا انجمن نظار پس از رسیدگی به جریان امر انتخابات آن ناحیه، آراء لواسانات را در اختیار مأموران قانونی قرار داد.

با رد لایحه گس وگلشائیان در مجلس پانزدهم، مسأله نفت مدتی مسکوت ماند، تا این‌که با افتتاح دوره شانزدهم مجلس شورای ملی، به‌موجب پیشنهاد شاه، نخست‌وزیر به‌منظور تعیین تکلیف قرارداد الحاقی از مجلس خواست این موضوع مجدداً در جلسه‌های شورای ملی مطرح گردد. روز ۲۰ خردادماه ۱۳۲۹، آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی که در سال ۱۳۲۷ به لبنان تبعید شده بود، با استقبال پرشور گروه کثیری از مردم و اعضای جبهه ملی، اصناف بازاریان و روحانیان وارد تهران شد.

در جلسهٔ ۲۸ خردادماه ۱۳۲۹، دکتر محمد مصدق، پیام آیت‌الله کاشانی را

۵٦- صادق وثیقی به‌تاریخ ۲۳ خردادماه به وزارت اقتصاد انتخاب شد.

مبنی بر مسأله نفت ایران، مجازات تبعید کنندگان نامبرده، بی‌اعتبار بودن تصمیمهای مجلس مؤسسان را قرائت کرد.

به‌دنبال انتشار نامهٔ سرگشاده احمد قوام‌السلطنه، بین رجال، نمایندگان مجلس شورای ملی و سناتورها، که مضمون آن انتقاد از اعمال شاه در مورد تشکیل مجلس مؤسسان، اصلاح مواد قانون اساسی و میزان دارایی شاه به‌تاریخ ۱۹ فروردین و ۲۵ خردادماه ۱۳۲۹ شمسی. از طرف وزارت دادگستری در تاریخ ۳۰ خردادماه پرونده‌ای جهت تعقیب نامبرده تقدیم مجلس شورای ملی گردید.

به‌موجب مدارک موجود در پرونده نامبرده در موارد زیر متهم شناخته شد.

۱ـ ربودن اسناد دولتی از وزارت امور خارجه

۲ـ مداخله در امر انتخابات

۳ـ جواز ٤٥٠ تن جو

٤ـ جواز مربوط به قطع اشجار جنگل

۵ـ جواز صدور ۵۰۰ تن چای

مجلس رسیدگی به امر نفت را به‌عهده کمیسیونی خاص مقرر داشت، کمیسیون نفت با عضویت ۱۸ تن از نمایندگان که پنج تن از آنها عضو جبهه ملی بودند در جلسه ۳۰ خردادماه تشکیل یافت و پس از مذاکرات لازم، به‌موجب رأی کمیسیون نفت به‌تاریخ ۵ تیرماه ۱۳۲۹، از وزارت دارایی خواسته شد تا ظرف مدتی خاص کلیه پرونده‌های مربوط به نفت و اسناد و مدارک موجود را به‌منظور بررسی و مطالعه به کمیسیون نفت ارسال دارند.

منصورالملک روز ۵ تیرماه ۱۳۲۹، استعفای دولت را به حضور شاه تقدیم داشت.

* * *

۵۶ـ سپهبد حاج علی رزم‌آرا

با سقوط علی منصور، بنا به‌فرمان محمدرضاشاه، سپهبد حاج علی رزم‌آرا مأمور تشکیل دولت گردید. نخست‌وزیر هیأت وزیران را روز سه‌شنبه ٦ تیرماه ۱۳۲۹ به حضور شاه و سپس به مجلس شورای ملی به ترتیب زیر معرفی کرد و برنامهٔ دولت را به مجلس

تسلیم کرد.[۵۷]

۱- سپهبد حاج علی رزم‌آرا	نخست‌وزیر، وزیر کشور[۵۸]
۲- دکتر تقی نصر	وزیر دارایی
۳- محمود صلاحی	کفیل وزارت امور خارجه[۵۹]
٤- محمدعلی بوذری	وزیر دادگستری
۵- سرلشگر عبدالله هدایت	وزیر جنگ
٦- دکتر مرتضی آزموده	وزیر اقتصاد ملی
۷- دکتر شمس‌الدین جزایری	وزیر فرهنگ
۸- مهندس ابراهیم مهدوی	وزیر کشاورزی
۹- دکتر جهانشاه صالح	وزیر بهداری
۱۰- دکتر محمد نخعی	وزیر کار[٦۰]

وزارت راه و پست و تلگراف توسط معاونان اداره می‌شدند.[٦۱]

دولت رزم‌آرا، از اولین روز زمامداری با مخالفت نمایندگان اقلیت و طبقات مختلف مردم مواجه شد.

سه‌شنبه ٦ تیرماه، اولین روز معرفی کابینه، هنگام ورود به جلسه علنی مجلس شورای ملی نخست‌وزیر به‌عنوان زمامدار دیکتاتور، مورد اعتراض تنی چند از نمایندگان قرار گرفت و نیز درحالی‌که هیأت وزیران معرفی می‌شدند از طرف جمع کثیری تماشاگر تظاهراتی به‌ضد دولت صورت گرفت. این تظاهرات اعتراض‌آمیز در جلسات آینده مجلس و گرفتن رأی اعتماد همچنان ادامه داشت و اعلامیه‌ای از طرف آیت‌الله کاشانی و جبهه ملی بر ضد نخست‌وزیری رزم‌آرا صادر شد (٦ تیرماه)

در تظاهرات ۱۱ تیرماه، هنگام خروج هیأت دولت از مجلس، بین تظاهرکنندگان و نیروی انتظامی زدوخوردی درگرفت، تنی چند مجروح و عده‌ای نیز

۵۷- مذاکرات مجلس ـ دورهٔ شانزدهم قانونگذاری ـ جلسه ٤۱.
۵۸- روز ۲۹ آبان، امان‌الله اردلان به‌سمت وزیر کشور معرفی گردید.
۵۹- محسن رئیس به‌تاریخ ۲۳ مردادماه به‌سمت وزیر امور خارجه تعیین شد.
٦۰- اسدالله علم به‌تاریخ ۲۹ آبان‌ماه به‌سمت وزیرکار معرفی گردید.
٦۱- خلیل فهیمی از تاریخ ۱۲ بهمن‌ماه به‌سمت وزیر مشاور انتخاب شد.

دستگیر شدند.

سرانجام رزم‌آرا، در میان موجی از احساسات و حملات مخالفت‌آمیز نمایندگان و طبقات مختلف اجتماعی در جلسه سه‌شنبه ۱۳ تیرماه ۱۳۲۹، از ۱۰۷ رأی حاضر در جلسه با ۹۳ رأی موافق و ۳ رأی ممتنع و ۸ رأی مخالف اعتماد مجلس را نسبت به دولت به‌دست آورد. در جلسه ۱۹ تیرماه مجلس سنا نیز با ۳۵ رأی از ٤۹ رأی، نسبت به دولت ابراز اعتماد شد.[۶۲]

دولت در جلسه ٦ و ۱۲ مهرماه ۱۳۲۹ مجلس شورای ملی از طرف چندتن از نمایندگان اقلیت استیضاح شد و بعد از آن که دولت جواب استیضاح را که مربوط به تعلل دولت در استیفای حقوق ملت راجع به نفت جنوب و عدم اجرای قانون مصوب ۲۹ مهرماه ۱۳۲٦ شمسی و امور دادگستری بود ـ در جلسه ۱٦ مهرماه بیان داشت. بنا به‌سنن پارلمانی اخذ رأی اعتماد نسبت به دولت به‌عمل آمد. مجلس با اکثریت ۹۷ رأی، به دولت رأی اعتماد داد.

در دولت گذشته اشاره شد، که امر رسیدگی به نفت به پیشنهاد اکثریت نمایندگان به کمیسیون نفت مجلس شورای ملی ارجاع شد. کمیسیون مزبور به ریاست دکتر محمد مصدق پس از آن‌که از تاریخ ۵ تیرماه تا چهارشنبه ۸ آذرماه درضمن جلسات متعدد، مواد ۲۵ گانه و عادی دولت مندرج در قرارداد الحاقی را مورد رسیدگی قرار داد، چون آن را کافی به مقصود ندید، از دولت خواستار شد، به‌موجب مسئولیت قانونی که دارد، مدافعات خود را دربارهٔ مواد قرارداد جدید به‌نظر مجلسیان برساند.

٦۲ـ تغییرات زیر در کابینه حاج علی رزم‌آرا به‌عمل آمد:

۱۹ شهریورماه محسن رئیس به سمت وزیر امور خارجه ـ غلامحسین فروهر وزیر کار ـ مهندس جعفر شریف‌امامی به‌سمت وزیر راه ـ مهندس اشراقی به‌سمت وزیر پست و تلگراف معرفی شدند.

در تاریخ ۳ آبان‌ماه ۱۳۲۹ غلامحسین فروهر به‌سمت وزیر دارایی و دکتر عبدالله دفتری به‌سمت وزیر اقتصاد ملی تعیین شدند.

۲۹ آبان‌ماه ۱۳۲۹ امان‌الله اردلان به‌سمت وزیر کشور و اسدالله علم به‌سمت وزیر کار تعیین گردیدند.

۱۲ بهمن‌ماه خلیل فهیمی به‌سمت وزیر مشاور و در تاریخ ۲٦ بهمن‌ماه دکتر عبدالحمید زنگنه به‌سمت وزیر فرهنگ تعیین شدند.

چون توضیحات دولت از نظر اعضای کمیسیون قانع کننده نبود، سرانجام پس از مطالعات بسیار کمیسیون پیشنهاد خود را با اکثریت آرا مبنی بر رد قرارداد الحاقی گس و گلشائیان تقدیم مجلس شورای ملی کرد.

ازپیش بیان داشتیم که مسأله نفت در ایران منشاء انقلابات داخلی فراوان گردید و مقدمه آن، با اعتراض یک تن از نمایندگان دوره چهاردهم به‌ضد قرارداد تحمیلی ۱۹۳۳ میلادی و وزیر دارایی زمان انعقاد که در صف نمایندگان قرار داشت شروع شد و دامنه آن به مجلس پانزدهم و مخالفت با قرارداد الحاقی گس و گلشائیان در زمان حکومت ساعد، و سرانجام به دوره شانزدهم و دولتهای بعد نیز سرایت کرد تا اینکه در دوران زمامداری و حکومت رزم‌آرا به اوج شدت خود رسید.

چنانکه این دوران را باید به‌نوبه خود یکی از بحرانی‌ترین دوره انقلابات نفت دانست، اجتماعات و تظاهرات همه‌روزه به‌ضد کابینه و مسأله نفت به‌شرح زیر رخ می‌داد تا با به‌قتل رسیدن رئیس دولت، کابینه نفتی سقوط کرد.

اشاره شد، که قرارداد الحاقی گس و گلشائیان در دوره شانزدهم مجدداً مطرح و دولت وقت (منصور) بدون اظهار موافقت و یا عدم موافقت دربارهٔ مواد لایحه مزبور، تعقیب آن را به‌منظور تعیین تکلیف از مجلس خواستار شد، ولی با سقوط کابینه منصور و روی کار آمدن دولت رزم‌آرا دولت به‌سبب طرفداری و دفاع از قرارداد الحاقی، مورد استیضاح قرار گرفت. این استیضاح به عللی چند پس از پاسخ نخست‌وزیر (جلسه ۵ آذرماه)، بنا به پیشنهاد نمایندگان مسکوت ماند. سرانجام در جلسهٔ ۲۶ آذرماه ۱۳۲۹، کمیسیون نفت مجلس شورای ملی، گزارش بررسی خود را دربارهٔ نفت قرائت کرد و به‌دنبال آن پیشنهاد ملی کردن صنعت نفت به امضای یازده تن از نمایندگان تقدیم مجلس گردید.[۶۳]

انتشار جریان مسأله نفت در مطبوعات به‌صورت انتقاد به دستگاه حکومت وقت، دولت را برآن داشت تا به توقیف جراید و بازداشت یک تن از مدیران جراید بپردازد. به‌دنبال این امر تنی چند از مدیران مطبوعات روز ۲۷ آذرماه در مجلس متحصن شدند.

۶۳ـ دکتر محمد مصدق ـ دکتر مظفر بقایی ـ عبدالقدیر آزاد ـ میرسیدعلی بهبهانی ـ عباس اسلامی ـ دکتر شایگان ـ حسین مکی ـ سید ابوالحسن حایری‌زاده ـ محمود نریمان ـ الهیار صالح ـ کاظم شیبانی.

اقدام اخیر دولت نسبت به مطبوعات مورد انتقاد نمایندگان اقلیت مجلس نیز قرار گرفت و به‌عنوان اعتراض نسبت به سلب آزادی از مطبوعات روز ۳۰ آذرماه تحصن در مجلس را اختیار کردند.

در خارج از مجلس نیز دانشجویان دانشگاه به پیروی از سیاست نمایندگان اقلیت و همدردی با مدیران مطبوعات، میتینگ عظیمی به‌تاریخ ۳۰ آذرماه در میدان بهارستان ترتیب دادند و پس از ایراد سخنرانیهای پرحرارت درباب لزوم ملی کردن صنعت نفت و ابطال قرارداد الحاقی با نظم و ترتیب خاصی به تظاهرات مخالفت‌آمیز خود با دولت خاتمه دادند.

از آنجا که فکر ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، غایت ملت ایران بود، جمعیت کثیری مرکب از چندهزار نفر به‌موجب دعوت پیشوای روحانی وقت آیت‌الله کاشانی به‌تاریخ اول دی‌ماه ۱۳۲۹ در مسجد شاه مجتمع شدند، ملی کردن صنعت نفت و ابطال قرارداد ۱۹۳۳ میلادی موضوع سخنرانی چندتن از رهبران افکار عمومی قرار گرفت و درپایان این متینگ عظیم خواست خود را به‌صورت قطعنامه ذیل صادر کردند.

۱ـ صنایع نفت در تمام کشور بلاقید باید ملی اعلام شود.

۲ـ ملت ایران عهدنامه و امتیازهای سابق را به‌رسمیت نمی‌شناسد.

۳ـ ملت ایران عهدنامه کسانی را که درین مبارزه فعالیت می‌کنند پشتیبانی و تقدیر می‌کند.

این جنبشها به‌منظور تأمین منافع و استیفای حقوق ایران از شرکت نفت همچنان از طرف دانشجویان دانشگاه و سایر طبقات اجتماع به‌صورت منظم ادامه داشت.

اشاره شد که لایحه قرارداد الحاقی نفت در آذرماه پس از رأی سکوت مجلس به‌دنبال استیضاح از دولت همچنان معوق مانده بود، تا اینکه به تحریک عواملی چند مجدداً به مجلس عرضه شد و در جلسه ۵ دی‌ماه وزیر دارایی وقت تقاضای استرداد لایحه قرارداد الحاقی کرد. (گس و گلشاییان)

به‌دنبال سخنان رزم‌آرا دربارهٔ عدم توانایی ایران در صنعت استخراج نفت در جلسه خصوصی مجلس شورای ملی به‌تاریخ ۳ دی‌ماه ۱۳۲۹، و استرداد لایحه مزبور (گس و گلشاییان) از طرف دولت، متینگ عظیمی به‌تاریخ ۸ دی‌ماه ۱۳۲۹ در میدان

بهارستان داده شد و علاوه بر مسأله نفت نسبت به شدت عمل دولت دربارهٔ مطبوعات اعتراضاتی صورت گرفت و درپایان این تظاهرات قطعنامه‌ای مبنی بر منویات جمعیتهای ذیل: جمعیت مسلمانان مجاهد، حزب ایران، حزب استقلال، سازمان نظارت آزادی، جمعیت مبارزه اصناف، دانشجویان و دانش‌آموزان و سایر طبقات دربارهٔ قانون انتخابات، الغای حکومت نظامی، ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، درضمن اعتراض به عمل دولت در مورد استرداد لایحه الحاقی قرائت گردید.

واکنش مجلس در برابر اقدام اخیر دولت در مسأله استرداد لایحه از کمیسیون نفت، به‌صورت اعتراضات شدید اکثر نماینده‌گان از تاریخ یکشنبه ۱۰ دی‌ماه شروع گردید. در جلسه ۱۰ دی‌ماه طرحی به امضای چهل تن از نماینده‌گان مجلس تقدیم شد و به‌موجب آن مدافعات وزیر دارایی از لایحه الحاقی و استرداد آن مردود شناخته شد.

این طرح در جلسه ١٤ دی‌ماه مجلس شورای ملی به‌اتفاق آرا تصویب شد.

جالب توجه این‌که روش اخیر دولت دربارهٔ مسأله نفت در داخل هیأت دولت نیز مورد مخالفت و اعتراض قرار گرفت و چندتن از وزیران ازجمله: وزیر اقتصاد ملی، وزیر بهداری، وزیر راه، وزیر کشاورزی نسبت به اقدام دولت در مسأله استرداد لایحه که بدون مشورت با هیأت دولت صورت گرفته بود ضمن اعتراض شدید استعفا دادند. ولی پس از برکناری وزیر دارایی وزیران مستعفی کار خود را مجدداً به تاریخ ۱۰ دی‌ماه آغاز کردند.

دولت سپهبد رزم‌آرا به‌دنبال جریانهای اخیر، در جلسه ۵ بهمن‌ماه ۱۳۲۹ شمسی از طرف چندتن از نماینده‌گان به‌شرح زیر مورد استیضاح قرار گرفت.

«عدم امنیت قضایی و اجتماعی، آقای نخست‌وزیر و آقایان وزرای کشور و دادگستری را استیضاح می‌کنم.»

نخست‌وزیر در پاسخ استیضاح نماینده‌گان توضیحاتی دربارهٔ خدمات ۷ ماهه زمامداری خود بیان داشت و از مجلس تقاضای رأی اعتماد کرد. مجلس از ۱۰۳ رأی حاضر با ۹۱ رأی موافق به دولت رأی اعتماد داد.

در خارج از مجلس، تظاهرات مخالفت‌آمیز طبقات مختلف همچنان ادامه داشت و روز ٦ بهمن‌ماه با تشکیل میتینگ بزرگی در مسجد شاه از طرف بازرگانان و اصناف و طبقات مختلف دربارهٔ ملی شدن صنعت نفت روی داد و نیز روز ۱۲ اسفندماه این

تظاهرات به‌صورت عظیمتر و هیجان‌انگیزتر رخ داد.

هیأت دولت، با مقتول شدن سپهبد حاج علی رزم‌آرا به‌ضرب گلوله یک تن از متعصبین مذهبی[۶۴] به‌تاریخ چهارشنبه ۱۶ اسفندماه ۱۳۲۹ درحالی‌که برای برچیده شدن مجلس ختم به مسجد شاه رفته بود سقوط کرد. روز ۱۷ اسفندماه ۱۳۲۹، آیت‌الله کاشانی، طی یک مصاحبه، خلیل طهماسبی را نجات‌دهنده ایران معرفی کرد و در تظاهرات و اجتماع گسترده‌ای که در میدان بهارستان ترتیب یافته بود، حسین مکی، دکتر مظفر بقایی، قتل رزم‌آرا را به ملت ایران تبریک گفتند.

به‌دنبال این جریانات، آیت‌الله کاشانی، محمود نریمان، حسین مکی و دکتر مظفر بقایی بازداشت شد.

در تاریخ ۱۸ اسفندماه ۱۳۲۹، تظاهرات دامنه‌داری، از طرف جمع کثیری از بازرگانان، اصناف، طرفداران جبهه ملی، حزب ایران، مجمع مسلمانان مجاهد، حزب استقلال، کمیته جوانان، در میدان بهارستان برای ملی شدن صنعت نفت ایران به‌عمل آمد.

۵۷- حسین علاء

پس از درگذشت سپهبد حاج علی رزم‌آرا، خلیل فهیمی وزیر مشاور کابینه گذشته تا تعیین رئیس دولت آینده به کفالت نخست‌وزیری منصوب شد.

روز دوشنبه ۲۱ اسفندماه ۱۳۲۹، حسین علاء با رأی تمایل دو مجلس از طرف محمدرضاشاه به سمت نخست‌وزیری انتخاب و مأمور تشکیل هیأت دولت گردید.

نخست‌وزیر روز سه‌شنبه ۲۹ اسفندماه ۱۳۲۹، اعضای دولت جدید را به‌ترتیب زیر به پادشاه و روز یکشنبه ۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۳۰ شمسی برابر با ۲ رجب ۱۳۷۰ قمری به مجلس شورای ملی،[۶۵] معرفی کرد.

برنامه دولت پس از معرفی هیأت وزیران تسلیم مجلس شد. و مجلس شورای ملی پس از طرح و مذاکره در چند جلسه، سرانجام روز شنبه ۲۷ فروردین‌ماه با اکثریت ۷۷ رأی از مجموع ۸۴ رأی حاضر در جلسه به‌تصویب رسید.

۶۴- خلیل طهماسبی عضو جمعیت فدائیان اسلام.

۶۵- مذاکرات مجلس ـ دورهٔ شانزدهم قانونگذاری ـ جلسهٔ ۱۳۰ ـ صفحه ۱۷۸۹.

۱- حسین علاء	نخست‌وزیر و وزیر امورخارجه[۶۶]
۲- محمدعلی وارسته	وزیر دارایی
۳- شمس‌الدین امیرعلایی	وزیر دادگستری
٤- علی دشتی	وزیر مشاور
۵- حبیب‌الله آموزگار	وزیر فرهنگ
٦- ضیاءالملک فرمند قره‌گزلو	وزیر کشاورزی
۷- سرلشگر محمود میرجلالی	معاون وزارت جنگ[۶۷]
۸- دکتر عباس نفیسی	وزیر بهداری در تاریخ ۳۰ فروردین ۱۳۳۰
۹- مهندس حبیب‌الله نفیسی	معاون وزارت کار
۱۰- مهندس احمد مصدق	معاون وزارت راه
۱۱- دکتر جمشید مفخم	معاون وزارت اقتصاد ملی
۱۲- مهندس احمد زنگنه	معاون وزارت پست و تلگراف
۱۳- تیمسار سرلشکر فضل‌اله زاهدی	وزیر کشور[۶۸]

اشاره شد که، کمیسیون مخصوص نفت به ریاست دکتر محمد مصدق لایحه ساعد و گس را برای استیفای حقوق ایران کافی ندانست و مجلس شورای ملی به‌دنبال این گزارش، برای اجرای قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲٦ شمسی به کمیسیون مربوط مأموریت داد که در ظرف دو ماه از تاریخ ۲۱ دی‌ماه ۱۳۲۹، وظیفه دولت و روش او را در مورد حل مسأله نفت تعیین کند و گزارش آن را به مجلس شورای ملی تقدیم نماید.

ترور رزم‌آرا ظاهراً بر سر مسأله نفت و تعویض دولت، مسیر سیاست کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی را تغییر نداد، چنانکه نظر قطعی خود را دربارهٔ نفت جنوب، و گزارش ملی شدن صنعت نفت ایران را به پیروی از احساسات ملی به‌تاریخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۲۹ به‌شرح زیر تقدیم مجلس داشت. (به‌نام سعادت ملت ایران و به‌منظور تأمین صلح جهان، امضاکنندگان ذیل پیشنهاد می‌نماییم که صنعت نفت ایران

٦٦- در تاریخ ۱۸ فروردین‌ماه، عبدالله انتظام به‌سمت وزیر امور خارجه منصوب شد.

٦۷- در تاریخ ۲۹ اسفندماه سپهبد علی‌اصغر نقدی به‌عنوان وزارت جنگ وارد کابینه شد.

٦۸- در تاریخ ١٤ فروردین‌ماه سرلشکر فضل‌الله زاهدی به‌سمت وزیر کشور منصوب شد.

در تمام مناطق کشور بدون استثناء ملی اعلام شود، یعنی تمام عملیات اکتشاف، استخراج و بهره‌برداری در دست دولت قرار گیرد.)

تصمیم فوق به ضمیمه پیشنهاد دو ماه تمدید کار کمیسیون نفت به جهت مطالعه در اطراف اجرای قانون اصل ملی شدن نفت به تاریخ ۲۴ اسفندماه به تصویب مجلس شورای ملی رسید و در جلسه ۲۹ اسفند مجلس سنا نیز آن را تصویب کرد.

به‌دنبال تصمیم دولت ایران مبنی بر ملی شدن صنعت نفت و مذاکرات مربوط به این امر در کمیسیون مخصوص نفت بر اثر تحریکات عمال نهانی خارجی و داخلی، از اوایل فروردین‌ماه ۱۳۳۰، در صفحات خوزستان اغتشاشاتی روی داد، کارگران شرکت نفت نرسیدن عیدی و قطع مدد معاش را عنوان اعتراض قرار دادند و به مدت یک ماه اعتصاب کارگران شروع شد، و در جریان این تظاهرات بین نیروی انتظامی و کارگران زدوخوردهایی روی داد و دولت با اعلام حکومت نظامی در خوزستان و اعزام هیاتی برای رسیدگی به امر مذکور در فوق، بدانجا، این غایله را درضمن مذاکره با مقامات شرکت نفت ایران و انگلیس فرونشاند.

به‌دنبال اقدام مجلس در مورد نفت جنوب، شرکت سابق نفت با مقامات دولتی وارد مذاکره شد و پس از یادداشتهایی که بین دو دولت ایران و انگلیس مبادله شد، دولت انگلیس به‌موجب ماده ۲۱ قرارداد سابق، به دولت ایران اعتراض کرد، و به‌دنبال آن پایگاه‌های نظامی آنان در بحرین و حبانیه و شعبیه تقویت شد و چند رزمناو انگلیسی در دهانه خلیج فارس لنگر انداختند.

آتش انقلاب و تظاهرات کارگران صفحات خوزستان به میان کارگران کارخانه‌های اصفهان نیز سرایت کرد، سرانجام دولت به‌منظور برقراری نظم و اعاده امنیت و فرونشاندن این آتش، در صفحات خوزستان، حکومت نظامی را به‌تاریخ شنبه ۵ فروردین‌ماه ۱۳۳۰ در شهرهای آبادان، مسجدسلیمان، آغاجاری، هفتگل، بندر معشور و گچساران برقرار ساخت، در اصفهان نیز این سیاست اجرا گردید.

صفحات شیراز از ثمره تحریک عمال شرکت نفت و عوامل نهانی داخلی نیز بی‌نصیب نماند، چنانکه مخازن اسلحه و مهمات دولت در آن نواحی آتش گرفت. و فرمانده لشکر و رئیس اداره تسلیحات بازداشت و تحت تعقیب قرار گرفتند (۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ شمسی)

در چنین شرایط و اوضاع و احوالی، کمیسیون مخصوص نفت به تاریخ ٦ اردیبهشت‌ماه گزارش اقدامات خود را درباب اجرای ملی شدن صنعت نفت در ۹ ماده تنظیم و تقدیم مجلس شورای ملی کرد.

بیان داشتیم که تصمیم قانونی دایر بر خلع ید از شرکت نفت انگلیس، مایهٔ نارضایی مقامات دولت انگلیس گردید و درضمن پیشنهاد و مذاکرات خود با مقامات ایرانی، آنها را از تصمیم اجرای این قانون برحذر می‌داشتند. سرانجام نخست‌وزیر، تنظیم قانون نه ماده‌ای کمیسیون مخصوص نفت مجلس شورای ملی را از آنجا که بدون مشورت با دولت وقت تنظیم گردیده بود مورد اعتراض قرار داد، و اقدام کمیسیون را دخالت قوه قانونگذاری در کارهای قوه مجریه دانست و از آنجا که ادامه زمامداری را در چنین شرایطی غیرمقدور دانست، روز جمعه ٦ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ شمسی استعفای خود را به حضور پادشاه تقدیم داشت.

۵۸- دکتر محمد مصدق «مصدق‌السلطنه»

جلسه خصوصی مجلس شورای ملی، پس از استعفای حسین علاء تمایل خود را با اکثریت ۷۹ رأی از ۱۰۱ رأی حاضر در جلسه به زمامداری دکتر محمد مصدق نماینده اقلیت مجلس و رئیس کمیسیون مخصوص نفت به‌تاریخ ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ اظهار داشت. روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه فرمان نخست‌وزیری از طرف محمدرضاشاه صادر گردید.

دکتر محمد مصدق، هیأت وزیران را به‌تاریخ ۱۱ اردیبهشت‌ماه به حضور پادشاه و ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ به مجلس شورای ملی، و به‌تاریخ ١٤ اردیبهشت به مجلس سنا بدین‌ترتیب معرفی کرد.[٦٩]

٦٩- مذاکرات مجلس ـ دورهٔ شانزدهم قانونگذاری ـ جلسه ١٤٢ ـ شمارهٔ ۱۸۱۲.
تغییرات زیر در وزارتخانه‌های مختلف تا تاریخ ٤ مردادماه ۳۱ به‌عمل آمده است:
۱- در وزارت جنگ: سپهبد مرتضی یزدان‌پناه از تاریخ ۳۰/۹/۹.
۲- در وزارت کشور: امیرعلائی از ۳۰/۵/۱۰ ـ امیرتیمور کلالی از ۳۰/۹/۹ تا ۳۰/۱۰/۱۳.
۳- وزارت دارائی: محمود نریمان ۳۰/۷/۱ تا ۳۰/۹/۱۱ ـ علی‌اصغر فروزان از
←

۱ـ دکتر محمد مصدق «مصدق‌السلطنه»	نخست‌وزیر
۲ـ سیدباقر کاظمی	وزیر امور خارجه
۳ـ سپهبد علی‌اصغر نقدی	وزیر جنگ
٤ـ سرلشگر فضل‌اله زاهدی	وزیر کشور
۵ـ محمدعلی وارسته	وزیر دارایی
٦ـ علی هیات	وزیر دادگستری
۷ـ دکتر کریم سنجابی	وزیر فرهنگ
۸ـ یوسف مشار	وزیر پست و تلگراف
۹ـ جواد بوشهری	وزیر راه
۱۰ـ شمس‌الدین امیرعلایی	وزیر اقتصاد ملی
۱۱ـ ضیاءالملک فرمند قره‌گزلو	وزیر کشاورزی
۱۲ـ دکتر حسن ادهم حکیم‌الدوله	وزیر بهداری
۱۳ـ ابراهیم امیرتیمور کلالی	وزیر کار

مجلس شورای ملی، در جلسه یکشنبه ۵ اردیبهشت‌ماه، با اکثریت ۹۹ رأی از ۱۰۲ رأی عدهٔ حاضر در جلسه به دولت رأی اعتماد داد، مجلس سنا نیز تمایل خود را به زمامداری دولت جدید در جلسه چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت‌ماه با اکثریت ٤۸ رأی موافق از ۵۱ تن عده حاضر، اظهار داشت.

قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت و خلع ید از کمپانی انگلیسی، قبل از

→

۳۰/۹/۲۰ تا ۳۰/۱۲/۲۳ ـ محمدعلی وارسته از ۳۰/۱۲/۲۳.

٤ـ وزارت دادگستری: امیرعلائی از ۳۰/۹/۹ تا ۳۰/۱۱/۱٦ ـ دکتر حسن سمیعی از ۳۰/۱۱/۲۰ تا ۳۱/۲/۲۲.

۵ـ وزارت فرهنگ: محمود حسابی از ۳۰/۹/۱۳.

٦ـ وزارت پست و تلگراف: دکتر غلامحسین صدیقی از ۳۰/۹/۲۰.

۷ـ وزارت اقتصاد ملی: دکتر علی امینی از تاریخ ۳۰/۹/۹.

۸ـ وزارت کشاورزی: مهندس خلیل طالقانی از ۳۰/۹/۲۰.

۹ـ وزارت بهداری: دکتر محمدعلی یزدی از ۳۰/۷/۲.

۱۰ـ وزارت کار: دکتر ابراهیم عالی از ۳۰/۱۰/۲۸.

معرفی هیأت دولت در جلسه سه‌شنبه ۱۰ اردیبهشت‌ماه به‌اتفاق آرا به تصویب مجلس رسید و پس از توشیح پادشاه به‌تاریخ ۱۱ اردیبهشت‌ماه به وزارتخانه‌های مربوط بدان ابلاغ گردید.

نخست‌وزیر، روز یکشنبه ۲۲ اردیبهشت‌ماه پس از حضور در مجلس و ایراد نطق مفصلی، بدین‌عنوان که اقداماتی برای ازبین بردن نامبرده از ناحیه عوامل نهانی درشرف انجام می‌باشد، در مجلس متحصن شد و امور جاری کشور در یکی از اطاقهای وصل به تالار جلسه خصوصی مورد رسیدگی قرار گرفت.

شرکت نفت ایران و انگلیس پس از تصویب قانون اجرا شدن صنعت ملی نفت، اعتراضات شدید خود را به‌ضد دولت ایران شروع کرد و اقدام ایران را در این مورد، نقض غیرقانونی قرارداد ۱۹۳۳ میلادی اعلام داشت و برای احقاق حق و حل اختلافات، دادخواستی به‌تاریخ ٤ خردادماه ۱۳۳۰ به دیوان دادگستری لاهه تسلیم کرد و در این دادخواست اشعار داشت که قانون نه ماده مصوب ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ ایران و ملی شدن نفت جنوب، نقض یک‌طرفی قرارداد ۱۹۳۳ میلادی است.

دیوان لاهه، دادخواست دولت انگلیس را در تاریخ ٦ خردادماه تلگرافی به‌شرح زیر به اطلاع دولت ایران رسانید.

«دولت بریتانیای کبیر دادخواستی به‌منظور اقامه دعوی به‌ضد دولت شاهنشاهی ایران به دیوان تسلیم نمود و از دیوان تقاضا شد:

اولاً، اعلام دارد که دولت شاهنشاهی ایران موظف است اختلاف بین خود و شرکت نفت انگلیس و ایران محدود را طبق ماده ۲۲ قرارداد مورخ ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ منعقده بین دولت شاهنشاهی ایران و شرکت نفت انگلیس به داوری واگذار کند و رأی را که درباب این داوری صادر خواهد شد قبول کند و به مورد اجرا گذارد.

ثانیاً، متناوباً یا بطور ثانوی، اعلام دارد: که اجرای قانون ملی کردن صنایع نفت در ایران تا آنجا که باعث الغای یک‌جانبه یا تغییر در قرارداد ۲۹ آوریل ۱۹۳۳ می‌گردد و مخالف مواد ۲۱ و ۲٦ آن می‌باشد عمل خلاف قوانین بین‌المللی نبوده که دولت شاهنشاهی ایران از لحاظ بین‌المللی مسئول آن خواهد بود.

۲ـ اعلام دارد که ماده ۲۲ قرارداد مذکور در فوق به اعتبار قانونی خود باقی است و برای دولت ایران لازم‌الاجرا است.

۳ـ اعلام دارد که دولت ایران قرارداد مذکور در فوق را قانوناً نمی‌تواند لغو کند یا شرایط آن را تغییر دهد مگر در نتیجه موافقت با شرکت نفت انگلیس و طبق شرایط ماده ۲۶ قرارداد.

٤ـ رأی دهد که دولت شاهنشاهی بایستی رضایت کامل را جلب کند و غرامت برای تمام اعمالی که نسبت به شرکت نفت انگلیس و ایران مرتکب شده و مخالف حقوق بین‌المللی پیش‌بینی شده در قرارداد مذکور فوق می‌باشد پرداخته و طرز اجرای این ترضیه خاطر و پرداخت غرامت را معین نماید.»

در جریان اختلاف بین دولت ایران و انگلیس بر سر موضوع نفت، مستر ترومن رئیس‌جمهور آمریکا نیز پیامی مبنی بر پیدا کردن راه‌حل مناسب برای ملی کردن صنعت نفت ایران به دولت ایران ارسال داشت و توجه دولت ایران را به این مسأله به‌طریقی که منافع اساسی بریتانیای کبیر در آن ملحوظ باشد و تضمین گردد، معطوف داشت.

مجلس شورای ملی، به‌دنبال تصویب قانون خلع ید، هیأت عامل موقت و هیأت نظارت را در اواخر اردیبهشت‌ماه انتخاب کرد. هیأت مذکور در نیمه خردادماه در میان موج شگرف احساسات ملی و بی‌شائبه هزاران تن از اصناف و کارمندان دولت و کارگران، برای اجرای قانون عازم آبادان شدند.

هیأت عامل، روز ۲۰ خردادماه با تشریفات باشکوهی به‌نام ملت ایران پرچم ملی کشور شاهنشاهی را بر سردر عمارت مرکزی هیأت مدیره شرکت سابق نفت نصب کردند. همزمان، جاکسن نماینده دولت انگلستان برای مذاکره با دولت ایران وارد تهران شد. (۲۰ خرداد)

پس از ورود نمایندگان شرکت سابق نفت انگلیس به تهران، اولین جلسه کنفرانس نمایندگان مذکور با مقامات دولتی به‌تاریخ چهارشنبه ۲۲ خردادماه تشکیل گردید. مذاکرات این جلسه و جلسه دوم به‌علت عدم توافق در شرایط پیشنهادی دو طرف درباب افتتاح مذاکرات بدون اخذ هیچگونه نتیجه قطع گردید.

علل و عوامل مؤثر پیدایش نهضت ملی نفت، این جنبش کم نظیر را که از منابع عمیق پاکترین احساسات ملت ایران سرچشمه می‌گرفت، ازجمله پسندیده‌ترین نهضتهای صددرصد ملی تاریخی ساخت. دولت دکتر محمد مصدق هنگامی بر سر کار

آمد که افکار عمومی نسبت به اقتصاد نفت در اوج طغیان و مهیای همه گونه اقدامات شدیدی بود که او را به هدف اصلی برساند. طبقات و گروه‌های مختلف اجتماع ایران از: بازاریان، روحانیان و گروه‌های روشنفکر جامعه در یک صف متحد و هماهنگ برای حل موضوع نفت، اقدامات دولت وقت را به‌منظور تقویت در برابر استعمار اقتصادی دولت انگلستان به صورتهای مختلف پشتیبانی می کردند.

نکته جالب توجه در این نهضت تاریخی آن است که عالیترین مقامات اجرایی کشور یعنی پادشاه، با اینکه قلباً دکتر محمد مصدق را که نخست‌وزیر برگزیده مجلس و ملت ایران بود، هیچگاه به‌عنوان رئیس دولت مطلوب خود نپذیرفت و مورد تایید نامبرده نبود، ولی در بدو امر و شرایط زمان، ظاهراً در مسیر راه هیأت قانونگذاری و خواست توده‌های ملت، در پیشبرد هدف عالی ملی، با رهروان و رهبران نهضت هماهنگ بود و در چند ماه اول زمامداری دولت وقت در موارد بیشمار و متعدد و به صورتهای مختلف و مؤثر، اعتماد و پشتیبانی از عملیات دولت نفتی را در زمینه حل مسأله نفت جنوب ابراز داشت.

شور و هیجان ناشی از حقوق انسانی توده‌های ملت ایران به رهبری سران احزاب، پیشوایان مذهبی و نمایندگان بازاریان، به‌صورت تظاهرات و میتینگهای عظیم دامنه‌دار و متوالی به‌ضد شرکت سابق نفت انگلیس و جانبداری از سیاست دولت وقت که مأمور اجرای مهمترین خواست مشروع آنها بود، بروز کرد و با پشتیبانی قاطبهٔ ملت همراه بود، ازجمله: روز سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه متینگ عظیمی مرکب از طبقات مختلف جامعه: روحانیان، بازرگانان و اصناف، همراه با اکثریت نمایندگان دو مجلس در میدان بهارستان داده شد و دیری نپایید که بنا به دعوت پیشوای روحانی آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی روز جمعه ۲۴ خردادماه در تایید اقدامات دولت درباب خلع ید از شرکت نفت سابق و برآورده شدن خواست توده‌های عظیم ملت ایران متینگ منظم و باشکوهی با حضور هزاران تن از گروه‌های مختلف در برابر مجلس شورای ملی و میدان بهارستان برگذار گردید.

حزب زحمتکشان، پس از اعلام مقررات خلع ید، به‌تاریخ ۳۰ خردادماه با اجتماع هزاران نفر، متینگ بزرگی در میدان بهارستان ترتیب داد. در این اجتماع عملیات دولت مورد تایید قرار گرفت، ضمناً اعلامیه آیت‌الله کاشانی مبنی بر لزوم

پشتیبانی از سیاست دولت در مسأله نفت و رد یادداشت انگلستان، قرائت گردید.

به‌دنبال جلسه ۲۸ خردادماه نمایندگان دولت ایران و هیات اعزامی شرکت نفت سابق و پیشنهادی که از طرف نمایندگان مذکور تقدیم دولت گردید نخست‌وزیر روز ۳۰ خردادماه گزارش مشروح اقدامات دولت را با مقامات شرکت سابق نفت و متن پیشنهاد آنان را به اطلاع مجلس شورای ملی رسانید، ضمناً نظر و تصمیم دولت را مبنی بر رد پیشنهاد مقامات مذکور نیز به عرض نمایندگان مجلس رسید. و در خاتمه گزارش از مجلس تقاضای رأی اعتماد کرد. مجلس با اکثریت ۹۸ درصد نمایندگان حاضر در جلسه (۹۱ رأی از ۹۳ رأی حاضر)، به دولت دکتر مصدق رأی اعتماد داد.

رضایت و خشنودی ملت از ملی شدن منبع ثروت کشور به‌منظور رسیدن به هدف غایی عمران و آبادی کشور از طریق تحصیل عواید بیشتر از منابع زرخیز نفت، تنها به‌صورت تشکیل اجتماعات خودنمایی نمی‌کرد، بلکه طبقات مختلف برای رفع مضیقه مالی دستگاه دولت، اقدامات مقتضی درحدود توانایی خود از طریق گذشت از حقوق مالی نیز انجام دادند. چنانکه جمعی از صاحبان ثروت قسمت مهمی از مایملک شخصی را به‌موجب سند در اختیار دولت قرار دادند. کارمندان دولت عموماً به طیب خاطر مبلغی از درآمد ماهانه خود را به دولت بخشیدند. مؤسسات باربری و حمل و نقل کشور آمادگی رایگان خود را جهت حمل و نقل نفت اعلام داشتند.

اشاره شد که رأی صادرشده از دیوان دادگستری لاهه در مورد مسأله نفت ایران و اختلاف با دولت انگلستان در ۱۳ تیرماه، مشعر بر این بود که ایران و انگلستان باید تضمین کنند تا از هرگونه اقدامی که مانع ادامه عملیات شرکت نفت می‌باشد اجتناب ورزند. نماینده دولت ایران در لاهه نسبت به رأی صادرشده اعتراض کرد و اعلام داشت از آن نظر که دیوان مذکور مرجع صالحی برای رسیدگی به ادعای دولت انگلیس نیست رأی دادگاه برای ملت و دولت ایران از آنجا که مغایر استقلال و حاکمیت ملی ایران است، بی‌ارزش می‌باشد.

به‌دنبال رأی دیوان لاهه، از طرف رئیس‌جمهور آمریکا به ایران پیشنهاد شد که رأی دیوان لاهه را بیطرف تلقی و در پیشنهاد دیوان مذکور مطالعه و بررسی بیشتری بنماید و ضمناً اورل هریمن مشاور خود را به‌عنوان نماینده مخصوص برای حل مسأله نفت به دولت ایران معرفی کرد. دکتر محمد مصدق موافقت خود را دایر بر پذیرش

نماینده پرزیدنت ترومن اعلام کرد (۲۰ تیرماه ۱۳۳۱ برابر ۱۲ ژوییه ۱۹۵۱ میلادی). پس از ورود نماینده رئیس‌جمهور آمریکا به ایران، روز یکشنبه ۲۳ تیرماه، تظاهرات شدیدی به‌عنوان اعتراض به ورود هریمن در اکثر خیابانهای تهران از طرف جمعیتهای وابسته به حزب توده صورت گرفت.[۷۰]

اعضای حزب توده ایران براساس سیاست کلی خود که راکد ماندن صنعت نفت و تضعیف قدرت اقتصادی کشور به‌منظور پیشبرد هدف اساسی کلی‌تر خود، شعارهای زیادی به‌ضد دولت آمریکا و انگلیس دادند. به‌دنبال این تظاهرات که با زدوخورد و مقتول و مجروح شدن عده کثیری از تظاهرکنندگان و افراد پلیس همراه بود، از طرف دولت به مدت ۷ روز حکومت نظامی در تهران برقرار گردید.

با ورود هریمن، مذاکرات مفصلی بین نمایندگان هیأت مختلط نفت و نامبرده به‌عمل آمد. دولت ایران پیشنهاد و تمایل خود را برای افتتاح باب مذاکره با شرکت سابق نفت براساس قانون ملی شدن صنعت نفت به مستر هریمن تسلیم کرد.

رئیس دولت نتیجه مذاکره سه جلسه کنفرانس با حضور هریمن و نظریات نامبرده را در مردادماه ۱۳۳۰ به دو مجلس سنا و شورای ملی گزارش داد و تقاضای رأی اعتماد کرد. مجلس سنا در جلسه ۳۰ مردادماه با ۳۲ رای از ۳٦ رای حاضر، و مجلس شورای ملی با ۷۲ رای از ۸۱ رای عده حاضر نمایندگان، اعتماد خود را به دولت وقت ابراز داشت.[۷۰]

مذاکرات هیأت نمایندگی دولت ایران با نمایندگان دولت انگلیس، و با نظارت هریمن نمایندهٔ رئیس جمهور امریکا به‌نتیجه نرسید. دکتر محمد مصدق ضمن توضیح این مطلب که مفاد پیشنهاد ارائه شده مغایر با استقلال اقتصادی و سیاسی ایران می‌باشد آن را رد کرده و در تاریخ ۳ مهرماه ۱۳۳۰ شمسی برابر با ۲۵ سپتامبر ۱۹۵۱ میلادی، جواز اقامت کارشناسان انگلیسی نفت را نیز لغو کرد.

درطول زمامداری دکتر محمد مصدق، سیاست استعماری دولت انگلستان که مغایر با قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران بود، مانع بزرگی بر سر راه توافق و حل مسأله نفت گردید. و از آنجا که از بدو امر ملی شدن صنعت نفت، دولت نامبرده، طرح سرنگونی دولت مصدق را منظور نظر داشت، با سیاست اعمال تحریم صدور نفت ایران و

۷۰- به‌زعم برخی از صاحب‌نظران و سیاستمداران از جانب عمال (شرکت نفت انگلیس و ایران).

جلب توافق بازارهای بین‌المللی، از سویی و از سوی دیگر با تمهیدهای ماهرانه نهانی توسط عمال خود در ایران، به مبارزه با دولت وقت ایران بصورت حمایت گسترده از اقلیت ایرانیانی که منافعشان اقتضای پیوستن به سیاست خارجی را دربرداشت و مخالف دولت دکتر مصدق بودند، و همچنین پشتیبانی و کمک به گروهی از نمایندگان مجلس و طرفداران دربار پرداخت.

نمایندگان اقلیت مخالف دولت وقت، با تاکتیکهای پارلمانی و همچنین شیوه برگزاری اجتماعات و تظاهرات ضد دولتی، زمینهٔ سقوط حکومت ملی را فراهم ساختند. ازجمله:

اولین زمزمه و نغمه مخالفت مجلس با اقدامات دولت، روز پنجشنبه ٤ مهرماه ۱۳۳۰ درحالی‌که رئیس دولت قصد ادای توضیحاتی در مورد اخراج کارشناسان انگلیسی و اقدامات دولت در این زمینه داشت، از طرف اقلیت مجلس شروع شد. نمایندگان اقلیت با شرکت نکردن در جلسه علنی مجلس، مجلس را از اکثریت انداختند، دکتر مصدق درقبال اقدام مجلس واکنش نشان داد، و در میدان بهارستان در برابر جمعیت کثیری از مردم نطقی دربارهٔ جریان نفت ایراد کرد.

آیت‌الله کاشانی نیز همچون گذشته به قصد پیشبرد هدف عالی حاکمیت ملی ایران و حل مسأله نفت درضمن اعلامیه‌ای به‌تاریخ یکشنبه ۷ مهرماه تعطیل عمومی را اعلام کرد. در این روز طبقات مختلف مردم در میدان بهارستان اجتماع کردند و به‌ضد اقلیت مجلس تظاهراتی به‌عمل آوردند.

نمایندگان بازرگانان و اصناف نیز درضمن مذاکره مستقیم با رئیس مجلس شورای ملی دولت را تایید کردند، سرانجام تعطیل عمومی و تظاهرات جمعیت با قرائت قطعنامه مخالفان دولت به‌شرح زیر خاتمه یافت.

«چون در اثر شکایت دولت انگلیس از ایران به شورای امنیت، جناب آقای دکتر محمد مصدق تصمیم دارند شخصاً ریاست میسیون ایران را عهده‌دار باشند، برای آن‌که دنیا بداند ایران در مقابل بیگانه یکدل و یکجهت ایستاده و اختلاف سلیقه‌ای که ممکن است در طریق استیفای حقوق ملی ایران بین دسته‌های مختلف مشهود باشد، به هیچ روی نمی‌توان هنگام خطر، وحدت و یگانگی ما را متزلزل سازد. امضاکنندگان ذیل اعلام می‌داریم مادام‌که موضوع شکایت از ایران در شورای امنیت مطرح است از مخالفت به دولت حاضر دست کشیده و در انتظار حصول نتیجه که امیدواریم به سود

کامل ملت ایران باشد خواهیم نشست و صمیمانه توفیق آقای دکتر مصدق را در موضوع نفت از خدای ایران خواستاریم.»

به‌دنبال تصمیم ایران مبنی بر خروج ۳۵۰ تن کارشناسان انگلیسی از خاک ایران، دولت انگلیس روز ۵ مهرماه مسأله اختلاف خود را با دولت ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارجاع و تقاضا کرد چون دولت ایران اقدامات تأمینی توصیه‌شده از طرف دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه را درخصوص شرکت نفت انگلیس و ایران رعایت نکرده است موضوع در دستور شورای امنیت مطرح گردد. شورای امنیت در جلسه ۹ مهرماه صلاحیت خود را دایر به رسیدگی به شکایت مذکور ابراز کرد.

دکتر محمد مصدق به فرمان شاه و با اجازه و تصویب مجلس شورای ملی در رأس هیأتی روز ۱۴ مهرماه ۱۳۳۰ شمسی-برای شرکت در جلسات شورای امنیت عازم آمریکا شد.

اولین جلسه شورای امنیت شب سه‌شنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۳۰، برای رسیدگی به موضوع شکایت دولت انگلستان تشکیل یافت. دکتر محمد مصدق در جلسات شورای امنیت پس از بیان نطقهایی، اسنادی دایر بر مداخله دولت انگلستان در امور داخلی ایران ارائه داد و به نام ملت ایران از شورای مذکور خواست تا به موضوع شکایت انگلستان رسیدگی کند.

شورای امنیت در آخرین جلسه خود به تاریخ ۲۶ مهرماه رسیدگی به قطعنامه انگلستان را تا اعلام رأی دادگاه بین‌المللی لاهه مسکوت گذاشت و نخست‌وزیر ایران و همراهان اول آذرماه ۱۳۳۰ به تهران وارد شدند.

رئیس دولت پس از عرض گزارش جریان مسافرت به حضور پادشاه، در جلسه سوم آذرماه مجلس شورای ملی پس از ایراد گزارش مشروح مسأله نفت، از مجلس تقاضای رأی اعتماد کرد. نمایندگان با اکثریت ۹۰ رأی در مقابل ۱۰۷ رأی حاضر، به دولت رأی اعتماد دادند و مجلس سنا تمایل خود را به ادامه زمامداری دولت حاضر به تاریخ ۴ آذرماه ابراز داشت.

روز پنجشنبه ۱۴ آذرماه، سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان کشور به‌عنوان اعتراض به اخراج چندتن از دانشجویان دانشگاه، به قصد تشکیل متینگی در میدان بهارستان، در اطراف دانشگاه جمع شدند. مأموران انتظامی از آنجا که هر اجتماع و

متینگی به دستور دولت باید در میدان فوزیه صورت گیرد، از اجتماع دانشجویان و عبور آنها در خیابانهای مورد نظر تظاهرکنندگان جلوگیری به‌عمل آوردند.

این امر موجب زدوخورد بین دانشجویان و قوای انتظامی گردید، چندتن مجروح شدند. جمعیت تظاهرکنندگان با همه ممانعتی که از طرف نیروی پلیس به‌عمل می‌آمد سرانجام خود را به میدان بهارستان رساندند. در میدان بهارستان دانشجویان با جمعیت مخالفی روبرو شدند. در این‌جا نیز بین دسته‌های متینگ‌دهنده و قوای انتظامی زدوخورد مجددی روی داد و در این ماجرا چندتن زخمی و یک افسر شهربانی مقتول گردید.

به‌دنبال تظاهرات دانشجویان، از جانب گروهی خاص، تئاتر سعدی و چند اداره روزنامه آتش زده شد و اثاث آن به غارت رفت. عده‌ای از مدیران جراید به‌عنوان اعتراض به این جریان روز یکشنبه ۱۷ آذرماه در مجلس شورای ملی تحصن اختیار کردند.

نماینده‌گان اقلیت مجلس نیز در جلسه ۱۷ آذرماه درضمن حملات شدید به دولت وقت به‌عنوان اعتراض به سیاست داخلی دولت در مجلس متحصن شدند.[۷۱] و در تاریخ ۱۹ آذرماه جلسه مجلس شورای ملی به‌دنبال تظاهرات موافق و مخالف دولت، از ناحیه تماشاگران و نماینده‌گان متشنج گردید و با مداخله مأموران انتظامی برای برقراری نظم و آرامش در تالار جلسه و اخراج تماشاگران مجلس تعطیل گردید.

در برابر تحریکات مخالفت‌آمیز فوق، موافقان دولت آرام ننشستند و از طرف آیت‌الله کاشانی، دستور تعطیل بازار و تشکیل متینگ بزرگی به تاریخ پنجشنبه ۲۱ آذرماه ۱۳۳۰ شمسی به‌عنوان اعتراض و تنفر از تحریکات عمال سیاست خارجی تشکیل دادند.

اقلیت مجلس شورای ملی، دولت را به تاریخ ۵ دی‌ماه ۱۳۳۰ نسبت به موارد ذیل استیضاح کردند.

۱ـ تخلف از قوانین کشور، سلب آزادی و امنیت از افراد، سوء سیاست اقتصادی، عدم مراعات احترام مجلس شورای ملی.

جواب استیضاح فوق بنا به پیشنهاد دولت به روز اول بهمن‌ماه موکول گردید.

روز اول بهمن‌ماه کنسولگریهای انگلیسی در تمام نقاط ایران برچیده شد و در

۷۱ـ جمال امامی، آزاد و آشتیانی‌زاده ازجمله نمایندگانی بودند که در این جلسه به انتقاد از دولت پرداختند، ناگفته نماند که سخنان انتقادآمیز جمال امامی به‌صورت هتاکی بود.

این تاریخ از طرف احزاب ایران و زحمتکشان، مجمع مسلمانان مجاهد، متینگی با حضور جمع کثیری مرکب از طبقات مختلف اجتماع در میدان فوزیه تشکیل گردید و در تایید اقدامات دولت و انحلال کنسولگریهای انگلستان، افراد را به پایداری در مبارزه با استعمار اقتصادی انگلیس دعوت کردند و نیز به‌موجب اعلامیه آیت‌الله کاشانی جشن بزرگی به‌مناسبت تعطیل کنسولگری‌ها و در تقویت از دولت برپا شد و با تجمع عده کثیری در این تظاهرات تعطیل عمومی تا قریب نیمروز همچنان ادامه داشت.

دولت ایران به‌دنبال اقدامات خود در مبارزه با مدعیان ملی شدن صنعت نفت، روز شنبه ١٤ بهمن‌ماه درضمن تسلیم لایحه‌ای به دادگاه لاهه، به صلاحیت دادگاه در رسیدگی به شکایت دولت انگلیس معترض شد و به‌نظر دادگاه رساند که نمایندگان ایران به‌منظور ادای توضیحات به ادعای خود در دادگاه لاهه حضور خواهند یافت.

شانزدهمین دوره قانونگذاری به‌تاریخ ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۳۰ پایان یافت و نمایندگان اقلیت به تحصن خود خاتمه دادند.

در جلسه خصوصی مورخ ٢٦ اسفندماه ۱۳۳۰ مجلس سنا، سناتورها تصمیم گرفتند با نخست‌وزیر ملاقات کنند و از نامبرده بخواهند تا سیاست عمومی و نظریات خود را در مورد سیاست اقتصادی کشور به اطلاع مجلس سنا برساند. دکتر محمد مصدق روز ۲۸ اسفندماه به مجلس سنا حضور یافت و با روش دفاعی خود، اعلام داشت که انتقادهای سناتورها برخلاف مصلحت مملکت می‌باشد و از آنجا که در مسایل کلی مملکتی دو مجلس مشترکاً باید تصمیم بگیرند بنابراین با خاتمه یافتن مجلس شورای ملی، اظهارات مجلس سنا تأثیر قانونی نخواهد داشت. (به‌موجب اصل ٣٤ متمم قانون اساسی) به‌دنبال مذاکراتی که از تاریخ ۲۲ بهمن‌ماه بین هیأت مختلط نفت و میسیون گارنر در تهران صورت گرفت، بر سر سه مسأله زیر: قیمت نفت، موضوع اداره کردن مؤسسات نفت و کارشناسان توافقی حاصل نشد و اعلامیه مشترک دولت و هیأت اعزامی بانک بین‌المللی به تاریخ ۲۸ بهمن‌ماه به شرح زیر منتشر شد.

«در مدت هفته گذشته» بین آقای نخست‌وزیر و مشاورین ایرانی ایشان و هیأت اعزامی بانک بین‌المللی در یک محیط صمیمیت و حسن‌نیت مذاکراتی به‌عمل آمد که درطی آن در عده‌ای از مسایل تفاهم حاصل گردید و در مسایل دیگر نظریات دولت و بانک بین‌المللی با تعاطی افکار صادقانه روشن شد.»

در میتینگی که از طرف جوانان دموکرات منتسب به حزب توده به‌تاریخ ۸ فروردین‌ماه ۱۳۳۱ شمسی در میدان فوزیه برگزار گردید، پس از پایان تظاهرات که به‌ضد ادعای دولت آمریکا و انگلیس نسبت به مسأله نفت صورت گرفت، بین تظاهرکنندگان و مأموران انتظامی زدوخوردی روی داد و در این ماجرا چندتن مجروح و دوتن مقتول گشتند و به دستور دولت کانون جوانان دموکرات توسط نیروی انتظامی اشغال شد.

روز ۱۰ فروردین، دولت درضمن صدور اعلامیه‌ای اقدامات دامنه‌دار حزب فوق را از آنجا که به جهت ایجاد اختلال امنیت و انتظام امور عمومی صورت می‌گرفت منع و حکومت نظامی را به مدت یکماه در تهران و حومه اعلام داشت.

هفدهمین دوره قانونگذاری به‌تاریخ یکشنبه ۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۱، با نطق افتتاحیه محمدرضاشاه گشایش یافت. در تاریخ ۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۱، نخست‌وزیر ضمن ارسال نامه‌ای به مجلس شورای ملی، از فساد انتخابات بعضی از حوزه‌های انتخاباتی انتقاد کرد. و از نمایندگان مجلس رد اعتبارنامه نمایندگان تحمیلی را تقاضا کرد. در تایید نامه نخست‌وزیر وقت آیت‌الله سید فخرالدین جزایری نایب‌الرئیس انجمن نظار انتخابات شهر تهران، نظر دکتر مصدق را تایید و مدعی شد تنی چند از نمایندگان نه رأی داشته‌اند و نه اعتبارنامه آنها به امضاء وی رسیده است.

روز ۲ خردادماه ۱۳۳۱، دولت روسیه شوروی به‌منظور هماهنگی با سیاست دولت انگلستان، به‌ضد دولت دکتر مصدق، یادداشتی اعتراض‌آمیز با استناد به قرارداد ۲٦ فوریه ۱۹۲۱، مبنی بر ادامه کمکهای نظامی آمریکا و تجدید قرارداد استخدام مستشاران نظامی آمریکایی در ایران، به دولت تسلیم داشت.

پس از تسلیم دومین لایحه دولت انگلستان به دادگاه بین‌المللی لاهه به تاریخ ٤ فروردین‌ماه ۱۳۳۱، دکتر محمد مصدق به‌اتفاق هیأتی برای حضور در دادگاه لاهه روز ۷ خردادماه ۱۳۳۱ عازم هلند شد، و روز ۱۹ خردادماه هیأت به‌اتفاق هانری رولان مشاور قضایی ایران در دادگاه لاهه حضور یافتند، دکتر محمد مصدق در این جلسه مدافعات خود را درضمن نطق مهیجی مشروحاً بیان داشت.

دولت به تاریخ ۱۰ تیرماه، یادداشت مورخ ۲ خردادماه ۱۳۳۱ دولت شوروی را دایر بر رد اتهامات آن دولت و اینکه ایران کشور خود را پایگاه نظامی به‌ضد روسیه شوروی ساخته است پاسخ داد.

روز شنبه ۱٤ تیرماه ۱۳۳۱، نخست‌وزیر استعفای دولت را به حضور پادشاه تقدیم داشت. با انتشار استعفای دولت، هیجان عمومی در تهران و اکثر شهرستانها پدید آمد، طبقات مختلف درضمن ارسال طومار و تلگرافهای بیشمار، تجدید زمامداری دکتر محمد مصدق را خواستار شدند.

مجلس شورای ملی در جلسه یکشنبه ۱۵ تیرماه با اکثریت ۵۲ رأی از ٦۵ رأی حاضر، تمایل خود را به زمامداری مجدد دکتر مصدق ابراز داشت. نمایندگان مجلس سنا در جلسه خصوصی مورخ ١٦ تیرماه، پس از تبادل نظر در موضوع ابراز تمایل نسبت به زمامدار آینده چنین اعلام داشتند که نظر خود را پس از صدور فرمان همایونی و معرفی کابینه به مجلس و همچنین اعلام برنامه دولت جدید اظهار خواهند داشت. تصمیم سناتورها در طی عریضه‌ای به حضور پادشاه تقدیم شد. پس از عرض گزارش دو مجلس در مورد زمامدار آینده، از طرف محمدرضاشاه، دکتر مصدق احضار و تکلیف زمامداری مجدد به نامبرده شد. دکتر مصدق چون با نظر و تصمیم مجلس سنا مخالف بود از قبول مسئولیت خودداری کرد.

مجلس سنا در جلسه ۱۸ تیرماه با رأی تمایل بسیار ضعیف خود (١٤ رأی موافق از ۳٦ رأی حاضر در جلسه) مخالفت خود را با زمامداری مجدد دکتر مصدق رسماً آشکار ساخت.

سرانجام با احضار سناتورها به دربار و تاکید در اتحاد و اتفاق دو مجلس با دولت، اعضای مجلس سنا، برخلاف تمایل باطنی خود، نظر به پشتیبانی گسترده توده مردم از دولت ملی، ناگزیر به ابراز تمایل خود به ادامهٔ نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق شدند و فرمان نخست‌وزیری مجدد دکتر محمد مصدق به‌تاریخ ۱۹ تیرماه ۱۳۳۱ صادر گردید. در اواخر خردادماه که مصادف با ایام ماه رمضان بود، به‌دنبال سخنرانی یکی از روحانیانٌ به نام محمدتقی فلسفی در مسجد شاه، که متن سخنانش مخالف سیاست دکتر مصدق بود، باعث درگیری و آشوب گردید، به‌دنبال این واقعه از طرف جمعی از روحانیان ازجمله آیت‌الله بروجردی واکنش نشان داده شد. عده‌ای از روحانیان و بازاریان قم نیز با ارسال تلگرافی به حضور پادشاه به‌عنوان اعتراض به این امر، از فلسفی به‌عنوان خادم به مقام سلطنت و استقلال کشور یاد کردند و از پادشاه تقاضا شد، از تکرار صحنه‌های مشابه و اغتشاش جلوگیری شود.

اعمال نفوذ و قدرت فرماندهان لشکر و مداخلهٔ آنان در انتخابات شهرستانها

همچون ادوار گذشته مجلس، مصدق را بر آن داشت که ضمن تقدیم لایحه پیشنهاد اختیارات شش ماهه به دولت، به‌منظور جلوگیری از کنترل شاه بر ارتش که آن را مغایر با قانون اساسی می‌دانست، از شاه تقاضا کند امر انتخاب وزیر دفاع جزو اختیارات نخست‌وزیر باشد.

این پیشنهاد با مخالفت شاه و عده‌ای از نماینده‌گان دو مجلس روبرو شد. دکتر محمد مصدق روز ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱ پس از شرفیابی به حضور پادشاه و مذاکره درباره مسایل مملکتی استعفای خود را به شرح زیر تقدیم داشت:

«چون درنتیجه تجربیاتی که در دولت سابق به‌دست آمده پیشرفت کار در این موقع حساس ایجاب می‌کند که پست وزارت جنگ را فدوی شخصاً عهده‌دار شود و این کار مورد تصویب شاهانه واقع نشد، البته بهتر آن است که دولت آینده را کسی تشکیل دهد که کاملاً مورد اعتماد باشد و بتواند منویات شاهانه را اجرا کند و با وضع فعلی ممکن نیست مبارزه‌ای را که ملت ایران شروع کرده است پیروزمندانه خاتمه دهد.»

استعفای دکتر محمد مصدق با اعلام قبولی از طرف محمدرضاشاه، به ریاست مجلس شورای ملی تقدیم شد، و از مجلس رأی تمایل نسبت به زمامدار آینده خواسته شد. پس از طرح استعفانامه نخست‌وزیر در جلسه خصوصی ۲۶ تیرماه، نماینده‌گان فراکسیون نهضت ملی مرکب از نماینده‌گان جبهه ملی و عده دیگر تمایل خود را به زمامداری مجدد دکتر محمد مصدق بدین‌شرح اعلام داشتند:

«ما امضا کننده‌گان ذیل، نماینده‌گان مجلس شورای ملی در تایید سوگندی که برای حفظ مبانی مشروطیت در مجلس شورای ملی یاد کرده‌ایم و به علت اینکه معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد می‌شویم با تمام قوای خود و با کلیه وسایل از دکتر محمد مصدق پشتیبانی نماییم.»

نماینده‌گان جبهه مخالف دولت در همین تاریخ (۲۶ تیرماه) جلسه سری مجلس را بدون حضور ۳۰ تن نماینده‌گان نهضت ملی و بدون برخورداری از حد نصاب قانونی تشکیل دادند و پس از تبادل نظر درباره زمامدار آینده از ۴۲ تن عده حاضر ۴۰ تن برحسب دستور شاه که مورد موافقت کامل دو دولت آمریکا و انگلستان بود به زمامداری احمد قوام ابراز تمایل کردند، فرمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه روز ۲۷ تیرماه

صادر شد.

متن نخستین اعلامیه قوام‌السلطنه، با عبارات تند و شدیداللحنی که حاکی از روح مستبدانه او بود، تأثیر ناروا و سویی در افکار عمومی باقی گذاشت. عبارات اعلامیه و اقدامهای قهریه‌ای که دولت در برابر احساسات ملی قاطبه ملت بکار برد، هیجان بیشتر مردم را برانگیخت. و وقایع خونین چند روزه آخر تیرماه ۱۳۳۱ و سقوط نامبرده را فراهم ساخت. متن یک قسمت از اعلامیه قوام‌السلطنه به مناسبت آورده می‌شود.

«به‌همان اندازه که از عوام‌فریبی در امور سیاسی بیزارم در مسایل مذهبی نیز از ریا و سالوس منزجرم، کسانی که به بهانه مبارزه با افراطیون سرخ، ارتجاع سیاه را تقویت نموده‌اند لطمه شدیدی به آزادی وارد ساخته زحمات بانیان مشروطیت را از نیم قرن به اینطرف به هدر داده‌اند. من در عین احترام به تعالیم مقدسه اسلام دیانت را از سیاست دور نگاه خواهم داشت و از نشر خرافات و عقاید قهقرایی جلوگیری خواهم کرد. به عموم اخطار می‌کنم که دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرا رسیده است. کشتیبان را سیاسی دگر آمد.»

با انتشار استعفای مصدق و روی کار آمدن قوام‌السلطنه، کارگران صنعت نفت آبادان و خرمشهر ضمن اعلام اعتصاب عمومی، با برپایی تظاهرات عظیمی مخالفت خود را با نخست‌وزیری قوام‌السلطنه و برکناری دکتر محمد مصدق اعلام داشتند.

در تهران، به‌دنبال تعطیل عمومی بازار در روزهای ۲۵ و ۲۶ تیرماه و ائتلاف احزاب در تایید دکتر مصدق، قوام‌السلطنه دستور مؤکدی برای جلوگیری از هرگونه تظاهرات به تاریخ شنبه ۲۸ تیرماه صادر کرد و میدان بهارستان را با تانک و زره‌پوش آماده استقبال از تظاهرکنندگان ساخت.

در این روز جمع کثیری از طبقات مختلف مردم در میدان بهارستان اجتماع کردند، بین تظاهرکنندگان و مأموران انتظامی زدوخوردی سخت روی داد و عده‌ای مجروح گشتند. جنبش مردم به‌ضد دولت قوام‌السلطنه همچنان ادامه داشت تااینکه روز ۳۰ تیرماه، در تهران تعطیل عمومی شروع شد و جنبش بیسابقه‌ای از طرف هزاران تن زن و مرد برضد دولت قوام صورت گرفت. در این تظاهرات جمع کثیری به ضرب گلوله و سرنیزه قوای انتظامی مقتول و مجروح گشتند، در اکثر شهرستانها نیز به‌تبع از تهران، جنبشهای دامنه‌داری به ضد دولت وقت صورت گرفت. در این تاریخ ۳۰ تن از

نمایندگان جبهه ملی به حضور شاه رسیدند و نسبت به اقدامات قهریه دولت و زندانی کردن جمعی، اعتراض کردند و جریان احساسات ملی را به‌عرض شاه رساندند.

در جلسهٔ مجلس شورای ملی، نمایندگان جبهه ملی روز ۳۰ تیر را روز اعتراض عمومی اعلام کردند. نتیجه قیام مردمی و پشتیبانی نمایندگان مجلس شورای ملی از دکتر مصدق، قوام‌السلطنه را برآن داشت تا استعفای خود را در عصر روز سی تیرماه به پادشاه تقدیم دارد.

با سقوط قوام‌السلطنه، به فرمان محمدرضاشاه تانکها و کامیونهای حامل سرباز و پلیس از میدان بهارستان و خیابانهای تهران برچیده شدند، به‌نحوی که در شب ۳۱ تیرماه از قوای انتظامی دولتی در سراسر شهر تهران کوچکترین اثری نبود و افراد عادی، امر انتظامات و راهنمایی را به‌عهده گرفتند.

۵۹- دکتر محمد مصدق

روز سی و یک تیرماه ۱۳۳۱، مجلس شورای ملی با حضور نماینده دربار جلسه‌ای برای تعیین زمامدار آینده تشکیل داد. در این جلسه از ٦٤ تن عده حاضر ٦١ تن به زمامداری مجدد دکتر محمد مصدق ابراز تمایل کردند. پس از عرض تمایل مجلس به حضور پادشاه، دکتر محمد مصدق به دربار احضار و مأمور تشکیل هیأت دولت گردید.

بدین‌ترتیب غایله ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ خاتمه یافت و از طرف محمدرضاشاه که با اکراه نخست‌وزیری مجدد دکتر مصدق را پذیرفته بود در طی اعلامیه‌ای رسمی به بازماندگان مقتولین ابراز تسلیت و دستور اقدامات مقتضی جهت معالجه مجروحین صادر گردید. در همین احوال، عصر روز ۳۱ تیرماه، دیوان بین‌المللی لاهه با اکثریت ۹ رأی در مقابل ۵ رأی عدم صلاحیت خود را در مورد رسیدگی به مسأله نفت ایران اعلام کرد.

با انتشار رأی دیوان لاهه از طرف پادشاه پیامی مبنی بر تبریک موفقیت در امر نفت خطاب به ملت ایران صادر شد. در همین تاریخ، از طرف کلیه احزاب و سازمانهای سیاسی به مناسبت پیروزی ملت ایران در قیام ۳۰ تیرماه و موفقیت دولت در امر نفت دمونستراسیون عظیم برقرار شد که در آن ده‌ها هزار تن از گروه‌های مختلف اجتماع شرکت کردند.

دولت انگلستان نسبت به رأی دادگاه اعتراض کرد و اعلام داشت که رأی دیوان مذکور تأثیری در ادعای دولت انگلستان برضد ایران ندارد و از رئیس دادگاه تقاضای تعیین حکم کرد و اظهار داشت که شرکت سابق باید بر کوشش خود در امر نفت براساس قرارداد ۱۹۳۳ بیفزاید. دکتر محمد مصدق هیأت وزیران جدید را روز ٤ مردادماه ۱۳۳۱ شمسی به حضور شاه و روز ۵ مردادماه به مجلس شورای ملی و روز ٦ مردادماه به مجلس سنا[۷۲] به‌ترتیب ذیل معرفی کرد.[۷۳]

۱ـ دکتر محمد مصدق	نخست‌وزیر
۲ـ حسین نواب	وزیر امور خارجه
۳ـ سرلشکر احمد وثوق	وزیر دفاع ملی
٤ـ دکتر غلامحسین صدیقی	وزیر کشور
۵ـ سیدباقر کاظمی	وزیر دارایی
٦ـ عبدالعلی لطفی	وزیر دادگستری
۷ـ دکتر مهدی آذر	وزیر فرهنگ
۸ـ مهندس سیف‌اله معظمی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۹ـ مهندس داود رجبی	وزیر راه
۱۰ـ دکتر علی‌اکبر اخوی	وزیر اقتصاد ملی
۱۱ـ مهندس خلیل طالقانی	وزیر کشاورزی

۷۲ـ مجلس سنا با وجود مخالفت با دکتر مصدق تحت فشار افکار عمومی با ۳۳ رأی از مجموع ٤٤ سناتور حاضر در جلسه، دولت دکتر مصدق را تایید کرد.

۷۳ـ تغییرات زیر در کابینه بوجود آمده است:

الف ـ دکتر حسین فاطمی پس از برکناری نواب (۱۷ مهرماه) به وزارت امورخارجه منصوب شد ۳۱/۷/۱۹.

ب ـ در تاریخ ۲۱ تیرماه ۱۳۳۲ مبشر به سمت کفالت وزارت دارایی تعیین گردید.

پ ـ مهندس جهانگیر حقشناس به‌تاریخ ۳۱/۱۱/۱٦ به وزارت راه منصوب و مهندس رجبی به‌سمت مشاور انتخاب شد.

ت ـ مهندس عطایی به‌عنوان کفیل وزارت کشور از تاریخ ۳۲/۲/۲۳.

ج ـ دکتر محمدعلی ملکی بعد از برکناری دکتر فرمانفرمائیان به‌تاریخ ۳۲/۲/۱۸، به‌سمت وزیر بهداری انتخاب شد از ۳۲/۲/۲٦.

۱۲ـ دکتر صبا فرمانفرمائیان وزیر بهداری
۱۳ـ دکتر ابراهیم خلیل عالمی وزیر کار

در جلسه ٦ مردادماه مجلس شورای ملی، نمایندگان با اکثریت ٦٨ تن عده حاضر متفقاً به دولت دکتر محمد مصدق رأی اعتماد دادند و در همین جلسه لایحه اختیارات ششماهه به دکتر محمد مصدق، به مجلس تقدیم و به قید دوفوریت تصویب گردید.

حمایت آیت‌الله کاشانی از دولت مردمی مصدق، بتدریج تضعیف شد، و به‌صورت انتقاد و درنهایت مخالفت با سیاست دولت بروز کرد. ازجمله پس از انتخاب مجدد مصدق پس از وقایع سی تیرماه، انتصاب پاره‌ای از شخصیتها برای مقامات وزارتی و اموری جز آن مورد عدم موافقت و اعتراض نامبرده قرار گرفت.

دولت برای دومین مرتبه پس از ملی شدن صنعت نفت، با نمایندگان شرکت سابق نفت وارد مذاکره مستقیم شد، و با ارسال یادداشتی به تاریخ ۱٦ مردادماه ۱۳۳۱ به سفارت انگلیس اعلام داشت که دولت ایران به‌منظور پیدا کردن راه‌حل برای رسیدگی به مطالبات و دعاوی حقه شرکت در حدود قانون ۹ ماده‌ای مورخ ۱۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۰ شمسی و همچنین مطالبات و دعاوی متقابل حاضر است.

ترومن رئیس‌جمهور آمریکا و چرچیل نخست‌وزیر انگلستان، پیشنهاد مشترکی درضمن سه ماده به تاریخ ۸ شهریورماه ۱۳۳۱ به نخست‌وزیر ایران تسلیم کردند. مواد پیشنهادی دو دولت از آنجا که تایید ضمنی قرارداد ۱۹۳۳ میلادی و شرایط آن مغایر با قانون ملی شدن صنعت نفت در ایران بود، در مجامع و مطبوعات تهران سوءاثر بخشید و دولت ایران درضمن رد پیشنهاد مذکور، پیشنهاد متقابلی به دولت انگلستان تسلیم کرد و نخست‌وزیر در جلسه ۲۵ شهریورماه جریان مشروح مذاکرات اخیر خود را در مورد حل مسأله نفت با مقامات دولت انگلستان به اطلاع مجلس شورای ملی رسانید، و ضمناً تصمیم هیأت دولت را مبنی بر قطع رابطه سیاسی با دولت انگلستان درصورت عدم قبول چهار ماده پیشنهادی دولت ایران از طرف دولت مذکور را به نظر نمایندگان مجلس رسانید. و به‌دنبال گزارش فوق، از مجلس نسبت به اقدامات و سیاست دولت در موضوع نفت تقاضای رأی اعتماد کرد.

مجلس شورای ملی با اکثریت ٦۰ رأی از ٦۱ رأی حاضر در جلسه، به دولت

دکتر محمد مصدق رأی اعتماد داد و سیاست دولت را در مورد نفت به‌جز یک ماده آن تصویب کرد.[۷۴]

پس از انتخاب شدن پرزیدنت آیزنهاور به ریاست جمهوری آمریکا در تاریخ مهرماه ۱۳۳۱ از طرف دو دولت آمریکا و انگلستان پیشنهاد مشترک دیگری در مورد حل مسأله نفت به دولت ایران تسلیم شد. سرانجام هیأت وزیران از آنجا که پیشنهادهای متقابل ایران از طرف دولت انگلستان پذیرفته نشد (به‌تاریخ ۲۲ مهرماه) تصمیم به قطع رابطه سیاسی با دولت انگلستان را در تاریخ ۳۰ تیرماه تصویب کرد و تصمیم فوق درضمن یادداشتی از طریق وزارت امور خارجه ایران به کاردار سفارت انگلیس تسلیم گردید. و گروه‌های مختلف مردم پس از انتشار تصویب‌نامهٔ هیأت وزیران در برابر سفارت انگلیس به تظاهرات پرداختند و شادمانه آرم امپراطوری انگلستان را از سردر سفارت پایین آوردند.

با قطع رابطه سیاسی بین دولت ایران و دولت انگلستان، در حل مسأله نفت اقدام مؤثری به‌عمل نیامد و احتمال و امید رفع اختلافها و حل قضیه نفت بسیار ضعیف گردید، با ضعف بنیه اقتصادی کشور مخالفت و انتریکهایی به ضد حکومت وقت از طرف عمال خارجی و داخلی ایران قوت گرفت و بتدریج موجبات عدم همبستگی با دولت و تزلزل حکومت فراهم گردید.

دولت دربرابر کارشکنی و تحریکات مخالفان واکنش نشان داد و در اواخر مهرماه، اقدام به بازداشت تنی چند از محرکان پرداخت و درطی اعلامیه‌ای وابستگی آنها را به سفارت خارجی و تحریک به ضد دولت وقت به رهبری مقامات مؤثر داخلی بیان داشت.

در جلسه اول آبان‌ماه مجلس شورای ملی، طرح تقلیل مدت نمایندگی مجلس سنا را براساس تفسیر اصل پنجم قانون اساسی به صورت ماده واحده‌ای مطرح کرد و به قید دوفوریت تصویب شد و به‌دنبال تصویب این طرح دوره نمایندگی مجلس سنا درحالی‌که بیش از دو هفته از عمر افتتاح آن نمی‌گذشت منحل گردید.

به‌دنبال تنظیم طرح جدید قانون انتخابات دو مجلس و انتشار آن، تنی چند از نمایندگان مخالف در جلسه ۱٤ دی‌ماه ۱۳۳۱ طرحی دایر بر شرح زیر با قید سه

۷۴ـ ماده دوم رسیدگی به دعاوی و حل اختلافات طرفین طبق قرارداد.

فوریت تقدیم مجلس کردند.

«هیچ طرح و لایحه‌ای نمی‌تواند به‌موجب امضای رئیس دولت باعث تعطیل یا فلج شدن مجلس فعلی گردد.»

از اواخر سال ۱۳۳۱، عواملی چند ازجمله، عدم تجانس فکری بین سران نهضت، اعمال نفوذ سیاست خارجی، موجب شد که بین جناح متفق و متحد گردانند گان نهضت نفت تفرقه بوجود آید و قبل از آنکه رهبران نهضت ضد استعماری اقتصاد کشور بتوانند بهره‌برداری لازم را به سود اقتصاد مملکت از قیام ملی برداشت کنند، مخالفان نهضت از این تفرقه سوءاستفاده کردند و همانطور که اشاره شد موجبات تزلزل و سقوط کابینه را فراهم آوردند.

تغییر سیاست در محیط مجلس، با پدید آمدن اقلیتی که رهبران آن را یاران و هم‌مسلکان سیاسی دکتر محمد مصدق ازجمله آیت‌الله کاشانی، دکتر مظفر بقایی، حسین مکی قنات‌آبادی، علی زهری، سید ابوالحسن حایری‌زاده تشکیل می‌داد، آغاز شد. این اقلیت مبارزات دامنه‌داری به‌ضد دولت شروع کردند که به رفراندم و تعطیل مجلس هفدهم منتهی گردید. و نتایج این ناهماهنگی بین دولت و نمایندگان اقلیت را به‌صورت مخالفت آشکار و تند در مورد پیشنهاد دکتر محمد مصدق مبنی بر تمدید اختیارات به مدت یک سال دیگر در اواخر دی‌ماه ۱۳۳۱ می‌توان دید.

پس از مخالفت نمایندگان هم‌جبهه دولت با تمدید اختیارات دکتر مصدق در خارج از مجلس، تظاهراتی به نفع دولت بروز کرد و پس از تعطیل بازار به‌تاریخ ۲۹ دی‌ماه و جنبشهای شدید دیگری به قصد پشتیبانی از دولت و تحصن اعضای فراکسیون نهضت ملی در مجلس، سرانجام روز ۳۱ دی‌ماه لایحه تفویض اختیارات یک‌ساله به رئیس دولت با اکثریت ۵۹ رأی از ۷۷ رأی حاضر در جلسه تصویب شد. ولی این توفیق ظاهری دولت و طرفدارانش، مانع از آن نگردید که شکاف بین دو جناح گردانندگان نهضت ملی نفت را عمیقتر نکنند.

روز ۳ اسفندماه ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق پس از آنکه گزارشی مبنی بر وجود تحریکات به‌ضد اقدامات دولت به پیشگاه پادشاه و به‌عنوان نمایندگان فراکسیون ملی تقدیم داشت، سرلشگر فضل‌الله زاهدی را به‌موجب ماده پنج حکومت نظامی به تاریخ ۶ اسفندماه بازداشت کرد. روز ۹ اسفندماه ۱۳۳۱ در اجرای برنامه تنظیمی از جانب دولت

انگلیس به‌منظور برانگیختن توده مردم بر ضد دولت وقت ، شاه ظاهراً به‌قصد معالجه عزم مسافرت به خارج از کشور گرفت. به‌دنبال این تصمیم جمعی از روحانیان و نمایندگان مجلس، به دربار حضور یافته و انصراف محمدرضاشاه را از مسافرت خواستار شدند.

در تکمیل نمایش تظاهراتی که از طرف مخالفین مصدق و موافقین دربار تحریک می‌شدند در اطراف کاخ سلطنتی تشکیل شد، و جمعی از تظاهرکنندگان به منزل دکتر محمد مصدق حمله کردند.[۷۵]

واقعه نهم اسفندماه و تظاهرات به‌ضد دولت، طلیعهٔ بروز بحران سیاسی علنی در سیاست داخلی ایران گردید و به‌دنبال این جریان ۲۸ تن از نمایندگان جبهه ملی در تایید دولت به مجلس متحصن شدند و از طرف احزاب و دسته‌های موافق دولت به‌مدت چند روز متوالی تظاهراتی در تهران و شهرستانها روی داد.

در خلال این جریانها حزب توده که تنها حزب متشکل و بامرام و سازمان تثبیت‌شده کمونیستی در ایران بود از اختلاف بین سران نهضت ملی از طرفی و اختلاف دربار و دولت از سوی دیگر به‌دنبال واقعه ۹ اسفندماه ۱۳۳۱ شمسی، با الهام از کمیته مرکزی بلوک شرق، استفاده کرد و برای توسعه کمونیزم و مخالفت با رژیم سلطنتی به فعالیت پرداخت.

اختلاف دو بلوک شرق و غرب در سیاست بین‌المللی، و عوامل دیگری موجبات سازش دو دولت آمریکا و انگلستان را بر سر مسأله نفت و تشکیل جبهه واحدی از سیاست خارجی به‌ضد دولت مصدق فراهم ساخت، این عامل و به‌دنبال آن رکود اقتصاد کشور ازطرفی و فعالیت عوامل افراطی چپ ازجمله حزب توده از آنجا که مورد تنفر جامعه روحانیت و انزجار طبقات مختلفی از مردم بود از سوی دیگر، میدان فعالیت تبلیغاتی و تحریکات به‌ضد دولت را وسیعتر و شدیدتر کرد و افکار موافقان با سیاست دولت را به‌مرور مشوش کرد و موجبات عدم اعتماد مردم را به حل قضیه نفت و کاهش هواخواهان دولت در میان رجال سیاسی و مردم فراهم آورد.

طغیان صفحات جنوب، به‌ضد دولت، توسط ابوالقاسم بختیار در اسفندماه ۱۳۳۱، قتل رئیس شهربانی تهران به‌دست مخالفان مصدق، دولت را بر آن داشت تا

۷۵- در این حادثه آیت‌الله کاشانی ضمن صدور اعلامیه‌ای از توده مردم خواست تا به مخالفت با سفر پادشاه برخیزند.

دربرابر اقدامات فوق شدت عمل به‌خرج دهد. با چنین شرایط و اوضاع و احوالی، از اول فروردین‌ماه ۱۳۳۲ هم هیأت وزیران بیشتر مصروف مبارزات داخلی گردید. روز ۱۶ تیرماه ۱۳۳۲ کرمیت رزولت که مأمور سازماندهی عملیات و اجرای طرح سقوط حکومت دکتر محمد مصدق بود از مرز عراق وارد ایران شد (برابر ۷ ژوییه ۱۹۵۳ میلادی) و با زاهدی ملاقات کرد.

در صحنهٔ سیاست پارلمانی، مبارزات و مشاجرات نماینده‌گان موافق و مخالف، نماینده‌گان فراکسیون نهضت ملی و موافق دولت را برآن داشت تا روز ۲۹ خردادماه ۱۳۳۲ در تایید و پشتیبانی از دولت متینگی در میدان بهارستان ترتیب دهند. و سرانجام برای اجرای نقشه تعطیل مجلس هفدهم، ۲۷ تن از نماینده‌گان عضو فراکسیون نهضت ملی در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۳۲ استعفای خود را از نماینده‌گی مجلس به رئیس مجلس شورای ملی تقدیم داشتند.

با استعفای نماینده‌گان فوق، ۲۵ تن دیگر از نماینده‌گان غیر نهضت ملی نیز استعفای خود را تقدیم کردند و بدین‌ترتیب عملاً مجلس شورای ملی تعطیل گردید.

دکتر محمد مصدق روز ۵ مردادماه درضمن پیامی، تشکیل رفراندم را به‌منظور انحلال رسمی مجلس هفدهم به اطلاع ملت رسانید و به‌تاریخ ۱۲ و ۱۹ مردادماه با شروع رفراندم در تهران و شهرستانها، انحلال دوره هفدهم قانونگذاری از طرف ملت تایید گردید. تشکیل رفراندم از طرف دکتر محمد مصدق که درطول تاریخ مشروطیت ایران بی‌سابقه بود، مورد اعتراض جمعی قرار گرفت و انجام گرفتن این امر را مغایر با اصل ۴۸ قانون اساسی اعلام کردند. در جریان مذکور به‌سبب آزادی عمل فوق‌العاده‌ای که از طرف دولت به احزاب چپی داده شده بود، دولت از طرف مقامات خارجی مورد اعتراض شدید قرار گرفت.[۷۶]

ازجمله در مردادماه ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه آمریکا در مورد حزب توده این‌چنین بیان داشت: «تشدید فعالیت حزب غیرقانونی توده در ایران و اغماضی که دولت ایران نسبت به فعالیت حزب مزبور روا می‌دارد، باعث نگرانی آمریکا گردیده و موجب شده است که اعطای کمک از طرف آمریکا به ایران را مشکلتر سازد.» در

۷۶ـ ژنرال آیزنهاور ضمن یک مصاحبه مطبوعاتی نگرانی خود را از فعالیت گسترده حزب توده ایران ابراز داشت ۱۵ مردادماه ۱۳۳۲ شمسی.

تاریخ ۱۸ مردادماه ۱۳۳۲ برابر اول اوت ۱۹۵۳ میلادی، نمایندهٔ شخصی ژنرال آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا، ژنرال نورمن شوارتسکف (مستشار سابق ژاندارمری ایران) به تهران وارد شد و در خلال روزهای ۱۲ و ۱٤ مردادماه به حضور پادشاه شرفیاب گردید تا ظاهراً دربارهٔ سیاست و رویه ایران درقبال سیاست دو بلوک شرق و غرب، در دنیا مذاکره مستقیم به‌عمل آورد.

سرانجام در خلال ایامی که دولت دکتر مصدق سرگرم رفراندوم و برداشت نتیجه برای آغاز برنامه‌های اصلاحی مهم و متنوع خود ازجمله اجرای طرح برنامهٔ «اقتصاد بدون نفت» بود، عملیات پنهانی دولت انگلیس و آمریکا (تحت عنوان عملیات چکمه ـ و آجاکس» که از مدتها قبل به‌طور دقیق بدواً از طرف انگلستان طرح‌ریزی و در ماه‌های اواخر حکومت دولت مصدق مورد موافقت دولت آمریکا نیز قرار گرفته بود با تکیه بر نیروهای داخلی موافق دربار و مخالف دولت که ریشه در بازار و گروهی بانفوذ از روحانیون داشتند، به پیروزی پیوست.

روز یکشنبه ۲۲ مردادماه ۱۳۳۲، فرمان عزل دکتر محمد مصدق و انتصاب سرلشکر فضل‌الله زاهدی از طرف محمدرضا شاه به‌امضاء رسید. و توسط رئیس گارد شاهنشاهی به نخست‌وزیر ابلاغ شد. و به‌دنبال آن چندتن از وزیران نیز بازداشت گردیدند.

دکتر محمد مصدق فرمان عزل را غیرقانونی اعلام کرد و به دستور دولت، گارد شاهنشاهی خلع سلاح گردید، به‌دنبال این جریانات از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ مردادماه، وضع کاملاً غیرعادی و آشفته‌ای در سراسر کشور بوجود آمد و از طرف موافقان دولت تظاهرات شدید آغاز شد، در این جریانها حزب توده که در این اواخر به تشدید فعالیت خود افزوده بود با شعارهای تند ضدشاهی به مخالفان دولت حمله می‌کردند و تغییر رژیم کشور را خواستار بودند.

درقبال حوادث فوق، شاه و ملکه به خارج از کشور گریختند، ولی گردانندگان خارجی و داخلی کودتا با ترتیب تظاهرات و پخش اعلامیه، و صرف هزینه بسیار در میان توده‌های خاص جنوب شهر و نیز برانگیختن آنان بر ضد دولت مصدق و طرفداری از حکومت زاهدی به رهبری افسران درباری به مقابله با طرفداران حکومت ملی و مردمی برخاستند.

اولین مرحله این تظاهرات خونین از اوایل شب چهارشنبه ۲۸ مرداد شروع شد. توضیح آن‌که عده‌ای از اهالی جنوب شهر به‌دنبال شایعه اینکه عناصر چپ قصد دارند کاشی لوحه خیابانها را به قصد تعویض نام آن بردارند و نیز با انتشار خبری در شهر مبنی بر دستور دولت در مورد عدم اجرای مراسم شامگاه در سربازخانه‌ها، اجتماع کردند و این اجتماع، اولین قدم مبارزه علنی و آشکار در راه تظاهرات روز چهارشنبه ۲۸ مردادماه گردید. در زدوخوردی که روز ۲۸ مردادماه بین دو جناح موافق و مخالف دولت در تهران روی داد با حمله به منزل دکتر محمد مصدق و در دست گرفتن زمام امور توسط سرلشکر زاهدی دولت دکتر محمد مصدق را سقوط داد.

همزمان با انتشار خبر تظاهرات به‌ضد دولت و موفقیت کودتاچیان و آغاز زمامداری سرلشکر فضل‌الله زاهدی، محمدرضاشاه دستخط تلگرافی ذیل را خطاب به سرلشگر زاهدی نخست‌وزیر مخابره کرد، و خود در تاریخ ۳۰ مردادماه ۱۳۳۲ به ایران مراجعت نمود:

«به‌نام قادر متعال، من از پشتیبانی مردم ایران نسبت به من و دفاع آنها از قانون اساسی صمیمانه سپاسگزارم. من کلیه افراد ارتش و تمام مأمورین غیرنظامی و همه مردم ایران را به متابعت از اوامر جناب آقای فضل‌الله زاهدی که طبق قانون اساسی به ریاست حکومت ملی و قانونی ایران از طرف من تعیین شده دعوت می‌کنم. من بی‌درنگ به ایران و میان ملتم برمی‌گردم خداحافظ ایران و مردم ایران.»

سرلشکر فضل‌الله زاهدی

سرلشکر فضل‌الله زاهدی، به‌موجب فرمان مورخ ۲۲ مردادماه ۱۳۳۲ به نخست‌وزیری رسید. اشاره شد که تغییر رئیس دولت و عزل دکتر محمد مصدق با بروز اغتشاشها و تظاهرات عمومی و خونین تاریخی چند روزه همراه بود. سرلشکر زاهدی که در دولت گذشته مدتی تحت تعقیب و از اردیبهشت‌ماه ۳۲ تا ۳۰ تیرماه در مجلس شورای ملی متحصن بود و پس از تحصن نیز تا روز ۲۸ مردادماه همچنان در اختفا به‌سر می‌برد نتوانست پس از دریافت فرمان شاه به تشکیل هیأت دولت مبادرت ورزد، تااینکه در تاریخ اول شهریورماه ۱۳۳۲، هیأت وزیران را به‌شرح زیر به محمدرضاشاه معرفی کرد.

۱- سرلشکر فضل‌الله زاهدی	نخست‌وزیر
۲- عبدالله انتظام	وزیر امور خارجه
۳- سرلشکر عبدالله هدایت	وزیر دفاع ملی
٤- سرتیپ محمدحسین جهانبانی	وزیر کشور
۵- دکتر علی امینی	وزیر دارایی
٦- جمال‌الدین اخوی	وزیر دادگستری
۷- دکتر محمود مهران	وزیر فرهنگ
۸- سرتیپ عباس فرزانگان	کفیل وزارت پست و تلگراف
۹- مهندس غلامعلی میکده	وزیر راه
۱۰- دکتر علی‌اصغر پورهمایون	وزیر اقتصاد ملی
۱۱- احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۱۲- دکتر جهانشاه صالح	وزیر بهداری
۱۳- ابوالقاسم پناهی	وزیر کار
١٤- علی‌اصغر حکمت	وزیر مشاور[۷۷]

دولت فضل‌الله زاهدی با اعتماد و پشتیبانی کامل اول شخص مملکت دوران زمامداری خود را آغاز کرد و درطی مدت ۱۹ ماه و ۱۷ روز حکومت با روش خاص خود، افکار عمومی را به جانب سکوت هدایت کرد و بدین‌ترتیب، محیط سیاست داخلی

۷۷- ترمیمهای زیر در کابینه سرلشکر زاهدی به‌عمل آمد:

۱- دکتر محمود مهران قبول وزارت نکرد و رضا جعفری معاون وزارت فرهنگ به‌تاریخ ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۳۲ به‌سمت کفیل به حضور پادشاه معرفی گردید.

۲- مهندس غلامعلی میکده در تاریخ ۲ دی‌ماه مستعفی و سرلشکر عباس گرزن از تاریخ ۲۳ دی‌ماه ۱۳۳۲ بدین‌سمت معرفی شد.

۳- دکتر فخرالدین شادمان به سمت وزیر اقتصاد ملی معرفی شد.

٤- ابوالقاسم پناهی در تاریخ ۱۵ مهرماه مستعفی و دکتر مسعود ملکی در تاریخ ۲۸ آبان‌ماه به‌سمت وزیر کار معرفی شد.

۵- علی‌اصغر حکمت پس از قبول پست سفارت به‌تاریخ ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۲ مستعفی گردید و امیرحسین ایلخان ظفربختیار در تاریخ ۳۰ شهریورماه و دکتر محمد سجادی از تاریخ ۱۵ آذرماه تا ۵ بهمن‌ماه به‌عنوان وزیر مشاور در کابینه زاهدی عضو بودند.

را آماده اجرای طرح برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با دولت انگلستان و تنظیم و امضای عقد قرارداد نفت ساخت و با گرفتن وام از دو دولت انگلیس و آمریکا زمینه رشد اقتصاد کشور را فراهم ساخت.

نخست‌وزیر در بدو زمامداری دعوتی از یکصد و پنجاه تن از رجال کشور به‌منظور مشورت درباب مسائل مهم و امور جاری کشور به‌عمل آورد، جلسه مشورت عصر روز ۹ آذرماه با حضور ۹ تن از نخست‌وزیران سابق، پنج تن از رؤسای پیشین مجلس شورای ملی، سی تن از وزیران سابق و ۲۵ تن از استادان دانشگاه و همچنین عده‌ای از بازرگانان درجه اول و وکلای درجه اول دادگستری و نیز تنی چند از مستشاران دیوانعالی کشور در کاخ وزارت امورخارجه تشکیل گردید.

از نمایندگان مجلس شورای ملی و سناتورهای غیرمستعفی نیز در روز چهارشنبه ۱۱ آذرماه دعوت به‌عمل آمد تا دربارهٔ تصمیمهای دولت مبنی بر حل مسایل مهم کشور و بویژه موضوع تجدید روابط سیاسی ایران با انگلیس به مشورت بپردازد.

به‌دنبال تصمیم دولت ایران راجع به تجدید روابط سیاسی با دولت انگلیس، اعلامیه مشترک دو دولت به تاریخ شنبه ۱٤ آذرماه ۱۳۳۲ به‌شرح زیر انتشار یافت:

«دولت شاهنشاهی ایران و دولت علیاحضرت ملکه انگلستان اینک تصمیم گرفته‌اند که روابط سیاسی را برقرار سازند و به‌زودی هر یک سفیرکبیر خود را به کشور دیگر اعزام دارند، سپس در نزدیکترین موقعی که مورد موافقت طرفین باشد درباب حل اختلاف مربوط به نفت که اخیراً موجب تیرگی روابط بین آنها شده بود مذاکره نمایند. و بدینطریق دوستی دیرینه خود را برقرار و تحکیم نمایند.

دو دولت اطمینان دادند که با حسن‌نیت به راه‌حلی می‌توان رسید که آمال و آرزوهای ملی مردم ایران درخصوص منابع طبیعی کشورشان ملحوظ و شرافت و مصالح و منافع دوطرف براساس عدل و انصاف تأمین شود و به‌این‌طریق امیدواری حاصل است که به رفاه و سعادتمندی دو ملت و صلح و همکاری بین‌المللی کمک واقعی بشود.»

بدین‌طریق پس از قریب چهارده ماه مجدداً روابط سیاسی بین ایران و انگلیس برقرار گردید. روز دوشنبه ۱٦ آذرماه، از طرف جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران و دارالفنون تظاهرات صورت گرفت، در جریان مقاومت و زدوخوردی که بین دانشجویان و قوای انتظامی درگرفت، عده‌ای مجروح و سه تن مقتول شدند و نزدیک به ۳۳ تن از

دانشجویان نیز تحت تعقیب و بازداشت قرار گرفتند.

دانشجویان دانشگاه به‌عنوان اعتراض به این جریان دست به اعتصاب زدند و از حضور به کلاسهای درس خودداری کردند و روز یکشنبه ۲۲ آذرماه، برطبق تصمیم شورای دانشگاه به احترام سه تن از دانشجویان مقتول حادثه دانشگاه، کلیه سازمانهای دانشگاه تعطیل گردید.

به‌دنبال این اعتصابهای دانشگاهی، صبح روز چهارشنبه ۲٤ آذرماه، از طرف دانشجویان و طبقات مختلف اجتماعی در تهران تظاهراتی رخ داد. دولت با صدور اعلامیه و اعزام قوای انتظامی در نقاط مختلف شهر، اقدامهای تأمینی لازم را صورت داد و با بازداشت تنی چند از دانشجویان و افراد متفرق از گسترش تظاهرات جلوگیری به‌عمل آورد.

دولت سپهبد زاهدی دربارهٔ قوه قانونگذاری چنین اظهار نظر کرد: از آنجا که به علت قلت عده نمایندگان دوره هفدهم، اخذ رأی آنها در امور مملکتی نمی‌تواند جنبه قانونی داشته باشد، دولت به انحلال دو مجلس شورای ملی و سنا که در دوران حکومت دکتر مصدق به‌موجب رفراندم تعطیل گردیده بود تصمیم گرفته است و به‌دنبال این تصمیم روز شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۳۲ شمسی فرمان انحلال دو مجلس به توشیح پادشاه رسید و دستور شروع انتخابات در دی‌ماه ۱۳۳۲ از طرف دولت صادر شد. سرانجام پنجشنبه ۲۷ اسفندماه ۱۳۳۲ هر دو مجلس از طرف پادشاه افتتاح شد.

به‌دنبال برقراری روابط سیاسی ایران با دولت انگلستان، مذاکرات متوالی سری بین مشاوران فنی و مقامات مسئول سیاسی ایران از سویی و هربرت هوور مشاور فنی وزارت امور خارجه آمریکا از سوی دیگر به‌عمل آمد، پس از اطلاع هوور از نظریات دولت ایران دربارهٔ فروش نفت به کنسرسیوم بین‌المللی، مذاکرات رسمی و اساسی برای تشکیل کنسرسیوم در لندن آغاز شد. در این مذاکرات که به مدت چهار ماه ادامه داشت طرحی توسط یک کنسرسیوم بین‌المللی تهیه شد و به‌موجب آن منابع نفت ایران مابین هشت شرکت تقسیم گردید.

با امضای طرح موافقتنامه هشت کمپانی بزرگ در مورد توزیع و فروش نفت ایران، در لندن به تاریخ فروردین‌ماه ۱۳۳۳ شمسی، هیأت نمایندگی کنسرسیوم مرکب از ۲۲ تن به‌قصد شروع مذاکرات با دولت ایران به تهران وارد شدند (روز ۲۲

فروردین‌ماه ۱۳۳۳)

نخستین جلسهٔ مذاکره مربوط به مسأله نفت ایران بین نمایندگان مذکور و دولت ایران روز چهارشنبه ۲۵ فروردین‌ماه در تالار کاخ ابیض تشکیل گردید و در این جلسه اهم مسایلی که در جلسه‌های آینده نفت باید مورد مذاکرات قرار گیرد عنوان شد.

جلسه‌های کاخ ابیض تا تاریخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه ادامه داشت و پس از آن‌که در مسایلی چون اداره، فروش و میزان تولید نفت مذاکره لازم به‌عمل آمد در چند مورد اساسی به‌خصوص نحوه نظارت شرکت ملی نفت و نمایندگی شرکتهای عامل از طرف شرکت ملی نفت، اختلاف نظر شدید بین هیأت نمایندگی کنسرسیوم با نمایندگان دولت ایران پیدا شد و درطی پانزده جلسه کنفرانس، اهم کوشش نمایندگان کنسرسیوم مصروف جلب موافقت مقامهای ایران گردید، و دولت ایران با استناد به قانون ملی شدن صنعت نفت از قبول پیشنهادهای کنسرسیوم بویژه در مورد نظارت کنسرسیوم بر اداره صناعات نفت ایران خودداری کرد.

سرانجام از آنجا که تلاش اعضای هیأت کنسرسیوم در جلب موافقت دولت ایران در مورد لزوم نظارت کنسرسیوم بر اداره صناعت نفت ایران مؤثر واقع نگردید و مقامات مسئول ایران در مقابل پیشنهادهای طرح‌شده از طرف نمایندگان کنسرسیوم پیشنهاد تازه‌ای مطرح ساختند. در پایان پانزدهمین جلسه کاخ ابیض به‌تاریخ ۲۵ اردیبهشت‌ماه اعلامیه مشترکی انتشار یافت. از آنجا که اتخاذ تصمیم در مورد پیشنهادهای دولت ایران از حدود اختیارات هیأت نمایندگی کنسرسیوم خارج بود، ناگزیر روز ۲۶ اردیبهشت‌ماه عازم لندن گردیدند تا پس از مذاکره با رؤسای کمپانیها دربارهٔ پیشنهادهای ایران، شور و کسب دستور نمایند.

با رسمیت یافتن و آمادگی دو مجلس سنا و شورای ملی، سرلشکر فضل‌الله زاهدی روز چهارشنبه اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳ به حضور شاه رسید و بنا به سنن پارلمانی استعفای دولت را تقدیم کرد و در همین تاریخ فرمان شاه دایر به صدور دستخط نخست‌وزیری مجدد زاهدی صادر شد و روز پنجشنبه ۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳ برابر ۱۸ شعبان ۱۳۷۳ هجری قمری رئیس دولت، هیأت وزیران را به این شرح به حضور شاه و سپس به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱ـ سپهبد فضل‌الله زاهدی	نخست‌وزیر، وزیر کشور
۲ـ دکتر علی امینی	وزیر دارایی
۳ـ دکتر جهانشاه صالح	وزیر بهداری
٤ـ احمدحسین عدل	وزیر کشاورزی
۵ـ دکتر سیدفخرالدین شادمان	وزیر اقتصاد ملی
٦ـ عبدالله انتظام	وزیر امور خارجه
۷ـ سید جمال‌الدین اخوی	وزیر دادگستری
۸ـ سرلشکر عبدالله هدایت	وزیر دفاع ملی
۹ـ سرلشکر عباس گرزن	وزیر راه
۱۰ـ دکتر مسعود ملکی	وزیر کار
۱۱ـ رضا جعفری	وزیر فرهنگ
۱۲ـ سرتیپ عباس فرزانگان	وزیر پست و تلگراف
۱۳ـ امیرحسین ایلخان ظفربختیار	وزیر مشاور
١٤ـ سرتیپ محمدحسین جهانبانی	وزیر مشاور[۷۸]

مجلس شورای ملی روز سه‌شنبه هفتم اردیبهشت‌ماه، پس از اخذ رأی در برنامه دولت از مجموع ۱۱۰ تن نمایندگان حاضر در جلسه، با ۱۰۷ رأی موافق و ۲ رأی ممتنع، اعتماد خود را به دولت زاهدی ابراز داشت. در مجلس سنا نیز پس از معرفی هیأت وزیران در جلسه ٤ اردیبهشت‌ماه و اخذ رأی نسبت به دولت به‌تاریخ دوشنبه ٦ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳ دولت با اکثریت ۳۹ رأی از ٤۵ رأی حاضر در جلسه، رأی اعتماد را به‌دست آورد.

سرلشکر زاهدی روز پنجشنبه ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۳، جریان مشروح مذاکرات با کنسرسیوم نفت را در جلسات خصوصی و سری دو مجلس شورای ملی و سنا گزارش داد.

اشاره شد که هیأت نمایندگی کنسرسیوم برای مذاکرات لازم دربارهٔ مسأله نفت ایران عازم لندن شدند، این هیأت پس از انجام یافتن مذاکرات و کسب تعلیمات جدید از اولیای کمپانیهای متبوع خود، در اواخر خردادماه (۳۰ خردادماه) به ایران بازگشتند

۷۸ـ مذاکرات مجلس ـ دورهٔ هجدهم قانونگذاری ـ جلسهٔ ۵ ـ شماره ۲٦۸۱.

و نخستین کنفرانس دورهٔ دوم مذاکرات نفت از روز سه‌شنبه اول تیرماه تشکیل شد و پس از توافق کامل بین ایران و کنسرسیوم دربارهٔ چهار مسأله اساسی: اداره تأسیسات نفت، قیمت، مدت قرارداد، میزان استخراج، مذاکرات مربوط به مسأله منابع نفت ایران در هجدهمین جلسه کنفرانس به‌تاریخ یکشنبه ۲۷ تیرماه خاتمه یافت.

قرارداد جدید نفت که به قرارداد امینی پیج معروف گردید، در ۵۱ ماده و دو ضمیمه مربوط به غرامت و مالیات بر درآمد که جمعاً در صد صفحه تنظیم شده بود دو ساعت بعد از نیمه‌شب ۲۸ شهریورماه ۱۳۳۳ شمسی به امضای دکتر امینی به‌عنوان رئیس هیأت نمایندگی ایران و هیأت مزبور به‌عنوان مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران رسید.

لایحه قرارداد مذکور روز سه‌شنبه ۳۰ شهریورماه تقدیم مجلس شورای ملی گردید و اولین هیأت کارشناسان نفت روز چهارشنبه ۳۱ شهریورماه به تهران وارد شدند.

طرح لایحه نفت در مجلس شورای ملی، در بدو امر با مخالفت تنی چند از نمایندگان مواجه شد و یک تن از نمایندگان نیز استیضاحی به‌شرح زیر از دکتر امینی وزیر دارایی وقت و عاقد قرارداد به‌عمل آورد.

«نظر به اینکه غرامت را با موضوع فروش نفت، جناب دکتر امینی تلفیق نموده است و درین موضوع به‌ضرر مملکت اقدامی شده من آقای دکتر امینی را استیضاح می‌کنم ـ سیدابوالحسن حایری‌زاده.»

ولی مخالفت نمایندگان، در اقلیت بسیار ضعیفی بود و در حکومت و سرنوشت نفت نتوانست ایجاد ضعف بکند و استیضاح حایری‌زاده نیز بدون طرح در مجلس مسترد شد و قرارداد امینی پیج با اکثریت ۱۱۳ رأی از مجموع ۱۲۰ رأی حاضر در جلسه، به‌تاریخ ۲۹ مهرماه ۱۳۳۳ به‌تصویب رسید و با تصویب آن منافع کارتلها و تراستهای بزرگ دنیا تا حدی تأمین شد، و به اختلافات و کشمکشی که مدت دو سال دولت ایران بعد از ملی شدن صنعت نفت با شرکت سابق نفت ایران و انگلیس داشت پایان بخشید و بهره‌برداری از منابع نفت ایران به‌وسیلهٔ کنسرسیوم بین‌المللی آغاز گردید (بهمن‌ماه ۱۳۳۳)

در شهریورماه ۱۳۳۳، از طرف فرماندار نظامی تهران، جمعی از افسران ارتش و

نیروی هوایی و ژاندارمری و شهربانی، به اتهام خیانت به‌ضد مصالح عالی کشور و توطئه به‌ضد حکومت مشروطه و جاسوسی به نفع یکی از ممالک بیگانه و خسرو روزبه بازداشت شدند.

پنجشنبه ۱۱ آذرماه ۱۳۳۳، موافقتنامه حل مسایل مرزی و مالی بین دولت ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که مشتمل بر ۵ ماده و یک پروتکل ضمیمه بود در تهران به امضا رسید.

به‌موجب این موافقتنامه اختلاف دیرین دو طرف که از دوران جنگ بین‌الملل دوم و مولود عدم اجرای موافقتنامه مورخ ۲۷ اسفندماه ۱۳۲۱ شمسی، مبنی بر پرداختیهای بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود مرتفع گردید.

باید افزود که مذاکرات دو دولت در این زمینه، برای نخستین‌بار در زمان حکومت سپهبد رزم‌آرا آغاز شد، دولت ایران نمایندگانی جهت رفع اختلافات دو طرف برگزید و آنان باب مذاکره با نمایندگان سفارت کبرای شوروی را باز کردند. ولی دنباله این مذاکرات به‌سبب قتل رئیس دولت وقت سپهبد حاج علی رزم‌آرا معوق ماند و در دولت دکتر محمد مصدق نیز بااینکه در چند جلسه مذاکراتی برای رفع اختلاف ایران و شوروی ادامه یافت ولی نتیجه قطعی از این مذاکرات گرفته نشد.

سپهبد زاهدی روز ۱۵ فروردین‌ماه، به‌عنوان کسالت از نخست‌وزیری کناره‌گیری کرد و استعفای نامبرده از طرف پادشاه به‌تاریخ پنجشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۳٤ پذیرفته شد و سپهبد زاهدی ظاهراً به‌قصد معالجه از ایران خارج و عازم اروپا گردید.

* * *

٦۰ـ حسین علاء

با سقوط کابینه سپهبد فضل‌الله زاهدی، فرمان انتصاب حسین علا وزیر دربار، به ریاست دولت روز پنجشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۳٤ صادر شد و هیأت دولت به‌تاریخ شنبه ۱۹ فروردین‌ماه به‌ترتیب زیر به حضور پادشاه و در روز ۲۰ فروردین‌ماه ۱۳۳٤ برابر ۱۷ شعبان ۱۳۷٤ هجری قمری به مجلس شورای ملی معرفی شد.

۱ـ حسین علا	نخست‌وزیر

۲ـ عبدالله انتظام	وزیر امور خارجه
۳ـ سپهبد عبدالله هدایت	وزیر دفاع ملی
٤ـ امیراسدالله علم	وزیر کشور
۵ـ دکتر علی امینی	وزیر دارایی
٦ـ دکتر محمود مهران	وزیر فرهنگ
۷ـ مهندس امیرقاسم اشراقی	وزیر پست و تلگراف
۸ـ سرلشکر ولی انصاری	وزیر راه
۹ـ ابراهیم کاشانی	کفیل وزارت اقتصاد ملی
۱۰ـ مهندس خلیل طالقانی	وزیر کشاورزی
۱۱ـ دکتر جهانشاه صالح	وزیر بهداری
۱۲ـ دکتر محسن نصر	وزیر کار
۱۳ـ دکتر علیقلی اردلان	وزیر صنایع و معادن
۱٤ـ علی معتمدی	وزیر مشاور
۱۵ـ حاج محمد نمازی	وزیر مشاور[۷۹]

۷۹ـ ترمیمهای زیر در این دولت حاصل شد:

۱ـ دکتر علیقلی اردلان وزیر صنایع و معادن به سمت وزیر امورخارجه به‌تاریخ ۳ دی‌ماه ۱۳۳٤ و آقای عبدالله انتظام به‌سمت وزیر مشاور.

۲ـ سرلشکر احمد وثوق از تاریخ ۲۹ مردادماه ۳٤ به‌سمت وزیر دفاع ملی تعیین شد.

۳ـ علی‌اصغر فروزان از اول خردادماه ۳٤ به‌سمت کفیل وزارت دارایی منصوب شد و از تاریخ ۲۹ مردادماه تا ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۳٤ شمسی دکتر محمد سجادی عهده‌دار پست وزارت دارایی بود. و از تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه غلامحسین فروهر بدین سمت منصوب گردید.

٤ـ پست وزارت صنایع و معادن از تاریخ ۱۷ دی‌ماه ۳٤ تا بهمن‌ماه ۱۳۳٤ غلامحسین فروهر و از تاریخ ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۳۵ مهندس رضا گنجه‌ای عهده‌دار بودند.

۵ـ دکتر علی امینی روز یکشنبه ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۳٤ به‌سمت سفیرکبیر ایران در واشنگتن منصوب شد و جمال‌الدین اخوی به‌سمت وزیر دادگستری تعیین شد.

٦ـ دکتر محمد سجادی از تاریخ ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۳٤ به‌سمت وزیر مشاور انتخاب شد و تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۵ با همین سمت در کابینه شرکت داشت.

محمدنمازی از تاریخ ۲۹ اسفندماه ۱۳۳٤ و احمد مقبل از تاریخ ۲۲ فروردین‌ماه ۱۳۳۵ با سمت وزیر مشاور در هیأت دولت شرکت داشتند.

وزارات دادگستری تا تعیین وزیر تحت نظر نخست‌وزیر و معاونت میرمطهری اداره می‌شد و در تاریخ سه‌شنبه ۲ خردادماه ۱۳۳۴ دکتر علی امینی به‌سمت وزیر دادگستری تعیین شد. پس از معرفی هیأت وزیران به مجلس شورای ملی در جلسه ۲۰ فروردین‌ماه و طرح برنامه دولت نمایندگان در جلسه یکشنبه ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۳۴ با اکثریت ۹۲ رأی موافق از ۱۰۲ رأی حاضر در جلسه به دولت علا رأی اعتماد داد.

مجلس سنا نیز، پس از معرفی هیأت دولت به‌تاریخ چهارشنبه ۲۳ فروردین‌ماه، روز شنبه ۲۶ فروردین با ۵۰ رأی موافق و یک رأی مخالف و یک رأی ممتنع دولت را تایید کرد.

نمایندگان فراکسیونهای اتحاد و اتفاق، دموکرات و ترقی و جوان، مجلس شورای ملی روز پنجشنبه ۲۴ خردادماه ۱۳۳۴، با تشکیل جبهه واحد و مؤتلفه‌ای حمایت و پشتیبانی خود را به دولت علا اعلام داشتند، این ائتلاف، زمینه اکثریت آرای مجلس را برای تصویب لوایح دولت تأمین کرد.

به‌دنبال شکایت شاهرخشاهی نماینده مجلس شورای ملی از فرمانداری نظامی تهران، دولت علا در جلسه یکشنبه ۸ مردادماه ۱۳۳۴ مورد استیضاح نماینده مذکور قرار گرفت. پس از مطرح شدن استیضاح، بلافاصله دولت نظر به موقعیت خاص سیاسی و فرارسیدن تعطیلات مجلس، آمادگی خود را برای پاسخ به استیضاح اعلام داشت. بااینکه اکثریت به استیضاح رأی سکوت دادند، دولت پس از پاسخ به استیضاح تقاضای رأی اعتماد کرد و با ۷۲ رأی موافق در برابر ٦ رأی مخالف از ۸۱ تن عده حاضر در جلسه، رأی اعتماد را به‌دست آورد.

حسین علا، در جلسه ۱۸ مهرماه ۱۳۳۴ ـ تصمیم هیأت دولت را مبنی بر الحاق دولت ایران به پیمان دفاعی عراق و ترکیه به اطلاع نمایندگان مجلس شورای ملی رساند و درضمن تقدیم ماده واحده ذیل غرض از امضای پیمان فوق را بدین‌شرح قرائت کرد:

«نظر به اینکه استقرار صلح و امنیت در جهان همیشه مورد توجه و علاقه خاص دولت شاهنشاهی ایران بوده و هست و در این‌باره در موارد مقتضی و متعدد از بذل هیچگونه مساعی خودداری ننموده و نظر به‌اینکه منشور ملل متحد اعضای سازمان را مجاز ساخته است که برای تأمین امنیت خود و حفظ صلح عمومی با یکدیگر همکاری کنند و اخیراً بین دولت ترکیه و عراق پیمانی جهت تأمین منظور فوق برطبق مقررات

منشور ملل متحد منعقد گشته که دول، پاکستان و انگلستان نیز بدان ملحق شده‌اند و ماده پنج قرارداد مزبور راه را برای الحاق سایر دولی که به امنیت و صلح خاورمیانه علاقه‌مند هستند باز گذاشته است و انعقاد اینگونه پیمانها هدفی جز دفاع از تجاوز و استقرار صلح و امنیت ندارد و نظر به‌اینکه دولت ایران نیز قهراً نمی‌تواند نسبت به صلح خاورمیانه بی‌علاقه بماند، لذا ماده واحده ذیل تقدیم و تقاضای تصویب آن را با قید فوریت می‌نماید:

ماده واحده ـ الحاق دولت ایران به پیمان همکاری متقابل مورخ ۲٤ فوریه ۱۹۵۵ منعقد بین پادشاهی عراق و دولت جمهوری ترکیه مشتمل بر هشت ماده که دولت انگلستان در تاریخ ٤ آوریل ۱۹۵۵ و دولت پاکستان در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۵ به آن ملحق شده بودند تصویب می‌شود.»

الحاق ایران به پیمان بغداد مورد اعتراض دولت اتحاد جماهیر شوروی قرار گرفت. مولوتف وزیر امورخارجه شوروی روز چهارشنبه ۱۹ مهرماه ۳٤ یادداشت اعتراضیه دولت متبوع خود را به کاردار سفارت ایران تسلیم کرد. به‌موجب این یادداشت دولت اتحاد جماهیر شوروی مدعی شد که:

«انعقاد پیمان بغداد به‌معنای ایجاد دسته‌بندی نظامی در خاور نزدیک و میانه بوده و آلت محافل تجاوزکار معینی است که در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی ذینفع و ذیعلاقه نیستند. و ایجاد چنین دسته‌بندی در عین‌حال به‌منظور حفظ و استقرار مجدد وابستگی استعماری کشورهای این ناحیه می‌باشد، الحاق ایران به چنین دسته‌بندی با منافع تحکیم صلح و امنیت در ناحیه خاورمیانه و نزدیک مطابقت ندارد و با روابط حسن همجواری ایران و اتحاد جماهیر شوروی و با تعهدات قراردادی معلوم ایران مغایرت دارد.»[۸۰]

دولت ایران در پاسخ اعتراض دولت شوروی یادداشتی به تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۳٤ به‌وسیلهٔ کاردار خود در مسکو به وزارت امور خارجه تسلیم کرد و درضمن آن چنین اشعار داشت که:

«عمل دولت شاهنشاهی ایران در الحاق به پیمان همکاری متقابل منعقده بین عراق و ترکیه در حدود مقررات منشور سازمان ملل متحد بوجود آمده و جز تحکیم

۸۰ـ تلخیص از متن یادداشت دولت اتحاد جماهیر شوروی.

مبانی صلح و امنیت در منطقه خاورمیانه که متضمن استقرار صلح بین‌المللی است هدف دیگری ندارد و این اقدام کاملاً طبیعی می‌باشد.

مبارزه جدی هم که دولت شاهنشاهی در برانداختن سیاست استعماری در محافل بین‌المللی نموده و آن را اساس سیاست خود قرار داده است ظن اعاده هر نوع سیاست استعماری را بیمورد می‌نماید. و الحاق پیمان همکاری متقابل عراق و ترکیه به هیچوجه رابطه دوستی و حسن همجواری با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که مورد علاقه و توجه مخصوص دولت شاهنشاهی است و اقدامات اخیر دولت در رفع اختلافات مالی و مرزی مؤید آنست خللی وارد نمی‌سازد و هیچگونه مغایرتی هم با مفاد قراردادهای موجود بین دو دولت ندارد.»[۸۱]

روز پنجشنبه ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۳٤، حسین علا برای شرکت در مراسم ختم مرحوم مصطفی کاشانی نماینده مجلس شورای ملی در مسجد سلطانی حضور یافت، هنگامی که نخست‌وزیر داخل صحن و در مقابل ایوان شبستان رسید از طرف مظفر ذوالقدر که از پیروان مؤمن نواب صفوی و ازجمله رهبران فدائیان اسلام بود مورد شلیک گلوله قرار گرفت، ولی گلوله به نخست‌وزیر اصابت نکرد. به‌دنبال این جریان عده‌ای از افراد جمعیت فدائیان اسلام دستگیر شدند.

نخست‌وزیر، روز بعد از این حادثه در رأس هیأتی برای شرکت در کنفرانس تاریخی بغداد بدان‌صوب عزیمت کرد. کنفرانس بغداد با حضور نخست‌وزیران انگلستان، ایران، ترکیه، عراق و پاکستان گشایش و روز سه‌شنبه ۳۰ آبان‌ماه ۱۳۳٤ خاتمه یافت.

فرمان انتخابات نوزدهمین دوره قانونگذاری به‌تاریخ ۲٦ آبان‌ماه ۱۳۳٤ از طرف دولت صادر شد.

دولت شوروی به‌دنبال مخالفت قبلی خود، در مورد الحاق ایران به پیمان بغداد مجدداً در دو نوبت یادداشتهای اعتراض‌آمیز و شدیداللحنی به تاریخهای یکشنبه ۵ آذرماه و شنبه ١٤ بهمن‌ماه ۱۳۳٤ به دولت ایران تسلیم کرد و در هر دو اعتراضیه مدعی شد که ورود ایران به پیمان بغداد، به‌ضد دولت اتحاد جماهیر شوروی و صرفاً به‌منظور تهاجم و تجاوز به مرزهای شوروی صورت گرفته است.

۸۱ـ تلخیص از متن یادداشت ایران به اعتراضیه دولت شوروی.

دولت ایران همچون گذشته علل مخالفت آن دولت را نسبت به حق دفاع طبیعی خود ناروا دانست و روز سه‌شنبه ۱۴ فروردین‌ماه ۱۳۳۵ شمسی، پاسخ یادداشت مورخ ۱۴ بهمن‌ماه دولت اتحاد جماهیر شوروی را ارسال داشت و درضمن آن ادعای نابجا و ناصواب دولت مذکور را این‌چنین پاسخ داد:

«دولت ایران هرگز به مقاصد دول استعماری مساعدت نکرده و نمی‌کند و همواره با استعمار به هر صورت و شکلی که درآید مبارزه نموده و خواهد نمود و به‌همین لحاظ است که دولت شاهنشاهی یادداشتهای دولت اتحاد جماهیر شوروی را دربارهٔ مشی سیاسی که بنا بر مصالح عالی کشور اتخاذ نموده نوعی از مظاهر همان افکار می‌داند و چون دخالت‌بینی در امور داخلی ایران است نمی‌تواند بپذیرد.»[۸۲]

محمدرضاشاه نیز در سفر خود به مسکو، به‌دنبال مذاکراتی که با سران کشور شوروی به‌عمل آورد، پاسخ مقتضی به اعتراض آن دولت داد. پاسخ مزبور مبتنی بر این بود که: دولت ایران، به‌عنوان شریک متساوی‌الحقوق به پیمان بغداد ملحق شده و به هیچوجه اجازه نخواهد داد که کشور ایران برای اجرای مقاصد تجاوزکارانه برخلاف روسیه شوروی مورد استفاده قرار گیرد.

در بهمن‌ماه ۱۳۳۴، دولت به‌منظور خاتمه دادن به حکومت خودمختاری ایل جوانرودی دست به عملیات نظامی زد و پس از ۲۲ روز زدوخورد بین قوای دولتی و یاغیان، سرانجام روز ۲۷ بهمن‌ماه ۱۳۳۴، آخرین مقاومت اشرار جوانرودی را درهم شکست، و سران ایل مزبور که مدت چهارده سال تمام، امنیت صفحات غرب کردستان و کرمانشاه را مختل ساخته و حکومت خودمختاری به ضد دولت مرکزی تشکیل داده بودند تسلیم شدند و پس از خاتمه یافتن عملیات نظامی و استقرار ستونهای ارتش شاهنشاهی در مراکز اشغال‌شده، اقدامات مقتضی جهت خلع سلاح عشایر مذکور به‌عمل آمد.

پس از الحاق ایران به پیمان دفاعی خاورمیانه، دولت علا توجه خود را نسبت به بحرین که جزء لاینفک ایران بوده و از حدود ۱۵۰ سال پیش با حاکمیت شیوخ غاصب بحرین و حمایت دولت انگلستان، به‌عنوان شیخ‌نشین مستقلی تلقی شده بود

۸۲ـ نقل از متن پاسخ مورخ ۱۴ فروردین ۳۵ دولت ایران به دولت اتحاد جماهیر شوروی.

معطوف داشت.

توضیح آن‌که به‌دنبال توجه سیاستهای استعماری، این ناحیه از خلیج فارس نیز با دارا بودن منابع سرشار نفت عرصه کشمکش قدرتهای استعماری و استقرار قوای نظامی انگلیس قرار گرفت و دولت مذکور پس از اشغال بحرین و شناختن حکومت آزاد و مستقل شیوخ غاصب، عملاً حاکمیت دولت ایران را در اداره امور این قسمت از خاک کشور سلب کرد.

دولت علا نظر به موقعیت مناسب سیاسی وقت و قیام ایرانیان بحرین به‌ضد شیخ بحرین برای اعمال حاکمیت در این قسمت از خاک کشور، اسناد حاکمیت ایران بر جزیره بحرین را به‌تاریخ ۱۸ فروردین‌ماه ۱۳۳۵ رسماً انتشار داد و به‌موجب اسناد مذکور اعلام داشت که ادعای بی‌اساس انگلستان به هیچوجه با موازین حقوق بین‌المللی منطبق نبوده و دولت ایران همیشه بر آن جزیره اعمال حاکمیت داشته است.

روز سه‌شنبه ۲۱ فروردین‌ماه ۱۳۳۵ دولت علا از طرف یک تن از نمایندگان نسبت به موضوع زیر مورد استیضاح قرار گرفت:

«دولت آقای علا را بدین‌وسیله استیضاح می‌نماید و چون فرصت کافی باقی نیست تقاضای جلسه فوق‌العاده دارم که با استماع توضیحات این‌جانب رأی اعتماد اخذ شود تا انشاءالله در دوره فترت طولانی دولتی بر سر کار باشد که مورد اعتماد مجلس بوده باشد. جهت استیضاح به‌شرح زیر است.

۱ـ اقدامات دولت علا موجب ضرر برای تاج و تخت سلطنت شده است که بقا و عظمت آن مورد علاقه تمام ملت ایران است.

۲ـ دولت علا در سیاست خارجی دچار اشتباهات شده و منافع ملی ما در خطر افتاده است.

۳ـ سیاست اقتصادی و مالی دولت علا ما را به‌طرف فقر و بدبختی می‌کشاند.

٤ـ مداخلات غیرقانونی دولت در امر انتخابات دوره ۱۹ قانونگذاری به‌صورتی که مشهود عامه است طوریست که همه‌چیز را در نظر دارند غیر از تمایلات و خواسته‌های ملت ایران.»

استیضاح مذکور در جلسه علنی پنجشنبه ۲۳ فروردین‌ماه ۱۳۳۵ مسترد شد. با افتتاح و رسمیت یافتن نوزدهمین دوره قانونگذاری به‌تاریخ ۲۰ خردادماه ۱۳۳۵، حسین

علا روز پنجشنبه ۲٤ خردادماه شرفیاب و برطبق سنن پارلمانی استعفای خود را به پادشاه تقدیم داشت و هیأت دولت مستعفی گردید. علا مجدداً از طرف محمدرضاشاه مأمور تشکیل دولت شد و وزیران را به تاریخ شنبه ۲٦ خردادماه به مجلس سنا و یکشنبه ۲۷ خرداد برابر ۸ ذیقعده ۱۳۷۵ به مجلس شورای ملی به‌شرح زیر معرفی کرد:

۱ـ عباسقلی گلشائیان	وزیر دادگستری
۲ـ عبدالله انتظام	وزیر مشاور و نایب نخست‌وزیر
۳ـ غلامحسین فروهر	وزیر دارایی
٤ـ دکتر احمد مقبل	وزیر مشاور
۵ـ امیراسدالله علم	وزیر کشور
٦ـ دکتر جهانشاه صالح	وزیر بهداری
۷ـ مهندس خلیل طالقانی	وزیر مشاور
۸ـ حاج محمد نمازی	وزیر مشاور
۹ـ دکتر محسن نصر	وزیر کار
۱۰ـ تیمسار سرلشکر احمد وثوق	وزیر جنگ
۱۱ـ دکتر محمد مهران	وزیر فرهنگ
۱۲ـ تیمسار سرلشکر ولی انصاری	وزیر راه
۱۳ـ دکتر علیقلی اردلان	وزیر امور خارجه
۱٤ـ ابراهیم کاشانی	وزیر بازرگانی
۱۵ـ مهندس رضا گنجه‌ای	وزیر صنایع و معادن
۱٦ـ محمود ناصری	وزیر کشاورزی

مجلس سنا در جلسه ۲۸ خردادماه با اکثریت ٤۳ رای موافق در برابر یک رای مخالف و ۵ رای ممتنع به دولت علا رای اعتماد داد و مجلس شورای ملی نیز در جلسه پنجشنبه ۳۱ خردادماه با اکثریت ۱۱۰ رای موافق اعتماد خود را به دولت علاء ابراز داشت.[۸۳]

دولت، به‌دنبال حادثه قتل دو نفر آمریکایی، رئیس اصل چهار کرمان و رئیس امور عمران بلوچستان به‌تاریخ چهارشنبه ۱٤ فروردین‌ماه ۱۳۳٦ با تقدیم استعفای حسین

۸۳ـ مذاکرات مجلس ـ دورهٔ ۱۹ قانونگذاری ـ جلسهٔ ۵ ـ صفحه ۲ ـ شماره ۳۲۱٤.

علا از مقام نخست‌وزیری به حضور پادشاه و پذیرش آن سقوط کرد.

توضیح آن‌که روز چهارم فروردین‌ماه ۱۳۳۶، در تنگ سرخه از توابع ایرانشهر عده‌ای از راهزنان به سردستگی دادشاه سارق معروف، دو جیپ را مورد حمله قرار دادند و سرنشینان آن را که ازجمله دو نفر آمریکایی به نام مستر کوین کارول رئیس اصل چهار حوزه کرمان و مستر بروستر ویلسن رئیس آمریکایی اصل چهار حوزه عمران بلوچستان نیز در بین آنها بوده‌اند به قتل می‌رسانند.

دولت پس از کشف ماجرای کشته‌شدگان، سراسر منطقه بلوچستان را تحت محاصره افراد نیروی ارتش و ژاندارمری قرار داد.

* * *

۶۱- دکتر منوچهر اقبال

دکتر منوچهر اقبال به‌موجب فرمان شاه مورخ ۱۵ فروردین‌ماه ۱۳۳۶ شمسی، مأمور تشکیل کابینه گردید و هیأت دولت را در همین تاریخ به شرح زیر به حضور پادشاه معرفی کرد.

۱- دکتر منوچهر اقبال	نخست‌وزیر
۲- علیقلی اردلان	وزیر امور خارجه
۳- سرلشکر احمد وثوق	وزیر جنگ
۴- دکتر فتح‌الله جلالی	وزیر کشور
۵- علی‌اصغر ناصر	وزیر دارایی
۶- محمد مجلسی	کفیل وزارت دادگستری
۷- دکتر محمود مهران	وزیر فرهنگ
۸- مهندس امیرقاسم اشراقی	وزیر پست و تلگراف
۹- سرلشکر ولی انصاری	وزیر راه
۱۰- مصطفی تجدد	وزیر اقتصاد ملی و بازرگان
۱۱- سرتیپ حسن اخوی	وزیر کشاورزی
۱۲- دکتر عبدالحسین راجی	وزیر بهداری
۱۳- آقاخان بختیار	وزیر کار

۱۴ـ مهندس جعفر شریف‌امامی	وزیر صنایع و معادن
۱۵ـ سرتیپ علی‌اکبر ضرغام	وزیر گمرکات و انحصارات
۱۶ـ ناصر ذوالفقاری	وزیر مشاور[۸۴]

دولت جدید، در اولین روز زمامداری، پایان حکومت نظامی را پس از سه سال در تهران، اعلام کرد.

هیأت وزیران، در روز سه‌شنبه ۲۰ فروردین‌ماه به مجلس شورای ملی و روز ۲۴ فروردین ۱۳۳۶ شمسی به مجلس سنا معرفی شدند. دو مجلس پس از طرح برنامه دولت با اکثریت آرا تمایل خود را به زمامداری دولت جدید ابراز داشتند (مجلس شورای ملی به تاریخ یکشنبه ۲۵ فروردین با اکثریت ۱۱۰ رأی از ۱۱۴ تن نمایندگان حاضر در جلسه و مجلس سنا در جلسه ۲۸ فروردین با ۳۳ رأی از ۳۴ نماینده حاضر در جلسه)[۸۵]

به‌منظور تجدید اصول ششگانه ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۴۹ متمم قانون اساسی، دولت به تشکیل کنگره‌ای مرکب از نمایندگان دو مجلس مبادرت ورزید و فرمان تشکیل کنگره به تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۶ از طرف محمدرضاشاه به‌شرح زیر

۸۴ـ ترمیمهای زیر در اولین دولت دکتر منوچهر اقبال حاصل گردید:

۱ـ علیقلی اردلان در تاریخ ۲۸ فروردین‌ماه ۳۶ به‌سمت سفیرکبیری آمریکا انتخاب و علی‌اصغر حکمت از تاریخ ۲۰ اردیبهشت‌ماه ۳۶ به وزارت امورخارجه تعیین گردیدند.

۲ـ دکتر فتح‌الله جلالی به تاریخ ۶ شهریورماه ۳۷ مستعفی گردید.

۳ـ دکتر محمدعلی هدایتی از تاریخ ۱۸ اسفندماه ۳۶ به سمت وزیر دادگستری انتخاب شد.

۴ـ مصطفی تجدد به‌تاریخ ۲۹ آبان ۳۶ مستعفی گردید و عباسقلی نیساری تا تاریخ ۲۰ خردادماه ۳۸ عهده‌دار پست وزارت بازرگانی گردید.

۵ـ سرتیپ اخوی روز ۴ آبان ۳۸ مستعفی شد و دکتر جهانگیر آموزگار به‌سمت وزیر کشاورزی منصوب شد.

۶ـ دکتر عبدالحسین راجی به‌تاریخ ۲۳ اسفندماه ۳۸ مستعفی گردید.

۷ـ آقاخان بختیار روز ۶ شهریورماه استعفا داد.

۸ـ سرتیپ علی‌اکبر ضرغام روز ۱۴ آذرماه ۳۸ به‌سمت وزیر دارایی انتخاب شد.

۹ـ دکتر نصرت‌الله کاسمی و مهندس خلیل طالقانی از تاریخ ۲ شهریورماه ۳۷ به‌سمت وزیر مشاور معرفی شدند.

۸۵ـ مذاکرات مجلس ـ دورهٔ ۱۹ قانونگذاری ـ جلسهٔ ۷۷ ـ شماره ۳۵۳۷.

صادر گشت:

«نظر به مدلول اصل الحاق به متمم قانون اساسی، مصوب مجلس مؤسسان سال ۱۳۲۸ که تشکیل مجلس واحد را برای یک‌بار لازم دانسته، بنا به پیشنهاد جناب دکتر منوچهر اقبال نخست‌وزیر، امر و مقرر می‌فرمائیم که وزارت کشور در تهیه مقدمات تشکیل مجلس واحد (کنگره) اقدام نماید.»

مجلس واحد، روز پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۶، با اکثریت ۱۲٤ رأی موافق از ۱۲۷ رأی حاضر و یک رأی مخالف و ۲ رأی ممتنع تجدید اصول ششگانه مذکور در فوق را به تصویب رسانید.

دولت به تاریخ ۱۳ مردادماه ۱۳۳٦، قرارداد نفت ایران و شرکت ایتالیایی آجیب میرزاریابه مجلس شورای ملی تقدیم کرد. مجلس، قرارداد مذکور را برطبق ماده واحده ذیل به تاریخ پنجشنبه ۲٤ مردادماه به تصویب رسانید:

«ماده واحده ـ مجلس شورای ملی موافقتنامه پیوست را مشتمل بر ٤۸ ماده و هفت ضمیمه که راجع به تفحص و اکتشاف و بهره‌برداری نفت بین شرکت ملی نفت از یک طرف و شرکت سهامی ایتالیایی (آجیب میرزاریا) از طرف دیگر به امضا رسیده و مفاد آن برطبق مقررات ماده دوم قانون نفت مصوب ۳٦/۵/۷ مورد تایید دولت واقع گردیده است تصویب نموده و اجازه مبادله و اجرای موافقت‌نامه مزبور را می‌دهد.»

قرارداد مذکور در فوق،شنبه دوم شهریورماه به تصویب نهایی مجلس سنا رسید. به‌دنبال تصمیم دولت دایر بر انتقال کارخانه‌ها به خارج شهر و تعطیل کردن چند کارخانه از طرف شهرداری، روز یکشنبه ۱٤ مهرماه ۳٦، تعداد کثیری بالغ بر دوهزار تن از کارگران و متجاوز از صدتن از کارفرمایان کارخانه‌های چوب‌بری در برابر وزارت کار و محل اتحادیه خود اجتماع کردند و تقاضای رسیدگی به کار و پرداخت مزد خود نمودند.

ازپیش اشاره شد که پس از شورش و تظاهرات اهالی جزیره بحرین و مبارزه آنها به‌ضد سیاست استعمارگران انگلیس و آمریکا، دولت ایران در فروردین‌ماه سال ۱۳۳۵ ادعای حاکمیت بر بحرین را اعلام کرد و این مسأله ازجمله موضوعات مورد بحث مطبوعات ایران و عنایت خاص دولت علا بود و اقداماتی نیز در این زمینه به‌عمل آمد. دولت دکتر اقبال نیز، پیرو مذاکرات و اقدامات دولت قبلی به امر پادشاه موضوع

الحاق بحرین را به سیستم اداری ایران در تشکیلات جدید اداری از نظر دور نداشت و در لایحه تقسیمات کشوری تصمیم گرفته شد که مجمع‌الجزایر بحرین جزو استانهای کشور محسوب گردد و موضوع در کمیسیونی خاص تحت رسیدگی قرار گرفت.

تصمیم اخیر دولت ایران دربارهٔ بحرین، مورد اعتراض دولت انگلستان قرار گرفت، و وزارت امور خارجه آن دولت اعلام داشت، که نظریهٔ مؤکد دولت بریتانیا همچون گذشته در این است که بحرین یک کشور مستقل عرب و تحت حمایت دولت انگلستان می‌باشد، و دولت متبوع وی حاکمیت سیاسی خود را حفظ خواهد کرد و به تعهدات پیمانی به‌منظور استقلال بحرین ادامه خواهد داد.

به‌دنبال اعتراض دولت انگلستان، کشورهای عراق و عربستان سعودی نیز با پیشنهاد و تصمیم ایران دایر به الحاق بحرین به کشور خود مخالفت کردند و با انتشار اعلامیه‌های رسمی در آذرماه ۱۳۳۶ بحرین را یک سرزمین عرب به‌شمار آوردند و دعاوی ارضی ایران را نسبت به این جزیره به‌رسمیت نشناختند.

در جلسه پنجشنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۳۶، دولت دکتر اقبال، درباب سیاست اقتصادی و مالی و افزوده شدن قیمت نفت و بنزین مورد استیضاح مجلس شورای ملی قرار گرفت. استیضاح مذکور پس از مطرح شدن در جلسه ۱۲ دی‌ماه، به‌موجب پیشنهاد یک تن از نمایندگان مسکوت ماند و دولت برطبق سنن پارلمانی تقاضای رأی اعتماد کرد. از ۹۷ تن عده اعضای حاضر در جلسه دکتر اقبال با ۷۷ رأی موافق و ۳ رأی مخالف و ۱۷ رأی ممتنع، اعتماد مجلس را به‌دست آورد.

تصمیم هیأت دولت مبنی بر انعقاد قرارداد جدید نظامی با دولت آمریکا[۸۶] دولت روسیه شوروی را برآن داشت که به‌عنوان اعتراض به عمل دولت، یادداشت رسمی در مهرماه ۱۳۳۷ به سفیرکبیر ایران در مسکو تسلیم کند. نقل خلاصه تذکاریهٔ دولت مذکور را از نظر اهمیت ضرور می‌داند.

«طبق اطلاع رسیده اخیراً با وزیر دفاع آمریکا در تهران مذاکراتی برای انعقاد قرارداد جدید نظامی بین آمریکا و ایران صورت گرفته که ایران را تابع نقشه‌های نظامی آمریکا برعلیه شوروی می‌نماید و ناگزیر صلح جهانی و امنیت را در خاورمیانه به خطر

۸۶ـ به‌موجب این پیمان دولت آمریکا متعهد شد، چنانچه کشور ایران مورد حمله نیروهای کمونیزم بین‌المللی قرار گیرد به‌کمک ایران اقدام کند.

می‌اندازد. اگرچه دولت شاهنشاهی ایران طبعاً حوایج دفاعی را دلیل این اقدام قرار خواهد داد ولی باید متذکر شد که خطری از جانب همسایگان مخصوصاً از طرف شوروی متوجه ایران نمی‌باشد.

این اعمال ایران با اظهارات اولیای امور ایران و نمایندگان رسمی مبنی بر تمایل توسعه و بهبود روابط حسن همجواری مطابقت نمی‌کند و این اعمال، خلاف تعهدات ایران، خاصه ماده ۳ قرارداد تأمینیه بیطرفی است. این اقدام دولت شاهنشاهی را وارد سیاست خطرناکی نموده که به عواقب ممکنه آن توجه ندارند.

دولت شوروی که در پیش‌آمدهای سالهای اخیر خاور نزدیک و میانه که احتمال اختلافات نظامی را دربر داشت و ممکن بود به صلح و امنیت لطمه‌ای وارد سازد نتوانست بیعلاقه بماند، مخصوصاً در این مورد هم که خطر مستقیم متوجه حدود جنوبی او می‌باشد بیعلاقه نخواهد ماند. در این شرایط دولت شوروی ضروری می‌داند که در روابط کنونی خود با ایران تجدید نظر نماید و مسافرت حضرت وروشلیف را به ایران بنا بر دعوتی که از معظم له شده است در وضعیات کنونی مناسب نمی‌داند. دولت شوروی امیدوار است که دولت شاهنشاهی ایران وضع جدیدی که در روابط ما ایجاد گردیده مورد مطالعه جدی قرار داده و اقدامی ننماید که موجب تیرگی در روابط ما گردد. برای جلوگیری از هر پیش‌آمدی که صلح را در خاورمیانه و نزدیک به خطر انداخته و سرنوشت روابط بین دو کشور را نامعلوم سازد دولت شوروی توجه دولت ایران را به مراتب فوق معطوف داشت.»

دولت ایران در پاسخ اظهاریه دولت اتحاد جماهیر شوروی، روز شنبه ۱۷ مهرماه یادداشتی به شرح زیر تسلیم مقامات شوروی نمود:

«دربارهٔ موافقتنامه همکاری ایران و آمریکا که تذکاریه فوق‌الذکر آن را مغایر با روابط حسنه موجوده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دانسته‌اند، توضیحات زیر را لازم می‌داند.

طبق ماده ۳ قرارداد تامینیه و بیطرف مورخ اکتبر ۱۹۲۷ منعقده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی طرفین تعهد نموده‌اند که در هیچگونه ائتلاف یا اتحادیه‌ای علیه طرف متعاهد دیگر شرکت ننماید. دولت ایران اطمینان می‌دهد که هیچگاه از مقررات این ماده تاکنون منحرف نشده، لازم به تذکر

نیست که ماده ۳ قرارداد فوق‌الذکر طرفین را از عقد قراردادهایی که برای دفاع و حفظ امنیت خود منعقد می‌سازند منع نکرده است.

دولت ایران در حدود مقررات منشور ملل متحد هر وقت بخواهد و با هر کسی مایل است قرارداد مقتضی منعقد خواهد نمود. معذلک تذکر این نکته را لازم می‌داند که اصولاً تشخیص این که آیا خطری از طرف یک کشور خارجی ایران را تهدید می‌نماید یا خیر طبعاً و منحصراً در صلاحیت مقامات دولت شاهنشاهی است.»

سیاست اتحاد جماهیر شوروی در مخالفت با قرارداد دوجانبه همچنان ادامه یافت، و چندی نگذشت که دول کمونیزم برای تبلیغات تعرض‌آمیز خود نسبت به تصمیم کشور ایران به حملات رادیویی از دستگاه رادیویی دولتی پرداختند.

وزارت امور خارجه ایران نسبت به تبلیغات مغرضانه دولت رومانی و بلغارستان به‌ضد حکومت ایران و انتشارات دروغ و بی‌اساس روزنامه‌های رسمی ارگان حزب کمونیست آن کشورها اعتراض خود را به سفارتخانه‌های دول مذکور تسلیم کرد.

امضای موافقتنامه دوجانبه بین ایران و آمریکا با وجود تهدیدهای دولت روسیه شوروی مبنی بر عواقب وخیم آن، در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۸ به امضا رسید و به‌دنبال آن دستگاه‌های تبلیغاتی دولت شوروی، سازمان عالی کشور را هدف حملات شدید خود قرار داد.

ادامه تبلیغات شوروی و حملات دامنه‌دار آنها، بتدریج افکار عمومی را متوجه خود کرد و موجبات تشکیل اجتماعات و تظاهراتی را به‌ضد ناسزاگویی‌ها و افتراهای دستگاه دولتی و رادیوهای وابسته شوروی فراهم ساخت.

اولین تظاهرات، از ناحیه اهالی جنوب شهر تهران به‌تاریخ چهارشنبه ۹ تیرماه ۱۳۳۸ شروع شد و تعداد کثیری از دسته‌های مختلف مردم جنوب شهر، در ناحیه سیدملک خاتون واقع در بخش ۲۱ اجتماع نمودند و با شعارهایی به‌ضد دشمنان ایران، تنفر خود را نسبت به تبلیغات ناروای دول خارجی ابراز داشتند.

در مردادماه ۱۳۳۸، به‌منظور مبارزه با حملات رادیویی شوروی و تبلیغات سوء آنان، عده‌ای از رجال معروف سیاسی ایران به تشکیل انجمنی تحت عنوان جمعیت دفاع ملی پرداختند و بتدریج انجمنها و جمعیتهای مختلف از اصناف و پیشه‌وران نیز درضمن اعلامیه و قطعنامه‌ها پیوستگی خود را به جمعیت دفاع ملی اعلام کردند.

روز دوشنبه ۱۵ شهریورماه به‌موجب تصمیم جمعیت مذکور در فوق، متینگ عظیمی مرکب از اعضای حزب ملیون و حزب مردم و هزاران نفر از نمایندگان بازرگانان و اصناف و طبقات مختلف مردم پایتخت در مسجدشاه تشکیل شد و نسبت به اظهارات و حملات تبلیغاتی دولت شوروی اظهار تنفر نمودند.

آرام وزیر امور خارجه ایران، در مجمع عمومی سازمان ملل به‌تاریخ ۲۶ شهریورماه ۱۳۳۸ پیشنهاد تشکیل یک هیأت بیطرف به‌منظور جلوگیری از تبلیغات تحریک‌آمیز بین‌المللی را به سازمان ملل کرد و درضمن آن افزود که کشور ایران، در ظرف شش ماه اخیر مورد حملات شدید تبلیغاتی که با اصول همجواری مباینت دارد قرار گرفته است.

به‌دنبال ادعای ژنرال عبدالکریم قاسم نخست‌وزیر عراق مبنی بر پس گرفتن ۵ کیلومتر از خاک ایران که در زمان رژیم (بکر صدقی) به ایران منضم شده بود، مطبوعات و محافل سیاسی تهران عکس‌العمل اعتراض‌آمیز شدید نشان دادند. مجلس در جلسه ۱۴ آذرماه نسبت به ادعای واهی دولت عراق شدیداً اعتراض کرد. دولت نیز در جلسه مورخ پنجشنبه ۱۸ آذرماه اعلام داشت که کشور ایران رویه دولت عراق و اظهارات نخست‌وزیر عراق را نقض قرارداد ۱۳۱۶ تلقی کرده و کوشش خواهد کرد تا حقوق خود را در شط العرب حفظ کند.

باید افزود که روابط سیاسی ایران و عراق پس از انقلاب نظامی ۱۴ روییه ۱۹۵۷ بااینکه رژیم انقلابی از طرف دولت ایران به‌رسمیت شناخته شد، معهذا دوستانه و روشن نبود و در مواردی چند با اتخاذ سیاست و رویه غیردوستانه ازجمله: پناه دادن ملامصطفی بارزانی و عده دیگری از رهبران فراری حزب منحله توده، و نیز سوءرفتار و عدم تأمین حقوق اتباع ایرانی مقیم عراق پس از تصویب (قانون مشاغل) در آن‌کشور که به‌موجب آن عملاً ایرانیان مقیم عراق از داشتن شغل و کسب درصورت عدم پذیرفتن تابعیت آن دولت محروم بودند و حق هرگونه فعالیتی از آنها سلب شده بود، روابط بین دو کشور از آذرماه ۱۳۳۷ رو به‌تیرگی گذاشت و دولت ایران در چند نوبت اعتراضات کتبی و شفاهی خود را به دولت عراق نمود.

فرمان انتخابات دوره بیستم قانونگذاری به‌تاریخ ۷ دی‌ماه ۱۳۳۸ از طرف پادشاه صادر شد.

روز دوشنبه ۲۰ دی‌ماه، جمع کثیری از دانش‌آموزان دبیرستانهای تهران به‌عنوان اعتراض به آئین‌نامه امتحانات، دست به تظاهراتی زدند و از حضور به کلاسهای درس خودداری کردند. اجتماعات دانش‌آموزان در مقابل فرهنگ استان و مجلس شورای ملی و چند نقطه دیگر صورت گرفت. پلیس و قوای انتظامی به‌منظور جلوگیری از تظاهرات دانش‌آموزان از آنجاکه در این ماجرا عده‌ای غیر دانش‌آموز شرکت جسته و با اقدامات خلاف خود موجبات اختلال و بی‌نظمی را به‌وجود آورده بودند، مداخله کرده و به متفرق ساختن تظاهرکنندگان پرداخت. شدت عمل پلیس و قوای انتظامی، تصادمات شدیدی را بین تظاهرکنندگان و قوای دولتی به‌وجود آورد، عده‌ای دستگیر و تنی چند نیز مجروح شدند. این تظاهرات و اعتصاب دانش‌آموزان تا روز چهارشنبه ۲۲ دی‌ماه ۱۳۳۸ شمسی همچنان ادامه داشت. دولت درضمن اعلامیه‌ای متذکر شد که از هرگونه هرج و مرج و بی‌نظمی به‌شدت جلوگیری خواهد کرد.

اجتماع کنندگان پس از اطمینانی که اولیای امور در مورد رسیدگی به خواسته‌های آنها دادند دست از اجتماع و اعتصاب برداشتند و به کلاسهای درس حاضر شدند.

با تعیین سفیر جدید عراق به‌تاریخ ۸ فروردین‌ماه ۱۳۳۹، و ورود نامبرده به تهران به‌تاریخ ۱۱ خردادماه، پس از یک ماه و نیم جنگ تبلیغاتی و رادیویی بین دو کشور، زمینه مذاکره بین دو دولت عراق و ایران در مورد اختلافهای مربوط به اروندرود و مسایل موجود دیگر، در محیطی نسبتاً آرام با قطع حملات تبلیغاتی دوجانبه فراهم شد. بررسی رسمی روابط و حل اختلافهای بین دو کشور از روز سه‌شنبه ۲۴ خردادماه آغاز شد.

شورای وزیران پیمان سنتو، روز ۱۸ اردیبهشت‌ماه با شرکت وزراء خارجه کشورهای عضو دولت متحده آمریکا و دولت انگلستان به‌منظور بررسی وضع سیاسی خاورمیانه تشکیل شد و چگونگی روابط اعضای سنتو، با دولت اتحاد جماهیر شوروی و بلوک کمونیستی نیز طرح و مورد بررسی قرار گرفت.

با پایان یافتن دوره نوزدهم قانونگذاری به‌تاریخ پنجشنبه ۱۹ خردادماه ۱۳۳۹ و قبل از تعیین قطعی تاریخ شروع انتخابات، مبارزه انتخابات حزبی آغاز شد و دبیران کل احزاب، گردشهای انتخاباتی خود را در سراسر کشور شروع کردند.

توضیح آن که، به‌دنبال تصمیم محمدرضاشاه مبنی بر استقرار حکومت دولتها بر پایه حزبی، دو حزب بزرگ سیاسی در دورهٔ حکومت دکتر منوچهر اقبال تشکیل شد. حزب ملیون (محافظه‌کار) به رهبری دکتر منوچهر اقبال رئیس دولت وقت و حزب مردم به رهبری امیر اسدالله علم.

حزب اخیر در تمام طول مبارزات انتخاباتی نقش مخالف حزب ملیون و دولت را که مدت سه سال زمام امور کشور را برعهده داشت بازی می‌کرد. اضافه بر احزاب مذکور در فوق، نیروی سومی نیز به‌عنوان منفردان به‌رهبری دکتر علی امینی، در صحنه مبارزات انتخاباتی فعالیت خود را شروع کردند.

چهارشنبه ۵ مردادماه ۱۳۳۹، دولت مصر به‌رهبری جمال عبدالناصر، قطع روابط سیاسی خود را با دولت شاهنشاهی ایران به بهانه به‌رسمیت شناختن دولت اسراییل از طرف ایران اعلام کرد.

دولت ایران نیز به‌تاریخ پنجشنبه ٦ مردادماه به سفیرکبیر مصر ابلاغ کرد تا در ظرف ۲٤ ساعت از ایران خارج شود و ضمن ابلاغیهٔ مذکور، متذکر شد تا زمانی‌که حکومت قانونی و ملی مطابق مصالح ملت مصر در آن کشور برقرار نشود از اعزام نمایندهٔ سیاسی به مصر خودداری خواهد کرد.

به‌موجب تقاضای دولت ایران، شورای دائمی سنتو، که عالیترین مجمع سیاست دایمی سازمان مذکور می‌باشد روز چهارشنبه ۱۲ مردادماه در آنکارا تشکیل شد.

در جلسه شورای مذکور، سفیرکبیر ایران در ترکیه، سیاست دولت متبوع خود را در مورد مسأله شناسایی اسراییل داد و درضمن آن به حملات تبلیغاتی مصر و شخص جمال عبدالناصر به ضد ایران اشاره کرد و خاطرنشان ساخت که دولت ایران این تحریکات را مداخله در امور داخلی ایران و نقض مقررات بین‌المللی می‌داند.

با شروع انتخابات در مردادماه ۱۳۳۹، مبارزات انتخاباتی به درجه حاد و شدت خود رسید و بزرگترین اجتماعات حزبی در تهران انجام گرفت و در اکثر شهرستانها نیز، گروه‌های کثیری از طبقات مختلف و اصناف به‌عنوان اعتراض به کیفیت تشکیل انجمنهای نظار و عدم آزادی در انتخابات در تلگرافخانه‌ها متحصن شدند و با تشکیل اجتماعات و به‌راه انداختن تظاهرات، تقاضای انحلال جمعیتهای فوق را کردند.

سه‌شنبه ۲۵ مردادماه ۱۳۳۹، جمعی از طرفداران جبهه ملی و گروه کثیری از

دانشجویان دانشگاه تهران در میدان جلالیه اجتماع کردند و درطی سخنرانیهای مبسوطی، به جریان انتخابات اعتراض نمودند و در پایان متینگ منظم و آرام، در طی قطعنامه‌ای انتخابات دوره فعلی را تحریم کردند و تقاضای انحلال انتخابات در سراسر کشور و برکناری دولت فعلی را خواستار شدند.

اخذ آرا تهران در اواخر مردادماه با پیروزی حزب ملیون و به‌دست آوردن اکثریت پایان یافت. قرائت آرا روز اول شهریورماه آغاز و در حین انجام گرفتن و قرائت آرا یک تن از کاندیداهای حزب مردم مضروب و چند صندوق توقیف شد.

روز ۵ شهریورماه دکتر مظفر بقائی، حسین مکی، دکتر علی‌آبادی و حاج سیدجوادی و چند تن دیگر از معترضین به کیفیت انتخابات سراسر کشور، اعلام جرمی مبنی بر تقلبات در انتخابات به دادستان کشور دادند.

سرانجام، پادشاه به‌دنبال شکایات متعدد و اعتراضهایی که از طرف نیروهای مختلف مردم در جریان انتخابات به‌عمل آمد، در کنفرانس مطبوعاتی کاخ سفید سعدآباد به‌تاریخ شنبه ۵ شهریورماه ۱۳۳۹، عدم رضایت خاطر خود را از جریان انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی صریحاً با این عبارات اعلام کرد:

«من طبعاً نمی‌توانم از وضع انتخابات راضی باشم، فقط کاری را در این مورد می‌توانم انجام دهم که قانونی باشد، ولی اگر احساس کنم مصلحت مملکت ما یعنی میل باطنی و حقیقی مردم ابطال انتخابات است در این مورد از حدود قانونی خارج خواهم شد.»

روز یکشنبه ۶ شهریورماه، میتینگی از طرف منفردین به‌رهبری دکتر علی امینی در باشگاه مهرگان با حضور اعضای حزب مردم تشکیل شد و در پایان تظاهرات قطعنامه‌ای بدین‌شرح صادر و تلگرافی به حضور محمدرضاشاه مخابره کردند:

«ما شرکت‌کنندگان در میتینگ عمومی مورخ ۳۹/۶/۶، باشگاه مهرگان عالیترین مراتب سپاسگزاری را به پیشگاه مبارک شاهنشاه در توجه و عنایتی که به اراده ملت فرموده‌اند تقدیم می‌داریم و باتوجه به مدارک مسلم دربارهٔ مخدوش و غیرقانونی بودن انتخابات از پیشگاه ملوکانه استدعا داریم انتخابات را در کلیه کشور ابطال و فرمان تجدید انتخابات را در سراسر کشور صادر فرمایند.»

سرانجام، تظاهرات مخالفت‌آمیز انتخاباتی در سراسر کشور، مقدمات سقوط

دولت وقت را فراهم ساخت و دکتر منوچهر اقبال پس از سه سال زمامداری، ظاهراً به‌دنبال اعلام عدم رضایت شاه از جریان انتخابات، روز یکشنبه ٦ شهریورماه استعفای دولت را به حضور پادشاه تقدیم داشت.

٦٢- مهندس جعفر شریف‌امامی

مهندس جعفر شریف‌امامی، روز دوشنبه ۷ شهریورماه ۱۳۳۹ از طرف پادشاه مأمور تشکیل کابینه جدید شد. نخست‌وزیر، روز ۹ شهریورماه برابر ۸ ربیع‌الاول ۱۳۷۹ هجری قمری هیأت دولت غیر حزبی را به‌شرح زیر به حضور محمدرضاشاه معرفی کرد.

۱- مهندس جعفر شریف‌امامی	نخست‌وزیر
۲- دکتر محمد سجادی	معاون نخست‌وزیر و وزیر مشاور و سرپرست وزارت بازرگانی و امور اقتصادی
۳- دکتر جهانشاه صالح	وزیر بهداری
٤- سپهبد احمد وثوق	وزیر جنگ
۵- سپهبد مهدیقلی علوی‌مقدم	وزیر کشور
٦- سرلشکر علی‌اکبر ضرغام	وزیر دارایی
۷- دکتر محمدعلی هدایتی	وزیر دادگستری
۸- دکتر محمود مهران	وزیر فرهنگ
۹- دکتر عبدالحسین اعتبار	وزیر پست و تلگراف
۱۰- سرلشکر ولی انصاری	وزیر راه
۱۱- مهندس خسرو هدایت	وزیر مشاور و قایم‌مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه
۱۲- دکتر طاهر ضیائی	وزیر صنایع و معادن
۱۳- دکتر علی‌اصغر پورهمایون	وزیر بازرگانی
١٤- مشیر فاطمی	وزیر کشاورزی
۱۵- دکتر احمدعلی بهرامی	وزیر کار
١٦- محمدرضی ویشکایی	وزیر گمرکات و انحصارات

۱۷ـ اشرف احمدی وزیر مشاور[۸۷]

جنجال انتخابات و جنبش و تظاهرات گروه‌های مختلف به‌ضد این جریان با سقوط دکتر اقبال خاتمه نیافت و در دولت مهندس شریف‌امامی نیز همچنان ادامه داشت. دولت جدید در بدو حکومت جهت تسکین افکار عمومی اقداماتی که منجر به تعطیل و ابطال انتخابات دوره زمامداری دولت گذشته گردید به‌عمل آورد.

فرمان تعطیل انتخابات به‌تاریخ ۷ شهریورماه از طرف وزارت کشور به کلیه فرمانداریها ابلاغ شد. روز ۸ شهریورماه میتینگی در بازار از طرف حزب مردم و منفردین تشکیل گردید و درضمن صدور قطعنامه‌ای، از پادشاه استدعای ابطال انتخابات دوره بیستم و تجدید آن را نمودند.

سرانجام انتخابات تابستانی بیستمین دوره قانونگذاری، پیرو پیام محمدرضاشاه به‌تاریخ پنجشنبه ۱۰ شهریورماه به شرح زیر و با استعفای کلیه نمایندگان حزبی و منفرد باطل شد:

«مصلحت اینست که نمایندگان به‌طور دسته‌جمعی استعفا دهند تا مجال آن داده شود که انتخابات جدید با نهایت بیطرفی و بی‌نظری در کشور انجام گیرد.»

اشاره شد که در طول زمامداری دولت دکتر اقبال، در روابط بین دولت روسیه شوروی و ایران سیاست خصمانه‌ای حاکم بوذ و رادیوهای آن دولت به‌ضد حکومت مرکزی ایران و انتقاد از دولت تبلیغ می‌کردند. با برکناری و سقوط دولت دکتر اقبال، رادیو مسکو نه‌تنها تبلیغات ضد ایرانی خود را تقلیل داد بلکه تمایل دولت اتحاد جماهیر

۸۷ـ ترمیمهای زیر در این کابینه رخ داد:
۱ـ یدالله عضدی به‌تاریخ ۱۲ شهریورماه به وزارت امور خارجه منصوب شد.
۲ـ مهندس ابوالحسن بهنیا به‌جای سرلشکر ولی انصاری به‌تاریخ ۱۳ مهرماه به‌سمت وزیر راه معرفی شد.
۳ـ در اول اسفندماه احمد آرامش به‌سمت وزیر مشاور و قایم‌مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه معرفی شد.
٤ـ دکتر علی‌اصغر پورهمایون در تاریخ ۱۳ مهرماه به وزارت بازرگانی منصوب شد.
۵ـ ابراهیم مهدوی به‌تاریخ ۲۲ شهریورماه به‌جای مشیرفاطمی به وزارت کشاورزی انتخاب گردید.
٦ـ یدالله عضدی به‌تاریخ ۱۲ شهریورماه به وزارت امورخارجه منصوب شد.

شوروی را به برقراری روابط حسنه با ایران به‌تاریخ پنجشنبه ۱۰ شهریورماه اعلام کرد.

به‌دنبال تغییر لحن مفسر رادیویی دولت شوروی و پیام پادشاه ایران، روابط ایران و شوروی به‌صورت مهمترین مسأله سیاسی روز قرار گرفت و مقدمات برقراری روابط حسنه با آن دولت آغاز شد.

فرمان تجدید انتخابات بیستمین دوره قانونگذاری روز ۱۹ دی‌ماه ۱۳۳۹ از طرف دولت صادر شد و همزمان با شروع انتخابات در تهران، روز ۱۵ بهمن‌ماه از طرف عده کثیری از دانشجویان دانشگاه تهران و دانشسرایعالی تظاهرات شدید و دامنه‌داری به‌ضد انتخابات مجلس به‌عمل آمد، تظاهرات مداوم دانشجویان در داخل دانشگاه مانع تشکیل کلاسهای درس شد و دانشگاه برطبق تصمیم شورای رؤسای دانشکده‌ها برای مدتی تعطیل گردید. مبارزات سیاسی دانشجویان در تمام طول سال ۱۳۳۹ به‌صورت تعطیل کلاسهای درس و تشکیل اجتماعات ادامه داشت. بااینکه به‌موجب اعلامیه دانشگاه دایر به گشایش دانشکده‌ها به‌تاریخ ۲۲ بهمن‌ماه تعطیل دانشگاه ظاهراً خاتمه یافت، ولی از آنجا که از طرف مقامهای مسئول به اعتراضهای دانشجویان ازجمله آزادی دانشجویان بازداشت‌شده ترتیب اثر داده نشد، دانشجویان به تظاهرات و تعطیل کردن کلاسهای درس همچنان ادامه دادند.

سرانجام شورای دانشگاه روز شنبه ۱۷ اسفندماه، به‌منظور رسیدگی به حوادث و جریانات اخیر دانشگاه و پایان بخشیدن به وضع غیرعادی آن، تشکیل شد و با صدور اعلامیه‌ای مبنی بر تعطیل دانشگاه و نام‌نویسی مجدد از دانشجویان، دانشگاه را تعطیل کردند.[۸۸]

بیستمین دوره قانونگذاری، پس از مبارزات انتخاباتی بسیار و طولانی، سرانجام به تاریخ ۲ اسفندماه ۱۳۳۹ افتتاح شد. با رسمیت یافتن مجلس بیستم و آمادگی آن برای شروع کار به تاریخ شنبه ۲۰ اسفندماه، نخست‌وزیر، استعفای هیأت دولت را به حضور پادشاه تقدیم داشت.

به‌فرمان شاه مهندس شریف‌امامی مجدداً مأمور تشکیل دولت گردید و کابینه جدید را روز شنبه ۲۰ اسفندماه ۱۳۳۹ شمسی به‌شرح زیر به حضور شاه و روز ۲۱ اسفند برابر ۲٤ رمضان ۱۳۸۰ به مجلس شورای ملی معرفی کرد و در جلسه مورخ ۲۳

۸۸ـ تعطیل دانشگاه تا ۱٤ فروردین‌ماه همچنان ادامه داشت.

اسفندماه با اکثریت ۴۲ رأی موافق اعتماد مجلس را به‌دست آورد.

۱ـ مهندس جعفر شریف‌امامی	نخست‌وزیر
۲ـ حسین قدس نخعی	وزیر امور خارجه
۳ـ سپهبد علی‌اصغر نقدی	وزیر جنگ
۴ـ سپهبد صادق امیرعزیزی	وزیر کشور
۵ـ عبدالباقی شعاعی	وزیر دارایی
۶ـ محمدعلی ممتاز	وزیر دادگستری
۷ـ دکتر جهانشاه صالح	وزیر فرهنگ
۸ـ دکتر عبدالحسین اعتبار	وزیر پست و تلگراف
۹ـ مهندس ابوالحسن بهنیا	وزیر راه
۱۰ـ دکتر علی‌اصغر پورهمایون	وزیر بازرگانی
۱۱ـ مهندس ابراهیم مهدوی	وزیر کشاورزی
۱۲ـ دکتر جواد آشتیانی	وزیر بهداری
۱۳ـ دکتر احمدعلی بهرامی	وزیر کار
۱۴ـ دکتر مهندس طاهر ضیایی	وزیر صنایع و معادن
۱۵ـ محمدرضی ویشکانی	وزیر گمرکات و انحصارات
۱۶ـ احمد آرامش	وزیر مشاور و قایم‌مقام نخست‌وزیر در سازمان برنامه
۱۷ـاشرف احمدی	وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر[۸۹]

مجلس شورای ملی، از اولین جلسه رسمی مخالفت خود را با مهندس شریف‌امامی به‌صورت انتقاد از سیاست دولت آغاز کرد. انتقادهای تند و شدید مجلس به دولت، بویژه پس از طرح لایحه بودجه به‌تاریخ ۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰، به سازمانهای اداری و اجتماعات متفرقه خارج از مجلس نیز سرایت کرد و منشا جنبشها و تظاهراتی چند گردید ازجمله:

اعتراض عمومی معلمان از کمی حقوق و عدم توجه دولت به خواست این طبقه

۸۹ـ در تاریخ ۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰ حسن نبوی به‌سمت وزیر مشاور و معاون نخست‌وزیر به مجلس معرفی شد.

بود. این اجتماع منتهی به اعتصابات دامنه‌دار و تعطیل کلاسهای درس در تهران و کلیه شهرستانها به‌تاریخ ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۳٤۰ گردید.

در اجتماع بزرگ معلمان به‌منظور تأمین حقوق و مزایای بیشتر، مقابل وزارت فرهنگ و میدان بهارستان تصادماتی روی داد و در این ماجرا یکی از دبیران مقتول و چندتن مجروح شدند. به‌دنبال مقتول شدن دکتر خانعلی، اعتصاب معلمان روز بعد به‌صورت حادتری شروع شد و تا سقوط دولت و اخذ نتیجه در کابینه جدید همچنان ادامه داشت.

روز پنجشنبه ١٤ اردیبهشت‌ماه، جمعیت کثیری از دانشجویان دانشگاه تهران و دانش‌آموزان به‌عنوان همدردی با فرهنگیان به جمع دبیران و آموزگاران پیوستند و اجتماع عظیمی را در برابر مجلس شورای ملی تشکیل دادند و از رفتن به کلاسهای درس خودداری کردند.

فرهنگیان در تظاهرات بزرگ روز پنجشنبه ١٤ اردیبهشت‌ماه اعلام کردند که اعتصابات آنها به‌هیچوجه جنبه سیاسی ندارد و صرفاً خواستار تعقیب مسببین حادثه ۱۲ اردیبهشت‌ماه و اجرای ماده ۱۲ قانون تعلیمات اجباری می‌باشند.

انتقاد از سیاست دولت از طرف نمایندگان مجلس شورای ملی، پس از وقایع روز سه‌شنبه و عدم توجه دولت به خواست فرهنگیان و حادثه قتل یک تن از دبیران، به‌صورت حادتر و گسترده‌تر درآمد و اعتراض و مخالفت نمایندگان منفرد از دولت در این جلسه از طرف اکثریت نمایندگان مورد تایید و تصدیق واقع شد.

سرانجام جنبشها و تظاهرات دامنه‌دار و شدید فرهنگیان و دانشجویان، موقعیت دولت را متزلزل ساخت و با طرح دو استیضاح از طرف دوتن از نمایندگان منفرد مجلس دربارهٔ سوء سیاست دولت و جریان اعتصاب فرهنگیان و قتل یک دبیر، در جلسه پنجشنبه ١٤ اردیبهشت‌ماه مهندس جعفر شریف‌امامی رئیس دولت را برآن داشت هنگامی که دربارهٔ وضع معلمان توضیح می‌داد، به‌دنبال یک مشاجره لفظی با رئیس مجلس شورای ملی، جلسه مجلس را ترک گوید و استعفای خود را به حضور پادشاه تقدیم دارد.

۶۳- دکتر علی امینی

با استعفای مهندس جعفر شریف‌امامی، دکتر علی امینی روز ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰ شمسی از طرف پادشاه مأمور تشکیل هیأت دولت گردید و فرمان نخست‌وزیری نامبرده به‌تاریخ شنبه ۱۶ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰ برابر ۲۰ ذیقعده ۱۳۸۰ صادر شد.

نخست‌وزیر هیأت دولت را به‌تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰ به پیشگاه ملوکانه به‌ترتیب زیر معرفی کرد.

۱- دکتر علی امینی	نخست‌وزیر
۲- حسین قدس‌نخعی	وزیر امور خارجه
۳- سپهبد علی‌اصغر نقدی	وزیر جنگ
٤- سپهبد صادق امیرعزیزی	وزیر کشور
۵- عبدالحسین بهنیا	وزیر دارایی و گمرکات و انحصارات
٦- نورالدین الموتی	وزیر دادگستری
۷- مهندس هوشنگ سمیعی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۸- مهندس جمال گنجی	وزیر راه
۹- دکتر حسن ارسنجانی	وزیر کشاورزی
۱۰- دکتر عبدالحسین طبا	وزیر بهداری
۱۱- عطاالله خسروانی	وزیر کار
۱۲- هادی اشتری	وزیر مشاور
۱۳- مهندس غلامعلی فریور	وزیر صنایع و معادن
١٤- دکتر علی‌اصغر پورهمایون	وزیر بازرگانی و وزیر مشاور[۹۰]

۹۰- تغییرات این کابینه به‌شرح زیر بود:

۱- عباس آرام پس از معرفی قدس نخعی به‌سمت سفیرکبیر ایران در واشنگتن به‌سمت وزیر امورخارجه منصوب شد.

۲- عبدالحسین بهنیا روز یکشنبه ٢٤ دی‌ماه به‌مناسبت مخالفت با لایحه اصلاحات ارضی در هیأت دولت از سمت خود مستعفی گردید.

←

فرمان انحلال دو مجلس شورای ملی و سنا، از طرف محمدرضاشاه به‌تاریخ ۱۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳٤۰ صادر و به‌موجب فرمان زیر دولت دکتر امینی مأمور اصلاح قانون انتخابات گردید:

«نظر به وظیفه خطیری که قانون اساسی در حفظ مشروطیت و رفاه و سعادت ملت ایران برعهده ما محول داشته است و نظر به لزوم اتخاذ تصمیم و اقدام به یک سلسله اصلاحات عمیق و قاطع در تمام شئون کشور، به‌منظور رفع مشکلات روزافزونی که با آن مواجه است و نظر به علاقه تامی که در رعایت حقوق ملت عزیز خود داریم و نظر به سابقه تصمیمی که به رعایت افکار عمومی داشتیم و منجر به تجدید انتخابات دوره بیستم مجلس شورای ملی گردید. در این‌موقع که دولت مقتدر و اصلاح‌طلبی را برای نجات مملکت از مشکلات موجوده مأمور نموده‌ایم عقیده داریم که هیچگونه مانعی نباید سد راه اقدامات اساسی و اصلاحی دولت گردد و معتقد بودیم که بدون اصلاح قانون انتخابات، انجام انتخاباتی که روح قانون اساسی ایران را دربر داشته باشد مشکل بلکه ممتنع و محال است و متاسفانه با قانون فعلی انتخاباتی که خالی از نقص و لغزش باشد مقدور نیست، علیهذا به نام سعادت ملت ایران و به‌موجب اصل ٤۸ اصلاحی اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۸ شمسی قانون اساسی، انحلال مجلسین شورای ملی و سنا را اعلام و مقرر می‌داریم دولت با اصلاح قانون انتخابات اقدام به تجدید انتخابات مجلسین شورای ملی و سنا بنماید.»

دکتر امینی به‌عنوان اجرای برنامه‌های اصلاحی، به تعقیب و بازداشت گروهی از شخصیتهای بانفوذ کشوری و لشکری که متهم به حیف و میل اموال عمومی بودند

→

۳ـ دکتر طبا پست وزارت را قبول نکرد، و دکتر ابراهیم ریاحی به‌تاریخ ۱۳ خردادماه به‌جای دکتر طبا انتخاب شد.

٤ـ وزیر صنایع و معادن روز پنجشنبه ۲۱ دی‌ماه استعفای خود را به نخست‌وزیر ارسال داشت و مهندس تقی سرلک روز ١٤ دی‌ماه به‌سمت وزیر صنایع و معادن معرفی گردید.

۵ـ وزارت بازرگانی در تاریخ ۳ تیرماه به دکتر جهانگیر آموزگار محول گردید و دکتر پورهمایون به‌سمت وزیر مشاور در امور اقتصادی انتخاب شد.

٦ـ دکتر سیدمحسن نصر وزیر مشاور روز دوشنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه ٤۰ و محمد درخشش به‌سمت وزیر فرهنگ معرفی شدند.

پرداخت. انحلال دو مجلس و تعطیل امر انتخابات به‌عنوان تغییر و اصلاح مواد قانون انتخابات و نیز مسأله اصلاح قانون اصلاحات ارضی و اجرای آن در دولت دکتر امینی، از مسایل و موضوعات جالب انتقاد و بحث محافل سیاسی و مذهبی و بازاریان گردید و از آنجا که تصمیمات مذکور در فوق مغایر با مصالح پاره‌ای از گروه‌های اجتماعی ازجمله مالکان بود، منشاء تظاهرات و انقلابات دامنه‌دار آرام و تحریک‌آمیز به‌ضد دولت وقت گردید و پاره‌ای از جمعیتهای سیاسی نیز که در دولتهای پیشین فعالیت بسیار محدود داشتند به اقدامات و تظاهرات آشکار پرداختند.

روز ۲۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۰، اولین فعالیت آشکار جبهه ملی به‌صورت متینگ عظیمی در میدان جلالیه با حضور جمعیت کثیری مرکب از طبقات مختلف مردم آغاز شد. خواست جبهه مذکور در این متینگ، اجرای فوری انتخابات مجلس شورای ملی بود که به‌صورت منظم و آرامی پایان یافت.

کارمندان اداره تلگراف تهران و بی‌سیم به‌عنوان اعتراض به کمی حقوق و مزایا، روز سه‌شنبه ۹ خردادماه ۱۳۴۰ دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کارمندان مذکور در آخر وقت روز پنجشنبه ۱۱ خردادماه پس از قول موافق دولت با خواست اعتصاب کنندگان پایان یافت.

روز سه‌شنبه ۶ خردادماه به‌دنبال لغو امتیاز چند نشریه از طرف دولت، ۳۸ تن از مدیران جراید به‌عنوان اعتراض به سیاست دولت در مورد مطبوعات، در انجمن مطبوعات متحصن شدند. تصمیم دولت امینی، مبنی بر حفظ عضویت خود در سازمان پیمان مرکزی، همچون گذشته مورد اعتراض دولت روسیه شوروی و ادامه تبلیغات ضد رژیم ایران از رادیو مسکو قرار گرفت.

وزیر امور خارجه ایران، درقبال سیاست غیردوستانه دولت روسیه شوروی، یادداشتی به‌تاریخ ٤ مردادماه ۱۳۴۰ به نیکولای پکوف سفیر شوروی در تهران تسلیم کرد و درضمن آن اعتراض اساسی دولت ایران را در مورد تبلیغات ضد ایرانی رادیو مسکو و دخالت وابسته نظامی شوروی را در جریان تظاهرات انقلابی تیرماه ۱۳۴۰ به‌نظر مقامات مسئول دولت مذکور رسانید.

دولت به‌منظور تسکین افکار عمومی در مورد انتخابات، اعلامیه‌ای به‌تاریخ ۱۸ خردادماه صادر کرد و در این اعلامیه از مردم خواست تا عقاید و نظریات خود را راجع

به انتخابات به دولت اعلام دارند.

همزمان با مخالفت جمعیتهای سیاسی بر سر مسأله انتخابات، دانشگاه نیز فعالیت سیاسی خود را که از پیش درضمن همدردی با اعتصاب معلمان آغاز کرده بود، به‌عنوان اعتراض به امر انتخابات مجدداً شروع کرد.

شورای دانشگاه درضمن اعلامیه‌ای خطاب به دانشجویان از آنان خواست تا در جریانات سیاسی روز رفتار و روشی را تعقیب نمایند که وسیله‌ای برای مداخله قوای انتظامی دولت در امور دانشگاه پیدا نشود.

اعلامیه فوق، مانع از آن نگردید که دانشجویان و دانش‌آموزان خود را از فعالیتهای سیاسی روز برکنار دارند. چنانکه از اول بهمن‌ماه ۱۳٤۰، قریب چندهزار تن از دانشجویان دانشگاه تهران به‌بهانه اخراج سه تن از دانش‌آموزان دبیرستان دارالفنون و اعلام همدردی با آنها تظاهرات و اغتشاشات دانشگاهی را آغاز کردند و درضمن دادن شعارهایی، استعفای فوری دکتر امینی، انجام فوری انتخابات و آزادی فوری گروهی از دانشجویان و دانش‌آموزان زندانی را خواستار شدند. مأموران انتظامی به‌قصد متفرق ساختن دانشجویان به گاز اشک‌آور متوسل شدند، چون این وسیله مؤثر واقع نشد برای پایان بخشیدن به وضع منقلب موجود قوای انتظامی به داخل دانشگاه وارد شد. در این ماجرا بین تظاهرکنندگان و نیروی انتظامی زدوخورد سختی روی داد که منجر به جرح بیش از دویست تن از دانشجویان و دانش‌آموزان و قتل یک دانش‌آموزو بازداشت ۳۰۰ تن از تظاهرکنندگان گردید و خسارات قابل توجهی به ساختمانها و آزمایشگاه‌ها وارد شد.

به‌دنبال این حادثه، دانشگاه تعطیل شد و تنی چند از شخصیتهای بانفوذ به اتهام فتنه‌انگیزی و تحریکات از طرف دولت بازداشت گردیدند.

تصویبنامه هیأت دولت، انتشاریافته در ۱۶ مهرماه ۱۳٤۰ شمسی مبنی بر تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و حق رأی به زنان، بهانه‌ای به دست مخالفان حکومت و مجریان برنامه‌های اصلاحی دولت داد، مالکان بزرگ و متنفذ که امر اصلاحات ارضی مغایر با قدرت و مصالح آنان بود با حربه مذهب به مخالفت برخاستند و به همراهی تنی چند از پیشوایان مذهبی تصمیم دولت را مبنی بر حق رأی به زنان و تقسیم املاک، دستاویزی برای شروع تظاهرات و اغتشاشات شدید قرار دادند.

سرانجام مشکلات سیاسی ناشی از تعطیل مجلس، تأخیر در امر انتخابات و مسایل اقتصادی بویژه مسأله مشکل تنظیم بودجه و وضع بحرانی مالی کشور و تظاهرات دامنه‌دار که از ناحیه مخالفان به‌ضد دولت صورت می‌گرفت، دکتر امینی را برآن داشت تا استعفای خود را روز سه‌شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳٤۱ شمسی به حضور پادشاه تقدیم دارد و کابینه او ساقط گردد.

* * *

٦٤- امیراسدالله علم

امیر اسدالله علم، به‌تاریخ پنجشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳٤۱ شمسی به‌فرمان محمدرضا شاه مأمور تشکیل دولت گردید. هیأت وزیران جدید روز شنبه ۳۰ تیرماه ۱۳٤۱ برابر با ۱۸ صفر ۱۳۸۲ هجری قمری به‌ترتیب زیر به حضور پادشاه معرفی شدند.

۱- امیراسدالله علم	نخست‌وزیر
۲- عباس آرام	وزیر امور خارجه
۳- تیمسار سپهبد علی‌اصغر نقدی	وزیر جنگ
٤- تیمسار سپهبد صادق امیرعزیزی	وزیر کشور
۵- عبدالحسین بهنیا	وزیر دارایی
٦- دکتر غلامحسین خوشبین	وزیر دادگستری
۷- پرویز ناتل‌خانلری	وزیر فرهنگ
۸- مهندس هوشنگ سمیعی	وزیر پست و تلگراف
۹- مهندس داود رجبی	وزیر راه
۱۰- دکتر غلامحسین جهانشاهی	وزیر بازرگانی
۱۱- دکتر حسن ارسنجانی	وزیر کشاورزی
۱۲- دکتر ابراهیم ریاحی	وزیر بهداری
۱۳- عطاالله خسروانی	وزیر کار
۱٤- دکتر طاهر ضیایی	وزیر صنایع و معادن
۱۵- نصرالله انتظام	وزیر مشاور
۱٦- مسعود فروغی	وزیر مشاور

اشاره شد که مقررات تصویبنامه مورخ ۱۴ مهرماه ۱۳۴۱، مربوط به انجمنهای ایالتی و ولایتی در دولت گذشته مورد اعتراض روحانیان قرار گرفت. بهانه جامعه مذهبی ایران دربارهٔ عدم منع بانوان از شرکت در انتخابات انجمنهای ایالتی و ولایتی بتدریج صورت هم‌آهنگی با مقاصد مخالفت‌آمیز مالکان درباب لایحه اصلاحات ارضی پیدا کرد.

نخست‌وزیر، در برابر فشار و بهانه‌جویی جامعه روحانیت، سیاست خاصی پیش گرفت و با صدور اعلامیه‌ای به‌تاریخ ۱۰ آذرماه ۱۳۴۱ اشعار داشت که: تصمیم نهایی دربارهٔ مفاد لایحه فوق و اجرا گذاردن آن موکول به افتتاح مجلس شورای ملی و تصویب نمایندگان خواهد بود. بدین کیفیت یک مورد اعتراض مخالفت دولت را مسکوت گذارد.

در حکومت دکتر امینی بیان داشتیم که روابط سیاسی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی بر سر مسأله عضویت ایران در پیمان مرکزی سنتو و قرارداد امنیت متقابل ایران و آمریکا بر خلاف عوالم دوستی بود و دستگاه‌های تبلیغاتی آن دولت با انتشار گفتارهایی برضد رژیم حکومت ایران مشوق مخالفان دولت و اخلالگران در داخل کشور می‌شدند.

دولت علم، با ایمان و اعتقاد به ادامهٔ همکاری با سازمانهای منطقه‌ای همچنین سیاست ادامه پیمان دوجانبه ایران و آمریکا، باب مذاکرات را به‌منظور تحکیم مبانی دوستانه بین دو کشور آغاز کرد. نتیجه مذاکرات بین دو دولت و مسافرت وزیر امور خارجه ایران به روسیه، منجر به تسلیم یادداشتی از طرف وزارت امورخارجه ایران به‌تاریخ شنبه ۲۴ شهریورماه ۱۳۴۱ به سفیر دولت شوروی گردید. در یادداشت مذکور دولت ایران متعهد شد که اجازه تأسیس پایگاه‌های مختلف پرتاب موشک را در خاک خود به هیچ دولت خارجی ندهد.

انتشار اعلامیه دولت مبنی بر اجرای قانون اصلاحات ارضی در استان فارس با مخالفت علنی عمده مالکان مواجه گردید و به‌دنبال قتل مأمور اصلاحات ارضی در فیروزآباد فارس به‌وسیلهٔ ایادی مالکان به‌تاریخ آبان‌ماه ۱۳۴۱، مقررات حکومت نظامی از روز چهارشنبه ۲۳ آبان‌ماه در سرتاسر استان فارس برقرار شد و دولت نیروهای نظامی را به فارس اعزام داشت.

در بهمن‌ماه ۱۳٤۱، دولت به تهیه مقدمات تشکیل رفراندوم به‌منظور تصویب لوایح اصلاحی شش‌گانه پیشنهاد محمدرضاشاه پرداخت. مراجعه به آراء عمومی روز ٦ بهمن‌ماه در سراسر کشور آغاز گشت و اکثریت رأی‌دهندگان از برنامه اصلاحی و اقتصادی شاه پشتیبانی نمودند و فرمان شاه مبنی بر اجرای لوایح مذکور به‌تاریخ یکشنبه ۱٤ بهمن‌ماه ۱۳٤۱ منتشر شد.

همزمان با تصمیم دولت درباب مراجعه به آراء عمومی، روحانیان که درنتیجه انقلاب سفید شاه قسمت اعظم نفوذ و قدرت خود را به‌دنبال تقسیم زمینها و املاک وسیع موقوفه اماکن مقدس بین دهقانان از دست می‌دادند، با تحریک و کمک مالکان به‌ضد تصویب لوایح مذکور قیام کردند. روز سه‌شنبه ۲ بهمن‌ماه ۱۳٤۱ جمعیت کثیری از روحانیان و بازاریان و مالکان، اجتماعی در بازار تشکیل دادند و با دادن شعارها و تظاهرات تحریک‌آمیز به‌ضد لایحه اصلاحات ارضی موجبات تشنج و بی‌نظمی را در اطراف بازار فراهم ساختند.

روحانیان به حال اجتماع به سوی منزل آیت‌الله بهبهانی رفتند و از نامبرده خواستند تا املاک موقوفه مشمول قانون اصلاحات ارضی نشود.

نیروی انتظامی به قوه قهریه متوسل شد و اجتماع تظاهرکنندگان را بتدریج پراکنده ساخت، به‌دنبال این ماجرا روز ٤ بهمن‌ماه ۱۳٤۱، جمعی از اعضای برجسته و شخصیتهای مؤثر و متنفذ جبهه ملی و سه تن از روحانیان و نیز تنی چند از دانشجویان دانشگاه تهران را به اتهام تظاهرات مخالفت‌آمیز و اغتشاش به‌ضد دولت در شهر تهران بازداشت کردند.

در جلسه مورخ دوشنبه ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳٤۱ هیأت دولت، نخست‌وزیر پیشنهاد کرد از آنجا که اجرای مواد ششگانه اصلاحی شاه احتیاج به نیروی تازه‌تری دارد لازمست دولت فعلی استعفای خود را تقدیم دارد. پس از استعفای دسته‌جمعی هیأت دولت فرمان ملوکانه دربارهٔ انتصاب مجدد امیراسدالله علم، درضمن قبول استعفای هیأت دولت به‌تاریخ ۲۹ بهمن‌ماه صادر شد، هیأت وزیران روز سه‌شنبه ۳۰ بهمن‌ماه ۱۳٤۱ برابر با ۲٤ رمضان ۱۳۸۲ به‌شرح زیر به حضور پادشاه معرفی شدند.

۱ـ عباس آرام	وزیر امور خارجه
۲ـ دکتر حسن ارسنجانی	وزیر کشاورزی

۳ـ دکتر سیدمهدی پیراسته	وزیر کشور
٤ـ تیمسار سپهبد علی‌اصغر نقدی	وزیر جنگ
۵ـ عبدالحسین بهنیا	وزیر دارایی
٦ـ عطاءالله خسروانی	وزیر کار
۷ـ نصرت‌الله معینیان	وزیر راه
۸ـ دکتر محمد باهری	وزیر دادگستری
۹ـ دکتر پرویز ناتل‌خانلری	وزیر فرهنگ
۱۰ـ دکتر ابراهیم ریاحی	وزیر بهداری
۱۱ـ دکتر علینقی عالیخانی	وزیر بازرگانی و صنایع و معادن
۱۲ـ مهندس هوشنگ سمیعی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۱۳ـ جهانگیر تفضلی	وزیر مشاور
۱٤ـ دکتر غلامحسین خوشبین	وزیر مشاور
۱۵ـ تیمسار سپهبد صادق امیرعزیزی	وزیر مشاور

در اواخر اسفندماه ۱۳٤۱، با اجرای لایحه اصلاحات ارضی، در استان فارس اغتشاش و تظاهراتی مجدد رخ داد. دولت برای رفع شورش و سرکوب مخالفان، نیروی تقویتی به فارس اعزام داشت، سرانجام پس از زدوخورد طولانی بین افراد متجاسر و قوای انتظامی آتش فتنه فرو نشست. مخالفت و تظاهرات پراکنده خیابانی عناصر مخالف، به‌ضد رفرم ارضی و تفویض حقوق سیاسی به زنان و سایر مواد برنامه‌های اصلاحی اقتصادی که از طرف دولت یا در مرحله اجرا یا در دست تهیه بود، کم و بیش همچنان ادامه داشت تا در خردادماه ۱۳٤۲ به‌مناسبت تصادف با ایام سوگواری مذهبی، زمینه نمایشهای مخالفت‌آمیز روحانیان و مالکان بزرگ از هر جهت آماده گردید و تظاهرات مذهبی با رنگ کاملاً سیاسی در پاره‌ای از شهرستانها ازجمله مشهد و قم و به‌دنبال آن در تهران و شیراز به‌صورت شدید شروع شد. توضیح آنکه به‌دنبال سخنرانیهای پیشوایان مذهبی از فراز منابر، تظاهرات گسترده و وسیعی که ضد انقلاب سفید شاه بود، از مشهد به‌تاریخ ۱۰ خردادماه با قتل سرپاسانی که مانع انتشار اعلامیه آیت‌الله خمینی گردید آغاز شد و با توقیف و تبعید آیت‌الله خمینی به تهران دامنه تشنج به شهرستان قم نیز کشیده شد. تظاهرکنندگان در این شهرستان با تعطیل بازار و تشکیل تظاهرات وسیع،

مخالفت نهانی خود را با اقدامات اصلاحی دولت آشکار ساختند. در جریان زدوخورد شدید که بین اجتماع کنندگان و قوای انتظامی درگرفت عده‌ای کشته و تنی چند مجروح شدند.

روز چهارشنبه ۱۵ خردادماه، در سراسر پایتخت و همچنین شیراز به‌دنبال آشوب و بلوای مشهد و قم، وضع کاملاً غیرعادی شروع شد و جمعیت انبوهی در خیابانها دست به تظاهرات وسیع زدند و بازار را تعطیل کردند. تظاهرکنندگان پاره‌ای از مؤسسات دولتی و اتومبیلها را آتش زدند.

سعی قوای انتظامی به‌طریق مسالمت‌آمیز در پراکنده ساختن جنبش کنندگان مفید واقع نگردید. سرانجام در برابر مقاومت و سرسختی شدید آنها، با توسل به قوه قهریه از طرف نیروهای ارتشی هیجان و تظاهرات مذکور در نواحی مختلف با مقتول و مجروح شدن تعداد بسیاری تقلیل یافت و دولت با اعلام حکومت نظامی و استقرار تعداد زیادی تانک در خیابانهای مختلف تهران، بتدریج آرامش نسبی را برقرار ساخت و به‌دنبال این شورشها که بیگمان ناشی از تدابیر عمده مالکان و پیشوایان دینی بود، دولت به‌دستگیری تنی چند از روحانیان پرداخت و نیز عده زیادی از محرکان و اخلالگران سیاسی بازداشت و به دادگاه نظامی تسلیم شدند. چندتن از آنها پس از محکومیت در آبان‌ماه ۱۳٤۲ شمسی اعدام گردیدند.

انتخابات بیست و یکمین دوره قانونگذاری و چهارمین دوره مجلس سنا، براساس قانون جدید انتخابات به‌تاریخ ۲٦ شهریورماه ۱۳٤۲ در ۱٤ مهرماه برابر با ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۸۳ هجری قمری مهرماه ٤۲ هر دو مجلس افتتاح شد. (پس از دو سال و چند ماه فترت) در سراسر کشور آغاز گردید. هیأت دولت روز ۲۹ مهرماه، پس از آمادگی دو مجلس به‌کار، به‌موجب سنت پارلمانی استعفا داد ولی اسدالله علم مجدداً مأمور تشکیل هیأت دولت گردید و وزیران جدید را به‌تاریخ ۳۰ مهرماه به‌شرح زیر به حضور شاه و سپس به مجلس شورای ملی و روز اول آبان‌ماه ۱۳٤۲ به مجلس سنا معرفی کرد. مجلس پس از طرح برنامه دولت و مذاکرات لازم، روز یکشنبه ۵ آبان‌ماه ۱۳٤۲،به برنامه دولت را با اکثریت ۱۸۱ رأی از ۱۸۳ رأی حاضر در جلسه تصویب کرد.

۱ـ اسدالله علم نخست‌وزیر

۲ـ عباس آرام	وزیر امور خارجه
۳ـ مهندس هوشنگ سمیعی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
٤ـ دکتر ابراهیم ریاحی	وزیر بهداری
۵ـ دکتر غلامحسین خوشبین	وزیر مشاور
٦ـ دکتر پرویز ناتل‌خانلری	وزیر فرهنگ
۷ـ سیدمهدی پیراسته	وزیر کشور
۸ـ نصرت‌الله معینیان	وزیر مشاور و سرپرست انتشارات و رادیو
۹ـ دکتر علینقی عالیخانی	وزیر اقتصاد
۱۰ـ تیمسار سپهبد اسماعیل ریاحی	وزیر کشاورزی
۱۱ـ مهندس حسن شالچیان	وزیر راه
۱۲ـ تیمسار سپهبد اسدالله صنیعی	کفیل وزارت جنگ
۱۳ـ دکتر محمد باهری	وزیر دادگستری
۱٤ـ غلامرضا برزگر	مسئول وزارت دارایی

با اعلام آمادگی دو مجلس و معرفی اعضای جدید دولت، مقررات حکومت نظامی تهران که مدت چهار ماه و نیم ادامه داشت ملغی گردید.

دولت علم به‌تاریخ ۱۷ اسفندماه ۱۳٤۲ مستعفی گردید.

* * *

٦۵- حسنعلی منصور

پس از سقوط کابینه علم، حسنعلی منصور لیدر حزب ایران نوین از طرف پادشاه مأمور تشکیل هیأت وزیران گردید. و اولین هیأت وزیران حزبی را در تاریخ ۱۷ اسفندماه ۱۳٤۲ به‌ترتیب زیر به حضور شاه، و روز یکشنبه ۱۸ اسفندماه ۱۳٤۲ برابر با ۲۳ شوال ۱۳۸۳ به مجلس شورای ملی، و ۱۹ اسفندماه به مجلس سنا معرفی کرد.

پس از قرائت برنامه دولت، آن را تسلیم مجلس نمود. برنامهٔ هیأت وزیران روز دوشنبه ۱۹ اسفندماه در مجلس مطرح و پس از اخذ رأی که متضمن ابراز اعتماد به دولت حزبی منصور بود، با اکثریت آراء به تصویب رسید.

۱ـ حسنعلی منصور	نخست‌وزیر
۲ـ دکتر جمشید آموزگار	وزیر بهداری
۳ـ عطاءالله خسروانی	وزیر کار و خدمات اجتماعی
٤ـ نصرت‌الله معینیان	وزیر اطلاعات
۵ـ تیمسار سپهبد اسمعیل ریاحی	وزیر کشاورزی
٦ـ دکتر علینقی عالیخانی	وزیر اقتصاد
۷ـ تیمسار سپهبد اسدالله صنیعی	وزیر جنگ
۸ـ دکتر جواد صدر	وزیر کشور
۹ـ دکتر باقر عاملی	وزیر دادگستری
۱۰ـ دکتر فرهنگ شفیعی	وزیر پست و تلگراف
۱۱ـ امیرعباس هویدا	وزیر دارایی
۱۲ـ دکتر عبدالعلی جهانشاهی	وزیر فرهنگ
۱۳ـ دکتر هوشنگ نهاوندی	وزیر آبادانی و مسکن
١٤ـ دکتر محمود کشفیان	وزیر راه
۱۵ـ مهندس منصور روحانی	وزیر آب و برق
١٦ـ دکتر محمد نصیری	وزیر مشاور
۱۷ـ دکتر منوچهر گودرزی	وزیر مشاور و دبیرکل شورای عالی اداری
۱۸ـ دکتر هادی هدایتی	وزیر مشاور[۹۱]

۹۱ـ کابینه منصور به‌تاریخ ۱۵ آذرماه ۱۳٤۳ به‌شرح زیر ترمیم شد:
با جدا شدن اداره کل هنرهای زیبا از وزارت فرهنگ و تبدیل این وزارتخانه به دو وزارتخانه فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش دکتر هادی هدایتی به‌سمت وزیر آموزش و پرورش و دکتر جهانشاهی به‌سمت وزیر مشاور انتخاب شدند. مهندس حسن شالچیان به‌جای دکتر محمود کشفیان به‌سمت وزیر راه منصوب شد و دکتر محمود کشفیان و دکتر ناصر یگانه به‌سمت وزیر مشاور تعیین شدند.
پس از استعفای شفیعی به‌تاریخ ۳ آبان‌ماه، مهندس فتح‌الله ستوده به‌تاریخ ۹ آبان‌ماه ۱۳٤۳ به‌سمت وزیر پست و تلگراف معرفی گردید.

کنفرانس جهانی «کافه آ» اطاق بازرگانی بین‌المللی و سمینار بانکداران آسیایی به‌منظور توسعه تجارت و سرمایه گذاری و امور بانکی کشورهای آسیا و خاوردور با شرکت نمایندگان سی کشور به‌تاریخ ۲٤ فروردین‌ماه ۱۳٤۳ در تهران گشایش یافت، مذاکرات این کنفرانس مدت پنج روز ادامه داشت.

به‌دنبال مذاکرات وزیران امور خارجه سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه جهت تأمین و برقراری همکاری منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف امور اقتصادی و فرهنگی و جز اینها به‌تاریخ ۱۲ تیرماه ۱۳٤۳، کنفرانس عالی رهبران سه کشور روز ۳۰ تیرماه در استانبول تشکیل گردید و روز ۳۱ تیرماه اعلامیه پایان مذاکرات انتشار یافت.

همچنانکه از پیش بیان داشتیم، حوادث بین‌المللی و اتخاد سیاست خارجی دولتهای اخیر ازجمله افزایش مستشاران آمریکایی در ایران و گسترش روابط ایران با دولت اسراییل، مسأله اعطای مصونیت قضایی به نظامیان آمریکایی و به بیانی دیگر برقراری مجدد کاپیتولاسیون، ازجمله مسایل و مشکلات مورد بحث دولتهای گذشته بود.

تا سرانجام امیراسدالله علم متن قرارداد مصونیت قضایی را در هیأت وزیران به تصویب رساند و تحت عنوان ضمیمه لایحه پیوستن ایران به «قرارداد وین» به مجلس سنا ارسال داشت.

در دولت حسنعلی منصور، این لایحه در خردادماه ۱۳٤۳ شمسی ابتدا در مجلس سنا به تصویب رسید و سپس در مجلس شورای ملی در جلسهٔ فوق‌العاده – خردادماه ۱۳٤۳ با قید فوریت به آن رأی گرفته شد و با ۷٤ رأی موافق و ٦۳ رأی مخالف به تصویب رسید.

مخالفان مذهبی و ملی ایران در برابر این سیاست دولت واکنش نشان دادند و مخالفت آشکار خود را در روز ٤ آبان‌ماه ۱۳٤۳ با انتشار اعلامیه‌ای از طرف رهبر مذهبی مخالف دولت آشکار ساختند.

نخست‌وزیر در جلسه ۹ آبان‌ماه ۱۳٤۳ به دفاع از تصویب لایحهٔ مذکور پرداخت، و برای جلوگیری از اشاعه نارضایتی و تشنج، در شب ۱۳ خردادماه، آیت‌الله خمینی را دستگیر و به ترکیه و بعد به عراق تبعید کردند و ضمن اعلامیه‌ای بدین مضمون (طبق اطلاع موثق و شواهد و دلایل کافی، چون رویهٔ آقای خمینی و تحریکات

مشارالیه برعلیه منافع ملت و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی کشور، تشخیص داده شد لذا در تاریخ ۱۳ آبان‌ماه ۱۳٤۳، از ایران تبعید گردید.

در آذرماه ۱۳٤۳، به‌دنبال سیاستهای مالیاتی دولت و افزایش بهای بنزین و نفت، کلیهٔ رانندگان تاکسی تهران واکنش اعتراض‌آمیز خود را به‌صورت اعتصاب همگانی نشان دادند، این اعتصابها مدت چند روز ادامه داشت و همزمان با آن، تظاهرات دانشجویان و نشر اعلامیه‌هایی از طرف نهضت آزادی، جبهه ملی، حزب زحمتکشان و جامعه سوسیالیستهای خلیل ملکی نیز آغاز شد.

سرانجام دولت با اخذ تصمیمهای مقتضی به اعتصاب رانندگان و تظاهرات اعتراض‌آمیز دیگر خاتمه داد.

دولت منصور نیز با بحران تب نفت روبرو شد. تغییر در شرایط قرارداد نفت ۱۳۳۳ شمسی و مزایده قسمتی از نفت نواحی جنوب ایران مورد مذاکره دولت قرار گرفت.

بزرگترین مزایده نفتی جهان مربوط به بخش یک نفتی ایران در آبهای خلیج فارس در آذرماه ٤۳ پایان یافت و به شرکتهای برنده نفتی اعلام شد تا برای عقد قرارداد لازم از تاریخ ۹ دی‌ماه با شرکت ملی نفت ایران وارد مذاکره شوند.

حسنعلی منصور نخست‌وزیر، در پنجشنبه اول بهمن‌ماه ٤۳ درحالی‌که عازم حضور در مجلس شورای ملی بود، در مقابل در ورودی مجلس مورد اصابت گلوله جوانی به نام محمد بخارایی وابسته به گروه سیاسی مذهبی مخالف دولت قرار گرفت. این سوءقصد به فوت منصور و سقوط کابینه وی در تاریخ ٦ بهمن‌ماه ۱۳٤۳ منجر گردید.

* * *

٦٦- امیرعباس هویدا

با عملی شدن نقشه ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر، توسط گروه مذهبی مخالف دولت، امیرعباس هویدا وزیر دارایی کابینه منصور، به‌سمت نخست‌وزیری برگزیده شد. هویدا درطی مدت ۱۲ سال و هفت ماه و سیزده روز حکومت، چهار کابینه به شرح زیر تشکیل داد.

اولین هیأت وزیران در تاریخ هفتم بهمن‌ماه ۱۳٤۳ شمسی به حضور پادشاه، و

روز ۱۱ بهمن‌ماه برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۸٤ هجری قمری (۳۱ ژانویه ۱۹٦۵ میلادی) به مجلس شورای ملی معرفی کرد. که اعضای این هیأت مرکب از شخصیتهای زیر بوده‌اند.

۱- عباس آرام	وزیر امور خارجه
۲- دکتر جمشید آموزگار	وزیر بهداری
۳- عطاءالله خسروانی	وزیر کار و امور اجتماعی
٤- دکتر علینقی عالیخانی	وزیر اقتصاد
۵- تیمسار سپهبد اسماعیل ریاحی	وزیر کشاورزی
٦- مهندس حسن شالچیان	وزیر راه
۷- تیمسار سپهبد اسدالله صنیعی	وزیر جنگ
۸- دکتر منوچهر گودرزی	وزیر مشاور و دبیرکل شورایعالی اقتصاد
۹- دکتر جواد صدر	وزیر کشور
۱۰- دکتر باقر عاملی	وزیر دادگستری
۱۱- دکتر محمود کشفیان	وزیر مشاور
۱۲- دکتر محمد نصیری	وزیر مشاور
۱۳- دکتر ناصر یگانه	وزیر مشاور
۱٤- دکتر عبدالعلی جهانشاهی	وزیر مشاور
۱۵- دکتر هوشنگ نهاوندی	وزیر آبادانی و مسکن
۱٦- مهندس منصور روحانی	وزیر آب و برق
۱۷- دکتر هادی هدایتی	وزیر آموزش و پرورش
۱۸- مهرداد پهلبد	وزیر فرهنگ و هنر
۱۹- مهندس فتح‌الله ستوده	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۲۰- تیمسار سرلشکر حسن پاکروان	وزیر اطلاعات
۲۱- جواد منصور	وزیر مشاور

اولین کابینه هویدا در تاریخهای مختلف زیر و در چند نوبت ترمیم یافت. ازجمله:

در تاریخ ۱٤ اردیبهشت‌ماه ۱۳٤٤، دکتر منوچهر شاهقلی به وزارت بهداری منصوب شد. و در تاریخ ٤ خردادماه ۱۳٤٤، دکتر جمشید آموزگار به سمت وزیر دارایی برگزیده شد.

در تاریخ ۲۰ تیرماه ۱۳٤٤، مهندس عبدالرضا انصاری به وزارت کشور و دکتر غلامرضا نیک‌پی معاون نخست‌وزیر به‌سمت وزیر مشاور، هوشنگ انصاری به وزارت اطلاعات انتخاب گردیدند، دکتر جواد صدر از وزارت کشور به وزارت دادگستری تغییر سمت داد.

اعضای جدید دولت در جلسهٔ ۲۳ تیرماه ۱۳٤٤ شمسی به مجلس شورای ملی معرفی شدند. در تاریخ ۲۹ دی‌ماه ۱۳٤۵ شمسی، مهندس اردشیر زاهدی به‌سمت وزیر امور خارجه منصوب شد. و در تاریخ ٤ خردادماه ۱۳٤٦، جواد منصور وزیر مشاور به وزارت اطلاعات و دکتر عبدالمجید مجیدی به معاونت نخست‌وزیر و رئیس دفتر بودجه و برنامه‌ریزی معرفی شدند.

* * *

با افتتاح بیست و دومین دوره مجلس شورای ملی، و پنجمین دوره مجلس سنا، بنا به سنن پارلمانی، امیرعباس هویدا استعفاء دولت را تقدیم داشت. ولی مجدداً از طرف محمدرضاشاه مأمور تشکیل هیأت وزیران گردید. نامبرده دومین هیأت دولت خود را در تاریخ چهارشنبه ۲٦ مهرماه ۱۳٤٦ شمسی به حضور پادشاه، و روز پنجشنبه ۲۷ مهرماه برابر با ۱٤ رجب ۱۳۸۷ هجری قمری (۱۹ اکتبر ۱۹٦۷ میلادی) به شرح زیر به مجلس شورای ملی معرفی کرد. و مجلس در جلسهٔ ۳۰ مهرماه ۱۳٤٦ به دولت رأی اعتماد داد.

۱ـ دکتر جمشید آموزگار	وزیر دارایی
۲ـ مهندس اردشیر زاهدی	وزیر امور خارجه
۳ـ مهندس عبدالله انصاری	وزیر کشور
٤ـ عطاءالله خسروانی	وزیر کار و امور اجتماعی
۵ـ دکتر علینقی عالیخانی	وزیر اقتصاد
٦ـ سپهبد اسدالله صنیعی	وزیر جنگ
۷ـ مهرداد پهلبد	وزیر فرهنگ و هنر

۸ـ دکتر منوچهر گودرزی	وزیر مشاور و دبیر کل امور اداری و استخدامی کشور
۹ـ مهندس حسن شالچیان	وزیر راه
۱۰ـ دکتر جواد صدر	وزیر دادگستری
۱۱ـ دکتر محمد نصیری	وزیر مشاور
۱۲ـ دکتر محمود کشفیان	وزیر مشاور
۱۳ـ دکتر غلامرضا نیک‌پی	وزیر مشاور و معاون اجرایی نخست‌وزیر
۱۴ـ مهندس منصور روحانی	وزیر آب و برق
۱۵ـ دکتر هوشنگ نهاوندی	وزیر آبادانی و مسکن
۱۶ـ دکتر هادی هدایتی	وزیر آموزش و پرورش
۱۷ـ مهندس فتح‌الله ستوده	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۱۸ـ جواد منصور	وزیر اطلاعات
۱۹ـ دکتر منوچهر شاهقلی	وزیر بهداری
۲۰ـ دکتر مجید رهنما	وزیر علوم و تحقیقات علمی و تعلیمات عالیه
۲۱ـ دکتر عبدالمجید مجیدی	وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی
۲۲ـ دکتر حسن زاهدی	وزیر کشاورزی
۲۳ـ مهندس ناصر گلسرخی	وزیر منابع طبیعی
۲۴ـ دکتر ناصر یگانه	وزیر مشاور
۲۵ـ دکتر عبدالعظیم ولیان	وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستایی

در دومین هیأت وزیران هویدا از سال ۱۳٤۷ شمسی به‌بعد ترمیمهایی بدین‌شرح روی داده است:

در تاریخ ۲۲ آبان‌ماه ۱۳٤۷ شمسی، دکتر هادی هدایتی وزیر آموزش و پرورش به‌عنوان وزیر مشاور.

در تاریخ یکشنبه ۳ آذرماه ۱۳۴۷ شمسی، نخست‌وزیر، اعضای جدید دولت را به شرح زیر به حضور پادشاه و سپس به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱ـ مهندس صفی اصفیا	وزیر مشاور و نایب نخست‌وزیر در امور عمرانی و اقتصادی
۲ـ عطاءالله خسروانی	وزیر کشور
۳ـ دکتر عبدالمجید مجیدی	وزیر کار و امور اجتماعی
٤ـ منوچهر پرتو	وزیر دادگستری
۵ـ دکتر منوچهر گودرزی	وزیر تولیدات کشاورزی
٦ـ دکتر حسین کاظم‌زاده	وزیر مشاور و دبیرکل سازمان امور اداری و استخدامی کشور
۷ـ مهندس مهدی سمیعی	وزیرمشاور و مدیرعامل سازمان برنامه

در سال ۱۳٤۸ شمسی، نخست‌وزیر تغییراتی به شرح زیر در کابینه داد (در تاریخ پنجشنبه ۲۳ مردادماه ۱۳٤۸)

۱ـ دکتر حسن زاهدی	به‌سمت وزیر کشور
۲ـ دکتر ایرج وحیدی	به‌سمت وزیر کشاورزی
۳ـ دکتر محمد یگانه	به‌سمت وزیر آبادانی و مسکن

در تاریخ ۷ تیرماه ۱۳٤۹، وزیر آبادانی و مسکن تغییر یافت و آقای کورس آموزگار متصدی وزارت آبادانی و مسکن گردید.

چهارشنبه ۱۷ دی‌ماه ۱۳٤۹ شمسی امیرعباس هویدا تغییرات زیر را در هیأت وزیران به‌عمل آورد.

۱ـ تیمسار ارتشبد رضا عظیمی	به‌سمت وزیر جنگ
۲ـ سپهبد اسدالله صنیعی	وزیر جنگ سابق به‌سمت وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی
۳ـ دکتر منوچهر گودرزی	وزیر تولیدات سابق ـ به‌سمت وزیر مشاور

یک‌ماه پس از این ترمیم، دکتر حسین کاظم‌زاده به‌سمت وزیر علوم و آموزش

عالی در تاریخ بهمن‌ماه ۱۳٤۹ به مجلس شورای ملی معرفی شد.

سال ۱۳۵۰ شمسی نیز در هیأت وزیران تغییراتی داده شد. ازجمله دکتر عبدالعظیم ولیان به سمت وزیر تعاون و امور روستاها (۱٤ فروردین‌ماه ۱۳۵۰)

دکتر محمد سام به‌سمت وزیر اطلاعات در تاریخ ۲۹ فروردین‌ماه، به حضور پادشاه معرفی شد و در ۲۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۰، محمود قوام‌صدری با سمت وزیر مشاور و معاون پارلمانی به عضویت هیأت وزیران برگزیده شد.

* * *

پس از رسمیت یافتن بیست و سومین دورهٔ مجلس شورای ملی، طبق سنن پارلمانی، دولت استعفای خود را تقدیم داشت. ولی در روز ۲۱ شهریورماه امیرعباس هویدا مجدداً از طرف پادشاه مأمور تشکیل دولت گردید.

نخست‌وزیر، سومین هیأت وزیران را روز دوشنبه ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۰ شمسی به‌شرح زیر به حضور پادشاه معرفی کرد و روز یکشنبه ۲۸ شهریورماه به مجلس شورای ملی.

۱ـ دکتر جمشید آموزگار	وزیر دارایی
۲ـ عباسعلی خلعتبری	وزیر امور خارجه
۳ـ مهرداد پهلبد	وزیر فرهنگ و هنر
٤ـ مهندس حسن شالچیان	وزیر راه
۵ـ دکتر محمود کشفیان	وزیر مشاور
٦ـ دکتر هادی هدایتی	وزیر مشاور
۷ـ محمود قوام‌صدری	وزیر مشاور
۸ـ دکتر منوچهر کلالی	وزیر مشاور
۹ـ مهندس مهدی سمیعی	وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه
۱۰ـ مهندس منصور روحانی	وزیر کشاورزی و سرپرست وزارت منابع طبیعی
۱۱ـ مهندس فتح‌الله ستوده	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۱۲ـ دکتر منوچهر شاهقلی	وزیر بهداری
۱۳ـ دکتر هوشنگ انصاری	وزیر اقتصاد و دارایی

۱۴ـ مهندس صفی اصفیا	وزیر مشاور
۱۵ـ دکتر عبدالمجید مجیدی	وزیر کار و امور اجتماعی
۱۶ـ دکتر عبدالعظیم ولیان	وزیر تعاون و امور روستاها
۱۷ـ دکتر فرخ‌رو پارسا	وزیر آموزش و پرورش
۱۸ـ دکتر حسین کاظم‌زاده	وزیر علوم و آموزش عالی
۱۹ـ دکتر ایرج وحیدی	وزیر آب و برق
۲۰ـ دکتر سیروش آموزگار	وزیر آبادانی و مسکن
۲۱ـ ارتشبد رضا عظیمی	وزیر جنگ
۲۲ـ دکتر محمد سام	وزیر کشور
۲۳ـ صادق احمدی	وزیر دادگستری
۲۴ـ دکتر حمید رهنما	وزیر اطلاعات

سومین دولت امیرعباس هویدا، در سال ۱۳۵۱ شمسی، با تغییر عبدالمجید مجیدی به‌سمت وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه، و امیرقاسم معینی به‌سمت وزیر کار و امور اجتماعی ترمیم یافت.

و در سال ۱۳۵۲ نیز تغییرات زیر در هیأت وزیران صورت گرفت (۷ شهریورماه ۱۳۵۲) پرفسور انوشیروان پویان به‌سمت وزیر بهداری منصوب شد و دکتر شاهقلی به وزارت علوم و آموزش عالی تغییر سمت یافتند. و مهندس جواد شهرستانی به‌سمت وزیر راه به هیأت وزیران راه یافت.

نخست‌وزیر، تغییرات عمده‌ای در ترکیب هیأت وزیران در سال ۱۳۵۳ داد. ازجمله با کنار گذاشتن وزیران باسابقه، همچون مهندس فتح‌الله ستوده وزیر پست و تلگراف، عبدالعظیم ولیان وزیر تعاون و امور روستاها، حمید رهنما وزیر اطلاعات، کورس آموزگار وزیر آبادانی و مسکن، دکتر منوچهر شاهقلی وزیر علوم و آموزش عالی، دکتر فرخ‌رو پارسا وزیر آموزش و پرورش.

به‌جای وزیران برکنار شده در فوق، روز ۷ شهریورماه ۱۳۵۳، شخصیتهای ذیل به‌سمت‌های زیر برگزیده شدند:

۱ـ دکتر جمشید آموزگار	وزیر کشور
۲ـ مهندس محمدرضا صدفیانی	وزیر تعاون و امور روستاها

۳- غلامرضا کیانپور	وزیر اطلاعات و جهانگردی
٤- همایون جابرانصاری	وزیر مسکن و شهرسازی
۵- دکتر کریم معتمدی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
٦- دکتر فریدون مهدوی	وزیر بازرگانی
۷- مهندس فرخ نجم‌آبادی	وزیر صنایع و معادن
۸- دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام‌زاده	وزیر رفاه اجتماعی
۹- دکتر احمدهوشنگ شریفی	وزیر آموزش و پرورش
۱۰- دکتر عبدالحسین سمیعی	وزیر علوم و آموزش عالی
۱۱- دکتر عزت‌الله یزدانپناه	وزیر مشاور و معاون پارلمانی

* * *

با آغاز بیست و چهارمین دورهٔ مجلس شورای ملی، و رسمیت یافتن آن در تاریخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۵٤ شمسی، امیرعباس هویدا، طبق سنت پارلمانی استعفای هیأت دولت را تقدیم داشت و پس از انتصاب مجدد به نخست‌وزیری، چهارمین هیأت وزیران خود را روز دوشنبه ۳۱ شهریورماه ۱۳۵٤ شمسی به حضور شاه معرفی کرد. و روز سه‌شنبه اول مهرماه ۱۳۵٤، اعضای دولت به شرح ذیل به مجلس شورای ملی معرفی شدند.

۱- دکتر جمشید آموزگار	وزیر کشور
۲- دکتر عباسعلی خلعتبری	وزیر امور خارجه
۳- مهرداد پهلبد	وزیر فرهنگ و هنر
٤- ارتشبد رضا عظیمی	وزیر جنگ
۵- دکتر هوشنگ انصاری	وزیر امور اقتصادی و دارایی
٦- مهندس منصور روحانی	وزیر کشاورزی و منابع طبیعی
۷- دکتر فریدون مهدوی	وزیر بازرگانی
۸- ایرج وحیدی	وزیر نیرو
۹- صادق احمدی	وزیر دادگستری
۱۰- دکتر انوشیروان پویان	وزیر بهداری
۱۱- دکتر احمدهوشنگ شریفی	وزیر آموزش و پرورش

۱۲- مهندس امیرقاسم معینی وزیر کار و امور اجتماعی
۱۳- دکتر عبدالحسین سمیعی وزیر علوم و آموزش عالی
۱٤- مهندس فرخ نجم‌آبادی وزیر صنایع و معادن
۱۵- مهندس جواد شهرستانی وزیر راه و ترابری
۱٦- دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام‌زاده وزیر رفاه اجتماعی
۱۷- دکتر غلامرضا کیانپور وزیر اطلاعات و جهانگردی
۱۸- مهندس همایون جابرانصاری وزیر مسکن و شهرسازی
۱۹- مهندس رضا صدقیانی وزیر تعاون و امور روستاها
۲۰- دکتر کریم معتمدی وزیر پست و تلگراف و تلفن
۲۱- دکتر ضیاءالدین شادمان وزیر مشاور و معاون پارلمانی
۲۲- دکتر عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
۲۳- دکتر هادی هدایتی وزیر مشاور
۲٤- مهندس صفی اصفیا وزیر مشاور

هیأت وزیران در تواریخ زیر ترمیمهایی پیدا کرد.

روز پنجشنبه ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۵، با شرکت دادن چهار عضو جدید تغییرات زیر در دولت حاصل شد:

۱- دکتر غلامرضا کیانپور وزیر اطلاعات، به‌سمت وزیر دادگستری
۲- دکتر منوچهر گنجی وزیر آموزش و پرورش
۳- دکتر ابراهیم فرح‌بخشیان وزیر راه و ترابری
٤- دکتر منوچهر آزمون وزیر کار و امور اجتماعی
۵- کریم‌پاشا بهادری وزیر اطلاعات و جهانگردی
٦- مهندس قاسم امیرمعینی وزیر کار و امور اجتماعی، به‌سمت وزیر کشور

امیرعباس هویدا، روز شنبه ۷ اسفندماه ۱۳۵۵، دکتر قاسم معتمدی را به‌عنوان وزیر علوم و آموزش عالی، پرویز حکمت را به‌عنوان وزیر نیرو به‌حضور پادشاه معرفی

کرد.

دوران طولانی نخست‌وزیری امیرعباس هویدا، همچون دوران ریاست وزرایی مخبرالسلطنه هدایت در حکومت رضاشاه، دورهٔ ثبات و سکون سیاسی و سلطهٔ مطلقه شاه بر کشور می‌توان بشمار آورد. به‌ویژه که سیاست بین‌المللی معاصر زمامداری نامبرده مانع پرداختن دولتها به مسایل داخلی کشور و اصلاح و پیشرفت و گسترش فعالیت دولت در زمینه‌های مختلف نبوده است.

افزایش درآمد دولت از طریق سیر صعودی قیمت نفت از سویی، و زمان لازم و کافی که دولت هویدا نسبت به دولتهای پیشین در اختیار داشت، اجرای برنامه‌های زیربنایی اقتصادی و امکان برداشت گامهای مؤثر در اعتلا و ترقی کشور در زمینه‌های مختلف را می‌توانست دربر داشته باشد که بحث در این زمینه از برنامه پژوهشی حاضر خارج می‌باشد. ما به شیوه دولتهای پیشین و به‌اختصار، اشاره به اهم وقایع و حوادث مقارن دوران ریاست وزرایی هویدا را بر چهار کابینه، اکتفا می‌کنیم.

مسأله جانشینی مقام سلطنت، در مردادماه سال ۱۳۴۶ دولت را برآن داشت تا همزمان با انتخابات دو مجلس شورای ملی و سنا، دولت به انتخاب نمایندگانی برای تشکیل مجلس مؤسساان بپردازد. اولین نشست مجلس مؤسسان در روز اول مهرماه ۱۳۴۶ شمسی به ریاست مهندس شریف‌امامی و با حضور نخست‌وزیر به‌منظور رسیدگی و اصلاح اصول سه‌گانه ۳۴ و ۴۱ و ۴۲ متمم قانون اساسی تشکیل گردید. و در پایان آخرین نشست، در جلسه مورخ ۲۰ مهرماه ۱۳۴۶ شمسی مقرر شد، چنانچه هنگام انتقال سلطنت، ولیعهد به سن ۲۰ سالگی تمام خورشیدی نرسیده باشد، شهبانو، مادر ولیعهد نیابت سلطنت را به‌عهده گیرد.

در تاریخ چهارم آبان‌ماه ۱۳۴۶ شمسی، مراسم تاجگذاری محمدرضاشاه و شهبانو فرح در کاخ گلستان با حضور رجال داخلی و شخصیتهای خارجی برگزار گردید.

نمایندگان حزب اقلیت پان ایرانیست، بر سر مسأله بحرین و اقداماتی که از طریق سازمان ملل متحد در مورد بحرین به‌عمل آمده بود، در جلسهٔ مورخ ۹ فروردین‌ماه ۱۳۴۹ برای اولین‌مرتبه دولت هویدا را استیضاح کردند. نخست‌وزیر روز سه‌شنبه اول اردیبهشت‌ماه ۱۳۴۹ شمسی، برای پاسخ به استیضاح در مجلس حضور یافت و

استیضاح نمایندگان پان ایرانیست را ضمن سخنرانی مبسوطی، مبارزه منفی با سیاست مستقل ملی ایران تلقی کرد و پس از بحث مشروح در این زمینه از رئیس مجلس برای دولت تقاضای رأی اعتماد کرد.

قبل از شروع اخذ رأی، رئیس فراکسیون پارلمانی حزب مردم (هلاکو رامبد)، سیاست نمایندگان حزب مردم را اعلام کرد و اظهار داشت: «ما از دولت در مقابل دولت خارجی همیشه حمایت می‌کردیم، در این مورد هم، ضمن تایید نظراتی که قبلاً اعلام نمودیم، به دولت در مورد مسأله بحرین رأی اعتماد می‌دهیم.» رئیس فراکسیون پارلمانی حزب اکثریت ایران نوین نیز در این باب، نظر نمایندگان اکثریت را اعلام نمود.

پس از اعلام نظر دو حزب مذکور، اخذ رأی به‌عمل آمد و دولت با ۱۹۹ رأی موافق و ٤ رأی مخالف مورد تایید مجلس شورای ملی قرار گرفت.

جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در سال ۱۳۵۰ شمسی با حضور سران کشورهای خارجی در تخت‌جمشید برگزار شد. این جشن نیز همچون جشن تاجگذاری، با صرف هزینه بسیار، درحالی‌که اکثریت مردم کشور، با درآمد سرانه بسیار پایین و در سطح فقر زندگی می‌کردند برگزار گردید. صرف درآمد مملکت برای برپایی چنین جشنهای پرخرج، نه‌تنها شگفتی و انتقاد مقامات خارجی را برانگیخت، بلکه زمینهٔ نارضایی و جنبشهای مخالفت‌آمیز توده‌های مختلف مردم را به‌تدریج به‌صورت نهان و آشکار فراهم ساخت.

با خروج سربازان انگلیسی از خلیج فارس در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱ میلادی)، سه جزیره: تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی در تنگه هرمز بدون مقاومت شیخ‌نشینهای خلیج فارس، توسط نیروهای نظامی ایران اشغال و به تصرف درآمد.

اقدام ایران در این جابجایی قدرت در خلیج فارس، دولت عراق را که خواهان جانشینی قدرت انگلیس و ژاندارمی خلیج فارس بود، برانگیخت و به‌منظور ایجاد دردسر برای دولت ایران، در داخل خاک عراق به آزار شیعیان و ایرانیان مقیم آن کشور پرداخت. حاصل این چنین سیاستی از طرف دولت عراق، مهاجرت شیعیان و ایرانیان مقیم عراق به طرف مرزهای ایران و مشکل مسأله معاودین عراقی را در ایران همراه داشت.

در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۱ شمسی، محمدرضا شاه در نطقی که به‌مناسبت سالگرد انقلاب سفید ایراد کرد، تغییر خط مشی دولت ایران را در مورد صنعت نفت با عنوان «اعمال مالکیت کامل ایران بر تأسیسات و صنایع نفت.» بیان کرد. این تغییر سیاست دولت حکایت از تجدید نظر در روابط ایران با کنسرسیوم نفت و محدود ساختن نقش کنسرسیوم در استخراج نفت کشور می‌کرد. این مسأله و به‌دنبال آن نقشی که پادشاه در افزایش قیمت نفت در اوپک ایفا کرد، واکنشهای منفی دول غربی و نارضایی سایر کشورهای طرف معامله نفت را درپی داشت.

در اسفندماه سال ۱۳۵۳ شمسی، به‌دنبال تصمیم برقراری نظام تک حزبی در ایران، محمدرضاشاه با اعلام انحلال احزاب و گروه‌های سیاسی مختلف: ازجمله دو حزب ایران نوین و مردم و حزب پان ایرانیست که درواقع از آنها با عنوان احزاب دولتی باید یاد کرد، حزب رستاخیز را با دو جناح مترقی به رهبری جمشید آموزگار و جناح پیشرو به‌رهبری هوشنگ انصاری بنیاد نهاد.

اصول این حزب بر سه اصل: ۱ـ وفاداری به نظام شاهشناهی ۲ـ قانون اساسی ۳ـ انقلاب شاه و ملت، استوار بود. و امیرعباس هویدا نخست‌وزیر، با عنوان دبیرکل حزب واحد رستاخیز در رأس دو جناح حزب قرار گرفت.

سیاست نظام تک حزبی در انتخابات دورهٔ بیست و چهارم قانونگذاری بی‌تأثیر نبود، و در عمل به محدودیت رقابت بین کاندیداها منجر گردید. و نامزدشدگان حزب رستاخیز در انتخابات حق شرکت داشتند. افراد غیرحزبی از فعالیت انتخاباتی برخلاف موازین و مواد قانون اساسی محروم گردیدند.

در اسفندماه ۱۳۵۳ شمسی (مارس ۱۹۷۵ میلادی) محمدرضاشاه برای شرکت در کنفرانس سران کشورهای عضو اوپک عازم الجزایر شد. در حاشیه مذاکرات کنفرانس نفت که نتیجه آن روشنگر همبستگی کشورهای صادرکننده نفت در اتخاذ تصمیمهای مشترک مربوط به صنعت نفت، در برابر سیاست تهدیدآمیز کشورهای پیشرفته صنعتی جهان بود، می‌توان از تنظیم توافقنامهٔ حل اختلافات مرزی بین ایران و عراق یاد کرد.

به‌موجب این توافقنامه که بعدها با عنوان «توافقنامه الجزایر» از آن یاد می‌شود، علاوه بر حل مسأله اختلاف مرزی، بین محمدرضاشاه و صدام حسین معاون

رئیس‌جمهور وقت عراق توافقی به‌عمل آمد، هر دو طرف متعهد شدند از پشتیبانی و کمک به مخالفان رژیم حاکم در هر دو کشور خودداری کنند. حاصل چنین توافقی، در داخل کشور عراق به سرکوب و عقب‌نشینی کردهای شمال عراق که بر ضد حکومت مرکزی قیام کرده بودند و تا قبل از تنظیم این توافقنامه، از حمایت نهانی ایران برخوردار می‌شدند، منجر گردید.

به‌دنبال انعقاد موافقتنامه مورخ اسفندماه ۱۳۵۱، (فوریه ۱۹۷۲ میلادی) بین دولت ایران و عمان، سلطان سعیدبن قابوس پادشاه عمان، به‌منظور سرکوب شورشیان کمونیست ظفار از دولت ایران کمک خواست، پاسخ مثبت ایران به این درخواست به‌صورت اعزام نیروی نظامی ایران، به دستور محمدرضاشاه به ظفار و مستقر شدن آنها در رئوس‌الجبال روز ۲۹ آذرماه ۱۳۵۲ (۲۰ دسامبر ۱۹۷۳ میلادی) گردید. سرانجام مداخله ایران در این مبارزه با تصرف جزیره الغنم و موفقیت سربازان ایران همراه بود.

اعلام تغییر تاریخ هجری شمسی به شاهنشاهی در سال ۱۳۵۵، در جشن پنجاهمین سال شاهنشاهی خاندان پهلوی ازجمله برنامه‌های دستوری شاه بود که در زمان حکومت هویدا انجام گرفت و در کوتاه زمان، موجبات انتقاد و عدم رضایت روحانیان از دولت را فراهم ساخت.

۱۶ آذرماه ۱۳۵۵ شمسی، به‌دنبال تظاهرات اعتراض‌آمیز و ضد دولتی در دانشگاه تهران، پلیس ضد شورش با گاز اشک‌آور به مقابله پرداخت، و با بازداشت چندتن از دانشجویان و حمله شبانه به خوابگاه دانشجویی، به حادثه ۱۶ آذرماه که هرساله در دانشگاه رخ می‌دهد خاتمه دادند.

انتقاد وسایل ارتباط جمعی بین‌المللی، به‌ویژه اروپای غربی و سازمانهاد دفاع از حقوق بشر، از کیفیت حکومت پادشاه ایران و اختناق حاکم بر کشور، به‌ویژه سیاست توسعه‌طلبی شاه در خلیج فارس از سویی، و انتقال قدرت رهبری در جامعهٔ آمریکا از حزب جمهوریخواهان به حزب دموکراتها، در آبان‌ماه ۱۳۵۵ شمسی با برنامهٔ تبلیغاتی اصل سیاست خارجی مبنی بر تأمین حقوق بشر، کاندیدای ریاست‌جمهوری آمریکا از سوی دیگر.

افزوده بر این مسأله مهم آگاهی شاه بر بیماری سرطان و علم به کوتاهی عمر خویشتن، و فکر انتقال تدریجی مقام سلطنت به ولیعهد رضا پهلوی تا زمان رسیدن به

سن قانونی، و فراهم ساختن مقدمات زمینهٔ این امر که باید علاوه بر عوامل پیش گفته و مقدم بر آن از نظر اهمیت مسأله بیفزاییم، محمدرضا شاه را بر آن داشت تا در برنامه سیاست داخلی و مدیریت کشور تجدیدنظر کند و با اعلام «فضای باز سیاسی» از نارضایی‌ها و انتقادهای داخلی و خارجی حکومت بکاهد.

اتخاذ این‌چنین سیاستی که در زمانی نامناسب اتخاذ شده بود و نتایج حاصل از این دگرگونی سیاست شاه، آزادیهای سیاسی نسبی اعطاشده که از طرف دولت، از آن به اجرای برنامه‌هایی همچون: آزاد ساختن عده‌ای از زندانیان سیاسی، و برگزاری محاکمات علنی برای محاکمه مخالفین رژیم در دادگاه‌های علنی، اجازه بازدید نمایندگان صلیب سرخ از زندانها، و وضع قوانینی که به موجب آن زندانی کردن اشخاص بدون محاکمه منع شده بود، و متوقف شدن اعدامها را می‌توان یادآور شد.

بر این امتیازات، از اجازه آزادی بیان و قلم و آزادی نسبی مطبوعات که سهمی بس مهم در برانگیختن افکار عمومی داشت باید افزود.

تبلیغات سیاست حقوق بشر در سطح بین‌المللی، اعطای امتیاز سیاست آزادسازی دولت، به مخالفان دستگاه حاکمه ایران و گروه‌های ناراضی مختلف ازجمله احزاب غیرقانونی، کانون وکلای دادگستری، جمعی از نویسندگان و روشنفکران، دانشگاهیان و همچنین گروه‌های مذهبی مخالف فرصت مناسب داد تا در جو سیاسی حاکم بر کشور، به انتقاد از اعمال دولت پرداخته و نارضایی عمومی از شیوه حکومت را در نامه‌های سرگشاده و اعلامیه‌های متعدد و مختلف منتشر کنند. ازجمله:

در تاریخ ۲۲ خردادماه ۱۳۵۶، اعلامیه‌ای از طرف ۳ تن از اعضای جبهه ملی منتشر شد. و از آنجا که این اعلامیه در بین گروه‌های ناراضی از رژیم واکنش گسترده‌ای درپی داشت و مقدمه سقوط دولت هویدا و برپایی تظاهرات و جنبشهای خیابانی گردید متن آن در اینجا آورده می‌شود.

«فزایندگی تنگناها و نابسامانیهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی کشور، چنان دورنمای خطرناکی را در برابر دیدگان هر ایرانی قرار داده که امضاءکنندگان زیر بنا بر وظیفه ملی و دینی، در برابر خلق و خدا با توجه به اینکه در مقامات پارلمانی و قضایی و دولتی کشور کسی را که صاحب تشخیص و تصمیم بوده و مسئولیت و مأموریتی غیر از پیروی از «منویات ملوکانه» داشته باشد نمی‌شناسیم و درحالی که تمام امور مملکت از

طریق صدور فرمانها انجام می‌شود و انتخاب نماینده‌گان ملت و انشاء قوانین و تأسیس حزب و حتی انقلاب در کف اقتدار شخص اعلیحضرت قرار دارد که همهٔ اختیارات و افتخارها و سپاسها، و بنابراین مسئولیتها را منحصر و متوجه به خود فرموده‌اند، این مشروحه را علیرغم خطرات سنگین تقدیم حضور می‌نماییم.

در زمانی مبادرت به چنین اقدامی می‌شود که مملکت از هر طرف در لبه پرتگاه قرار گرفته، همه جریانها به بن‌بست کشیده، نیازمندیهای عمومی به‌خصوص خواروبار و مسکن با قیمتهای تصاعدی بی‌نظیر دچار نایابی گشته، کشاورزی و دامداری رو به نیستی گذارده، صنایع نوپای ملی و نیروهای انسانی در بحران و تزلزل افتاده، تراز بازرگانی کشور و نابرابری صادرات و واردات وحشت‌آور گردیده. نفت این میراث گرانبهای خدادادی بشدت تبذیر شده، برنامه‌های عنوان‌شده اصلاح و انقلاب ناکام مانده، و از همه بدتر نادیده گرفتن حقوق انسانی و آزادیهای فردی و اجتماعی و نقض اصول قانون اساسی همراه با خشونتهای پلیس به حداکثر رسیده، رواج فساد و فحشاء و تملق، فضیلت بشری و اخلاق ملی را به تباهی کشانده است.

حاصل تمام این اوضاع، توام با وعده‌ها و ادعاهای پایان‌ناپذیر و گزافه‌گوییها و تبلیغات و تحمیل جشنها و تظاهرات، نارضایی و نومیدی عمومی و ترک وطن، خروج سرمایه‌ها و عصیان نسل جوان شد که عاشقانه داوطلب زندان و شکنجه و مرگ می‌گردند و دست به کارهایی می‌زنند که دستگاه حاکمه آنرا خرابکاری و خیانت، و خود آنها فداکاری و شرافت می‌نامند.

این‌همه ناهنجاری در وضع زندگی ملی را ناگزیر باید مربوط به طرز مدیریت مملکت دانست. مدیریتی که برخلاف نص صریح قانون اساسی و اعلامیهٔ حقوق بشر، جنبه فردی و استبدادی در آرایش نظام شاهنشاهی پیدا کرده است درحالی‌که «نظام شاهنشاهی» خود برداشتی کلی از نهاد اجتماعی حکومت در پهنه تاریخ ایران می‌باشد که با انقلاب مشروطیت دارای تعریف قانونی گردیده و در قانون اساسی و متمم آن حدود، حقوق سلطنت، بدون کوچکترین ابهامی تعیین و قوای مملکت ناشی از ملت «شخص پادشاه از مسئولیت مبری» شناخته شده است.

در روزگار کنونی و موقعیت جغرافیایی حساس کشور ما ادارهٔ امور چنان پیچیده گردیده که توفیق در آن تنها با استفاده از همکاری صمیمانهٔ تمام نیروهای مردم در

محیطی آزاد و قانونی و با احترام به شخصیت انسانها امکان‌پذیر می‌شود.

این مشروحه سرگشاده به مقامی تقدیم می‌گردد که چند سال پیش در دانشگاه هاروارد فرموده‌اند «نتیجه تجاوز به آزادیهای فردی و عدم توجه به احتیاجات روحی انسانها، ایجاد سرخوردگی است و افراد سرخورده، راه منفی پیش می‌گیرند تا ارتباط خود را با همهٔ مقررات و سنن اجتماع قطع کنند و تنها وسیله رفع این سرخوردگیها احترام به شخصیت و آزادی افراد و ایمان به این حقیقتها است «که انسانها برده دولت نیستند و بلکه دولت خدمتگزار افراد مملکت است» و نیز به‌تازگی در مشهد مقدس اعلام فرموده‌اید «رفع عیب به‌وسیلهٔ هفت‌تیر نمی‌شود و بلکه به‌وسیلهٔ جهاد می‌توان علیه فساد مبارزه کرد.»

بنابراین تنها راه بازگشت و رشد ایمان و شخصیت فردی و همکاری ملی و خلاصی از تنگناها و دشواریهایی که آینده ایران را تهدید می‌کند، ترک حکومت استبدادی، تمکین مطلق به اصول مشروطیت، احیای حقوق ملت، احترام واقعی به قانون و اعلامیه جهانی حقوق بشر، انصراف از حزب واحد، آزادی مطبوعات و اجتماعات، آزادی زندانیان و تبعیدشدگان سیاسی و استقرار حکومتی است که متکی بر اکثریت نمایندگان منتخب از طرف ملت باشد و خود را برطبق قانون اساسی مسئول ادارهٔ مملکت بداند.»

اشاره شد که عواملی چند، پادشاه را برآن داشت تا برای حل مشکلات ناشی از نارضایی مردم، برنامه‌های اصلاحی مبتنی بر اصول دمکراسی را پایه‌ریزی کند.

واکنش تغییر سیاست پادشاه با اعطای امتیازهایی به جامعه ناراضی از حکومت مطلقه دوران اخیر سلطنت محمدرضاشاه، در مطبوعات و رسانه‌های خبری جهان به‌ویژه اروپای غربی، به‌صورتی خلاف انتظار پادشاه اعلام شد. که:

سیاست «فضای باز سیاسی» دولت ایران، ناشی از فشار حکومت دموکراتها در آمریکا صورت گرفته است. انتشار این برداشتها از اقدامات شاه توسط رسانه‌های بین‌المللی، محمدرضا شاه را برآن داشت تا در جشن سالروز صدور فرمان مشروطیت در ایران در تاریخ ١٤ مردادماه ١٣٥٦ شمسی ضمن اشاره و تأکید بر اجرای برنامه‌های جدید دولت که دگرگونی و تحولات اساسی را درپی خواهد داشت و در نهایت موجبات برقراری سلطنت مشروط برطبق موازین قانون اساسی و حکومت دموکراسی در کشور

خواهد شد، پاسخ رسانه‌های خارجی را با عبارت (دموکراسی یک کالای وارداتی نیست) بیان داشت.

یکی دیگر از برنامه‌های دگرگونی در سیاست شاه، به‌منظور جلب نظر و رضایت منتقدان حکومت، برکناری امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر با طولانیترین عمر صدارت دوران مشروطیت، و برگزیده شدن دکتر جمشید آموزگار که از تاریخ آبان‌ماه ۱۳۵٤ شمسی به دبیرکلی حزب رستاخیز منصوب شده بود به مقام نخست‌وزیری در تاریخ ۱٦ مردادماه ۱۳۵٦ شمسی بود.

* * *

٦۷- دکتر جمشید آموزگار

پس از استعفای امیرعباس هویدا، دکتر جمشید آموزگار دبیرکل حزب رستاخیز ایران و وزیر مشاور کابینهٔ مستعفی، مأمور تشکیل هیأت وزیران گردید، و اعضاء دولت، روز یکشنبه ۱٦ مردادماه ۱۳۵٦ شمسی به‌حضور پادشاه به‌شرح ذیل معرفی شدند.

۱- دکتر عباسعلی خلعتبری	وزیر امور خارجه
۲- دکتر هوشنگ انصاری	وزیر اقتصاد و دارایی
۳- مهندس امیرقاسم معینی	وزیر کار و امور اجتماعی
٤- دکتر کریم معتمدی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۵- دکتر منوچهر گنجی	وزیر آموزش و پرورش
٦- مهندس تقی توکلی	وزیر نیرو
۷- دکتر مرتضی صالحی	وزیر راه و ترابری
۸- کاظم خسروشاهی	وزیر بازرگانی
۹- دکتر فیروز توفیق	وزیر مسکن و شهرسازی
۱۰- دکتر اسدالله نصراصفهانی	وزیر کشور
۱۱- محمدرضا امین	وزیر صنایع و معادن
۱۲- احمدعلی احمدی	وزیر کشاورزی و عمران روستایی
۱۳- ارتشبد رضا عظیمی	وزیر جنگ

۱۴- دکتر شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام‌زاده	وزیر بهداری
۱۵- دکتر غلامرضا کیانپور	وزیر دادگستری
۱۶- داریوش همایون	وزیر اطلاعات و جهانگردی
۱۷- مهرداد پهلبد	وزیر فرهنگ و هنر
۱۸- دکتر محمد یگانه	وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
۱۹- مهندس صفی اصفیا	وزیر مشاور
۲۰- مهناز افخمی	وزیر مشاور در امور زنان
۲۱- دکتر محمود کاشفی	وزیر مشاور در امور پارلمانی
۲۲- دکتر منوچهر آگاه	وزیر مشاور در امور اجرایی

نخست‌وزیر، روز پنجشنبه ۲۷ مردادماه، هیأت وزیران را به مجلس شورای ملی و روز شنبه ۲۹ مردادماه به مجلس سنا معرفی کرد. و برنامه دولت تقدیم دو مجلس گردید تا در جلسهٔ فوق‌العاده مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

دکتر آموزگار ضمن اعلام برنامه کار دولت به مجلس شورای ملی، نوید فضای باز سیاسی و احترام به آزادی بیان و قلم را اعلام داشت و از اندیشمندان و روشنفکران، و دست‌اندرکاران مسایل اجتماعی و سیاسی دعوت کرد تا انتقادها و پیشنهادهای خود را به دولت ابلاغ کنند. و قول بررسی پیشنهادهای اصلاحی رسیده از طرف گروه‌های مختلف و استقبال از آن را عنوان کرد.

مجلس شورای ملی، در جلسهٔ فوق‌العاده روز پنجشنبه سوم شهریورماه ۱۳۵۶ شمسی پس از بحث و بررسی در برنامهٔ دولت و بیانات نخست‌وزیر، با ۱۸۸ رأی موافق، به‌اتفاق آرا به دولت ابراز اعتماد کرد[۹۲].

دولت آموزگار در طی متجاوز از یک سال حکومت، تغییراتی به‌شرح ذیل یافت:

در تاریخ پنجشنبه ۱۰ آذرماه ۱۳۵۶ شمسی، پس از انتصاب دکتر هوشنگ انصاری به‌سمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت ملی نفت، دکتر محمد یگانه رئیس سازمان برنامه و بودجه به‌سمت وزیر امور اقتصادی و دارایی، و دکتر منوچهر آگاه به‌سمت وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه منصوب شدند.

۹۲- مجموعه قوانین دورهٔ بیست و چهارم مجلس شورای ملی.

دومین ترمیم در کابینهٔ آموزگار در تاریخ ۱۲ آذرماه ۱۳۵۶ انجام گرفت: هلاکو رامبد به‌سمت وزیر مشاور در امور پارلمانی، محمود کاشفی به‌عنوان وزیر مشاور در امور اجرایی برگزیده شدند.

سومین ترمیم و تغییر را در تاریخ ۱۲ مردادماه ۱۳۵۷ شمسی به‌شرح زیر یادآور می‌شود.

۱ـ دکتر مرتضی صالحی	وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
۲ـ دکتر منوچهر آگاه	وزیر مشاور در امور اجرایی
۳ـ دکتر نصرالله مژدهی	وزیر بهداری و بهزیستی
٤ـ دکتر مهدی صفویان	وزیر راه و ترابری

اشاره شد، تبلیغات جهانی حقوق بشر و تحول ناشی از سیاست جدید آزادی سیاسی دولت، صحنهٔ مبارزهٔ مخالفان رژیم پهلوی را چه در داخل و چه خارج از کشور توسط کنفدراسیون دانشجویان ایران به‌ویژه در کشورهای اروپای غربی و آمریکا بازتر و گسترده‌تر ساخت.

در داخل کشور، گروه‌های مختلف، به‌ویژه لیبرالها و روشنفکران اصلاح‌طلب که پس از شکست برنامه‌های اقتصادی انقلاب سپید شاه، و شیوهٔ حکومت مطلق نامبرده ناراضی بودند، فعالیت مخالفت‌آمیز زیرزمینی خود را به‌صورت علنی و آشکار و گوناگون آغاز کردند.

محمدرضاشاه در شهریورماه ۱۳۵۶ شمسی در سخنرانی خود در دانشگاه پدافند، با بیان این عبارت (هرچه را که هست و نیست به مردم بگویید.) از مسئولان مملکتی خواست تا ملت را در جریان امور کشور قرار دهند. اعطای آزادیهای سیاسی از طرف پادشاه، همچنانکه اشاره شد، جو سیاسی ایران را دگرگون ساخت، آزادی بیان و قلم، به‌انتقاد از دولت از طرف روشنفکران و گروه‌های مختلف منجر گردید. این ویژگیها، فضای مراکز مذهبی را نیز دربر گرفت و به‌صورت سخنرانیهای تند بر ضد اقدامات و برنامه‌های ناموفق اقتصادی دولت بروز کرد.

دولت تکنوکرات جمشید آموزگار، با برنامه ویژه ریاضیت اقتصادی که فشار و تأثیر آن بیشتر متوجه گروه‌های کم درآمد و متوسط جامعه می‌شد، منشأ نارضایی

توده‌های مردم و جامعه اصناف و بازاریان گردید.

واکنش طبیعی ناشی از فرمان «فضای باز سیاسی»، به‌تدریج از جنبه انتقاد آرام به تظاهرات و جنبشهای تند بر ضد اقدامات دولت و سرانجام به تشنج و هرج و مرج منجر گردید. و بی‌ثباتی دولتهای بعد از هویدا و سرانجام انقلاب و قیام عمومی خونین سال ۱۳۵۷ شمسی و پیروزی مخالفان رژیم شاهنشاهی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی را درپی داشت.

روز ۲۷ شهریورماه ۱۳۵۶، پایان نشست سخنرانی‌های شب شعر در دانشگاه با حضور و یورش مأموران، به ضرب و جرح و دستگیری عده‌ای انجامید. گروهی چند به‌عنوان اعتراض به رفتار خشن مأمورین ضد شورش در دانشگاه متحصن شدند و آزادی دستگیرشدگان را خواستار شدند.

در شهریورماه ۱۳۵۶ شمسی، از طرف جامعه روحانیان شهر شیراز، تأخیر در اجرای یازدهمین جشن هنر را که مقارن با ایام ماه رمضان بود خواستار شدند. دفتر فرح با این تقاضای مشروع مخالفت کرد. و برنامه جشن در تاریخ مقرر برگزار گردید.

اجرای برنامه جشن هنر شیراز، از آنجاکه مغایر با آداب و سنن ملی و اصول اخلاقی حاکم بر جامعه و به‌ویژه معتقدات مذهبی بود، خشم جامعهٔ ایران به‌ویژه جامعهٔ مذهبی و بازاریان ناراضی از اوضاع اقتصادی را برانگیخت. روحانیان قم و به‌دنبال آن سایر شهرستانها، ضمن ارسال پیام و تلگرافهای چند به مسئولان دولتی، اعتراض طبقهٔ روحانی و خشم ملت را یادآور شدند.

در مهرماه ۱۳۵۶ شمسی، نوار سخنرانی آیت‌الله خمینی رهبر مخالفان مذهبی تبعیدی در نجف که در آن جشن مبتذل هنر شیراز مورد انتقاد قرار گرفته بود در تهران توزیع گردید. با شروع برنامه بحث و انتقاد از کیفیت جشن هنر شیراز و بی‌توجهی تنظیم‌کنندگان برنامه به معتقدات مذهبی و سنتی جامعه، در مساجد و اجتماعات مذهبی، دامنهٔ خشم و هیجان و تنفر عمومی را گسترده‌تر ساخت.

کوتاه سخن آن‌که بازتاب سیاسی اجرای برنامه جشن هنر شیراز، به انتقاد جامعهٔ روحانیت محدود نگردید، بلکه یکی از وسایل و عوامل مهم در تشکل گروه‌های مختلف اجتماع از بازاری، روحانی و روشنفکران گردید.

عوامل متعددی ازجمله گرایش مذهبی در سالهای اخیر در بین دانشجویان و نسل

جوان، مخالفت و انتقاد به‌صورت آشکار و در سطح بالایی بروز کرد و کانون اسلامی دانشگاه‌ها بر شدت فعالیت خود که تا قبل از سیاست فضای باز سیاسی از طرف حکومت به‌طور نهانی صورت می‌گرفت افزودند.

ازجمله در مهرماه ۱۳۵۶ شمسی، در دانشگاه تهران، تشنج و تظاهراتی به‌عنوان اعتراض به کیفیت پوشش دانشجویان دختر، و حضور دختران و پسران به‌صورت جمعی در کافه‌تریا صورت گرفت.

دامنهٔ اعتراض به برنامهٔ جشن هنر و انتقاد از آن به مطبوعات نیز کشانده شد و موضوع مورد بحث روز مطبوعات مختلف قرار گرفت.

در اواخر مهرماه ۱۳۵۶ شمسی، مجموعه سخنرانیهای آیت‌الله خمینی رهبر جناح مذهبی مخالف رژیم پهلوی، تحت عنوان «نامه‌ای از امام موسوی کاشف‌العطاء» (که در کتابخانه ملی در تاریخ ۵۶/۷/۳ ثبت شده است) در تهران منتشر گردید.

این مجموعه که به توضیح دربارهٔ ولایت فقیه و حکومت اسلامی پرداخته است، آیت‌الله مخالفت خود را با حکومت مشروطه سلطنتی و قانون اساسی آن اعلام می‌دارد.

انتشار خبر درگذشت حاج سیدمصطفی خمینی فرزند ارشد آیت‌الله خمینی، در روز اول آبان‌ماه ۱۳۵۶ شمسی و برگزاری مراسم عزاداری، زمان مناسبی برای گروه‌های مخالف رژیم چه در داخل و چه در خارج از کشور بود، و زمینهٔ مساعد برای بیان اعتراض و انتقاد از رژیم شاه و افشاگری جنایتهای او را فراهم ساخت و سرآغاز مبارزه خونین برای سرنگونی رژیم پهلوی گردید.

در تاریخ ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۵۶، جبهه ملی، از ائتلاف احزاب: ایران، ملت ایران، و جبههٔ سوسیالیستهای ملی اعلام موجودیت کرد. و دکتر کاظم حسیبی از طرف اعضای این جبهه به ریاست شورای مرکزی انتخاب گردید.

اجتماع پیروان و اعضای جبهه ملی در کاروانسرای سنگی، از طرف دولت، توسط گروهی از مأموران سازمان امنیت متفرق گشت و چندتن از اعضای هیأت مرکزی جبهه ازجمله شاپور بختیار مجروح شدند.

تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران در روز ۱۶ آذرماه سال ۱۳۵۶ شمسی، گسترده‌تر از سالهای پیشین برگزار شد. در این قیامهای اعتراض‌آمیز، شعارهای ضد سلطنت و ضد شاه با مضمونهایی که حاکی از بزرگداشت دکتر محمد مصدق، و

تجلیل از رهبری آیت‌الله خمینی بود آغاز گردید.

مسافرت محمدرضاشاه در آبان‌ماه ۱۳۵۶ شمسی به آمریکا، موضع شاه ایران را در برابر مخالفان تضعیف کرد، تظاهرات مخالفت‌آمیزی از طرف ایرانیان مقیم آمریکا هنگام ورود به کاخ سفید صورت گرفت. در داخل کشور نیز، دانشجویان دانشگاه تهران و صنعتی آریامهر (شریف) تظاهراتی برپا داشتند که منجر به زدوخورد بین نیروهای انتظامی و دانشجویان گردید.

در دی‌ماه ۱۳۵۶ شمسی برابر اول ژانویه ۱۹۷۸ میلادی، کارتر رئیس‌جمهور آمریکا برای مذاکره در زمینهٔ: فروش نیروگاه اتمی آمریکا به ایران، مسأله اعراب و اسراییل و استقرار صلح در خاورمیانه، به تهران وارد شد.

تکثیر و انتشار نوارهای سخنرانی رهبر مذهبی در ایران، دولت را برآن داشت تا برای جلوگیری از تشنج و هیجان عمومی بیشتر در داخل کشور، به مبارزه با مخالفان مذهبی برخیزد. با موافقت مقامهای تصمیم‌گیرنده سیاسی در سطح بالای کشور، مقاله توهین‌آمیزی بر ضد آیت‌الله خمینی در روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات مورخ ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶ (۷ ژانویه ۱۹۷۸ میلادی) انتشار یافت.

انتشار این مقاله، با واکنش شدید و خشم‌آلود توده‌های ملت، به‌ویژه در شهرستان قم روبرو شد. این عمل در شهرستان مذکور، منجر به آتش زدن روزنامه‌ها، تعطیل حوزه‌های علمیه، در روز ۱۸ دی‌ماه گردید و طلاب پس از تایید مراجع مذهبی در مسجد اعظم قم به اجتماع پرداختند.

در این تظاهرات، برای نخستین‌بار شعار بر ضد شاه داده شد، که بدون زدوخورد پایان نیافت.

روز ۱۹ دی‌ماه، بازرگانان و کسبه که در دورانهای مبارزات تاریخی کشور ایران حامی روحانیان بوده و با کمکهای مالی خود به تقویت گروه مذهبی می‌پرداخته‌اند، در جریانهای سیاسی اخیر نیز به پشتیبانی از روحانیان قیام کردند.

همبستگی و اتحاد بازاریان با طلبه‌های حوزه علمیه و دانشجویان دانشگاه، به‌صورت جنبشهای گسترده آغاز شد. دفتر حزب رستاخیز و نمایندگی روزنامه اطلاعات در قم به آتش کشیده شد.

در این جنبش همگانی، نیروهای پلیس و امنیتی به مقابله پرداختند. و در

زدوخورد بین دو طرف چند تن به‌قتل رسیدند.

در بهمن‌ماه ۱۳۵٦ شمسی، کتاب «بسوی تمدن بزرگ» به‌قلم محمدرضا شاه انتشار یافت و به‌طور رایگان در دسترس مردم قرار گرفت.

جریان برگزاری چهلم شهدای واقعه قم در روز ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۵٦ شمسی در شهرستان تبریز به‌آرامی برگزار نگردید. این مراسم به تظاهرات خونین خیابانی از طرف دانشجویان (دانشجویان مبارز مسلمان دانشگاه تبریز) منتهی گردید. مراکز دولتی، دفتر نمایندگی حزب رستاخیز، بانکها و سینماها مورد حمله و آتش‌سوزی وسیع قرار گرفت.

حوادث فوق و برگزاری مراسم عزاداری، تداوم‌بخش حرکتهای انقلابی توده ضد رژیم گردید. در اسفندماه سال ۱۳۵٦ شمسی، دانشگاه‌های مختلف کشور، مرکز تجمع مخالفان و برپایی تظاهرات مخالفت‌آمیز با دولت و شخص محمدرضاشاه گردید. ناگفته نماند، انتشار نوار سخنرانیهای رهبر تبعیدی مخالفان و دعوت ایشان از مردم به براندازی حکومت محمدرضاشاه، مؤثرترین عامل تشنج و برانگیختن هیجان توده‌ها بر ضد رژیم می‌توان دانست.

استادان و دانشجویان دانشکده پلی‌تکنیک تهران به‌دنبال درگیری با پلیس و بازداشت چندتن از دانشجویان دانشکده، در اسفندماه ۱۳۵٦ دست به اعتصاب زدند.

روز ۲٤ اسفندماه ۱۳۵٦ که مصادف با صدمین سال تولد رضاشاه بود، از طرف محمدرضاشاه مقرر شد تا مراسمی در آرامگاه نامبرده برگزار شود و به مناسبت این روز، متجاوز از ۳۰۰ تن از زندانیان آزاد شدند.

در فروردین‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، با پیام آیت‌الله خمینی به‌مناسبت برگزاری مراسم چهلم کشته‌شدگان حادثه تبریز، روحانیان قم و مشهد و تبریز و سایر شهرستانها با انتشار اعلامیه‌ای به‌تاریخ ۹ و ۱۰ فروردین‌ماه، خواستار حضور گسترده مردم در مراسم عزاداری شدند.

این مراسم در فارس و یزد، به‌طور آرام برگزار نشد و به حوادثی همانند وقایع تبریز در بهمن‌ماه ۱۳۵٦ منجر گردید.

ادامه اغتشاشات و تشنجها، در طول فروردین‌ماه و ماه‌های پس از آن، به‌صورت: اعتصاب غذای زندانیان قزل حصار، تظاهرات دانشجویان دانشگاه‌های تهران، تبریز، و

همکاری بازاریان و اصناف به‌صورت تعطیل بازار و گسترش این قیامها و حوادث به سایر شهرستانها، به‌ویژه در اصفهان که تظاهرکنندگان با حمله به مشروب‌فروشیها، و هتل شاه‌عباس، و آتش زدن سینماها و بانکها، در برابر نیروهای انتظامی به مقاومت پرداختند، دولت را برآن داشت تا با تصویب قانون برقراری حکومت نظامی در شهرستان اصفهان (مصوب ۱۳۵۷/۵/۳۰ با ۱۵۷ رأی موافق) به مقابله بپردازد.[۹۳]

در اوایل خردادماه ۱۳۵۷، با انتشار نوار سخنرانی رهبر مخالفان رژیم، که متن آن حاوی بی‌اعتبار ساختن کتاب «به‌سوی تمدن بزرگ» شاه و دعوت و تشویق مردم به ادامه اعتصاب و مقاومت در برابر دولت بود، منجر به صدور اعلامیه‌ای از طرف گروه‌های مختلف مردم برای اعلام تعطیل عمومی به‌مناسبت ۱۵ خردادماه گردید.

در اواخر مردادماه ۱۳۵۷ شمسی (۲۸ مردادماه) با آتش گرفتن سینما رکس آبادان، و آغاز مخالفت چند تن از نمایندگان مجلس شورای ملی با دولت، و سرانجام استیضاح از دولت آموزگار، و نیز ادامهٔ تظاهرات گسترده چندصد هزار نفری در تهران و شهرستانها، زمینه سقوط دولت وقت را فراهم ساخت.

دکتر جمشید آموزگار در تاریخ ۵ شهریورماه ۱۳۵۷ شمسی استعفای خود را تقدیم داشت.

۶۸-مهندس جعفر شریف‌امامی

پس از سقوط دولت جمشید آموزگار، مهندس جعفر شریف‌امامی به نخست‌وزیری برگزیده شد و هیأت وزیران را به شرح زیر در تاریخ ۵ شهریورماه ۱۳۵۷ شمسی به حضور پادشاه و در تاریخ ۲۵ شهریور ماه ۱۳۵۷ به مجلس شورای ملی معرفی کرد.

۱- امیرخسرو افشار	وزیر امور خارجه
۲- ارتشبد عباس قره‌باغی	وزیر کشور
۳- ارتشبد رضا عظیمی	وزیر جنگ
٤- حسین نجفی	وزیر دادگستری
۵- دکتر محمد یگانه	وزیر امور اقتصادی و دارایی

۹۳- مجموعه قوانین دورهٔ بیست و چهارم مجلس شورای ملی.

٦- مهندس محسن فروغی	وزیر فرهنگ و هنر
۷- مهندس حسن شالچیان	وزیر راه و ترابری
۸- امیرحسین امیرپرویز	وزیر کشاورزی و عمران روستاها
۹- محمدرضی ویشکایی	وزیر بازرگانی
۱۰- دکتر هوشنگ نهاوندی	وزیر علوم و آموزش عالی
۱۱- دکتر منوچهر گنجی	وزیر آموزش و پرورش
۱۲- پرفسور محمدرضا امین	وزیر صنایع و معادن
۱۳- دکتر نصرالله متقدر مژدهی	وزیر بهداری و بهزیستی
۱٤- دکتر کاظم ودیعی	وزیر کار و امور اجتماعی
۱۵- جهانگیر مهدمنیا	وزیر نیرو
۱٦- پرویز آوینی	وزیر مسکن و شهرسازی
۱۷- دکتر کریم معتمدی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۱۸- دکتر محمدرضا عاملی‌تهرانی	وزیر اطلاعات و جهانگردی
۱۹- دکتر عزت‌الله یزدان‌پناه	وزیر مشاور در امور پارلمانی
۲۰- دکتر منوچهر آزمون	وزیر مشاور در امور اجرایی
۲۱- دکتر حسنعلی مهران	وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه
۲۲- دکتر علینقی کنی	وزیر مشاور

مجلس، در جلسهٔ مورخ ۲۵ شهریورماه ۱۳۵۷ با اکثریت ۱۷۷ رأی از ۲۰۰ رأی حاضر در جلسه، به دولت رأی اعتماد داد.

مهندس جعفر شریف‌امامی، هنگام ارایه برنامه دولت به مجلس شورای ملی، از آن به برنامهٔ آشتی ملی و ادارهٔ امور کشور برطبق موازین و مواد قانون اساسی و احترام به اصول و سنن مذهبی اعلام کرد.

لغو تاریخ شاهنشاهی، نخستین گام او در راه اجرای برنامه پیشنهادی، و حذف پست وزیر مشاور در امور زنان، آزادی تشکیل احزاب و فعالیتهای گروه‌های سیاسی، تعطیل کازینوها، و آزادی مطبوعات ازجمله موارد برنامه‌های اصلاحی مطلوب توده از طرف دولت آشتی ملی می‌توان نام برد.

آغاز دوران نخست‌وزیری شریف‌امامی، همزمان با ایام ماه رمضان و برگزاری مراسم مذهبی و تشکیل هرچه بیشتر اجتماعات و گروه‌های مخالف رژیم در مساجد و اماکن زیارتی و زمینه مناسب برای ابراز عقاید و افشای مفاسد دستگاه‌های رهبری مملکت و تشویق توده‌ها برای سرنگونی نظام حاکم را فراهم ساخت.

ازجمله روز شهادت حضرت علی(ع) که مصادف با هفتمین روز آتش‌سوزی سینما رکس آبادان بود، تظاهرات عظیمی در تهران و شهرستانها انجام گرفت. نخست‌وزیر، وزیر دادگستری وقت را موظف به تحقیق دربارهٔ این حادثه و عاملین آتش‌سوزی و بازداشت آنها ساخت.

پخش انتقاد شدید نمایندگان مجلس رستاخیزی از مفاسد دولتهای گذشته از طریق رادیو و تلویزیون، آزادسازی چند تن از استادان و همچنین روحانیان حوزه علمیه قم، نشانگر تعهد دولت به انجام سیاست «فضای باز سیاسی» دولت آشتی ملی بود.

جناح مذهبی مخالف دولت، روز ۱۳ شهریورماه ۱۳۵۷ که مصادف با عید فطر بود، با برپایی تظاهرات گسترده خیابانی، پس از برگزاری نماز عید فطر در تپه‌های قیطریه که به‌صورتی بسیار منظم و بی‌نظیر برگزار گردید، نشان دادند که اجرای تعهدها و برنامه‌های آشتی ملی، هدف غایی قیام‌کنندگان نیست و مبارزه تا برآوردن خواست واقعی روحانیان مبارز همچنان ادامه دارد.

روز ۱٤ مردادماه ۱۳۵۷ شمسی رهبر قیام، ضمن پیامی، سلطنت خاندان پهلوی را غیرقانونی اعلام کرد و از مردم خواست به مبارزه تا مقصود نهایی ادامه دهند.

واکنش دولت وقت در برابر تظاهرات منظم و سازمان‌یافته خیابانی، برقرار ساختن حکومت نظامی در تهران و یازده شهر دیگر بود، که از تاریخ جمعه ۱۷ شهریورماه ۱۳۵۷ شمسی به مدت شش ماه در شهرهای کرج، قزوین، قم، مشهد، تبریز، اهواز، آبادان، اصفهان، شیراز، کازرون، جهرم، بنا به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی در جلسهٔ شانزدهم شهریورماه ۱۳۵۷ شمسی انجام گرفت.

برقراری حکومت نظامی در تهران مانع از اجرای برنامه‌های ازپیش تعیین‌شده مبارزان نبود و در اولین روز حکومت نظامی در تهران، گروه‌های مختلف مردم در میدان ژاله اجتماع کردند. نیروهای انتظامی به‌ناچار به مقابله با مردم پرداختند، و سرانجام، تظاهرات این روز و مقاومت مردم در برابر حکومت نظامی، نهضت مذهبی با کشته شدن

جمعی کثیر از مردم، رنگ خون به‌خود گرفت و جمعه سیاه ۱۷ شهریور را در تاریخ حوادث انقلاب پدید آورد.

روز ۱۸ شهریورماه، خشم و انزجار گروه‌های مذهبی و سیاسی، از جریان کشتار میدان ژاله در کلیهٔ روزنامه‌ها منعکس گردید. اعلامیه‌های مخالفت‌آمیز: نهضت آزادی، جبهه ملی و سایر گروه‌ها به‌طور علنی و آشکارا بر ضد دولت در شهر منتشر شد.

به‌دنبال این حادثه، از طرف رهبر نهضت مذهبی از نجف اعلامیه‌ای صادر شد و مردم را به مقاومت و پایداری بیشتر دعوت کرد.

جلسهٔ یکشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۷ مجلس شورای ملی، در میان موجی از مخالفت و اعتراض چند تن از نمایندگان تشکیل گردید. و با طرح استیضاح یک تن از نمایندگان، و به‌دنبال تقاضای رأی اعتماد از طرف دولت، مهندس شریف‌امامی با ۱۷۳ رأی از جمع ۲۱۸ نمایندهٔ حاضر در جلسه اعتماد مجلس را به‌دست آورد.[۹٤]

همزمان با جنبشهای خیابانی از طرف گروه‌های مختلف اجتماع، اعتصاب گسترده کارکنان صنایع نفت کشور، و به‌دنبال آن کارمندان دولت نیز شروع شد.

در اواخر شهریورماه، نخست‌وزیر به‌منظور جلب نظر موافق روحانیان، یکی از پیشوایان مذهبی را که در تبعید و تحت نظر بود آزاد کرد.

اول مهرماه ۱۳۵۷، و آغاز کار دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی کشور، دانشجویان و دانش‌آموزان مدارس، همگام با استادان و مربیان آموزشی مخالف رژیم، مراکز آموزشی کشور را به صحنهٔ نبرد و مبارزه با دولت تبدیل کردند.

دولت شریف‌امامی دستور رسیدگی به اموال و دارایی‌های خاندان پهلوی، و منع آنها از شرکت در فعالیتهای بازرگانی را در زمانی صادر کرد که انتقال اموال از مدتها قبل به خارج از کشور انجام گرفته بود.

به‌دنبال تغییر سیاست بیطرفی مسکو، حزب توده وابسته به دولت اتحاد جماهیر شوروی، ضمن تغییر رهبر و برگزیدن نورالدین کیانوری به‌جای ایرج اسکندری فعالیت و مبارزه جدی و گسترده خود را با رژیم آغاز کرد.

دولت پس از مذاکره و توافق با سندیکای نویسندگان با آزادی محدود و مشروط به اعتصاب مطبوعات پایان داد.

۹٤ـ مجموعه قوانین دورهٔ بیست و چهارم مجلس شورای ملی.

روز ۲٤ مهرماه ۱۳۵۷ که مصادف با سالگرد درگذشت حاج سیدمصطفی خمینی بود، از طرف نهضت مذهبی از کلیهٔ مردم دعوت شد تا به اعتصاب عمومی و عزاداری بپردازند.

دولت در تهران و شهرستانها به مقابله برخاست، و حاصل رویارویی دولت در شهرهای: کرمان، آبادان، دزفول، اندیمشک، منجر به کشته شدن چند تن و آتش زدن مسجد جامع کرمان گردید.

نخست‌وزیر، به‌مناسبت روز ٤ آبان‌ماه تولد محمدرضاشاه، دستور آزادی زندانیان سیاسی را صادر کرد. ازجمله آزادشدگان که به تقویت جبهه مخالف دولت انجامید، از رهبران برجسته نهضت اسلامی، آیت‌الله سیدمحمود طالقانی که سابقهٔ طولانی در مبارزات سیاسی و ازجمله نهضت ملی کردن نفت داشت و آیت‌الله حسینعلی منتظری از شاگردان ممتاز و مبارز آیت‌الله خمینی بودند می‌توان نام برد.

آیت‌الله طالقانی مورد استقبال گروه کثیری از بازاریان و توده مردم قرار گرفت. ناگفته نماند، پیوستن گروه‌های سیاسی و روشنفکران ازجمله جبهه ملی، نهضت آزادی به روحانیان طرفدار آیت‌الله خمینی در امر تسریع پیروزی و تقویت اسلامی در سطح بالایی مؤثر بود.

از روز ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۷ جنبشهای خیابانی که هر روز و در هر یک از شهرستانها به‌طور گسترده انجام می‌گرفت، در این روز به جنگ بین تظاهرکنندگان و نیروهای مسلح منجر شد و سرانجام در روز ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۵۷، با سقوط دولت آشتی ملی، دولت نظامی سرلشکر ازهاری ضمن پخش پیام رادیویی شاه به ملت، که انقلاب ملت ایران را علیه ظلم و فساد مورد تایید قرار داده بود بر سرکار آمد.

٦۹-ارتشبد غلامرضا ازهاری

پس از برکناری دولت مهندس جعفر شریف‌امامی «دولت آشتی ملی» محمدرضاشاه، به‌منظور جلوگیری از حوادث ناشی از جنبشها و مبارزه‌های توده‌های عظیم مردم، به تشکیل یک دولت نظامی پرداخت و ارتشبد غلامرضا ازهاری را به‌عنوان نخست‌وزیر دولت نظامی موقت تا تشکیل یک دولت ائتلافی از بین میانه‌روان و آزادیخواهان برگزید.

نخست‌وزیر، در تاریخ ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۵۷ شمسی هیأت وزیران را به‌شرح ذیل تشکیل داد.

۱ـ امیرخسرو افشار	وزیر امور خارجه
۲ـ ارتشبد غلامرضا عظیمی	وزیر جنگ
۳ـ دکتر کریم معتمدی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
٤ـ پرفسور محمدرضا امین	وزیر صنایع و معادن
۵ـ ارتشبد عباس قره‌باغی	وزیر کشور
٦ـ ارتشبد غلامعلی اویسی	وزیر کار و امور اجتماعی
۷ـ سپهبد ابوالحسن سعادتمند	وزیر اطلاعات و جهانگردی
۸ـ سپهبد امیرحسین ربیعی	وزیر مسکن و شهرسازی
۹ـ سپهبد ایرج مقدم	وزیر نیرو
۱۰ـ دریاسالار کمال حبیب‌اللهی	وزیر فرهنگ و هنر و آموزش عالی
۱۱ـ دکتر محمدرضا عاملی‌تهرانی	وزیر آموزش و پرورش
۱۲ـ حسین نجفی	وزیر دادگستری
۱۳ـ دکتر معمارزاده	وزیر بازرگانی
١٤ـ مهندس حسن شالچیان	وزیر راه و ترابری
۱۵ـ دکتر حسنعلی مهران	وزیر اقتصاد و دارایی
١٦ـ امیرحسین امیرپرویز	وزیر کشاورزی و عمران روستایی
۱۷ـ علینقی کنی	وزیر مشاور و سرپرست اوقاف
۱۸ـ عزت‌الله همایونفر	وزیر مشاور در امور اجرایی
۱۹ـ مرتضی صالحی	وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه

این کابینه در طول حکومت کوتاه خود تغییراتی به شرح زیر پیدا کرد.

۱ـ مهندس محسن فروغی	وزیر فرهنگ و هنر
۲ـ دکتر محمدحسن مرشد	وزیر بهداری و بهزیستی
۳ـ مصطفی پایدار	وزیر مشاور در امور اجرایی

٤ـ احمد ناظمی	وزیر مشاور در امور پارلمانی
۵ـ منوچهر بهروان	وزیر مسکن و شهرسازی
٦ـ دکتر شمس‌الدین مفیدی	وزیر علوم و آموزش عالی
۷ـ محسن شریعتمدار	وزیر مشاور و سرپرست اوقاف

دولت ارتشبد ازهاری، در جلسهٔ چهارشنبه اول آذرماه ۱۳۵۷ شمسی به مجلس حضور یافت و پس از طرح برنامه، با اکثریت ۱۹۰ رأی از ۲۲۹ رأی حاضر در جلسه مورد تایید مجلس شورای ملی قرار گرفت.[۹۵]

دوران زمامداری ازهاری را دوران اعتصاب باید نامید، به‌طوری که در اولین روزهای تشکیل دولت نظامی، مسئولین به‌منظور کنترل مطبوعات کشور نیروی نظامی به اشغال اداره روزنامه‌های پرتیراژ: اطلاعات، کیهان و آیندگان پرداختند و این امر به تعطیل سه روزنامه مهم روز منتهی گردید.

دیگر مطبوعات سراسر کشور، به‌دنبال تعطیل سه روزنامه مذکور از طرف دولت، دست به اعتصاب زدند.

با اعتصاب کارمندان رادیو و تلویزیون و اداره آن توسط متخصصین فنی ارتش، کارمندان و کارکنان سازمان برق، با اعلام ۳ ساعت خاموشی که همزمان با پخش اخبار شبکه‌های اول و دوم بود، به جمع اعتصاب کنندگان پیوستند.

سعی دولت در جلوگیری از اعتصاب و تعطیل مؤسسات صنعتی و سازمانهای مختلف به نتیجه نرسید، و روز ١٦ آبان‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، تولید نفت نیز در اثر اعتصاب به‌کلی قطع گردید. دولت با سیاست بازداشت و تهدید، کارگران اعتصابی را وادار ساخت تا به کار تولید ادامه دهند، ولی در این مورد هرچند موفقیتی حاصل شد ولی پس از چند روز کار، مجدداً اعتصاب شروع شد.

بازاریان و اصناف نیز هم‌آهنگ با سایر گروه‌ها، به تعطیل بازار و مغازه‌ها پرداختند. دولت ازهاری، به‌منظور جلب نظر حمایت توده‌ها، اقدام به بازداشت چندتن از شخصیتهای سیاسی دولتهای گذشته، ازجمله: امیرعباس هویدا، ارتشبد نصیری رئیس ساواک، دکتر غلامرضا نیک‌پی شهردار سابق تهران، عبدالعظیم ولیان استاندار سابق مشهد و چند تن از وزیران، داریوش همایون، ایرج وحیدی، منصور روحانی و منوچهر

۹۵ـ مجموعه قوانین دورهٔ ٢٤ مجلس شورای ملی.

آزمون کرد.

پس از روی کار آمدن دولت نظامی، برژنف رهبر اتحاد جماهیر شوروی، ضمن پیامی، در تاریخ ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۵۷ شمسی (برابر ۱۸ نوامبر ۱۹۷۹ میلادی) دولت آمریکا را از مداخله در اوضاع داخلی ایران برحذر داشت و مداخله آن دولت را در امور ایران، مغایر با امنیت خود اعلام کرد.

از طرف رئیس‌جمهور آمریکا، پاسخ رهبر شوروی ضمن اعلامیه‌ای داده شد، که در آن اعلامیه اتهامات وارده آن دولت را ناوارد دانسته و اعلام شد که دولت شوروی با توسل به این سیاست برای مداخله خود در ایران نباید استفاده کند. و ضمناً تاکید شده بود که هر دو دولت (آمریکا و شوروی) باید حق حاکمیت ایران را ملحوظ بدارند.

روز ۲۶ آبان‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، به‌دستور رهبر نهضت اسلامی، روز ارتش نام‌گذاری شد و آیت‌الله خمینی از سربازان و ارتشیان خواست از برادرکشی خودداری کنند.

زندانیان سیاسی آزادشده از زندان، گروه‌های چپ‌گرای وابسته به حزب توده با خط مشی متفاوت از جبهه روحانیان مبارز، ولی مشترک در هدف ازبین بردن رژیم سلطنتی، نقش مؤثر و گسترده‌ای را در مبارزات مراحل نهایی سرنگونی شاه ایفا کردند.

شاه به‌منظور آرام ساختن مردم، درصدد تشکیل دولت ائتلافی برآمد، و منتخبین چنین دولتی، از شخصیتهایی که روزگاری مورد قهر و غضب وی بودند و مخالف شیوه سلطنت مطلقه‌اش: ازجمله عبدالله انتظام، دکتر علی امینی، و دکتر کریم سنجابی رهبر جبهه ملی که تازه از زندان آزاد شده بود، برای مشاوره و مذاکره دربارهٔ تشکیل دولت غیرنظامی دعوت به‌عمل آورد.

نتیجهٔ مذاکرات و راه‌حلهای ارایه‌شده و شرایط سنگینی که درواقع موجبات سلب اختیار از پادشاه و تشکیل شورای سلطنت را درپی داشت، مورد پذیرش شاه نبود.

سرانجام در اواخر آذرماه، شاه، رسماً از شخصیت علمی و آزادیخواه دکتر غلامحسین صدیقی، استاد و جامعه‌شناس دانشگاه تهران، و وزیر کشور دکتر محمد مصدق برای احراز پست نخست‌وزیری دعوت به‌عمل آورد.

دکتر صدیقی با ارایه شرایطی چند ازجمله:

۱ـ اجرای کامل اصول قانون اساسی و احترام به مفاد آن

۲- امور امنیت عمومی، مرکب از پلیس و ژاندارمری تابع کامل وزارت کشور و زیر نظر مستقیم نخست‌وزیر اداره شود.

۳- تغییر روش و اعمال سیاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) و محدود شدن وظایف این سازمان به مبارزه با تهدیدات و توطئه‌های دول خارجی بر ضد ایران.

٤- موافقت قبلی نمایندگان مجلس شورای ملی با انتصاب نخست‌وزیر

۵- لغو حکومت نظامی و آزادی کامل مطبوعات

٦- عدم خروج شاه از کشور.

ضمناً دکتر صدیقی، برای تشکیل هیأت دولت و معرفی اعضاء کابینه مدت ۳ هفته مهلت تعیین کرد.

روز ۳۰ آذرماه ارتشبد ازهاری نخست‌وزیر، به‌سبب عارضه سکته قلبی بستری گردید. به‌دنبال این مسأله، فکر شاه برای تشکیل هرچه زودتر دولت ائتلافی بیش از پیش تقویت شد، دکتر صدیقی در چنین شرایط و با توجه به عوامل مختلف دیگر انصراف خود را از قبول مسئولیت اعلام داشت.

و به‌دنبال شکست مذاکرات شاه با دکتر صدیقی، سرانجام از دکتر شاهپور بختیار رهبر حزب ایران و عضو جبهه ملی، به‌عنوان نخست‌وزیر ائتلافی در تاریخ ۹ دی‌ماه ۱۳۵۷ شمسی با ارایه شرایطی چند دعوت به‌عمل آمد و پس از پذیرش آن شرایط از طرف پادشاه، در تاریخ ۱۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ به نخست‌وزیری منصوب شد.

۷۰- دکتر شاپور بختیار

پس از استعفای دولت ازهاری، دکتر شاپور بختیار از اعضای جبهه ملی، برای تشکیل دولت ائتلافی از طرف محمدرضاشاه برگزیده شد (به‌تاریخ ۱۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ شمسی)، نخست‌وزیر هیأت وزیران را روز ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۷ تشکیل داد و پس از معرفی به حضور پادشاه و سپس به مجلس شورای ملی با ترکیبی از شخصیت‌های زیر معرفی کرد.

۱- یحیی صادق‌احمدی	وزیر دادگستری
۲- احمد میرفندرسکی	وزیر امورخارجه
۳- دکتر محمدامین ریاحی	وزیر آموزش و پرورش

٤ـ عباسقلی بختیار	وزیر صنایع و معادن
۵ـ رستم پیراسته	وزیر امور اقتصادی و دارایی
٦ـ منوچهر کاظمی	وزیر کشاورزی و عمران روستایی
۷ـ دکتر منوچهر رزم‌آرا	وزیر بهداری
۸ـ مهندس جواد خادم احمدآبادی	وزیر مسکن و شهرسازی
۹ـ منوچهر آریانا	وزیر کار و امور اجتماعی
۱۰ـ ارتشبد جعفر شفقت	وزیر جنگ
۱۱ـ سیروس آموزگار	وزیر اطلاعات و جهانگردی
۱۲ـ مهندس لطفعلی صمیمی	وزیر پست و تلگراف و تلفن
۱۳ـ شاپور بختیار	وزیر کشور

مجلس در جلسهٔ روز سه‌شنبه ۲۷ دی‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، پس از طرح و بررسی برنامه دولت و موافقت با اجرای متن برنامه، به اکثریت ۱٤۸ رأی از ۲۰۵ رأی حاضر در جلسه به دولت بختیار ابراز تمایل و اعتماد کرد.[۹٦]

اشاره شد، همبستگی کلیه گروه‌های سیاسی ناراضی از حکومت شاه و پایداری توده‌های مبارز ایران، رهبری انقلاب اسلامی را که مرکزیت آن در پاریس قرار داشت، با گذشت سریع زمان به پیروزی قطعی نزدیک گردانید. در چنین جو و شرایطی، دکتر شاپور بختیار مسئولیت تشکیل دولت را پذیرفت.

پس از پذیرش پست نخست‌وزیری از طرف شاپور بختیار، شورای مرکزی جبهه ملی به ریاست دکتر کریم سنجابی که از پیش در پاریس با سران نهضت به توافق رسیده و تعهدهایی داشت، در داخل کشور نیز از طرف اعضای شورای انقلاب تحت فشار قرار گرفته بود، تشکیل جلسه داد. در آن جلسه اعضای جبهه ملی، شاپور بختیار را به علت قبول مقام نخست‌وزیری پادشاه، که بدون مشورت و تایید جبهه ملی پذیرفته بود ضمن انتشار اعلامیهٔ ذیل، نامبرده را از عضویت جبهه ملی برکنار ساختند.

«طبق گزارشهای رسیده، آقای دکتر شاپور بختیار، عضو جبهه ملی ایران بدون رعایت انضباط سازمانی، مأموریت تشکیل دولت را پذیرفته‌اند. جبهه ملی ایران به آن‌سان

۹٦ـ مجموعهٔ قوانین دورهٔ ۲٤ مجلس شورای ملی.

که اعلام کرده است نمی‌تواند باوجود نظام سلطنتی غیرقانونی با هیچ ترکیب حکومتی موافقت کند. شورای مرکزی جبهه ملی ایران ضمن تقبیح شدید اقدام آقای دکتر شاپور بختیار به آگاهی همگان می‌رساند که در این شرایط تشکیل دولت ایشان به هیچ روی با مصوبات آرمانی و سازمانی جبهه ملی ایران سازگاری ندارد، به‌همین دلیل از عضویت جبهه ملی بر کنار می‌شود.»

همزمان با قبول مسئولیت تشکیل دولت از طرف بختیار و قبل از تشکیل رسمی هیأت وزیران، در شهرستان مشهد در تاریخ ۹ دی‌ماه ۱۳۵۷، راه‌پیمایی و تظاهراتی به رهبری و دستور سید عبدالله شیرازی و آیت‌الله سیدحسن طباطبایی‌قمی که از مخالفان رژیم شاه بودند و تلاش حجت‌الاسلام سیدعلی خامنه‌ای و شیخ علی تهرانی که از یاران نزدیک آیت‌الله خمینی بودند برپا شد. این جنبش با مقابله و یورش نیروهای نظامی به تظاهرات خشونت‌آمیز تبدیل می‌گردد و سرانجام به کشته شدن تعداد بیشماری از افراد غیرنظامی و نیروهای انتظامی، و آتش زدن مراکز ارتشی و تانکها و نفربرها می‌گردد و ۳ تن از افراد مأمورین ساواک توسط مردم خشمگین شهر اعدام می‌شوند.

کنفرانس سران چهار کشور آمریکا، انگلستان، آلمان و فرانسه در جزیرهٔ گوادالوپ به دعوت ژیسکار دستن رئیس‌جمهور فرانسه تشکیل شد.

نتایجی که در پایان این کنفرانس از توافق سران این کشور حاصل شد بی‌تأثیر در سرنوشت پادشاه ایران نبود.

در این کنفرانس، رئیس‌جمهور فرانسه ضمن تایید و حمایت از انقلاب ایران و مخالفت با محمدرضا شاه و متذکر شدن اشتباه‌ها و مفاسد مقام سلطنت که موافقت ضمنی و کامل سران آمریکا و انگلستان (کارتر ـ کالاهان) و عدم تایید آن از طرف رهبر آلمان همراه بود، درنهایت رهبران سه کشور مذکور، با توجه به اقدامات احتمالی دولت اتحاد جماهیر شوروی، و به‌منظور جلوگیری از اغتشاش و خونریزی بیشتر، متفقاً بر لزوم خروج محمدرضاشاه از کشور به توافق رسیدند.

تلاش دولت بختیار برای درهم شکستن اعتصابها، و با برپایی تظاهرات به‌طرفداری از نامبرده در تاریخ ۱۷ دی‌ماه، و آزادسازی جمعی دیگر از زندانیان سیاسی، در برابر تظاهرات گسترده نهضت انقلابی با شعار، استقلال، آزادی، حکومت اسلامی، در تاریخ ۱۸ دی‌ماه و نیز پیام رهبر انقلاب از پاریس که در تاریخ ۲۲ دی‌ماه ۱۳۵۷

شمسی، مبنی بر عدم پذیرش دولت بختیار، و اعلام رئوس برنامه سیاسی نهضت اسلامی منتشر شد[۹۷] تدابیر و فعالیت نامبرده را بی‌اثر می‌ساخت.

شورای سلطنت، که ازجمله پیشنهادات و شرایطی بود که سرانجام پادشاه در طی مذاکره با بختیار با آن موافقت کرد، روز یکشنبه ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۷ شمسی در حضور پادشاه تشکیل جلسه داد. و اعضای شورای مذکور مرکب از دکتر محمد سجادی (رئیس مجلس سنا)، دکتر شاپور بختیار، دکتر جواد سعید (مجلس شورای ملی)، علیقلی اردلان، عبدالله انتظام، ارتشبد قره‌باغی (رئیس ستاد ارتش)، دکتر علی‌آبادی، سیدجلال‌الدین تهرانی، محمد وارسته بودند.

قبول شرط دیگر نخست‌وزیری شاپور بختیار، مبنی بر خروج پادشاه از کشور تا زمان حرکت به‌طور رسمی انتشار نیافت.

روز ۲۴ دی‌ماه ۱۳۵۷، به پیشنهاد آیت‌الله طالقانی و سایر گروه‌های سیاسی و روشنفکران مخالف رژیم، دانشگاه تهران با سخنرانی، رهبران جبهه ملی، جامعه حقوقدانان، کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر، نهضت آزادی بازگشایی شد. و دانشگاه تهران همچون گذشته‌های دور و نزدیک، مرکز تجمع و فعالیت و پایگاه گروه‌های مختلف سیاسی قرار گرفت.

دولت بختیار، روز ۲۵ دی‌ماه ۱۳۵۷ به مجلس سنا معرفی شد و در همین تاریخ مجلس به دولت رأی اعتماد داد.

شاپور بختیار در جلسه مورخ دوشنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ مجلس شورای ملی برای معرفی هیأت وزیران و گرفتن رأی اعتماد حضور یافت. مجلس در تاریخ سه‌شنبه ۲۷ دی‌ماه با اکثریت ۱۴۸ رأی از ۲۰۵ رأی حاضر در جلسه به دولت بختیار ابراز اعتماد کرد.[۹۸]

روز دوشنبه ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، محمدرضاشاه به‌اتفاق شهبانو فرح عازم

۹۷ـ دولت کنونی که منصوب شاه مخلوع و مجلسین غیرقانونی می‌باشد، هرگز مورد قبول مردم نخواهد بود و همکاری با این دولت غاصب به هرشکل و هر نحوی شرعاً حرام و قانوناً جرم است. همانطوری که کارمندان مبارز بعضی از وزارتخانه‌ها و ادارات عمل کرده‌اند، باید از اطاعت وزرای غاصب سرپیچی نموده و در صورت امکان آنان را به وزارتخانه راه ندهند.

۹۸ـ مجموعه قوانین دورهٔ بیست و چهارم مجلس شورای ملی.

کشور مصر که رئیس‌جمهور آن انورسادات آماده پذیرایی از آنها بود شدند.

پس از خروج پادشاه از کشور ایران، در پاریس از طرف رهبر انقلاب اعلامیه‌ای بدین شرح منتشر گردید:

۱- خروج شاه از ایران، اولین مرحلهٔ پایان یافتن سلطه جنایت‌بار پنجاه ساله رژیم پهلوی است که به‌دنبال مبارزات قهرمانانه ملت ایران صورت گرفته است. من این پیروزی مرحله‌ای را به ملت ایران تبریک می‌گویم و بیانیه‌ای خطاب به ملت صادر خواهم کرد.

۲- ما به‌زودی دولت موقت انتقالی را برای اجرای انتخابات مجلس مؤسسان و تصویب قانون اساسی جدید معرفی می‌کنیم.

۳- بازگشت من به ایران در اولین فرصت مناسب انجام خواهد شد.

دکتر شاپور بختیار نخست‌وزیر، پس از خروج شاه از کشور و کسب رأی اعتماد از هر دو مجلس، عده‌ای از سفیران پادشاه را در ممالک خارجی برکنار کرد.

روز ۲۹ دی‌ماه که مصادف با اربعین بود، در راه‌پیمایی و اجتماع عظیمی از گروه‌های مختلف که از میدان فوزیه (میدان امام حسین) تا میدان شهیاد (میدان آزادی فعلی) انجام شد، که در عین‌حال واکنشی از طرف دولت و نیروی ارتش درپی نداشت و قطعنامه‌ای به مضمون زیر منتشر شد که مورد پذیرش توده‌های مردم قرار گرفت.

۱- غیرقانونی بودن خاندان پهلوی و خلع شاه از سلطنت.

۲- مردود بودن نظام سلطنت غیرقانونی، و تأکید بر خواست برقراری حکومت جمهوری اسلامی.

۳- تایید شورای انقلاب اسلامی و درخواست معرفی اعضای آن و دولت موقت .

٤- غیرقانونی بودن دولت بختیار.

۵- تأکید بر «کاملاً اسلامی» بودن ماهیت قیام و دعوت از قشرها و گروه‌های آزادیخواه برای پرهیز از اختلاف و پراکندگی.

٦- دعوت از ارتشیان برای پیوستن به مردم.

۷- خواست برقراری روابط حسنه با همهٔ ملتها، به‌شرط آن‌که دولتهایشان در مبارزه ملت قهرمان ایران کارشکنی نکنند.

۸- وکلای غیرقانونی مجلسین از رفتن به خانهٔ ملت خودداری کنند.

۹ـ آنها که در شورای سلطنت غیرقانونی عضویت گرفته‌اند، باید غیرقانونی بودن سمت خود را اعلام دارند. از نظر ملت همه مسئولیت‌های مملکت باید در دست شورای انقلاب اسلامی باشد که امام خمینی تعیین می‌کند.

شورای سلطنت، به ریاست سید جلال‌الدین تهرانی، با مسافرت نامبرده به‌تاریخ ۳۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ به کشور فرانسه به‌قصد ملاقات و تبادل نظر با آیت‌الله خمینی، در عمل به‌طور رسمی کار خود را آغاز نکرد و رئیس آن روز اول بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی استعفای خود را به رهبر انقلاب تقدیم داشت.

روز ۳۰ دی‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، ژیسکار دستن رئیس‌جمهور فرانسه اولین رهبر خارجی بود که انقلاب و مبارزات ملت ایران را تایید کرد.

روز ۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، تظاهراتی به طرفداری بختیار در میدان بهارستان با شعار (قانون اساسی خون‌بهای شهیدان مشروطیت) (خدا ـ قرآن ـ محمد) صورت گرفت.

به‌دستور نخست‌وزیر، جامبوجت هواپیمایی ملی ایران که برای برگرداندن آیت‌الله خمینی آماده پرواز به پاریس بود، در فرودگاه متوقف شد.

عدم اجازه پرواز هواپیما، تظاهرات و جنبشهای خیابانی بر ضد دولت از نو برقرار شد. مردم برای خلع سلاح ژاندارمری، به فعالیت پرداختند. چون با مقاومت مسئولین ژاندارمری روبرو گردیدند، به مقاومت برخاستند. در این رویارویی عده‌ای کشته و جمعی مجروح شدند. دامنهٔ تظاهرات به سایر شهرستانها نیز کشانده شد.

سرانجام روز ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، آیت‌الله خمینی پس از ۱۵ سال تبعید در میان استقبال بی‌نظیر گروه‌های مختلف اجتماع به پایتخت ایران وارد شد. و در بهشت زهرا ضمن نطق تاریخی خود، عدم پذیرش بختیار را به‌عنوان رئیس دولت اعلام کرد. و برنامه کار سیاسی خود را که تشکیل دولت موقت به‌منظور تشکیل مجلس مؤسسان، برگزاری انتخابات برای تدوین قانون اساسی جدید و ریاست جمهوری بیان کرد.

روز ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، حکم انتصاب مهندس مهدی بازرگان به‌عنوان نخست‌وزیر موقت به‌شرح زیر از طرف رهبر انقلاب صادر شد:

جناب آقای مهندس مهدی بازرگان

بنا به پیشنهاد شورای انقلاب برحسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرای

اکثریت قاطع قریب به‌اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده است، و به موجب اعتمادی که به ایمان راسخ شما به مکتب مقدس اسلام و اطلاعی که از سوابقتان در مبارزات اسلامی و ملی دارم، جنابعالی را بدون درنظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروه خاص مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم تا ترتیب ادارهٔ امور مملکت و خصوصاً انجام رفراندوم و رجوع به آرای ملت دربارهٔ تغییر نظام سیاسی کشور به جمهوری اسلامی و تشکیل مجلس مؤسسان از منتخبین مردم جهت تصویب قانون اساسی نظام جدید و انتخاب مجلس نمایندگان ملت برطبق قانون اساسی جدید را بدهید.

مقتضی است که اعضای دولت موقت را هرچه زودتر، با توجه به شرایطی که مشخص نموده‌ام تعیین و معرفی نمایید. کارمندان دولت و ارتش و افراد ملت با دولت موقت شما همکاری نموده و رعایت انضباط را برای وصول به اهداف مقدس انقلاب و سازمان یافتن امور کشور خواهند نمود. موفقیت شما و دولت موقت را در این مرحلهٔ حساس تاریخی از خداوند متعال مسئلت دارم.

روح‌اللهالموسوی خمینی

توافق ارتشبد قره‌باغی و مقدم و ارتشیان میانه‌رو با دولت انتقالی مهندس بازرگان بیش از پیش به تضعیف دولت شاپور بختیار انجامید و پس از تشکیل اجتماعات و برپایی تظاهرات خیابانی به‌منظور پشتیبانی از دولت بازرگان و نیز اعلام همبستگی سازمانهای سیاسی ازجمله سازمان چریکهای فدایی خلق با دولت موقت با خروج از دانشگاه تهران، در روز ۲۰ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، نخست‌وزیر موقت در دانشگاه تهران و ضمن سخنرانی، برنامهٔ دولت موقت و وظایف اصلی آن را به شرح زیر بیان کرد:

۱ـ احراز و انتقال قدرت

۲ـ ارایه و اثبات قانونیت (رفراندوم)

۳ـ احیا و اداره و اصلاح مملکت

٤ـ انتخاب مجلس مؤسسان و ارجاع به آرای عمومی برای تدوین و تصویب قانون اساسی جدید

۵ـ انتخابات مجلس شورای ملی

۶ـ استعفاء و تحویل کار به رئیس‌جمهور و به دولت رسمی بعد.

مهندس بازرگان در سخنرانی خود، ضمن اشاره به حوادث اخیر ایران و کشتارهای فراوان آن از دکتر شاپور بختیار خواست که با انقلاب همراه شده و استعفا دهد.

شب ۲۱ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، از طرف همافران و افراد نیروی هوایی، تظاهراتی به طرفداری نهضت اسلامی، در داخل محوطه نیروی هوایی انجام گرفت که با مقابله فرمانداری نظامی همراه با گارد روبرو شد. و در این جریان چند تن از دو طرف کشته و مجروح گردیدند.

سرانجام در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷، قیام مردمی و عقب‌نشینی نیروی نظامی و گارد شاهنشاهی، و تصرف اسلحه‌خانهٔ نیروی هوایی از طرف افراد گروه‌های سیاسی، و پیام رهبر انقلاب مبنی بر ندیده گرفتن اعلامیهٔ حکومت نظامی، از مردم خواست که در خیابانها بمانند و مقررات حکومت نظامی را رعایت نکنند.

روز ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی، فرماندهان نظامی کشور تشکیل جلسه دادند و با صدور اعلامیهٔ زیر، انصراف ارتش و نیروی انتظامی را از رویارویی با توده‌های مختلف مردم ابراز داشتند.

«ارتش ایران وظیفه دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور عزیز ایران را داشته و تاکنون در آشوبهای داخلی سعی نموده است با پشتیبانی از دولتهای قانونی، این وظیفه را به‌نحو احسن انجام دهد. با توجه به تحولات اخیر کشور، شورای عالی ارتش در ساعت ۱۰/۳۰ امروز ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی تشکیل و به‌اتفاق آراء تصمیم گرفته شد که برای جلوگیری از هرج و مرج و خونریزی بیشتر، بیطرفی خود را در مناقشات سیاسی فعلی اعلام و به یکانهای نظامی دستور داده شد، به پادگانهای خود مراجعه نمایند. ارتش ایران همواره پشتیبان ملت شریف و نجیب و وطن‌پرست ایران بوده و خواهد بود. و از خواسته‌های ملت شریف با تمام قدرت پشتیبانی می‌نماید.»

با انتشار اعلامیهٔ ارتش، نیروی نظامی گارد نخست‌وزیری محل خدمت خود را ترک کردند. دکتر شاپور بختیار نیز با از دست دادن دو پایگاه: مجلس شورای ملی که نمایندگان آن استعفا داده بودند و نیروی ارتش، به‌ناچار از صحنهٔ سیاسی کشور خارج گردید.

و با پیروزی انقلاب ملت ایران، حکومت سلطنتی مشروطه سقوط کرد. و نظام شاهنشاهی در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ شمسی به حکومت جمهوری اسلامی تبدیل شد.

بخش سوم

نقش هیأت وزیران

فصل ششم

برنامه‌های عملی هیأت وزیران مشروطه

تعیین خط مشی فعالیت اساسی و اصولی دولتها به‌صورت یک برنامه جامع و سنجیده با هدفهای مشخص و مطلوب و رسمیت یافتن آن از طریق ارایه به قوه قانونگذاری و تصویب آن توسط نماینده‌گان را باید از شروع دولت میرزا احمدخان مشیرالسلطنه (به‌تاریخ ۲۴ شهریورماه ۱۲۸۶) به‌دنبال پیشنهاد سیدحسن تقی‌زاده نماینده مجلس شورای ملی وقت که برای اولین‌مرتبه مطرح و عنوان شد مورد مطالعه و تحلیل قرار داد.

بررسی‌هایی که در تعیین ارزش کمی و کیفی مواد برنامه‌های هر دولت در طی اعصار سه‌گانه متمایز مشروطیت انجام گرفت، مبین هشیاری روزافزون دولتها به مسأله پیچیده‌گی و تعدد مسئولیت‌ها می‌باشد.

ازپیش در مبحث وزارت و فونکسیون آن در ایران بیان داشتیم[1] وظایف دولتها همزمان با تغییرات و دگرگونی اوضاع اجتماعی و اقتصاد جامعه‌ها متغیر می‌گردد و نیز اشاره کردیم صنعتی شدن کشورها و توسعه اقتصاد صنعتی خودبه‌خود در چگونگی و توسعه وظایف دولتها و همچنین کیفیت انجام وظیفه تشکیلات مختلف دولتی تأثیر شایان توجه می‌گذارد و دولتها همزمان با افزایش خدمات عمومی بیش از پیش ناگزیر به مداخله در امور عمومی و اجتماعی که زاییده نیاز جامعه‌ها می‌باشد می‌سازد.

۱ـ جلد نخست کتاب وزارت و وزیران در ایران.

چنانچه در جامعه ایران عصر مشروطیت پدیده مذکور را منظور بداریم بررسی جداول آماری ما درباب برنامه دولتها که برای وصول به هدفهای اجتماعی عصر و دوران خود تنظیم شده است و هریک از مواد آن پاسخگوی یکی از هدفها و نیازهای اجتماعی و اقتصادی زمان خود می‌باشد.نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل برنامه‌ها بیانگر کیفیت و ترتیب توزیع انتخاب بهترین راه نیل به هدف و گسترش فعالیتهای هر دولت در زمینه‌های مختلف می‌باشد.

از ملاحظه جدول شماره ۱ به‌خوبی برمی‌آید که مشغله اساسی دولتها، پیشرفت و رشد اقتصادی کشور بوده است و این مطلب خصوصاً در عصر سوم که مصادف با دوران برنامه‌ریزی اقتصادی کشور (۳۴-۱۳۲۷ و ۴۱-۱۳۳۴-۱۳۴۶-۱۳۴۱ و ۱۳۴۶) می‌باشد با اهمیت خاص و تأکید بیشتر دیده می‌شود و ما ضمن ارایه جداول آماری مربوط به بودجه کل مملکت و کیفیت تخصیص مصارف آن در تایید این پدیده سخن خواهیم راند که چگونه دولتها در سالهای انحطاط اقتصادی که پس از جنگ بین‌الملل اول و دوم روی داد به‌دنبال توسعه سازمانهای اقتصادی برای اجرای طرحهای توسعه کشاورزی و صنعتی و به بیانی دیگر ازدیاد تولیدات ملی و ایجاد راه‌های ارتباطی و تجهیز نیروی انسانی گامهای مؤثر برداشتند.

نکتهٔ مهم دیگری که از این جدول و جداول دیگر ما به‌دست می‌آید، این است که نه فقط از آغاز دوران برنامه‌ریزی در برنامه اول (۱۳۳۴-۱۳۲۷) مسأله تحول اداری مورد توجه و تأکید خاص دولتها بوده بلکه قبل از آن هم تلاش دولتها جهت بهبود وضع کارمندان، یا اصلاح امور اداری و یا تجدید سازمانهای مملکتی مطمح نظر اولیاء امور بوده و جای مهمی را در برنامه‌های دولت اشغال کرده است به‌طوری‌که ۱۲۴ مواد از ۸۷۵ ماده برنامه دولت‌ها (۱۴/۲ درصد) را تشکیل می‌دهد.

هدف دولتها که رفع نیاز جامعه است خود به‌خود مسأله درآمد و امور مالی کشور را مطرح می‌سازد. بحرانهای مالی که به‌دنبال عوامل متعدد اجتماعی و سیاسی به‌ویژه در دوران اول و سوم مشروطیت در کشور به‌وجود آورد موجب گردید که قسمت اعظمی از مواد برنامه دولتها را در مرحله سوم از اکثریت دربر گیرد (۱۱/۸۲ درصد).

جدول شمارهٔ ۱ ـ ترکیب مواد برنامه‌های دولتها در طول حکومت مشروطه

تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد
تعداد برنامه‌ها	۴۱	
امور اقتصادی کشور	۲۱۲	۲۴/۲
« اداری و مدیریت کشور	۱۲۴	۱۴/۲
« مالی و بانکداری	۱۰۴	۱۱/۹
« برنامه‌ریزی رفاه و امور اجتماعی	۱۰۵	۱۲/۰۰
« فرهنگی و تعلیم و تربیت	۷۴	۸/۴
« سیاست بین‌المللی	۶۱	۷/۰
« قضایی	۵۵	۶/۳
« حفظ امنیت داخلی کشور	۵۳	۶/۰۰
« ارتباطات و مخابرات	۳۸	۴/۳
« برنامه‌ریزی و طرحهای عمرانی	۲۰	۲/۳
« قوانین بطور اعم و کلی	۲۶	۳/۱
« متفرقه	۳	۰/۳۴
جمع کل مواد برنامه‌ها	۸۷۵	۱۰۰

پدیده جالب توجه دیگری که از آمار جداول ما برمی‌آید، روشنگر این نکته است که تمرکز اداری به دوران مشروطیت،دولت را به مهمترین سازمان رفاه عمومی تبدیل کرده است و مسأله رفاه عمومی و برنامه‌ریزی اجتماعی، که خصوصاً در عصر سوم در برنامه‌های دولتها عنوان شده و اهمیت یافته است، نشانه آن است که مسأله کاهش فواصل طبقاتی و بهره‌مند کردن عامه مردم از ثمرات رشد اقتصادی و اجتماعی بیشتر مورد نظر و توجه هیأت وزیران عصر سوم قرار گرفته است تا عصر اول و دوم مشروطیت.

نکتهٔ درخور تذکر در داده‌های آماری ما، عدم گنجاندن مواد مربوط به تأمین

عدالت قضایی در برنامه‌ریزی دولتها می‌باشد. حال آنکه اهمیت این پدیده در هر نظام سیاسی نوپا و به‌طور اصولی در هر جامعه‌ای، ضرورت عطف توجه دولتها را ایجاب می‌کند. به‌ویژه که بعد از انقلاب مشروطیت، انتظار عمومی از دولتهای قانونی وقت، نوید اعطای برنامه‌های تأمین امنیت قضایی و گسترش سازمانهای آن بیش از هر زمان دیگر بوده است.

باتوجه به این واقعیت، جدول شماره ۱ که منعکس‌کننده نتایج آماری ناشی از تجزیه و تحلیل برنامه‌های پیشنهادی دولتها به مجلس شورای ملی می‌باشد، از هدفهای مطروحه در برنامه‌ها تنها به ۵۵ مواد از کل ۸۷۵ مواد برنامه‌های در طول حکومت مشروطه اشاره به تنظیم قوانین قضایی و استقرار امنیت قضایی شده است. (با نسبت ۶/۲۵ درصد کل مواد برنامه‌ها) که این خود درخور تأمل می‌باشد.

اضافه کنیم که دولتها، از تأمین امنیت عمومی در اهداف و برنامه‌های خود همچون امور تأمین‌کننده عدالت اجتماعی، کمتر سخن گفته‌اند، به‌طوری‌که کمی بیش از ۶ درصد کل مواد برنامه‌های پیشنهادی به مجلس شورای ملی را در دوران مشروطیت شامل می‌گردد.

چنانچه توجه را به هر یک از اعصار سه‌گانه تاریخ سیاسی مشروطیت معطوف بداریم جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که رئوس برنامه دولتها به‌طور متوسط دائماً، رو به افزایش بوده و از ۱۸۲ ماده برای ٦١ کابینه در عصر اول مشروطیت (به‌طور متوسط ۲/۹) به ٦٤ مورد برای ۱۵ کابینه در دوره دوم مشروطیت (به‌طور متوسط ۵/۹) و به ۲۹ ماده برنامه برای ٤٢ کابینه در عصر سوم رسیده است. (١٤/٩٨ حدود ۱۵ ماده متوسط در عصر سوم)

این مطلب حاکی از چند نکته است.

الف ـ همچنانکه بیان داشتیم روشنگر توسعه و گسترش هدفهای رهبران سیاسی و هشیاری بیش از پیش آنها به پیچیدگی و تعدد مسئولیتها و وظایفی می‌باشد که برعهده آنان محول شده است.

ب ـ نکته دیگر، اهمیت یافتن فوق‌العاده مواد برنامه‌های مربوط به اموری همچون: امور اقتصادی ـ رفاه اجتماعی ـ امور اداری و مدیریت و سیاست بین‌المللی، می‌باشد. درحالی‌که اهمیت بعضی امور همچون حفظ امنیت داخلی در طول زمان تفاوت

نیافته و حتی در زمان حکومت رضاشاه که امنیت و تمرکز سیاسی شدیدی در مملکت برقرار بود کمتر ذکری از موضوع تأمین و گسترش امنیت در برنامه‌های دولت رفته است. نکته دیگر بعضی از امور، چون برنامه‌ریزی از اختصاصات عصر سوم مشروطیت می‌باشد.

جدول شمارهٔ ۲ - ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد برنامه	۱۰		۴		۲۷		۴۱	
موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
امور اقتصادی کشور	۱۴	۷/۷	۲۶	۴۰/۶	۱۷۲	۲۷/۴	۲۱۲	۲۴/۲
امور اداری و مدیریت	۲۳	۱۲/۸	۳	۴/۷	۹۸	۱۵/۶	۱۲۴	۱۴/۲
امور مالی و بانکداری	۳۳	۱۸/۱	۳	۴/۷	۶۸	۱۰/۸	۱۰۴	۱۱/۹
» برنامه‌ریزی امور اجتماعی و رفاه	۴	۲/۲	۳	۴/۷	۹۸	۱۵/۶	۱۰۵	۱۲/۰۰
» فرهنگی و تعلیم و تربیت	۲۷	۱۴/۸	۹	۱۴/۱	۳۸	۶/۰	۷۴	۸/۵
» سیاست بین‌المللی	۱۱	۶/۰	۵	۷/۸	۴۵	۷/۱	۶۱	۷/۰
» قضایی	۲۶	۱۴/۳	۴	۶/۳	۲۵	۴/۰	۵۵	۶/۳
» حفظ امنیت داخلی کشور	۲۵	۱۳/۷	۱	۱/۶	۲۷	۴/۳	۵۳	۶/۰
» ارتباطات و مخابرات	۹	۴/۹	۸	۱۲/۵	۲۱	۳/۳	۳۸	۴/۳
» برنامه‌ریزی و طرحهای عمران	-	-	-	-	۲۰	۳/۲	۲۰	۲/۳
» قوانین بطور اعم و کلی	۱۰	۵/۵	۱	۱/۶	۱۵	۲/۴	۲۶	۳/۰
» متفرقه	-	-	۱	۱/۶	۲	۰/۳	۲	۰/۳
جمع کل مواد برنامه‌ها	۱۸۲	۱۰۰	۶۴	۱۰۰	۶۲۹	۱۰۰	۸۷۵	۱۰۰

میزان اهمیت و افزایش روزافزون هر یک از موارد مذکور در فوق را می‌توان با ارایه نسبتهای مذکور در هر یک از آمار اعصار سه‌گانه مشروطیت یافت.

طی دوره ۱۳۰٤-۱۲۸۵ شمسی که ما از آن به عصر اول مشروطیت یاد می‌کنیم آنچه بیش از همه مورد توجه دولتها بوده و در برنامه خود از آن سخن رانده‌اند، بالا بودن نسبت مواد برنامه دولتها درباب تنظیم و تأمین و بهبود امور مالی (با نسبت بیش از ۱۸ درصد) و در درجات بعدی توسعه و پیشرفت فرهنگ و تأمین عدالت قضایی هر یک به‌ترتیب با بیش از ١٤ درصد بوده است. علت اساسی آن بی‌شبهه مسأله بحران مالی کشور که زاییده عوامل اجتماعی و سیاسی چند به دوران مورد بحث ما از سویی، و تأمین نیروی انسانی و نیاز به افراد متخصص و کاردان،لزوم بهره‌مندی عامه و توده‌ها از تعلیم و تربیت در سطوح مختلف از سوی دیگر باید دانست. این چنین عوامل، توجه به این اصول را طبعاً در آغاز حکومت ملی فکر رهبران انقلاب و درنتیجه رؤسای دولتها را به خود مشغول داشته است،و انعکاس این پدیده، در اهداف و برنامه‌های دولت را امری طبیعی جلوه می‌دهد.

استقرار نظم و حفظ امنیت داخلی نیز از زمره مواردی است که دولتهای دوران قاجار را به خود مشغول داشته و برای جلب افکار عمومی و تأمین خواستهای ملی در برنامه خود از آن سخن گفته‌اند و نسبت این ماده حدود ١٤ درصد در این عصر را تشکیل می‌دهد.

در مراحل بعدی از اکثریت، از توجه دولتها به امر مدیریت و سازمان بخشیدن به تشکیلات اداری می‌توان سخن گفت. نظر به ارقام جدول شماره ۲، نسبت حدود ۱۳ درصد مواد برنامه‌ها مربوط به امور اداری و مدیریت می‌باشد که به زبان آماری تایید مطلب را می‌نماید.

ناسازگاری داده‌های آماری جداول مربوط به برنامه‌های پیشنهادی دولتها، با عوامل اجتماعی و سیاسی این عصر را نکته درخود تذکر می‌داند. به بیانی روشنتر، با تحول حکومت ایران که بی‌نصیب از نفوذ و رقابت سیاسی دولتهای خارجی نبوده است. و همچنین بروز جنگ جهانی اول و تأثیر این عامل در اقتصاد و سیاست بین‌المللی کشور و عدم انعکاس این پدیده در برنامه‌های پیشنهادی دولتها به مجلس شورای ملی، نکته درخور مداقه و بحث‌انگیز می‌باشد.

به‌موجب، یافته‌های پژوهش حاضر و ارقام مواد برنامه‌ها در جدول شماره ۲، مربوط به عصر اول مشروطیت، چنین به‌نظر می‌رسد که نسبت ۷/۷ درصد مواد مربوط به امور اقتصادی و ٦ درصد از آن حفظ مناسبات بین‌المللی و تعیین خط مشی سیاست خارجی دولتها، مطرح‌شده در برنامه‌های مورد نظر بسیار اندک بوده است.

چنانچه عصر دوم مشروطیت را ملحوظ بداریم، از نظر ترکیب کلی مواد برنامه سهم امور اقتصادی ۲٦ ماده از ٦٤ ماده برنامه دولتها می‌باشد و با نسبت بیش از ٤٠ درصد درجه اول اکثریت را نشان می‌دهد. بی‌شبهه این عامل تأثیر عمیقی در جریان رشد اقتصادی و گسترش جنبه‌های مختلف آن به‌ویژه اقتصاد بازرگانی و کشاورزی به‌شرحی که خواهد آمد گردید. و حال آنکه این ماده به دوران گذشته همچنانکه در فوق اشاره شد نشان‌دهنده رکود اقتصادی بوده و تنها ١٤ ماده از ١٢٨ ماده برنامه‌های دولتهای عصر اول را دربر می‌گرفته است (۷/۷ درصد) که در مقام مقایسه با عصر دوم مشروطیت قابل توجه است.

در این دوران امور فرهنگی نیز همچون دوره حکومت قاجاریان نقطه عطف توجه دولتها بوده و با نسبت ١٤ درصد درجه دوم اهمیت را نشان می‌دهد.

از ویژگیهای این عصر کاهش سهم مواد مربوط به اموری همچون تأمین عدالت قضایی و امور اداری و امور مالی می‌باشد. به‌طوری که به‌ترتیب از ١٤/٣ درصد امور قضایی دوره اول به ٦/٣ درصد به دوران دوم و از ١٢/٨ درصد امور اداری دوره اول به ٤/٧ درصد و از ١٨/١ درصد امور مالی دوره اول به ٤/٧ درصد به دوران دوم مشروطیت رسیده است. درحالی که امور مربوط به ارتباطات و مخابرات قسمت اعظمی از مواد برنامه‌های این دوره را در درجات سوم اهمیت با نسبت ١٢/٥ درصد دربر می‌گیرد.

انعکاس توجه دولت به این امر به‌ویژه مسأله راه‌سازی در برنامه‌های مالی دولت نیز که به‌جای خود به‌تفصیل خواهد آمد دیده می‌شود.

از خصوصیات دوران سوم مشروطیت و حکومت پهلوی دوم، توجه هیأت دولتها به اموری همچون رفاه عامه و بسط برنامه‌ریزی تأمین خدمات اجتماعی و همچنین تغییرات سازمانی و اصلاحات اداری و مدیریت می‌باشد. به‌طوری که بعد از امور اقتصادی که ١٧٢ ماده از ٦٢٩ ماده برنامه‌های این عصر را دربر گرفته (۲۷/۳٥ درصد) امور

اداری با ۹۸ ماده از مجموع ۶۲۹ ماده (۱۵/۶ درصد) و رفاه عمومی با ۹۸ ماده (۱۵/۵۸ درصد) در درجات دوم و سوم اکثریت قرار گرفته‌اند و حال آن‌که همچنانکه ازپیش بیان داشتیم مسأله تأمین رفاه عامه و بازرسی نوین دولت در خدمات اجتماعی از ویژگیهای عصر سوم مشروطیت است.

ازپیش اشاره شد طرح و برنامه‌ریزی طویل‌المدت عمرانی کشور از ویژگیهای عصر سوم مشروطیت و آغاز آن را از سال ۱۳۲۷ شمسی با پیدایش تشکیلاتی به‌نام سازمان برنامه باید دانست و به‌طوری‌که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد ۲ ماده از ۶۲۹ مواد برنامه دولتهای عصر سوم مشروطیت اختصاص به این امر دارد.

بحران مالی در این دوره از تاریخ همچون عصر اول مشروطیت، موجب گردید قسمت قابل توجهی از مواد برنامه‌های پیشنهادی دولتها به مجلس شورای ملی برای حصول به هدف تأمین اعتبار مالی دولت مصروف گردد.

ملاحظه جداول مربوط به هر یک از مواد برنامه نکاتی دیگر را بر ما عرضه می‌دارد. از جدول شماره ۳ و جداول فرعی آن‌که مربوط به امور اقتصادی برنامه‌های دولت است چنین برمی‌آید که از جمع ۲۱۲ مواد مربوط به سیاست اقتصادی مندرج در برنامه‌های دولت، ۹۳ مورد آن در زمینه امور کشاورزی و آبیاری است و ۵۲ مواد مربوط به امور بازرگانی می‌باشد و حال آن‌که از اقتصاد صنعتی و نفت کمتر سخن رفته است (۴۸ ماده از ۲۱۲ مواد مربوط به امور اقتصادی) و این خود نشان می‌دهد که مسأله کشاورزی و آبیاری به‌منظور اصلاح و توسعه سریع تولیدات کشاورزی برای اصلاح توسعه اقتصاد کلی مملکت مطمح نظر دولتها بوده است.

باید افزود که پاره‌ای از دولتها، هنگام طرح برنامه و ارایه آن به مجلس شورای ملی، راجع به مسایل اقتصادی مملکت به مطالعه در امور اقتصادی جلب سرمایه‌های خارجی و اجرای برنامه‌های تولیدی و اموری جز اینها را که ما از آن با عنوان اقتصاد کشور به‌طور کلی نام برده‌ایم با تعدادی معادل ۲۹ ماده از ۲۱۲ ماده اقتصادی آورده‌اند.

هرآینه به توزیع این امور در هر عصر بپردازیم ملاحظه خواهیم کرد که در عصر اول مشروطیت مشغله‌های ناشی از عدم امنیت و بی‌ثباتی سیاسی به دولتها اجازه عطف توجه به مسایلی همچون ترویج و توسعه اقتصاد کشاورزی و صنعتی نمی‌داده است. سه ماده از مجموع ۱۴ ماده امور اقتصادی دوره مورد بحث چنانچه در تقسیمات اقتصاد

صنعتی آمده است مربوط به سیاست کلی دولت دربارهٔ نفت می‌باشد و آنچه بیش از همه دولتهای عصر اول را در باب اقتصاد کشور به خود مشغول می‌داشته است مسایلی همچون امور بازرگانی است که ۹ ماده از ١٤ ماده برنامه دولتها را از موادی، همچون تهیه و تدوین و مقررات مربوط به توسعه اقتصاد بازرگانی و تشکیل سازمانهای تجارتی و همچنین توجه به امر صادرات کشور را تشکیل می‌دهد.

جدول شمارهٔ ۳ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های اقتصادی دولت در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
برنامه‌های اقتصاد کشاورزی	–	–	۱۱	۴۲/۳	۸۲	۴۷/۷	۹۳	۴۳/۹
« « بازرگانی	۹	۶۴/۳	۸	۳۰/۸	۳۵	۲۰/۴	۵۲	۲۴/۵
« « صنعتی و معدنی	۳	۲۱/۴	۴	۱۵/۴	۴۱	۲۳/۸	۴۸	۲۲/۶
« اقتصاد بطور اعم	۲	۱۴/۳	۳	۱۱/۵	۱۴	۸/۱	۱۹	۹/۰
جمع کل مواد برنامه اقتصادی	۱۴	۱۰۰	۲۶	۱۰۰	۱۷۲	۱۰۰	۲۱۲	۱۰۰

و حال آنکه به دوران سکوت و ثبات سیاسی و سلطنت رضاشاه که دوران توسعه اقتصادی کشور است، از میان ٢٦ ماده برنامه که درباب امور اقتصادی است امور کشاورزی با ١١ ماده در درجه اول توجه دولتها را به خود مشغول داشته و سهم امور بازرگانی با ٨ ماده، صنایع و معادن با ٤ ماده در درجات بعدی از اکثریت قرار دارند.

چنانچه عصر سوم مشروطیت و دوران سلطنت محمدرضاشاه را از نظر کیفیت ترکیب مواد برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور ملحوظ بداریم، متوجه می‌شویم، با اینکه همانند عصر اول مشروطیت مسأله کشاورزی و آبیاری بیش از مواد دیگر امور اقتصادی مورد توجه دولتها قرار گرفته است و ٨٢ ماده از ١٧٢ ماده (حدود ٤٨ درصد) را دربر می‌گیرد، با اینهمه به خلاف دوران اول و دوم مشروطیت، سیاست گسترش تولیدات

صنعتی و معدنی در این عصر بیش از پیش و بتدریج اهمیت فوق‌العاده پیدا می‌کند، به‌نحوی که ٤۱ ماده از جمع مواد برنامه‌های اقتصادی دولتهای عصر سوم را دربر می‌گیرد (با نسبت ۲۳/۸٤ درصد).

حال آن که اقتصاد بازرگانی، اهمیت دو دورهٔ قبلی خود را از نظر اکثریت مواد آماری مربوط به برنامه مورد نظر ما، از دست می‌دهد و با رقم ۳۵ ماده (با نسبت ۲۰/۳۵ درصد) در ردیف سوم از اکثریت در دوران سوم مشروطیت قرار می‌گیرد.

* * *

هرآینه جنبه تحول سازمانهای اداری و امور مربوط به مدیریت را در مجموع برنامه‌ها ملحوظ بداریم به‌موجب جدول شماره ٤، این نکته به‌دست می‌آید که اهم برنامه دولتها در این زمینه معطوف به اصلاح تشکیلات اداری است تا مسایل مربوط به کارمندان دولت، به‌طوری که از جمع ۱۲٤ ماده مربوط به امور اداری ۷۷ مورد، (با نسبت ٦۲ درصد) توجه به اصلاح و تجدید نظر در سازمان کشور، و تشکیلات وزارتی (با ۲۵ ماده) و سازمانهای داخلی هر وزارتخانه (با ۵۲ ماده) است و تنها ٤٦ ماده مربوط به بهبود زندگی کارمندان و جلوگیری از ارتشاء و فساد در دستگاه‌های دولتی واحد و اموری جز اینها بوده است. (با نسبت ۳۷/۹۰)

ترتیب پراکندگی امور مذکور در فوق در هر یک از اعصار سه‌گانه کیفیتی بدین‌شرح دارند.

عصر حکومت قاجاریان از ۲۳ ماده امور اداری بیش از $\frac{1}{4}$ آن مربوط به استخدام متخصص خارجی و قوانین استخدامی دارد و ـ بقیه که مربوط به تشکیلات و سازمانها می‌باشد راجع به اموری همچون اصلاح و تصفیه سازمانها، (۵ ماده) قوانین و طرحهای لازم جهت سازمانهای اداری (با ٤ ماده) و ایجاد تشکیلات نوین (با ۳ ماده) قوانین مربوط به تشکیلات سازمانهای هر وزارتخانه (٤ مواد) سخن رفته است.

جدول شمارهٔ ۱ـ ۳ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ اقتصاد کشاورزی در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بهبود وضع کشاورزان	–	–	–	–	۱۴	۸/۱	۱۴	۶/۶۰
ترویج خرده مالکی و اصلاحات‌ارضی	–	–	–	–	۷	۴/۱	۷	۳/۳۰
توسعه کشاورزی و ازدیاد تولیدات	–	–	۳	۱۱/۶	۷	۴/۱	۱۰	۴/۷
صنعتی‌کردن کشاورزی	–	–	–	–	۷	۴/۱	۷	۳/۳۰
سازمانهای کشاورزی	–	–	–	–	۱۳	۷/۵	۱۳	۶/۱
امور مربوط به جنگل	–	–	–	–	۱	۰/۶	۱	۰/۵
امور دامداری	–	–	–	–	۳	۱/۷	۳	۱/۴
آبیاری و سدّسازی	–	–	۱	۳/۹	۷	۴/۱	۸	۳/۸
امور بانکی	–	–	۲	۷/۷	۳	۱/۷	۵	۲/۴
تقسیم املاک خالصه	–	–	۱	۳/۸	۲	۱/۲	۳	۱/۴
قوانین ولوایح و طرحهای عمران	–	–	۱	۳/۸	۵	۲/۹	۶	۲/۸
اقدامات کلی	–	–	۲	۷/۷	۱۳	۷/۶	۱۵	۷/۱
استخدام متخصصین خارجی	–	–	۱	۳/۸	–	–	۱	۰/۴۷
جمع مواد برنامه کشاورزی و دامداری	**–**	**–**	**۱۱**	**۴۲/۳**	**۸۲**	**۴۷/۷**	**۹۳**	**۴۳/۹**

جدول شمارهٔ ۲ـ ۳ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینه اقتصاد بازرگانی در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تنظیم لوایح و قوانین مربوط به امور بازرگانی	۳	۲۱/۴	–	–	۵	۲/۹	۸	۳/۸
قراردادهائی بازرگانی	۱	۷/۲	–	–	–	–	۱	۰/۴
تعدیل موازنه صادرات و واردات	۲	۱۴/۳	۱	۳/۹	۸	۴/۷	۱۱	۵/۲
ازدیاد صادرات	–	–	۱	۳/۹	۳	۱/۷	۴	۱/۹
سازمانهای بازرگانی	۳	۲۱/۴	۱	۳/۹	–	–	۴	۱/۹
واردات	–	–	۱	۳/۹	۶	۳/۵	۷	۳/۳
امور مربوط به ارز	–	–	–	–	۵	۲/۹	۵	۲/۳
اقدامات کلی	–	–	۴	۱۵/۲	۷	۴/۱	۱۱	۵/۲
نقش دولت در امر بازرگانی	–	–	–	–	۱	۰/۶	۱	۰/۵
جمع کل مواد اقتصاد بازرگانی	۹	۶۴/۳	۸	۳۰/۸	۳۵	۲۰/۴	۵۲	۲۴/۵

جدول شمارهٔ ۳ـ ۳ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ امور اقتصاد صنعتی در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تنظیم لوایح ومقررات مربوط به منابع	–	–	–	–	۲	۱/۲	۲	۰/۹
استخراج معادن	–	–	۱	۳/۹	۳	۱/۷	۴	۱/۹
امور مربوط به کارخانه‌ها	–	–	۲	۷/۶	۳	۱/۷	۵	۲/۴
سیاست گسترش صنایع داخلی	–	–	۱	۳/۹	۵	۲/۹	۶	۲/۸
سیاست ایجاد صنایع جدید وسنگین	–	–	–	–	۳	۱/۷	۳	۱/۴
صادرات مواد معدنی	–	–	–	–	۱	۰/۶	۱	۰/۵
اقدامات کلی در زمینه صنایع	–	–	–	–	۸	۴/۷	۸	۳/۷
امور بانکی	–	–	–	–	۳	۱/۷	۳	۱/۴
نقش دولت در صنایع	–	–	–	–	۳	۱/۷	۳	۱/۴
صنعت نفت: اقدامات کلی دولت در زمینهٔ صنعت نفت	۳	۲۱/۴	–	–	۲	۱/۲	۵	۲/۴
اجرای قانون ملی‌شدن نفت	–	–	–	–	۱	۰/۶	۱	۰/۵
استخراج منابع نفتی	–	–	–	–	۳	۱/۷	۳	۱/۴
عواید نفت	–	–	–	–	۴	۲/۴	۴	۱/۹
جمع مواد اقتصاد صنعتی	۳	۲۱/۴	۴	۱۵/۴	۴۱	۲۳/۸	۴۸	۲۲/۶

جدول شمارهٔ ۴ـ ۳ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ امور اقتصادی بطور اعم در هرعصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بررسی و مطالعه در امور اقتصادی	—	—	—	—	۴	۲/۳	۴	۱/۹
تشویق: در امور اقتصادی بطور کلی	—	—	—	—	—	—	—	—
تشویق: در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	—	—	—	—	۳	۱/۷	۳	۱/۴
جلب سرمایه‌های خارجی	—	—	—	—	۱	۰/۶	۱	۰/۵
اجرای برنامه‌های گسترش تولیدی	—	—	—	—	۱	۰/۶	۱	۰/۵
امتیازات	—	—	۱	۳/۸	—	—	۱	۰/۵
اقدامات کلی	۱	۷/۲	۲	۷/۷	۳	۱/۸	۶	۲/۸
امور بانکی	۱	۷/۱	—	—	۲	۱/۱	۳	۱/۴
جمع مواد مربوط به اقتصاد بطور اعم	۲	۱۴/۳	۳	۱۱/۵	۱۴	۸/۱	۱۹	۹/۰

عصر دوم را هرچند مورخان دوران تجدید و رفرم اداری نام نهاده‌اند ولی انعکاس این پدیده را در برنامه‌های دولتها نمی‌توان یافت به‌نحوی که تنها ۳ ماده از مجموع ٦٤ ماده برنامه‌های این دوره راجع به امور اداری است که یک ماده از آن مربوط به قوانین استخدام و دو ماده دیگر از تأسیس تشکیلات وزارتخانه‌های جدید و اموری همچون اصلاح شهرداری بحث شده است.

حال آنکه عصر سوم و به دوران پهلوی دوم باتوجه به نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل مفاد برنامه‌های دولت، دوران تحول و رفرم اداری باید نامید و طبق جدول شماره ٤، اکثریت مواد (۹۸) امور اداری برنامه‌های دولتهای این زمان را همچون دو دوره گذشته امور سازمان بخشیدن به دستگاه‌های وزارتی و اداری تشکیل می‌دهد (با نسبت حدود ٦٠ درصد) و تنها ۳۹ ماده مربوط به قوانین استخدامی و جلوگیری از ارتشاء و فساد دستگاه‌های اداری و اتخاذ سیاست در جلب و جذب جوانان و متخصصان به‌سوی کادر اداری می‌باشد.

نکته‌ای که از آمار مربوط به دوره سوم به‌دست می‌آید، توجه دولت به مسأله خودیاری و تشویق مردم به اداره امور محلی به‌منظور حل مشکلات می‌باشد که در دو عصر دیگر این ویژگی دیده نمی‌شود و نیز تصمیم دولتها در ایجاد وزراتخانه‌های نوبنیاد و جدید را در مفاد برنامه‌های این عصر با اکثریت قابل توجه ۱۲ ماده از ۵۸ ماده مربوط به سازمانها می‌توان دریافت و ما در تحقیقات گذشته خود به مسأله گسترش وزارتخانه‌ها در عصر سوم مشروطیت اشاره کرده‌ایم.[۲]

* * *

ازپیش بیان داشتیم به دوران سلطنت مشروط و برقراری حکومت ملی عواملی چند ازجمله توسعه تمرکز اداری، دولت را به‌صورت یک واحد سازمان رفاه عمومی تبدیل ساخت هرچند این امر به‌تدریج و به دوران سوم مشروطیت تحقق یافته است. توضیح آنکه، توجه به آمار جداول ترکیب مواد برنامه‌های دولتها و سیاستهای مربوط به آن، مسایلی همچون بهبود زندگی جامعه، تأمین بهداشت عمومی، مسکن، حمایت و رفاه اجتماعی، نظارت در روابط کار و کارگر و کارفرما و اموری جز اینها، قسمت مهمی از مواد برنامه‌های پیشنهادی دولتهای بعد از جنگ بین‌الملل دوم که ما از آن به‌عنوان برنامه‌ریزی اجتماعی با انواع مختلف آن نام برده‌ایم تشکیل داده است.

داده‌های آماری پژوهش حاضر در این زمینه، به‌موجب جدول شماره ۵- حکایت از آن دارد که ۴۰ درصد مواد مربوط به برنامه‌ریزی اجتماعی، اختصاص به رفاه و حمایت اجتماعی دارد، و حدود ۲۴ درصد آن در زمینهٔ برنامهٔ تأمین اجتماعی و امور کارگری، و ۲۰ درصد برنامه‌های این گروه، در زمینهٔ خدمات اجتماعی و حدود ۱۷ درصد دیگر را اتخاذ سیاست بهبود وضع صوری زندگی مردم در دوران حکومت مشروطه بوده است که شرح جزییات هر یک از مواد گروه‌های فوق در هر دوره مشروطیت به‌قرار زیر می‌باشد.

جدول شمارهٔ ۴ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ مدیریت و امور اداری در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کارمندان	۶	۲۶/۱	۱	۳۳/۳	۴۰	۴۰/۸	۴۷	۳۷/۹۰
تجدید نظر و اصلاح سازمان کشور	-	-	-		۳	۳/۱	۳	۲/۴
سازمانهای اداری کشور	۱۳	۵۶/۵	۱	۳۳/۳	۳۸	۳۸/۸	۵۲	۴۱/۹
سازمانهای وزارتی کشور	۴	۱۷/۴	۱	۳۳/۴	۱۷	۱۷/۳	۲۲	۱۷/۸
جمع مواد مربوط به امور اداری	**۲۳**	**۱۰۰**	**۳**	**۱۰۰**	**۹۸**	**۱۰۰**	**۱۲۴**	**۱۰۰**
۲-۴ سازمانهای وزارتی کشور: تشکیلات جدید وزارتی	-	-	۱	۳۳/٤	۱۲	۱۲/۲	۱۳	۱۰/۵
شعب سازمانهای وزارتی	-	-	-	-	۲	۲/۰	۲	۱/۶
لوایح و قوانین سازمانهای وزارتی	۴	۱۷/۴	-	-	۳	۳/۱	۷	۵/۶
جمع مواد مربوط به سازمانهای وزارتی	**۴**	**۱۷/۴**	**۱**	**۳۳/۳۳**	**۱۷**	**۱۷/۳**	**۲۲**	**۱۷/۷**

جدول شمارهٔ ۲ـ ۴ ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ امور اداری و مدیریت در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت		عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		در طول حکومت مشروطیت	
موضوع مواد برنامه	تعداد مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱ـ ۴ کارمندان	تجدید و اصلاح قوانین استخدامی	۱	۴/۴	۱	۳۳/۳	۱۲	۱۲/۲	۱۴	۱۱/۴
	تأمین رفاه کارمندان	–	–	–	–	۷	۷/۲	۷	۵/۶
	مبارزه با فساد مالی و ارتشا	–	–	–	–	۱۶	۱۶/۳	۱۶	۱۲/۹۰
	تأمین حقوق مالی کارمندان	۱	۴/۴	–	–	۳	۳/۱	۴	۳/۲
	جذب نیروهای متخصص داخلی	–	–	–	–	۲	۲/۰	۲	۱/۶
	استخدام متخصص خارجی	۴	۱۷/۳	–	–	–	–	۴	۳/۲
جمع مواد مربوط به برنامه کارمندان		**۶**	**۲۶/۱**	**۱**	**۳۳/۳**	**۴۰**	**۴۰/۸**	**۴۷**	**۳۷/۹۰**
۲ـ ۴ سازمانهای اداری	تشکیل شورای عالی اداری	۱	۴/۴	–	–	۱	۱/۰	۲	۱/۶
	تأسیس سازمانهای اداری	۳	۱۳/۰	–	–	–	–	۳	۲/۴
	اصلاح امور و تشکیلات اداری	۵	۲۱/۷	–	–	۱۰	۱۰/۲۰	۱۵	۱۲/۱
	مدیریت و تنظیم روشهای آن	–	–	–	–	۶	۶/۱	۶	۴/۹
	سیاست دولت در شرکت مردم در امور محلی	–	–	–	–	۱۳	۱۳/۳	۱۳	۱۰/۵
	امور مربوط به شهرداری و محیط زیست	–	–	۱	۳۳/۳	۶	۶/۱	۷	۵/۶
	لوایح و قوانین سازمانی	۴	۱۷/۴	–	–	۲	۲/۱	۶	۴/۸
جمع مواد برنامه سازمانهای اداری		**۱۳**	**۵۶/۵**	**۱**	**۳۳/۳**	**۳۸**	**۳۸/۸**	**۵۲**	**۴۱/۹**

جدول شمارهٔ ۵ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولت در زمینهٔ برنامه‌ریزی امور اجتماعی و رفاه در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول‌حکومت‌مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
برنامه‌ریزی خدمات اجتماعی	۲	۵۰	۲	۶۶/۶	۱۷	۱۷/۴	۲۱	۲۰/۰
« تأمین اجتماعی و امور کارگری	–	–	–	–	۲۵	۲۵/۵	۲۵	۲۳/۸
« بهبود وضع صوری زندگی عامه	–	–	–	–	۱۷	۱۷/۳	۱۷	۱۶/۲
« رفاه یا حمایت اجتماعی	۲	۵۰	۱	۳۳/۴	۳۹	۳۹/۸	۴۲	۴۰/۰۰
جمع مواد برنامهٔ اموراجتماعی و رفاه	۴	۱۰۰	۳	۱۰۰	۹۸	۱۰۰	۱۰۵	۱۰۰

جدول شماره ۱-۵- مربوط به توزیع مواد برنامه‌های اجتماعی دولتها در هر عصر مشروطیت، به‌طوری که در فوق اشاره شد، روشنگر این نکته است که در عصر اول و دوم مشروطیت، دولتها در طرح‌ریزی برنامه‌های خود، در زمینه برنامه‌ریزی اجتماعی اشاره بسیار نادری کرده‌اند.

به‌طوری که، در عصر اول مشروطیت، ٤ مواد از جمع ۱۸۲ مواد، و در عصر دوم ۳ مواد از کل ٦٤ مواد برنامه‌ها را دربر گرفته است که اهم آن، در مورد برنامه خدمات اجتماعی و توجه به امر بهداشت عمومی و سازمانهای بهداری و تأمین عدالت اجتماعی است که در گروه برنامه‌ریزی حمایت و رفاه اجتماعی از آن نام برده‌ایم.

دوران سوم مشروطیت که مقارن سلطنت پهلوی دوم می‌باشد، آغاز عصر عطف توجه دولتها به برنامه‌ریزی اجتماعی به‌منظور برخورداری توده مردم از زندگی مرفه و بهتر به‌موجب جداول موجود می‌توان دانست.

جدول شماره ۱-۵ و ۲-۵ - در ترکیب گروه مواد برنامه‌ریزی خدمات اجتماعی دولتها، (با بیش از ۱۷ درصد). بیش از ۱۱ درصد آن مربوط به تأمین بهداشت عمومی و گسترش سازمانهای مربوط به آن و ٦ درصد بقیه تهیه و تنظیم لوایح و قوانین، و اتخاذ

سیاست خودیاری و تشویق مردم به همکاری در امر خدمات اجتماعی می‌باشد.

و اما در گروه برنامه‌ریزی تأمین اجتماعی (با نسبت ۲۵/۵ درصد). بالاترین نسبت مواد برنامه (با بیش از ۱۲ درصد) بهبود زندگی کارگران و به‌دنبال آن تهیه کار برای بیکاران (با بیش از ٦ درصد) به چشم می‌خورد. از تنظیم و تهیه لوایح قانونی مربوط به کار و کارگران در درجهٔ سوم از اکثریت (با نسبت ٤ درصد) باید یاد کرد.

جدول شمارهٔ ۱ـ ۵ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ برنامه‌ریزی اجتماعی در هر عصر مشروطیت

	ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
	تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۱ـ برنامه خدمات اجتماعی	تأمین بهداشت عمومی	۲	۵۰	۱	۳۳/۴	۵	۵/۱	۸	۷/۶
	سازمانهای بهداری	–	–	۱	۳۳/۳	۶	۶/۱	۷	۶/۷
	جلب همکاری مردم در انجمنهای محلی	–	–	–	–	۲	۲/۰	۲	۱/۹
	قوانین و لوایح مربوط	–	–	–	–	۴	۴/۱	۴	۳/۸
	جمع برنامه‌ریزی خدمات اجتماعی	۲	۵۰	۲	۶۶/۷	۱۷	۱۷/۳	۲۱	۲۰/
۲ـ برنامه تأمین اجتماعی و امور کار و کارگری	بهبود زندگی کارگران	–	–	–	–	۱۲	۱۲/۳	۱۲	۱۱/۴
	تهیه کار برای بیکاران	–	–	–	–	۶	۶/۱	۶	۵/۷
	بیمه‌های اجتماعی	–	–	–	–	۱	۱/۰	۱	۰/۹
	قوانین مربوط به کار و کارگری	–	–	–	–	۴	۴/۱	۴	۳/۸
	مؤسسات کارگری	–	–	–	–	۱	۱/۰	۱	۱/۰
	نقش دولت در امور کار و کارگری	–	–	–	–	۱	۱/۰	۱	۱/۰
	جمع برنامهٔ تأمین اجتماعی	–	–	–	–	۲۵	۲۵/۵	۲۵	۲۳/۸

جدول شمارهٔ ۲ـ ۵ ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولت در زمینهٔ برنامه‌ریزی امور اجتماعی و رفاه در هر عصر مشروطیت

	ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
	تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بهبود وضع صوری زندگی عموم	تأمین مسکن برای عموم	–	–	–	–	۷	۷/۲	۷	۶/۷
	برنامه‌ریزی و طرح خانه‌سازی	–	–	–	–	۲	۲/۰	۲	۱/۹۰
	تقویت بانکهای ساختمانی	–	–	–	–	۶	۶/۱	۶	۵/۷
	تأمین آب لوله‌کشی و برق	–	–	–	–	۲	۲/۰	۲	۱/۹۰
	جمع مواد بهبود وضع صوری زندگی	–	–	–	–	۱۷	۱۷/۳	۱۷	۱۶/۲
برنامه‌ریزی رفاه با حمایت اجتماعی	تأمین خواروبار	–	–	–	–	۹	۹/۲	۹	۸/۵
	سیاست‌دولت درزمینه هزینه‌زندگی	–	–	–	–	۹	۹/۲	۹	۸/۵
	تأمین عدالت اجتماعی	۲	۵۰	–	–	۱۲	۱۲/۲	۱۴	۱۳/۴
	گسترش خدمات رقابتی	–	–	–	–	۵	۵/۱	۵	۴/۸
	تأمین حقوق عامه مردم			۱	۳۳/	۳	۳/۱	۴	۳/۸
	قوانین‌کلی درمورد امور عام‌المنفعه	–	–	–	–	۱	۱/۰	۱	۱/
	جمع مواد مربوط به حمایت اجتماعی	۲	۵۰	۱	۳۳/۳	۳۹	۳۹/۸	۴۲	۴۰/۰

انعکاس توجه دولتها در برنامه‌های پیشنهادی آنها به مجلس شورای ملی، مسأله بهبود وضع صوری زندگی مردم (با نسبت ۱۷/۳۴ درصد کل مواد برنامه‌ریزی اجتماعی)، تأمین مسکن (با نسبت ۱۵/۳۰ درصد)، تأمین آب و برق (با نسبت ۲/۰۴ درصد) دیده می‌شود.

از دیگر موارد مطرح‌شده در برنامه‌های دولتها، در گروه برنامه‌ریزی اجتماعی، مواردی است که ما از آن با عنوان برنامه‌ریزی رفاه و حمایت اجتماعی یاد کرده‌ایم حدود ۴۰ درصد مواد برنامه‌های عصر پهلوی دوم را دربر می‌گیرد.

بیشترین نسبت در داخل این گروه، با عنوان تأمین عدالت اجتماعی (با نسبت ۱۲/۲۴ درصد) و پس از آن، از سیاست دولت در امر تأمین خواروبار و ارزاق عمومی و تأمین هزینه زندگی عمومی (هر یک با نسبت ۹/۱۸) می‌توان ذکری به‌میان آورد.

تأمین امور مالی و پولی مملکت در همهٔ ادوار تاریخی کشورها، از اهم رئوس برنامه‌های دولتها بوده و می‌باشد. در دوران مشروطیت ایران نیز، هرچند نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل برنامه‌های مطروحه دولتها به مجلس شورای ملی به‌گواه جدول شماره ۱ - این هدف اصلی دولتها از نظر کمی، در کل مواد برنامه‌ها در درجهٔ چهارم اکثریت قرار گرفته است (با نسبت ۱۱/۸۹ درصد) ولی در جدول شماره ۲ - و در دوران سلطنت قاجاریان که در تقسیمات ادوار تاریخی ما، عصر اول مشروطیت نام گرفته است، می‌بینیم که در جمع ۱۸۲ مواد برنامه‌های دولتها، تنظیم امور مالی با نسبت ۱۸ درصد، در صدر مواد برنامه‌ها قرار گرفته است.

در درون مفاد امور مالی به‌موجب جدول شماره ٦ - پراکندگی امور مالی برنامه‌های پیشنهادی دولت به مجلس، دیده می‌شود، که مسأله سیاست دولت در تأمین عواید و مالیات در مجموع با نسبت حدود ۳۰ درصد، قسمت عمدهٔ رئوس مواد برنامه‌های مالی دولتها را دربر می‌گیرد. و پس از آن از موادی در همین زمینه که ما از آن با عنوان سیاست کلی دولت در امور مالی و پولی (با نسبت ۲۵/۹۶ درصد). و پیش‌بینی تأمین بودجه کل کشور (با نسبت ۲۴/۰۴ درصد) به‌ترتیب اهم مواد برنامه‌های مالی را تشکیل می‌دهد.

ناگفته نگذاریم که، این کیفیت توزیع در هر سه عصر مشروطیت از نظر درجهٔ

جدول شمارهٔ ۶ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ امور مالی و بانکداری کشور در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سیاست تأمین بودجه کشور	۷	۲۱/۲	–	–	۱۸	۲۶/۵	۲۵	۲۴/۰
« دولت در امر مالیات و عواید	۸	۲۴/۲	۲	۶۶/۷	۲۱	۳۰/۹	۳۱	۲۹/۸
« « در امر هزینه	۷	۲۱/۲	–	–	۱۴	۲۰/۶	۲۱	۲۰/۲
سیاست کلی دولت در امور مالی	۱۱	۳۳/۴	۱	۳۳/۳	۱۵	۲۲/۰	۲۷	۲۶/۰
جمع کل مواد مربوط به امور مالی	۳۳	۱۰۰	۳	۱۰۰	۶۸	۱۰۰	۱۰۴	۱۰۰

تقدم و تأخر و اکثریت همسان است: ازجمله عصر اول مشروطیت از جمع ۳۳ مواد مربوط به امور مالی، بیش از ثلث آن مربوط می‌شود به موادی همچون اصلاح امور مالی کشور، سازمانهای مالی، استخدام متخصص خارجی که تحت عنوان گروه سیاست کلی دولت در امر پولی و مالی در جداول شماره ۱-۶ ذکر شده است.

به‌موجب داده‌های پژوهش حاضر از تجزیه و تحلیل برنامه‌های دولتها، عطف توجه دولتها در امر مالیات و تعقیب سیاستی که به موجب آن عواید و درآمد دولت به‌صورتی بهتر و مطلوب تأمین گردد در هر عصر مشروطیت با نسبت بالایی در برنامه‌ها مطرح شده است.

به‌طوری که در عصر اول مشروطیت با نسبت ۲۴/۲۵ درصد، در درجه دوم از اکثریت قرار دارد، حال آنکه عصر پهلوی اول با نسبت ٦٦/٦٦ درصد، و عصر پهلوی دوم با نسبت حدود ۳۱ درصد بیش از مواد دیگر برنامه مالی را شامل می‌گردد و در درجهٔ اول اکثریت قرار دارد.

پیش‌بینی دولتها در برنامه‌های ارایه شده به مجلس شورای ملی، نشان از تدبیر و سیاست دولت نسبت به مسأله بودجه کل، و کیفیت تنظیم هزینهٔ کشور با نسبت اندک دیده می‌شود.

باتوجه به آمار جداول شماره ۱-٦ و ۲-٦، در عصر حکومت قاجاریان درصد مواد بودجه کل و هزینه هر یک با نسبت ۲۱/۱ درصد کل مواد امور مالی بوده است، و در عصر رضاشاه این دو مورد در برنامه‌های مطرح نشده است. و عصر حکومت محمدرضاشاه، پیش‌بینی دولتها در برنامه‌های مطروحه، از این دو مسأله به ترتیب با حدود ۲٦/۵ درصد مواد مربوط به تنظیم لوایح و قوانین و تجدیدنظر در بودجه کل کشور، و ۲۰/٦ درصد از آن گروه مواد مربوط به صرفه‌جویی در هزینهٔ کشور و کیفیت نظارت در هزینه و صرف درآمدها، یاد شده است.

جدول شمارهٔ ۱ـ ۶ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ امورمالی و بانکی در هر عصر مشروطیت

	ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
	تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۳ـ هزینه	صرفه‌جویی در هزینه کشور	۵	۱۵/۲	–	–	۸	۱۱/۸	۱۳	۱۲/۵۰
	سیاست دولت در صرف درآمدها و نظارت در هزینه	۱	۳/۰۰	–	–	۶	۸/۸	۷	۶/۷
	تنظیم لوایح و قوانین به هزینه	۱	۳/۰۰	–	–	–	–	۱	۱/.
	جمع موادبرنامه مربوط به‌هزینه‌کشور	**۷**	**۱۲/۲**	**–**	**–**	**۱۴**	**۲۰/۶**	**۲۱**	**۲۰/۲**
سیاست کلی دولت در امور مالی و پولی	اصلاح امور مالی کشور	۶	۱۸/۲	–	–	۹	۱۳/۲	۱۵	۱۴/۴
	سازمانهای مالی کشور	۳	۹/۱	–	–	۲	۲/۹	۵	۴/۸
	استخدام متخصص خارجی	۲	۶/۱	۱	۳۳/۳	–	–	۳	۲/۹
	تشکیل بورس و اوراق بهادار	–	–	–	–	۴	۵/۹	۴	۳/۹
	جمع موادمربوط به‌سیاست‌کلی دولت	**۱۱**	**۳۳/۴**	**۱**	**۳۳/۳**	**۱۵**	**۲۲/۰**	**۲۷**	**۲۶/۰**

جدول شمارهٔ ۲ـ ۶ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ امورمالی و بانکی کشور در هر عصر مشروطیت

	ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
	تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بودجه کشور	سیاست دولت در تنظیم و تأمین بودجه	۷	۲۱/۱	-	-	-	-	۷	۶/۷
	لوایح و قوانین بودجه	-	-	-	-	۲	۳/	۲	۱/۹
	تجدیدنظر در بودجه کشور	-	-	-	-	۱۲	۱۷/۶	۱۲	۱۱/۵
	متصدیان تنظیم بودجه کشور	-	-	-	-	۴	۵/۹	۴	۳/۹
	جمع مواد مربوط به بودجه	۷	۲۱/۱	-	-	۱۸	۲۶/۵	۲۵	۲۴/۰
مالیات و عواید	تنظیم لوایح و قوانین مالیاتی	۳	۹/۲	۱	۳۳/۳	۷	۱۰/۳	۱۱	۱۰/۶
	تجدید و تعدیل مالیات	۳	۹/۲	-	-	۳	۴/۴	۶	۵/۸
	تأمین عواید و درآمد دولت	۲	۶/۱	۱	۳۳/۴	۱۱	۱۶/۲	۱۴	۱۳/۴
	جمع مواد مربوط به‌مالیات و درآمد	۸	۲۴/۵	۲	۶۶/۷	۲۱	۳۰/۹	۳۱	۲۹/۸

مسأله تأمین نیروی انسانی و امر تعلیم و تربیت در کلیه برنامه‌های دولتهای اعصار سه‌گانه مشروطیت مطمح نظر قرار گرفته است، همچنانکه بیان داشتیم قسمت مهمی از مواد برنامه را دربر می‌گیرد. تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به برنامه‌های پیشنهادی به مجلس نشان داد، که بیشترین اهمیت را دولتها به برنامه‌ها و طرحهای آموزشی و قوانین مربوط به اصلاح کیفی تعلیم و تربیت معطوف داشته‌اند. به‌نحوی که از ۷٤ مواد برنامه مربوط به امور فرهنگی، ۵۰ ماده آن (با نسبت ٦٧/۵۷ درصد) دربارهٔ مواد مذکور در فوق آمده است و تنها ۲٤ ماده در زمینهٔ تکمیل و اصلاح سازمانها و اصولاً تشکیلات و سازمانهای فرهنگی اعم از عالی و متوسطه و حرفه‌ای و صنعتی دیده می‌شود (با نسبت ٤۲/۳۳ درصد).

این ویژگی را در هر عصر به‌موجب جدول شماره ۷ بدین‌ترتیب می‌توان یادآور شد. عصر اول مشروطیت تدابیر دولت در قسمت طرحها و برنامه‌های تعلیم و تربیت و قوانین مربوط به آن و اموری جز اینها بیش از نیمی از مواد برنامه عصر خود را شامل می‌شود، و عصر دوم ٤٤ درصد و در عصر سوم نسبت این مواد به بیش از ۸٤ درصد می‌رسد که در دوره اول و دوم مشروطیت، کفه مواد مربوط به گسترش سازمانهای آموزشی در سطوح مختلف در برنامه‌های پیشنهادی دولتها نسبت به عصر سوم سنگین‌تر است (با نسبت ٤۸/۲ درصد در عصر اول و ۵٦ درصد عصر دوم، در برابر ۱۵/۷ درصد عصر سوم مشروطیت.)

توجیه این مطلب را اینگونه یادآور می‌شویم. نقش و مداخله مستقیم دولت در امر تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزی دولتها در این زمینه پدیده‌ای است ویژهٔ دوران حکومت مشروطه، و تا پیش از این تاریخ، تشکیلات و سازمانهای آموزشی و پرورشی بسیار نادر و نیازمندیهای زمان را برآورده نمی‌ساخت. دولتهای دو عصر اول و دوم مشروطیت با توجه به نیاز عصر و زمان، ناگزیر در تنظیم برنامه‌های خود عطف توجه بیشتری به گسترش کمی تعلیم و تربیت مبذول داشته‌اند.

درحالی‌که در دوران پهلوی دوم، هم هیأت وزیران، به‌موجب تجزیه و تحلیل هدفها و برنامه‌های ارایه شده به مجلس شورای ملی، بیشتر مصروف بهبود کیفی امر تعلیم و تربیت بوده است تا کمی.

جدول شمارهٔ ۷ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت در هر عصر مشروطیت

	ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
	تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
برنامهٔ کیفی تعلیم و تربیت	اتخاذ سیاست افزایش سطح معلومات	۲	۷/۴	۱	۱۱/۱	۸	۲۱/۱	۱۱	۱۴/۹
	تنظیم برنامه‌ها آموزشی و وسایل تعلیم	۲	۷/۴	۲	۲۲/۲	۴	۱۰/۵	۸	۱۰/۸
	اعزام محصل به خارج از کشور	۵	۱۸/۵	۱	۱۱/۱	–	–	۶	۸/۱
	مواد مربوط به آموزش عالی	۱	۳/۸	–	–	۳	۷/۹	۴	۵/۴
	« « « حرفه‌ای	–	–	–	–	۱	۲/۶	۱	۱/۳
	« « « هنرهای زیبا	–	–	–	–	۱	۲/۶	۱	۱/۳
	تأمین بودجه تعلیم و تربیت	۲	۷/۴	–	–	–	–	۲	۲/۷
	قوانین و لوایح کلی	۲	۷/۴	–	–	۲	۵/۳	۴	۵/۵
	اقدامات کلی در زمینه گسترش کمّی و کیفی تعلیم و تربیت	–	–	–	–	۱۳	۳۴/۲	۱۳	۱۷/۶
	جمع مواد کیفی تعلیم و تربیت	**۱۴**	**۵۱/۹**	**۴**	**۴۴/۴**	**۳۲**	**۸۴/۲**	**۵۰**	**۶۷/۶**
برنامهٔ کمّی تعلیم و تربیت	سازمانهای عالی آموزشی	۲	۷/۴	–	–	۱	۲/۶	۳	۴/۱
	« ابتدایی و متوسطه	۷	۲۵/۹	۱	۱۱/۱	–	–	۸	۱۰/۸
	« حرفه‌ای و صنعتی	–	–	۱	۱۱/۱	۱	۲/۶	۲	۲/۷
	تکمیل و اصلاح سازمانهای آموزشی	۱	۳/۷	۳	۳۳/۴	۴	۱۰/۶	۸	۱۰/۷
	ایجاد سازمانهای تخصصی	۳	۱۱/۱	–	–	–	–	۳	۴/۱
	جمع مواد کمّی تعلیم و تربیت	**۱۳**	**۴۸/۱**	**۵**	**۵۵/۶**	**۶**	**۱۵/۸**	**۲۴**	**۳۲/۴**
	جمع کل مواد برنامه تعلیم و تربیت	**۲۷**	**۱۰۰**	**۹**	**۱۰۰**	**۳۸**	**۱۰۰**	**۷۴**	**۱۰۰**

توسعه روابط ایران با دولتهای خارجی و بروز جنگهای جهانی اول و دوم از سوی دیگر بی‌شبهه برای دولتهای مشروطه، سیاست حفظ موازنه سیاسی و ایجاد روابط دوستانه و همکاری با دول خارجی را ایجاب می‌ساخته است. انعکاس چنین وضعی در اکثر برنامه‌های دولت‌ها دیده می‌شود، به‌طوری که مواد مربوط به ایجاد روابط دوستانه و انعقاد قراردادهای مختلف با دولتهای خارجی با نسبتی حدود ۷ درصد کل مواد برنامه‌های دوران مشروطیت را دربر می‌گیرد.

جدول شماره ۸ ـ کیفیت توزیع مواد مربوط به سیاست بین‌المللی دولتها را در هر عصر مشروطیت مشخص می‌کند و به‌موجب داده‌های این جدول در دوران حکومت مشروط قاجاریان، ۱۱ مورد از ۱۸۲ مورد مواد برنامه‌های دولتهای این عصر، مربوط می‌شود به اتخاذ سیاست و روش دولت در زمینه سیاست بین‌المللی که از این مواد، ۷ مواد آن اشاره به حفظ مناسبات دوستانه با دولتهای خارجی، و ۳ مورد دیگر آن مسأله عقد قراردادها و عهدنامه‌ها بوده است.

در آمار دوران پهلوی اول، نیز همین کیفیت تقدم ترکیب مواد برنامه‌ریزی در باب سیاست بین‌المللی به چشم می‌خورد و جدول شماره ۸ گویای این مطلب می‌باشد.

یافته‌های آماری دوران پهلوی دوم، نشان می‌دهد که رئوس مواد برنامه‌های دولتها در این زمینه از نظر اولویت مواد، پس از مواد مربوط به تأمین گسترش روابط دوستانه و حفظ مناسبات بین‌المللی (با نسبت ۵۵/۶ درصد) تقویت سازمان ملل و اجرای تعهدات دولت ایران در قبال این سازمان، با نسبت بیش از ۳۳ درصد مورد توجه دولتها بوده است.

جدول شمارهٔ ۸ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ سیاست بین‌المللی در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
همکاری و ایجاد روابط دوستانه با دول خارجی	۷	۱۳/۶	۳	۶۰	۲۵	۵۵/۶	۳۵	۵۷/۴
کمک و مساعدت از دول متفق	–	–	–	–	۱	۲/۲	۱	۱/۶
تقویت سازمان ملل و اجرای تعهدات	–	–	–	–	۱۵	۳۳/۴	۱۵	۲۴/۶
استیفای حقوق از سازمان ملل	–	–	–	–	۲	۴/۴	۲	۳/۳
توسعه ارتباط اقتصادی با دول	–	–	–	–	۱	۲/۲	۱	۱/۶
انعقاد قرارداد و عهدنامه	۳	۲۷/۳	۱	۲۰	۱	۲/۲	۵	۸/۳
اتخاذ سیاست بیطرفی	۱	۹/۱	۱	۲۰	–	–	۲	۳/۲
جمع مواد سیاست بین‌المللی	۱۱	۱۰۰	۵	۱۰۰	۴۵	۱۰۰	۶۱	۱۰۰

از پیش اشاره شد، که با تغییر حکومت ایران از استبداد به مشروطه و برقراری نظام قانون، نیاز جامعه به تأمین امنیت قضایی بیش از پیش ضرورت یافت، کنجکاوی در مورد متغیر برنامه‌های دولتهای مشروطه ما را به این نتیجه می‌رساند که در ترکیب مواد برنامه‌های پیشنهادی هیأت وزیران به مجلس شورای ملی، این نیاز در حد متعارف منعکس نشده است. و چنان می‌نماید که دولتهای وقت اقبال و توجه لازم را در تنظیم رئوس مواد برنامه‌های خود به این پدیده حیاتی کمتر نشان داده‌اند. (با نسبت ۶/۲۹ درصد)

جدول شماره ۹ـ نمایانگر داده‌هایی است که از تجزیه و تحلیل برنامه‌های دولت در زمینهٔ امور قضایی در هر عصر مشروطیت به‌دست آمده است. از مجموع ۵۵ ماده مربوط به تأمین عدالت و امنیت قضایی در طول مشروطیت بیشترین سهم در برنامه‌های دولت در زمینهٔ مورد بحث ما، طرح تهیه و تدوین قوانین قضایی مورد نظر بوده است تا گسترش سازمانهای قضایی و اصلاح آنان. به‌طوری‌که حدود نیمی از مواد مربوط به این امر را به خود اختصاص داده و نیم دیگر به‌ترتیب درباب سازمان‌های قضایی، بهبود وضع قضات و اقدامات کلی دیگری در زمینه‌های مختلف امور قضایی هر یک با ۷ ماده آمده است. (با نسبت ۱۲/۷۳ درصد)

استقرار امنیت قضایی را که ویژه برنامه دوران سوم مشروطیت است با ۵ ماده از مجموع ۵۵ ماده می‌توان یافت. (۹/۰۹)

آمار مربوط به هر یک از اعصار نیز کیفیتی جز این ندارند. توضیح آن‌که، عصر اول مشروطیت بیش از ۷۳ درصد مجموع مواد امور قضایی مربوط به تهیه و تدوین قوانین قضایی و ۱۵/٤ درصد مربوط به تشکیلات قضایی و تنها حدود ۸ درصد مربوط به بهبود وضع قضات در دوران مورد بحث ما می‌باشد.

دوران پهلوی اول، در برنامه‌های پیشنهادی دولتها، همچنانکه از پیش اشاره شد، ٤ مورد از مواد برنامه‌های دولتهای این عصر به امور قضایی اختصاص یافته است (با نسبت ۶/۳ درصد) که ۳ مواد از آن نوید تهیه و تدوین قوانین و لوایح قضایی را شامل می‌گردد و ۱ ماده دیگر، اقدامات کلی دولت را در باب دستگاه قضایی مطمح نظر بوده است.

در دوران سوم مشروطیت به‌طوری‌که جدول ما نشان می‌دهد، تغییرات کمی در

جدول شمارهٔ ۹ـ ترتیب توزیع مواد برنامهٔ دولتها ـ در زمینهٔ امور قضایی کشور در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تدوین قوانین قضایی	۱۹	۷۳/۱	۳	۷۵	۵	۲۰	۲۷	۴۹/۱
سازمان‌های قضایی	۴	۱۵/۴	—	—	۳	۱۲	۷	۱۲/۷
تأمین استقلال و تقویت قوهٔ قضائیه	—	—	—	—	۲	۸	۲	۳/۷
استقرار امنیت قضائی	—	—	—	—	۵	۲۰	۵	۹/۱
تأمین و بهبود وضع «کارمندان قضائی»	۲	۷/۷	—	—	۵	۲۰	۷	۱۲/۷
اقدامات کلی در زمینهٔ امور قضایی کشور	۱	۳/۸	۱	۲۵	۵	۲۰	۷	۱۲/۷
جمع موارد	۲۶	۱۰۰	۴	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۵۵	۱۰۰

مواد برنامه دولتها در امر تأمین عدالت قضایی روی داده است و موادی همچون تأمین استقلال قوه قضایی، استقرار امنیت و عطف توجه به وضع قضات اهمیت فراوان یافت و هر یک از مواد مذکور ۲۰ درصد برنامه امور قضایی را دربر گرفت.

حفظ امنیت داخلی که از روزگاران کهن از جمله وظایف اساسی و اصلی دولتها بوده و با تحول و دگرگونی وظایف دولتها همچنان موقع و اهمیت خود را در چهارچوب وظایف دولت حفظ کرده و خواهد کرد.

در دوران حکومت مشروطه بویژه دو عصر اول و سوم که همزمان با شروع جنگ بین‌الملل اول و دوم می‌باشد، یک سلسله عوامل منشاء آن گردید، تا دولتها با توجه به این مسأله حیاتی آنرا در زمره رئوس برنامه‌های خود قرار دهند. چنانچه به کیفیت توزیع مواد مربوط به این امر نظر اندازیم به‌موجب جدول شماره ۱۰ تقویت نیروی امنیتی، و تأمین انتظامات داخلی کشور علی‌الاصول اهمیت فوق‌العاده داشته و هر یک به‌ترتیب ۲۲ و ۱۹ ماده از ۵۳ مواد مربوط به امنیت را تشکیل داده‌اند. (۴۱/۵۱ درصد، ۳۵/۸۵ درصد مواد برنامه‌های حفظ نظم و امنیت عمومی).

جدول شمارهٔ ۱۰ـ ترتیب وضع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ حفظ نظم و امنیت عمومی در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
سازمان قوای امنیتی	۱	۴	–	–	۴	۱۴/۸	۵	۹/۴
تقویت نیروی امنیتی	۱۳	۵۲	۱	۱۰۰	۸	۲۹/۷	۲۲	۴۱/۵
تأمین انتظامات و امنیت داخلی	۷	۲۸	–	–	۱۲	۴۴/۴	۱۹	۳۵/۹۰
تأمین بودجه	۱	۴	–	–	–	–	۱	۱/۹۰
قوانین	۳	۱۲	–	–	۳	۱۱/۱	۶	۱۱/۳
جمع مواد امنیت عمومی	۲۵	۱۰۰	۱	۱۰۰	۲۷	۱۰۰	۵۳	۱۰۰

این پدیده در هر یک از دو عصر اول وسوم مشروطیت که از نظر اثرات تغییر رژیم سلطنت و بروز جنگهای بین‌الملل اول و دوم وضعی مغایر با دوران سکون و حس انتظام عصر دوم را دارند نیز از نظر آماری مواد برنامه‌ها وضعی همانند دارند. به‌طوری که عصر اول مشروطیت بیش از نیمی از مواد برنامه دولتها مربوط به حفظ امنیت داخلی کشور، تجهیز و تقویت نیروی امنیتی می‌باشد و روشنگر این نکته است که دولت از نظر افراد و تجهیزات لازم در مضیقه و نیروی موجود کافی و وافی به مقصود نبوده است (۵۲ درصد مواد برنامه)

با اینکه عصر سوم نیز تأمین نیروی انسانی و تجهیزات دفاعی در برنامه دولتها مطمح نظر است و حدود ۳۰ درصد مواد برنامه مورد بحث را تشکیل می‌داده است ولی با اینهمه سیاست تأمین انتظامات و برقراری امنیت اهمیت بیشتری داشته و نزدیک به ۴۵ درصد مواد برنامه را دربر گرفته است.

همچنانکه از پیش بیان داشتیم هدفهای برنامه دولتها در زمینه ارتباطات و مخابرات با نقش عظیمی که در توسعه اقتصاد مملکت دارد قسمت اندکی از مواد برنامه را دربر می‌گیرد به‌طوری که تنها ۳۸ ماده از مجموع ۸۷۵ ماده برنامه دولتها را در مجموع اعصار سه‌گانه شامل می‌شود. (۴/۳۴ درصد)

هرگاه ترکیب کلی این پدیده را در مجموع سه دوره تاریخ سیاسی مشروطیت مورد توجه قرار دهیم، به‌موجب جدول شماره ۱۱، اکثریت قابل توجه مفاد برنامه دولت در امر مورد بحث در زمینه توسعه و ترمیم راه‌های شوسه و راه‌آهن ایران می‌باشد. به‌نحوی که با نسبت ۶۳ درصد حداکثر مواد برنامه را شامل می‌شود و ۳۷ درصد بقیه برنامه‌های دولت را امور مربوط به تلگراف و تلفن و اقدامات کلی که دولت درباب سیاست امور ارتباطی و مخابرات لازم است اعمال نماید دربر می‌گیرد.

جدول شمارهٔ ۱۱ـ وضع ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ ارتباطات و مخابرات در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
امور مربوط به راههای شوسه	۱	۱۱/۱	۳	۳۷/۵	۸	۳۸/۱	۱۲	۳۱/۶
« « براه‌آهن	۱	۱۱/۱	۳	۳۷/۵	۶	۲۸/۶	۱۰	۲۶/۳
« « براه‌های هوایی	—	—	—	—	۲	۹/۵	۲	۵/۳
« « بتلگراف و تلفون	۳	۳۳/۴	۱	۱۲/۵	۲	۹/۵	۶	۱۵/۸
قراردادهای پستی و پست	۴	۴۴/۴	۱	۱۲/۵	—	—	۵	۱۳/۱
اقدامات کلی	—	—	—	—	۳	۱۴/۳	۳	۷/۹
جمع موارد برنامه	۹	۱۰۰	۸	۱۰۰	۲۱	۱۰۰	۳۸	۱۰۰

باید افزود در دوران اول مشروطیت نظر به عواملی چند، کیفیت توزیع مواد جز این را نشان می‌دهد. به‌عبارتی دیگر در دورانی که موقعیت سیاسی ایران منشاء عدم امنیت داخلی گردیده و درواقع اداره امور عمومی از حسن انتظام برخوردار نبود از مجموع ۹ ماده برنامه مربوط به امور ارتباطات و مخابرات تنها ۲ ماده آن مربوط به تسهیلات و عقد قراردادی است که دولت برای توسعه و بهره‌برداری راه‌های شوسه و راه‌آهن و اموری جز اینها در برنامه خود سخن گفته است و ۷ ماده آن اختصاص به امر پست و تلگراف و تلفن و امور مخابراتی دارد.

ولی در دوران دوم و به‌ویژه عصر سوم مشروطیت، با توجه به سیاست کلی دولت‌ها در امر پیشرفت و توسعه اقتصاد کشور، ارتباطات به‌عنوان یک عامل مهم در تسریع رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، درجه اهمیت بیشتری را در مفاد برنامه‌های دولت پیدا می‌کند و از ۲۲/۲۴ درصد دوره حکومت قاجاریان به ۷۵ درصد به عصر حکومت رضاشاه و ۷۶/۲ درصد در دوران سلطنت محمدرضاشاه می‌رسد.

آنچه تاکنون بیان شد، شمه‌ای از نمودارهای کمی تدابیر مختلف دولت در اموری همچون اقتصاد و مدیریت امور اداری و قضایی و رفاه عامه است که برای نیل به هدف و سیاست کلی دولتها به‌صورت یک برنامه در طول سه دوره مشروطیت اتخاذ گردیده است.

ولی همچنانکه در تحقیقات گذشته بیان داشتیم اقدام دولت در امر برنامه‌ریزی و طرحهای طویل‌المدت عمرانی کشور سابقه بس طولانی در حکومت ملی ایران نداشته و تشکیلات اداری آن تنها از سال ۱۳۲۷ شمسی و در دوران حکومت محمدرضاشاه پی‌ریزی گردیده است و به‌طوری که جدول شماره ۱۲ نشان می‌دهد، ۲۰ ماده از مواد برنامه دولتهای عصر سوم را دربر می‌گیرد و اکثریت این مواد در برنامه دولتها به‌موجب جدول شماره ۱۲ در زمینه طرح و برنامه‌ریزی دیده می‌شود. به‌نحوی که نیمی از مواد دهگانه مربوط به این مسأله می‌باشد و نیم دیگر در باب سازمان و تشکیلات اداری و نظارت در اجرای برنامه‌های عمرانی بوده است.

تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به متن برنامه‌های دولتها، نشان می‌دهد که درصد بسیار اندکی از مواد برنامه‌ها، متوجه به تنظیم لوایح و قوانین در زمینه‌های مختلف بوده

جدول شمارهٔ ۱۲ـ وضع ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ طرح و برنامه‌ریزی عمرانی در هر عصر مشروطیت

	ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		در طول حکومت مشروطیت	
موضوع مواد برنامه	تعداد مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
طرح و برنامه	۱ـ اصلاح برنامه							۲	۱۰
	۲ـ طرح برنامه							۶	۳۰
	۳ـ مسئول تنظیم برنامه							۲	۱۰
سازمان	۱ـ انتزاع اجرایی امور از سازمان برنامه							۲	۱۰
	۲ـ امورکلی مربوط بسازمان‌برنامه							۳	۱۵
	۳ـ اجرای برنامه‌ها							۵	۲۵
جمع موارد طرح و برنامه‌ریزی								۲۰	۱۰۰

است و از پیش اشاره شد، ۲۶ مورد در جمع ۸۷۵ مواد برنامه‌های پیشنهادی دولتها به مجلس شورای ملی به این مطلب پرداخته شده است.

بر مبنای یافته‌های مندرج در جدول شماره ۱۳ - دولتهای عصر اول مشروطیت از ۱۸۲ مواد مندرج در برنامه‌های خود، در ۱۰ مورد نوید تنظیم لوایح و تدوین قوانین موقت (با ۲ ماده)، و نیز تهیه لوایح مربوط به مجلس شورای ملی و انجمنهای ایالتی و ولایتی (با ۳ ماده) و موارد مختلف دیگری ازجمله پیش‌بینی تجدید نظر در قانون اساسی و شورای دولتی را داده‌اند.

پراکندگی مواد برنامه دولتها در دوران سوم مشروطیت نیز تنها ۱۵ ماده از جمع کل ۶۲۹ ماده موجود در برنامه‌های پیشنهادی را نشان می‌دهد (۲/۹۷ درصد). و از میان ۱۵ ماده مذکور، بیش از نیمی از آن اشاره به لزوم تغییر و تجدیدنظر در قانون انتخابات شده است (با نسبت ۵۳/۳ درصد) و پس از آن از وعده تجدید نظر در قوانین به‌طور کلی و به‌دنبال آن کیفیت اجرای قوانین سخن رفته است (به‌ترتیب با نسبت ۲۶/۷ درصد و ۱۳/۳ درصد).

جدول شمارهٔ ۱۳ـ ترتیب توزیع مواد برنامه‌های دولتها در زمینهٔ قوانین بطور اعم در هر عصر مشروطیت

ادوار تاریخی مشروطیت	عصر اول		عصر دوم		عصر سوم		درطول حکومت مشروطیت	
تعداد مواد برنامه / موضوع مواد برنامه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
تجدیدنظر در قوانین					۴	۲۶/۷	۴	۱۶
اجرای قوانین					۲	۱۳/۳	۲	۸
وضع قوانین: ۱ـ قوانین موقت از طرف ادارات	۱	۱۰					۱	۴
۲ـ تشکیل هیأت مخصوص برای تهیهٔ لوایح	۲	۲۰				٤	۲	
قوانین مربوط به مجلس و انجمنها: ۱ـ تجدیدنظر در قانون انتخابات	۱	۱۰			۸	۵۳/۳	۹	۳۶
۲ـ لوایح راجع بمجلسین	۱	۱۰					۱	۴
۳ـ انجمنهای ایالتی و ولایتی	۱	۱۰					۱	۴
قانون سجل احوال	۱	۱۰					۱	۴
قانون هیأت منصفه	۱	۱۰					۱	۴
تجدیدنصر در قانون اساسی	۱	۱۰					۱	۴
لایحه تشکیل شورای دولتی	۱	۱۰	۱	۱۰۰	۱	۶/۷	۳	۱۲
جمع مواد برنامه	۱۰	۱۰۰	۱	۱۰۰	۱۵	۱۰۰	۲۶	۱۰۰

فصل هفتم

برنامه‌های مالی دولتهای مشروطه

در فصل پیشین مربوط به برنامه عملیات و تجزیه و تحلیل اهداف هر یک از دولتها روشن ساختیم، که تدابیر و سیاستهای جامع دولت به‌منظور تحکیم زیربنای اقتصادی و اجتماعی کشور، و تأمین نیازمندیهای مادی و معنوی طبقات مختلف جامعه بصورت برنامهٔ کار دولتها به مجالس قانونگذاری تقدیم می‌گردید تا پس از تصویب آن، دولتها کار خود را بطور قانونی آغاز نمایند.

و نیز در جلد نخست بررسی حاضر دربارهٔ وزارت و تطور آن در ایران، از گسترش دامنهٔ وظایف دولتها در طول تاریخ به‌تفصیل سخن گفته‌ایم. در اینجا اضافه می‌کنیم که همزمان با دگرگونی و گسترش فعالیت دولتها، سیاست برنامه‌ریزی مالی دولتها، برای پاسخگویی به اهداف و برنامه‌ها نیز تغییراتی حاصل می‌کند، نقشی که دولت در کیفیت توزیع درآمد و مصارف بودجه پیش‌بینی‌شده میان نیازها و خواستهای جامعه و اجرای طرحهای اقتصادی در طول تاریخ مشروطیت ایفا کرده است، ایجاب می‌کند که بررسی و تجزیه و تحلیل در نظام طرح‌ریزی و بودجه‌بندی کشور را در سلسله برنامهٔ پژوهشی حاضر بگنجانیم.

لازم به یادآوری است، که بحث در بودجه کل کشور، شامل تحقیق در همهٔ جنبه‌های علمی و تاریخی بودجه‌نویسی و امور مالی کشور نمی‌گردد. بلکه هدف ما،

صرفاً توجه به کیفیت توزیع و مصارف درآمد کشور بین سازمانها و تشکیلاتی است که به‌نحوی مسئول ایفای وظیفهٔ تأمین نیازهای مادی و معنوی جامعه بوده‌اند. و به بیانی دگر، با تخصیص و توزیع هزینه در پیشبرد اجرای برنامه‌های پیشنهادی و تحقق اهداف دولتها در زمینه‌های امور اقتصادی و اجتماعی کشور نقش مؤثر را ایفا کرده‌اند، محدود می‌گردد. ضمن اینکه منعکس کننده گسترش نقش دولت و تأیید کننده تطور وظایف دولتها در سه دورهٔ مشروطیت ایران نیز خواهد بود.

دوران تسلط حاکمیت هفتاد و دوساله مشروطیت را از نظر کیفیت و شیوه برنامه‌ریزی مالی دولتها و براساس طبقه‌بندی در تنظیم و تدوین لوایح بودجه کل کشور به سه دورهٔ متمایز به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شود.

دوره اول تاریخ بودجه: از سال ۱۲۹۹ شمسی تا سال ۱۳۲۷ شمسی است. که در این دوره بودجه کل شامل بودجه جاری بوده است.

دورهٔ دوم تاریخ بودجه، از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳ شمسی، که بودجه بر مبنای: بودجه جاری به اضافهٔ بودجه عمران (از محل اعتبارات عمرانی) تدوین گردیده است.

دورهٔ سوم تاریخ بودجه، از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ شمسی، که بودجه کل محتوی: بودجه جاری به‌اضافه بودجه عمرانی و به‌اضافه بودجه از محل درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های انتفاعی می‌باشد تحت عنوان بودجه برنامه‌ای.

باید افزود در دورهٔ اول از تقسیمات بودجه کل که سه عصر مشروطیت اول و دوم و شش سال اول از عصر مشروطیت سوم را شامل می‌گردد. همانطور که اشاره شد. بندهای مربوط به تخصیص اعتبار برای اجرای وظایف مختلف دولت، با عنوان وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول وظایف دولت و تحت عنوان سایر هزینه‌ها در بودجه کل منعکس شده است.

ولی در پژوهش حاضر، از آنجا که مراد نشان دادن سیر تخصیص هزینه و توزیع درآمد کشور، به‌منظور اجرای وظایف اصلی و هدفهای عملیاتی دولتها در طول تاریخ مشروطیت می‌باشد. ناگزیر پس از تجزیه و تحلیل بودجه کل کشور، جداول آماری را از بدو دوران مورد بررسی، بر مبنای آمار مالی نوع وظایف و فعالیت وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول اجرای وظایف دولت تهیه و تنظیم شده است. تا با مقایسهٔ سالهای

اخیر مشروطیت تدوین لوایح بودجه کل براساس و اصول وظیفه و با عنوان بخش (بعنوان وظیفه فرعی) در زمینه‌های مختلف به شرح زیر:امور عمومی، امور دفاعی، امور اجتماعی و امور اقتصادی پایه‌گذاری شده است. تحول و دگرگونی ترکیب توزیع درآمد کشور را، برای تحقق هدفها و مقاصد اصلی دولتها. در طول سه دوره از تقسیمات بودجه اشاره شده در فوق و سه عصر مشروطیت روشنتر سازیم.

تنظیم بودجه کل کشور بصورت قانونی در ایران سابقهٔ طولانی ندارد و آغاز آن را با تشکیل مجالس قانونگذاری که مسئولیت تصویب لوایح بودجه و برنامه‌های مالی دولت را برعهده دارد باید دانست.

از اولین لایحهٔ بودجه پیش‌بینی‌شده دولت و تقدیم آن به‌مجلس، دردورهٔ دوم قانونگذاری و در سال ۱۲۸۹ شمسی برابر ۱۳۲۸هجری قمری که به تدبیر و سعی وزیر دارایی وقت مرحوم صنیع‌الدوله هدایت تنظیم شده بود می‌توان یاد کرد.[۲]

منابع مکتوب، عواید در بودجه پیشنهادی صنیع‌الدوله را بالغ بر ۱۴،۶۱۸،۰۰۰ تومان ذکر کرده‌اند و پیش‌بینی هزینه را که ما از مجموع ارقام هزینهٔ توزیع‌شده بین هشت وزارتخانه، و وزارت دربار و مجلس شورای ملی بدست آورده‌ایم بالغ بر ۱۳،۶۱۸،۵۶۰ تومان بوده است.

در دوران طولانی فترت بین ادوار قانونگذاری[۳]، از تنظیم بودجه و کیفیت توزیع آن بین دستگاه‌های اجرایی کشور بصورت قانونی، بعلت فقدان مدارک و اسناد قانونی، اطلاع دقیقی در دست نمی‌باشد. با توجه به مراتب مذکور، در پژوهش حاضر که مبتنی بر مدارک مستند و قانونی موجود در مجلس شورای ملی می‌باشد، برنامه تجزیه و تحلیل بودجه کل مصوب مجالس را از سال ۱۲۹۹ شمسی آغاز می‌کنیم.

از ویژگی تدوین بودجه کل سالهای ۱۳۰۰ و ۱۲۹۹ شمسی، افزودن درآمدهای جنسی (گندم ـ جو ـ شلتوک) حاصل از دریافت مالیات مودیان علاوه بر درآمدهای نقدی می‌باشد.

۲ـ مرحوم مرتضی قلیخان صنیع‌الدوله، قبل از ارایه بودجه کل به مجلس و طی مراحل قانونی آن مورد سوٌقصد قرار گرفت. جانشین نامبرده، بودجه تنظیم‌شده را به مجلس دوم تقدیم داشت.

۳ـ ر.ک. کتاب نمایندگان مجلس شورای ملی.

وضع مالی و سیر درآمد دولت در برنامه‌های مالی کشور

به‌موجب داده‌های جدول شماره ۱ ـ درآمد سالانه دولت در سالهای ۱۲۹۹ - ۱۳۰۵،مقارن عصر اول مشروطیت و سلطنت قاجاریان می‌باشد، از افزایشی بین ۱/۱۸ تا ۱۹/۵۰ درصد برخوردار است. جز در سال ۱۳۰۳ شمسی که کاهش درآمدی معادل ۱۰ درصد نسبت به سال ۱۳۰۲ شمسی داشته است و درخور یادآوری می‌باشد.

عصر دوم مشروطیت که سالهای مالی ۱۳۲۱ - ۱۳۰۵ را دربر می‌گیرد. با استناد به جدول شماره ۱ ـ نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور در دوران اول تاریخ بودجه کل کشور، ما شاهد افزایش منابع درآمد دولتها در لوایح بودجه تقدیمی به مجالس می‌باشیم. و سیر افزایش درآمد هر سال نسبت به سال ماقبل را با رشدی معادل حداقل ۱ تا حدود ۵۱ درصد می‌توان در جداول آماری ملاحظه کرد. (جدول شماره ۱)

در میان سالهای مذکور در فوق، در درجهٔ اول از رشد درآمد سالانه سال ۱۳۱۹ با حدود ۵۱ درصد و سالهای ۱۳۱۱ و ۱۳۱۵ به‌ترتیب با افزایشی معادل ۳۴ و ۳۳/۱۴ درصد، و در مراتب بعدی از اکثریت، از سالهای ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۶، ۱۳۱۸ می‌توان یاد کرد، به‌ترتیب،اکثریت با ۲۶/۲۰ درصد، ۲۴/۹۹ درصد، ۲۲/۳۵ درصد، ۲۲/۵۹ درصد و بالاخره با ۲۰/۸۷ درصد که درخور بحث می‌باشد.

در شش سال اول عصر سلطنت پهلوی دوم، که بودجه کل همچنان که بیان داشتیم براساس بودجه جاری تنظیم شده است و سالهای ۱۳۲۷ - ۱۳۲۱ شمسی را شامل می‌گردد، نظر به عوامل سیاسی ناشی از جنگ بین‌الملل دوم و تأثیر آن در اوضاع داخلی ایران و به‌ویژه اقتصاد کشور، بی‌تأثیر در اهداف و برنامه‌ریزی عملیات دولتها و درنتیجه تدوین و تنظیم برنامه‌های مالی نبوده است. و ما این تأثیر را با ملاحظه ارقام بودجه کل و درآمد سالانهٔ کشور به‌وضوح درمی‌یابیم. و ملاحظه می‌شود که درآمد دولت در سالهای مورد نظر کاهش چشمگیر پیدا می‌کند ـ بویژه در دو سال ۱۳۲۱ و ۲۲ که درآمد نسبت به سالهای قبل از آن از کاهشی درحد ۱۳/۱۷ درصد در سال ۱۳۲۱ و حدود ۴۰ درصد در سال ۱۳۲۲ می‌رسد.

در این سالها، بویژه از سال ۱۳۲۳ به‌بعد، بودجه دولت بصورت منظم و قانونی برای مدت یک سال مالی مورد تصویب مجلس قرار نمی‌گرفت و درنتیجه با تصویب لوایح یک‌یاچندماهه‌درسال انجام می‌گرفت. و به موجب جدول شمارهٔ ۱ـ ارقام درآمد

دولت رقم ثابتی را نشان می‌دهد. رقم ثابت درآمد دولت در سالهای مورد نظر، و مقایسه آن با سالهائی که حجم بودجه کل بر مبنای بودجه جاری و بودجه عمرانی تنظیم شده است همچنان تا سال مالی ۱۳۳۲ شمسی دیده می‌شود.

از رقم درآمد دولت در بودجه سال ۱۳۳۲ پیدا است که منابع بودجه با نسبت شایان توجه ۵۳/۴۲ درصد رشد پیدا کرده است و این افزایش درآمد همچنان سیر فزونی خود را با نسبتهای بین حدود ۳۱ تا ۵۵ درصد می‌پیماید تا در سال ۱۳۳۷ که به بالاترین سطح افزایش که حدود ۱۶۴ درصد باشد می‌رسد (جدول شماره ۴)

برطبق داده‌های آماری جدول شماره ۴ ـ مربوط به رشد سالانه بودجه در دورهٔ دوم تاریخ بودجه‌نویسی درآمد دولت در بودجه کل ـ نسبت به سال ۱۳۴۰، حدود ۱۴/۵۴ درصد کاهش، و درآمد سال ۱۳۴۲ در مقایسه با سال ۴۱، حدود ۳۹ درصد کاهش را نشان می‌دهد که درخور یادآوری می‌باشد.

یافته‌های جدول شماره ۶ ـ مربوط به نمودار رشد سالانه بودجه در طی سالهای ۱۳۴۳-۵۷ حکایتی دگر دارد و بیانگر افزایش سریع منابع مالی از سالهای ۱۳۴۳ به‌بعد که بودجه کل مرکب از: بودجه جاری و بودجه عمرانی، و بودجه از محل درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های انتفاعی و تحت عنوان بودجه برنامه‌ای ترکیب یافته است می‌باشد. و از داده‌های بدست‌آمده چنین برمی‌آید که در هیچ‌یک از سالهای مورد بحث درآمد دولت در مقام مقایسه با سال قبل با کاهش روبرو نبوده است.

برای توضیح و تأیید مطلب اشاره می‌کنیم، در سال ۱۳۴۳ شمسی، ما با افزایش سریع منابع مالی و درآمد دولت مواجه هستیم، بطوری‌که از رقمی معادل ۵۲،۷۷۲،۳۵۰،۰۰۰ ریال در سال ۱۳۴۲ به ۱۴۰،۵۹۲،۶۷۷،۰۰۰ ریال بالغ شده است که از رشد قابل بحث با ۱۶۷/۱۰ درصد برخوردار بوده است.

این فزونی سریع منابع مالی کشور در ده ساله ۱۳۴۵-۱۳۵۴ شمسی (دوران فزونی درآمد نفت) همچنان دیده می‌شود. در بودجه سال ۱۳۵۴ شمسی، رقم درآمد دولت معادل ۲۴۴،۷۱۷،۳۳۰،۰۰۰ ریال می‌باشد که در مقایسه با درآمد سال قبل از رشدی درخور یادآوری، معادل ۱۲۵/۲۶ درصد برخوردار گردیده است.

ولی در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶، در آمار بدست‌آمده از تجزیه و تحلیل لوایح بودجه کل پیش‌بینی‌شده، افزایش درآمد در مقایسه با سالهای قبل به‌ترتیب با رشدی

معادل حدود ۲۵ درصد در سال ۱۳۵۵ و ۱۵/۱۱ درصد فزونی در سال ۱۳۵۶ که همزمان با آخرین سال اجرای برنامهٔ عمرانی پنجم کشور داشته است که درخور بحث می‌باشد.

مصارف در بودجه کل «هزینه»

یافته‌های پژوهش حاضر از تجزیه و تحلیل مصارف و هزینه در بودجه کل کشور. به‌موجب جدول شماره ۱ نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور در طی سالهای ۱۳۲۱ - ۱۲۹۹، نشانگر این مطلب است که در سالهای مالی عصر سلطنت قاجاریان، اعتبار هزینهٔ دولت جز در دو سال، همواره با افزایش همراه بوده است.

توضیح آن‌که در سال ۱۲۹۹ شمسی، کل هزینهٔ جاری در سطح ۲۲۸،۰۰۸،۹۳۰ ریال پیش‌بینی شده است که در برابر درآمد برآوردشده در همین سال، دولت با کسر درآمد روبرو بوده است که در جای خود از آن بحث خواهد شد.

هزینهٔ پیش‌بینی‌شده مربوط به سال ۱۳۰۰ شمسی، در مقایسه با هزینه سال ۱۲۹۹ به‌موجب جدول شماره ۱ـ با کاهشی معادل ۱۴/۲۱ درصد مواجه بوده است. اشاره شد که در عصر اول مشروطیت و سالهای مورد بحث این تاریخ، هزینهٔ برآوردشده نسبت به سالهای ماقبل از افزایش برخوردار بوده است.

رشد هزینه در سال ۱۳۰۱ با افزایشی معادل ۹/۰۴ درصد، نسبت به سال ۱۳۰۰ دیده می‌شود. و در سالهای ۱۳۰۲ و ۱۳۰۴ شمسی، رقم فزونی مصارف بودجه نسبت به سالهای ماقبل خود به ترتیب معادل حدود ۲۳/۴۰ و ۸/۵۰ درصد می‌باشد. از هزینه برآوردشده سال ۱۳۰۳ در مقایسه با سال ۱۳۰۲، با کاهشی معادل ۱۲/۱۰ درصد می‌توان سخن گفت.

نتیجه‌ای که از داده‌های مندرج در جدول شماره ۲ مربوط به بودجه کل کشور و مربوط به دورهٔ اول مشروطیت می‌توان گرفت، این است که: دولتها جز در دو سال ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ از بودجه متعادلی برخوردار بوده‌اند درحالی‌که در سالهای ۱۲۹۹ و ۱۳۰۴ به‌ترتیب کاهش درآمدی معادل ۱۷/۹۴ و ۱/۳۱ درصد داشته‌اند.

یادآور می‌شویم، از مقایسه برآورد درآمد با هزینه در سالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۳ چنین برمی‌آید که دولتها با اضافه درآمدی به‌ترتیب معادل ۳/۱۵ و ۲/۳۳ درصد

داشته‌اند.

در عصر سلطنت رضاشاه، یافته‌های جداول مذکور در فوق، هزینه‌های پیش‌بینی شده دولت افزایش چشمگیر را نشان می‌دهند.

در اولین سال سلطنت پهلوی اول (۱۳۰۵) هزینه دولت نسبت به سال ۱۳۰۴ با رشد اندک دیده می‌شود و دولت در این سال با تخصیص ۲۵۳،۹۷۳،۹۷۴ ریال هزینه جاری کشور در برابر ۲۵۰،۹۲۹،۰۷۲ ریال سال قبل از آن از رشد اندکی معادل ۱/۲۱ درصد برخوردار بوده است.

ولی در سالهای ۱۳۲۱-۱۳۰۶، فزونی هزینه را در سالهای مالی مختلف با استناد به جداول آماری ما، با رشد بالایی، همچون ۹۴/۱۹ درصد در سال ۱۳۱۵ و ۶۹/۹۶ درصد در سال ۱۳۰۶ می‌بینیم، و نیز از افزایش نسبتهایی با ۳۷/۶۵ درصد، ۳۴/۶۶ درصد، ۳۴/۶۶ درصد به‌ترتیب در سالهای ۱۳۱۱ نسبت به سال ۱۳۱۰ و سال ۱۳۲۰ نسبت به سال ماقبل را یادآور می‌شویم.

اشاره شد در این عصر، آمار جداول ما در برآورد هزینه‌ها نشان از افزایش داده‌اند. از نسبت این افزایشها بطور متغیر، در غیر سالهای مذکور در فوق، از بین ۱/۰۱ درصد تا ۲۶/۵۶ درصد می‌توان یاد کرد و جدول شماره ۱ـ آشکارا مطلب را تأیید می‌کند.

در میان ۱۶ سال مالی مقارن سلطنت پهلوی اول، کاهش هزینه جاری دولت را تنها در سال ۱۳۰۷ نسبت به سال ۱۳۰۶ یا ۳۶/۰۴ درصد می‌توان مشاهده کرد.

در عصر دوم مشروطیت که مقارن حکومت پهلوی اول می‌باشد، دولتها، تنها در ۷ سال (۱۳۰۷-۱۳۰۹ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ و ۱۳۱۶) دولت با کسر بودجه مواجه نبوده و اضافه درآمدی بین ۰/۰۱ تا ۴/۵۱ درصد داشته است. ولی ۹ سال دیگر به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۲ـ بودجه نامتعادل بوده و با کسری درآمدی در سالهای مختلف، بین حداقل ۱/۲۷ درصد تا ۶۷/۳۰ درصد مواجه بوده است.

از ذکر چشمگیر درصد افزایش هزینه به درآمد: سالهای ۱۳۰۶ با ۶۷/۲۹ درصد، و سال ۱۳۱۵ با ۴۵/۸۰ درصد و بالاخره سال ۱۳۱۸ با ۳۵/۴۱ درصد که شایان بحث می‌باشد نباید خودداری کرد.

عصر سوم مشروطیت در تقسیمات اول تنظیم بودجه، دولت همچنانکه اشاره شد

با کاهش درآمد روبرو بوده است و درنتیجه، برای رفع نیاز جامعه و برنامه‌های جاری مملکت، برآورد هزینه‌های جاری در بودجهٔ تقدیمی دولتها با کاهش پرداختهای لازم روبرو بوده است. بطوری که هزینهٔ جاری سال ۱۳۲۱ نسبت به سال ۱۳۲۰، کاهشی معادل ۲۷/۴۴ درصد را نمودار می‌سازد.

در مجموع به موجب نمایش جدول رشد سالانه بودجه در سالهای مورد نظر، هزینه‌های جاری در سالهای بین ۲۷-۱۳۲۲ شمسی، نسبت به سال ۱۳۲۱ از افزایشی بسیار اندک در سطح بین ۰/۰۶ درصد تا حداکثر ۵/۱۰ درصد برخوردار بوده است. گفتنی است که هزینه سال ۱۳۲۴ نسبت به سال ۱۳۲۳ کاهشی در حد ۱/۸۷ درصد داشته است.

با استناد به ارقام جدول شماره ۲ـ دولت در طول سالهای ۲۷-۱۳۲۲ شمسی، بر رویهم از بودجه نامتعادلی برخوردار بوده است. و هزینه‌های جاری برآورد شده دولت در مقابل درآمد با کسر موازنه‌ای بین حدود ۷۵ تا ۸۴ درصد روبرو بوده است.

باید افزود، در بودجه سال ۱۳۲۱، از برآورد درآمد و هزینه چنین برمی‌آید که دولت با کسر درآمد مواجه نبوده و افزایشی معادل ۰/۰۱ درصد داشته است.

دوره دوم تاریخ تنظیم بودجه ۱۳۴۳-۱۳۲۷

از ۱۶ برنامه مالی پیشنهادی دولت در دوران سلطنت پهلوی دوم که بر مبنای هزینه جاری و هزینه عمرانی پی‌ریزی شده است و مربوط به سالهای ۴۳-۱۳۲۷ شمسی می‌باشد. تجزیه و تحلیل ما از داده‌های آماری جدول شماره ۴ـ نشان می‌دهد، که میزان پرداختها و مصارف دولت در زمینه‌های مختلف امور کشوری در هر سال مالی نسبت به سال قبل از آن از افزایش برخوردار بوده است.

یادآور می‌شویم، افزایش هزینه سال ۱۳۲۸ نسبت به سال ۱۳۲۷ چشمگیر بوده و نسبتی معادل ۱۸۱/۲۳ درصد را نشان می‌دهد. و نیز افزایش هزینه پیش‌بینی‌شده دولت در سال ۱۳۳۷ نسبت به سال ۱۳۳۶ با رشدی معادل ۱۶۹/۵ درصد قابل توجه و درخور بحث می‌باشد.

گفتنی است، فزونی سالانه در این دوره از تاریخ بودجه بطور منظم و متوالی نیست و میزان برآورد و پرداختهای دولت در پاره‌ای از سالهای مالی ازجمله سالهای ۲۳

و ۴۱ و ۴۲ شمسی نسبت به سالهای مالی ماقبل خود کاهش داشته و از درصد کاهش آن به‌ترتیب با ۱۱/۴۹ درصد، ۲/۷۶ درصد و ۳۵/۹۸ درصد میتوان یاد کرد.

برداشت ما از جدول شماره ۳، که مربوط به نمودار درصد هزینه به درآمد کل کشور در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷ می‌باشد. و همچنانکه ازپیش اشاره شد. بودجه جاری و بودجه عمرانی توأماً بودجه کل کشور را تشکیل می‌داده است. حکایت از نامتعادل بودن بودجه و افزایش هزینه به درآمد با نسبتی حداقل ۰/۰۳ تا ۱۰۹/۰۷ درصد می‌کند و به‌موجب یافته‌های همین جدول، بالاترین درصد فزونی هزینه به درآمد را در سال ۱۳۲۷ شمسی که معادل ۱۰۹/۰۷ درصد می‌باشد می‌توان مشاهده کرد. بطور کلی در طی سالهای بین ۳۴-۱۳۲۷ شمسی که دوران بحران اقتصاد نفت بوده است، برنامه‌های مالی با بالاترین درصد افزایش هزینه به درآمد مواجه بوده‌اند.

از ذکر کاهش درآمد سالهای ۳۴-۱۳۲۸، با نسبتهایی بین ۴۱/۹۳ تا ۴۶/۱۳ درصد نباید خودداری کرد. جدول شماره ۳ـ افزوده افزایش هزینه به درآمد را در سال ۱۳۳۲ معادل ۴/۲۸ درصد نشان می‌دهد و اینطور استنباط می‌شود که دولت در لایحه پیشنهادی بودجه، نسبت به سالهای قبل از این دوره تقسیم‌بندی ما از بودجه‌ای با کسر هزینه‌ای اندک مواجه بوده است.

در سالهای ۴۳-۱۳۳۴ شمسی، فزونی هزینه به درآمد نسبت به سالهای قبل بطوری‌که از جداول آماری پیدا است، اندک بوده و بین ۰/۰۳ درصد تا حدود ۲۰۶ درصد می‌رسد.

دوره سوم تاریخ تنظیم بودجه «۵۷-۱۳۴۳»

در دورانی از حکومت پهلوی دوم که بودجه کل با عنوان بودجه برنامه‌ای مرکب از: بودجه جاری، بودجه عمرانی از محل اعتبارات عمرانی، و به‌اضافه اعتبارات از محل درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های انتفاعی طرح‌ریزی شده است. به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۶ مربوط به رشد شالانه بودجه کل کشور، برآورد هزینه‌ها در سالهای ۵۷-۱۳۴۳ حکایت از افزایشی متغیر در سالهای متفاوت و با نسبتهایی از حداقل ۹ درصد (سال ۴۵ نسبت به سال ۴۴) تا حدود ۱۵۰ درصد (سال ۴۳ نسبت به سال ۴۲) می‌کند.

این فزونی هزینه، در اکثر برنامه‌های مالی سالانه دولت در این دوره از تاریخ بودجه معادل با افزایش درآمد بوده است و به‌عبارتی از بودجه متعادلی برخوردار بوده است. جز در سالهایٔ ۴۳ و ٤٤ و ٤۵ و همچنین سال ۱۳۵٦ شمسی که دولت با کسر درآمد مواجه بوده است. نسبت افزایش هزینه به درآمد در سه سال دهه ۱۳٤۰ مذکور در فوق، درصدی معادل ۲/٤۸ و ۹۲/۰ درصد و بالاخره ۸٦/۰ درصد داشته‌اند که رقم اندکی می‌باشد.

نتیجه‌ای که از آمار جدول ۵ و ٦ گرفته می‌شود، همچنانکه اشاره کردیم دولت در یک دهه ۵٦-۱۳٤٦ از بودجه نسبتاً متعادل برخوردار بوده است، جز در سال ۱۳۵٦ شمسی که هزینه برآوردشده بیش از درآمد است و رقم افزایش آن را معادل ۳/٦۰ درصد می‌توان ذکر کرد.

جدول شماره (۱) نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور در طول سالهای «۱۳۲۷ ـ ۱۲۹۹»

اعصار تاریخی مشروطیت	تاریخ / شرح وظایف	درآمد	هزینه
	سال شمسی	٪	٪
عصر اول مشروطیت	سال ۱۲۹۹	–	–
	" ۱۳۰۰	۱/۱۸	-۱۴/۲۱
	" ۱۳۰۱	۱۲/۵۹	۹/۰۴
	" ۱۳۰۲	۱۹/۵۰	۲۳/۳۹
	" ۱۳۰۳	-۱۰/۰۰	-۱۲/۱۰
	" ۱۳۰۴	۴۱۵۶	۸/۴۷
عصر دوم مشروطیت	" ۱۳۰۵	–	۱/۲۱
	" ۱۳۰۶	۴/۱۸	۶۹/۹۶
	" ۱۳۰۷	۷/۳۰	-۳۶/۰۴
	" ۱۳۰۸	۱۲/۳۸	۲۶/۵۶
	" ۱۳۰۹	۱۳/۵۸	۱/۰۱
	" ۱۳۱۰	۵/۶۴	۷/۰۹
	" ۱۳۱۱	۳۳/۹۷	۳۷/۶۵
	" ۱۳۱۲	۱/۳۶	۵/۰۵
	" ۱۳۱۳	۲۲/۵۹	۲۲/۵۷
	" ۱۳۱۴	۲۰/۸۷	۲۰/۸۵
	" ۱۳۱۵	۳۳/۱۴	۹۴/۱۹
	" ۱۳۱۶	۲۴/۹۹	۲/۷۵
	" ۱۳۱۷	۲۲/۳۵	۱۵/۳۲
	" ۱۳۱۸	۲۶/۲۰	۵۱/۲۹
	" ۱۳۱۹	۵۰/۵۹	۲۲/۸۶
	" ۱۳۲۰	۱۶/۵۹	۳۴/۶۶
عصر سوم مشروطیت	" ۱۳۲۱	-۱۳/۱۷	-۲۷/۴۴
	" ۱۳۲۲	-۳۹/۷۴	۵/۱۰
	" ۱۳۲۳		۱/۵۳
	" ۱۳۲۴		-۱/۸۷
	" ۱۳۲۵		۰/۰۶
	" ۱۳۲۶		۰/۹۷

«جدول شماره (۲) نمودار درصد هزینه به درآمد کشور»

(طی سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷ شمسی)

(به ریال)

اعصار تاریخی مشروطیت	تاریخ / شرح		درآمد کل کشور	هزینه کل کشور	
	سال شمسی		فراوانی	فراوانی	درصد
عصر اول مشروطیت	سال	۱۲۹۹	۱۹۳,۳۲۴,۱۳۰	۲۲۸,۰۰۸,۹۳۰	۱۷/۹۴
	"	۱۳۰۰	۱۹۵,۶۱۳,۵۵۰	۱۹۵,۶۱۳,۵۵۰	—
	"	۱۳۰۱	۲۲۰,۲۳۲,۶۷۴	۲۱۳,۲۹۳,۵۳۷	* ۳/۱۵
	"	۱۳۰۲	۲۶۳,۱۸۷,۳۳۳	۲۶۳,۱۸۷,۳۳۳	—
	"	۱۳۰۳	۲۳۶,۸۴۶,۲۵۰	۲۳۱,۳۴۲,۷۸۰	* ۲/۳۳
	"	۱۳۰۴	۲۴۷,۶۷۵,۹۴۰	۲۵۰,۹۲۹,۰۷۲	۱/۳۱
عصر دوم مشروطیت	"	۱۳۰۵	۲۴۷,۶۷۵,۹۴۰	۲۵۳,۹۷۳,۹۷۴	۲/۵۴
	"	۱۳۰۶	۲۵۸,۰۲۵,۸۰۰	۴۳۱,۶۶۰,۱۱۲	۶۷/۲۹
	"	۱۳۰۷	۲۷۶,۸۵۲,۲۹۷	۲۷۶,۱۱۳,۹۱۷	* ۰/۲۷
	"	۱۳۰۸	۳۱۱,۱۲۴,۰۴۰	۳۴۹,۴۵۲,۶۰۱	۱۲/۳۲
	"	۱۳۰۹	۳۵۳,۳۷۴,۸۲۷	۳۵۲,۹۸۷,۷۷۶	* -۰/۱۱
	"	۱۳۱۰	۳۷۳,۲۹۹,۳۹۹	۳۷۸,۰۲۳,۴۵۸	۱/۲۷
	"	۱۳۱۱	۵۰۰,۱۰۰,۰۰۰	۴۸۲,۵۵۷,۲۷۰	* -۴/۵۱
	"	۱۳۱۲	۵۰۶,۹۱۴,۲۲۷	۵۰۶,۹۰۴,۴۶۰	* -۰/۰۱
	"	۱۳۱۳	۶۲۱,۴۱۳,۴۱۷	۶۲۱,۳۰۷,۸۶۵	* -۰/۰۲
	"	۱۳۱۴	۷۵۱,۱۲۳,۴۸۷	۷۵۰,۸۲۷,۷۹۰	* -۰/۰۴
	"	۱۳۱۵	۱۰۰۰,۰۶۱,۷۴۰	۱۴۵۸,۰۰۸,۴۸۴	۴۵/۸۰
	"	۱۳۱۶	۱۲۵۰,۰۰۲,۹۱۱	۱۴۹۸,۰۳۷,۳۷۷	۰/۱۶
	"	۱۳۱۷	۱۵۲۹,۳۹۲,۶۴۸	۱۷۲۷,۵۱۸,۵۶۲	۱۲/۹۵
	"	۱۳۱۸	۱۹۳۰,۰۹۶,۷۰۰	۲۶۱۳,۴۱۸,۹۸۷	۳۵/۴۱
	"	۱۳۱۹	۳۰۹۹,۴۹۳,۹۷۷	۳۲۱۰,۹۷۳,۰۲۷	۳/۶۰
	"	۱۳۲۰	۳۶۱۳,۷۶۸,۷۱۸	۴۳۲۴,۰۹۱,۶۷۶	۱۹/۶۶
عصر سوم مشروطیت	"	۱۳۲۱	۳۱۳۷,۸۲۳,۹۴۰	۳۱۳۷,۶۹۵,۰۵۳	* -۰/۰۱
	"	۱۳۲۲	۱۸۹۰,۷۹۵,۰۹۶	۳۲۹۷,۷۱۸,۵۳۷	۷۴/۴۱
	"	۱۳۲۳	۱۸۹۰,۷۹۵,۰۹۶	۳۳۴۸,۱۱۸,۵۳۷	۷۷/۰۷
	"	۱۳۲۴	۱۸۹۰,۷۹۵,۰۹۶	۳۴۳۹,۵۵۸,۵۳۷	۸۱/۹۱
	"	۱۳۲۵	۱۸۹۰,۷۹۵,۰۹۶	۳۴۴۱,۷۵۷,۵۳۷	۸۲/۰۳
	"	۱۳۲۶	۱۸۹۰,۷۹۵,۰۹۶	۳۴۷۵,۳۶۳,۰۷۱	۸۳/۸۰

«جدول شماره (۳) نمودار درصد هزینه به درآمد کشور»

(طی سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳ شمسی)

(به ریال)

اعصار تاریخی مشروطیت	تاریخ / شرح	درآمد	هزینه	درصدهزینه به درآمد
	سال شمسی	فراوانی	فراوانی	درصد
عصر سوم مشروطیت	سال ۱۳۲۷	۱۸۹۰,۷۹۵,۰۹۶	۳,۹۵۳,۱۴۸,۹۱۲	۱۰۹/۰۷
	" ۱۳۲۸	۷,۷۸۵,۶۹۰,۸۶۰	۱۱,۱۱۷,۳۹۷,۵۹۳	۴۲/۷۹
	" ۱۳۲۹	۷,۷۸۵,۶۹۰,۷۶۰	۱۱,۱۴۶,۵۱۷,۳۵۹	۴۳/۱۷
	" ۱۳۳۰	۷,۷۸۵,۶۹۰,۷۶۰	۱۱,۲۲۴,۱۰۱,۴۴۵	۴۴/۱۶
	" ۱۳۳۱	۷,۷۸۵,۶۹۰,۷۶۰	۱۱,۳۷۷,۳۸۹,۰۴۵	۴۶/۱۳
	" ۱۳۳۲	۱۱,۹۴۴,۴۶۳,۰۰۰	۱۲,۳۵۶۱۴۳,۰۰۰	۴/۲۸
	" ۱۳۳۳	۷,۷۸۵,۶۹۰,۷۶۰	۱۱,۰۵۰,۴۹۲,۶۴۵	۴۱/۹۳
	" ۱۳۳۴	۱۲,۰۶۶,۵۴۸,۰۰۰	۱۴,۸۴۴,۰۵۳,۰۰۰	۲۳/۰۲
	" ۱۳۳۵	۱۵,۷۸۴,۲۶۲,۰۰۰	۱۹,۸۶۵,۰۳۳,۱۸۰	۲۵/۸۵
	" ۱۳۳۶	۲۱,۹۴۰,۰۵۹,۱۰۰	۲۱,۹۴۵,۵۶۳,۶۸۰	۰/۰۳
	" ۱۳۳۷	۵۷,۸۸۶,۴۴۵,۲۰۷	۵۹,۱۳۵,۹۶۴,۵۶۵	۲/۱۶
	" ۱۳۳۸	۶۴,۱۵۸,۷۵۵,۰۸۰	۶۵,۲۶۷,۵۴۱,۳۰۶	۱/۷۳
	" ۱۳۳۹	۸۲,۲۷۴,۱۰۵,۸۰۳	۸۳,۱۷۶,۶۸۲,۱۰۴	۱/۱۰
	" ۱۳۴۰	۹۰,۴۳۱,۸۶۳,۰۰۰	۹۳,۰۰۸,۵۸۳,۰۰۰	۲/۸۴
	" ۱۳۴۱	۸۶,۳۲۶,۲۴۳,۸۶۳	۹۰,۴۴۰,۰۴۳,۸۶۳	۴/۷۷
	" ۱۳۴۲	۵۲,۷۷۲,۳۵۰,۰۰۰	۵۷,۸۹۶,۹۰۸,۴۰۰	۹/۷۱

«جدول شماره (۴) نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور»

(طی سالهای ۱۳۴۳ ـ ۱۳۲۷)

اعصار تاریخی	تاریخ / شرح میزان اعتبار سال شمسی		درآمد ٪	هزینه ٪
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۲۷		۳/۷۵
	"	۱۳۲۸	۳۱۱/۷۷	۱۸۱/۲۳
	"	۱۳۲۹		۰/۲۶
	"	۱۳۳۰		۰/۷۰
	"	۱۳۳۱		۱/۳۷
	"	۱۳۳۲	۵۳/۴۲	۹/۴۸
	"	۱۳۳۳	۳۴/۸۲	ـ۱۱/۴۹
	"	۱۳۳۴	۵۴/۹۸	۳۴/۳۳
	"	۱۳۳۵	۳۰/۸۱	۳۳/۸۲
	"	۱۳۳۶	۳۹/۰۰	۱۰/۴۷
	"	۱۳۳۷	۱۶۳/۸۴	۱۶۹/۴۷
	"	۱۳۳۸	۱۰/۸۴	۱۰/۳۷
	"	۱۳۳۹	۲۸/۲۴	۲۷/۴۴
	"	۱۳۴۰	۹/۹۲	۱۱/۸۲
	"	۱۳۴۱	ـ۴/۴۵	ـ۲/۷۶
	"	۱۳۴۲	ـ۳۸/۸۷	ـ۳۵/۹۸

«جدول شماره (۵) نمودار درصد هزینه به درآمد کشور»

(طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ شمسی)

(به ریال)

اعصار تاریخی مشروطیت	تاریخ / شرح		درآمد	هزینه	
	سال شمسی		فراوانی	فراوانی	درصد
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۴۳	۱۴۰,۹۵۲,۶۷۷,۰۰۰	۱۴۴۴۴۴ ۱۶۲,۰۰۰	۲/۴۸
	"	۱۳۴۴	۱۷۵,۰۴۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۷۶,۶۶۲,۳۲۸,۰۰۰	۰/۹۲
	"	۱۳۴۵	۱۹۰,۴۸۶,۰۰۰,۰۰۰	۱۹۲,۱۱۲,۰۰۰,۰۰۰	۰/۸۶
	"	۱۳۴۶	۲۱۷,۲۳۱,۹۱۰,۰۰۰	۲۱۷,۲۳۱,۹۱۰,۰۰۰	—
	"	۱۳۴۷	۲۷۴,۵۷۹,۵۹۳,۰۰۰	۲۷۴,۵۷۹,۵۹۳,۰۰۰	—
	"	۱۳۴۸	۳۳۰,۳۸۶,۵۹۹,۰۰۰	۳۳۰,۳۸۶,۵۹۹,۰۰۰	—
	"	۱۳۴۹	۴۰۶,۶۶۲,۱۹۸,۰۰۰	۴۰۶,۶۶۲,۱۹۸,۰۰۰	—
	"	۱۳۵۰	۴۸۱,۴۲۵,۷۶۰,۰۰۰	۴۸۱,۴۲۵,۷۶۰,۰۰۰	—
	"	۱۳۵۱	۵۴۸,۵۳۶,۷۵۲,۰۰۰	۵۴۸,۵۳۶,۷۵۲,۰۰۰	—
	"	۱۳۵۲	۶۹۲,۷۳۱,۶۰۲,۰۰۰	۶۹۲,۷۳۱,۶۰۲,۰۰۰	—
	"	۱۳۵۳	۱۰۸۶,۳۷۰,۱۱۵,۰۰۰	۱,۰۸۶,۳۷۰,۱۱۵,۰۰۰	—
	"	۱۳۵۴	۲,۴۴۷,۱۷۴,۳۳۰,۰۰۰	۲,۴۴۷,۱۷۴,۳۳۰,۰۰۰	—
	"	۱۳۵۵	۲,۹۶۰,۲۴۸,۴۴۸,۰۰۰	۲,۹۶۰,۲۴۸,۴۴۸,۰۰۰	—
	"	۱۳۵۶	۳,۴۰۷,۴۰۰,۱۶۴,۰۰۰	۳,۵۳۰,۰۰۰,۱۶۴,۰۰۰	۳/۶۰

«جدول شماره (۶) نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور»

(طی سالهای ۱۳۵۷ ـ ۱۳۴۳ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت	تاریخ / شرح وظایف		درآمد	هزینه
	میزان اعتبار سال شمسی		٪	٪
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۴۳	۱۶۷/۱۰	۱۴۹/۴۹
	"	۱۳۴۴	۲۴/۱۹	۲۲/۳۰
	"	۱۳۴۵	۸/۸۱	۸/۷۵
	"	۱۳۴۶	۱۴/۰۵	۱۳/۰۸
	"	۱۳۴۷	۲۶/۴۰	۱۶/۴۰
	"	۱۳۴۸	۲۰/۳۲	۲۰/۳۲
	"	۱۳۴۹	۲۳/۰۸	۲۳/۰۸
	"	۱۳۵۰	۱۸/۳۸	۱۸/۳۴
	"	۱۳۵۱	۱۳/۹۴	۱۳/۹۴
	"	۱۳۵۲	۲۶/۲۹	۲۶/۲۹
	"	۱۳۵۳	۵۶/۲۹	۵۶/۲۹
	"	۱۳۵۴	۱۲۵/۲۶	۱۲۵/۲۶
	"	۱۳۵۵	۲۰/۹۷	۲۰/۹۷
	"	۱۳۵۶	۱۵/۱۱	۱۹/۲۵

مصارف بودجه و تقسیمات چهارگانه

برآورد هزینه و مصارف بودجه

ازپیش اشاره شد، که نقش اساسی بودجه، پاسخ به طرح‌ها و برنامه‌ریزیهای مربوط به ادارهٔ امور اقتصادی و اجتماعی و تدابیری می‌باشد که دولتها برای پیشبرد امور مملکت طبق اهداف و مقاصد اساسی خود در اعصار سه‌گانه مشروطیت اتخاذ کرده‌اند. و نیز بیان داشتیم که برای رسیدن به هدف اصلی خود در پژوهش حاضر که روشن ساختن کیفیت ترکیب مصارف و تخصیص اعتبار برای اجرای هر یک از وظایف اصلی و کلی دولت است، جداول آماری برنامه‌های مالی را بر مبنای وظایف اصلی در طول سه دورهٔ مشروطیت و در درون ادوار تاریخ تنظیم و تدوین لایحه بودجه کل کشور تهیه کرده‌ایم.

با این مقدمه، بررسی را از اولین بودجه قانونی سال ١٢٩٩ شمسی در اولین دوره از تقسیمات تدوین بودجه آغاز می‌کنیم.

نظر اجمالی به ارقام بودجه و تخصیص و توزیع آن به بخش‌های مختلف امور کشور به‌موجب جداول شماره ٧ و ٨، روشنگر این نکته است که دولت در سال ١٢٩٩ شمسی، در بودجهٔ تقدیمی به مجلس شورای ملی، اولویت را به بخش امور دفاعی با اعتباری معادل ٣٩/٤٧ درصد کل بودجه درنظر گرفته و پس از آن، به امور عمومی با ٣٧/١١ درصد کل بودجه، درحالی که کمتر از $\frac{1}{4}$ اقلام بودجه (٢٣/٤٢ درصد)، به‌ترتیب اکثریت بین بخشهای امور اقتصادی، دیون و تعهدات، هزینه‌های متفرقه و بالاخره امور اجتماعی با حداقل اعتبار ١/٦٦ درصد توزیع شده است.

این کیفیت تقدم و تأخر از نظر اکثریت تخصیص اعتبار، در طول سالهای مربوط به عصر اول مشروطیت همچنان دیده می‌شود. بطوری که امور دفاعی از ٣٩/٤٧ درصد سال ١٢٩٩ به ٤٦/١ درصد در سال ١٣٠٠ شمسی می‌رسد، که درواقع بیشترین درصد اعتبارات بودجه را به خود اختصاص داده است و در سال ١٣٠١ شمسی نیز امور دفاعی همچنان با نسبت ٤٢/٢، بالاترین سهم بودجه کل را جذب کرده است. و از بودجه سالهای بین ١٣٠٥-١٣٠٢ به‌ترتیب با نسبتهای ٣٥/٧٢، ٣٩/٧٧ و ٣٧/٧٣ می‌توان یاد کرد.

به‌موجب جدول شماره ۸ بخش امور عمومی در مرحلهٔ دوم از اکثریت با نسبتهای بین ۳۴/۸۲ درصد تا ۴۲/۲۹ درصد دیده می‌شود. درواقع در پنج سال عصر اول مشروطیت اعتبار بخش امور عمومی بین حدود ۳۵ تا ۳۹ درصد بوده جز در سال ۱۳۰۲ که دولت با تخصیص اعتباری معادل ۴۲/۲۹ درصد توجه و عنایت بیشتری به این بخش مبذول داشته است.

در سالهای بین ۱۳۰۵-۱۲۹۹، سهم هزینه مربوط به بخش امور اقتصادی، مرحلهٔ سوم از اکثریت را تشکیل داده است و از ۷/۵ درصد بودجه کل در سال ۱۳۰۰ به ۱۱/۰۸ درصد به سال ۱۳۰۴ شمسی می‌رسد.

از مقایسه آمار هزینه، بخشهای مختلف بودجه کل در سالهای مورد بحث (عصر اول مشروطیت) اینطور استنباط می‌شود که سهم اعتبار بخش امور اجتماعی با کمترین نسبت از بودجه کل کشور برخوردار بوده است و درواقع با اعتباری بین ۱/۶۶ درصد سال ۱۲۹۹ تا ۳/۶۵ درصد در سال ۱۳۰۴ شمسی پائین‌ترین سطح ارقام بودجه را دریافت داشته است.

از داده‌های آماری جدول شماره ۱۰ـ مربوط به متوسط بودجه کل در سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹ ـ این نتیجه گرفته می‌شود که دولتهای عصر اول مشروطیت بطور متوسط در تنظیم و تدوین لایحه بودجه کل با تخصیص نسبت حدود ۴۰ درصد اولویت را به امور دفاعی کشور داده‌اند. و پس از آن به امور عمومی با نسبتی حدود ۳۸ درصد متوسط بودجه کل این سالها، و در مرحلهٔ سوم به امور اقتصادی با ۹/۰۴ درصد متوسط بودجه کل دورهٔ مورد بحث، و سهم امور اجتماعی با نسبتی حدود ۳ درصد متوسط بودجه کل، از اعتبار مالی برخوردار بوده‌اند.

برداشت ما از تجزیه و تحلیل آمار جدول شماره ۱۰ مربوط به نمودار متوسط بودجه کل کشور برحسب وظایف در طی سالهای ۱۳۲۱-۱۳۰۵ شمسی، که مقارن دوران سلطنت رضاشاه می‌باشد، ضرورت مداخلهٔ مستقیم دولت به منظور بالا بردن سطح تولیدات و گسترش اقتصاد کشور، موجب گردید که بالاترین سطح اعتبارات را به بخش امور اقتصادی اختصاص دهند. بطوری که از متوسط اعتباری معادل ۶۰/۷۰ درصد از متوسط بودجه کل سالهای ۲۱-۱۳۰۵ را به خود جذب نموده است. حال آن که برخلاف عصر اول، دولتها برای امور دفاعی با اختلافی فاحش هزینه‌ای معادل ۱۴/۵۲

درصد متوسط بودجه کل این سالها سهمی منظور داشته‌اند.

در عصر دوم مشروطیت، امور عمومی در درجهٔ سوم اکثریت و با اعتباری معادل ۱۳/۵۶ درصد و پس از آن امور اجتماعی با ۴/۷۳ درصد متوسط کل بودجه می‌توان یاد کرد.

باید افزود که دولتهای این عصر، در مقایسه با عصر اول مشروطیت برای تأمین اعتبار امور اجتماعی کوشش مبذول داشته‌اند و این بخش سهمی بیش از هزینه‌های متفرقه و دیون و تعهدات را در لوایح بودجه به خود تخصیص داده‌اند.

چنانچه نظر به ارقام اعتبارات هر بخش در هر یک از سالهای عصر دوم مشروطیت داشته باشیم، داده‌های بدست آمده از پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هزینه بخش امور اقتصادی از درصدی معادل ۱۰/۴۱ درصد کل بودجه در سال ۱۳۰۵ به ۴۳/۰ درصد کل بودجه می‌رسد و به موجب جدول شماره ۸، جز در سالهای ۱۳۰۷ و ۱۳۱۰ و ۱۳۱۳ که هزینه‌ای معادل حدود ۱۰ درصد از بودجه کل را جذب کرده‌اند در بقیه سالهای دوران دوم مشروطیت، سهم عمده‌ای از بودجه کل کشور را که از حداقل ۱۱ درصد تا ۹۲/۹ درصد بودجه کل سالانه (مربوط به سال ۱۳۱۶ شمسی) را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول شماره ۹ مربوط به پراکندگی رشد سالانه هر بخش، حکایت از رشد سالانه بخش امور اقتصادی در طول سالهای ۲۱-۱۳۰۵ می‌کند که این نسبت فزونی را از حداقل ۲۳/۴۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۰ نسبت به سال ۱۳۱۹) تا حداکثر ۶۲۷/۰۷ (مربوط به سال ۱۳۱۶ در مقایسه با سال ۱۳۱۵) می‌توان یادآور شد. ناگفته نماند رشد سالانه چشمگیر در بعضی از سالهای این عصر ازجمله سال ۱۳۱۲ با ۴۴۰/۸۱ درصد و ۱۳۱۵ با درصدی معادل ۴۷۷/۲۲ نسبت به سالهای ماقبل درخور بحث می‌باشد.

اضافه کنیم، در بعضی از سالهای مالی، سهم هزینه اختصاص داده‌شده به امور اقتصادی هرچند نسبت قابل ملاحظه را از بودجه کل دریافت داشته‌اند با اینهمه نسبت به سال قبل از خود با کاهش روبرو بوده است ازجمله در سالهای زیر:

سال ۱۳۰۵ در مقایسه با سال ۱۳۰۴ با کاهشی در سطح ۴/۹۵ درصد

سال ۱۳۰۷ در مقایسه با سال ۱۳۰۶ با کاهشی در سطح ۸۵/۳۲ درصد
سال ۱۳۱۰ در مقایسه با سال ۱۳۰۹ با کاهشی در سطح ۱۸/۹۵ درصد
سال ۱۳۱۳ در مقایسه با سال ۱۳۱۲ با کاهشی در سطح ۸۲/۰۱ درصد
سال ۱۳۱۷ در مقایسه با سال ۱۳۱۶ با بالاترین رقم کاهش ۹۳/۶۸ درصد

اشاره شد در عصر دوم مشروطیت امور عمومی بطور متوسط با ۱۳/۵۶ درصد متوسط بودجه کل سالهای ۲۰-۱۳۰۵ در مرحله سوم از اکثریت بوده است. (به‌موجب جدول شماره ۱۰)

چنانچه نظر به ارقام اعتبارات سالانه این بخش در دورهٔ مورد بحث داشته باشیم با استناد به یافته‌های جدول شماره ۸ و ۹ ـ هزینه بخش امور عمومی در هر سال با افزایش روبرو بوده است. بطوری که در سال ۱۳۰۵ شمسی، با تخصیص ۳۵/۱۰ درصد بودجه کل کشور به این وظیفه، در مقایسه با سال ۱۳۰۴ از رشدی معادل ۲/۰۵ درصد برخوردار بوده است.

افزوده افزایش سالانه این بخش در سالهای ۱۳۰۶ با ۲۳/۵ درصد بودجه کل، رشدی معادل حدود ۱۴ درصد در مقایسه با سال مالی قبل داشته است و از نسبت هزینه وظیفه امور عمومی در سال ۱۳۰۷ با درصدی ۳۸/۷ و با رشدی در حد ۱۳/۵، و سال ۱۳۰۸ با درصد ۳۴/۵ و رشدی معادل ۱۴/۷ درصد می‌توان یاد کرد.

فزونی رشد هزینه بخش امور عمومی در سالهای زیر چشمگیر و درخور ملاحظه و بحث می‌باشد.

در سال ۱۳۱۱ با اعتباری حدود ۳۵/۴ درصد بودجه کل و از رشدی معادل ۶۰/۵۰ درصد

در سال ۱۳۱۲ با اعتباری حدود ۵۶ درصد بودجه کل و از رشدی معادل ۳۱۳/۳۳ درصد

در سال ۱۳۱۳ با اعتباری حدود ۲۹/۴ درصد بودجه کل و از رشدی معادل ۷۶/۶۶ درصد

ناگفته نماند، هزینه بخش امور عمومی از سالهای ۱۳۱۴ تا اواخر سلطنت رضاشاه، هرچند سهم کمتری نسبت به سالهای گذشته از بودجه کل کشور را جذب

کرده است و درواقع نسبت آن از حداقل ۲/۱۰ درصد تا ۲۹ درصد کل بودجه در نوسان بوده است، ولی به‌موجب جدول شماره ۹ مربوط به رشد سالانه بودجه کل برحسب وظیفه، در هر سال مالی، نسبت به سال ماقبل از رشدی بین ۳/۸۲ در سال ۱۳۱۴ تا ۴۱/۴۳ درصد در سال ۱۳۲۰ بهره‌مند بوده است.

در صفحات پیشین اشاره شد که بخش امور دفاعی در دوران سلطنت پهلوی اول، بعد از امور اقتصادی از بیشترین اعتبار با ۱۴/۵۲ درصد متوسط بودجه کل کشور در سالهای مورد بحث و در مقام دوم از اکثریت قرار گرفته است.

نگاهی به آمار بخش امور دفاعی در جدول شماره ۸ مربوط به عصر دوم مشروطیت، حکایت از آن دارد که در طی ۱۶ سال مالی این عصر، این تقدم اکثریت بخش دفاعی در تخصیص سهم هزینه از بودجه کل، در همه سالها مرعی نشده است. ازجمله: در سال ۱۳۰۶ با ۳۵/۵ درصد در مقایسه با ۳۸/۰۷ درصد امور عمومی، سال ۱۳۱۱ با نسبت ۳۰/۷ درصد، در مقایسه با ۳۵/۴ درصد هزینه امور عمومی، و سرانجام سال ۱۳۱۲ با نسبت اندک ۱۳/۱۲ درصد بودجه کل کشور در برابر ۵۵/۸۲ درصد بخش امور عمومی در مرحلهٔ سوم از اکثریت قرار داشته است.

جدول شماره ۹ـ نمودار رشد سالانه بودجه کل در طی سالهای ۱۳۲۱-۱۲۹۹ـ چنین استنباط می‌شود که دولتها در تخصیص هزینه در هر سال مالی بر سهم اعتبار امور دفاعی کشور نسبت به سال گذشته افزوده‌اند.

آمار فزونی هزینه تأمین امور دفاعی کشور از سال ۱۳۲۱-۱۳۰۵ شمسی از حداقل رشد ۰/۲۰ درصد سال ۱۳۰۷ نسبت به سال ۱۳۰۶ تا ۹۸/۱۶ درصد رشد سالانه ۱۳۱۵ نسبت به سال ماقبل را میتوان در جدول شماره ۹ مشاهده کرد.

در شش سال اول دوران حکومت پهلوی دوم که بودجه کل همچنان بر مبنای بودجه جاری تنظیم شده است برخلاف اواخر دوره حکومت پهلوی دوم ـ دولتها در توزیع منابع درآمد، میان نیازهای گوناگون جامعه تحت عوامل مختلف سیاسی که از پیش بیان داشتیم ـ با استناد به آمار جدول شماره ۱۰ـ بیشترین سهم هزینه را به بخش امور دفاعی با رقمی بطور متوسط ۹۹۴/۸۳۳ هزار ریال با نسبت ۲۹/۵۲ درصد متوسط کل بودجه سالهای ۲۷-۱۳۲۱ اختصاص داده‌اند و در مراتب بعدی از امور عمومی با

۲۸/۹٤ درصد، و امور اقتصادی با ۱۷/۵٦ درصد متوسط بودجه کل دوره مورد بحث ما می‌توان سخن گفت. و از سهم هزینهٔ امور اجتماعی همچون سالهای اعصار گذشتهٔ مشروطیت در بین بخشهای چهارگانه از اعتبارات کمتری در حد ۱۱/۰۷ درصد متوسط بودجه کل سالهای مذکور یادآور می‌شویم.

سهم اعتبارات سالانه و رشد بودجه بخش امور دفاعی کشور را در طی سالهای مذکور در فوق به موجب جداول شماره ۸ و ۹ به‌شرح زیر می‌توان آورد.

اعتبار وظیفهٔ تأمین دفاعی کشور در سال ۱۳۲۱ با نسبت ۲۲/۷۰ درصد، بعد از نسبت ۳۰/٤۵ درصد هزینه برآورده‌شده بخش اقتصادی، و ۲۳/۲۷ درصد بخش امور عمومی، در مرحلهٔ سوم از اکثریت قرار گرفته است. هرچند که میزان اعتبار تخصیص‌یافته نسبت به سال ۱۳۲۰، از رشدی حدود ۱۸ درصد برخوردار بوده است.

در سالهای ۱۳۲۷-۱۳۲۲- اعتبار بخش امور دفاعی حدود ثلث بودجه کل کشور بوده است و در دو سال ۱۳۲۲ و ۱۳۲٤ شمسی نسبت به سالهای ماقبل از رشدی به‌ترتیب ٤۲/۸۵ (مربوط به سال ۱۳۲۲) و ۸/٦۹ (مربوط به سال ۱۳۲٤ شمسی) بهره‌مند بوده است.

بطوری که بیان داشتیم، در عصر سوم مشروطیت در داخل اولین دورهٔ تقسیمات تنظیم بودجه کشور، بخش امور عمومی با نسبت حدود ۲۹ درصد متوسط کل بودجه کشور در طی سالهای ۲۷-۱۳۲۱ با استناد به آمار جدول شماره ۱۰- در مرحلهٔ دوم از اکثریت قرار داشته است. برای دستیابی به میزان تخصیص هزینه و رشد سالانه، بخش امور عمومی به تجزیه و تحلیل بودجه سالهای مورد بحث در جداول ۸ و ۹ استناد می‌کنیم و از داده‌های جداول مذکور چنین برمی‌آید. میزان اعتبار سالانه امور عمومی از بودجه کل، بین ۲۳/۲۷ درصد تا ۳۱/۰۷ درصد در شش سال ۲۷-۱۳۲۱ بوده است که به موجب جدول شماره ۹، از رشدی معادل بین حداکثر حدود ۳۲/٤ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۱) و ٤۲/٦ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۲) برخوردار بوده است.

و اما سهم هزینه امور اقتصادی در تقسیم و توزیع بودجه کل کشور در طی دوران سوم مشروطیت (۲۷-۱۳۲۱) متغیر بوده. در جدول شماره ۸ می‌بینیم، که در هر یک از ٦ سال مورد بحث، بخش امور اقتصادی، اعتباری با درصدهای متفاوت بین حداکثر ۳۰/٤۵ درصد بودجه کل کشور (مربوط به سال ۱۳۲۱) تا حداقل ۱٤/۵ درصد

(مربوط به سال ۱۳۲۵ شمسی) را داشته است.

و به‌موجب آمار جدول شماره ۹ مربوط به رشد سالانه هزینه هر بخش در طی سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹- سهم اعتبار بخش امور اقتصادی در اولین سال مشروطیت سوم با نسبتی معادل ۳۰/۴۵ درصد کل بودجه در مقایسه با سال ۱۳۲۰ شمسی، حدود ۶۰/۵ درصد کاهش داشته است و این کاهش برآورد هزینه بخش امور اقتصادی در سال ۱۳۲۲ نسبت به سال قبل همچنان با درصد چشمگیری حدود ۴۶/۶۴ درصد دیده می‌شود.

اگر از ۳ سال ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ را که سهم اعتبار در هر یک از این سالها یک‌سان بوده است صرف‌نظر کنیم، مشاهده می‌شود که تنها در سال ۱۳۲۶ شمسی می‌باشد که هزینه بخش امور اقتصادی نسبت به سال قبل فزونی یافته و با نسبتی حدود ۱۷ درصد کل بودجه (به‌موجب جدول شماره ۸) از رشدی معادل $\frac{1}{5}$ برخوردار بوده است.

در سالهای بین ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۷ که ما از آن در اولین تقسیمات بودجه کل، تحت عنوان عصر مشروطیت سوم یاد می‌کنیم، به‌موجب یافته‌های پژوهش حاضر، نشانگر این مطلب است که دولت برای اجرای هدفهای مربوط به تأمین رفاه و خدمات اجتماعی، همچون دو عصر گذشته، اعتباری اندک بین ۷/۷ درصد در سال ۱۳۲۱ تا حدود ۱۲ درصد بودجه کل در سال ۱۳۲۶ درنظر گرفته است که درواقع کمتر از $\frac{1}{8}$ بودجه کل کشور بوده است.

ناگفته نماند، در طی شش سال اول مشروطیت سوم که مقارن با دوران بحرانی کشور ناشی از جنگ بین‌الملل دوم بوده است، هرچند دولتها در مصارف بودجه کل و تخصیص آن برای وظایف مختلف توجه کمتری در برآورد هزینه امور اجتماعی داشته‌اند، با اینهمه از آمار جدول شماره ۹- چنین استنباط می‌شود که بخش امور اجتماعی از رشد هزینه تدریجی برخوردار بوده است.

از این حکم، باید سال ۱۳۲۱ را مستثنی ساخت که سهم برآورد هزینه امور اجتماعی نسبت به سال ۱۳۲۰ شمسی با کاهش معادل ۲۲ درصد روبرو بوده است. ولی در سالهای ۲۷-۱۳۲۲ شمسی، این بخش از رشدی بین حداقل ۰/۵۴ تا ۴۹/۶۱ درصد در سالهای مالی مختلف برخوردار بوده است.

«جدول شماره ۸ نمودار بودجه وظایف هر بخش نسبت به بودجه کل کشور»

(طی سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ		بخش امورعمومی	بخش اموردفاعی	بخش اموراجتماعی	بخش اموراقتصادی	هزینه‌های متفرقه	دیون‌وتعهدات بهره ـ کارمزدبهره	مؤسسات‌و شرکتهای‌دولتی	جمع
	میزان اعتبار سال شمسی		٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر اول مشروطیت	سال	۱۲۹۹	۳۷/۱۱	۳۹/۴۷	۱/۶۶	۸/۶۳	۵/۳۸	۷/۷۵	–	۱۰۰
	«	۱۳۰۰	۳۵/۲	۴۶/۱	۲/۶۰	۷/۵۰	۵/۴	۳/۲۰	–	۱۰۰
	«	۱۳۰۱	۳۹/۲	۴۲/۲	۳/۲۰	۶/۷۰	۵/۸	۲/۹۰	–	۱۰۰
	«	۱۳۰۲	۴۲/۲۹	۳۵/۷۲	۳/۰۴	۹/۰۱	۷/۵۵	۲/۳۹	–	۱۰۰
	«	۱۳۰۳	۳۶/۲۲	۳۹/۷۷	۳/۴۶	۱۰/۶۳	۷/۱۸	۲/۷۴	–	۱۰۰
	«	۱۳۰۴	۳۴/۸۲	۳۷/۷۳	۳/۶۵	۱۱/۰۸	۵/۲۴	۷/۴۸	–	۱۰۰
عصر دوم مشروطیت	«	۱۳۰۵	۳۵/۱۰	۳۷/۲۸	۴/۶۴	۱۰/۴۱	۵/۱۸	۷/۳۹	–	۱۰۰
	«	۱۳۰۶	۲۳/۵	۲۲/۹	۴/۲۰	۴۳/۰	۲/۹۰	۳/۰	۰/۵	۱۰۰
	«	۱۳۰۷	۳۸/۰۷	۳۵/۸۱	۷/۱۴	۹/۸۵	۵/۳۸	۳/۷۵	–	۱۰۰
	«	۱۳۰۸	۳۴/۵	۳۵/۵	۸/۴۰	۱۰/۴۰	۵/۹	۲/۶	۲/۷	۱۰۰
	«	۱۳۰۹	۳۳/۷	۳۵/۲	۸/۶۰	۱۳/۷۰	۳/۳	۱/۸	۳/۷	۱۰۰
	«	۱۳۱۰	۳۱/۲	۴۲/۶	۸/۳۰	۱۰/۴	۲/۳	۲/۲	۳/۰	۱۰۰
	«	۱۳۱۱	۳۵/۴	۳۰/۷	۸/۳۰	۱۱/۳	۳/۴	۲/۶	۸/۳	۱۰۰
	«	۱۳۱۲	۵۵/۸۲	۱۳/۱۲	۳/۷۸	۲۳/۳۷	۱/۵۲	۱/۴۵	۰/۹۴	۱۰۰
	«	۱۳۱۳	۲۹/۴	۳۲/۹	۹/۶۰	۹/۵۰	۹/۴	۳/۹	۵/۳	۱۰۰
	«	۱۳۱۴	۲۸/۷	۳۳/۸	۱۱/۵۰	۱۵/۷۰	۴/۲	۱/۵	۴/۶	۱۰۰
	«	۱۳۱۵	۱۴/۴	۳۰/۵	۶/۲۰	۴۱/۱۰	۳/۴	۱/۶	۲/۸	۱۰۰
	«	۱۳۱۶	۲/۱	۲/۷	۱/۰	۹۲/۹	۰/۷	۰/۲	۰/۴	۱۰۰
	«	۱۳۱۷	۱۵/۵	۳۲/۳	۶/۹۰	۳۵/۶	۵/۹	۱/۴	۲/۴	۱۰۰
	«	۱۳۱۸	۱۲/۵۳	۱۴/۵۵	۶/۹۸	۵۶/۱۸	۵/۶۱	۱/۴۰	۲/۷۵	۱۰۰
	«	۱۳۱۹	۱۱/۹۵	۱۵/۱۱	۶/۲۷	۵۹/۹۸	۲/۱۲	۴/۵۲	۰/۰۵	۱۰۰
	«	۱۳۲۰	۱۲/۵۵	۱۳/۷۵	۶/۹۶	۵۴/۹۸	۴/۳۰	۶/۲۶	۱/۲۰	۱۰۰
عصر سوم مشروطیت	«	۱۳۲۱	۲۳/۲۷	۲۲/۷۰	۷/۵۶	۳۰/۴۵	/۶۳	۷/۰۸	۳/۲۲	۱۰۰
	«	۱۳۲۲	۳۱/۰۷	۳۰/۳۷	۷/۶۵	۱۵/۲۱	۵/۶۳	۷/۰۸	۰/۱۵	۱۰۰
	«	۱۳۲۳	۳۰/۰۶	۲۹/۹۱	۱۲/۰۶	۱۴/۹۸	۴/۲۳	۸/۰۷	۰/۱۵	۱۰۰
	«	۱۳۲۴	۲۹/۷۸	۳۱/۶۴	۱۱/۸۶	۱۴/۵۹	۴/۱۳	۷/۸۶	۰/۱۵	۱۰۰
	«	۱۳۲۵	۲۹/۵۳	۳۱/۴۰	۱۱/۸۴	۱۴/۴۸	۴/۸۰	۷/۸۰	۰/۱۵	۱۰۰
	«	۱۳۲۶	۲۸/۹۳	۳۰/۴۲	۱۱/۹۵	۱۶/۸۳	۴/۱۸	۷/۵۵	۰/۱۴	۱۰۰

«جدول شماره ۹ نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور»

(طی سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ		بخش امورعمومی	بخش اموردفاعی	بخش اموراجتماعی	بخش اموراقتصادی	هزینه‌های متفرقه	دیون و تعهدات بهره ـ کارمزدبهره	مؤسسات و شرکتهای دولتی
	میزان اعتبار / سال شمسی		٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر اول مشروطیت	سال	۱۲۹۹		ـ					
	"	۱۳۰۰	-۱۸/۶۸	ـ	۳۷/۳۶	-۲۴/۸۵	-۱۴/۹۱		
	"	۱۳۰۱	۲۰/۴۷	ـ	۳۰/۰۳	-۲/۹۶	۱۷/۶۹		
	"	۱۳۰۲	۳۳/۱۸	-۴/۴۴	۱۸/۳۴	۶۵/۱۸	۶۱/۶۶		
	"	۱۳۰۳	-۲۴/۷۳	-۲/۱۳	ـ	۳/۸۰-	۱۶/۳۷		
	"	۱۳۰۴	۴/۲۹	۲/۹۱	۱۴/۴۴	-۱۳/۰۴	-۲۰/۸۸		
عصر دوم مشروطیت	"	۱۳۰۵	۲/۰۵	ـ	۲۸/۷۲	-۴/۹۵	ـ	ـ	
	"	۱۳۰۶	۱۳/۹۵	۴/۲۳	۵۵/۰۳	۶۰۱/۴۸	-۳/۳۵	-۳۱/۳۷	
	"	۱۳۰۷	۱۳/۴۵	۰/۲۰	۷/۸۹	-۸۵/۳۲	۱۶/۷۷	-۱۹/۵۵	
	"	۱۳۰۸	۱۴/۶۵	۲۵/۲۸	۴۹/۳۹	۳۳/۲۳	۴۰/۵۵	-۱۱/۷۹	
	"	۱۳۰۹	۸/۶۶	۰/۲۱	۳/۴۳	۳۳/۳۰	-۴۳/۷۱	-۳۲/۳۴	-۳۹/۵۸
	"	۱۳۱۰	۰/۸۷	۲۹/۷۳	۳/۰۴	-۱۸/۹۵	-۲۵/۷۴	۳۲/۳۴	۱۲/۰۸
	"	۱۳۱۱	۶۰/۴۸	۱/۸۹	۴۱/۲۶	۵۴/۸۱	۱۰۹/۵۹	۷۲/۳۱	۲۸۴/۴۴
	"	۱۳۱۲	۳۱۳/۳۳	۱۲/۱۹	۱۹/۷۴	۴۴۰/۸۱	۱۶/۱۲	۴۴/۷۱	-۷۰/۱۲
	"	۱۳۱۳	۷۶/۶۶	۱۰/۸۶	۱۲/۶۵	-۸۲/۰۱	۵۲/۲۱	۱۷/۵۰	۱۴۹/۲۶
	"	۱۳۱۴	۳/۸۲	۹/۸۲	۲۷/۲۲	۷۶/۰۳	۷۷/۰۳	-۵۹/۲۶	-۶/۷۱
	"	۱۳۱۵	۱۰/۸۳	۹۸/۱۶	۱۹/۱۶	۴۷۷/۲۲	۴۴/۱۵	۱۴۲/۰۴	۳۰/۶۱
	"	۱۳۱۶	۲/۱۰	-۳۶/۰۳	۱۷/۱۱	۶۲۷/۰۷	۴۲/۳۵	۱/۴۲	۲/۰۸
	"	۱۳۱۷	۲۵/۷۴	۹۶/۴۵	۱۱/۷۹	-۹۳/۶۸	۴۴/۰۷	-۱/۳۳	-۰/۷۷
	"	۱۳۱۸	۲۲/۱۹	۳۱/۸۸	۵۳/۸۷	۱۳۸/۰۹	۵۳/۸۳	۵۴/۱۸	۷۶/۹۰
	"	۱۳۱۹	۱۷/۱۹	۲۷/۶۱	۱۰۳۲	۳۱/۱۷	۱۷۴/۶۱	۲۹۸/۱۷	۹۷/۷۱
	"	۱۳۲۰	۴۱/۴۳	۲۲/۵۰	۴۹/۹۹	۲۳/۴۷	-۶/۴۳	۸۶/۲۷	۳۰۲۶/۷۰
عصر سوم مشروطیت	"	۱۳۲۱	۳۲/۳۷	۱۷/۹۳	-۲۱/۸۵	-۶۰/۴۶	-۱۸/۵۴	-۱۹/۲۰	۹۳/۵۴
	"	۱۳۲۲	۴۲/۶۱	۴۲/۸۵	۴۹/۶۱	-۴۶/۶۴	۰/۰۱	۲۳/۶۱	-۹۴/۹۱
	"	۱۳۲۳	ـ	ـ	۱۴/۲۷	ـ	ـ	۰/۰۱	ـ
	"	۱۳۲۴	ـ	۸/۶۹	۱/۱۰	ـ	ـ		ـ
	"	۱۳۲۵	۰/۰۱	ـ	۰/۵۴	ـ	۱۷/۶۵		ـ
	"	۱۳۲۶	۱/۱۰	ـ	۴/۲۲	۲۰/۰۷	-۱۰/۲۰		ـ

«جدول شماره ۱۰ ـ نمودار متوسط بودجه کل کشور برحسب وظایف هر بخش در طی سالهای «۱۳۲۷ ـ ۱۲۹۹ شمسی»

	اعصارتاریخی مشروطیت	عصر اول مشروطیت		عصر دوم مشروطیت		عصر سوم مشروطیت		جمع سه عصر مشروطیت از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷	
	میزان اعتبار / شرح وظایف	متوسط بودجه فراوانی	٪	متوسط بودجه هر بخش	٪	متوسط بودجه هر بخش	٪	متوسط بودجه هر بخش	نسبت بودجه هر بخش به کل بودجه سه عصر
۱	بودجه بخش امور عمومی کشور	۸۶۵۸۰	۳۷/۵۸	۲۴۶۵۹۰	۱۳/۵۶	۹۷۵۰۲۶	۲۸/۹۴	۳۶۸۳۹۵	۲۰/۳۵
۲	« امور دفاعی کشور	۹۱۷۷۹	۳۹/۸۴	۲۶۳۹۹۵	۱۴/۵۲	۹۹۴۸۳۳	۲۹/۵۲	۳۸۳۷۰۰	۲۱/۱۹
۳	« امور اجتماعی کشور	۶۷۸۳	۲/۹۴	۸۵۹۳۰	۴/۷۳	۳۷۳۱۶۴	۱۱/۰۷	۱۳۰۵۲۰	۷/۲۱
۴	« امور اقتصادی کشور	۲۰۸۲۰	۹/۰۴	۱۱۰۳۷۴۹	۶۰/۷۰	۵۹۱۵۷۷	۱۷/۵۶	۷۶۱۹۴۲	۴۲/۰۸
۵	« هزینه‌های متفرقه	۱۴۱۰۰	۶/۱۲	۵۱۹۲۴	۲/۸۵	۱۵۲۴۹۱	۴/۵۳	۶۵۳۶۹	۳/۶۱
۶	« دیون ـ تعهدات، بهره وامها و کارمزد	۱۰۳۱۸	۴/۴۸	۴۱۰۷۸	۲/۲۵	۲۶۱۵۸۹	۷/۷۶	۸۱۷۳۹	۴/۵۲
۷	« مؤسسات و شرکتهای وابسته بدولت	—		۲۵۲۱۲	۱/۳۹	۲۰۸۰۱	۰/۶۲	۱۸۸۶۴	۱/۰۴
	جمع	۲۳۰۳۸۰	۱۰۰	۱۸۱۸۴۷۸	۱۰۰	۳۳۶۹۴۸۱	۱۰۰	۱۸۱۰۵۲۹	۱۰۰

مصارف بودجه در دورهٔ دوم تاریخ تنظیم بودجه

بطوری که ازپیش اشاره شد، کیفیت تنظیم و تخصیص مصارف بودجه کل کشور در دومین دوره از تقسیم‌بندی، بر مبنای دو قسمت: بودجه جاری و بودجه عمرانی تشکیل شده است و سالهای ۴۳-۱۳۲۷ شمسی را که مقارن حکومت پهلوی دوم می‌باشد دربر می‌گیرد.

در این دوره از تاریخ بودجه، مطابق اطلاعات بدست‌آمده از جدول شماره ۱۴- مربوط به متوسط بودجه کل کشور برحسب وظایف، دولتها در تخصیص اعتبارات برای تأمین نیازمندیهای مختلف کشور و اجرای هدفهای بهبود و رفاه اجتماعی مندرج در برنامه‌های تقدیمی خود به مجلس شورای ملی، بطور متوسط بیش از ۷۸ درصد کل بودجه کشور را به‌ترتیب اولویت برای رفع نیازمندیهای زیر اختصاص داده‌اند.

۱- حدود ۳۰/۶ درصد متوسط کل بودجه این دوره، به بخش امور عمومی

۲- حدود ۱۷/۴۰ درصد متوسط کل بودجه این دوره، به بخش امور اقتصادی

۳- و معادل ۱۶/۰۵ درصد متوسط کل بودجه این دوره، به بخش امور دفاعی

۴- حدود ۱۴/۳۰ درصد متوسط کل بودجه این دوره، به بخش امور اجتماعی

گفتنی است که حدود ۲۲ درصد بقیه متوسط بودجه کل در ۱۶ سال مالی مورد بحث شامل هزینه‌های متفرقه با ۳/۴۶ درصد، دیون و تعهدات، بهره وامها و کارمزد و غیره با ۱/۷۳ درصد، و بیشترین سهم با ۱۶/۵۴ درصد هزینه مؤسسات و شرکتهای دولتی را شامل می‌گردد.

تخصیص بیشترین سهم به اعتبارات مربوط به امور عمومی در این سالها به‌موجب جدول شماره ۱۲، در هر سال با نوساناتی بین حداقل ۱۷/۳۴ درصد بودجه کل (مربوط به سال ۱۳۴۲) تا حداکثر ۳۹/۸۰ درصد بودجه سالانه (مربوط به سال ۱۳۳۷) مورد بحث دیده می‌شود.

باید افزود که در سالهای ۳۴ و ۳۵ و ۳۶، بطوری که از یافته‌های جدول شماره ۱۲ استنباط می‌شود، دولتها اولویت را درتوزیع هزینه بین امور چهار بخش، به بخش امور دفاعی داده‌اند که به‌جای خود از آن سخن خواهیم راند.

نگاهی به جدول شماره ۱۳، مربوط به رشد سالانه هر بخش از بودجه کل کشور این نتیجه بدست می‌آید، که بودجه بخش امور عمومی در سالهای ۳۲ و ۳۸ و ۴۱ و

۴۲، نسبت به سالهای ماقبل خود به‌ترتیب کاهشی معادل ۱۴/۸۷ درصد، ۱۴/۵۱ درصد و بالاخره ۶۲/۱۵ درصد مربوط به سال ۴۲ نسبت به سال ۴۱ را داشته است.

حال آن‌که در ۱۲ لایحه بودجه کل کشور در این دورهٔ بودجه‌نویسی، اعتبارات منظورشده برای امور عمومی از رشدی بین حداقل ۰/۶۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۰ نسبت به سال ۱۳۲۹) تا ۳۵۳/۳۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۷ نسب به سال ۱۳۳۲) برخوردار بوده است.

این ویژگی فزونی هزینه در سال ۱۳۲۸ نسبت به‌سال ۱۳۲۷ به ۱۶۲/۵۱ درصد می‌رسد که گفتنی است اشاره شد که در برآورد هزینه سالهای ۴۳-۱۳۲۷ برای وظایف چهارگانه، بخش امور اقتصادی بعد از امور عمومی بیشترین سهم از بودجه کل کشور را جذب کرده است (بطور متوسط ۱۷/۳۸ درصد سالهای مورد بحث)

جدول شماره ۱۲ ما را از کیفیت تخصیص سهم بودجه بخش امور اقتصادی در هر یک از سالهای مورد نظر آگاه می‌کند. و روشن می‌سازد. اختلاف جزیی افزایش ۱/۳۳ درصد متوسط هزینه این بخش به متوسط امور دفاعی، بیشتر مربوط به فزونی هزینه بخش اقتصادی در طی سالهای ۴۷-۱۳۳۲ می‌شود که از نسبتی معادل ۱۵/۵۴ درصد بودجه کل کشور در سال ۱۳۳۷ و ۱۸/۶۴ درصد در سال ۱۳۳۸ و ۲۳/۶۵ درصد در سال ۳۹ و بالاخره ۲۲/۵۴ درصد در سال ۱۳۴۱ برخوردار بوده‌اند.

از بررسی داده‌های آماری جدول شماره ۱۳- چنین استنباط می‌شود که درمجموع ۱۶ برنامه مالی این دوره از تقسیمات بودجه‌بندی ما، در توزیع هزینه ۱۱ لایحه بودجه کل کشور، اعتبار بخش امور اقتصادی از رشدی چشمگیر بین حداقل ۴/۲۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۹ نسبت به سال ۱۳۲۸) تا حداکثر حدود ۲۷۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۷ نسبت به سال ۱۳۳۶) بهره‌مند بوده است.

هرچند، به‌استناد یافته‌های همین جدول در پنج سال به‌شرح زیر، سهم هزینه تخصیص‌یافته به بخش امور اقتصادی نسبت به سالهای ماقبل خود با کاهش روبرو بوده است.

سال ۱۳۳۰ نسبت به سال ۱۳۲۹، با کاهشی معادل ۱/۰۹ درصد

سال ۱۳۳۱ نسبت به سال ۱۳۳۰، با کاهشی معادل ۳/۰۱ درصد

سال ۱۳۳۳ نسبت به سال ۱۳۳۲، با کاهشی معادل ۴۲/۲۵ درصد

سال ۱۳٤۱ نسبت به سال ۱۳٤۰، با کاهشی معادل ٦/۳۳ درصد
سال ۱۳٤۲ نسبت به سال ۱۳٤۱، با کاهشی معادل ۰۰/۷٤ درصد

* دولت به‌منظور تقویت بنیه دفاعی کشور و افزایش مهارت‌ها و تخصص در طی سالهای ٤۳-۱۳۲۷ از تخصیص اعتبار لازم همچون سالهای گذشته به این بخش از وظایف خود چشم‌پوشی نکرده و همانطور که اشاره شد در طی ۱٦ سال مورد بحث ما، بطور متوسط، متجاوز از ۱٦ درصد متوسط کل بودجه کشور را برای تأمین نیروی دفاعی کشور منظور داشته است. و در دههٔ ۳۷-۱۳۲۷، بعد از امور عمومی، بیشترین اعتبار از بودجه کشور با درصدهای بین ۲۰ تا ۳۰ درصد به این وظیفه تعلق گرفته است و همانطور که اشاره شد اعتبار این بخش در سه سال ۳٤ و ۳۵ و ۳٦ افزون بر سهم امور عمومی با نسبتهای به‌ترتیب ۳۰/۳۲ درصد، ۲۹/۵۵ درصد و بالاخره ۲۷/۵۰ درصد بیشترین سهم هزینه بودجه کل کشور را جذب کرده‌اند (به‌موجب جدول شماره ۱۲)

در جدول شماره ۱۳ مربوط به رشد سالانه بودجه برحسب وظیفه، می‌بینیم که سهم بودجه امور دفاعی از بودجه کل کشور، از رشدی سالانه معادل بین حداقل ۱/۳۰ درصد تا حدود ۱۳۸ درصد نسبت به سال قبل از خود برخوردار بوده است. بالاترین رشد سالانه را در سال ۱۳۲۸ با ۱۲۷/٦٤ درصد نسبت به سال ۲۷، و پائین‌ترین میزان رشد به موجب یافته‌های جدول مذکور، از آن سال ۱۳٤۰ می‌باشد با نسبت ۱/۳۰ درصد.

باید افزود، هزینه امور دفاعی تنها در سال ۱۳۳۳ در مقایسه با سال ۱۳۳۲ کاهشی معادل ۲/٦۰ درصد داشته است.

* * *

* هزینه امور اجتماعی در این دوره از تاریخ بودجه، در مقایسه با سالهای دوران اول تاریخ بودجه (۱۳۲۷-۱۲۹۹) به‌استناد تجزیه و تحلیل جداول آماری، در لوایح بودجه دولت سهم قابل توجهی پیدا می‌کند بطوری که از ٤/۷۳ درصد عصر پهلوی اول به ۱۱۰/٦ درصد در ٦ سال اولیه حکومت پهلوی دوم می‌رسد و در دوره مورد بحث ما، فزونی هزینه این بخش بطور متوسط با ۱٤/۲٦ درصد رقم قابل ملاحظه را نشان می‌دهد.

سیر تدریجی فزونی اعتبار بخش امور اجتماعی را از داده‌های جدول شماره ۱۲

می‌توان دریافت و ما در آمار سالهای ۳۱-۱۳۲۷ بخش امور اجتماعی می‌بینیم، که اعتبار هزینه این بخش در هر سال نسبتی بالاتر از ۱۱ درصد را نشان می‌دهد. و از سالهای ۳۷-۱۳۳۱ این نسبت با نوساناتی بین حداقل ۱۲/٦ درصد تا حداکثر به حدود ۲۷ درصد می‌رسد. (مربوط به سال ۱۳۳٦)

از جدول شماره ۱۳ مربوط به رشد سالانه بودجه کل کشور به‌اعتبار وظیفه، این‌طور نتیجه گرفته می‌شود که دولتها در توزیع اعتبارات بودجه کل کشور، سهم امور اجتماعی را در هر سال نسبت به سال قبل با افزایشی قابل بحث منظور داشته‌اند. ازجمله در سال ۱۳۲۷ نسبت به سال ۱۳۲٦، هزینه امور اجتماعی رشدی متجاوز از ٤۷ درصد داشته است و سال ۲۸ نسبت به سال ۲۷ با افزایشی چشمگیر که معادل ۱۸۹ درصد باشد برخوردار بوده است.

از ذکر افزایش اعتبار این بخش در سال ۱۳۳٤ با رشدی حدود ۱۳۳ درصد نسبت به سال ۳۳ که درخور ملاحظه می‌باشد می‌توان ذکری به‌میان آورد.

اضافه می‌کنیم، در بودجه کل سالهای مورد بحث ما (٤۳-۱۳۲۷)، تنها دو سال ۱۳۳۰ و ۳۳ می‌باشد، که امور اجتماعی با کاهش هزینه‌ای اندک معادل ٤۳/۰ در سال ۱۳۳۰ و حدود ۳۵ درصد در سال ۱۳۳۳ نسبت به سال ماقبل روبرو بوده است.

«جدول شماره ۱۲ نمودار بودجه و وظایف نسبت به کل بودجه»

(طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۲۷ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ	بخش امور عمومی کشور	بخش امور دفاعی کشور	بخش امور اجتماعی‌کشور	بخش امور اقتصادی	هزینه‌های متفرقه	دیون و تعهدات بهره و کارمزد	شرکتهای وابسته‌به دولت	بودجه کل کشور
	میزان اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر سوم مشروطیت	سال ۱۳۲۷	۳۰/۴۱	۲۷/۵۳	۱۱/۴۵	۱۵/۰۷	۸/۵۹	۶/۳۸	۰/۱۲	۱۰۰
	" ۱۳۲۸	۲۸/۴۰	۲۲/۲۹	۱۱/۷۶	۸/۶۰	۱۵/۴۳	۵/۱۴	۸/۲۹	۱۰۰
	" ۱۳۲۹	۲۸/۳۶	۲۱/۸۹	۱۱/۶۰	۸/۹۱	۱۶/۰۵	۵/۰۵	۸/۱۴	۱۰۰
	" ۱۳۳۰	۲۸/۸۵	۲۲/۱۳	۱۱/۶۸	۸/۹۱	۱۵/۳۶	۴/۸۴	۸/۲۳	۱۰۰
	" ۱۳۳۱	۲۸/۱۲	۲۱/۷۸	۱۲/۶۰	۸/۵۰	۱۵/۸۷	۵/۰۳	۸/۱۰	۱۰۰
	" ۱۳۳۲	۲۲/۱۵	۲۰/۴۲	۱۷/۷۲	۱۳/۴۵	۲۰/۰۹	۰/۸۶	۴/۹۲	۱۰۰
	" ۱۳۳۳	۲۹/۰۰	۲۲/۴۲	۱۲/۹۸	۸/۷۵	۱۶/۳۳	۲/۱۷	۸/۳۴	۱۰۰
	" ۱۳۳۴	۲۶/۶۰	۳۰/۳۲	۲۲/۴۷	۹/۵۲	۳/۰۰	۱/۶۹	۶/۴۰	۱۰۰
	" ۱۳۳۵	۲۶/۵۶	۲۹/۵۵	۲۵/۲۶	۹/۳۹	۲/۷۴	۰/۵۵	۵/۹۵	۱۰۰
	" ۱۳۳۶	۲۶/۰۷	۲۷/۵۰	۲۶/۶۹	۱۲/۴۷	۱/۹۲	۰/۵۳	۴/۸۲	۱۰۰
	" ۱۳۳۷	۳۹/۸۰	۱۲/۶۱	۱۰/۸۹	۱۵/۵۴	۱/۷۸	۰/۳۱	۱۹/۰۷	۱۰۰
	" ۱۳۳۸	۳۳/۹۶	۱۳/۳۱	۱۱/۷۷	۱۸/۶۴	۰/۸۰	۰/۶۹	۲۱/۰۱	۱۰۰
	" ۱۳۳۹	۳۳/۷۴	۱۲/۰۳	۱۱/۴۴	۲۳/۶۵	۱/۱۵	۰/۶۶	۱۷/۵۳	۱۰۰
	" ۱۳۴۰	۳۳/۳۸	۱۰/۹۰	۱۱/۸۸	۲۲/۵۴	۱۸/۸۵	۱/۴۵	۱/۰۰	۱۰۰
	" ۱۳۴۱	۲۹/۳۴	۱۲/۹۸	۱۳/۴۹	۲۱/۷۳	۱/۶۶	۲/۳۳	۱۸/۴۸	۱۰۰
	" ۱۳۴۲	۱۷/۳۴	۲۱/۸۵	۲۱/۵۰	۸/۸۶	۲/۶۶	۴/۷۳	۲۳/۰۷	۱۰۰

جدول شماره ۱۳ نمودار رشد سالیانه بودجه کل کشور برحسب وظیفه در طول سالهای ۱۳۴۳ - ۱۳۲۷ شمسی

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ		بخش امور عمومی کشور	بخش دفاعی ملی	بخش امور اجتماعی	بخش امور اقتصادی	هزینه‌های متفرقه	دیون و تعهدات بازپرداخت وامها بهره و کارمزد	مؤسسات و شرکتهای وابسته به دولت	
	سال	میزان اعتبار	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۲۷	۱۶/۲۱	-	۴۷/۳۳	۱۰۱/۰۲	۱۴۱/۵۴	-	-	
	سال	۱۳۲۸	۱۶۲/۵۱	۱۲۷/۶۴	۱۸۸/۹۰	۶۲/۳۶	۴۰۴/۹۶	۱۱۱/۶۶	۱۸۰۹۲/۲۶	
	سال	۱۳۲۹	۱/۶۸	-	۰/۳۸	۴/۲۳	۵/۸۹	-	-	
	سال	۱۳۳۰	۰/۶۰	-	-۰/۴۳	-۱/۰۹	-۵/۳۱	-۵/۳۰	-	
	سال	۱۳۳۱	۲/۱۸	-	۹/۷۳	-۳/۰۱	۴/۹۶	۵/۵۴	-	
	سال	۱۳۳۲	-۱۴/۸۷	۲/۶۶	۵۳/۹۰	۷۳/۱۶	۳۸/۶۴	-۸۱/۳۶	-۳۳/۴۷	
	سال	۱۳۳۳	۱۴/۰۹	-۲/۶۰	-۳۴/۹۹	-۴۲/۲۵	-۲۷/۸۶	۱۲۵/۱۴	۵۰/۳۱	
	سال	۱۳۳۴	۲۳/۲۴	۸۱/۶۳	۱۳۲/۴۶	۴۶/۲۰	۷۵/۵۳	۴/۲۹	۳/۰۷	
	سال	۱۳۳۵	۳۳/۶۰	۳۰/۴۷	۵۰/۴۳	۳۲/۰۷	۲۱/۸۳	۵۶/۶۷	۲۴/۴۷	
	سال	۱۳۳۶	۸/۴۲	۲/۸۰	۱۶/۷۲	۴۶/۵۸	-۲۲/۷۰	۸/۳۴	-۱۰/۳۷	
	سال	۱۳۳۷	۳۵۳/۳۲	۳۶/۱۴	۲۱/۱۷	۲۶۹/۹۷	۱۷۴/۹۹	۶۹/۳۶	۱۰۷۳/۰۵	
	سال	۱۳۳۸	-۱۴/۵۱	۴/۲۶	۸/۲۳	۲۰/۲۱	-۵۴/۶۹	۱۲۶/۳۸	۱۰/۳۴	
	سال	۱۳۳۹	۲۶/۶۱	۱۶/۸۱	۲۱/۶۸	۶۱/۶۸	۸۳/۰۰	۲۰/۹۶	۶/۳۵	
	سال	۱۳۴۰	۱۰/۶۳	۱/۳۰	۱۸/۱۴	۶/۵۸	۴۱/۰۱	۶۹/۹۶	۲۰/۲۰	
	سال	۱۳۴۱	-۱۴/۵۵	۱۵/۸۴	۱۰/۳۹	-۶/۳۳	۱۱/۲۴	۱۲۷/۵۲	-۴/۶۳	
	سال	۱۳۴۲	-۶۲/۱۵	۷/۷۱	۲/۰۶	-۷۳/۸۸	۲/۲۵	۲۹/۵۸	-۲۰/۰۹	

«جدول شماره ۱۴ـ متوسط بودجه کل کشور برحسب وظیفه درطی سالهای (۱۳۲۷ شمسی تا ۱۳۴۳)

	شرح وظایف	متوسط بودجه هر بخش	متوسط بودجه هر بخش نسبت به بودجه کل
۱	وظایف مربوط به امور عمومی کشور	۱۱۱۶۱۶۸۴	۳۰/۵۸
۲	" " " امور دفاعی کشور	۵۸۵۹۰۹۷	۱۶/۰۵
۳	" " " امور اجتماعی کشور	۵۲۰۷۰۲۷	۱۴/۲۶
۴	" " " امور اقتصادی کشور	۶۳۴۳۸۲۳	۱۷/۳۸
۵	هزینه‌های متفرقه	۱۲۶۱۸۶۳	۳/۴۶
۶	دیون ـ تعهدات ـ بهره وامها ـ کارمزد	۶۳۳۳۸۰	۱/۷۳
۷	هزینهٔ مؤسسات و شرکتهای دولتی	۶۰۳۶۷۷۲	۱۶/۵۴
	جمع متوسط بودجه کل	۳۶۵۰۳۶۴۶	۱۰۰

مصارف بودجه در دوره سوم تنظیم بودجه

در سومین دوره از تاریخ بودجه‌نویسی، بودجه کل کشور همانطور که در صفحات پیشین اشاره شد، مبتنی بر سه قسمت به شرح زیر و تحت عنوان بودجه برنامه‌ای می‌باشد و سالهای مالی ۵۷-۱۳۴۳ را دربر می‌گیرد: ۱ـ بودجه جاری ۲ـ بودجه عمرانی ۳ـ بودجه از محل درآمدهای اختصاصی دستگاه‌های انتفاعی.

در این دوره از تاریخ بودجه که همزمان با پیشرفت تدریجی و گسترش اقتصاد کشور و افزایش درآمد نفت می‌باشد. دولتها، در توزیع منابع مالی کشور به‌منظور اجرای برنامه‌های تأمین نیازمندیهای طبقات مختلف جامعه و گسترش امور اقتصادی و طرحهای زیربنائی آن از امکانات مالی بیشتری برخوردار بوده‌اند.

ما نقشی را که دولتها از طریق تخصیص درآمد کل کشور به هر بخش از وظایف آن اختصاص داده‌اند با تجزیه و تحلیل آماری بودجه کل در هر یک از سالهای

مورد بحث با استناد به جداول شماره ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و مقایسه آن با دو دورهٔ تاریخی بودجه‌نویسی اول و دوم مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهیم.

برحسب انتظار و به دلیل مباحثی که ازپیش دربارهٔ رشد درآمد دولت و توجه دولتها به گسترش امور اقتصادی و دقت و نظارتی که برای اجرای برنامه‌ها و هدفهای پیش‌بینی‌شده از جانب آنها مبذول می‌شده است و با استناد به بررسی و تجزیه و تحلیل بودجه، به این نتیجه می‌رسیم که در تخصیص هزینه سالهای مورد نظر (۵۷-۱۳۴۳)، هزینه بخش امور اقتصادی را به‌موجب جدول شماره ۱۸ نسبت به دو دوره دیگر افزایش داده‌اند و بیشترین اعتبار را که معادل ۳۰/۴۵ درصد نسبت به متوسط بودجه عمومی و ۲۱/۵۸ درصد متوسط بودجه کل کشور می‌باشد به این امر اختصاص داده‌اند.

به‌موجب داده‌های جدول شماره ۱۸- کیفیت توزیع بودجه کل در طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳، حکایت از تخصیص ۶۰/۶ درصد متوسط کل بودجه این سالها به بخشهای چهارگانه: امور اقتصادی، امور دفاعی، اجتماعی و بالاخره امور عمومی می‌کند. و ۳۹/۴ درصد بقیه صرف تأمین اعتبار برای هزینه‌های: متفرقه، مؤسسات و شرکتهای دولتی را شامل می‌گردد.

در میان بخشهای چهارگانه، همچنان که توضیح داده شد سهم امور اقتصادی بیش از $\frac{1}{5}$ بودجه کل کشور و بیش از $\frac{1}{4}$ بودجه عمومی را تشکیل می‌دهد.

سیاست دفاعی کشور طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳، همچون دوران دیگر تاریخ تنظیم بودجه کل عصر مشروطیت، جذب اعتبار بیشتری را ضرور ساخته است. یافته‌های جدول شماره ۱۸ روشنگر این نکته است که بعد از هزینه بخش امور اقتصادی از نظر کسب اکثریت اعتبار، امور دفاعی با بیش از $\frac{1}{6}$ متوسط کل بودجه این سالها (۱۷/۶۲ درصد) که معادل ۲۴/۸۸ درصد هزینه بخش امور عمومی می‌باشد قسمت عمده‌ای از بودجه را به خود اختصاص داده است.

هزینه بخش امور اجتماعی، همچون دورهٔ دوم از تقسیمات ما از بودجه، سهم قابل ملاحظه خود را با نسبت ۱۴/۱۵ درصد متوسط کل بودجه، که معادل حدود ۲۰ درصد متوسط بودجه عمومی این دوره مورد بحث می‌باشد همچنان حفظ می‌کند.

حال آن‌که اعتبار هزینه بخش امور عمومی در بودجه سالهای ۵۷-۱۳۴۳، برخلاف سالهای مالی گذشته کاهش یافته و از نسبتی بیش از ۷ درصد متوسط بودجه

کل که معادل ۱۰/۲۵ درصد متوسط بودجه عمومی سالهای مورد نظر می‌باشد برخوردار شده است.

در جدول شماره ۱۸ـ اعتبار هزینه‌های متفرقه را ۲/۲۰ درصد متوسط بودجه کل که معادل ۳/۱۰ درصد بودجه عمومی، و دیون و تعهدات، بازپرداخت وامها و اموری جز اینها را با ۵/۳۸ درصد متوسط بودجه کل کشور یا ۷/۶۰ درصد بودجه عمومی، و نیز سهم هزینه سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و پرداخت وام به کشورهای خارجی را با ۲/۶۴ درصد که معادل ۳/۷۴ درصد بودجه عمومی می‌باشد، نشان می‌دهد.

ناگفته نماند که درصد بالایی از بودجه کل کشور را با نسبت ۲۹/۱۷ درصد متوسط بودجه کل، اختصاص به مؤسسات و شرکتهای دولتی یافته است. (به‌موجب جدول شماره ۱۸ متوسط بودجه کل برحسب وظیفه).

جداول شماره ۱۶ و ۱۷، شمار و درصد، و رشد هر یک از بخشهای چهارگانه بودجه کل را در سالهای مختلف ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ نشان می‌دهد. بطوری که از داده‌های این جداول استنباط می‌شود، دولت در طی سالهای مذکور بین ۴۰ تا ۵۲ درصد اعتبارات را به شرکتها و مؤسسات دولتی و همچنین بازپرداخت دیون و هزینه‌های متفرقه تخصیص داده است. ولی از سال ۱۳۵۰ به‌بعد، هزینه وظایف چهار بخش نسبت به بودجه شرکتها و مؤسسات و اموری جز اینها فزونی یافته و با درصدی بالاتر از ۶۰ درصد را جذب کرده است.

توزیع این نسبتها را در میان وظایف چهارگانه در هر یک از سالهای مورد نظر به‌استناد یافته‌های جداول شماره ۱۶ و ۱۷ چنین می‌توان توضیح داد.

اشاره شد، دولت به‌منظور هم‌آهنگی و تعادل بین برنامه‌ها و سیاستهای اتخاذشده و تعادل آن با برنامه‌های مالی و عملیاتی با توجه به امکانات رشد درآمد حاصل از طریق افزایش قیمت نفت بیشترین سهم اعتبارات در این دوره به امور اقتصادی اختصاص داده‌اند. بطوری که از کل ۵۹/۸۴ درصد هزینه مربوط به بخشها در سال ۱۳۴۳ حدود $\frac{1}{4}$ آن به بخش اقتصادی و بیش از $\frac{1}{7}$ آن به امور اجتماعی و بیش از $\frac{1}{6}$ به بخش امور دفاعی و نسبتی حدود ۹ درصد به بخش امور عمومی تعلق گرفته است.

طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳ اعتبارات امور اقتصادی به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۱۶ بین حداقل ۱۹/۰۷ (مربوط به سال ۱۳۴۹) تا ۲۶/۹۰ درصد (مربوط به سال

۱۳۵۰) می‌باشد.

و نتیجه‌ای که از جدول شماره ۱۷ مربوط به رشد بودجه کل در سالهای ۵۷-۱۳۴۳ می‌توان گرفت افزایش و رشد متوالی این بخش در هر سال نسبت به سال قبل از آن می‌باشد. بطوری که در سال ۱۳۴۳ اعتبار این بخش نسبت به سال ۴۲ از رشدی قابل توجه بیش از ۶۰۶ درصد برخوردار بوده است. و در سالهای پس از ۴۳ نیز این رشد همچنان بین حدود ۱۲ (مزبوط به سال ۴۸) تا ۸۳/۳۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۴) در نوسان می‌باشد.

یادآور می‌شویم، تنها در سال ۱۳۵۲ می‌باشد که هزینه بخش امور اقتصادی همچون سالهای دیگر در مقابل اعتبار مربوطه نسبت به سال قبل افزوده سهمی نداشته و با کاهشی معادل ۳/۳۳ درصد مواجه گردیده است.

سیاست دفاعی کشور در این دوره از تاریخ بودجه همچون دو دورهٔ گذشته ملحوظ دولتها بوده و در جذب اعتبار بیشتر، بعد از امور اقتصادی، مرحله دوم از اکثریت را در برداشت سهمی از بودجه کل کشور تشکیل داده است.

از تجزیه و تحلیل بودجه این سالها چنین برمی‌آید که در توزیع هزینه ۱۴ سال مورد بحث، اعتبارات لازم برای امور دفاعی با سهمی معادل بین حداقل ۹/۰۵ تا ۲۳ درصد بودجه کل کشور منظور شده است.

و با استناد به جدول شماره ۱۷، نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور برحسب وظیفه ما با افزایش و رشد بودجه وسایل دفاعی کشور در هر سال مالی با نوساناتی بین حداقل حدود ۸ درصد رشد سالانه (مربوط به سال ۱۳۵۵) تا بیش از ۱۴۴ درصد روبرو بوده‌ایم. جز در سال ۱۳۵۶ که نسبت به سال ۱۳۵۵ با کاهشی معادل ۱/۰۲ درصد برخورد می‌کنیم.

همچنانکه در صفحات پیشین اشاره کردیم، در سالهای اخیر سلطنت محمدرضاشاه، هزینه‌های امور اجتماعی بطور قابل ملاحظه‌ای، سهم مهمی از بودجه کل را به خود اختصاص داده است.

تجزیه و تحلیل داده‌های جدول شماره ۱۶ نشان می‌دهد، هزینه‌های این بخش با اعتباری بین حدود ۱۲ تا ۱۶ درصد بودجه کل کشور را شامل می‌گردد.

و به موجب جدول شماره ۱۷، اعتبار این بخش از رشد سالانه‌ای بین حداقل

حدود ٦ درصد (مربوط به سال ١٣٤٦) تا حدود ١١٥ درصد (مربوط به سال ١٣٥٤) نسبت به سال ماقبل خود برخوردار بوده است و تنها در سال ٤٥ است که نسبت به سال ١٣٤٤ با کاهشی معادل ٨ درصد روبرو می‌شویم.

اشاره شد، که در لایحه بودجه پیشنهادی دولتها در ١٤ سال اخیر دوران مشروطیت، سهم اعتبارات منظورشده جهت امور عمومی، کمتر از سه بخش مذکور در فوق برآورد شده است (با نسبتی حدود ٧/٣ درصد متوسط بودجه کل سالهای ١٣٤٣-٥٧).

نظری اجمالی به داده‌های مندرج در جدول شماره ١٦، مربوط به نمودار توزیع بودجه هر وظیفه در هر سال از دورهٔ سوم تقسیمات بودجه کل، نشان از نسبتهای بین حداقل حدود ٦ درصد بودجه کل کشور تا حداکثر ١٠ درصد برای هزینه امور عمومی دارد. بالاترین نسبت در بودجه کل مربوط به امور عمومی در طی سالهای مورد بحث، حدود ١٠ درصد در سالهای ١٣٤٥ و ١٣٥٢ می‌باشد و کمترین درصد هزینه مربوط به این وظیفه را سالهای ١٣٤٩ با ١٢/ ٥ درصد و ١٣٥٦ با ٥/٦٧ درصد داشته‌اند.

با توجه به اطلاعات و یافته‌های مندرج در جدول شماره ١٧، نتیجه می‌گیریم که هزینه برآوردشده برای وظایف مربوط به بخش امور عمومی در هر سال مالی نسبت به رقم سال قبل با افزایش روبرو بوده است.

توضیح آنکه، اعتبار سهم بخش امور عمومی در سال ١٣٤٣ در مقایسه با سال ١٣٤٢ از رشدی معادل ٢٨/٤٠ درصد برخوردار بوده است. بطور اجمال، بالاترین فزونی رشد را در طی سالهای ١٣٤٣-٥٧. در بودجه سالهای ١٣٥٤ با ٩٨/٤٠ درصد، و سال ١٣٥٢ در مقایسه با سال ١٣٥١ با ٤٦/٠١ درصد و بالاخره سال ١٣٥٥ نسبت به سال ١٣٥٤ با ٤٢/٣١ درصد برای بخش امور عمومی مشاهده می‌کنیم.

و از افزایش سالهای دیگر این دوره از حداقل ٩/٥٢ (مربوط به سال ١٣٤٧) تا ٣٠/١١ درصد (مربوط به سال ١٣٥٣) می‌توان یاد کرد. جز اینکه باید یادآور شویم که هزینه برآوردشده بخش امور عمومی در سال ١٣٥٦ در مقایسه با سال ١٣٥٥، کاهشی معادل ٣٠/١٤ درصد داشته است.

جدول شماره۱۶ نمودار بودجه هر وظیفه نسبت به کل بودجه در (سالها ۱۳۵۷ شمسی ۱۳۴۳)

شرح وظایف / تاریخ	بخش امور عمومی کشور	بخش امور دفاعی	بخش امور اجتماعی	بخش امور اقتصادی	هزینه‌های متفرقه	دیون و تعهدات بازپرداخت وامها بهره وکارمزد وامها	سرمایه‌گذاری در خارج از کشور یا پرداخت وام به کشورهای خارجی	بودجه شرکتها و مؤسسات خارجی	جمع
میزان اعتبار / سال‌شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
سال ۱۳۴۳	۸/۸۹	۱۰/۹۶	۱۵/۰۵	۲۴/۹۲	۱/۲۶	۴/۴۵	-	۳۴/۴۵	۱۰۰
سال ۱۳۴۴	۷/۱۲	۹/۰۵	۱۳/۶۴	۲۰/۹۷	۰/۶۹	۳/۱۲	-	۴۵/۴۷	۱۰۰
سال ۱۳۴۵	۹/۴۴	۱۱/۹۲	۱۵/۹۳	۲۵/۰۰	۰/۹۹	۲/۶۰	-	۳۴/۱۲	۱۰۰
سال ۱۳۴۶	۷/۵۰	۱۰/۳۷	۱۱/۹۳	۲۰/۲۴	۰/۰۹	۲/۱۷	-	۴۷/۷۱	۱۰۰
سال ۱۳۴۷	۶/۳۷	۱۰/۷۷	۱۲/۰۲	۲۰/۸۴	۰/۸۹	۳/۸۰	-	۴۵/۳۱	۱۰۰
سال ۱۳۴۸	۶/۲۳	۱۰/۸۴	۱۱/۷۰	۱۹/۶۳	۱/۱۲	۳/۹۷	-	۴۶/۵۱	۱۰۰
سال ۱۳۴۹	۵/۸۲	۱۲/۰۷	۱۱/۱۹	۱۹/۰۷	۰/۹۶	۶/۹۶	-	۴۳/۹۳	۱۰۰
سال ۱۳۵۰	۷/۰۶	۱۶/۸۲	۱۴/۳۷	۲۶/۹۰	۲/۱۹	۱۰/۴۰	-	۲۲/۲۶	۱۰۰
سال ۱۳۵۱	۶/۵۴	۱۸/۰۷	۱۴/۸۷	۲۴/۷۳	۱/۸۰	۱۲/۸۲	-	۲۱/۱۷	۱۰۰
سال ۱۳۵۲	۹/۹۰	۱۹/۴۹	۱۵/۲۸	۱۹/۴۵	۲/۲۷	۱۲/۰۵	-	۲۱/۵۶	۱۰۰
سال ۱۳۵۳	۸/۱۹	۱۹/۹۲	۱۴/۴۳	۲۱/۳۷	۳/۴۳	۹/۲۲	-	۲۳/۴۵	۱۰۰
سال ۱۳۵۴	۷/۵۸	۲۲/۷۴	۱۳/۸۶	۱۸/۳۲	۲/۹۳	۴/۴۵	۷/۶۴	۲۲/۴۸	۱۰۰
سال ۱۳۵۵	۸/۴۷	۱۹/۲۶	۱۳/۵۷	۱۹/۶۷	۱/۹۷	۴/۰۳	۳/۵۷	۲۹/۴۶	۱۰۰
سال ۱۳۵۶	۵/۶۷	۱۵/۹۶	۱۵/۵۲	۲۵/۳۱	۲/۳۹	۳/۵۵	۲/۲۸	۲۹/۳۲	۱۰۰

«جدول شماره ۱۷ نمودار رشد سالانه بودجه کل کشور بر حسب وظیفه»
(طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف تاریخ / میزان اعتبار سال شمسی		بخش امور عمومی کشور	بخش دفاع ملی	بخش اموراجتماعی	بخش اموراقتصادی	هزینه‌های متفرقه	دیون و تعهدات بازپرداخت وامها بهره و کارمزد وامها	سرمایه‌گذاری در خارج از کشور	مؤسسات وابسته به دولت
			٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۴۳	۲۸/۴۰	۲۵/۴۶	۷۵/۱۷	۶۰۶/۴۸	-۱۵/۴۵	۱۳۸/۶۵	-	۷۳/۴۳
	«	۱۳۴۴	۱۴/۹۶	۱۸/۳۹	۳۰/۱۶	۲۰/۹۷	-۲۰/۷۶	۰/۵۴	-	۸۹/۳۸
	«	۱۳۴۵	۲۲/۸۴	۲۱/۷۶	-۸/۱۴	۱۲/۹۱	۳۲/۸۹	-۲۲/۷۲	-	۱۲/۹۳
	«	۱۳۴۶	۱۲/۲۷	۲۳/۱۰	۵/۸۳	۱۴/۴۱	-۸۷/۷۵	۱۷/۶۸	-	۲۱/۷۵
	«	۱۳۴۷	۹/۵۲	۳۳/۸۹	۲۹/۷۲	۳۲/۸۰	۱۲۳/۳۶۵	۱۲۶/۲۹	-	۲۲/۴۰
	«	۱۳۴۸	۱۵/۷۹	۱۹/۲۴	۱۵/۴۶	۱۱/۵۹	۴۹/۳۲	۲۳/۸۰	-	۲۱/۶۶
	«	۱۳۴۹	۹/۳۵	۳۰/۶۱	۱۲/۲۴	۱۳/۹۵	۰/۲۴	۱۰۵/۶۵	-	۱۰/۷۸
	«	۱۳۵۰	۱۴/۰۲	۳۱/۹۸	۲۱/۵۳	۳۳/۶۰	۱۱۵/۶۵	۴۱/۴۳	-	-۲۵/۰۲
	«	۱۳۵۱	۱۲/۳۳	۳۰/۲۵	۲۵/۵۷	۱۱/۴۴	۰/۲۰	۵۰/۱۲	-	۱۵/۳۳
	«	۱۳۵۲	۴۶/۰۱	۳۲/۵۱	۲۶/۲۰	-۳/۳۳	۵۴/۴۰	۱۵/۵۱	-	۲۵/۱۳
	«	۱۳۵۳	۳۰/۱۱	۶۰/۷۹	۴۸/۵۲	۷۲/۷۴	۱۳۷/۴۷	۲۰/۳۹	-	۷۱/۱۱
	«	۱۳۵۴	۹۸/۴۰	۱۴۴/۳۲	۱۱۴/۷۹	۸۳/۳۹	۱۶۳/۲۴	۳/۲۴	-	۱۰۵/۱۶
	«	۱۳۵۵	۴۲/۳۱	۷/۸۷	۱۹/۴۰	۳۶/۸۸	-۱۳/۸۹	۱۵/۲۹	-۴۰/۵۱	۶۶/۹۲
	«	۱۳۵۶	-۲۰/۱۴	-۱/۲۰	۳۶/۶۲	۵۳/۶۳	۴۴/۷۷	۵/۲۷	-۲۳/۸۱	۱۸/۹۱

«جدول شماره ۱۸ ـ متوسط بودجه کل کشور برحسب وظیفه در طی سالهای ۱۳۵۷ـ ۱۳۴۳

	شرح وظایف	متوسط بودجه هر بخش	نسبت هر بخش به بودجه عمومی	نسبت هر بخش به بودجه کل‌کشور
۱	وظایف‌مربوط به‌امورعمومی‌کشور	۷۰۸۴۲۰۰۶	۷/۲۶	
۲	" " " امور دفاعی کشور	۱۷۱۹۷۸۰۹۵	۲۴/۸۸	۱۷/۶۲
۳	" " " امور اجتماعی کشور	۱۳۸۰۹۳۷۴۱	۱۹/۹۸	۱۴/۱۵
۴	" " " امور اقتصادی کشور	۲۱۰۵۶۳۸۴۴	۳۰/۴۵	۲۱/۵۸
۵	هزینه‌های متفرقه	۲۱۴۳۸۶۱۱	۳/۱۰	۲/۲۰
۶	دیون ـ تعهدات، بازپرداخت وامها -بهره و کارمزد وامها		۷/۶۰	۵/۳۸
۷	سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و پرداخت وام به کشورهای خارجی		۳/۷۴	۲/۶۴
	جمع بودجهٔ عمومی	۶۹۱۲۷۱۳۷۹	۱۰۰	۷۰/۸۳
۸	مؤسسات انتفاعی	۳۳۰۰۰۰۱۸	۱۱/۶۰	۳/۳۸
۹	سایر مؤسسات	۲۰۱۸۰۴۴۵	۷/۹۰	۲/۰۸
۱۰	شرکتهای دولتی	۲۳۱۴۲۴۴۶۲	۸۱/۳۱	۲۳/۷۱
	جمع بودجهٔ شرکتها و مؤسسات دولتی	۲۸۴۶۰۴۹۲۵	۱۰۰	۲۹/۱۷
	متوسط بودجه کل کشور	۹۷۵۸۷۶۳۰۴		۱۰۰

وظایف فرعی بخش امور عمومی

اعتبارات وظایف فرعی بخشهای مختلف وظایف کلی دولت. در طی دوران مشروطیت

در فصل پیشین بیان داشتیم، در اتخاذ اهداف و برنامه‌ریزیهای دولتها، جوانب گوناگون مسایل اقتصادی و اجتماعی کشور در طول تاریخ مشروطیت، برای رفع نیازهای ضروری طبقات مختلف اجتماع و تحکیم زیربنای اقتصاد، مؤثر و مرعی و ملحوظ بوده است. و نیز ضمن بیانی مقدماتی در این فصل اشاره شد که دولتهابرای‌تحقق مقاصد اساسی خود، لوایح بودجه را که درواقع نقش اساسی در: برنامه‌ریزی اقتصادی و اجرای برنامه و عملیات دولت و بطور کلی مدیریت و نظارت بر بهبود و پیشبرد امور کشور دارد به‌گونه‌ای تنظیم و تدوین کرده‌اند تا پاسخگوی، اهداف و سیاستهای کلی دولت باشد.

با این مقدمه، کیفیت برنامه‌های مالی دولت و برآورد هزینه‌ها به‌حکم ضرورت بر مبنای وظایف کلی و اساسی دولت و نوع فعالیتهای گوناگون دستگاه‌های دولتی برای یک سال مالی تدوین گردیده است.

و با استناد به آمار جداول ما که حاصل تجزیه و تحلیل بودجه کل کشور در سه دورهٔ متمایز تاریخ بودجه‌نویسی می‌باشد و به شرحی که از پیش اشاره شد معلوم ساختیم که طبقه‌بندی و برآورد هزینه در لوایح بودجه، تحت عنوان بخش و برحسب وظیفه در قالب چهار طبقه‌بندی کلی زیر تقسیم شده است:

الف ـ بخش امور عمومی

ب ـ بخش امور دفاعی

ج ـ بخش امور اجتماعی

د ـ بخش امور اقتصادی

در اینجا یادآور می‌شویم که هر بخشی متضمن وظایف فرعی هستند که تجزیه و تحلیل آن ضرورت دارد. و ما با ارایه آمار کوشش خواهیم کرد سیر و تحول اعتبار هریک از وظایف فرعی را در طول سه دوره مشروطیت و در قالب سه دوره متمایز تاریخ تنظیم بودجه، مشخص سازیم.

اعتبارات وظایف فرعی بخش امور عمومی

وظایف و امور اصلی که تحت عنوان بخش امور عمومی منظور شده است شامل موارد زیر می‌باشد:

وظیفه اول - ادارهٔ عالیه کشور «دربار»
وظیفه دوم - وضع قوانین
وظیفه سوم - رهبری قوه مجریه
وظیفه چهارم - اداره داخلی کشور
وظیفه پنجم - حفظ نظم و امنیت داخلی کشور
وظیفه ششم - اداره روابط خارجی و سیاست بین‌المللی
وظیفه هفتم - ادارهٔ امور ارتباط جمعی
وظیفه هشتم - ادارهٔ امور قضایی
وظیفه نهم - ادارهٔ امور مالی و گمرکی.

همچنانکه ازپیش بیان داشتیم، در نخستین دورهٔ تقسیمات تاریخی بودجه‌نویسی به‌موجب جدول شماره ۱۰ - مربوط به پراکندگی متوسط هزینه‌های بخشهای چهارگانه، متوسط هزینه بخش امور عمومی در طی سالهای ۱۳۲۱-۱۲۹۹ شمسی نسبت به متوسط بودجه کل کشور بالاتر از ۲۰ درصد را نشان می‌دهد که درواقع با تخصیص $\frac{1}{5}$ متوسط بودجه کل در مقایسه با هزینه بخشهای امور دفاعی و امور اقتصادی از درصد کمتری برخوردار بوده و در مرحلهٔ سوم از اکثریت قرار دارد.

در جدول شماره ۲۲، که پراکندگی وظایف فرعی این بخش را می‌نماید. آمار حکایت از آن دارد که از کل هزینه‌های بخش مذکور در طول ۲۸ سال مالی دوره اول تقسیمات سه‌گانه از تاریخ بودجه، با توجه به اعصار سه‌گانهٔ سیاسی مشروطیت، متوسط سهم هزینهٔ مربوط به تمشیت امور مالی و گمرکی کشور، نسبت به بودجه بخش با ۳۴/۸۰ درصد و نسبت به کل بودجه کشور با نسبت ۷/۱۰ درصد از بیشترین اعتبار برخوردار بوده است.

و حدود ۳۳/۲۸ درصد متوسط بودجه بخش امور عمومی که معادل ۷ درصد متوسط بودجه کل کشور در طی سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹ (دوره اول تاریخ بودجه‌نویسی) به وظیفه برقراری حفظ نظم و امنیت داخلی اختصاص یافته است.

و از کل اعتبارات بخش امور عمومی در مرحله سوم، با ۱۰/۵۱ درصد، نسبت به متوسط هزینه بخش و ۲/۱۴ درصد، نسبت به متوسط بودجه کل کشور، جذب اجرای عدالت و حفظ حقوق مردم (امور قضایی) گردیده است.

برای ادارهٔ امور داخلی و افزایش و کارآیی خدمات دولت در بخش امور عمومی، بطور متوسط هزینه‌ای معادل ۷/۳۶ درصد، نسبت به اعتبار بخش، و ۱/۵۰ درصد نسبت به متوسط بودجه کل کشور در طی سالهای مذکور منظور گردیده است.

بیش از ۱۴ درصد بقیه اعتبار این بخش به‌ترتیب بین وظایف متنوع مربوطه به موارد زیر توزیع گردیده است.

سیاست خارجی و بین‌المللی با ۶/۰۹ درصد متوسط بودجه بخش و ۱/۲۴ درصد متوسط بودجه کل کشور.

وضع قوانین، با ۳/۳۱ درصد بخش و ۰/۶۸ درصد متوسط بودجه کل

رهبری قوه مجریه با ۲/۶۵ درصد بخش و ۰/۲۷ درصد متوسط بودجه کل

اداره عالیه کشور (هزینه دربار) با ۱/۷۷ درصد بخش و ۰/۳۶ درصد متوسط بودجه کل

در جست‌وجو برای پی بردن به ویژگی تخصیص اعتبار از ناحیه دولتهای اعصار سه‌گانه مشروطیت پس از تجزیه و تحلیل داده‌های بودجه بخش امور عمومی در هر یک از اعصار سه‌گانه: عصر سلطنت قاجاریان، (۱۳۰۵-۱۲۹۹) و سلطنت رضاشاه (۲۱-۱۳۰۵) و محمدرضاشاه (۲۷-۱۳۲۱) به این نتیجه می‌رسیم، که در عصر اول، در جمع هزینه متوسط بخش امور عمومی، امور مالی با ۳۸/۹۵ درصد بالاترین سهم را داشته که معادل ۱۴/۶۴ درصد متوسط بودجه کل کشور در این سالها می‌باشد.

ادارهٔ امور داخلی و خدمات دولتی، با ۲۶/۱۳ درصد متوسط بودجه بخش، که سهمی معادل ۹/۸۲ درصد متوسط بودجه کل کشور را به خود اختصاص داده است در مرحلهٔ دوم از اکثریت قرار دارد.

وضع قوانین در این عصر، بطور متوسط با درصدی حدود ۱۱ درصد متوسط بودجه بخش که حدود ۴ درصد متوسط کل بودجه باشد، بعد از امور مالی و ادارهٔ امور داخلی، بیشترین سهم از هزینه‌های بخش امور عمومی را تشکیل می‌دهد.

۲۴ درصد بقیه هزینه متوسط این بخش برای مصارف وظایف زیر تخصیص یافته

ادارهٔ امور بین‌المللی و خارجی، با ۸/۶۷ درصد بخش که معادل ۳/۲۶ درصد متوسط بودجه کل می‌باشد.

هزینهٔ دربار با ۶/۹۴ درصد بودجه بخش که معادل ۲/۶۱ درصد متوسط بودجه کل می‌باشد.

تأمین امنیت قضایی با ۶/۳۳ درصد بودجه بخش، معادل ۲/۳۸ درصد بودجه کل

رهبری قوه مجریه با ۱/۵۸ درصد اعتبار بخش، معادل ۰/۵۹ درصد بودجه کل

حفظ نظم و امنیت داخلی با ۱/۰۷ درصد هزینه بخش، معادل ۰/۲۰ درصد متوسط بودجه کل کشور

عصر دوم مشروطیت، که مقارن سلطنت پهلوی اول می‌باشد، به‌موجب داده‌های جدول شماره ۲۲، توجه دولتها در توزیع هزینه بخش امور عمومی، بعد از تخصیص بالاترین سهم هزینه در داخل بخش امور عمومی برای تمشیت امور مالی و گمرکی با ۴۴/۳۰ درصد اعتبارات بخش امور عمومی،که سهمی معادل ۵/۹۰ درصد ،متوسط بودجه کل کشور در طی سالهای ۲۱-۱۳۰۵ می‌باشد. که در مقایسه با عصر اول مشروطیت اعتبار بیشتری را جذب کرده است.

در مرتبه دوم از اکثریت، توجه دولتها را به وظیفه حفظ نظم و امنیت داخلی با برقراری هزینه‌ای بیش از ۲۱ درصد اعتبار بخش امور عمومی که معادل ۲/۸۱ درصد متوسط بودجه کل باشد، معطوف می‌بینیم.

هزینه بخش امور قضایی، در مرتبه سوم از اکثریت و با هزینه‌ای معادل ۱۲/۳۳ درصد اعتبار بخش و ۱/۶۴ درصد متوسط بودجه کل کشور دیده می‌شود.

۲۲/۲۷ درصد بقیه اعتبارات این بخش، به‌ترتیب با توجه به نسبت دریافت هزینه‌ها به‌شرح زیر در جدول شماره ۲۲ می‌توان یافت.

سیاست بین‌المللی و خارجی، ۸/۷۹ درصد اعتبار بخش که معادل ۱/۱۷ درصد متوسط بودجه کل است.

هزینه اداره امور داخلی و خدمات دولتی، ۶/۴۵ درصد اعتبار بخش که معادل ۰/۸۶ درصد متوسط بودجه کل است.

هزینه وضع قوانین، ۳/۳۷ درصد اعتبار بخش که معادل ۰/۴۵ درصد متوسط

بودجه کل می‌باشد.

هزینه دربار، ۲/۲۹ درصد اعتبار بخش که معادل ۰/۳۱ درصد متوسط بودجه کل می‌باشد.

هزینه رهبری قوه مجریه ۱/۳۳ درصد اعتبار بخش که معادل ۰/۱۸ درصد متوسط بودجه کل بوده است.

و اما در شش سال اخیر از تقسیمات تاریخی بودجه کل کشور (مربوط به سالهای ۱۳۲۱-۱۲۹۹) که مقارن سلطنت پهلوی دوم می‌باشد. از کل اعتبارات منظورشده برای امور عمومی، همچون دو عصر گذشته مشروطیت سهم متوسط هزینه امور مالی و گمرکی کشور با نسبت ۲۹ درصد، بودجه بخش امور عمومی که برابر ۸/۳۰ درصد متوسط بودجه کل در طی سالهای مورد بحث ما برآورد شده است که با مقایسه با عصر سلطنت پهلوی اول کاهش پیدا می‌کند و حال آن‌که به‌اقتضای وضع بحران سیاسی مملکت اعتبار هزینه حفظ نظم و امنیت داخلی با ٤٥/٠٤ درصد اعتبار اختصاصی بخش امور عمومی بالاترین رقم هزینه را جذب کرده است که درواقع معادل ۱۲/۹۵ درصد متوسط بودجه کل در دوره مذکورمی‌باشد.

وظیفه برقراری عدالت اجتماعی و حفظ حقوق مردم نیز همچنان سومین مرحله از اکثریت اعتبارات را با نسبت ۹/۹۱ درصد بودجه امور عمومی و ۲/۸٤ درصد متوسط کل بودجه کشور را شامل می‌گردد.

بقیه اعتبارات منظورشده در بخش امور عمومی به‌ترتیب اکثریت بین وظایف مربوط به اداره امور داخلی و خدمات دولتی، (با ٥/٤٦ درصد هزینه بخش و ١/٥٦ درصد بودجه کل) و ادارهٔ امور سیاست بین‌المللی (با ٤/١٩ درصد هزینه بخش و ۱/۲۰ درصد متوسط بودجه کل) وضع قوانین (با ۲/۷۲ درصد بخش، ۰/۷۸ درصد متوسط بودجه کل) و بالاخره رهبری قوه مجریه (با هزینه‌ای معادل ۱/۳٤ درصد اعتبار بخش و ۰/۳۸ درصد متوسط بودجه کل). هزینه دربار از ۲/۲۹ درصد بخش در دورهٔ پهلوی اول به ۱/۰۱ درصد به دوران اولیه سلطنت پهلوی دوم تقلیل پیدا می‌کند و درواقع ۰/۲۹ درصد متوسط بودجه کل را دریافت می‌دارد.

در لوایح بودجه سالهای ۱۳٤۳-۱۳۲۷، که ما از آن به دورهٔ دوم تقسیمات تاریخی بودجه نام می‌بریم اعتبارات منظورشده برای بخش امور عمومی به موجب جدول

شماره ۲۶ با رقم متوسط ۱۱،۱۷۸،۱۹۷ ریال یا ۳۱ درصد متوسط بودجه کل این دوره را تشکیل می‌دهد.

و از کل اعتبارات مربوط به وظایف فرعی بخش امور عمومی، نخست از رهبری قوه مجریه (نخست‌وزیری و سازمانهای تابعهٔ آن) با درصدی حدود ۵۳/۴ درصد که معادل ۱۶/۳۴ درصد متوسط کل بودجه می‌باشد یاد می‌کنیم و پس از آن به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۲۶، از حفظ نظم و امنیت عمومی با نسبت حدود ۱۸/۸ درصد اعتبار بخش امور عمومی یا ۵/۷۵ درصد متوسط بودجه کل سالهای مورد بحث می‌توان یاد کرد.

هزینهٔ مدیریت امور مالی و گمرکی برخلاف سالهای گذشته، در مقایسه با هزینه سایر وظایف بخش امور عمومی، از اعتبار کمتری برخوردار شده است و با ۱۰/۴۴ درصد هزینه بخش امور عمومی که معادل ۳/۲۰ درصد متوسط بودجه کل کشور در سالهای مذکور می‌باشد مرتبه سوم از اکثریت را تشکیل می‌دهد.

سهم هزینه‌های اجرای عدالت و حفظ حقوق مردم، و تأمین اعتبار برای خدمات دولتی و مدیریت داخلی کشور، مبلغی به‌ترتیب معادل ۵/۸ درصد و ۵/۶ درصد، هزینه بخش امور عمومی و ۱/۷۶ و ۱/۷۱ درصد متوسط بودجه کل درنظر گرفته شده است.

۴/۸ درصد بقیه اعتبارات بخش امور عمومی در این سالها برای اجرای برنامه‌هائی همچون: اداره امور خارجی کشور، گسترش امور ارتباطی و هزینهٔ دربار تخصیص یافته است. داده‌های جدول شماره ۳۰ که دربر گیرندهٔ داده‌های اعتبارات بخش امور عمومی در طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳ می‌باشد، نشانگر این مطلب است که دولتها در جهت افزایش کارآیی و بهبود خدمات دولتی و امور مربوط به اداره امور داخلی کشور و نیز برقراری حفظ نظم و امنیت داخلی در میان سایر وظایف فرعی بخش امور عمومی اولویت قایل شده‌اند.

بطوری که از کل سهم اعتبارات این بخش که بطور متوسط با رقم ۷۰،۸۱۰،۳۶۳ هزار ریال معادل ۷/۲۶ درصد متوسط بودجه کل در این سالها می‌باشد. ۳۴/۲۳ درصد هزینه بخش امور عمومی که معادل ۲/۵ درصد متوسط بودجه کل را دربر می‌گیرد اختصاص به مدیریت داخلی کشور و متجاوز از ۲۸ درصد از اعتبار امور عمومی که برابر ۲/۰۴ درصد متوسط بودجه کل کشور درخلال سالهای مورد نظر می‌باشد برای اجرای

تأمین امنیت داخلی و حفظ نظم عمومی کشور اختصاص داده‌اند که در مقایسه با دورهٔ دوم تقسیمات بودجه افزایش چشمگیر پیدا کرده است.

درمجموع می‌توان گفت از کل ۷/۲۶ درصد اعتبار بخش امور عمومی نسبت به بودجه کل کشور در طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۴۳، ۴/۵۲ درصد آن به بسط خدمات دولتی و حفظ نظم و امنیت داخلی کشور که از مقاصد و اهداف اساسی دولتها در این دوره بوده است تخصیص داده شده است و ۲/۷۴ درصد بقیه اعتبار این بخش بین وظایف دیگر همچون، رهبری قوه مجریه، امور ارتباط جمعی، امور مالی و گمرکی، امور قضایی، و هزینه دربار و بالاخره سیاست بین‌المللی منظور شده است.

تا این‌جا، تلاش ما مصروف بر ارایه نتایج تجزیه و تحلیل وظایف کلی دولت در چهار بخش و مقایسه آن در مجموع سالهای سه دورهٔ تاریخ کیفیت تنظیم بودجه کل کشور شده است، خالی از فایده نمی‌داند. از سیر وظایف فرعی در قالب تقسیمات چهارگانه وظایف کلی را در هر یک از ۷۲ سال مالی دورانهای سه‌گانه مشروطیت، و بر مبنای تقسیم آن به سه دوره تاریخ بودجه‌نویسی، با ارایه اجمالی آمار مربوطه در هر سال مالی را به‌اجمال مورد بحث قرار دهیم.

اعتبار «تمشیت امور مالی و گمرکی»

مطابق اطلاعات آماری جداول شماره ۲۰ و ۲۱- مربوط به پراکندگی توزیع هزینه بخش امور عمومی بین وظایف فرعی، در هر سال مالی، تجزیه و تحلیل آمار مربوط به دورهٔ سلطنت قاجاریان، نشان می‌دهد که: تمشیت امور مالی و گمرکی، بالاترین نسبت از بودجه کل (در سالهای ۱۳۰۵-۱۲۹۹)، با حداقل ۱۱/۸۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۲) تا حداکثر ۱۶/۷۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۴) به خود اختصاص داده است و جدول شماره ۲۱ روشنگر این مطلب است که در طول شش سال مورد نظر هزینه این فصل در هر سال نسبت به سال ماقبل با افزایشی معادل حداقل ۰/۰۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۲) تا حداکثر ۱۲/۸۵ درصد رشد سالانه داشته است (مربوط به سال ۱۳۰۳) و تنها در سال ۱۳۰۰ است که اعتبار این فصل کاهشی معادل ۲۳/۳۱ درصد نسبت به سال ۱۲۹۹ شمسی داشته است.

در دوره حکومت پهلوی اول، اداره امور مالی، با تخصیص هزینه سالانه‌ای بین

حداقل ۰/۵۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۶) تا بالاترین نسبت، حدود ۴۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۷) از بودجه کل سالانه را، و با رشدی سالانه، بین حداقل ۰/۵۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۷ نسبت به سال ۱۳۰۶) تا ۵۶۱/۱۶ درصد مربوط به سال ۱۳۱۲ برخوردار بوده است.

در شش سال اولیه حکومت محمدرضاشاه، فصل امور گمرکی، با جذب هزینه‌ای معادل حداقل ۸ درصد بودجه کل سال مالی ۱۳۲۴ تا ۱۴/۶۰ درصد مربوط به همین وظیفه در سال ۱۳۲۲، در آمار جدول شماره ۲۰ دیده می‌شود و جدول شماره ۲۱ حکایت از رشد سالانه‌ای فصل را در ۱۳۲۱ نسبت به سال ماقبل خود که معادل ۱۰/۰۲ درصد باشد می‌کند.

در دوران سلطنت پهلوی دوم، با تغییری که در نظام تدوین بودجه‌نویسی پیش آمد، همانطور که از پیش کراراً اشاره شد با دو دورهٔ (۴۳-۱۳۲۷) و (۵۷-۱۳۴۳) مواجه هستیم و آمار مربوط به دوره دوم از تاریخ بودجه، با استناد به جداول مختلف نسبت اعتبار دریافتی و رشد سالانه وظیفه تمشیت امور مالی را چنین یادآور می‌شویم.

جدول شماره ۲۴، اعتبار هزینه امور مالی را در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷ - در هر لایحه بودجه سالانه معادل حداکثر ۷/۹۰ درصد مربوط به سال ۱۳۲۷، تا حداقل ۱/۹۶ درصد مربوط به سال ۱۳۴۱ نشان می‌دهد و جدول شماره ۲۸- از نسبت هزینه برآوردشده این فصل در سالهای بودجه برنامه‌ای عصر اخیر مشروطیت، در هر سال مالی از حداکثر ۱/۸۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۵) تا حداقل ۰/۳۶ درصد مربوط به سال ۱۳۵۶ حکایت می‌کند که در مقایسه با دو دورهٔ قبل، درخور بحث می‌باشد و همچنانکه ازپیش اشاره شد در طول سالهای مشروطیت به‌تدریج در توزیع بودجه، درصد کمتری برای وظیفه تمشیت امور مالی ملحوظ داشته‌اند.

ولی این توضیح، بدان معنی نیست، که دولتها از اعتبار این وظیفه در هر سال نسبت به سالهای گذشته کاسته باشند، بلکه به‌استناد جداول شماره ۲۵ و ۲۹، سهم هزینه اداره امور مالی از بودجه کل در هر سال مالی، با افزایش همراه بوده است و ما از افزایش بودجه این فصل در سالهای ۴۳-۱۳۲۷ با حداکثر ۱۰۱/۳۸ (مربوط به سال ۱۳۲۸) و حداقل ۲/۶۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۲)، و نیز از افزوده افزایش هزینه این وظیفه در سالهای ۵۷-۱۳۴۳ با حداکثر ۷۹/۹۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۳) تا

حداقل افزایش در سال ۱۳۴۹ با نسبت ۸/۲۹ درصد به‌استناد جداول شماره ۲۵ و ۲۹ یاد می‌کنیم.

باید افزود که در هر دو دوره از تقسیمات تاریخی عصر سوم مشروطیت اعتبار وظیفه تمشیت امور مالی در برخی از سالها نسبت به سال قبل با کاهشی به‌شرح زیر مواجه بوده است.

۱- سال ۱۳۳۳ با ۴/۷۹ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۳۲

۲- سال ۱۳۳۴ با ۸/۱۶ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۳۳

۳- سال ۱۳۴۱ با ۱۶/۰۶ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۴۰

۴- سال ۱۳۴۷ با ۱۳۹/۹۳ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۴۶

۵- سال ۱۳۵۲ با ۱۵/۵۹ درصد کاهش نسبت به سال ۱۳۵۱

اعتبار وظیفه نظم و امنیت داخلی کشور

حفظ نظم و امنیت شهرها و خارج شهرها، به‌موجب جدول شماره ۲۰- در سالهای مربوط به عصر اول مشروطیت با عنوانی بطور مستقل در لوایح بودجه منعکس نمی‌باشد. جز در سال ۱۳۰۴ شمسی که سهمی معادل ۲/۲۲ درصد بودجه کل این سال را به خود اختصاص داده است.

ولی در دوران پهلوی اول، سهم این وظیفه در لوایح بودجه، به‌موجب تجزیه و تحلیل آماری جدول شماره ۲۰، در هر سال، از حداقل ۰/۵۴ درصد مربوط به سال ۱۳۱۶ تا حداکثر ۹/۹۱ درصد مربوط به سال ۱۳۰۷ شمسی در نوسان بوده است و به‌موجب جدول شماره ۲۱ از رشد سالانه‌ای بین حداقل ۱/۴۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۵) تا ۸۰۷/۹۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۹) برخوردار بوده است. هرچند که سالهای ۱۳۰۶ با کاهش ۶۵/۰۸ درصد و ۱۳۱۲ با ۳۹/۸۳ درصد و ۱۳۱۴ با ۰/۴۶ درصد را در جدول مذکور نادیده نمی‌توان گرفت.

دو سال اول سلطنت پهلوی دوم، که همزمان با بحران کشور ناشی از جنگ بین‌الملل دوم می‌باشد، هزینه وظیفهٔ حفظ نظم و امنیت داخلی کشور، از رشدی معادل به‌ترتیب ۱۳۱/۴۴ و ۱۵۵/۳۹ درصد برخوردار می‌باشد. و به‌موجب جدول شماره ۲۰، سهم دریافتی هزینه این بخش از لوایح بودجه در هر یک از سالهای ۲۷-۱۳۲۱ شمسی،

بین حداقل ۱/٤۱ درصد تا حداکثر ۷/۹۷ درصد (مربوط به سال ۲٦) برآورد شده است.

از اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲٤- چنین برداشت می‌شود، که سهم اعتبار وظیفه حفظ نظم و امنیت داخلی کشور در هر یک از سالهای ٤۳-۱۳۲۷، در مقایسه با بودجهٔ امور دربار، وضع قوانین و رهبری قوه مجریه، در سطحی بالا و درخور توجه می‌باشد. بطوری‌که کمترین نسبت آن که مربوط به سال ۱۳٤۰ می‌باشد با ۴/۱۳ درصد بودجه کل سال ۱۳٤۰ شمسی و بیشترین نسبت مربوط به سالهای ۳۲ و ۳٤ و ۳۵ و ۳٦، بیش از ۱۰ درصد بودجه سالانه را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۲۸، اعتبار همین وظیفه را در هر یک از سالهای ۵۷-۱۳٤۳ با سهمی کمتر از سالهای گذشته نشان می‌دهد، بطوری‌که از حداقل ۱/٦۰ درصد بودجه سالانه (مربوط به سال ۱۳۵٦) تا حداکثر ۳/۸۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۵٤) تجاوز نمی‌کند.

رشد سالانه در هر دو دوره از تقسیمات بودجه، عصر سوم مشروطیت، به‌موجب جداول شماره ۲۵ و ۲۹ ـ روشنگر این نکته می‌باشد، که اعتبار بخش حفظ نظم و امنیت داخلی کشور، در هر یک از سالهای ٤۳-۱۳۲۷ ـ از حداکثر ۱۵۵/۳۱ درصد رشد سالانه (مربوط به سال ۱۳۳٤) تا حداقل ۲/۲۲ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۱) ـ و در دوره سوم از تقسیمات بودجه (بودجه برنامه‌ای سالهای ۵۷-۱۳٤۳) از حداکثر رشد سالانه معادل ۷۸/۷٦ درصد (مربوط به سال ۱۳۵٤) تا حداقل ٤/٦۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۵٦) برخوردار بوده است.

برنامه مالی ـ حفظ حقوق مردم و اجرای عدالت

دولتها، در طول سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹ ـ برای حفظ حقوق مردم و اجرای عدالت، در لوایح بودجه عصر اول مشروطیت در هر سال مالی، بین حداقل ۲ درصد (مربوط به سال ۱۲۹۹) تا حداکثر ۲/۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۳ شمسی) تأمین اعتبار کرده‌اند، که این نسبت در عصر دوم مشروطیت و مقارن سلطنت پهلوی اول به حداقل ۰/۳۲ درصد بودجه سال ۱۳۱٦ تا حداکثر ۵/۰۹ درصد بودجه سال ۱۳۰۹ ـ در نوسان بوده است. ناگفته نماند بودجه این فصل در هر دو عصر مشروطیت از رشد

سالانه‌ای به‌ترتیب: بین حداقل ۲۲/۸۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۱) تا ۴۵/۵۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۲) در دورهٔ اول مشروطیت، و حداقل رشد سالانه ۲/۰۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۵) تا حداکثر ۴۸/۵۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۷) در عصر دوم مشروطیت برخوردار بوده است. یادآور می‌شویم، در دورهٔ اول مشروطیت، امور قضایی در سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۰۳ نسبت به سال ماقبل خود، با کاهشی به‌ترتیب معادل ۱۲/۱۳ درصد و ۱۱/۴۴ درصد مواجه بوده است.

برای اطلاع از کیفیت ترکیب توزیع هزینهٔ قوه قضایی در هر یک از سالهای دوران سوم مشروطیت، با استناد به جداول آماری مربوط به اعتبار وظایف فرعی بخش امور عمومی چنین استنباط می‌شود: که در سالهای اولیه سلطنت محمدرضاشاه، ۱۳۲۱-۲۷، که تدوین و تنظیم لایحه بودجه مبتنی بر هزینهٔ جاری کشور بوده است، دولتها، به‌منظور برقراری امنیت قضایی، بعد از تمشیت امور مالی، نسبت به سایر فصول امور عمومی، توجه بیشتری معطوف داشته‌اند و اعتباری که به این فصل در هر یک از این شش سال اختصاص داده‌اند، نسبت به بودجه سالانه از نسبتی حدود ۳ درصد برخوردار بوده است. داده‌های جدول شماره ۲۴- اعتبار هزینهٔ امور قضایی را در هر یک از سالهای دوره دوم تقسیمات بودجه (۱۳۲۷-۴۳) معادل حداکثر حدود ۴ درصد بودجه سالانه (مربوط به سال ۱۳۳۴) تا حداقل ۱/۲۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۱) عرضه می‌دارد.

و اگر نسبت هزینه هر سال این وظیفه را در سالهای ۱۳۴۳-۵۷ ملحوظ بداریم، به‌موجب جدول شماره ۲۸ درخواهیم یافت که در این دوره از تاریخ بودجه که آن را بودجه برنامه‌ای نامیده‌اند، سهم هزینه برآوردشده امور قضایی نسبت به دو دوره دیگر از تقسیمات تاریخی بودجه کل کشور، بسیار اندک می‌باشد و در لوایح بودجه، اعتباری معادل کمتر از یک درصد کل بودجه سال را دربر می‌گیرد. جز در سال ۱۳۴۷ که بیش از یک درصد کل بودجه را شامل می‌گردد (۱/۰۱ درصد)

یادآور می‌شویم، نسبت قلیل بودجه فصل امور قضایی، در لوایح بودجه دو دورهٔ تقسیمات بودجه می‌باشد، مانع از آن نبوده است که دولتها، در هر سال مالی، همزمان با افزایش درآمد دولت و تخصیص و توزیع آن به امور مختلف، بر میزان اعتبار وظیفه اجرای عدالت نیفزایند. بلکه به‌استناد یافته‌های جداول شماره ۲۵ و ۲۹، مربوط به رشد سالانه امور عمومی درمی‌یابیم که در سالهای بین ۱۳۲۷-۴۳ شمسی، هزینه برآوردشده

در لوایح بودجه مربوط به امور قضایی در هر سال مالی از رشد سالانه‌ای بین حداکثر ۱۵۶/۵۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۸) تا حداقل ۳/۳۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۶) برخوردار بوده است.

و در سالهای دورهٔ سوم تقسیمات تاریخ بودجه، (۵۷-۱۳۴۳)، همچنان اعتبار فصل تأمین حفظ حقوق و اجرای عدالت از رشدی معادل حداکثر ۹۴/۳۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۷) تا حداقل ۰/۶۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۱) بهره‌مند بوده است.

باید افزود، در بین سالهایی که ما از آن با دوره دوم تقسیمات بودجه‌نویسی نام می‌بریم، تنها در سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ می‌باشد که هزینهٔ تأمین عدالت و حفظ حقوق، نسبت به سال ماقبل از افزایش اعتبار برخوردار نبوده و کاهشی به‌ترتیب معادل ۲۷/۸۹ درصد و ۱۱/۰۸ درصد داشته است.

برنامهٔ مالی وظیفه ادارهٔ داخلی کشور

برای اجرای سیاست داخلی، در هر سه عصر مشروطیت درصد اندکی از بودجه کل سالانه را تخصیص داده‌اند، بطوری که در طی شش سال مالی عصر اول مشروطیت، بین حداقل ۱/۱۰ درصد کل بودجه (مربوط به سال ۱۳۰۱) تا ۹/۰۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۳) به این وظیفه اختصاص یافته است و در دو عصر دیگر به‌تدریج از درصد اعتبار کاسته می‌گردد.

و در سالهای عصر دوم مشروطیت، بودجه هر سال این فصل بین ۰/۴۷ درصد تا ۶/۴۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۵) و در عصر سوم مشروطیت (۲۷-۱۳۲۱) بین حداقل ۱/۷۳ درصد تا ۲/۱۱ درصد بودجه سالانه به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۲۰ در نوسان بوده است.

از رشد سالانه این نسبتهای اندک به‌ترتیب اعصار سه‌گانه از تقسیمات اول بودجه (۱۳۲۷-۱۲۹۹) به این شرح می‌توان یاد کرد.

۱ـ عصر اول مشروطیت، با کاهش اعتبار سالانه‌ای معادل حداقل ۲۱/۲۰ درصد تا ۲۴/۶۷ درصد

۲ـ عصر دوم مشروطیت، با افزایش اعتبار سالانه‌ای معادل حداقل ۳/۶۳ درصد

تا ۴۷/۴۸ درصد

۳- عصر سوم مشروطیت، سال ۱۳۲۱ افزوده هزینه‌ای معادل ۴۳/۰۹ درصد داشته است ولی دو سال ۲۲ و ۲۳ نیز کاهشی به‌ترتیب معادل ۹/۶۵ و ۰/۰۶ درصد داشته‌اند.

اگر مراد، دریافت نسبت اعتبار بخش امور داخلی به بودجه کل سالانه در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷ باشد، جدول شماره ۲۴- حکایت از این دارد که دولتهای این دوره از عصر سوم مشروطیت برای اجرای سیاست داخلی، در هر یک از سالهای مورد بحث اعتباری معادل حداکثر حدود ۴/۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۳) و حداقل ۰/۷۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۹) بودجه سالانه را منظور داشته‌اند.

و اگر سالهای اخیر عصر سوم مشروطیت (۵۷-۱۳۴۳) ملحوظ باشد از یافته‌های جدول شماره ۲۸ اینطور استنباط می‌شود، برای اجرای سیاست و مدیریت داخلی کشور، در طی سالهای ۵۲-۱۳۴۳، سهمی کمتر از یک درصد کل بودجه تخصیص داده شده است ولی در سالهای ۵۷-۱۳۵۲، این نسبت افزایش پیدا می‌کند و درصدی بین حداقل ۱/۷۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۶) تا ۴/۳۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۵) بودجه کل سالانه را تشکیل می‌دهد.

ناگفته نماند که در هر دو دوره از تقسیمات بودجه‌بندی عصر سوم مشروطیت، در توزیع هزینه برای اداره امور داخلی در هر سال همزمان با افزایش درآمد دولت، نسبت به سال قبل افزوده سهمی مرعی شده است. و جدول شماره ۲۵ مربوط به سالهای ۴۳-۱۳۲۷- این افزایش را معادل، حداکثر ۱۸۴/۸۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۸) تا ۹/۵۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۵) نشان می‌دهد. و نیز معلوم می‌دارد که سهم هزینه این فصل در سالهای ۳۲ و ۳۴ و ۴۲ نسبت به سالهای ماقبل خود با کاهش هزینهٔ سالانه‌ای به‌ترتیب در سطح ۴۹/۵۰، ۱۶/۱۷، ۶/۹۸، ۷۰/۴۸ درصد مواجه بوده است.

جدول شماره ۲۹- رشد اعتبار وظیفه ادارهٔ داخلی را در سالهای ۵۷-۱۳۴۳، بین حداقل ۱۰/۷۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۰) تا حداکثر ۱۷۵۳/۹۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۲) را نشان می‌دهد. ضمن اینکه روشنگر کاهش هزینه همین فصل از بخش امور عمومی در سالهای ۱۳۴۶ شمسی با ۲۳/۶۱ درصد، و سال ۱۳۵۶ با ۵۲/۰۶

درصد می‌باشد.

اعتبار برنامه مالی امور بین‌المللی و روابط خارجی

اداره روابط خارجی و سیاست بین‌المللی، در هر سه عصر مشروطیت با تغییر نظام بودجه‌بندی، از حداقل هزینهٔ بودجه سالانه در طول ۷۲ سال مشروطیت برخوردار بوده است، بطوری که جدول شماره ۲۰ نشان می‌دهد، از حداقل ۲/۹۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۴) و عصر اول مشروطیت) و ۰/۲۵ درصد بودجه سال ۱۳۱۶ (مربوط به عصر دوم مشروطیت) و ۱/۲۵ درصد سال ۱۳۲۲ (مربوط به عصر سوم مشروطیت) تا حداکثر ۳/۷۹ درصد در سال ۱۳۰۱ (مربوط به عصر اول مشروطیت) و ۴/۷۰ درصد بودجه سال ۱۳۱۴ (مربوط به عصر دوم مشروطیت) و همچنین حداکثر ۱/۴۳ درصد بودجه سالانه مربوط به سال ۱۳۲۲ (عصر سوم مشروطیت) در نوسان بوده است.

از رشد سالانه، این وظیفه در عصر اول مشروطیت، به‌موجب جدول شماره ۲۱، سالهای ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ نسبت به سال قبل از افزایشی به‌ترتیب معادل ۲۶/۲۳ درصد و ۵/۲۱ درصد برخوردار بوده‌اند. و درمقابل باید از کاهش هزینه سالانه وظیفه اداره امور خارجی در سالهای ۱۳۰۰ نسبت به سال ۱۲۹۹ (با ۸/۴۷ درصد) و سال ۱۳۰۳ (با ۱۱/۵۳ درصد) و سال ۱۳۰۴ با (۰/۰۷ درصد) یاد کرد.

اعتبار این وظیفه، در طی سال‌های عصر دوم مشروطیت در سالهای مالی ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰، ۱۳۱۶ و ۱۳۱۸ و ۱۳۲۰ به‌ترتیب با کاهشی معادل ۱۰/۱۷، ۲۵/۰۰ و ۲۰/۹۴، ۳/۸۴، ۷/۶۹ درصد مواجه بوده است و در مقابل سالهای دیگر مربوط به این عصر افزایش داشته‌اند و با رشدی معادل حداقل ۸/۵۴ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۵) تا حداکثر ۲۸/۳۲ (مربوط به سال ۱۳۰۸) در جدول شماره ۲۱ دیده می‌شود.

در سالهای ۲۷-۱۳۲۱ مربوط به عصر سوم مشروطیت و در قالب دورهٔ اول تاریخ تقسیم‌بندی بودجه، جز در دو سال اولیه ۲۱ و ۲۲ که هزینه روابط خارجی از رشدی معادل ۱۹/۴۵ و ۲۱/۹۹ درصد برخوردار بوده است، نظر به بحرانی بودن اوضاع ایران در سالهای مذکور و کیفیت تصویب لوایح بودجه کل و تخصیص آن به فصول مختلف نوسان نداشته است.

ولی در سالهای بین ۴۳-۱۳۲۷ ـ و دومین دوره از تقسیم‌بندی بودجه سالانه،

دولتها برای ادارهٔ روابط خارجی و بین‌المللی به‌موجب جدول شماره ۲۴ و ۲۵، اعتباری اندک که در بعضی از سالها ازجمله سال ۳۷ تا ۴۳، کمتر از یک درصد بودجه سال را نشان می‌دهد منظور داشته‌اند. ولی در سالهای بین ۲۷ تا ۳۷، نسبتی بین حداقل ۱/۰۱ درصد تا حداکثر ۳/۶۷ درصد از بودجه کل سال را تخصیص به این فصل داده‌اند. که در مقابل سالهای یادشده در فوق سهم بیشتری از بودجه را دریافت کرده‌اند.

از اعتبار فصل امور خارجی، در سالهای ۵۶-۱۳۴۳ - به موجب تجزیه و تحلیل جدول شماره ۲۵، نسبتی کمتر از یک درصد بودجه سالانه را می‌توان یادآور شد. هرچند باید متذکر شد که میزان سهم تعیین‌شده برای این وظیفه، هر سال نسبت به سالهای قبل و در هر دو دوره از تقسیمات بودجه‌نویسی افزایشی در لایحه بودجه کل ملحوظ شده است، که از میزان افزوده در هر سال مربوط به ۴۳-۱۳۲۷ - با رشدی معادل حداکثر ۱۸۳/۸۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۴) تا حداقل ۹/۳۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۹) می‌توان نام برد. ضمن اینکه یادآور می‌شویم در برخی از سالها به‌موجب تجزیه و تحلیل جداول آماری،[۴] با کاهش هزینه این فصل روبرو هستیم که این کاهش معادل بین حداقل ۲/۵۹ (مربوط به سال ۱۳۴۰) تا حداکثر ۲۵/۴۴ درصد (مربوط به سال ۳۶) می‌توان ذکر کرد.

اعتبار برنامه مالی وضع قوانین در نخستین دوره از تقسیم‌بندی بودجه

هیأت دولتها، در لوایح بودجه هر سال مالی برای وضع قوانین هزینه‌ای معادل بین حداقل ۱/۳۲ تا ۲/۰۷ درصد در سالهای حکومت قاجاریان، و اعتباری معادل حداقل ۰/۳۱ درصد تا ۲/۲۶ درصد در عصر پهلوی اول، و ۰/۵۳ درصد تا ۱/۰۴ درصد در شش سال اول عصر سوم مشروطیت که مقارن سلطنت پهلوی دوم می‌باشد ملحوظ داشته‌اند. باید افزود به‌موجب جدول شماره ۲۱- در هر سه عصر مشروطیت، بودجه برآوردشده برای وضع قوانین در هر سال مالی، با افزایش روبرو بوده است. این افزایش اعتبار در عصر اول مشروطیت معادل، حداقل ۰/۵۰ درصد تا ۵۷/۳۸ درصد، و در عصر دوم مشروطیت بین ۳/۳۳ درصد تا ۲۹/۸۳ درصد و بالاخره در عصر سوم مشروطیت در نظام بودجه‌نویسی اول، از ۳۳/۱۵ تا ۵۹ درصد درنوسان بوده است.

۴- ر.ک. جدول شماره ۴۰

گفتنی است که اعتبار این فصل در سال ۱۳۰۳ (با ۸۷/۳۳ درصد) و سال ۱۳۰۹ (با ۵/۷٤ درصد) سال ۱۳۱۲ (با ١٤/۹۱ درصد) و سال ۱۳۱٤ (با ۱۰/۸۰ درصد) و بالاخره سال ۱۳۱۷ و ۱۳۱۹ (به‌ترتیب با ۲/۱۳ درصد و ۱۰/۷۳ درصد) نسبت به سال ماقبل کاهش داشته است.

اعتبار فصل وضع قوانین به‌استناد داده‌های جدول شماره ٢٤- در دومین دوره از تقسیمات بودجه‌نویسی، از حداقل ۰/۱٤ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۲) تا حداکثر ۱/٤۲ (مربوط به سال ۱۳۳٦) در لوایح بودجه برآورد شده است که طبق یافته‌های جدول شماره ۲۵، از رشد سالانه‌ای معادل حداقل ١٤/۳۷ تا حداکثر ۱٤۱/۲۵ درصد برخوردار بوده است.

باید افزود در طی این دوره از تاریخ بودجه‌نویسی، اعتبار قوانین در برخی از سالها[۵] نسبت به سال ماقبل کاهشی بین حداقل ۱۵/٦۵ درصد تا ۵۳/۷٦ درصد داشته است.

جدول شماره ۲۸(اعتبار، وضع قوانین را در هر سال مالی دوره سوم تقسیمات بودجه‌نویسی، با حداقل ۰/۰۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۵٦) و حداکثر ۰/۱۹ درصد بودجه کل کشور در هر سال منعکس می‌کند که در مقایسه با دورهٔ دوم نسبت کمتری از بودجه سالانه را توانسته است به خود اختصاص دهد. با اینهمه با استناد به جدول شماره ۲۹، از رشد سالانه‌ای که معادل حداقل ۷/۵۵ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۵) تا حداکثر ٢٤/۸۲ درصد برخوردار بوده است.

اعتبار رهبری قوه مجریه

وظیفه رهبری قوه مجریه، در طول سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹، اعتباری معادل حداقل بین ۰/۲۰ درصد بودجه سالانه کشور تا حداکثر ۲/۵۰ درصد در سالهای اول مشروطیت داشته است و با استناد به جداول آماری، تنها در دو سال ۱۳۰۱ و ۱۳۰٤ از رشدی معادل به‌ترتیب ۷۹۰/۳۳ و ٤٤/۳۱ درصد برخوردار بوده است و در چهار سال دیگر این عصر با کاهش اعتباری بین حداقل ۱۲/۰۲ درصد تا ۸۹/۸۵ درصد مواجه بوده است.

۵- ر.ک. جدول شماره ۲۵

در طول حکومت پهلوی اول، برای فصل رهبری قوه مجریه، به‌موجب جداول شماره ۲۰، در هر یک از ۱۶ سال این عصر، اعتباری کمتر از ۱ درصد بودجه سالانه اختصاص داده شده است ولی باید افزود که در هر سال مالی افزایشی بین حداقل ۱/۵۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۳) تا حداکثر ۲۷۷/۸۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۷) داشته است. باید یادآور شد که در پنج سال از میان شانزده سال عصر دوم مشروطیت به‌موجب جدول شماره ۲۱ هزینه این فصل نسبت به سال ماقبل کاهش داشته است (میزان کاهش را معادل ۰/۰۸ تا ۵/۷۰ درصد می‌توان ذکر کرد).

شش سال اول حکومت پهلوی دوم نیز سهم اعتبار این وظیفه کمتر از یک درصد بودجه سالانه را نشان می‌دهد. در مقابل با استناد به یافته‌های جدول شماره ۲۴- مربوط به دورهٔ دوم تقسیمات بودجه، دولتها در لوایح بودجه سالانه اعتبار دستگاه رهبری را با حداقل نسبت بودجه کل در سال ۱۳۳۲، با نسبت ۰/۱۷ درصد تا حداکثر ۲۸/۷۹ درصد منظور داشته‌اند که در مقایسه با عصر دوم مشروطیت نسبت چشمگیری را نشان می‌دهد و درواقع افزوده اعتبار سالانه‌ای در حدود، حداقل ۱۶/۶۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۰) تا حداکثر ۵۶۸۸/۷۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۸) را داشته است.

چنانچه منظور، آگاهی از میزان اعتبار این فصل از بخش امور عمومی در سالهای اخیر مشروطیت باشد (۵۷-۱۳۴۳) به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۲۸، هزینه رهبری قوه مجریه، از بودجه کل کشور در هر سال مالی، بین حداقل ۰/۶۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۹) تا حداکثر ۱/۰۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۵) پیش‌بینی شده است. و جدول شماره ۲۹، رشد سالانه اعتبار این فصل را بین حداقل ۴/۹۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۶ تا حداکثر ۹۰/۶۲ و ۹۰/۳۵ درصد (مربوط به سالهای ۱۳۴۴ و ۱۳۴۷) نشان می‌دهد.

اعتبار هزینه اداره عالیه کشور (امور سلطنت)

بخش امور سلطنت و خدمات عمومی آن در دوران اول از تقسیمات بودجه‌بندی، بطور کلی، جز در عصر اول مشروطیت که مقارن سلطنت قاجاریان است در هر لایحه بودجه سالانه، نسبت اندکی از بودجه کل کشور را جذب نموده است.

در عصر قاجاریان، از حدود ۲ درصد تا حداکثر ۳/۵۰ درصد از بودجه سالانه را به خود اختصاص داده است، درحالی که در دوران سلطنت پهلوی اول، نسبت هزینه دربار و خدمات مربوط به آن از حداقل ۰/۲۵ درصد تا حداکثر ۱/۸۶ درصد بودجه سالانه کشور تجاوز نمی‌کند و در شش سال اول سلطنت پهلوی دوم نیز همچنان کمترین نسبت را که پایین‌تر از ۰/۵ درصد بودجه کل باشد جذب نموده است.

چنانچه سهم هزینه دربار را در دو دورهٔ دیگر از تاریخ بودجه‌بندی کشور ملحوظ بداریم، بنا به داده‌های آماری جدول شماره ۲۴- در هر یک از سالهای ۴۳-۱۳۲۷، اعتبار این فصل معادل حداقل ۰/۱۴ درصد تا حداکثر ۱/۴۲ درصد را تشکیل می‌داده است. که با افزایشی سالانه بین ۳/۶۹ تا حداکثر ۳۵۹/۱۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۸) روبرو بوده است. یادآور می‌شویم که از این قاعده باید دو سال ۴۱ (با ۱۴/۶۸ درصد) و سال ۱۳۳۲ (با ۳/۵۶ درصد) را که با کاهش اعتبار روبرو بوده‌اند مستثنی ساخت.

و اما در دوران سوم از تقسیمات تاریخ بودجه‌بندی، به‌موجب جدول شماره ۲۸- برداشت اعتبار دستگاه سلطنت از بودجه سالانه کشور در هر سال مورد بحث کمتر از ۰/۵ درصد بوده است. با اینهمه به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۲۹ افزایش اعتباری معادل حداقل ۱/۹۷ درصد تا حداکثر ۱۴۷/۶۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۵) از هر بودجه سالانه کشور داشته است. اضافه کنیم در ۳ سال ۴۶ و ۴۷ و ۱۳۵۱ برداشت هزینه دربار از بودجه کل به‌ترتیب نسبت به سال ماقبل کاهش اعتباری به‌ترتیب معادل ۶۱/۶۳، ۸/۸۳، ۲۷/۶۲ درصد داشته‌اند.

«جدول شماره ۲۰ـ نمودار بودجه وظایف مربوط به امور عمومی کشور نسبت به کل بودجه در طول سالهای «۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷»

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف تاریخ	وظیفه‌اول اداره عالیه کشور	وظیفه‌دوم وضع قوانین	وظیفه‌سوم رهبری قوه مجریه	وظیفه‌چهارم ادارهٔ داخلی کشور	وظیفه‌پنجم حفظ نظم و امنیت عمومی	وظیفه‌ششم ادارهٔ روابط خارجی و و بین‌المللی	وظیفه‌هفتم ادارهٔ امور ارتباط جمعی	وظیفه هشتم ادارهٔ امور قضایی	وظیفه نهم ادارهٔ امور مالی و گمرکی	جمع امور عمومی
	سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر اول مشروطیت	سال ۱۲۲۹	۲/۷۶	۱/۳۲	۰/۳۰	۱/۳۱	—	۳/۰۷		۲/۰۰	۱۴/۵۸	۳۶/۱۵
	" ۱۳۰۰	۲/۸۵	۱/۵۵	۰/۳۱	۱/۲۱	—	۳/۲۹		۲/۰۴	۱۳/۱۲	۳۵/۲۶
	" ۱۳۰۱	۳/۴۶	۱/۵۴	۲/۵۰	۱/۱۰	—	۳/۷۹		۲/۳۰	۱۴/۵۷	۳۹/۱۸
	" ۱۳۰۲	۲/۸۳	۱/۳۲	۰/۲۱	۸/۳۶	—	۳/۲۳		۲/۶۶	۱۱/۸۲	۴۲/۲۹
	" ۱۳۰۳	۲/۰۶	۱/۹۰	۰/۲۰	۹/۰۸	—	۳/۲۶		۲/۶۸	۱۷/۰۵	۳۶/۲۱
	" ۱۳۰۴	۱/۸۴	۲/۰۷	۰/۲۴	۶/۳۰	۲/۲۲	۲/۹۹		۲/۴۷	۱۶/۶۹	۳۴/۸۱
عصر دوم مشروطیت	" ۱۳۰۵	۱/۷۴	۲/۲۶	۰/۲۴	۶/۴۵	۲/۲۹	۳/۲۲		۲/۴۹	۱۶/۴۹	۳۵/۱۱
	" ۱۳۰۶	۱/۱۸	۱/۷۰	۰/۱۵	۰/۴۷	۴/۱۰	۱/۷۰		۱/۷۱	۸/۳۰	۱۹/۲۲
	" ۱۳۰۷	۱/۸۶	۲/۱۹	۰/۸۷	۳/۰۹	۹/۹۱	۲/۹۶	۰/۱۶	۳/۹۷	۱۳/۰۶	۳۷/۱۹
	" ۱۳۰۸	۱/۴۷	۱/۹۹	۰/۷۰	۲/۷۶	۹/۰۳	۳/۰۰	۰/۱۳	۴/۵۷	۱۰/۸۴	۳۱/۷۹
	" ۱۳۰۹	۱/۴۶	۱/۸۶	۰/۶۹	۲/۶۵	۹/۹۳	۳/۲۹	۰/۰۴	۵/۰۹	۸/۷۲	۳۳/۷۳
	" ۱۳۱۰	۱/۳۶	۱/۷۵	۰/۶۴	۲/۴۰	۱/۰۱	۲/۳۱		۴/۰۱	۸/۶۵	۳۱/۱۲
	" ۱۳۱۱	۰/۹۸	۱/۴۹	۰/۴۸	۱/۸۵	۴/۵۸	۳/۴۳		۳/۵۲	۷/۸۹	۳۵/۳۹
	" ۱۳۱۲	۰/۳۸	۰/۴۸	۰/۱۷	۰/۸۷	۳/۶۲	۱/۶۹		۱/۶۱	۴۶/۹۸	۵۵/۷۹۰
	" ۱۳۱۳	۰/۸۵	۱/۳۶	۰/۴۰	۲/۱۳	۸/۹۹	۴/۲۹		۴/۰۷	۷/۳۵	۲۰/۴۶
	" ۱۳۱۴	۰/۸۱	۱/۱۴	۰/۳۸	۳/۱۶	۸/۴۵	۴/۶۸		۴/۲۳	۶/۷۵	۱۳/۸۳
	" ۱۳۱۵	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۱۷	۱/۴۲	۳/۸۶	۲/۲۹		۱/۹۸	۳/۴۴	۷/۶۰
	" ۱۳۱۶	۰/۵۱	۰/۹۶	۰/۰۳	۰/۲۴	۰/۵۴	۰/۲۵		۰/۳۲	۰/۵۲	۱/۶۵
	" ۱۳۱۷	۰/۳۱	۰/۵۷	۰/۲۰	۱/۹۶	۳/۸۷	۱/۷۶		۲/۶۰	۴/۲۴	۹/۰۸
	" ۱۳۱۸	۰/۲۱	۰/۴۳	۰/۱۳	۱/۴۲	۲/۹۴	۱/۰۱		۲/۲۵	۴/۰۳	۹/۲۵
	" ۱۳۱۹	۰/۱۷	۰/۳۱	۰/۱۱	۰/۹۶	۲/۴۴	۱/۰۹		۲/۰۲	۴/۸۴	۹/۶۵
	" ۱۳۲۰	۰/۱۳	۰/۲۸	۰/۳۲	۱/۰۵	۱/۹۰	۰/۷۵		۱/۸۳	۶/۳۱	۱۰/۲۵
عصر سوم مشروطیت	• ۱۳۲۱	۰/۲۲	۰/۵۳	۰/۰۴	۲/۱۱	۶/۱۵	۱/۲۵	۰/۲۳	۲/۶۵	۱۴/۶۰	۳۲/۶۱
	• ۱۳۲۲	۰/۳۱	۰/۷۹	۰/۵۰	۱/۸۸	۱/۴۷	۱/۴۳	۰/۱۱	۳/۰۰	۸/۳۵	۱۲/۷۵
	• ۱۳۲۳	۰/۳۱	۰/۷۸	۰/۴۹	۱/۸۵	۱/۴۵	۱/۴۱	۰/۱۰	۲/۹۵	۸/۲۲	۱۵/۱۳
	• ۱۳۲۴	۰/۳۰	۰/۷۶	۰/۴۸	۱/۸۰	۱/۴۱	۱/۳۷	۰/۱۱	۲/۸۷	۸/۰۰	۱۸/۰۶
	• ۱۳۲۵	۰/۳۰	۰/۷۵	۰/۴۷	۱/۷۹	۱/۴۰	۱/۳۶	۰/۰۷	۲/۸۵	۷/۹۴	۱۲/۱۴
	• ۱۳۲۶	۰/۲۹	۱/۰۴	۰/۴۶	۱/۷۳	۷/۷۹	۱/۳۲	۰/۰۷	۲/۷۶	۷/۶۹	۹/۵۰

«جدول شماره ۲۱- نمودار رشد سالانه وظایف مربوط به امور عمومی کشور در طول سالهای «۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷»

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ	وظیفه اول اداره عالیه کشور	وظیفه دوم وضع قوانین	وظیفه سوم رهبری قوه مجریه	وظیفه چهارم ادارهٔ داخلی کشور	وظیفه پنجم حفظ نظم و امنیت عمومی	وظیفه ششم ادارهٔ روابط خارجی و بین‌المللی	وظیفه هفتم ادارهٔ امور ارتباط جمعی	وظیفه هشتم ادارهٔ امور قضایی	وظیفه نهم ادارهٔ امور مالی و گمرکی
	میزان اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر اول مشروطیت	سال ۱۲۲۹	–	–	–	–	–	–		–	–
	« ۱۳۰۰	-۱۱/۹۰	۰/۵۰	-۱۲/۰۲	-۲۱/۲۰	–	-۸/۴۷		-۱۲/۱۳	-۲۳/۳۱
	« ۱۳۰۱	۳۲/۹۲	۸/۷۷	۷۹۰/۳۳	–	–	۲۶/۲۳		۲۲/۸۰	۲۱/۸۸
	« ۱۳۰۲	۰/۸۱	۵۷/۳۸	-۸۹/۸۵	-۶/۳۸	–	۵/۲۱		۴۵/۵۱	۰/۰۶
	« ۱۳۰۳	-۳۵/۹۰	-۸۷/۳۳	-۱۶/۶۶	-۴/۵۵	–	-۱۱/۵۳		-۱۱/۴۴	۲۶/۸۵
	« ۱۳۰۴	-۳/۳۶	۱۸/۰۰	۳۱/۶۴	-۲۴/۶۷	–	-۰/۰۷		–	۶/۱۴
عصر دوم مشروطیت	« ۱۳۰۵	-۴/۳۴	۱۰/۴۸	۱/۵۱	۳/۶۳	۸۰۷/۹۰	۸/۷۵		۲/۰۳	–
	« ۱۳۰۶	۱۵/۶۶	۲۸/۰۸	۴/۸۰	۲۴/۳۶	-۶۵/۰۸	-۱۰/۱۷		۱۶/۶۳	-۱۴/۳۸
	« ۱۳۰۷	۰/۹۸	-۱۷/۸۳	۲۷۷/۸۸	-۵۸/۱۰	۵۴/۵۹	۱۱/۳۷	–	۴۸/۵۰	۰/۵۸
	« ۱۳۰۸	–	۱۵/۳۴	۲/۱۳	۱۲/۸۲	۱۵/۳۶	۲۸/۳۲	–	۴۵/۶۴	۵/۰۳
	« ۱۳۰۹	–	-۵/۷۴	–	-۲/۷۷	۱۱/۰۹	۱۰/۷۴	۶۶/۶۷	۱۲/۵۳	-۱۸/۷۵
	« ۱۳۱۰	–	۰/۵۵	-۰/۸۲	-۳/۳۲	۹/۱۰	-۲۵/۰۰		۱۵/۶۳	۶/۲۷
	« ۱۳۱۱	۲/۳۳	۲۰/۴۵	-۵/۷۰	۹/۱۹	۱۲۰/۵۵	۱۱۰/۶۶		۲۴/۳۲	۲۹/۱۱
	« ۱۳۱۲	۰/۱۵	-۱۴/۹۱	-۴/۴۹	۲۳/۹۶	-۳۹/۸۳	۲۹/۰۱		۲۰/۲۵	۵۶۱/۱۶
	« ۱۳۱۳	۰/۴۷	۲۴/۴۵	۱/۵۱	۷/۶۵	۱۰/۰۱	۱۲/۳۵		۱۱/۵۵	-۳/۰۷
	« ۱۳۱۴	–	-۱۰/۸۰	۰/۷۳	۱۴/۱۸	-۰/۴۶	۱۵/۷۳		۱۰/۱۳	-۲/۷۹
	« ۱۳۱۵	۱۰۰	۳/۳۳	-۰/۰۸	۳۸/۰۰	۱/۴۰	۸/۵۴		۳/۸۶	۱۳/۳۴
	« ۱۳۱۶	-۳۹/۹۲	۲۹/۸۳	۳۷/۶۷	۲۲/۳۱	–	-۲۰/۹۴		۱۵/۵۷	۷/۸۹
	« ۱۳۱۷	۱/۴۷	-۲/۱۳	۳/۰۰	۳۳/۴۱	۱۸/۵۷	۱۵/۱۳		۳۴/۸۲	۳۵/۰۷
	« ۱۳۱۸	–	۱۳/۴۴	-۰/۹۰	۸/۸۴	۱۴/۷۹	-۳/۸۴		۳۰/۳۷	۴۳/۶۳
	« ۱۳۱۹	۰/۲۸	-۱۰/۷۳	۴/۸۴	-۱۶/۶۲	۲/۲۶	۱۹/۹۲		۱۰/۲۳	۴۷/۵۵
	« ۱۳۲۰	۳/۳۵	۲۲/۹۹	۲۷۶/۲۸	۴۷/۴۸	۴/۶۶	-۷/۶۹		۳/۰۹	۷۵/۸۶
عصر سوم مشروطیت	« ۱۳۲۱	۲۲/۲۹	۳۳/۱۵	-۱۲/۹۸	۴۳/۰۹	۱۳۱/۴۴	۱۹/۴۵	-	۲۰/۷۷	۱۰/۰۲
	« ۱۳۲۲	۵۰/۰۴	۵۹/۰۰	۳۵/۸۵	-۹/۶۵	۱۵۵/۳۹	۲۱/۹۹	-۵۱/۷۲	-	-۸/۳۹
	« ۱۳۲۳	-	-	-	-۰/۰۶	-	-	-	-	
	« ۱۳۲۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-
	« ۱۳۲۵	-	-	-	-	-	-	-۲۸/۵۷	-	-
	« ۱۳۲۶	-	۴۳/۴۸	-	-	-	-	-	-	-

«جدول شماره ۲۲ ـ متوسط بودجه و ٔایف بخش امور عمومی کشور در طی سالهای «۱۳۲۷ ـ ۱۲۹۹ شمسی»

	اعصار تاریخی مشروطیت	عصراول مشروطیت			عصر دوم مشروطیت			عصر سوم مشروطیت			در مجموع سالهای (۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷)		
	شرح وظایف	فراوانی	نسبت به کل امور عمومی	نسبت به کل بودجه	فراوانی	نسبت به‌بودجه امور عمومی	نسبت به‌بودجه کل کشور	فراوانی	نسبت به‌بودجه امور عمومی	نسبت به بودجه کل	فراوانی	نسبت به‌بودجه امور عمومی	نسبت به بودجه کل کشور
۱	اداره عالیه کشور	۶۰۰۶	۶/۹۴	۲/۶۱	۵۵۵۶	۲/۲۹	۰/۳	۹۶۷۳	۱/۰۰	۰/۲۹	۶۵۳۵	۱/۷۷	۰/۳۶
۲	وضع قوانین	۸۹۳۹	۱۰/۳۳	۳/۸۸	۸۱۹۰	۳/۳۷	۰/۴۵	۲۶۲۷۶	۲/۷۲	۰/۷۸	۱۲۲۲۶	۳/۳۱	۰/۶۸
۳	رهبری قوه مجریه	۱۳۶۸	۱/۵۸	۰/۵۹	۳۲۱۵	۱/۳۳	۰/۱۸	۱۲۹۲۱	۱/۳۴	۰/۳۸	۴۸۹۹	۲/۶۵	۰/۲۷
۴	ادارهٔ امور داخلی کشور	۲۲۶۰۷	۲۶/۱۳	۹/۸۲	۱۵۶۳۲	۶/۴۵	۰/۸۶	۵۲۴۵۵	۵/۴۶	۱/۵۶	۲۷۱۶۱	۷/۳۶	۱/۵۰
۵	حفظ نظم و امنیت داخلی	۹۳۰	۱/۰۷	۰/۲۰	۵۱۱۷۶	۲۱/۱۰	۲/۸۱	۴۳۶۰۳۸	۴۵/۰۹	۱۲/۹۴	۱۲۲۸۷۹	۳۳/۲۸	۶/۷۹
۶	ادارهٔ روابط خارجی و بین‌المللی	۷۵۰۱	۸/۶۷	۳/۲۶	۲۱۳۱۵	۸/۷۹	۱/۱۷	۴۰۵۴۱	۴/۱۹	۱/۲۰	۲۲۴۷۵	۶/۰۹	۱/۲۴
۷	ادارهٔ امور ارتباط جمعی	—	—	—	۶۶	۰/۰۳		۳۷۹۱	۰/۳۹	۰/۱۱	۸۵۰	۰/۲۳	۰/۰۵
۸	ادارهٔ امور قضایی‌کشور	۵۴۷۷	۶/۳۳	۲/۳۸	۲۹۸۹۴	۱۲/۳۳	۱/۶۴	۹۵۸۴۲	۹/۹۱	۲/۸۴	۳۸۷۹۳	۱۰/۵۱	۲/۱۴
۹	ادارهٔ امور مالی و گمرکی کشور	۳۳۷۰۸	۳۸/۹۵	۱۴/۶۴	۱۰۷۳۸۱	۴۴/۳۰	۵/۹۰	۲۷۹۵۱۹	۲۸/۹۰	۸/۳۰	۱۲۸۴۸۱	۳۴/۸۰	۷/۱۰

جدول شماره ۲۴ـ بودجه هر یک از وظایف مربوط به امور عمومی نسبت به بودجه کل کشور
در طی سالهای ۱۳۴۳ ـ ۱۳۲۷

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ — میزان اعتبار / سال شمسی	وظیفه‌اول ادارهٔ عالیه کشور	وظیفه‌دوم وضع قوانین	وظیفه‌سوم رهبری قوه مجریه	وظیفه‌چهارم ادارهٔ داخلی کشور	وظیفه پنجم حفظ نظم و امنیت داخلی کشور	وظیفه‌ششم ادارهٔ روابط خارجی و بین‌المللی	وظیفه‌هفتم ادارهٔ امور ارتباط جمعی	وظیفه هشتم ادارهٔ امور قضایی‌کشور	وظیفه نهم ادارهٔامورمالی وگمرکی‌کشور کشور	جمع بودجه‌امور عمومی
		٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر سوم مشروطیت	" ۱۳۲۷	۰/۲۶	۱/۲۵	۰/۴۱	۴/۱۰	۱۲/۲۷	۱/۶۴	۰/۰۹	۲/۵۰	۷/۹۰	۳۰/۴۲
	" ۱۳۲۸	۰/۴۲	۰/۶۸	۸/۵۲	۴/۱۵	۵/۵۳	۱/۰۳	۰/۱۲	۲/۲۸	۵/۶۶	۲۸/۳۹
	" ۱۳۲۹	۰/۴۲	۰/۵۷	۸/۳۷	۴/۶۰	۵/۴۳	۱/۰۱	۰/۱۲	۲/۲۴	۵/۵۶	۲۸/۳۲
	" ۱۳۳۰	۰/۴۲	۰/۸۰	۸/۴۷	۴/۶۵	۵/۴۹	۱/۰۲	۰/۱۲	۲/۲۶	۵/۶۲	۲۸/۸۵
	" ۱۳۳۱	۰/۴۱	۰/۵۲	۸/۳۳	۴/۵۷	۵/۴۰	۱/۰۱	۰/۱۲	۲/۲۲	۵/۵۳	۲۸/۱۲
	" ۱۳۳۲	۰/۳۶	۰/۴۳	۰/۱۷	۲/۱۱	۱۰/۳۹	۰/۸۴	۰/۱۲	۲/۸۲	۵/۳۱	۲۲/۵۵
	" ۱۳۳۳	۰/۴۳	۰/۵۴	۸/۵۸	۴/۷۵	۵/۵۶	۱/۰۴	۰/۱۲	۲/۲۹	۵/۶۹	۲۹/۰۰
	" ۱۳۳۴	۰/۳۹	۰/۶۶	۰/۳۹	۲/۹۷	۱۰/۵۷	۲/۱۹	۰/۱۲	۳/۹۱	۵/۴۲	۲۶/۶۲
	" ۱۳۳۵	۰/۳۰	۱/۱۶	۰/۴۷	۲/۳۳	۱۰/۳۲	۳/۶۷	۰/۱۴	۳/۵۵	۴/۵۳	۲۶/۵۶
	" ۱۳۳۶	۰/۴۶	۱/۴۲	۰/۶۳	۲/۲۷	۱۰/۵۲	۲/۴۷	۰/۱۷	۳/۳۲	۴/۸۷	۲۶/۱۸
	" ۱۳۳۷	۰/۱۵	۰/۲۲	۲۸/۷۹	۰/۸۹	۴/۹۳	۰/۸۳	۰/۰۹	۱/۲۵	۲/۶۵	۳۹/۸۰
	" ۱۳۳۸	۰/۲۰	۰/۲۵	۲۱/۷۸	۰/۸۲	۵/۳۱	۰/۹۰	۰/۲۲	۱/۲۹	۳/۱۸	۳۳/۹۵
	" ۱۳۳۹	۰/۲۳	۰/۴۸	۳۳/۳۸	۰/۷۳	۴/۹۱	۰/۷۷	۰/۲۴	۱/۲۴	۲/۷۶	۳۳/۷۴
	" ۱۳۴۰	۰/۲۲	۰/۲۲	۲۳/۴۷	۰/۹۴	۴/۱۳	۰/۶۸	۰/۲۰	۱/۳۴	۲/۲۸	۳۳/۴۸
	" ۱۳۴۱	۰/۱۹	۰/۱۴	۱۸/۱۳	۲/۵۵	۴/۳۲	۰/۶۳	۰/۲۰	۱/۲۲	۱/۹۶	۲۹/۳۴
	" ۱۳۴۲	۰/۳۳	۰/۴۱	۰/۹۲	۱/۱۶	۷/۴۶	۰/۹۴	۰/۳۵	۲/۶۲	۳/۱۴	۱۷/۳۴

«جدول شماره ۲۵ـ وضع رشد سالانه بودجه هر یک از وظایف مربوط به امور عمومی کشور در طول سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳

شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول اداره عالیه کشور	وظیفه‌دوم وضع قوانین	وظیفه‌سوم رهبری قوه مجریه	وظیفه‌چهارم ادارهٔ داخلی کشور	وظیفه‌پنجم حفظ نظم و امنیت داخلی	وظیفه‌ششم ادارهٔ روابط خارجی و کشور	وظیفه‌هفتم ادارهٔ امور ارتباط جمعی و بین‌المللی	وظیفه هشتم ادارهٔ امور قضایی کشور	وظیفه نهم ادارهٔ امور مالی و گمرکی	
میزان اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
سال ۱۳۲۷	—	۳۲/۹۰	—	۱۶۱/۴۵	—	۳۷/۱۸	۴۰/۰۰	—	۱۳/۴۱	
« ۱۳۲۸	۳۵۹/۱۷	۵۳/۰۸	۵۶۸۸/۷۱	۱۸۴/۸۹	۲۶/۶۸	۷۶/۷۹	۲۹۴/۰۶	۱۵۶/۵۳	۱۰۱/۳۸	
« ۱۳۲۹	—	-۱۵/۶۵	۱۲/۷۹	—	—	—	—			
« ۱۳۳۰	—	۳۹/۳۴	—	—	—	—	—			
« ۱۳۳۱	—	-۳۳/۰۷	—	—	—	—	—			
« ۱۳۳۲	-۳/۵۶	-۹/۸۵	-۹۷/۷۲	-۴۹/۵۰	۱۱۰/۴۶	-۸/۳۸	۱۰/۴۷	۳۸/۶۸	۵/۰۳	
« ۱۳۳۳	۳/۶۹	۱۰/۹۳	۴۲۸۹/۷۳	۹۹/۹۴	۲/۴۸	۹/۱۴	-۹/۴۸	-۲۷/۸۹	-۴/۷۹	
« ۱۳۳۴	۲۲/۰۶	۶۳/۸۲	۹۳/۹۵	-۱۶/۱۷	۱۵۵/۳۱	۱۸۳/۸۲	۲۶۰/۴۳	۱۲۹/۱۵	۲۷/۹۲	
« ۱۳۳۵	۴/۸۵	۱۳۵/۴۸	۶۱/۸۷	۹/۵۲	۳۰/۵۹	۱۲۴/۲۲	۵۴/۸۴	۲۱/۶۰	۱۱/۸۷	
« ۱۳۳۶	۶۶/۲۹	۳۵/۹۱	۴۸/۵۷	۳/۵۵	۱۲/۹۷	-۲۵/۴۴	۴۰/۳۷	۳/۳۶	۱۸/۹۹	
« ۱۳۳۷	—	-۵۳/۷۵	۱۳۵۱۱/۲۸	۱۵/۷۲	۳۸/۸۷	-۰/۷۳	۵۲/۷۷	۱۱/۶۶	۶۱/۱۳	
« ۱۳۳۸	۲۹/۴۰	۱۴/۳۷	-۲۴/۳۰	-۶/۹۸	۷/۷۵	۹/۳۴	۱۴۸/۱۰	۳/۴۵	۲۰/۳۸	
« ۱۳۳۹	—	۱۴۱/۲۵	۳۰/۹۳	۱۲/۵۳	۱۷/۷۷	۹/۳۲	۳۹/۹۲	۲۲/۶۱	۱۰/۵۶	
« ۱۳۴۰	۵/۲۶	-۴۹/۳۰	۱۶/۶۷	۴۳/۷۲	-۶/۳۳	-۲/۵۹	-۸/۲۱	۱۹/۷۱	-۸/۱۶	
« ۱۳۴۱	-۱۴/۶۸	-۳۵/۲۲	-۲۴/۴۹	۱۶۵/۴۴	۲/۲۲	-۸/۹۶	—	-۱۱/۰۸	-۱۶/۰۶	
« ۱۳۴۲	۱۱/۶۳	۸۱/۲۷	-۹۶/۷۵	-۷۰/۸۴	۱۰/۵۰	-۴/۸۶	۱۰/۵۷	۳۸/۶۰	۲/۶۷	

«جدول شماره ۲۶ ـ متوسط بودجهٔ هر یک از وظایف بخش امور عمومی کشور
نسبت به کل امور عمومی و نسبت به بودجهٔ کل کشور در سالهای
(۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳)

	نوع وظایف شرح وظایف	امور عمومی کشور فراوانی		
			نسبت‌به‌امورعمومی ٪	نسبت بکل بودجه ٪
۱	اداره عالیه کشور	۹۳۴۵۱	۰/۸۵	۰/۲۶
۲	وضع قوانین	۱۴۸۳۷۶	۱/۲۳	۰/۴۲
۳	رهبری قوه مجریه	۵۸۹۹۳۳۵	۵۳/۳۷	۱۶/۳۴
۴	ادارهٔ داخلی کشور	۶۲۲۸۶۷	۵/۵۷	۱/۷۱
۵	حفظ نظم و امنیت داخلی	۲۰۹۹۵۵۲	۱۸/۷۸	۵/۷۵
۶	ادارها روابط خارجی و بین‌المللی	۳۶۵۹۱۲	۳/۲۷	۱/۰۰
۷	ادارهٔ امور ارتباط جمعی	۷۱۵۳۶	۰/۶۴	۰/۲۰
۸	ادارهٔ امور قضایی	۶۴۲۲۹۴	۵/۷۵	۱/۷۶
۹	اداره امور مالی و گمرکی	۱۱۵۴۹۴۶	۱۰/۴۴	۳/۲۰
	جمع متوسط امور عمومی	۱۱۱۷۸۱۹۷	۱۰۰	۳۰/۸۹

«جدول شماره ۲۸ـ ترکیب توزیع اعتبار وظایف مربوط به بخش امور عمومی نسبت به کل بودجه در سالهای (۱۳۵۷ تا ۱۳۴۳ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ		وظیفه‌اول اداره عالیه کشور	وظیفه‌دوم وضع قوانین	وظیفه‌سوم رهبری قوه مجریه	وظیفه‌چهارم ادارهٔ داخلی کشور	وظیفه‌پنجم حفظ نظم و امنیت داخلی	وظیفه‌ششم ادارهٔ روابط خارجی و بین‌المللی	وظیفه‌هفتم ادارهٔ امور ارتباط جمعی	وظیفه هشتم ادارهٔ امور قضایی	وظیفه نهم ادارهٔ امور مالی و گمرکی	جمع
	سال شمسی		٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۴۳	۰/۲۴	۰/۱۹	۰/۶۰	۰/۷۱	۳/۸۳	۰/۴۲	۰/۱۷	۱/۱۴	۱/۵۹	۸/۸۹
	"	۱۳۴۴	۰/۱۶	۰/۱۵	۰/۷۹	۰/۴۵	۲/۹۲	۰/۳۱	۰/۱۳	۰/۸۳	۱/۳۸	۷/۱۲
	"	۱۳۴۵	۰/۴۲	۰/۱۸	۱/۰۵	۰/۵۷	۳/۸۲	۰/۴۲	۰/۲۳	۰/۹۳	۱/۸۲	۹/۴۴
	"	۱۳۴۶	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۸۳	۰/۴۵	۲/۹۹	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۶۷	۱/۷۵	۷/۵۰
	"	۱۳۴۷	۰/۱۰	۰/۱۱	۰/۷۲	۰/۲۶	۲/۷۳	۰/۳۲	۰/۳۰	۱/۰۱	۰/۸۲	۶/۳۷
	"	۱۳۴۸	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۸۳	۰/۲۶	۲/۴۹	۰/۳۲	۰/۴۵	۰/۸۸	۰/۷۷	۶/۲۳
	"	۱۳۴۹	۰/۱۶	۰/۱۰	۰/۶۱	۰/۲۳	۲/۳۶	۰/۲۸	۰/۶۰	۰/۷۶	۰/۷۲	۵/۸۲
	"	۱۳۵۰	۰/۲۲	۰/۱۲	۰/۷۴	۰/۲۷	۲/۸۳	۰/۴۲	۰/۷۵	۰/۸۹	۰/۸۱	۷/۰۵
	"	۱۳۵۱	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۷۵	۰/۲۶	۲/۸۰	۰/۴۲	۰/۵۸	۰/۷۴	۰/۷۴	۶/۵۴
	"	۱۳۵۲	۰/۱۵	۰/۱۰	۰/۹۹	۳/۸۹	۲/۵۶	۰/۴۱	۰/۷۸	۰/۵۶	۰/۴۷	۹/۹۲
	"	۱۳۵۳	۰/۱۴	۰/۰۸	۰/۸۴	۳/۰۴	۲/۱۳	۰/۲۹	۰/۶۷	۰/۴۲	۰/۵۸	۸/۱۹
	"	۱۳۵۴	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۷۳	۳/۴۳	۱/۷۷	۰/۱۹	۰/۶۵	۰/۳۰	۰/۳۸	۷/۵۸
	"	۱۳۵۵	۰/۱۰	۰/۰۴	۰/۶۶	۴/۳۹	۱/۸۲	۰/۱۹	۰/۶۸	۰/۲۵	۰/۳۵	۸/۴۸
	"	۱۳۵۶	۰/۰۹	۰/۰۳	۰/۵۸	۱/۷۶	۱/۶۰	۰/۱۷	۰/۸۲	۰/۲۵	۰/۳۶	۵/۶۷

«جدول شماره ۲۹ـ نمودار رشد سالانه بودجه وظایف مربوط به بخش امور عمومی در سالهای «۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷»

اعصار تاریخی مشروطیت		شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول اداره عالیه کشور	وظیفه‌دوم وضع قوانین	وظیفه‌سوم رهبری قوه مجریه	وظیفه‌چهارم ادارهٔ امور داخلی کشور	وظیفه‌پنجم حفظ نظم و امنیت داخلی	وظیفه‌ششم ادارهٔ روابط خارجی و و بین‌المللی	وظیفه‌هفتم ادارهٔ امور ارتباط جمعی	وظیفه هشتم ادارهٔ امور قضایی کشور	وظیفه نهم ادارهٔ امورمالی وگمرکی‌کشور
		میزان اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۴۳	۷۹/۹۵	۱۴/۴۹	۶۱/۸۲	-۱۴/۵۴	۲۸/۲۵	۱۰۶/۶۸	۲۱/۰۹	۸/۵۶	۲۴/۴۲
	"	۱۳۴۴	-۴/۸۳	۱۵/۷۳	۹۰/۳۵	۶۳/۱۷	۹/۵۴	۲/۹۹	۷/۰۴	۳/۵۲	۲۴/۹۷
	"	۱۳۴۵	۱۴۷/۶۵	۷/۵۵	۳۶/۹۶	۱۵/۷۰	۲۱/۰۹	۲۹/۵۱	۶۶/۵۱	۴/۱۱	۲۲/۰۰
	"	۱۳۴۶	-۶۱/۶۳	-۲/۹۱	-۴۱/۱۶	۱۱/۵۱	۱۰/۶۶	۲/۱۷	۷۴/۸۸	۲/۳۱	۳۵/۴۹
	"	۱۳۴۷	-۸/۸۳	۱۸/۰۶	۹۰/۶۲	-۲۳/۶۱	۱۷/۹۸	۳۹/۰۱	۳۴/۵۲	۹۴/۳۲	-۳۹/۹۳
	"	۱۳۴۸	۴۱/۰۳	۱۴/۷۳	۳۶/۹۱	۱۶/۹۶	۷/۷۳	۲۰/۸۹	۷۹/۷۴	۳/۱۵	۱۱/۴۳
	"	۱۳۴۹	۵۹/۳۰	۱۱/۷۳	-۱۴/۰۷	۳/۶۳	۱۰/۹۰	۰/۴۶	۵۷/۳۸	۱/۷۱	۸/۲۹
	"	۱۳۵۰	۳۵/۵۳	۸/۱۴	۱۵/۳۴	۱۰/۷۶	۱۳/۹۶	۴۱/۹۱	۱۸/۲۶	۹/۹۹	۹/۱۵
	"	۱۳۵۱	-۲۷/۶۲	۲۲/۷۵	۲۲/۲۹	۱۵/۱۳	۱۹/۷۸	۲۱/۹۴	-۵/۹۲	۰/۶۸	۱۰/۵۳
	"	۱۳۵۲	۳۲/۷۸	۳/۱۸	۶۱/۷۶	۱۷۵۳/۹۳	۱۲/۲۱	۲۱/۱۱	۶۴/۶۱	۷/۳۶	-۱۵/۵۹
	"	۱۳۵۳	۵۱/۶۴	۲۴/۸۲	۳۲/۹۹	۲۳/۰۲	۳۰/۸۱	۱۲/۰۴	۳۴/۸۶	۱۹/۴۱	۷۹/۹۳
	"	۱۳۵۴	۳۱/۲۱	۱۵/۲۹	۸۷/۳۸	۱۴۱/۲۴	۷۸/۷۶	۳۷/۳۶	۱۱۰/۲۲	۵۱/۵۶	۳۸/۴۹
	"	۱۳۵۵	۵۱/۴۸	۷/۶۵	۱۵/۲۹	۶۳/۰۵	۳۰/۷۴	۲۶/۵۳	۳۱/۶۹	۶/۷۲	۱۷/۳۸
	"	۱۳۵۶	۱/۹۷	۱۴/۶۹	۴/۹۵	-۵۲/۰۶	۴/۶۹	۱۱/۰۶	۵/۶۳	۱۸/۱۱	۲۳/۸۴

«جدول شماره ۳۰ ـ متوسط مربوط به وظایف امور عمومی کشور در طی «سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷»

	شرح وظایف	متوسط وظایف	متوسط هر وظیفه به کل امور عمومی	متوسط هر وظیفه به بودجه کل کشور
۱	ادارهٔ عالیه کشور	۱۱۲۲۰۶۵	۱/۵۸	۰/۱۲
۲	وضع قوانین	۶۱۱۲۲۵۰	۰/۸۶	۰/۰۶
۳	رهبری قوه مجریه	۶۸۵۵۱۲۰	۹/۶۸	۰/۷۰
۴	ادارهٔ داخلی کشور	۲۴۲۳۲۲۹۱	۳۴/۲۳	۲/۴۸
۵	حفظ نظم وامنیت عمومی‌کشور	۱۹۸۹۰۷۱۰	۲۸/۰۹	۲/۰۴
۶	ادارهٔ روابط خارجی و بین‌المللی	۲۳۴۹۸۷۱	۳/۳۳	۰/۲۴
۷	ادارهٔ امور ارتباط جمعی	۶۵۰۲۹۲۴	۹/۱۸	۰/۶۷
۸	ادارهٔ امور قضایی کشور	۴۱۰۱۹۴۶	۵/۷۹	۰/۴۲
۹	ادارهٔ امور مالی وگمرکی کشور	۵۱۴۴۲۱۱	۷/۲۶	۰/۵۳
	متوسط بودجه امور عمومی	۷۰۸۱۰۳۶۳	۱۰۰	۷/۲۶

بخش امور دفاعی

۱ـ اعتبار وظیفه دفاع ملی کشور

حفظ استقلال و امنیت کشور، و تقویت بنیه دفاعی در طول تاریخ ازجمله اهم برنامه عملیات دولتها محسوب می‌شود، و برای تحقق این هدف اساسی، اعتبارات قابل توجهی در طول تاریخ، مشروطیت و در هر سه دوره تقسیمات بودجه‌نویسی به‌استناد آمار جداول ما تخصیص داده شده است.

در سالهای نخستین تقسیم‌بندی ما از بودجه کل کشور (۱۳۲۱-۱۲۹۹) و در مجموع سه عصر مشروطیت اعتباراتی که به‌منظور تقویت نیروی‌های مسلح و افزایش کارآیی و بنیه این وظیفه منظور گردیده است و درواقع بالاترین سهم از متوسط هزینه کل کشور را در طی ۲۸ سال با نسبت حدود ۲۱/۱۹ درصد بعد از اعتبار سهم امور اقتصادی به خود جذب کرده است.

ناگفته نماند، کیفیت اولویت وظایف در طول سالهای مورد بحث هم‌آهنگ نیست. بطوری‌که از جدول شماره ۱۰ استنباط می‌شود، دولتهای عصر اول مشروطیت (۱۳۰۵-۱۲۹۹) در تدوین لایحه بودجه با تخصیص اعتبار قابل توجهی برای بخش امور دفاعی (با نسبت ۴۰ درصد متوسط بودجه کل این سالها) اولویت قایل شده و از اهم وظایف خود به‌حساب آورده‌اند.

درحالی‌که در دوران سلطنت پهلوی اول، و سالهای اولیه حکومت پهلوی دوم، بودجه برای اجرای این وظیفه نسبت به عصر سلطنت خاندان قاجار، کاهش یافته و از ۳۹/۸۴ درصد عصر اول مشروطیت به ۱۴/۵۲ درصد به عصر دوم مشروطیت (متوسط اعتبار مالی سالهای ۱۳۲۱-۱۳۰۵) می‌رسد. تا اینکه عوامل سیاسی چند که ازپیش اشاره شد، موجب گردید، دولتهای عصر سوم مشروطیت، برای افزایش بنیه دفاعی کشور اعتباری بیش از سالهای گذشته منظور دارند.

یافته‌های جدول شماره ۱۰ـ روشنگر این نکته است که هزینه پیش‌بینی‌شده بخش مذکور از ۱۴/۵۲ درصد زمان حکومت رضاشاه به ۲۹/۵۲ درصد، متوسط بودجه کل سالهای ۲۷-۱۳۲۱ افزایش پیدا کرده است.

در دوران دوم تقسیمات تاریخی بودجه، که سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳ شمسی را

دربر می‌گیرد، برای تقویت بنیه دفاعی کشور سهمی از بودجه کل درنظر گرفته شده است که معادل ۱۶/۰۵ درصد متوسط بودجه کل این سالها می‌باشد و در مقام مقایسه با دورهٔ اول تاریخ تنظیم بودجه، میزان اعتبار کاهش را نشان می‌دهد و درواقع مقام سوم از اکثریت را در میان بخشهای چهارگانه شامل می‌گردد. (به‌موجب جدول شماره ۱۴)

تجزیه و تحلیل بودجه برنامه‌ای در سالهای ۱۳۵۷-۱۳۴۳، سیاست دفاعی دولت به‌موجب برنامه‌ریزی، مبتنی بر افزایش مهارتها و تخصص و تقویت هرچه بیشتر بخش دفاعی بوده است. و با استناد به آمار جدول شماره ۱۸، اعتباری که از بودجه کل کشور برای این بخش منظور گردیده نسبت به دو دوره دیگر بودجه‌نویسی با افزایش روبرو بوده است. بطوری‌که حدود $\frac{۱}{۴}$ متوسط بودجه عمومی این دوره را شامل می‌گردد، و درواقع معادل ۱۷/۶۲ درصد متوسط بودجه کل کشور در طی سالهای مذکور بوده است. و در بین بخشهای چهارگانه وظایف اصلی، بعد از هزینه بخش امور اقتصادی بیشترین سهم هزینه را از بودجه کل کشور خاص خود گردانیده است.[۶]

اعتبارات وظایف فرعی بخش امور اجتماعی

در بحث از برنامه‌ها و اهداف دولتها در فصل پیشین اشاره شد، که دولتهای عصر مشروطیت، ضرورت توجه به سطح رفاه اجتماعی و بهبود زندگی مردم، در برنامه‌ریزی عملیات خود دریافته‌اند، بویژه در عصر سوم مشروطیت و دوران سوم از تقسیمات تاریخ بودجه (۱۳۵۷-۱۳۴۳)، بیش از دو عصر و دوران دیگر، گسترش همه‌جانبه امور اجتماعی مورد تأکید دولتها قرار گرفته است.

این مهم را از تجزیه و تحلیل بودجه کل کشور می‌توان استنباط کرد. آمار جداول بودجه تأیید سخن ما می‌باشد. و روشنگر این نکته است که در طول زمان مشروطیت به‌تدریج بر وسعت دایرهٔ مداخله دولت در خدمات و رفاه اجتماعی طبقات مختلف جامعه افزوده شده است.

۶ـ ناگفته نماند، آنچه درباب هزینه و مخارج امور دفاع ملی کشور آورده شد، کل هزینه‌های مربوط به تقویت بنیه دفاعی کشور نمی‌باشد، بلکه سهمی است که صرفاً از بودجه کل کشور برداشت می‌شده است.

با استناد به یافته‌های آماری ما، دولتها برای وظایف زیر، در تدوین و تنظیم لوایح بودجه کل کشور اعتباری تخصیص داده‌اند.

وظیفه اول آموزش و پرورش
وظیفه دوم فرهنگ و هنر
وظیفه سوم پرورش جوانان
وظیفه چهارم بهداشت و درمان
وظیفه پنجم امور نیروی کار و کارگری
وظیفه ششم تأمین رفاه و خدمات اجتماعی
وظیفه هفتم عمران و نوسازی شهر و روستاها
وظیفه هشتم تأمین مسکن

اشاره شد، که اعتبار هزینهٔ امور اجتماعی در طول مشروطیت از رشد برخوردار بوده و از۷/۲۱٪در دورهٔ اول تاریخ بودجه (۱۲۹۹-۱۳۲۱) به ۱۴/۲۶ درصد در دورهٔ دوم (۴۳-۱۳۲۷) و ۱۴/۱۵ درصد در دورهٔ سوم تاریخ بودجه رسیده است.

* * *

جدول شماره ۴۳- دربر گیرنده آمار اعتبار مربوط به وظایف فرعی بخش امور اجتماعی در دورهٔ اول تاریخ تنظیم بودجه کل کشور می‌باشد و حکایت از آن دارد، که دولتها با توجه به اهمیت خاصی که برای نقش آموزش و پرورش قایل بوده‌اند، بیشترین اعتبار از این بخش را در طول سالهای مشروطیت برای گسترش و بهبود فعالیتهای آموزشی در سطوح مختلف آن تخصیص داده‌اند.

بطوری که در دوره اول از تقسیمات تاریخی بودجه ما، سهم هزینه آموزش و پرورش از بخش امور اجتماعی ۷۰/۴۱ درصد می‌باشد که معادل ۵/۰۸ درصد متوسط کل بودجه این دوره را تشکیل می‌دهد. و درواقع از ۷/۲۲ درصد کل اعتبار امور اجتماعی، فقط ۲/۱۴ درصد به وظایف دیگر این بخش که عبارت از بهداشت و درمان، فرهنگ و هنر، عمران شهر و روستا، تأمین رفاه و خدمات اجتماعی توزیع شده است.

گفتنی است که در سالهای اولیه که ما از آن به عصر اول مشروطیت یاد کرده‌ایم نیز این تقدم و تأخر در تقسیم هزینه همچنان دیده می‌شود.

در عصر اول مشروطیت (سلطنت خاندان قاجار) هزینه آموزش و پرورش نسبت

به متوسط بودجه کل کشور ۲/۶۷ درصد و نسبت به بودجه بخش امور اجتماعی حدود ۹۱ درصد می‌باشد.

اعتبار ملحوظ برای درمان و بهداشت با ۸/۸ درصد متوسط بودجه بخش و ۰/۲۶ درصد متوسط بودجه کل کشور دوران مورد بحث را دربر می‌گیرد. و بالاخره فرهنگ و هنر با ۱/۳ درصد متوسط بودجه بخش که معادل ۰/۰۱ درصد متوسط بودجه کل دوره اول است می‌توان نام برد.

از ویژگیهای دوران دوم مشروطیت، مداخلهٔ دولت در پاره‌ای امور جدید در زمینهٔ خدمات اجتماعی و تأمین اعتبار در بودجه کل کشور به این امور می‌باشد. ازجمله عمران شهر و روستا با ۳/۳۵ درصد از متوسط سهم بودجه امور اجتماعی که معادل ۰/۱۶ درصد متوسط بودجه کل کشور دوره مورد پژوهش ما می‌باشد. از وظایف جدید دیگر، تأمین رفاه اجتماعی است که با ۲/۷۹ درصد از بودجه بخش و ۰/۱۳ درصد متوسط بودجه کل کشور را نشان می‌دهد که در جداول آماری بودجه منعکس می‌باشد (جدول شماره ۳۴)

اعتبار بودجه آموزش و پرورش در عصر سلطنت رضاشاه همچنان بیشترین درصد بودجه بخش را دربر می‌گیرد (با ۶۴/۷۸ درصد متوسط بودجه بخش یا ۳/۰۶ درصد متوسط بودجه کل دوره مورد بحث).

سهم هزینه خدمات بهداشت و درمان طی این دوره نسبت به عصر اول مشروطیت افزایش یافته و حدود ۲۹ درصد بودجه بخش یا ۱/۳۶ درصد متوسط بودجه کل دوره دوم مشروطیت را تشکیل می‌دهد.

در شش سال اول سلطنت محمدرضاشاه، با عنوان عصر سوم مشروطیت، به‌موجب داده‌های آماری جدول شماره ۳۴، آموزش و پرورش در جمع وظایف فرعی، بخش امور اجتماعی، بالاترین نسبت را با ۷۳/۵۲ درصد به خود اختصاص داده است، که معادل ۸/۱۴ درصد متوسط بودجه کل عصر می‌باشد.

در زمینهٔ خدمات درمانی و بهداشت طی سالهای مورد بحث، از محل اعتبارات بخش امور اجتماعی ۲۵/۳۴ درصد که معادل ۲/۸۱ درصد متوسط بودجه کل باشد، دولت هزینه لازم را ملحوظ داشته است.

درواقع چنین نتیجه می‌توان گرفت، که ۹۸/۸۶ درصد اعتبار بخش امور

اجتماعی در سالهای ۲۷-۱۳۲۱ به دو وظیفه آموزش و پرورش و بهداشت و درمان اختصاص یافته است. و سهم هزینهٔ عمران شهر و روستا، رفاه و خدمات اجتماعی در مجموع ۱/۱۴ درصد متوسط بودجه بخش که معادل ۱۳/۰ درصد متوسط بودجه کل می‌باشد و با کمترین درصد در جدول شماره ۳۴ دیده می‌شود.

برداشت ما از جداول شماره ۳۲ و ۳۳ مربوط به توزیع بودجه کل بین وظایف فرعی بخش امور اجتماعی در هر یک از سالهای مالی، و مربوط به سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹ می‌باشد. اینست که در سالهای عصر اول مشروطیت که مقارن سلطنت خاندان قاجار می‌باشد، سهم هزینه آموزش و پرورش با درصد قابل ملاحظه‌ای در لوایح بودجه منعکس می‌باشد. و در هر سال مالی بین حداقل ۱/۷ درصد در سال ۱۲۹۹ شمسی تا حداکثر بیش از ۳ درصد تا سال ۱۳۰۵ می‌رسد.

به‌موجب داده‌های جدول شماره ۳۳ مربوط به رشد سالانه اعتبار بخش امور اجتماعی دورهٔ نخست بودجه‌بندی، اعتبار برآوردشده برای آموزش و پرورش در هر سال از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده که معادل بین حداقل ۱۸/۴۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۲ نسبت به سال ۱۳۰۱) تا حداکثر ۷۲/۶۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۱ نسبت به سال ۱۳۰۰ شمسی) می‌باشد.

باید افزود که در عصر اول مشروطیت، تنها در سال ۱۳۰۳ دیده می‌شود که هزینه برآوردشده آموزش و پرورش نسبت به سال ۱۳۰۲ با کاهشی معادل ۹۷/۰۵ درصد روبرو بوده است.

در مورد وظیفه دیگر از وظایف بخش امور اجتماعی، یعنی بودجه خدمات درمانی و بهداشتی به‌موجب جداول مذکور در فوق، حداقل بودجه کل را در سالهای ۱۳۰۵-۱۲۹۹، (با نسبت بین ۲۳/۰ درصد تا ۵۹/۰ درصد) در هر سال مالی جذب کرده‌اند.

بررسی هزینهٔ برآوردشده آموزش و پرورش در هر یک از سالهای عصر دوم مشروطیت، با درصدی بین حداقل حدود ۷/۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۶) تا ۸/۳۱ درصد از بودجه کل کشور در نوسان بوده است که درصد قابل توجهی را نشان نمی‌دهد. با اینهمه از گفتن این نکته نباید دریغ کرد که در امر توزیع بودجه برآوردشده با استناد به جدول شماره ۳۳، اعتبار سهم آموزش و پرورش در هر سال مالی نسبت به سال قبل با

افزایش روبرو بوده است و میزان رشد سالانه در طی ١٦ سال سلطنت پهلوی اول را بین حداقل ٥/٩٣ (مربوط به سال ١٣١٦) تا حداکثر ٥١/٥٧ درصد (مربوط به سال ١٣٢٠) می‌توان مشاهده کرد.

و اما در مورد هزینه تعمیم خدمات بهداشتی و درمانی در طی سالهای دورهٔ دوم مشروطیت به‌استناد جدول شماره ٣٢ از اعتباری در حد بین حداقل ٠/٣٠ درصد (مربوط به سال ١٣١٦) تا ٣/٣٦ درصد بودجه کل کشور (مربوط به سال ١٣١٨) برخوردار بوده‌اند، که رشد سالانه آن را بین حداقل ٠/٨٤ درصد (مربوط به سال ١٣٠٩ نسبت به سال ١٣٠٨) تا ١٠١/٩١ و ١٥٧/٨٨ درصد که قابل بحث می‌باشد (مربوط به سالهای ١٣٠٥ و ١٣١٨) می‌توان یادآور شد.

در طی سالهای ٢٧-١٣٢١ که ما از آن به عصر سوم مشروطیت یاد می‌کنیم، در لوایح قانونی بودجه سهمی که دولتها در هر سال مالی برای وظیفه آموزش و پرورش تخصیص داده‌اند، بین حداقل ٥/٦٧ درصد (مربوط به سال ١٣٢١) تا حداکثر حدود ٩ درصد بودجه کل (مربوط به سال ١٣٢٤) در نوسان بوده است و به‌موجب یافته‌های جدول شماره ٣٣ مربوط به رشد سالانه وظایف فرعی مربوط به امور اجتماعی، از رشد سالانه‌ای این فصل با نسبت بین حداقل ٠/٤٩ درصد (مربوط به سال ١٣٢٦) تا ٤٣/٣٤ درصد (مربوط به ١٣٢٢) می‌توان ذکر کرد.

ناگفته نماند که هزینه پیش‌بینی‌شده این وظیفه در سال ١٣٢١ نسبت به سال ١٣٢٠ با کاهشی معادل ٥/٣٦ درصد روبرو بوده است.

در مورد اعتبار وظیفه تأمین بهداشت و خدمات درمانی، در طی سالهای ٢٧-١٣٢١، به‌موجب آمار جدول شماره ٣٢، از نسبت حداقل ١/٦٧ (مربوط به سال ١٣٢١) تا ٣/٢٦ درصد (مربوط به سال ١٣٢٦) می‌توان یاد کرد که درواقع از رشد سالانه‌ای بین حداقل ٢/٢٣ درصد (مربوط به سال ١٣٢٥) تا ٨١/٢٥ درصد (مربوط به سال ١٣٢٢) برخوردار بوده است. اضافه می‌کنیم، اعتبار سال ١٣٢١ نسبت به سال ١٣٢٠ با کاهشی معادل ٣٤/٥٢ درصد روبرو بوده است.

اعتبار وظایف فرعی امور اجتماعی در دومین دورهٔ تاریخ بودجه‌نویسی

و اما در دومین دوره از تقسیمات بودجه کل، مربوط به سالهای ٤٣-١٣٢٧

به‌موجب یافته‌های جدول شماره ۳۶ و ۳۸ مربوط به وظایف فرعی امور اجتماعی، متوجه کاهش سهم بودجه آموزش و پرورش، و بهداشت و خدمات درمانی در مقایسه با سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹ می‌شویم. ضمن این‌که جداول نشان از وظایف جدیدی در گروه وظایف بخش امور اجتماعی دارد. تحت عنوان: پرورش جوانان، توجه به نیروی بدنی و معنوی آنها، و امور نیروی کار و کارگری، و همچنین تأمین مسکن، که احتمالاً کاهش اعتبار دو وظیفه مذکور در فوق را توجیه می‌نماید.

توضیح آن‌که، تجزیه و تحلیل هزینه مربوط به وظایف فرعی بخش امور اجتماعی، ما را به این نتیجه می‌رساند که وظایف دولتها در طول تاریخ همچنانکه در فصول مربوط به مجموعه‌های پژوهشی وزارت و وزیران اشاره شده است گسترش می‌یابد به‌موازات آن، به‌منظور تحقق برنامه و هدفهای اساسی، در لوایح بودجه سالانه، تأمین اعتبار برای رفع نیازمندیهای جامعه ضرورت پیدا می‌کند.

آمار جدول شماره ۳۸، مربوط به متوسط بودجه وظایف بخش امور اجتماعی در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷ ـ ضمن این‌که منعکس‌کننده هزینه برای وظایف جدید در قالب این بخش می‌باشد. با اینهمه روشنگر این نکته است که سهم اعتبار آموزش و پرورش، و به‌دنبال آن بهداشت و خدمات درمانی جمعاً بیش از ۸۳ درصد اعتبار بخش را به خود اختصاص داده‌اند. (۷۸/۰۳ آموزش و پرورش و ۱۵/۱۰ درصد متوسط بودجه کل این سالها برای بهداشت و درمان)

از بررسی بودجه وظایف بخش امور اجتماعی در هر سال مالی به‌موجب جدول شماره ۳۶ـ چنین استنباط می‌شود که هزینه منظورشده برای فعالیت‌های آموزش و پرورش با نسبتهای بین حداقل ۷/۸ درصد تا ۲۱/۰۷ درصد در نوسان بوده است و بطوری‌که جدول شماره ۳۷ مربوط به رشد سالانه وظایف فرعی بخش امور اجتماعی در طی سالهای مورد بحث حکایت می‌کند، از رشدی معادل بین حداقل ۹/۹۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۸) تا حداکثر ۲۱۲/۱۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۸) برخوردار بوده است. یادآور می‌شویم که در سال ۱۳۳۳ اعتبار این وظیفه نسبت به سال ۱۳۳۲ کاهشی معادل ۳۵/۲۲ و نیز در سال ۱۳۴۲ با کاهشی معادل ۰/۴۴ درصد روبرو بوده است.

از اعتبار سالانه، وظیفه دولت در زمینه بهداشت و درمان در دوره دوم تقسیمات

بودجه کل کشور (۴۳-۱۳۲۷) بین حداقل ۱/۶۴ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۰) تا ۳/۸۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۶) می‌توان یاد کرد.

گفتنی است که دولتها در تخصیص هزینه سالانه، در دوره مورد بحث بر میزان اعتبار سهم خدمات بهداشتی و درمانی افزوده‌اند. بطوری که افزوده افزایش سالانه را به‌موجب جدول شماره ۳۷، بین حداقل ۲/۲۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۲) تا حداکثر ۱۱۴/۸۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۸) می‌توان ذکر کرد. جز اینکه باید یادآور شویم، در سال ۱۳۳۸، بودجه این وظیفه نسبت به سال ۱۳۳۷ از کاهشی معادل ۱/۳۷ درصد بی‌نصیب نبوده است.

تخصیص اعتبار به امور نیروی کار و کارگری در بخش وظایف امور اجتماعی، به‌موجب جدول شماره ۳۶- از کمترین سهم از بودجه کل کشور برخوردار بوده است و درواقع در طول سالهای ۴۳-۱۳۲۷، از نسبتی بین ۱۱/۰ درصد (مربوط به سال ۳۷) تا حداکثر ۲۷/۰ درصد (مربوط به سال ۳۶) تجاوز نمی‌کند.

و رشد سالانه آن به‌موجب جدول شماره ۳۷- در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷ شمسی، بین حداقل حدود ۲/۸۷ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۳) تا حداکثر ۵۶/۹۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۴) می‌رسد. از یادآوری کاهش هزینه مربوط به کار و کارگری در سال ۱۳۳۲ نسبت به سال قبل با درصدی معادل حدود ۲/۸ درصد نباید خودداری کرد.

از دیگر اعتبارات سالانه وظایف فرعی بخش امور اجتماعی در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷ همچون وظیفه فرهنگ و هنر (با حداقل درصد هزینه بین ۲۰/۰ درصد تا حداکثر ۴۶/۰ درصد بودجه کل)، پرورش جوانان (با حداقل نسبت ۰۸/۰ درصد تا حداکثر ۱۵/۰ درصد بودجه کل کشور) عمران شهر و روستاها (با حداقل ۰۹/۰ درصد تا ۶۷/۰ درصد بودجه کل کشور) و بالاخره تأمین رفاه و خدمات اجتماعی (با حداقل ۰۶/۰ درصد تا حداکثر ۸۴/۰ درصد بودجه کل کشور) می‌توان نام برد.

جدول شماره ۳۷، مربوط به رشد سالانه وظایف مذکور در فوق، افزوده هزینه این وظایف را در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷ به‌شرح زیر نشان می‌دهد.

۱- اعتبار وظیفه فرهنگ و هنر با رشد سالانه‌ای بین حداقل ۶/۱۸ درصد تا ۵۹/۵۸ درصد

۲- اعتبار وظیفه پرورش جوانان با رشد سالانه‌ای بین حداقل ۶/۱۰ درصد تا ۱۰۰ درصد

۳- اعتبار وظیفه عمران شهر و روستاها با رشد سالانه‌ای بین حداقل ۷۰/۱۷ درصد تا ۲۵۰ درصد

۴- اعتبار وظیفه تأمین رفاه و خدمات اجتماعی با رشد سالانه‌ای بین حداقل ۲/۸۷ درصد تا ۵۶/۹۵ درصد

اضافه کنیم، وظایف مذکور در فوق، در طول سالهای مورد بحث، بی‌نصیب از کاهش بودجه سالانه نبوده‌اند. چنانکه از جدول شماره ۳۷ استنباط می‌شود، هزینه فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۰ نسبت به سال ۱۳۳۹ با کاهشی معادل ۹/۵۵ درصد روبرو بوده است. و هزینهٔ پرورش جوانان نیز در سال ۱۳۴۱، کاهشی معادل ۱۰/۸۷ درصد در مقایسه با سال ۱۳۴۰ داشته است.

اعتبار وظایف فرعی بخش امور اجتماعی در سومین دوره تاریخ بودجه

تجزیه و تحلیل آمار مربوط به اعتبار وظایف فرعی بخش امور اجتماعی در طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳، روشنگر کاهش سهم هزینه برآوردشده آموزش و پرورش و بهداشت و خدمات درمانی در طی دوران مورد نظر می‌باشد که در مقایسه با بودجه پیش‌بینی‌شده سالهای بین ۴۳-۱۳۲۷ شمسی به این نتیجه می‌رسیم که از ۸۳/۱۳ درصد مجموع هزینه دو وظیفه در دورهٔ تاریخ بودجه‌نویسی به ۶۰//۶۲ درصد به دورهٔ بودجه برنامه‌ای می‌رسد، که معادل ۹/۰۸ درصد متوسط بودجه کل کشور در دوره مورد بحث ما را تشکیل می‌دهد.

درمقابل به‌موجب جدول شماره ۴۲ با افزوده اعتبارات وظایف جدید بخش امور اجتماعی به‌شرح ذیل مواجه هستیم.

هزینهٔ تأمین رفاه و خدمات اجتماعی، امور جوانان و تربیت بدنی، عمران شهرها و نوسازی روستاها، تأمین مسکن و امور کارگری که در دوره دوم تقسیمات سه‌گانه ما از بودجه، حدود ۷ درصد کل اعتبار بخش امور اجتماعی را دربر می‌گرفت که درواقع معادل ۱ درصد متوسط بودجه کل کشور در سالهای ۴۳-۱۳۲۷ بوده است، درحالی که در دوره سوم به ۳۹/۳۸ درصد متوسط بخش امور اجتماعی می‌رسد که درواقع سهمی

معادل ۳/۶۴ درصد متوسط بودجه کل کشور را به خود اختصاص داده است.

تجزیه و تحلیل آمار هر یک از وظایف جدید، روشنگر اجرای سیاست دولت در برنامه‌های عمرانی بویژه برای تأمین مسکن و همچنین ارایه خدمات رفاهی و اجتماعی برای طبقات مختلف مردم بوده است بطوری که از میان وظایف مربوط به این بخش هزینهٔ تأمین مسکن بعد از خدمات رفاهی (با نسبت ۱۴/۶۴ درصد که معادل ۲/۰۶ درصد متوسط بودجه کل) از افزایش چشمگیر برخوردار بوده است. (با نسبت ۱۳/۴۸ درصد متوسط هزینه بخش، که معادل ۱/۹۰ درصد متوسط بودجه کل).

یافته‌های جداول شماره ۴۰ و ۴۱ روشن می‌سازد که اعتبار تأمین مسکن در لایحه بودجه کل کشور در سال ۱۳۴۴ شمسی با نسبت ۰/۳۴ درصد کل بودجه، از رشد سالانه‌ای حدود ۱۵۲ درصد برخوردار بوده است. و فزونی اعتبار در سالهای ۴۹ (با نسبت ۰/۳۰ درصد) و ۱۳۵۱ (با نسبت ۰/۵۵ درصد) و ۱۳۵۲ (با نسبت ۲/۱۴ درصد) و ۱۳۵۴ (با نسبت ۲/۹۲ درصد) قابل بحث می‌باشد. بطوری که جدول شماره ۴۲ نشان می‌دهد، اعتبار درنظر گرفته‌شده در این سالها نسبت به سال ماقبل از رشدی به‌ترتیب معادل ۱۵۶/۷ درصد، و سال ۵۱، از افزایشی معادل ۶۲۳/۹۴ درصد، و فزونی اعتبار سال ۵۲ نسبت به سال ۵۱ معادل ۳۷۳/۰۲ درصد را نشان می‌دهد و سرانجام آن‌که سهم هزینه‌ای که دولت جهت احداث مسکن و کمکهای اعتباری برای این امر از طریق بانکهای مسئول اختصاص داده است از رشدی معادل ۲۰۸/۱۳ درصد در نسبت به سال ۱۳۵۳ برخوردار بوده است.

لازم است یادآور شویم در این دوره از تاریخ بودجه نویسی (بودجه برنامه‌ای) در پاره‌ای از سالها اعتبار تخصیص داده‌شده به مسکن نسبت به سال قبل کاسته شده است، ازجمله: در سال ۱۳۴۶ با هزینه‌ای در حد ۰/۲۲ درصد بودجه کل کشور نسبت به سال ۴۵، کاهشی معادل ۵۶/۰۴ درصد داشته است و نیز از سال ۱۳۴۷ (با تخصیص ۰/۱۳ درصد بودجه کل) با کاهش ۲۷/۸۲ درصد نسبت به سال ۴۶ و همچنین از سال ۱۳۵۰ (با نسبت ۰/۰۵ درصد هزینه از بودجه کل) کاهشی در سطح ۷۰/۷۱ درصد به‌موجب جداول آماری ما دیده می‌شود.

وظیفه تأمین رفاه و خدمات اجتماعی در سالهای ۵۷-۱۳۴۳، هرچند اعتبار اندک از بودجه کل کشور را با نسبتی بین حداقل ۰/۸۹ درصد بودجه کل کشور در

سال تا حداکثر ۲/۸۶ درصد را دریافت داشته‌اند، ولی با اینهمه در هر لایحه بودجه سالانه افزوده افزایشی بین حداقل ۸ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۹) تا حداکثر ۳۵۲/۰۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۳) داشته‌اند. گفتنی است که اعتبار هزینه این وظیفه در سال ۱۳٤٤ نسبت به سال ۱۳٤۳ از رشدی قابل بحث معادل ۲۱۳/۸۱ درصد برخوردار بوده است. باید افزود در بین سالهای مورد بحث، تنها دو سال ۱۳۵۰ و ۱۳۵۲ می‌باشد که هزینه رفاه و خدمات اجتماعی، با کاهشی اعتباری معادل ۳/٦۹ و ٦۳/۱۸ درصد مواجه بوده است.

از توجه به یافته‌های جداول شماره ٤۵ و ٤۱ مربوط به وظایف فرعی بخش امور اجتماعی، بویژه به ستون مربوط به فصل نیروی کار و کارگری، چنین برمی‌آید که در طول سالهای ۵۷-۱۳٤۳ (بودجه برنامه‌ای). جز در دو سال ۱۳٤۵ (با دریافت هزینه‌ای اندک با نسبت ۰/۱۳ درصد بودجه کل سالانه) و سال ۱۳٤٦ (با برآورد هزینه با نسبت ۰/۰۹ درصد بودجه کل کشور)، که با کاهش سهمیه‌ای معادل ۵/٦٤ درصد و ۰/٤٤ درصد به‌ترتیب روبرو بوده‌اند. در ۱۲ سال دیگر دوره مورد پژوهش، با افزایشی بین حداقل ۵ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۹ با دریافت اندک ۰/۰۷ درصد کل بودجه) تا حداکثر ۹٤/۵۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۵٤ با تخصیص ۱/٦۰ درصد بودجه کل کشور به این وظیفه) بهره‌مند بوده‌اند.

«جدول شماره ۳۲ـ کیفیت توزیع وظایف بودجه مربوط به امور اجتماعی نسبت به کل بودجه

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول آموزش و پرورش	وظیفه‌دوم فرهنگ‌وهنر	وظیفه‌سوم بهداشت و درمان	وظیفه‌چهارم عمران شهر و روستا	وظیفه‌پنجم تربیت بدنی	وظیفه‌ششم امور نیروی کار	وظیفه‌هفتم تأمین و رفاه اجتماعی	جمع امور اجتماعی
	نسبت اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر اول مشروطیت	سال ۱۲۹۹	۱/۶۶		–					۱/۶۶
	" ۱۳۰۰	۲/۰۱		۰/۴۳					۲/۴۴
	" ۱۳۰۱	۳/۱۷		–					۳/۱۷
	" ۱۳۰۲	۳/۰۴		–					۳/۰۴
	" ۱۳۰۳	۲/۸۷		۰/۵۹					۳/۴۶
	" ۱۳۰۴	۳/۱۰		۰/۵۴					۳/۶۴
عصر دوم مشروطیت	" ۱۳۰۵	۳/۵۵		۱/۰۸					۴/۶۳
	" ۱۳۰۶	۲/۷۳		۰/۶۷				۰/۸۳	۴/۲۳
	" ۱۳۰۷	۵/۴۴		۱/۳۳	۰/۳۶			–	۷/۱۳
	" ۱۳۰۸	۵/۹۵		۲/۰۵	۰/۲۹			۰/۱۴	۸/۴۳
	" ۱۳۰۹	۶/۳۰		۲/۰۴	۰/۳۸			–	۸/۶۲
	" ۱۳۱۰	۶/۲۴		۱/۶۵	۰/۲۶			۰/۱۴	۸/۲۹
	" ۱۳۱۱	۶/۶۴		۱/۳۶	۰/۸۷			۰/۰۱	۸/۸۸
	" ۱۳۱۲	۲/۹۰		۰/۷۵	۰/۰۸			۰/۰۴	۳/۷۷
	" ۱۳۱۳	۷/۴۵		۱/۸۰	۰/۲۱			۰/۰۸	۹/۵۴
	" ۱۳۱۴	۸/۳۱		۲/۴۸	۰/۲۸			۰/۰۸	۱۱/۱۵
	" ۱۳۱۵	۴/۶۲		۱/۴۵	۰/۱۲			۰/۰۳	۶/۲۲
	" ۱۳۱۶	۰/۶۸		۰/۳۰	۰/۰۳			۰/۰۴	۱/۰۵
	" ۱۳۱۷	۴/۷۱		۱/۹۷	۰/۱۷			۰/۰۳	۶/۸۸
	" ۱۳۱۸	۳/۲۲		۳/۳۶	۰/۱۱			۰/۲۸	۶/۹۷
	" ۱۳۱۹	۳/۸۰		۲/۰۱	۰/۰۹			۰/۳۵	۶/۲۵
	" ۱۳۲۰	۴/۲۶		۱/۹۲	۰/۵۳			۰/۲۶	۶/۹۷
عصر سوم مشروطیت	" ۱۳۲۱	۵/۶۷		۱/۷۶	۰/۰۱			۰/۱۲	۷/۵۶
	" ۱۳۲۲	۷/۶۵		۲/۹۹	۰/۰۴			۰/۰۷	۱۰/۷۵
	" ۱۳۲۳	۸/۱۰		۲/۹۴	۰/۰۴			۰/۰۷	۱۱/۱۵
	" ۱۳۲۴	۸/۸۹		۲/۸۷	۰/۰۴			۰/۰۷	۱۱/۸۷
	" ۱۳۲۵	۸/۸۲		۲/۹۰	۰/۰۴			۰/۰۷	۱۱/۸۳
	" ۱۳۲۶	۸/۵۸		۳/۲۶	۰/۰۴			۰/۰۷	۱۱/۹۵

«جدول شماره ۳۳ـ رشد سالانه هر یک از وظایف مربوط به امور اجتماعی در طول سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول آموزش و پرورش	وظیفه‌دوم فرهنگ‌وهنر	وظیفه‌سوم بهداشت و درمان	وظیفه‌چهارم عمران شهر و روستا	وظیفه‌پنجم تربیت بدنی	وظیفه‌ششم امور نیروی کار	وظیفه‌هفتم تأمین و رفاه اجتماعی	
	نسبت اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر اول مشروطیت	سال ۱۲۲۹	—							
	" ۱۳۰۰	۳/۳۶							
	" ۱۳۰۱	۷۲/۶۹							
	" ۱۳۰۲	۱۸/۴۵							
	" ۱۳۰۳	-۹۷/۰۵							
	" ۱۳۰۴	۱۷/۴۱							
عصر دوم مشروطیت	" ۱۳۰۵	۱۵/۹۲		۱۰۱/۹۱					
	" ۱۳۰۶	۳۰/۷۲		۵/۴۱					
	" ۱۳۰۷	۲۷/۲۶		۲۷/۰۱					
	" ۱۳۰۸	۳۸/۳۴		۹۴/۲۲					
	" ۱۳۰۹	۶/۹۸		۰/۸۴					
	" ۱۳۱۰	۶/۱۹		-۱۳/۴۵				—	
	" ۱۳۱۱	۴۹/۵۷		۱۶/۶۹				—	
	" ۱۳۱۲	۱۵/۲۱		۴۴/۷۰	۱۲/۰			۲/۳۱	
	" ۱۳۱۳	۱۳/۷۳		۵/۹۵	۱۷/۸۵			-۲/۲۶	
	" ۱۳۱۴	۱۸/۱۰		۷۵/۵۳	۳۷/۸۸			—	
	" ۱۳۱۵	۲۳/۴۴		۳۰/۰۱	—			—	
	" ۱۳۱۶	۵/۹۳		۴۷/۱۷	۶۴/۸۴			—	
	" ۱۳۱۷	۱۳/۹۹		۹/۰۹	—			—	
	" ۱۳۱۸	۳/۱۲		۱۵۷/۸۸	—			۴۲۵/۴۳	
	" ۱۳۱۹	۴۵/۲۴		-۲۶/۲۲	—			۵۴/۰۷	
	" ۱۳۲۰	۵۱/۵۷		۲۸/۴۵	۶۶۶/۶۷			—	
عصر سوم مشروطیت	" ۱۳۲۱	-۵/۳۶		-۳۴/۵۲	۸۶/۹۶			-۶۷/۵۶	
	" ۱۳۲۲	۴۳/۳۴		۸۱/۲۵	-۵۳/۸۷			-۳۵/۱۵	
	" ۱۳۲۳	۲۰/۰۹		—	—			—	
	" ۱۳۲۴	۱/۴۷		—	—			—	
	" ۱۳۲۵	—		۲/۲۳	—			—	
	" ۱۳۲۶	۰/۴۹		۱۵/۶۷	—			—	

«جدول شماره ۳۴ ـ متوسط بودجه وظایف بخش امور اجتماعی در هر یک از اعصار سه‌گانه مشروطیت
در طی سالهای «۱۲۹۹ شمسی تا ۱۳۲۷»

	اعصار مشروطیت	عصر اول مشروطیت			عصر دوم مشروطیت			عصر سوم مشروطیت			مجموع اعصار در سالهای (۱۲۹۹ تا ۱۳۲۷)		
	شرح وظایف	متوسط	نسبت به امور اجتماعی	نسبت به بودجه کل	فراوانی	نسبت به امور اجتماعی	نسبت به بودجه کل	فراوانی	نسبت به‌کل امور اجتماعی	نسبت به بودجه کل	فراوانی	نسبت به امور اجتماعی	نسبت به کل بودجه
۱	آموزش و پرورش	۶۱۴۶	۹۰/۹	۲/۶۷	۵۵۶۸۲	۶۴/۷۸	۳/۰۶	۲۷۴۲۷۸	۷۳/۵۲	۸/۱۴	۹۱۹۰۹	۷۰/۴۱	۵/۰۸
۲	فرهنگ و هنر	۲۲	۰/۳	۰/۰۱	۱۶۸	۰/۲۰	۰/۰۱	—			۱۰۱	۰/۰۸	۰/۰۱
۳	بهداشت و درمان	۵۹۳	۸/۸	۰/۲۶	۲۴۸۲۰	۲۸/۸۸	۱/۳۶	۹۴۶۱۸	۲۵/۳۴	۲/۸۱	۳۴۵۸۵	۲۶/۵۰	۱/۹۱
۴	عمران شهر و روستا	—			۲۸۸۰	۳/۳۵	۰/۱۶	۱۶۵۳	۰/۴۴	۰/۰۵	۲۰۰۰	۱/۵۳	۰/۱۱
۵	تأمین رفاه و خدمات اجتماعی	—			۲۴۰۲	۲/۷۹	۰/۱۳	۲۶۱۴	۰/۷۰	۰/۰۸	۱۹۳۳	۱/۴۸	۰/۱۱
۶	پرورش جوانان	—			—			—			—		
۷	امور نیروی کار	—			—			—			—		
	جمع	۶۷۶۱	۱۰۰	۲/۹۴	۸۵۹۵۲	۱۰۰	۴/۷۲	۳۷۳۱۶۲	۱۰۰	۱۱/۰۸	۱۳۰۵۲۸	۱۰۰	۷/۲۲

«جدول شماره ۳۶ توزیع نسبت بودجه هر یک از وظایف امور اجتماعی نسبت به بودجه کل کشور»
(طی سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت	تاریخ شرح وظایف / نسبت اعتبار / سال شمسی		وظیفه‌اول آموزش و پرورش	وظیفه‌دوم فرهنگ‌وهنر	وظیفه‌سوم پرورش‌جوانان	وظیفه‌چهارم بهداشت و درمان	وظیفه‌پنجم عمران شهر و روستا	وظیفه‌ششم امور نیروی کار	وظیفه‌هفتم تأمین و رفاه اجتماعی	جمع امور اجتماعی
			٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۲۷	۷/۷۷			۲/۹۵	۰/۶۷	—	۰/۰۶	۱۱/۴۵
	"	۱۳۲۸	۸/۶۲			۲/۲۵		۰/۱۸	۰/۷۰	۱۱/۷۵
	"	۱۳۲۹	۸/۵۰			۲/۲۱		۰/۱۸	۰/۷۲	۱۱/۶۱
	"	۱۳۳۰	۸/۵۶			۲/۲۴		۰/۱۸	۰/۶۹	۱۱/۶۷
	"	۱۳۳۱	۹/۵۴			۲/۲۰		۰/۱۸	۰/۶۸	۱۲/۶۰
	"	۱۳۳۲	۱۳/۴۵		۰/۰۸	۳/۵۳		۰/۱۶	۰/۵۰	۱۷/۷۲
	"	۱۳۳۳	۱۴/۳۵			۲/۲۷		۰/۱۹	۰/۷۰	۱۷/۵۱
	"	۱۳۳۴	۱۷/۴۷	۰/۳۱	۰/۱۳	۳/۵۷		۰/۲۲	۰/۷۸	۲۲/۴۸
	"	۱۳۳۵	۲۰/۹۳	۰/۳۱	—	۳/۱۰		۰/۲۰	۰/۶۰	۲۵/۲۶
	"	۱۳۳۶	۲۱/۰۷	۰/۴۶	۰/۱۸	۳/۸۶		۰/۲۷	۰/۸۴	۲۶/۶۸
	"	۱۳۳۷	۸/۲۲	۰/۱۸	۰/۰۶	۱/۹۰		۰/۱۱	۰/۴۰	۱۰/۸۷
	"	۱۳۳۸	۹/۰۳	۰/۲۴	۰/۱۰	۱/۸۳		۰/۱۳	۰/۴۴	۱۱/۷۷
	"	۱۳۳۹	۸/۴۴	۰/۲۵	۰/۱۱	۲/۰۳	۰/۱۰	۰/۱۳	۰/۱۸	۱۱/۲۴
	"	۱۳۴۰	۹/۳۰	۰/۲۰	۰/۰۹	۱/۶۴	۰/۳۰	۰/۱۶	۰/۱۸	۱۱/۸۷
	"	۱۳۴۱	۱۰/۹۹	۰/۲۲	۰/۰۹	۱/۷۶	۰/۰۹	۰/۱۳	۰/۲۱	۱۳/۴۹
	"	۱۳۴۲	۱۷/۱۰	۰/۳۶	۰/۱۵	۲/۷۰	۰/۳۸	۰/۲۲	۰/۶۰	۲۱/۵۱

«جدول شماره ۳۷ـ توزیع رشد سالانه بودجه هر یک از وظایف مربوط به امور اجتماعی کشور در طول سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول آموزش و پرورش	وظیفه‌دوم فرهنگ‌وهنر	وظیفه‌سوم پرورش‌جوانان	وظیفه‌چهارم بهداشت و درمان	وظیفه‌پنجم عمران شهر و روستا	وظیفه‌ششم امور نیروی کار	وظیفه‌هفتم تأمین و رفاه اجتماعی	
	نسبت اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر سوم مشروطیت	سال ۱۳۲۷	–			–			–	
	" ۱۳۲۸	۲۱۲/۱۰			۱۱۴/۸۷			۳۱۳۵/۹۰	
	" ۱۳۲۹	–			–			۶/۴۴	
	" ۱۳۳۰	–			–			۶/۰۵	
	" ۱۳۳۱	۱۳/۳۰			–			–	
	" ۱۳۳۲	۵۴/۴۵			۷۵/۷۹		ـ۲/۷۹	۲۲/۵۵	
	" ۱۳۳۳	ـ۳۵/۲۲			۵۶/۸۹		۲/۸۷	۲۹/۱۲	
	" ۱۳۳۴	۱۳۸/۷۷			۱۱۱/۲۳		۵۶/۹۵	۴۸/۳۳	
	" ۱۳۳۵	۶۰/۳۱	۳۸/۴۶	–	۱۶/۶۵		۲۳/۵۷	۴/۳۳	
	" ۱۳۳۶	۱۱/۲۴	۵۹/۵۸	۱۰۰	۳۷/۱۵		۵۰/۰۰	۵۴/۱۲	
	" ۱۳۳۷	۱۵/۹۴	۲۱/۱۹	۵۰/۰۰	۴۳/۲۸		۲۵/۰۰	۴۳/۲۲	
	" ۱۳۳۸	۹/۹۳	۲۶/۸۷	۳/۳۳	ـ۱/۲۷		۱۵/۴۹	۷/۹۲	
	" ۱۳۳۹	۱۹/۱۱	۳۲/۴۳	۴۸/۳۹	۴۱/۶۴		۲۲/۵۰	ـ۴۸/۹۳	
	" ۱۳۴۰	۲۲/۱۰	ـ۹/۵۵	-	۱۰/۱۲	۲۵۰/۰۰	۴۱/۴۳	۱۵/۷۴	
	" ۱۳۴۱	۱۶/۰۲	۶/۵۶	ـ۱۰/۸۷	۴/۷۵	۷۰/۷۱	۲۱/۱۱	۱۱/۵۷	
	" ۱۳۴۲	ـ۰/۴۴	۶/۱۸	۶/۱۰	۲/۲۸	۱۶۸/۰۱	۶/۴۳	۸۳/۱۴	

«جدول شماره ۳۸ ـ متوسط بودجهٔ وظایف بخش امور اجتماعی کشور
در سالهای (۱۳۲۷ ـ ۱۳۴۳)

	نوع وظیفه / شرح وظایف	امور اجتماعی کشور: فراوانی	به امور اجتماعی %	به کل بودجه %
۱	آموزش و پرورش	۴۰۶۸۶۶۴	۷۸/۰۳	۱۱/۱۵
۲	فرهنگ و هنر	۸۰۱۳۰	۱/۵۴	۰/۲۲
۳	پرورش جوانان	۳۵۳۱۳	۰/۶۸	۰/۱۰
۴	بهداشت و درمان	۷۸۷۱۷۰	۱۵/۱۰	۲/۱۶
۵	عمران شهر و روستا	۴۳۰۱۳	۰/۸۲	۰/۱۲
۶	امور نیروی کار	۵۷۳۵۸	۱/۱۰	۰/۱۶
۷	تأمین و رفاه اجتماعی	۱۴۲۲۶۹	۲/۷۳	۰/۴۰
	جمع کل امور اجتماعی	**۵۲۱۳۹۱۴**	**۱۰۰**	**۱۴/۳۱**

«جدول شماره ۴۰ـ نمودار بودجه وظایف بخش امور اجتماعی نسبت به کل بودجه کشور
در طی سالهای «۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷»

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول آموزش و پرورش	وظیفه‌دوم فرهنگ‌وهنر	وظیفه‌سوم پرورش‌جوانان	وظیفه‌چهارم بهداشت و درمان	وظیفه‌پنجم عمران شهر و روستا	وظیفه‌ششم امور نیروی کار	وظیفه‌هفتم تأمین و رفاه اجتماعی	وظیفه هشتم تأمین مسکن	جمع
	نسبت اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر سوم مشروطیت	سال ۱۳۴۳	۶/۹۶	۰/۱۵	۰/۰۷	۱/۷۴	ـ	۰/۱۱	۰/۴۶	۰/۲۰	۹/۶۹
	« ۱۳۴۴	۷/۵۲	۰/۲۱	۰/۱۳	۳/۱۰	۰/۸۱	۰/۱۲	۱/۴۱	۰/۳۴	۱۳/۶۴
	« ۱۳۴۵	۸/۰۴	۰/۲۳	۰/۱۶	۳/۸۱	۱/۳۰	۰/۱۳	۱/۵۵	۰/۷۱	۱۵/۹۳
	« ۱۳۴۶	۶/۲۷	۰/۲۱	۰/۱۱	۳/۱۲	۰/۴۷	۰/۰۹	۱/۴۴	۰/۲۲	۱۱/۹۳
	« ۱۳۴۷	۵/۷۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۲/۳۳	۱/۱۹	۰/۰۸	۲/۲۳	۰/۱۳	۱۲/۰۲
	« ۱۳۴۸	۵/۳۲	۰/۲۲	۰/۲۴	۲/۴۰	۰/۷۸	۰/۰۸	۲/۵۲	۰/۱۴	۱۱/۷۰
	« ۱۳۴۹	۵/۲۳	۰/۲۳	۰/۲۴	۲/۲۲	۰/۶۲	۰/۰۷	۲/۲۸	۰/۳۰	۱۱/۱۹
	« ۱۳۵۰	۶/۵۵	۰/۳۲	۰/۲۸	۳/۰۳	۱/۱۵	۰/۰۹	۲/۸۶	۰/۰۹	۱۴/۳۷
	« ۱۳۵۱	۵/۹۴	۰/۲۷	۰/۵۰	۲/۴۵	۱/۱۱	۰/۰۸	۲/۹۷	۰/۵۵	۱۴/۸۷
	« ۱۳۵۲	۷/۵۸	۰/۳۲	۰/۵۶	۲/۵۶	۱/۱۵	۰/۰۸	۰/۸۹	۲/۱۴	۱۵/۲۸
	« ۱۳۵۳	۶/۰۳	۰/۲۸	۰/۴۵	۲/۱۳	۰/۹۰	۰/۰۶	۲/۵۶	۲/۰۲	۱۴/۴۲
	« ۱۳۵۴	۵/۴۷	۰/۳۳	۰/۳۲	۲/۴۸	۰/۶۸	۰/۰۶	۱/۶۰	۲/۹۲	۱۳/۸۶
	« ۱۳۵۵	۵/۹۳	۰/۳۰	۰/۳۲	۲/۲۱	۰/۸۷	۰/۰۵	۱/۹۴	۱/۹۵	۱۳/۵۷
	« ۱۳۵۶	۶/۵۷	۰/۳۵	۰/۲۹	۲/۲۶	۱/۰۵	۰/۰۵	۲/۴۱	۲/۵۴	۱۵/۵۲

جدول شماره ۴۱ـ نمودار رشد سالانه بودجه وظایف بخش امور اجتماعی درطی سالهای ۱۳۴۳ـ۱۳۵۷

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ — نسبت اعتبار / سال	وظیفه‌اول آموزش و پرورش	وظیفه‌دوم فرهنگ‌وهنر	وظیفه‌سوم پرورش جوانان	وظیفه‌چهارم بهداشت و درمان	وظیفه‌پنجم عمران شهر و روستا	وظیفه‌ششم امور نیروی کار	وظیفه‌هفتم تأمین و رفاه اجتماعی	وظیفه هشتم تأمین مسکن
		٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر سوم مشروطیت	سال ۱۳۴۳	۱/۶۰	۴/۶۴	۲۴/۰۰	۲۰/۸۳	–	۲۳/۸۰	۹۳/۶۹	–
	« ۱۳۴۴	۵۵/۰۱	۱۰۲/۵۶	۱۵۱/۲۵	۱۵۶/۲۶	–	۶۰/۵۱	۲۱۳/۸۱	۱۵۱/۹۷
	« ۱۳۴۵	-۰/۹۹	۰/۷۶	۲۰/۰۶	۱۳/۸۶	۴۸/۳۲	-۵/۶۴	۴۱/۶۵	۹۱/۶۸
	« ۱۳۴۶	-۱۰/۲۲	۲۹/۲۵	-۵/۸۲	۱۵/۳۳	-۳۸/۴۵	-۰/۴۴	۳۱/۶۵	-۵۶/۰۴
	« ۱۳۴۷	۱۷/۳۰	۷/۳۰	۱۰۰/۷۸	-۳/۴۸	۲۲۴/۹۰	۱۶/۵۸	۹۸/۷۹	-۲۷/۸۲
	« ۱۳۴۸	۱۰/۵۳	۴۷/۹۱	۵۹/۲۲	۲۲/۲۷	-۲۲/۶۹	۱۷/۱۴	۳۱/۷۴	۳۰/۸۸
	« ۱۳۴۹	۱۵/۳۵	۲۲/۲۴	۱۹/۷۰	۸/۵۰	-۶/۷۴	۴/۹۶	۷/۹۹	۱۵۶/۶۸
	« ۱۳۵۰	۱۸/۵۷	۲۶/۲۵	۱۰/۲۹	۲۹/۲۳	۷۵/۸۳	-۱۴/۷۳	-۳/۶۹	-۷۰/۷۱
	« ۱۳۵۱	۲۸/۴۵	۷/۷۳	۱۱۷/۵۴	-۲/۱۸	۱۶/۳۰	۱۷/۴۶	۵۵/۷۷	۶۲۳/۹۴
	« ۱۳۵۲	۳۴/۲۷	۴۲/۵۸	۳۷/۴۸	۲۸/۶۶	۲۸/۶۱	۱۹/۲۱	-۶۳/۱۸	۳۷۳/۰۲
	« ۱۳۵۳	۲۵/۱۰	۳۵/۹۸	۲۴/۳۶	۲۹/۹۰	۲۳/۳۵	۲۴/۱۷	۳۵۲/۰۶	۴۹/۹۹
	« ۱۳۵۴	۹۳/۹۹	۱۵۵/۷۰	۵۲/۵۱	۱۵۱/۴۷	۶۱/۲۹	۹۴/۵۱	۳۳/۴۰	۲۰۸/۱۳
	« ۱۳۵۵	۳۸/۲۰	۱۴/۹۷	۲۹/۴۹	۲۱/۷۲	۵۵/۳۴	۱۶/۰۴	۵۴/۶۱	-۱۵/۰۱
	« ۱۳۵۶	۳۲/۲۶	۴۱/۱۶	۷/۶۷	۲۲/۳۱	۴۳/۵۸	۸/۵۵	۴۸/۴۷	۵۶/۰۷

«جدول شماره ۴۲ ـ متوسط بودجه مربوط به وظایف امور اجتماعی کشور در طی سالهای «۱۳۴۳ شمسی تا ۱۳۵۷»

	شرح وظایف	متوسط بودجه هر وظیفه	متوسط هر وظیفه به بودجه عمومی کشور	متوسط هر وظیفه به بودجه کل کشور
۱	آموزش و پرورش	۶۰۲۵۸۹۸۱	۴۳/۸۱	۶/۱۷
۲	فرهنگ و هنر	۲۹۴۰۶۶۹	۲/۱۴	۰/۳۰
۳	پرورش جوانان	۳۱۱۷۴۷۳	۲/۲۷	۰/۳۲
۴	بهداشت و درمان	۲۳۱۲۶۶۹۹	۱۶/۸۱	۲/۳۷
۵	عمران شهر و روستا	۸۸۰۷۴۵۹	۶/۴۰	۰/۹۰
۶	امور نیروی کار	۶۱۱۸۹۲	۰/۴۵	۰/۰۶
۷	تأمین و رفاه اجتماعی	۲۰۱۳۹۱۶۸	۱۴/۶۴	۲/۰۶
۸	تأمین مسکن	۱۸۵۳۸۶۱۴	۱۳/۴۸	۱/۹۰
		۱۳۷۵۴۰۹۵۵	۱۰۰	۱۴/۰۸
	باضافه متوسط بودجه عمرانی مربوط به امور اجتماعی سال ۴۳	۵۵۲۷۸۶		
	جمع کل	۱۳۸۰۹۳۷۴۱		۱۴/۱۴

اعتبارات وظایف فرعی بخش امور اقتصادی

در طول تاریخ مشروطیت ایران، در ترکیب توزیع بودجه کل کشور، توجه و تأکید دولتها بر ضرورت گسترش و بهبود اوضاع اقتصادی کشور منعکس می‌باشد.

همانطور که در صفحات پیشین اشاره شد، دولتها در تنظیم لایحه بودجه، بالاترین سهم هزینه را بطور متوسط در هر سه دوره از تقسیمات تاریخی ما، برای توسعه و بهبود امور اقتصادی کشور اختصاص داده‌اند. تجزیه و تحلیل جداول آماری ما گواه، اولویت بخشیدن هزینه این بخش در دورهٔ اول تاریخ بوده (سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹) با نسبت ۴۲/۰۸ درصد متوسط بودجه کل کشور، و دورهٔ سوم (بودجه برنامه‌ای) با نسبت حدود ۲۱/۶۰ درصد متوسط بودجه می‌باشد. ولی در دورهٔ دوم (۱۳۴۳-۱۳۲۷) با ۱۷/۳۸ درصد بعد از بخش امور عمومی، سهم عمده‌ای از کل اعتبارات بودجه کشور را دربر گرفته است.

از وظایف عمده دولت در زمینه‌های متعدد و مختلف بخش امور اقتصادی در ادوار سه‌گانه مورد بررسی حاضر به‌شرح زیر می‌توان یاد کرد. توسعه و بهبود کشاورزی و دامداری، توسعه و تأمین منابع، ایجاد و توسعه صنایع و معادن، توسعه و بهره‌برداری از منابع نفت و گاز، تأمین انرژی (برق)، حمل و نقل و ارتباطات، مخابرات. و ما در پژوهش حاضر هزینه برآوردشده برای هر یک از وظایف فرعی نامبرده را در طول سه دوره و در هر یک از سالهای دوران مشروطیت مورد بحث قرار می‌دهیم. لازم به یادآوری است، که دامنهٔ فعالیت دولتها در زمینه‌های مذکور در فوق به‌موجب بررسی دقیق جداول آماری در طول زمان و به‌تدریج گسترش یافته است و پاره‌ای از وظایف جدید، برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و در اواخر دوران مشروطیت در لایحه بودجه کل بصورت وظیفه مستقل منظور گردیده است.

برنامهٔ مالی کشاورزی و منابع طبیعی

متوسط اعتبارات فصل توسعه و منابع کشاورزی، در دورهٔ اول تاریخ بودجه (۱۳۲۷-۱۲۹۹) به‌موجب داده‌های جدول شماره ۴۶ـ حدود ۸ درصد بخش امور اقتصادی که معادل ۳/۳۴ درصد متوسط بودجه کل کشور می‌باشد تخمین زده شده است.

لازم به یادآوری است که اعتبار سهم برنامه کشاورزی از بودجه بخش امور اقتصادی در طول تاریخ مورد بحث به‌تدریج افزایش پیدا می‌کند. بطوری که از متوسط ۰/۹۵ درصد عصر اول مشروطیت به ۳/۰۲ درصد به عصر دوم و سلطنت پهلوی اول، و ۳۳/۸۳ درصد متوسط سالهای ۲۷-۱۳۲۱ ـ دوران اولیه حکومت پهلوی دوم می‌رسد.

از جداول شماره ٤٤ و ٤٥، این‌طور استنباط می‌شود، که مساعی دولتها در خلال سالهای مالی دورهٔ اول تاریخ تنظیم بودجه پیشنهادی، بویژه در عصر سلطنت قاجاریان، به برنامه‌های مربوط به امور کشاورزی جلب نشده است.

از داده‌های جدول شماره ٤٤، پیداست، که بخش کشاورزی، در دورهٔ سلطنت رضاشاه، سهم اندکی از بودجه کل سالانه را که بین حداقل ۰/۲٤ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۱) تا حدود ۳/۶۰ درصد کل بودجه می‌باشد جذب کرده است.

و در سالهای اولیه دورهٔ سوم مشروطیت (۲۷-۱۳۲۱) نیز اعتبار امور کشاورزی از حداقل حدود ۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۳) تا حداکثر ۸/۲۸ درصد بودجه کل را (در سال ۱۳۲۶) به خود اختصاص داده است. با اینهمه یادآور می‌شویم که دولت در هر لایحه بودجه، سالانه بر اعتبار امر کشاورزی افزوده است و با استناد به آمار جدول شماره ٤٥ مربوط به رشد سالانه هر یک از وظایف فرعی بخش امور اقتصادی، در عصر دوم مشروطیت اعتبار برنامه‌های کشاورزی با رشدی بین حداقل ۰/۷۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۸) تا ۱٤۸/۹۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۳) در طی سالهای ۱۳۲۱-۱۳۱۱، در ترکیب توزیع بودجه دیده می‌شود.

اضافه کنیم که در سالهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۲، هزینه وظیفه کشاورزی با کاهش روبرو بوده است و از این کاهش در سال ۱۳۱۰ معادل ۱۳/۲۳ درصد نسبت به سال ۱۳۰۹، و در سال ۱۳۱۲ معادل ٦٦/٥٦ درصد با مقایسه سال ۱۳۱۱ می‌توان ذکری به‌میان آورد.

گفتنی است، که در سالهای اولیه حکومت پهلوی دوم، نیز هزینه کشاورزی از رشد قابل ملاحظه‌ای برخوردار نبوده است، جز در سال ۱۳۲۲ که نسبت به سال ۱۳۲۱ با ٦۰/۲۹ درصد، و در سال ۱۳۲٦ نسبت به سال ماقبل با افزایش قابل ملاحظه‌ای در حد ٥۱/٤٥ درصد بهره گرفته است.

دورهٔ دوم از تقسیمات تاریخ بودجه، به‌موجب جدول شماره ٥۰- پراکندگی

متوسط وظایف بخش امور اقتصادی (در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷)، کشاورزی در کسب هزینه در مرحلهٔ چهارم از اکثریت و با اعتباری معادل ۱۱/۱۰ درصد بخش امور اقتصادی برخوردار می‌باشد و چنانچه نسبت آن در بودجه کل منظور باشد با ۱/۹۳ درصد می‌توان از آن یاد کرد.

چنانچه کیفیت برآورد هزینه سالانه وظیفه کشاورزی مراد باشد، جدول شماره ۴۸ روشنگر این نکته است، اعتبار هزینه کشاورزی در طول سالهای مورد بحث، نسبت به بودجه سالانه کل کشور، از حداقل ۱/۰۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۷) تا ۴/۹۴ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۷) برآورد شده است و جدول شماره ۴۹- نمودار رشد سالانه وظایف بخش امور اقتصادی، بیانگر افزایش سالانه این وظیفه می‌باشد و در طول این سالها، رشد سالانه را بین حداقل ۳/۶۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۱) تا حداکثر ۵۳/۹۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۴) در نوسان می‌بینیم.

اضافه می‌کنیم که سال‌های ۲۷ نسبت به سال ۲۶ حدود ۳۴ درصد و سال ۱۳۳۰ با نسبت ۳/۵۲ درصد و سال ۱۳۳۱ نسبت به سال ۱۳۳۰ با ۱۰/۹۵ درصد و بالاخره سال ۱۳۳۳ با ۱۲/۸۷ درصد، سهم امور کشاورزی با کاهش هزینه روبرو بوده است.

ولی در سالهای اخیر مشروطیت، یا دوران سوم از تقسیمات بودجه‌بندی (بودجه برنامه‌ای)، توجه دولتها به امر توسعه و بهبود کشاورزی نسبت به دوره دوم بیشتر معطوف شده است و برای تأمین اعتبار این وظیفه به‌موجب جدول شماره ۵۴- سهمی معادل حدود ۱۶/۷ درصد هزینه بخش امور اقتصادی را بعد از توسعه صنایع و معادن، و حمل و نقل و ارتباطات منظور داشته‌اند که درواقع درصدی حدود ۲/۶ درصد متوسط بودجه کل سالهای مورد بحث حاضر را شامل می‌گردد.

یادآور می‌شویم که وظایف فرعی فصل مربوط به کشاورزی و منابع طبیعی در اواخر سالهای مشروطه همزمان با گسترش دامنهٔ فعالیت و وظایف دولتها دربرگیرنده وظایفی همچون ـ برنامهٔ تنظیم محصولات کشاورزی، برنامه اعتبارات کشاورزی و دامپروری، برنامه حفظ و بهره‌برداری از منابع طبیعی، بهبود و افزایش تولیدات دامی زراعی و بالاخره خدمات کشاورزی و دامپروری بوده است.

جدول شماره ۵۲ و ۵۳، ما را از میزان هزینهٔ پیش‌بینی‌شده در لایحه بودجه و

رشد سالانه وظیفه کشاورزی را در هر سال مشخص می‌سازد. و از آمار دو جدول مذکور، این‌طور استنباط می‌شود، سهم امور کشاورزی از بودجه کل کشور نسبتی بین حداقل ۰/۸۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۳) تا حداکثر حدود ۵/۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۵٤) می‌رسد و از رشدی بین حداقل ۲/۱۲ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۷ در مقایسه با سال ۱۳٤٦) تا حداکثر ۳٦٤/۰۷ درصد (مربوط به سال ۱۳٤٤ در مقایسه با سال ۱۳٤۳) برخوردار بوده است.

برنامه مالی مربوط به توسعه صنایع و معادن

سیاست دولتها در زمینهٔ ایجاد و توسعه صنایع، اهداف و برنامه‌هایی که در طول دوران مشروطیت، به‌منظور شناسایی منابع زیرزمینی و بهره‌برداری از آنها پیوسته تعقیب و تأکید می‌شده است، دولتها را برآن داشته تا در تعیین اعتبار برای سهم صنایع و معادن در لایحه بودجه و در درون بخش امور اقتصادی بویژه، اولویت بخشند و بیشترین سهم را به این وظیفه اختصاص دهند.

جدول شماره ٤٦- مربوط به متوسط بودجه وظایف فرعی امور اقتصادی (مربوط به سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹) نشان می‌دهد، که متوسط سالانه این وظیفه با ۱٦/۵۰ درصد اعتبار بخش امور اقتصادی، بعد از وظیفه حمل و نقل و ارتباطات بالاترین سهم را به خود جذب کرده است که اگر وظیفه توسعه منابع نفت و گاز را هم بر آن بیفزاییم حدود $\frac{1}{4}$ اعتبار بخش اقتصادی را شامل می‌گردد که معادل حدود ۷ درصد متوسط کل بودجه این دوره از تقسیمات تاریخ بودجه را دربر می‌گیرد.

باید افزود که سالهای مقارن سلطنت قاجاریان، به‌استناد تجزیه و تحلیل لوایح بودجه، دولتها از بودجه کل کشور سهمی به این امر اختصاص نداده‌اند ولی در دوره دوم مشروطیت، سهم قابل توجهی از بخش امور اقتصادی که متجاوز از $\frac{1}{5}$ می‌باشد، برای صنایع و معادن منظور شده است که درواقع معادل ۱۰/۱۷ درصد متوسط بودجه کل کشور در این سالها را دربر می‌گیرد.

و اما در ٦ سال اولیه سلطنت محمدرضاشاه که مقارن جنگ بین‌الملل دوم می‌باشد، در توزیع هزینه بطور متوسط، اعتباری حدود ۱٦ درصد بودجه بخش امور اقتصادی را برای صنعت و بهره‌برداری از معادن درنظر گرفته‌اند که درواقع اگر منابع

نفت و گاز را هم بر آن بیفزاییم، این فصل سهمی حدود ۳ درصد متوسط بودجه کل کشور را در سالهای مورد بحث به خود تخصیص داده است.

بررسی آمار جدول شماره ۴۴، نظر ما را به این نکته جلب می‌کند که در طی سالهای ۱۳۱۰-۱۲۹۹، برای اجرای وظایف مربوط به صنایع و معادن بطور مستقل در لوایح بودجه تخصیص هزینه‌ای صورت نگرفته است.

ولی از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ شمسی که مقارن سلطنت پهلوی اول می‌باشد، هرچند برای این وظیفه با درصدهای ضعیفی بین ۰/۰۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۶) تا ۳۳/۴۴ درصد (مربوط به سال‌های ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰) اعتباری در بودجه کل کشور ملحوظ داشته‌اند ولی به‌موجب جدول شماره ۴۵ درمی‌یابیم که طی ده سال مذکور، از رشد سالانه‌ای بین حداقل ۳۲/۲۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۸) تا ۲۶۹/۲۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۲) برخوردار بوده است.

اضافه کنیم در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۶ در مقایسه با سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۵، بودجه این وظیفه با کاهشی معادل به‌ترتیب ۷۴/۱۴ درصد و ۴۰/۲۸ درصد مواجه بوده است.

و اما دوران بحرانی شش سال اول سلطنت پهلوی دوم، میزان اعتبار این وظیفه در لایحه بودجه کل بسیار اندک و بین حداقل ۰/۷۱ درصد بودجه کل (مربوط به سال ۱۳۲۶) تا حداکثر ۱۴/۰۳ درصد بودجه کل سالانه (مربوط به سال ۱۳۲۱ شمسی) دیده می‌شود. و بطوری که جدول شماره ۴۵ نشان می‌دهد، کاهشی معادل ۵۷/۳۴ و ۹۴/۱۴ درصد در سالهای ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ نسبت به سالهای قبل داشته است.

تجزیه و تحلیل لوایح بودجه مربوط به سالهای ۴۳-۱۳۲۷ - به‌موجب جدول شماره ۵۰ نشان می‌دهد بخش صنایع و معادن هزینه‌ای بطور متوسط ۱۶/۵ درصد از بودجه امور اقتصادی را به خود اختصاص داده است که معادل ۲/۸۶ درصد متوسط بودجه کل سالهای مورد بحث ما می‌باشد. یادآور می‌شویم بیشترین سهم در بخش امور اقتصادی این سالها با نسبت حدود ۴۵/۵۰ درصد به توسعه منابع نفت و گاز تخصیص داده شده است که درجمع متوسط بودجه کل کشور درصدی چشمگیر و درخور بحث دارد (با نسبت ۷/۹۱ درصد)

برای اطلاع از میزان تخصیص سالانه صنایع و معادن در سالهای ۴۳-۱۳۲۷، با

استناد به جدول شماره ۴۸ درمی‌یابیم که سهم اعتبار بخش صنعت و معدن در سالهای بین ۴۳-۳۶ با درصدی بسیار اندک بین حداقل ۰/۲۲ درصد بودجه کل کشور (مربوط به سال ۱۳۳۸) تا حداکثر ۶/۷۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۰) ولی با رشد سالانه‌ای بین حداقل ۳۶/۴۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۰ نسبت به سال ۱۳۳۹) و حداکثر ۳۰۷۳/۴۹ (مربوط به سال ۱۳۳۹) نام برد (جدول شماره ۴۹) گفتنی است که در سال ۴۱ و ۴۲ بخش صنایع و معادن، کاهش هزینه‌ای به‌ترتیب معادل ۱۴/۸۱ و ۹۴/۴۴ درصد داشته‌اند.

آشکار است که به‌دنبال سیاست صنعتی کردن کشور و لزوم سرمایه‌گذاری از طرف دولت برای توسعهٔ صنایع و معادن، دولتهای این دوره از تاریخ بودجه‌نویسی (۵۶-۱۳۴۳)، ناگزیر از تخصیص بالاترین سهم از بخش امور اقتصادی به این وظیفه بوده‌اند. و به استناد آمار جدول شماره ۵۴، با نسبت حدود ۱۸/۲ درصد، در میان وظایف فرعی بخش امور اقتصادی کشور، در برآورد هزینه به این وظیفه اولویت قایل شده‌اند. چنانچه اعتبار توسعه منابع گاز و نفت را هم بر این بخش بیفزاییم حدود ثلث هزینه ابن بخش را شامل می‌گردد (با نسبت ۳۱/۱۷ درصد).

از تجزیه و تحلیل جداول شماره ۵۲ و ۵۳، مربوط به نسبت اعتبار بخش امور اقتصادی در هر سال و رشد سالانه آن، چنین برمی‌آید، که در سالهای تدوین بودجه برنامه‌ای یعنی طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳، اعتبار وظیفه صنایع و معادن در هر یک از سالهای مذکور، متناسب با برنامه و هدف اساسی دولت درنظر گرفته شده است و دیده می‌شود که از حداقل ۰/۰۸ درصد بودجه کل در سال ۱۳۴۳ به بیش از ۴/۷ درصد بودجه کل (مربوط به سال ۱۳۴۸) افزایش پیدا می‌کند.

به‌بیانی دیگر، این وظیفه از رشد سالانه‌ای معادل حداقل ۷/۳۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۵۴) تا ۴۵۱۹/۳۶ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۴) برخوردار بوده است.

باید افزود، در دو سال ۱۳۴۹ و ۱۳۵۱، اعتبار تخصیص داده‌شده به این وظیفه از بودجه کل کشور نسبت به سالهای ماقبل با کاهش روبرو بوده است، هرچند کاهش اندک است و معادل به‌ترتیب ۱۰/۲۳ درصد مربوط به سال ۱۳۴۹ و ۶/۱۴ درصد برای سال ۱۳۵۱ شمسی می‌باشد.

برنامه‌های عمده‌ای که دولتها در فصل صنایع و معادن مورد توجه قرار داده و تخصیص اعتباری برای آن کرده‌اند، بدین شرح می‌توان نام برد: ایجاد و توسعه صنایع فلزی و ذوب فلز، صنایع دستی و روستایی، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع مکانیکی و نیز صنایع غذایی. هرچند در همهٔ ادوار سه گانه تاریخ بودجه‌نویسی کشور، این برنامه‌ها مورد توجه و تأکید نبوده و درواقع برای همهٔ سالهای مالی مورد نظر عمومیت نداشته است و بیشتر شامل ادوار اخیر دوران مشروطیت می‌گردد.

برنامه مالی مربوط به وظیفه حمل و نقل و ارتباطات

فصل حمل و نقل و ارتباطات در بخش امور اقتصادی، در طول سه دوره مورد بحث، به‌استناد تجزیه و تحلیل آماری از لوایح بودجه کل کشور، از اعتباری بالا برخوردار بوده است. در اینجا به بررسی سه دوره تاریخ بودجه این وظیفه می‌پردازیم.

نتیجه پژوهش در داده‌های آماری دوران اول بودجه‌نویسی (۱۳۲۱-۱۲۹۹) به‌موجب جدول شماره ٤٦ (در مجموع سه عصر مشروطیت) فصل حمل و نقل با نسبت حدود ۶۷/۹ درصد اعتبار بخش امور اقتصادی، از اولویت برخوردار بوده است و این نسبت در متوسط بودجه کل کشور نیز با نسبتی معادل ۲۸/۵۶ درصد، بیشترین درصد سهم وظایف مختلف دولت را در زمینهٔ امور اقتصادی به خود اختصاص داده است.

نگاهی به آمار هزینه این فصل در عصر اول مشروطیت (جدول شماره ٤٦) روشن می‌سازد که در طی سالهای ۱۳۰۵-۱۲۹۹ - اعتبار امور مربوط به ارتباطات و حمل و نقل با ۱٤/۷۲ درصد متوسط بخش امور اقتصادی که معادل ۰/۲۵ درصد متوسط بودجه کل کشور است در این سالها شامل می‌گردد.

ولی در عصر دوم مشروطیت، و مقارن سلطنت پهلوی اول، حمل و نقل و ارتباطات در مجموع بخش امور اقتصادی از بالاترین اعتبار با متوسط ۷۱/۸۶ درصد برخوردار بوده است که معادل بالاترین نسبت متوسط بودجه کل کشور در این سالها نیز می‌باشد (با نسبت ٤٦/۳۶ درصد)

از سالهایی که در دوران دورهٔ اول تاریخ بودجه، با عنوان عصر سوم مشروطیت یاد کرده‌ایم، کیفیت توزیع اعتبار همچنان، در بالا بودن سطح هزینه مربوط به بخش حمل و نقل و ارتباطات می‌باشد، و بعد از امور کشاورزی در مرحله دوم از اکثریت و با

نسبت ۲۷/۸۳ درصد اعتبار بخش امور اقتصادی که معادل ۴/۹ درصد متوسط بودجه کل این سالها می‌باشد قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاضر مربوط به سالهای دوران دوم تاریخ بودجه (۴۳-۱۳۲۷) (جدول شماره ۵۰) نشان می‌دهد که دولتها ضمن تنظیم لوایح بودجه، در تخصیص اعتبار برای بخش امور اقتصادی، اولویتی را که در لوایح سالهای گذشته برای حمل و نقل و ارتباطات منظور گشته است، مورد تأکید قرار نداده و با تجدید نظر در این زمینه، از سهم اعتبار وظیفه حمل و نقل در بخش امور اقتصادی که درواقع معادل ۲/۸۴ درصد متوسط بودجه کل کشور می‌باشد، سهمی در درجه سوم از اکثریت ملحوظ داشته‌اند.

اگر مراد، دریافت سهم بودجه این وظیفه در هر سال از دوره مورد بحث باشد به‌موجب جدول شماره ۴۸ و ۴۹ پایین بودن هزینه حمل و نقل و ارتباطات، در طول سالهای ۴۳-۱۳۲۷ شمسی، بین حداقل ۲/۲۵ (مربوط به سال ۱۳۳۷) درصد بودجه کل، تا ۷/۹۰ درصد بودجه کل سالانه (مربوط به سال ۱۳۲۲) همچنان دیده می‌شود.

با اینهمه باید دانست، در تعیین اعتبار برای این وظیفه، هر سال نسبت به سالهای ماقبل از افزوده سهمی برخوردار بوده است. جدول شماره ۴۹ مربوط به رشد سالانه بخش امور اقتصادی، نشان می‌دهد اعتبار این وظیفه از رشد سالانه‌ای متغیر برخوردار بوده است، که از حداقل رشد سالانه مربوط به سال ۱۳۳۸ با ۰/۳۸ درصد تا حداکثر رشد ۱۳۳/۱۵ درصد مربوط به سال ۱۳۳۲ می‌توان یاد کرد. ضمن اینکه باید متذکر شد، سه سال از این دوره تاریخ بودجه ما، سهم هزینه حمل و نقل، کاهشی در سطح ۵۷/۱۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۳ شمسی نسبت به سال ۱۳۳۲) و ۲۸/۱۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۱) و ۲۰/۳۸ درصد (مربوط به سال ۴۲) داشته است.

در بودجه بخش امور اقتصادی مربوط به دوران سوم تقسیمات بودجه (۱۳۵۷-۱۳۴۳) به‌موجب جدول شماره ۵۴، وظیفه حمل و نقل و ارتباطات با اعتباری بیش از ۱۷ درصد بخش امور اقتصادی که معادل ۷ درصد متوسط بودجه کل در این سالها می‌باشد به خود اختصاص داده است (۱۳۵۷-۱۳۴۳)

نگاهی به ترکیب توزیع هزینه بخش امور اقتصادی در دوران بودجهٔ برنامه‌ای دولتها، در جداول شماره ۵۲ و ۵۳، آشکار می‌سازد که سهم اعتبار این وظیفه از بخش

امور اقتصادی نسبت به بودجه کل هر سال از نسبتهای متغیری برخوردار بوده است. جدول شماره ۵۲ از حداقل بین ۱/۶۰ درصد مربوط به سال ۱۳۴۳ تا حداکثر ۷/۴۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۵) سخن می‌گوید.

و جدول شماره ۵۳- مربوط به رشد سالانه وظایف فرعی بخش امور اقتصادی حکایت از افزایش هزینه سالانه حمل و نقل می‌کند. بطوری که آمار نشان می‌دهند، در طول سالهای مورد نظر، جز در سه سال ۴۶ با ۱/۱۰ درصد و ۱۳۴۸ با ۱۱/۰۷ درصد کاهش و سال ۱۳۵۲ با ۲۶/۴۰ درصد کاهش، بقیه سالهای مورد نظر از رشدی سالانه بین حداقل ۱۱/۶۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۵) تا ۴۵۰/۳۲ (مربوط به سال ۱۳۴۴) برخوردار بوده‌اند.

یادآور می‌شویم وظایف و امور عمده‌ای که تحت عنوان حمل و نقل و ارتباطات از بودجه کل کشور اعتباری دریافت می‌داشته‌اند، شامل، ساختمان و نگاهداری راه‌های اصلی و فرعی، ساختمان و نگاهداری خطوط راه‌آهن، ساختمان فرودگاه‌ها و ساختمان و عملیات بندری، حمل و نقل و جهانگردی و اموری جز اینها.

برنامه مالی مربوط به مخابرات و سایر امور ارتباطی

دولتهای دورهٔ اول تاریخ تنظیم بودجه (طی سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹) به‌منظور اجرای برنامه‌های پیشنهادی به مجلس شورای ملی، در زمینه ایجاد و گسترش شبکه‌های مخابراتی و توسعه خدمات پستی، بخشی از اعتبارات امور اقتصادی را در لوایح بودجه سالانه که معادل ۶/۸ درصد می‌باشد به این وظیفه اختصاص داده‌اند که درواقع حدود ۲/۹ درصد متوسط بودجه کل کشور در این سالها را شامل می‌گردد. (به‌موجب داده‌های آماری جدول شماره ۴۶)

آمار جدول شماره ۴۶- مربوط به عصر اول مشروطیت، روشن می‌سازد که در طی سالهای ۱۳۰۵-۱۲۹۹ بالاترین درصد اعتبار بخش امور اقتصادی را دولتها به وظیفه مخابرات و سایر امور ارتباطی با اعتباری بطور متوسط معادل ۶۶/۷۹ درصد هزینهٔ بخش امور اقتصادی که معادل ۶/۹۲ درصد متوسط بودجه کل کشور در این سالها می‌باشد، اختصاص داده‌اند. حال آن‌که در دوران دوم مشروطیت که مقارن سلطنت پهلوی اول می‌باشد این نسبت به ۲/۸۴ درصد بودجه بخش امور اقتصادی که معادل ۱/۹۵ درصد

متوسط بودجه کل کشور در طی سالهای ۲۱-۱۳۰۵ می‌باشد تنزل پیدا می‌کند که درخور بحث می‌باشد.

بطوری که یافته‌های جدول مربوط به متوسط بودجه بخش امور اقتصادی در نخستین دوره از تقسیمات بودجه کشور، نشان می‌دهد، در دورهٔ سوم مشروطیت (سالهای ۲۷-۱۳۲۱) اعتبار مخابرات مجدداً درصد بیشتری از بودجه را به خود اختصاص می‌دهد و به ۲۲/۱۲ درصد متوسط بخش امور اقتصادی یا حدود ۳/۹ درصد متوسط بودجه کل را شامل می‌گردد.

چنانچه به ترکیب مصارف وظایف فرعی بخش امور اقتصادی در طی سالهای ۱۳۰۵-۱۲۹۹ شمسی نظر اندازیم به‌استناد جداول شماره ٤٤ و ٤٥ ـ ملاحظه خواهیم کرد که در عصر سلطنت قاجاریان، اعتبار وظیفه دولت در مورد مخابرات در هر سال بین حداقل ٦/١۵ درصد تا ۸/٢٤ درصد بودجه کل سالانه کشور بوده است و از رشدی سالانه بین ۳/۵۸ درصد (مربوط به سال ١٣٠٤) تا ١٧/٣٩ درصد (مربوط به ۱۳۰۲ شمسی) برخوردار بوده است و تنها در سال ۱۳۰۰ شمسی است که در مقایسه با سال ۱۲۹۹ شمسی کاهشی معادل ٢٦/٦ درصد داشته است.

در عصر حکومت پهلوی اول، (۱۳۲۱-۱۳۰۵) سهم هزینه سالانه مخابرات نسبت به بودجه کل سالانه، با نسبتهای مختلف از حداقل ۰/۳۵ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۳) تا حداکثر ۸/۰۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۰۸) بودجه کل در نوسان بوده است. گفتنی است که در طی سالهای مورد بحث ما، بودجه مخابرات از افزایش سالانه‌ای بین حداقل ۰/۰۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۳) تا ۳۵/۰۲ درصد (مربوط به سال ۱۳۱۸) برخوردار بوده است جز در سال ۱۳۰۹ که کاهشی معادل ۲۹/۰۷ درصد نسبت به سال ۱۳۰۸ داشته است.

بودجه مخابرات و سایر امور ارتباطی در طی سالهای مقارن جنگ جهانی دوم (۲۷-۱۳۲۱) نسبتی بین حداقل ۳/۷۲ درصد بودجه کل سالانه (مربوط به سال ۱۳۲٦) تا حداکثر ٤/۰۳ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۲) بودجه کل کشور را به خود اختصاص داده است و آمار جدول شماره ٤۵ حکایت از افزوده شدن اعتبار سالانه در دو سال ۱۳۲۱ و ۲۲ به‌ترتیب معادل ۳۳/۳۳ درصد و ۱۰/۸۳ درصد را می‌کند.

از اعتبار وظیفه مخابرات، در دو دورهٔ دیگر از تقسیمات بودجه‌نویسی به‌موجب

تجزیه و تحلیل لایحه بودجه سالانه، به‌موجب یافته‌های جداول شماره ۵۰ و ٥٤ مربوط به متوسط بودجه امور اقتصادی چنین برمی‌آید، که دولتها در جهت ایجاد و توسعهٔ شبکه‌های مخابراتی و سایر امور ارتباطی، هزینه‌ای به‌ترتیب ۹/۳۱ درصد متوسط بخش امور اقتصادی که معادل ۱/٦۲ درصد متوسط بودجه کل مربوط به سالهای ٤۳-۱۳۲۷ می‌شود. و ٦/۵۷ درصد متوسط بخش امور اقتصادی یا ۱/٤۰ درصد متوسط بودجه سالانه (مربوط به سالهای ۵۷-۱۳٤۳) را منظور داشته‌اند.

برای آگاهی از آمار سالانه اعتبار این وظیفه در طی سالهای ٤۳-۱۳۲۷ با استناد به داده‌های آماری جداول شماره ٤۸ و ٤۹- با درصدهای اندک بین ۰/۱ درصد (مربوط به سال ۱۳۳۷) تا حداکثر ۳/٤۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۷) که درواقع از رشد سالانه‌ای معادل حداقل ٤/۱۳ (مربوط به سال ۱۳۳۷) تا حداکثر ۸۸/۳۸ درصد (مربوط به سال ۱۳۲۸) برخوردار بوده‌اند می‌توان یاد کرد.

داده‌های جدول شماره ۵۲، مربوط به توزیع هزینه وظایف فرعی بخش امور اقتصادی، حکایت از تخصیص کمترین سهم از بودجه کل کشور برای وظیفه مخابرات در طول سالهای ۵۷-۱۳٤۳ می‌کند و اینطور که پیدا است برای این امر دولتها در لوایح بودجه سالانه عنایتی نشان نداده و درصدی بین حداقل ۰/۸٤ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۳) تا حداکثر ۳۷/۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۵۰) تخصیص داده‌اند.

و از آمار جدول شماره ۵۳- چنین استنباط می‌شود، اعتبار این وظیفه در هر سال افزایش داشته است، و از این افزوده با نسبت حداقل ٦/۹۱ درصد رشد سالانه (مربوط به سال ۵۱) تا ۱۱۸/۱۹ درصد (مربوط به سال ۱۳٤٤) می‌توان یاد کرد. ضمناً یادآور می‌شود، در دو سال ۱۳٤۷ و ۱۳۵۲، مربوط به دوران بودجه برنامه این وظیفه با کاهش درآمد به‌ترتیب معادل ۱۹/۷۳ درصد و ۲۷/۵۸ درصد مواجه بوده است.

برنامه مالی مربوط به تأمین نیرو

در تدوین لوایح بودجه برنامه‌ای که مقارن اواخر سلطنت مشروطه می‌باشد (۱۳۵۷-۱۳٤۳)، دولتها، به‌منظور فراهم ساختن امکانات لازم برای رسیدن به هدف غایی که اجرای سیاست صنعتی کردن کشور می‌باشد، سهم قابل توجهی از اعتبار بخش امور اقتصادی را با نسبتی معادل ١٦/٦٤ درصد متوسط بودجه بخش امور اقتصادی یا

حدود ۳/۶ درصد متوسط بودجه کل کشور را در سالهای مورد بحث به فصل برق اختصاص داده‌اند، که دربر گیرنده وظایفی در زمینه‌های مختلف ازجمله: تولید نیروی برق، انتقال نیروی برق، و نیز تأمین برق روشنایی، نظارت به تولید و توزیع می‌باشد.

جداول شماره ۵۲ و ۵۳- مربوط به سالهای ۵۷-۱۳۴۳، از توجه دولتها به گسترش صنعت برق که در زمینهٔ اقتصاد کشاورزی، صنعتی و اقتصاد شهری حایز اهمیت می‌باشد حکایت می‌کند. و از تجزیه و تحلیل بودجه کل این نتیجه گرفته می‌شود، که با تخصیص سهمی معادل ۰/۰۱ درصد بودجه کل کشور در سال ۱۳۴۳ تا حداکثر ۶/۰۷ درصد بودجه سالانه ۱۳۵۶ بتدریج بر میزان اعتبار این وظیفه افزوده‌اند.

جدول شماره ۵۳، مربوط به رشد سالانه اعتبار بخش امور اقتصادی، روشن می‌سازد که هزینه این وظیفه در طول سالهای مورد پژوهش ما از افزایشی معادل حداقل ۲/۹۹ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۹) تا ۱۴۳۸/۸۰ درصد (مربوط به سال ۱۳۴۴) برخوردار بوده است.

اضافه کنیم در میان سالهای مورد نظر، هزینه سالهای ۴۵، ۴۷، ۵۱ و ۵۲ نسبت به سال قبل از خود نشان از کاهشی به‌ترتیب سالهای مذکور، معادل با ۳۰/۰۱ درصد، ۲۶/۷۱ درصد، و ۵/۳۹ و ۲۱/۱۰ درصد دارد، که درخور یادآوری می‌باشد.

برنامه مالی مربوط به توسعه و تأمین آب

از تجزیه و تحلیل بودجه کل کشور، و بررسی دقیق در ترکیب توزیع اعتبار بین وظایف فرعی بخش امور اقتصادی، چنین نتیجه گرفته می‌شود، که اختصاص فصلی جدید به توسعه و تأمین آب و همچنین تأمین و گسترش نیرو (برق)، در برنامه‌های مالی دولتها، از ویژگیهای سومین دوره بودجه‌بندی ما تحت عنوان بودجه برنامه‌ای می‌باشد. و ما در لوایح بودجه کل کشور در طول تاریخ مشروطیت تا سال ۱۳۴۳ اعتبار هزینه بصورت مستقل و تحت عنوان فصل مربوط به وظایف امور اقتصادی در این زمینه برخورد نکرده‌ایم.

و بطوری که از جدول شماره ۵۴- استنباط می‌شود، دولتها به‌منظور رشد هماهنگ، طرحها و برنامه‌های بنیادی امور اقتصادی کشور، لزوم توجه و تخصیص اعتبار برای تأمین و توسعه آب کشور را ضروری دانسته و برای اجرای برنامه‌های عمده‌ای

همچون ساختمان سدها، عملیات ساختمانی شبکه‌های آبیاری، بهره‌برداری از منابع آب، نظارت بر بهره‌برداری از منابع آب هزینه‌ای بیش از ۷/۷ درصد متوسط اعتبار بخش امور اقتصادی در طی سالهای ۵۷-۱۳٤۳ را که معادل ۱/۶۵ درصد متوسط بودجه کل کشور می‌باشد اختصاص داده‌اند.

داده‌های آماری جدول شماره ۵۲، از توجه خاص دولت به این وظیفه در طول سالهای مورد بحث با تخصیص اعتبار در لوایح بودجه کل کشور که معادل حداقل ۰/۰۷ درصد بودجه کل در سال ۱۳٤۳ تا حداکثر حدود ۳ درصد بودجه سالانه (مربوط به سال ۱۳۵۱) می‌باشد حکایت می‌کند.

رشد هزینه این برنامه، به‌موجب جدول شماره ۵۳، بین حداقل ۲/۶۱ درصد (مربوط به سال ۱۳٤۹) تا حداکثر ۲۷۳۹/۲۰ درصد (مربوط به سال ۱۳٤٤) در لوایح بودجه پیش‌بینی و پیشنهاد گردیده است. لازم به یادآوری است که در سالهای ٤۶ و ۵۲ اعتبار این وظیفه در مقایسه با سالهای ماقبل به‌ترتیب با کاهشی معادل ۳/۰۵ درصد و ۱۲/۹٤ درصد روبرو بوده است.

هزینه نظارت بر امور صنعتی و معدنی و بازرگانی.

حجم بودجه نظارت بر امور صنعتی و معدنی در طی سالهای ۱۳۲۱-۱۲۹۹، در مجموع بطور متوسط ۰/۸۰ درصد بخش امور اقتصادی می‌باشد که معادل ۰/۳٤ درصد متوسط بودجه کل سالانه این دوره را تشکیل می‌داده است.

به‌موجب تجزیه و تحلیل آماری جدول شماره ٤۶ـ مربوط به متوسط اعتبار وظایف بخش امور اقتصادی، نتیجه گرفته می‌شود که در دوران سلطنت قاجاریان (۱۳۰۵-۱۲۹۹)، بودجه نظارت بر امور صنعتی و معدنی سهم عمده‌ای از بودجه بخش امور اقتصادی را به خود اختصاص داده است که درواقع معادل ۱/۸۲ درصد متوسط بودجه کل این سالها می‌باشد که درخور بحث خواهد بود.

درحالی‌که در سالهای حکومت رضاشاه در همین جدول دیده می‌شود که: نسبت هزینه این فصل تقلیل فاحش یافته و از ۱۷/۵۵ درصد عصر اول مشروطیت به ۰/۶۶ درصد متوسط بخش امور اقتصادی در این عصر می‌رسد که معادل ۰/٤۶ درصد متوسط بودجه کل سالهای مورد نظر ما می‌باشد.

در سالهای ۲۷-۱۳۲۱، که مقارن سلطنت محمدرضاشاه می‌باشد، اعتبار این وظیفه به کمترین نسبت ممکن که حدود ۰/۳۶ درصد متوسط بخش و یا ۰/۰۶ درصد متوسط بودجه کل کشور در طی ۶ سال مورد گفتگو باشد می‌رسد.

این سیر نزولی اعتبار بخش نظارت بر امور صنعتی و معدنی همچنان ادامه دارد و به گواه یافته‌های جدول شماره ۵۰، مربوط به سالهای ۴۳-۱۳۲۷ شمسی، اعتبار هزینه این فصل با ۱/۳۵ درصد متوسط بخش امور اقتصادی که معادل ۰/۲۳ درصد متوسط بودجه کل در طی سالهای مورد بحث ما باشد، اندک افزایشی‌نسبت به سالهای اولیه عصر سوم مشروطیت پیدا کرده است.

گفتنی است که در دورهٔ تاریخ بودجه‌بندی برنامه‌ای (طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳) به‌استناد جدول شماره ۵۴- این فصل از بخش امور اقتصادی، اعتبار بیشتری از بخش را که معادل ۴/۰۵ درصد متوسط بخش می‌باشد یا ۰/۸۷ درصد متوسط بودجه کل کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

اضافه کنیم که مجموع برنامه‌های زیر، تحت عنوان فصل نظارت بر امور صنعتی، معدنی و بازرگانی سهمی از درآمد دولت را در لوایح قانونی بودجه به خود تخصیص داده‌اند.

نظارت بر امور صنعتی و معدنی، نظارت بر بازرگانی داخلی و خارجی، توسعه و بهبود صادرات و اموری جز اینها.

جدول شماره ۴۴ـ بودجه هر یک از وظایف امور اقتصادی کشور نسبت به کل بودجه در طول سالهای ۱۲۱۹ تا ۱۳۲۷

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول کشاورزی	وظیفه‌دوم صنایع و معادن	وظیفه‌سوم منابع نفت و گاز	وظیفه‌چهارم حمل و نقل و ارتباطات	وظیفه‌پنجم مخابرات	وظیفه‌ششم نظارت‌برامور بازرگانی صنعتی‌ومعدنی	جمع امور اقتصادی	
	نسبت اعتبار / سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر اول مشروطیت	سال ۱۲۲۹					۸/۲۴	۰/۳۹	۸/۶۳	
	" ۱۳۰۰	۰/۰۸				۷/۰۱	۰/۳۱	۷/۴۰	
	" ۱۳۰۱					۶/۴۷	۰/۲۵	۶/۷۲	
	" ۱۳۰۲					۶/۱۵	۲/۸۵	۹/۰۰	
	" ۱۳۰۳	۰/۱۳				۷/۰۰	۳/۵۰	۱۰/۶۳	
	" ۱۳۰۴				۱/۴۰	۶/۶۹	۲/۱۰	۱۰/۱۹	
عصر دوم مشروطیت	" ۱۳۰۵				ـ	۷/۴۵	۲/۹۶	۱۰/۴۱	
	" ۱۳۰۶	۰/۵۱		۰/۰۲	۳۷/۴۵	۴/۶۲	۰/۳۳	۴۲/۹۳	
	" ۱۳۰۷				۰/۷۲	۷/۹۰	۱/۱۳	۹/۷۵	
	" ۱۳۰۸			۰/۰۳	۱/۲۹	۸/۰۹	۰/۹۷	۱۰/۳۸	
	" ۱۳۰۹	۲/۰۹		۰/۰۳	۲/۵۲	۵/۶۶	۳/۴۰	۱۳/۷۰	
	" ۱۳۱۰	۱/۶۹	۱/۱۲	۰/۰۳	۰/۲۲	۵/۰۱	۲/۱۹	۱۰/۲۶	
	" ۱۳۱۱	۰/۲۴	۲/۰۲	۲/۰۰	۰/۱۶	۴/۴۲	۰/۴۹	۹/۳۳	
	" ۱۳۱۲	۰/۲۹	۲/۸۵	۰/۴۶	۱۴/۳۸	۱/۸۴	۳/۵۴	۲۳/۳۶	
	" ۱۳۱۳	۱/۶۱	۱/۶۶	۰/۰۳	۰/۱۳	۴/۱۷	۱/۸۹	۹/۴۹	
	" ۱۳۱۴	۳/۳۶	۳/۷۵	۰/۰۳	۰/۳۲	۴/۱۰	۰/۳۶	۱۱/۹۲	
	" ۱۳۱۵	۲/۷۱	۲/۰۳	۰/۰۱	۲۹/۲۸	۲/۳۰	۰/۱۹	۳۶/۵۲	
	" ۱۳۱۶	۰/۳۹	۰/۰۲	ـ	۹۰/۴۸	۰/۳۵	۰/۰۳	۹۱/۲۷	
	" ۱۳۱۷	۲/۱۶	۰/۲۱	۰/۰۱	۹/۰۸	۲/۴۸	۰/۳۰	۱۵/۲۴	
	" ۱۳۱۸	۲/۰۸	۱/۸۱	ـ	۳۳/۶۴	۲/۲۲	۰/۱۰	۳۹/۸۵	
	" ۱۳۱۹	۲/۵۶	۲۳/۴۴	۰/۰۱	۳۱/۵۹	۲/۲۱	۰/۱۹	۶۰/۰۰	
	" ۱۳۲۰	۳/۵۸	۲۳/۴۴	۰/۰۱	۲۵/۶۴	۲/۰۸	۰/۱۸	۵۴/۹۳	
عصر سوم مشروطیت	" ۱۳۲۱	۳/۹۵	۱۴/۰۳	۰/۰۱	۸/۵۰	۳/۸۱	۰/۰۷	۳۰/۳۷	
	" ۱۳۲۲	۵/۹۳	۰/۷۷	۰/۰۱	۴/۴۰	۴/۰۳	۰/۰۶	۱۵/۲۰	
	" ۱۳۲۳	۲/۸۴	۰/۷۶	۰/۰۱	۴/۳۳	۳/۹۷	۰/۰۶	۱۱/۹۷	
	" ۱۳۲۴	۵/۶۹	۰/۷۴	۰/۰۱	۴/۲۲	۳/۸۷	۰/۰۶	۱۴/۵۹	
	" ۱۳۲۵	۵/۶۴	۰/۷۳	۰/۰۱	۴/۱۸	۳/۸۴	۰/۰۶	۱۴/۴۶	
	" ۱۳۲۶	۸/۲۸	۰/۷۱	۰/۰۱	۴/۰۵	۳/۷۲	۰/۰۶	۱۶/۸۳	

«جدول شماره ۴۵ـ نمودار رشد سالانه هر یک از وظایف مربوط به بخش امور اقتصادی کشور در طی سالهای ۱۳۲۷ـ ۱۲۹۹

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ		وظیفه‌اول کشاورزی	وظیفه‌دوم صنایع و معادن	وظیفه‌سوم منابع نفت و گاز	وظیفه‌چهارم حمل و نقل و ارتباطات	وظیفه‌پنجم مخابرات	وظیفه‌ششم نظارت‌برامور صنعتی‌ومعدنی و بازرگانی		
	درصد رشد / سال شمسی		٪	٪	٪	٪	٪	٪		
عصر اول مشروطیت	سال	۱۲۲۹								
	"	۱۳۰۰					-۲۶/۵۵	-۳۲/۲۸		
	"	۱۳۰۱					—	-۹/۸۳		
	"	۱۳۰۲					۱۷/۳۹	۱۲۸۶/۳۲		
	"	۱۳۰۳					—	۸/۰۰		
	"	۱۳۰۴					۳/۵۸	-۷/۱۹		
عصر دوم مشروطیت	"	۱۳۰۵					۱۲/۷۱	—		
	"	۱۳۰۶					۵/۴۸	-۸۰/۷۵		
	"	۱۳۰۷				-۹۸/۷۶	۹/۴۰	۱۳۴/۳۵		
	"	۱۳۰۸				۱۲۵/۰۰	۲۹/۵۲	—		
	"	۱۳۰۹				۹۷/۷۸	-۲۹/۰۷	۲۵۳/۸۸		
	"	۱۳۱۰	-۱۳/۲۳		۲۰/۰۰۰	-۹۰/۴۵	—	-۳۰/۸۴		
	"	۱۳۱۱	۸۷/۹۱	۱۵۴/۸۷	۸۸۳۷/۵۰	—	۲۲/۶۵	-۶۸/۶۵		
	"	۱۳۱۲	-۶۶/۵۶	۲۶۹/۲۸	-۳۹/۳۹	۲۳۶۴۳/۰۶	۹/۵۹	۱۸۱۱/۳۸		
	"	۱۳۱۳	۱۴۸/۹۴	-۷۴/۱۴	۹۶/۹۲	-۹۹/۵۹	۰/۰۳	-۷۶/۴۱		
	"	۱۳۱۴	۱۲۱/۳۲	۱۳۸/۲۸		۲۳۹۹/۰۴	۲۶/۸۹	-۷۹/۵۰		
	"	۱۳۱۵	۷۸/۷۶	۲۰۲/۳۲		-۱۹۵۰/۹۱	۲/۲۸	۱۶/۶۳		
	"	۱۳۱۶	۳/۹۰	-۴۰/۲۸	۲۱۲۲/۱۳	۲۱۲۲/۱۳	۸/۹۲	۱۷/۸۳		
	"	۱۳۱۷	۳۲/۸۴	۱۰۱/۷۴	-۹۸/۳۵	-۹۸/۳۵	۱۷/۳۱	۵۷/۳۷		
	"	۱۳۱۸	۰/۷۰	۳۲/۲۱		۴۵۹/۱۲	۳۵/۰۲	۰/۰۲		
	"	۱۳۱۹	۵۱/۵۶	۵۹/۳۸		۱۵/۴۳	۲۲/۴۱	۲۰/۳۸		
	"	۱۳۲۰	۸۸/۷۴	۳۴/۹۸		۹/۵۸	۲۶/۷۶	۲۳/۳۲		
عصر سوم مشروطیت	"	۱۳۲۱	-۲۱/۳۵	-۵۷/۳۴	۱۳۱/۵۰	-۷۶/۳۷	۳۳/۳۳	-۷۲/۸۰		
	"	۱۳۲۲	۶۰/۳۹	-۹۴/۱۴	۰/۲۲	-۴۴/۷۳	۱۰/۸۳			
	"	۱۳۲۳	—	—	—					
	"	۱۳۲۴	—	—	—					
	"	۱۳۲۵	—	—	—					
	"	۱۳۲۶	۵۱/۴۵	—	۰/۲۲	۰/۲۲				

«جدول شماره ۴۶ ـ متوسط بودجه وظایف امور اقتصادی در هر یک از اعصار سه‌گانه مشروطیت در طی سالهای «۱۳۲۷ شمسی تا ۱۲۹۹»

	اعصار مشروطیت	عصر اول مشروطیت			عصر دوم مشروطیت			عصر سوم مشروطیت			مجموع اعصار در سالهای (۱۲۹۹ تا ۱۳۲۶)		
	شرح وظایف	متوسط هر وظیفه	نسبت به امور اقتصادی	نسبت به کل بودجه	متوسط هر وظیفه	نسبت به‌کل امور اقتصادی	نسبت به بودجه‌کل	متوسط هر وظیفه	نسبت به‌کل امور اقتصادی	نسبت به بودجه‌کل‌کشور	متوسط هر وظیفه	نسبت به امور اقتصادی	نسبت به بودجه‌کل‌کشور
۱	کشاورزی و دامپروری	۷۵	۰/۹۴	۰/۰۳	۳۰۶۸۴	۳/۰۲	۱/۶۹	۲۰۰۱۷۱	۳۳/۸۳	۵/۹۴	۶۰۴۴۳	۷/۹۳	۳/۳۴
۲	توسعه صنایع و معادن	ــ			۱۸۵۰۰۷	۲۱/۵۱	۱۰/۱۷	۹۳۳۶۷	۱۵/۷۸	۲/۷۷	۱۲۵۷۲۶	۱۶/۵۰	۶/۹۴
۳	« منابع نفت وگاز	ــ			۱۲۰۳	۰/۱۱	۰/۰۷	۴۶۲	۰/۰۸	۰/۰۱	۷۸۶	۰/۱۰	۰/۰۴
۴	حمل ونقل و ارتباطات	۵۸۵	۱۴/۷۲	۰/۲۵	۸۴۳۰۲۰	۷۱/۸۶	۴۶/۳۶	۱۶۴۶۴۵	۲۷/۸۳	۴/۸۹	۵۱۷۱۳۲	۶۷/۸۷	۲۸/۵۶
۵	مخابرات و سایر امور ارتباطی	۱۵۹۲۸	۶۶/۷۹	۶/۹۲	۳۵۵۴۲	۲/۸۴	۱/۹۵	۱۳۰۸۳۳	۲۲/۱۲	۳/۸۸	۵۱۷۵۹	۶/۷۹	۲/۸۶
۶	نظارت بر امور بازرگانی	۴۱۹۱	۱۷/۵۵	۱/۸۲	۸۳۱۳	۰/۶۶	۰/۴۶	۲۱۰۰	۰/۳۶	۰/۰۶	۶۰۹۷	۰/۸۰	۰/۳۴
	جمع	۲۰۷۷۹	۱۰۰	۹/۰۲	۱۱۰۳۷۶۹	۱۰۰	۶۰/۷۰	۵۲۵۳۲۷	۱۰۰	۱۷/۵۵	۷۶۱۹۴۴	۱۰۰	۲۴/۰۸

جدول شماره ۴۸- توزیع بودجه وظایف مربوط به امور اقتصادی کشور نسبت به بودجه کل کشور

در طی سالهای (۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳ شمسی)

اعصار تاریخی مشروطیت		شرح وظایف / تاریخ	وظیفه‌اول کشاورزی و منابع طبیعی	وظیفه‌دوم صنایع و معادن	وظیفه‌سوم منابع نفت و گاز	وظیفه‌چهارم حمل و نقل و ارتباطات	وظیفه‌پنجم مخابرات	وظیفه‌ششم نظارت‌برامور صنعتی‌ومعدنی	جمع امور اقتصادی	
		درصد اعتبار / سال شمسی	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۲۷	۴/۹۴	۰/۶۴		۶/۰۴	۳/۴۰	۰/۰۵	۱۵/۰۷	
	"	۱۳۲۸	۲/۱۹		۰/۰۱	۳/۸۰	۲/۲۵	۰/۴۴	۸/۶۹	
	"	۱۳۲۹	۲/۵۱		۰/۰۱	۳/۷۳	۲/۲۱	۰/۴۴	۸/۹۰	
	"	۱۳۳۰	۲/۴۵		۰/۰۱	۳/۷۷	۲/۲۴	۰/۴۴	۸/۹۱	
	"	۱۳۳۱	۲/۱۴		۰/۰۱	۳/۷۱	۲/۲۰	۰/۴۳	۸/۴۹	
	"	۱۳۳۲	۲/۲۵			۷/۹۰	۲/۹۷	۰/۳۳	۱۳/۴۵	
	"	۱۳۳۳	۲/۰۷			۳/۸۲	۲/۲۷	۰/۴۵	۸/۶۱	
	"	۱۳۳۴	۲/۵۳			۳/۷۸	۲/۶۳	۰/۵۸	۹/۵۲	
	"	۱۳۳۵	۲/۲۸	۰/۲۶		۴/۰۴	۲/۶۵	۰/۱۷	۹/۴۰	
	"	۱۳۳۶	۲/۸۲	۰/۳۲		۵/۸۳	۳/۳۰	۰/۱۷	۱۲/۴۴	
	"	۱۳۳۷	۱/۰۳	۰/۱۹	۱۰/۷۳	۲/۲۵	۱/۰۰	۰/۱۰	۱۵/۳۰	
	"	۱۳۳۸	۱/۱۹	۰/۲۲	۱۳/۵۴	۲/۲۷	۱/۲۳	۰/۱۳	۱۸/۶۸	
	"	۱۳۳۹	۱/۵۷	۵/۴۷	۱۲/۷۴	۲/۴۹	۱/۲۵	۰/۱۷	۲۳/۶۹	
	"	۱۳۴۰	۲/۰۳	۶/۷۰	۱۰/۷۰	۲/۶۳	۱/۳۴	۰/۱۵	۲۳/۵۵	
	"	۱۳۴۱	۲/۱۵	۵/۸۴	۱۰/۴۳	۱/۹۳	۱/۲۵	۰/۱۱	۲۱/۷۱	
	"	۱۳۴۲	۲/۶۲	۰/۴۷	۰/۹۱	۲/۴۰	۱/۷۸	۰/۶۸	۸/۸۶	

«جدول شماره ۴۹ـ نمودار رشد سالانه وظایف بخش امور اقتصادی در طول سالهای ۱۳۲۷ تا ۱۳۴۳

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف نسبت اعتبار سال شمسی	وظیفه‌اول کشاورزی	وظیفه‌دوم توسعه صنایع و معادن	وظیفه‌سوم توسعه منابع نفت	وظیفه‌چهارم حمل ونقل و ارتباطات	وظیفه‌پنجم مخابرات	وظیفه‌ششم نظارت بر امور صنعتی‌ومعدنی		
عصر سوم مشروطیت	سال ۱۳۲۷	-۳۳/۹۷	–	۱۵۰/۶۵	۶۴/۷۹	–	–		
	″ ۱۳۲۸	۳۴/۶۳		–	۷۶/۶۵	۸۸/۳۸	۲۲۴۸/۹۰		
	″ ۱۳۲۹	–		–	–	–	–		
	″ ۱۳۳۰	-۳/۵۲		–	–	–	–		
	″ ۱۳۳۱	-۱۰/۹۵		–	–	–	–		
	″ ۱۳۳۲	۱۴/۷۷			۱۳۳/۱۵	۴۷/۷۶	-۱۸/۶۶		
	″ ۱۳۳۳	-۱۲/۸۷			-۵۷/۱۱	-۳۲/۳۲	۲۲/۹۵		
	″ ۱۳۳۴	۵۳/۹۸			۳۲/۸۷	۵۵/۷۲	۷۴/۹۸		
	″ ۱۳۳۵	۲۰/۳۸			۴۳/۰۸	۳۴/۷۰	-۵۹/۹۶		
	″ ۱۳۳۶	۳۷/۳۷	۳۹/۰۳		۵۹/۶۵	۳۸/۱۵	۵/۷۹		
	″ ۱۳۳۷	۸/۲۶	۷۰/۱۸		۱۴/۹۸	۴/۱۳	۸۷/۵۸		
	″ ۱۳۳۸	۱۵/۵۰	۱۸/۱۸	۲۵/۵۰	۰/۱۴	۱۴/۵۹	۲۱/۰۸		
	″ ۱۳۳۹	۶۴/۳۹	۳۰۷۳/۴۹	۱۸/۶۴	۴۰/۱۹	۱۹/۶۶	۶۶/۳۸		
	″ ۱۳۴۰	۴۷/۱۴	۳۶/۴۵	-۵/۴۵	۱۷/۵۰	۱۹/۲۴	-۰/۶۳		
	″ ۱۳۴۱	۳/۶۰	-۱۴/۸۱	-۴/۶۲	-۲۸/۱۸	-۸/۴۷	-۲۷/۸۴		
	″ ۱۳۴۲	۲۱/۹۵	-۹۴/۸۵	-۹۴/۴۴	-۲۰/۳۸	-۸/۹۹	۲۹۹/۹۰		

«جدول شماره ۵۰ ـ متوسط بودجهٔ وظایف بخش امور اقتصادی کشور

در سالهای (۱۳۲۷ ـ ۱۳۴۳)

	نوع وظیفه اصلی	امور اقتصادی		
	شرح وظایف	فراوانی	به امور اجتماعی	به کل بودجه
			درصد	درصد
۱	کشاورزی و منابع طبیعی	۷۰۵۰۲۲	۱۱/۱۰	۱/۹۳
۲	توسعه صنایع و معادن	۱۰۴۵۱۳۶	۱۶/۴۶	۲/۸۶
۳	توسعه منابع نفت وگاز	۲۸۸۶۹۰۹	۴۵/۴۷	۷/۹۱
۴	حمل ونقل و ارتباطات	۱۰۳۵۴۴۷	۱۶/۳۱	۲/۸۴
۵	مخابرات	۵۹۰ ۸۴۵	۹/۳۱	۱/۶۲
۶	نظارت بر امور صنعتی و معدنی و بازرگانی	۸۵۴۴۴	۱/۳۵	۰/۲۳
	جمع متوسط امور اقتصادی	۶۳۴۸۸۰۳	۱۰۰	۱۷/۳۹

«جدول شماره ۵۲ـ نمودار توزیع بودجه وظایف مربوط به امور اقتصادی کشور
در طی سالهای ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶»

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف / تاریخ		وظیفه‌اول کشاورزی و منابع طبیعی	وظیفه‌دوم منابع آب	وظیفه‌سوم برق	وظیفه‌چهارم توسعه صنایع و معادن	وظیفه‌پنجم منابع توسعه نفت وگاز و بهره‌برداری	وظیفه‌ششم حمل و نقل و ارتباطات	وظیفه‌هفتم مخابرات و سایر امور ارتباطی	وظیفه هشتم نظارت بر امور صنعتی ومعدنی و بازرگانی	جمع
	سال شمسی		٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	
عصر سوم مشروطیت	سال	۱۳۴۳	۰/۸۳	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۸	—	۱/۶۰	۰/۸۴	۰/۲۷	۳/۷۰
	"	۱۳۴۴	۲/۶۸	۱/۴۱	۳/۱۵	۲/۶۲	۲/۴۹	۶/۱۵	۱/۲۷	۰/۲۱	۲۰/۹۸
	"	۱۳۴۵	۳/۲۳	۲/۳۳	۳/۱۴	۳/۱۲	۳/۹۷	۷/۴۱	۱/۵۳	۰/۲۷	۲۵/۰۰
	"	۱۳۴۶	۱/۸۷	۱/۶۰	۳/۲۲	۲/۴۷	۴/۴۰	۵/۱۹	۱/۲۵	۰/۲۴	۲۰/۲۴
	"	۱۳۴۷	۱/۴۸	۲/۱۶	۱/۸۳	۲/۳۲	۶/۹۱	۵/۱۵	۰/۷۸	۰/۲۱	۲۰/۸۴
	"	۱۳۴۸	۲/۱۸	۲/۲۶	۱/۷۴	۴/۶۶	۳/۴۲	۳/۸۷	۱/۲۲	۰/۲۸	۱۹/۶۳
	"	۱۳۴۹	۲/۳۰	۱/۹۸	۱/۵۳	۳/۶۰	۲/۵۲	۴/۰۵	۲/۸۶	۰/۲۳	۱۹/۰۷
	"	۱۳۵۰	۳/۵۰	۲/۷۲	۳/۳۲	۴/۵۵	۲/۹۴	۵/۸۵	۳/۷۹	۰/۲۳	۲۶/۹۰
	"	۱۳۵۱	۳/۶۴	۲/۹۰	۲/۵۹	۳/۵۳	۲/۹۱	۵/۶۰	۳/۳۴	۰/۲۲	۲۴/۷۳
	"	۱۳۵۲	۴/۲۰	۲/۰۵	۱/۶۶	۳/۳۴	۲/۶۳	۳/۳۵	۱/۹۷	۰/۲۵	۱۹/۴۵
	"	۱۳۵۳	۴/۹۸	۱/۸۷	۲/۱۶	۴/۳۸	۳/۱۷	۳/۰۷	۱/۶۲	۰/۱۲	۲۱/۳۷
	"	۱۳۵۴	۵/۵۵	۱/۲۶	۱/۵۲	۴/۷۶	۱/۰۶	۲/۹۸	۱/۱۰	۰/۰۹	۱۸/۳۲
	"	۱۳۵۵	۴/۱۱	۱/۳۷	۴/۳۵	۳/۴۹	۱/۸۳	۲/۸۶	۰/۹۵	۰/۷۲	۱۹/۶۷
	"	۱۳۵۶	۲/۱۵	۱/۵۷	۶/۰۷	۴/۰۹	۴/۰۸	۳/۷۹	۱/۱۴	۲/۴۲	۲۵/۳۱

«جدول شماره ۵۳ـ نمودار رشد سالانه بودجه وظایف مربوط به امور اقتصادی کشور

در طی سالهای «۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷»

اعصار تاریخی مشروطیت	شرح وظایف	وظیفه‌اول کشاورزی و منابع طبیعی	وظیفه‌دوم منابع آب	وظیفه‌سوم برق	وظیفه‌چهارم توسعه صنایع و معادن	وظیفه‌پنجم توسعه منابع نفت و گاز و بهره‌برداری	وظیفه‌ششم حمل ونقل و ارتباطات	وظیفه‌هفتم مخابرات و سایر امور ارتباطی	وظیفه هشتم نظارت بر امور صنعتی معدنی و بازرگانی
	درصد رشد سال شمسی	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪	٪
عصر سوم مشروطیت	سال ۱۳۴۳	۰/۸۳	۰/۰۷	۰/۰۱	۰/۰۸	ــ	۱/۶۰	۰/۸۴	۰/۲۷
	« ۱۳۴۴	۳۶۴/۰۷	۲۷۳۹/۲۰	۱۴۳۸/۸۰	۴۵۱۹/۳۶		۴۵۰/۳۲	۱۱۸/۱۹	۱۰/۹۸
	« ۱۳۴۵	۱۱/۵۳	۵۳/۳۷	-۳۰/۰۱	۱۰/۳۶	۴۷/۵۶	۱۱/۶۵	۱۱/۶۰	۱۴/۷۰
	« ۱۳۴۶	-۱۸/۱۴	-۳/۰۵	۴۴/۹۱	۱۰/۲۱	۵۶/۵۹	-۱/۱۰	۱۵/۶۲	۴۸/۳۹
	« ۱۳۴۷	۲/۱۲	۷۴/۳۷	-۲۶/۷۱	۲۳/۱۰	۱۰۱/۵۳	۲۷/۸۷	-۱۹/۷۳	-۳/۷۳
	« ۱۳۴۸	۷۴/۳۱	۲۳/۸۰	۱۲/۸۳	۱۳۸/۰۴	-۴۱/۴۰	-۱۱/۰۷	۸۴/۸۰	۵۸/۰۳
	« ۱۳۴۹	۲۳/۷۱	۲/۶۱	۲/۹۹	-۱۰/۲۳	-۱۳/۶۰	۲۲/۶۵	۱۷۵/۶۱	-۳/۰۴
	« ۱۳۵۰	۴۴/۱۴	۳۰/۰۵	۱۰۵/۴۴	۱۹/۵۹	۱۰/۶۵	۳۶/۸۴	۲۵/۶۴	-۳/۱۲
	« ۱۳۵۱	۲۶/۱۹	۲۹/۴۶	-۵/۳۴	-۶/۱۴	۲۰/۰۶	۱۶/۰۱	۶/۹۱	۱۲/۵۷
	« ۱۳۵۲	۴۱/۷۵	-۱۲/۹۴	-۲۱/۱۰	۱۸/۸۲	۱۰/۵۶	-۲۶/۴۰	-۲۷/۵۸	۴۷/۲۳
	« ۱۳۵۳	۸۶/۶۱	۴۳/۱۵	۱۰۴/۱۷	۱۰۲/۲۰	۹۰/۱۹	۴۴/۰۱	۲۹/۱۳	-۳۱/۵۶
	« ۱۳۵۴	۱۳۸/۱۰	۴۴/۵۹	۵۰/۱۸	۱۳۲/۴۵	-۲۸/۲۰	۱۰۷/۶۴	۴۵/۳۲	۶۰/۹۸
	« ۱۳۵۵	-۵/۶۵	۳۷/۸۳	۲۶۵/۳۶	۷/۳۱	۱۱۹/۶۹	۲۲/۲۰	۱۰/۰۳	۹۶۷/۹۴
	« ۱۳۵۶	-۳۷/۳۸	۳۶/۹۰	۶۶/۸۴	۴۱/۰۷	۱۶۵/۵۴	۵۸/۶۱	۴۲/۳۸	۳۰۳/۶۶

«جدول شماره ۵۴ ـ متوسط بودجهٔ وظایف مربوط به امور اقتصادی کشور
در طی سالهای «۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷»

	شرح وظایف	متوسط هر وظیفه	متوسط هر وظیفه به بودجه امور عمومی	متوسط هر وظیفه به بودجه کل کشور
۱	کشاورزی و منابع طبیعی	۳۴۸۱۳۲۴۳	۱۶/۶۹	۳/۵۷
۲	توسعه و تأمین منابع آب	۱۶۱۳۳۲۳۳	۷/۷۳	۱/۶۵
۳	تأمین نیروی	۳۴۷۰۶۵۵۲	۱۶/۶۴	۳/۵۶
۴	توسعه صنایع‌و معادن	۳۷۹۳۲۷۱۱	۱۸/۱۸	۳/۸۹
۵	« منابع‌نفت وگاز بهره‌برداری از آن	۲۷۱۰۲۷۹۸	۱۲/۹۹	۲/۷۸
۶	فعالیتهای انتفاعی *	۲۱۲۳۹۳	۰/۱۰	۰/۰۲
۷	حمل ونقل و ارتباطات	۳۵۵۲۱۶۴	۱۷/۰۵	۳/۶۴
۸	مخابرات و سایر امور ارتباطی	۱۳۷۰۶۱۷۲	۶/۵۷	۱/۴۰
۹	نظارت بر امور صنعتی و معدنی	۸۴۵۸۰۸۸	۴/۰۵	۰/۸۷
	جمع	۲۰۸۶۲۷۳۴۴	۱۰۰	۲۱/۳۸ ۰/۰۶
				۲۱/۴۴

برنامه مالی شرکتها و مؤسسات دولتی و انتفاعی

ضرورت رشد و گسترش اقتصاد کشور، و اتخاذ سیاست متمرکز اقتصادی، دولتهای دوران مشروطیت را ناگزیر به مداخله و ارشاد در زمینه‌های مختلف امور اقتصادی، بصورت ایجاد و گسترش سازمانهایی همچون، شرکتها و مؤسسات دولتی و انتفاعی ساخت.[۷] این مؤسسات دولتی و شرکتها، به‌حکم ضرورت ایفای نقشی که در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور دارند، هرچند خود با ارایه خدمات، مبالغ درخور ملاحظه‌ای به بودجه عمومی کشور کمک می‌کنند، با اینهمه دولت در مواردی، برای افزایش سرمایه و جبران زیان عملیات جاری، در لوایح بودجه پیشنهادی، از محل بودجه عادی و عمرانی به این مؤسسات و شرکتها اعتباری سالانه اختصاص می‌دهد.

داده‌های آماری جدول شماره ۱۰، مربوط به توزیع بودجه کل کشور در طی سالهای ۱۳۲۷-۱۲۹۹، هزینهٔ این بخش را ۱/۰۴ درصد متوسط بودجه کل کشور نشان می‌دهد، و نیز به‌موجب همین جدول در لوایح بودجه سالهای عصر اول مشروطیت، اعتبار این هزینه بصورت مستقل دیده نمی‌شود. ولی در دورهٔ سلطنت پهلوی اول، سهم هزینه این مؤسسات با نسبت ۱/۳۹ درصد متوسط بودجه کل سالانه این عصر را دربر می‌گیرد.

درحالی‌که نسبت سهم این وظیفه در شش سال اولیه عصر حکومت پهلوی دوم، به‌موجب یافته‌های جداول آماری اعتبار اندکی برای این بخش درنظر گرفته شده (با نسبت ۱۰/۶۲ درصد)

در طی سالهای ۴۳-۱۳۲۷، به‌استناد جدول شماره ۱۴ـ مؤسسات و شرکتهای انتفاعی از بودجه کل کشور بطور متوسط، معادل ۱۶/۵۴ درصد متوسط بودجه کل دوره مورد بحث، هزینه قابل توجهی را به خود اختصاص داده‌اند.

ولی در سالهای بودجه برنامه‌ای (۵۷-۱۳۴۳)، به‌گواه جدول شمارهٔ ۱۸ جمع اعتبار مؤسسات و شرکتهای دولتی از لوایح بودجه کل کشور، بطور متوسط معادل ۲۹/۱۷ درصد می‌باشد که اختصاص، به مؤسسات انتفاعی، شرکتهای دولتی و سایر مؤسسات دارد.[۸]

۷ـ در اموری همچون برق، آب، صنایع، کشاورزی، ارتباطات و مخابرات فعالیت دارند.

۸ـ برای اطلاع از میزان دریافت اعتبار سالانه رجوع کنید به جداول بودجه وظایف هر بخش به بودجه کل در هر یک از ادوار سه‌گانه تاریخ تنظیم بودجه.

برنامه مالی، هزینه‌های متفرقه، دیون و تعهدات

در لوایح پیشنهادی بودجه قانونی در طول سالهای مشروطیت از طرف دولت به مجلس شورای ملی، اعتباری تحت عنوان هزینه‌های متفرقه و دیون و تعهدات منظور شده است که ذکر آن بطور اجمال خالی از فایده نخواهد بود.

جدول شماره ۴۶- مربوط به توزیع هزینه متوسط وظایف، در بودجه کل کشور، هزینه‌های متفرقه را در اولین دوره از تقسیمات بودجه‌نویسیی که مبتنی بر بودجه جاری بوده است، با نسبتی بیش از ۳/۶ درصد و از آن دیون و تعهدات را با نسبت ۴/۵۲ درصد بودجه کل کشور در طی سالهای ۱۳۲۱-۱۲۹۹ نشان می‌دهد.

چنانچه اعتبار این امور را در هر یک از اعصار سه‌گانه مشروطیت مراد باشد، عصر اول مشروطیت به‌موجب جدول شماره ۴۶، در لوایح بودجه، برای هزینه‌های متفرقه اعتباری در سطح ۶/۱۲ درصد متوسط بودجه کل سالهای مورد پژوهش، و برای تعهدات و دیون و اموری جز اینها، با نسبتی حدود ۴/۵ درصد بودجه کل منظور شده است.

در عصر دوم مشروطیت، برای بخشهای مورد گفتگو، هزینه‌ای معادل ۲/۸۵ درصد متوسط بودجه کل برای هزینه‌های متفرقه، و ۲/۲۵ درصد برای دیون و تعهدات تخصیص داده‌اند.

در سالهای اولیه عصر سوم مشروطیت نیز، اعتبار هزینه‌های متفرقه بطور متوسط با ۴/۵۳ درصد و از آن فصل دیون و تعهدات با نسبت ۷/۷۶ درصد می‌توان ذکری به‌میان آورد.

و اما در دومین دوره از تقسیمات بودجه‌نویسی (۴۳-۱۳۲۱)، هزینه‌های متفرقه سهمی بطور متوسط معادل ۳/۴۶ درصد بودجه کل کشور در طول سالهای مورد نظر، و دیون و تعهدات با ۱/۷۳ درصد متوسط بودجه سالانه را به خود اختصاص داده‌اند.

دوران سوم تاریخ بودجه (۵۷-۱۳۴۳)، دولتها برای هزینه‌های متفرقه از بودجه عمومی بطور متوسط اعتباری برابر ۳/۱۰ درصد که معادل ۲/۲۰ درصد متوسط بودجه کل می‌باشد منظور داشته‌اند.

و برای دیون و تعهدات نیز از بودجه عمومی سهمی با نسبت ۷/۶۰ درصد که معادل ۵/۳۸ درصد متوسط بودجه کل باشد تخصیص داده‌اند که بر این نسبت اعتبار

سرمایه‌گذاری در خارج از کشور و پرداخت وام به کشورهای خارجی را که معادل ۳/۷۴ درصد بودجه عمومی، یا ۲/۶ درصد متوسط بودجه سالهای مورد پژوهش است، باید افزود که جمعاً نسبتی معادل ۱۱/۳۴ درصد بودجه عمومی که درواقع ۸/۰۴ درصد متوسط بودجه کل کشور در طی سالهای ۵۷-۱۳۴۳ باشد را شامل می‌گردد.[۹]

۹ـ برای اطلاع از میزان دریافت سالانه این فصل رجوع کنید به جداول بودجه سالانه برحسب وظیفه در هر یک از ادوار سه‌گانه تاریخ تنظیم بودجه.

فهرست منابع و مآخذ

ادیب هروی: محمدحسن

تاریخ پیدایش مشروطیت ایران، مشهد ۱۳۳۱

امیر جاهد: محمدعلی

سالنامه پارس دورهٔ کامل، تهران

امیرخیزی: اسماعیل

قیام آذربایجان و ستارخان، تبریز ۱۳۳۹

بهار: محمدتقی ملک‌الشعرا

تاریخ احزاب سیاسی، تهران ۱۳۲۲

براون: ادوارد

تاریخ انقلاب ایران ترجمهٔ احمد پژوه، تهران ۱۳۲۹

دولت‌آبادی: یحیی

تاریخ معاصر یا حیات یحیی، تهران ۱۳۲۸

سپهر: احمدعلی

ایران در جنگ بزرگ، تهران ۱۳۳۶

شوستر: مورگان

اختناق ایران: کلکته - ربیع‌الثانی ۱۳۳۳

فاتح: مصطفی

پنجاه سال نفت ایران، تهران ۱۳۳۵

قدیمی: ذبیح‌الله

تاریخ انقلاب نفت

کرزن:

ایران و مسأله ایران: ترجمه میرزا محمد ۱۳۱۱

ترجمه علی جواهرکلام ۱۳۳۰

کسروی: احمد

تاریخ مشروطه ایران، تهران - ۱۳۱۶

تاریخ هجده ساله آذربایجان - ۱۳۵۵

مکی: سیدحسین

تاریخ بیست ساله ایران، تهران ۲۵-۱۳۲۳

مختاری: حبیب‌الله

تاریخ بیداری ایران، تهران ۱۳۲۶

مستوفی: عبدالله

تاریخ اجتماعی و اداری دورهٔ قاجاریه

معاصر: حسن

تاریخ استقرار مشروطیت، تهران ۱۳۴۷

ملک‌زاده

ناظم‌الاسلام کرمانی: محمد

تاریخ بیداری ایرانیان، تهران ۱۳۲۴

نوری‌اسفندیاری: فتح‌الله
رستاخیز ایران، تهران ۱۳۳۵
ویجویه: حاج محمدباقر
تاریخ انقلاب آذربایجان، ۱۳۲۶ قمری
هدایت ـ مخبرالسلطنه: مهدیقلی‌خان
خاطرات و خطرات، تهران ۱۳۴۴
اقبال‌آشتیانی: عباس
مجله یادگار
امیرانی: علی‌اصغر
دورهٔ مجله خواندنیها
طباطبایی: عبدالکریم
سالنامه دنیا
مسعودی: عباس
اطلاعات در ربع قرن ۱۳۲۹
سالنامه اطلاعات ۱۳۴۱
اطلاعات ماهانه از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۶
روزنامه اطلاعات
مؤسسه فرهنگی و مطبوعاتی جاویدان
سالنامه جاویدان، تهران ۱۳۲۸
میرزا زمانی: محمدرضا
سالنامه کشور ایران
دورهٔ کتابهای آبی: ر.ک. فهرست منابع و مآخذ کتاب نمایندگان
مجموعه‌های قوانین: ادوار مختلف قانونگذاری
مذاکرات مجلس شورای ملی:
مدارک و اسناد:
بایگانی، ادارهٔ قوانین مجلس شورای ملی
بایگانی، نخست‌وزیری
کارگزینی: وزارت امور خارجه
وزارت دارایی
سازمان برنامه و بودجه
روزنامه‌های کثیرالانتشار: دوران مشروطیت
ملک‌زاده: دکتر مهدی
تاریخ مشروطیت ایران ـ در هفت جلد، تهران

فهرست اعلام